ثواب الاعمال و عقاب الاعمال

با ترجمه فارسی

پاداش نیکی‌ها و کیفر گناهان

شیخ صدوق ره

به اهتمام: محمدعلی مجاهدی

بسم الله الرحمن الرحیم

پاداش نیکیها و کیفر گناهان: ترجمه ثواب الاعمال و عقاب الاعمال

نویسنده:

محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق

ناشر چاپی:

سرور

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پاداش نیکیها و کیفر گناهان: ترجمه ثواب الاعمال و عقاب الاعمال

مشخصات کتاب

سرشناسه : ابن بابویه، محمد بن علی ، ۳۱۱- ۳۸۱ق.

عنوان قراردادی : ثواب الاعمال و عقاب الاعمال .فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : پاداش نیکیها و کیفر گناهان: ترجمه ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ شیخ صدوق؛ به اهتمام محمدعلی مجاهدی.

مشخصات نشر : قم: سرور ، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۸۳۹ ص.

شابک : ۹۰۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۱۴-۱۳-۹ ؛ ۲۲۵۰۰۰ ریال(چاپ هفتم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (چاپ پنجم)

یادداشت : فارسی - عربی.

یادداشت : چاپ پنجم.

یادداشت : چاپ هفتم : ۱۳۹۱.

یادداشت : عنوان دیگر: ثواب الاعمال و عقاب الاعمال.

یادداشت : عنوان روی جلد: ثواب الاعمال و عقاب الاعمال با ترجمه فارسی.

عنوان روی جلد : ثواب الاعمال و عقاب الاعمال با ترجمه فارسی.

عنوان دیگر : ثواب الاعمال و عقاب الاعمال.

موضوع : ثواب و عقاب

شناسه افزوده : مجاهدی، محمدعلی، ۱۳۲۲ - ، مصحح

رده بندی کنگره : BP۲۲۲/۶ /الف۲ث۹۰۴۱ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۴

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۲-۴۶۵۱

فهرست مطالب

ثواب گفتن «بسم اللّه» به هنگام ورود به

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۰

برآوردن حاجتش کند، یا تشنگی و یا گرسنگی و یا برهنگی او را برطرف سازد، یا او را با مرکبش بردارد، یا او را بی نیاز گرداند، یا او را کفن کند، یا او را تزویج

اللّٰه علیه و آله و سلّم ۳۹۵

ثواب کسی که بعد از طلوع فجر صد بار صلوات بفرستد بر محمد صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم و آلش علیهم السّلام ۳۹۶

ثواب کسی که بر محمد صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم و اهل بیتش علیهم السّلام صلوات بفرستد ۳۹۷

ثواب کسی که در روز جمعه صد بار صلوات بفرستد بر رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم ۳۹۷

ثواب کسی که در تعقیبات نماز صبح و مغرب پیش از آنکه برخیزد یا با کسی صحبت کند، آیه إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ ... تا آخر آیه را بخواند، سپس بر محمد و آلش علیهم السّلام صلوات بفرستد ۳۹۸

ثواب کسی که یک سوّم یا نصف یا همه صلوات خود را به رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم اختصاص دهد ۴۰۰

ثواب کسی که بعد از صلوات فرستادن بر رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم، بر اهل بیت او نیز صلوات بفرستد ۴۰۱

ثواب کسی که پس از نماز روز جمعه بر رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم و خاندان و اوصیای وی صلوات بفرستد ۴۰۳

ثواب کسی که در یک روز صد بار بگوید «ربّ صلّ علی محمد و اهل بیته» ۴۰۴

ثواب کسی که با صدایی رسا بر پیغمبر صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم صلوات بفرستد ۴۰۵

ثواب کسی که پس از نماز صبح ده مرتبه بگوید «سبحان اللّٰه العظیم و بحمده و لا قوّه إلّا باللّٰه العلیّ العظیم»، و ثواب کسی که در تعقیب هر نماز بگوید «اللهم اهدنی من عندك و افض علیّ من فضلك و

بگوید «الحمد للّٰه» و هنگام ارتکاب گناه بگوید «استغفر اللّٰه» ۴۲۰

خیری که پاداش آن زودتر می رسد ۴۲۱

ثواب کسی که سه بار فَسُبْحانَ اللَّهِ حِینَ تُمْسُونَ وَ حِینَ تُصْبِحُونَ ... را در شب و روز تلاوت کند ۴۲۲

ثواب پارسائی در دنیا ۴۲۳

ثواب کسی که در آغاز و پایان هر روز و شب عمل نیکی انجام دهد ۴۲۳

ثواب گریستن از

ثواب خورنده ای که شکر می کند، و تندرستی که سپاس می گزارد ۴۵۹

ثواب نیکوکاری ۴۶۰

ثواب نظر امید داشتن به آنچه نزد خداوند عزّ و جل ۴۶۰

ثواب نگهداری

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۱

کیفر آنکه به هنگام گناه، بخندد! ۵۶۶

ابن بابویه، محمد بن علی – مجاهدی، محمد علی، پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ۱جلد، انتشارات سرور – قم، چاپ: اول، ۱۳۸۱ش. پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال ؛ ؛ ص۲۲

فر کسی که برای غیر خدا کاری انجام دهد ۵۶۷

کیفر کسی که خواهش

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۳

کیفر خودکشی ۶۹۸

کیفر کسی که (حتی) به نیم کلمه در کشته شدن مؤمنی سهیم باشد ۶۹۸

کیفر کسی که از روی عمد شخصی را بکشد ۶۹۹

کیفر کسی که در قتل مسلمانی شرکت کند یا به آن راضی باشد ۷۰۳

کیفر کسی که مرتکب قتل شود، یا به قاتلی پناه دهد ۷۰۵

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۶

کیفر کسی که قرآن را وسیله کسب روزی خود قرار دهد ۷۰۵

کیفر کسی که به ناروا بعضی از آیات قرآنی را با آیات دیگر تفسیر کند ۷۰۶

کیفر کسی که به هنگام سفر، بطور

پیشگفتار

محمـد بن علی بن حسـین موسـی بن بابویه قمی معروف به «ابن بابویه» و «صدوق» با کنیه «ابو جعفر» از محدثان و فقهای طراز اول شیعی است که در سده چهارم می زیسته است. وی و برادرش ابو عبد اللَّه حسین بن علی در دوران غیبت صغری به برکت دعای حضـرت ولی عصر (ارواحنا فداه) در قم به دنیا آمده و در توقیع مبارکی که از ناحیه مقدسه صادر شده به «فقیه» و «خیر» و «مبارک» موصوف گردیده است.

او به «شیخ صدوق» شهرت دارد و علمای رجال از وی و پدر بزرگوارش ابو الحسن علی بن حسین موسی (متوفای سال ۳۲۹ ه. ق) با عنوان «صدوقین» یاد کرده اند.

شیـخ صـدوق از مشایـخ علمای بزرگ حدیث بلکه شیخ المشایخ و رئیس المحدثین است که اعاظم علمای مذهب جعفری از محضـر او استماع حـدیث نموده و شـیخ مفیـد و ابن شاذان و غضائری و شـیخ ابو جعفر محمـد دوریستی و بزرگان دیگر از او روایت کرده اند.

تألیفات گرانسـنگ شـیخ صـدوق را در موضوعات دینی تا حـدود سیصد اثر ذکر کرده انـد که برای نمونه می توان از: من لا یحضـره الفقیه، اکمـال الـدین، الامـالی، عیون اخبـار الرضـا علیه السّـلام، معـانی الاخبار، علل الشـرائع، الخصال، معرفه الرّجال، النّواهی، الهدایه،

فضائل الشیعه، التوحید و ثواب الأعمال و عقاب الأعمال نام برد.

وی در زمانه سلاطین آل بویه- که خاندانی ایرانی نژاد و معتقد به امامت و ولایت ائمه

اطهار علیهم السّلام بودند- می زیسته، و مورد احترام و اکرام رکن الدّوله و وزیرش صاحب بن عبّاد قرار داشته است. او کتاب (عیون اخبار الرضا علیه السّلام) را به نام همین وزیر دانشمند تألیف کرد و در سفری که برای دیدار با ابو عبد اللّه نعمت نقیب به بلخ کرد اثر ممتاز و مشهور خود موسوم به «من لا یحضره الفقیه» را به نام او نگاشت.

شیخ صدوق در اواخر عمر به شهر ری رفت و در همان جا می زیست و سرانجام به سال ۳۸۱ ه. ق بدرود حیات گفت و مزار او هم اکنون در همان شهر زیارتگاه شیفتگان معارف اسلامی و پیروان مذهب حقّه جعفری است.

پدر بزرگوارش ابو الحسن علیّ بن حسین بن موسی (متوفّای سال ۳۲۹ ه. ق) معروف به «صدوق اول» نیز از اکابر فقهای شیعی به شمار می رود، و از نامه هایی که امام حسن عسکری علیه السّلام برای او مرقوم فرموده اند می توان به منزلت شامخ علمی و معنوی او پی برد.

وی در سال ۳۲۸ ه. ق برای ملاقات با حسین بن روح یکی از نوّاب خاص امام زمان (عج) به بغداد رفت، و در اینکه وی به مرگ طبیعی از دنیا رفته و یا به شهادت رسیده، در میان مورّخان و علمای اسلامی اختلاف است. در بعضی از نسخه های نجاشی آمده است که در بغداد وفات کرده، ولی مؤلّف مجمع البحرین بر آن است که گروهی از قرامطه او را در مکّه به شهادت رسانیده اند. مزار شریف او در قم زیارتگاه علمای بزرگ و اهالی متدین این سامان و زایران کریمه اهل بیت، حضرت فاطمه معصومه علیها السّلام می باشد.

کتاب «ثواب الأعمال و

عقاب الأعمال» شیخ صدوق از دیرباز مورد عنایت شیفتگان

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۹

معارف شیعی قرار داشته و بارها چاپ و منتشر شده، و ترجمه های فارسی این اثر نیز با اقبال پیروان با اخلاص آل اللّٰه مواجه بوده است.

این خوشه چین خرمن آثار علمای بزرگ اسلامی و معاریف شیعی با مقابله ترجمه های فارسی این اثر ماندگار و بازنویسی آنها، نهایت کوشش خود را به کار گرفته است تا با انشایی ساده و روان به ارایه ترجمه ای اقدام کند که بیش از پیش مورد استفاده و مطالعه عموم فارسی زبانان قرار گیرد.

لازم به یاد آوری است جهت آسان نمودن دسترسی به متون روایات، اسناد آنها به انتهای کتاب منتقل گردید.

اجر معنوی این نوشتار را به روح پاک پدر بزرگوارم علّامه نستوه مرحوم آیت اللّٰه آقا میرزا محمّد مجاهدی تبریزی قدّس سرّه نثار می کنم؛ و ضمن تشکر از آقای عبد الحسن سلمان که در مرحله اول، متن اصلی کتاب حاضر را به فارسی برگردانید، از تمامی عزیزانی که در احیای متون روایی شیعی و چاپ و نشر آنها اهتمام می ورزند، التماس دعا دارم.

بمنّه و کرمه قم- محمد علی مجاهدی

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۳

بنام خداوند بخشنده مهربان

مقدمه

(۱) ستایش، اختصاص به خداوند یکتائی دارد که (از ازل) بوده و (تا ابد) خواهد بود؛ و توصیف وجود حضرتش (حد) و (نهایت) نپذیرد، و غنودن را بر او راه نیست. نه هستیش را سرآغازی است و نه بقایش را سرانجامی. آفریده هایش، دلیل وجود اویند و بر جاودانگیش گواه، و همانندی کائنات بر بیهمانندی او رهنمون، همو که نظام شگرف

آفرینش را بر قدرت لا یزال خویش به گواه ساخته و ذات بیچونش را از هر پیرایه ای، پرداخته؛ و (خود را) از دیده شدن (به چشم سر و نه به چشم سرّ) منزه داشته است. عنقای اندیشه را بر قلّه رفیع معرفتش راه نیست. آنکه هیچ موجودی، همانند او نتواند بود، و او خود شنوا و بیناست.

و شهادت می دهم که خدائی جز پروردگار یگانه بی انباز نیست، همان خدائی که برای اطاعت از فرامینش پاداش نیک و ثواب؛ و برای نافرمانی، کیفر و عقاب مقرّر فرموده است.

و شهادت می دهم که محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بنده و پیامبر اوست. او را با کتابی (قرآن) محکم و روشن و آیات ماندگار (برای راهنمائی بشر) فرستاد؛ کتابی که باطل را بر او راه نیست و از سوی خداوند حکیم و ستوده (بر پیامبرش) فرود آمده است.

و شهادت می دهم که امیر مؤمنان علیّ بن ابی طالب علیه السّلام و پیشوایان پاک- که فرزندان اویند- پس از انقطاع رشته وحی الهی حجّتهای پروردگار بر تمام آفریدگان اویند.

و شهادت می دهم که مؤمنان راستین، پیروان و دوستان واقعی آنانند، همان کسانی که به راستی

از سنّت آنان پیروی کرده، و بر صراط مستقیم استوارند. و کسانی که از پیروی آنان سرباز زده و از راه و روش آنان روی برتافتند، و به دستوراتشان عمل نکردند و بر طبق سنّتشان رفتار ننموده، و راهی جز ره آنان در پیش گرفتند، از راه حق دوری جسته و گمراه شدند.

از خداوند می خواهم که ما را در آئین و پیروی و دوستی آنان استوار

و ثابت قدم بدارد، و دلهای ما را که خود رهنمای ما بوده است، از این مسیر برنگرداند و رحمتش را بر ما ارزانی دارد، که او بسیار کریم و بخشنده است.

شیخ ابو جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی (معروف به شیخ صدوق و مؤلّف این اثر ارزشمند) گوید:

آنچه مرا به تألیف این کتاب (ثواب الاعمال و عقاب الاعمال) واداشت، حدیثی از رسول اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم است که فرمود: آنکه (مردم را) به کار خیر رهنمون باشد، همانند کسی است که خود آن کار را انجام داده باشد.

نام این کتاب را (ثواب الاعمال) نهادم و از (فضل) ایزد منّان چشم آن دارم که مرا پاداش و ثواب آن را از من دریغ نفرماید، زیرا هدف من از این کار، فقط خشنودی و تحصیل رضایت خداوندی است و بجز این، چشمداشت دیگری از تألیف این کتاب ندارم. و هیچ جنبش و نیروئی نیست که از جانب خداوند نباشد، اوست که ما را (از دیگران) بی نیاز می کند، و او بهترین وکیل است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۵

کتاب ثواب الاعمال

ثواب ذکر لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ

(۱) ۱- ابو سعید خدری از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که پروردگار جهانیان به حضرت موسی بن عمران فرمود:

ای موسی! اگر تمام آسمانها و ساکنان آنها و هفت طبقه زمین را در یک کفّه، و لا اله الّا اللَّه را در کفّه دیگری قرار دهند، در نزد من (که خداوند جهانم) این کفّه (از نظر ارزش) سنگین تر است.

(۲) ۲- از جابر بن عبد اللَّه روایت شده است

که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: دو چیز است که

موجب دو چیز دیگر است:

یکی، مردن با اقرار به یگانگی خداوند که سبب ورود به بهشت است، و دیگری مردن در حال شرک به خدای یگانه که سبب ورود در دوزخ می شود.

(۱) ۳- جابر از امام باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: ذکر لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ را به مردگان خود تلقین کنید، زیرا موجب آمرزش گناهان آنها می شود. عرض کردند: ای پیغمبر خدا! گفتن آن در حال سلامت و حیات چگونه است؟ فرمود:

باعث از بین رفتن بیشتر گناهان می گردد- و حضرت رسول اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم سه مرتبه این جمله را تکرار کردند- زیرا این ذکر سایه انس مؤمن است چه در زندگی، چه هنگام مرگ، و چه در روز محشر؛ و رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود که جبرئیل گفت: ای محمّد! کاش می دیدی که در روز رستاخیز یک گروه با صورتی نورانی و درخشان در حالی که ذکر (لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، و اللَّه اکبر) بر زبان دارند، محشور می گردند؛ و گروه دیگری که با صورتی سیاه به محشر درآیند که شیون کنان فریاد می زنند: ای وای بر ما که تباه شدیم.

(۱) ۴- و به همین سند، عمرو بن جمیع از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود:

لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ بهای

بهشت است.

(۲) ۵- عبیـد اللّه بن الولیـد بدون آنکه نام راویان پیش از خود را ذکر کند (مرفوعا) از حضـرت رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت می کند که فرمود: کسی که لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید، در بهشت برای او درختی می روید از یاقوت سرخ، شیرین تر از عسل، سپیـدتر از برف و خوشـبوتر از مشک در زمینی از جنس مشک سپید، میوه های این درخت همانند پسـتان دختران باکره است که از زیر هفتاد لباس (مراد لباسهای بسیار است) خود را می نمایند.

(۳) ۶- جابر بن یزید جعفی از باقر العلوم علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر چیزی نظیر و همتـائی دارد مگر سه چیز: اوّل، ذات مقـدّس خداونـدی که نظیر وماننـد نـدارد. دوم، ذکر شـریف لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ است که همتائی نـدارد. سوم، اشـکی که از خوف خـدا و عـذاب الهی از چشم جاری می شود که همسـنگی ندارد، و اگر این گریه بر صورت آدمی جاری شود، هیچ ناراحتی و خواری پس از آن به آن

صورت نخواهد رسید.

(۱) ۷- ابو طفیل از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت می کند: هیچ مسلمانی، لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ نمی گوید مگر اینکه این ذکر بالا می رود و به هر سـقفی (مانعی) برسـد آن را می شـکافد، و به هر گناهی از گناهان او برخورد کنـد، آن را از بین می برد، و پس از محو گناهان، در ردیف کارهای خوب او قرار می گیرد.

(۲) ۸- ابو حمزه ثمالی از امام محمّد باقر علیه السّلام شنیده

است که فرمود: ثواب هیچ چیزی بالاتر از اقرار به لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ نیست، زیرا نه خدا را نظیر و مانندی است، و نه او را در کارهایی که دارد شریک و انبازی است.

(۳) ۹- ابو سعید خدری از رسول اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که: نه من و نه آن کسانی که پیش از من بوده اند، ذکری همانند لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ بر زبان نرانده ایم.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۹

(۱) ۱۰- سکونی از امام صادق علیه السّلام و آن امام از پدران بزرگوارش روایت کرده که رسول اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: بهترین عبادتها گفتن لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ است.

(۲) ۱۱- ابو عمران عجلی، بدون ذکر راویان پیش از خود (مرفوعا) از رسول اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که: هیچ مؤمنی ذکر لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ را بر زبان نمی راند مگر آنکه تمام گناهانش از نامه اعمال او پاک می شود، تا اینکه در کنار سایر اعمال نیک او قرار می گیرد.

(۳) ۱۲- عبید بن زراره از امام جعفر صادق علیه السّلام روایت کرده است که: لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ بهای بهشت است.

(۴) ۱۳- فضیل بن یسار نهدی از امام معصوم علیه السّلام شنیده است که فرمود: ذکر لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، و اللَّه اکبر را زیاد بگوئید زیرا هیچ چیزی نزد خداوند محبوبتر از این دو ذکر نیست.

ثواب یک صد مرتبه لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ گفتن

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۰

(۱) ۱- هشام بن سالم و ابو ایّوب از امام صادق علیه السّلام روایت کرده اند

که فرمود: هر کس یک صد مرتبه لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید، (عبادت) او در آن روز از همه والاتر است، مگر از کسی که زیادتر از او (این ذکر شریف را) بگوید.

(۲) ۲- سلام بن غانم از امام صادق علیه السّلام روایت می کند: کسی که به هنگام خواب، یک صد مرتبه لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید، خداوند عالمیان خانه ای در بهشت برایش می سازد، و کسی که به گاه خواب صد بار استغفار کند گناهان او بریزد بدان گونه که برگهای درختان می ریزد.

ثواب «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وحده وحده وحده» گفتن

(۳) ۱- جابر بن یزید جعفی از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت می کند که: جبرئیل به محضر رسول اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم شرفیاب شد و عرضه داشت: خوشا به حال آن کسی از امّت تو که لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وحده وحده وحده بگوید.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۱

ثواب گفتن «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» از روی اخلاص

(۱) ۱- محمّد بن حمران از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که: هر کس که ذکر لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ را با اخلاص بگوید، وارد بهشت می گردد؛ و اخلاص در این مقام آن است که گفتن این ذکر شریف او را از معاصی و محرّمات الهی باز دارد.

(۲) ۲- در نقل جابر از امام محمّد باقر علیه السّلام آمده است که رسول اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

جبرئیل در میان صفا و مروه بر من فرود آمد و گفت: خوشا به حال آن کس از امّت تو که ذکر لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ را با اخلاص بگوید.

و یا: طوبی (که درختی است در بهشت) از آن فردی از امّت تو است که ذکر لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ را با اخلاص ادا کند.

(۳) ۳- زید بن ارقم از رسول اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم نقل می کند که فرمود: کسی که ذکر لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ را با اخلاص بگوید، در بهشت وارد خواهد شد، و اخلاص گوینده این ذکر به آن است

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۲

که او را از محرّمات الهی باز دارد.

(۱) ۴- و به همین سند زرّ بن حبیش از قول حذیفه

می گفت که: ذکر لا- إِلهَ إِلَّا اللَّهُ غضب خداونـدی را از بنـدگانش دور می سازد مادامی که سـلامت در دین را بر امور دنیائی مقدّم دارند؛ ولی اگر بیمی از نقصان در دین خود نداشته باشند و همّت آنها فقط مصروف امور دنیوی گردد، این ذکر از آنان مورد قبول درگاه الهی نمی شود و به آنها می گویند: دروغ می گوئید و در شهادت به یگانگی ذات خداوند راستگو نیستید.

ثواب گفتن ذکر «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» با صدایی بلند و رسا

(۲) ۱- سیف بن عمیره از حضرت صادق علیه السّلام روایت می کند که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

هیـچ مسـلمانی با صـدای رسا ذکر لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ را نمی گوید مگر آنکه گناهانش در زیر پایش ریخته شود مانند ریختن برگ درختان در زیر شاخه ها.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۳

(۱) ۲- ابن عبّاس از رسول خدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سلّم نقل می کند که فرمود: هیچ کلمه ای نزد خداوند محبوبتر از کلمه لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ نیست، و بنـده ای نیست که این ذکر را بگوید مگر آنکه گناهان او در زیر گامهایش فرو ریزد بسان ریختن برگ درختان.

(۲) ۳- حسن بن الصـباح از انس روایت کرده است که رسول خدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در تفسیر کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ فرمود: مقصود کسی است که از گفتن لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ سر باز زند.

ثواب گوینده «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» که شرایط آن را بجا می آورد

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۴

(۱) ۱- اسحاق بن راهویه نقل می کند که هنگامی که حضرت ثامن الائمّه علیّ بن موسی الرّضا علیه السّلام به نیشابور رسید و اراده فرمود که بسوی مأمون عزیمت کنـد، اهل حـدیث و راویان آن دیار به خـدمت آن حضـرت شـرفیاب شدند و گفتند: ای فرزند رسول خدا! از این شهر می روید و هیچ حدیثی برای ما بیان نمی کنید تا از آن بهره مند گردیم؟! در این هنگام حضرت که در محمل نشسته بودند، سر مبارک خود را بیرون آورده فرمودند:

من از پدرم موسی بن جعفر علیه السّلام شنیدم، و پدرم از پدرش جعفر بن محمّد علیه السّلام، و

او از پدرش محمّد بن على عليه السّلام، و او از پدرش علىّ بن الحسين عليه السّلام، و او از پدرش حسين بن على عليه السّلام، و او از پدرش امير المؤمنين على عليه السّلام، و او از رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم شنيد كه فرمود: از جبرئيل شنيدم كه مى گفت: از پروردگار عالميان شنيدم كه: كلمه لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ حصار امن من است، و هر كس در اين حصار امن وارد شود از عذاب من در امان خواهد بود؛ و در اين هنگام كه مركب آن حضرت به حركت در آمده بود با بانگى رسا ادامه دادند: البته با شرايطى كه دارد، و من خود يكى از آن شرايطم.

ثواب كسى كه شهادت لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ از او پذيرفته مى شود

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۵

(۱) ۱- ابو سعيد خدرى مى گويد كه: روزى رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم در جمع اصحاب خود كه على عليه السّلام نيز در آن جمع حضور داشتند فرمود: هر كس كه لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ بگويد وارد بهشت خواهد شد، در اين هنگام دو تن از اصحاب عرض كردند: ما نيز لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ مى گوئيم! رسول خدا فرمود:

شهادت به يگانگى خداوند، تنها از اين مرد (در حالى كه به حضرت على عليه السّلام اشاره مى كرد) و شيعيانش همان كسانى كه خداوند از آنان پيمان گرفته است پذيرفته مى شود. آن دو باز گفته خود را تكرار كردند! و رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم در حالى كه دست مباركش را بر سر على عليه السّلام مى نهاد فرمود: نشانه آن (نشانه پيروى از على

علیه السّلام) این است که پیمان (بیعت) او را نشکنید! و بر مسند او تکیه نزنید! و گفته او را تکذیب نکنید!

ثواب صد مرتبه «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ الملک الحقّ المبین» گفتن

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۶

(۱) ۱- مالـک بن اعین از امـام جعفر صـادق علیه السّـلام روایت کرده است که: هر کسـی که صـد مرتبه لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ الملک الحقّ المبین بگویـد، خدای مقتدر و قاهر از فقر و تنگدستیش در امان دارد، و از وحشت قبر نجاتش می دهد، و بی نیازش می کند و در روز قیامت به درب بهشت می کوبد تا داخل آن شود.

ثواب کسی که بدون تعجّب لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید

(۲) ۱- جـابر از امـام صـادق علیه السّـلام روایت می کنـد: هر کسـی که بـدون تعجّب (و بـا اعتقاد قلبی) لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ بگویـد، خداونـد قادر سـبحان از آن پرنده ای می آفریند که تا روز قیامت بر بالای سـر آن شـخص پر می زند و خدا را ذکر می کند و ثواب آن را برای او می فرستد «۱».

---

(۱) معلوم می شود این ذکر که گاهی بی اراده و در مقام تعجّب بر زبان آدمی جاری می گردد، این ثواب را ندارد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۷

ثواب مداومت به ذکر «اشهد ان لا اله الّا اللَّه، وحده لا شریک له الها واحدا احدا احدا صمدا لم یتّخذ صاحبه و لا ولدا»

(۱) ۱- عمر بن یزیـد از امـام جعفر صـادق علیه السّـلام شـنید که می فرمود: کسـی که در هر روز ذکر (اشـهد ان لا اله الّا اللَّه، وحـده لا شـریک له، الها واحـدا صـمدا لم یتّخـذ صاحبه و لا ولـدا) را بگویـد خداونـد برای او چهل و پنج میلیون حسـنه مقرّر فرمایـد و به همین مقـدار از گناهـان او را ببخشایـد و به همین درجه او را بالاـ برد و در مرتبه کسـی قرار می گیرد که قرآن را دوازده مرتبه ختم کرده باشد، و خداوند در بهشت خانه ای برای او مهیّا سازد «۱».

---

(۱) در اینکه کلاـم معصومین علیهم السّـلام عـاری از مبـالغه و مطابق با واقعیّت است تردیـدی نیست، ولی همان طوری که در برخی از احادیث پیشین ملاحظه فرمودید برای گوینده ذکر، شرایطی مقرّر فرموده اند که بدون آنها، دستیابی به ثواب و اجری که معیّن شـده است امکان پذیر نیست، از قبیل: مسـلمان بودن، ایمان قلبی داشـتن، مخلص بودن، ولایت و امامت ائمه طاهرین سلام اللَّه علیهم اجمعین را از بن دندان پذیرفتن و پیرو راستین آن ذوات مقدّس بودن

و ...

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۸

ثواب کسی که در هر روز سی مرتبه «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ الحقّ المبین» بگوید

(۱) ۱- اوزاعی از امام صادق علیه السّلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش روایت کرده اند که:

اگر کسی در هر روز سی مرتبه لا- إِلهَ إِلَّا اللَّهُ الحقّ المبین گوید، بی نیازی به او رو می آورد، و تنگدستی از او روی می گرداند، و در آخرت درب بهشت را می کوبد.

ثواب بسیار گفتن «سبحان اللَّه و الحمد للَّه و لا اله الّا اللَّه و اللَّه اکبر»

(۲) ۱- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام و آن حضرت از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده اند که فرمود: ذکر سبحان اللَّه و الحمد للَّه و لا اله الّا اللَّه و اللَّه اکبر را زیاد بگوئید، چون در روز قیامت این اذکار بهمراه فرشتگان از پیش رو و پشت سر (گوینده خود) خواهند

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۹

آمد، و اینها همان باقیات صالحات است (که در قرآن کریم به آن بشارت داده شده).

ثواب کسی که در هر روز پانزده مرتبه ذکر «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ حقّا حقّا، لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ ایمانا و تصدیقا، لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ عبودیّه و رقّا» را بگوید

(۱) ۱- اوزاعی از امام صادق علیه السّلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش روایت کرده اند که:

اگر کسی در روز پانزده مرتبه لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ حقّا حقّا، لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ ایمانا و تصدیقا، لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ عبودیّه و رقّا بگوید، رحمت خداوندی به او رو خواهد کرد تا وارد بهشت شود.

ثواب کسی که ختم کند دعای خود را به ذکر «ما شاء اللَّه لا حول و لا قوّه الا باللَّه»

(۲) ۱- عمران زعفرانی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: هیچ کس دعای خود را

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۰

به ذکر ما شاء اللَّه لا حول و لا قوّه الّا باللَّه ختم نمی کند مگر آنکه حاجت او برآورده گردد.

ثواب کسی که در هر روز هفت مرتبه ذکر «الحمد للَّه علی کلّ نعمه کانت او هی کائنه» را بگوید

(۱) ۱- حسین بن عمر بن یزید از مردی شنید که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که هفت مرتبه در هر روز، ذکر الحمد للّٰه علی کلّ نعمه کانت او هی کائنه را بگوید، از عهده شکر نعمتهای گذشته و آینده (خداوندی) برآمده است.

ثواب شهادت به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر اکرم صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم

(۲) ۱- اوزاعی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش امام محمّد باقر علیه السّلام روایت کرده اند: کسی که به یگانگی پروردگار جهانیان شهادت دهد و شهادت به

نبوت رسول اکرم صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم را به آن اضافه نکند، در نامه اعمال او ده حسنه ثبت می گردد؛ ولی اگر شهادت به نبوّت آن حضرت را به آن ضمیمه نماید، دو میلیون حسنه به پاداش این ذکر به نام او ثبت شود.

(۱) ۲- رسول گرامی اسلام صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم در پاسخ سهل بن سعد انصاری، پیرامون این آیه از سوره قصص: وَ ما کُنْتَ بِجانِبِ الطُّورِ إِذْ نادَیْنا فرمود: پروردگار جهان، دو هزار سال قبل از آفرینش عالم هستی، درخت آس را رویاند و بر روی برگ آن چیزی نوشت و سپس آن را در عرش نهاد، سپس ندا در داد: ای امّت محمّد! بتحقیق که رحمت من بر خشمم پیشی گرفته است، پیش از آنکه از من (که خدای شمایم) چیزی بخواهید، حاجت شما را برآورده می کنم، و پیش آنکه (از من) درخواست آمرزش کنید، گناهان شما را می آمرزم؛ هر کس به دیدارم بشتابد در حالی که به یگانگی من و به اینکه محمّد بنده و پیامبر من است،

گواهی دهد، رحمت من شامل او خواهد شد و او را در بهشت خود مأوی خواهم داد «۱».

---

(۱) در لغت آمده است: آس، درخت مورد، و گویند عصای حضرت موسی علیه السّلام از آن بوده، و نیز نوعی ریحان که به غایت خوشبوست.

ثواب صد مرتبه گفتن ذکر تکبیر و تسبیح و تحمید و تهلیل

(۱) ۱- مالك بن انس از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش از علی علیه السّلام روایت کرده است: جمعی از نیازمندان به خدمت رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم شرفیاب شدند و عرض کردند: توانگران با ثروتی که دارند بندگان را (خریده) آزاد می کنند ولی دست ما از مال دنیا خالی است؛ ثروتمندان قادرند که به حج روند ولی در ما این توانائی نیست؛ و آنان از مال خود (در راه خدا) صدقه می دهند ولی برای ما مقدور نیست؛ و آنها اسباب رفتن به جهاد را مهیّا دارند و ما از تهیّه آن ناتوانیم.

رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: صد مرتبه تکبیر گفتن (اللَّه اکبر) بهتر از صد بنده آزاد کردن، و صد مرتبه تسبیح گفتن (سبحان اللَّه) بهتر از قربانی کردن صد شتر در حج،

و صد مرتبه تحمید و خدا را ستودن (الحمد للَّه گفتن) بهتر از هدیه صد اسب با تجهیزات کامل در راه خدا است، و کسی که صد مرتبه تهلیل (لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) گوید، در آن روز عمل او از اعمال تمام مردم برتر است، مگر کسی که بیشتر از او (این ذکر شریف را)

گفته باشد.

امام علیه السّلام در ادامه این خبر می فرمایند: چون این خبر به گوش ثروتمندان و مال اندوزان رسید، آنان نیز (طبق دستور رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم) به گفتن این اذکار پرداختند! بار دیگر مستمندان به محضر رسول گرامی اسلام صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم شرفیاب شدند و عرض کردند: ای رسول خدا! آنچه را که (به ما) تعلیم فرمودی به گوش توانگران رسید و آنان نیز مشغول این اذکار شدند! حضرت در پاسخ آنان فرمود: این همان فضل و بخشش الهی است که به هر کس که خواهد عطا فرماید، و خداوند صاحب فضل و رحمت بیشماری است «۱».

ثواب ذکر «سبحان اللَّه و الحمد للَّه و لا اله الّا اللَّه و اللَّه اکبر»

---

(۱) بایستی حساب ثواب استحقاقی را که خداوند وعده فرموده است از حساب ثواب تفضّلی که استحقاق را در آن راه نیست و خداوند به هر که خواهد کرامت کند، جدا کرد که او حکیم و تواناست.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۴

(۱) ۱- یونس بن یعقوب از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به یاران خود رو کرده فرمود: برای خود سپر تهیّه کنید! عرض کردند: ای رسول خدا! آیا دشمنی تهدیدمان می کند؟! فرمود: نه! بلکه از آتش دوزخ، بگوئید: سبحان اللَّه و الحمد للَّه و لا اله الّا اللَّه و اللَّه اکبر.

(۲) ۲- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: ذکر سبحان اللَّه و الحمد للَّه و لا اله الّا اللَّه و اللَّه اکبر را زیاد بگوئید، چون

این ذکرها در روز قیامت با فرشتگانی از جلو و فرشتگانی از پشت سر (گوینده ذکر) ظاهر می شوند، و باقیات صالحات همین اذکار است.

(۳) ۳- ابو الجارود از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

هر کس که «سبحان اللَّه» بگوید، خداوند درختی در بهشت برایش می کارد؛ و کسی

که «الحمد للَّه» بگوید، برای او نیز خداوند درختی در بهشت می نشاند، و کسی که «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید، با او نیز خداوند چنین کند؛ و برای کسی که «اللَّه اکبر» بگوید، خداوند همین پاداش را برای او منظور خواهد فرمود. در این هنگام مردی از قریش به حضرت عرض کرد: ای رسول خدا! پس، درختان بسیاری در بهشت خواهیم داشت، حضرت فرمود: آری! ولی بترسید از آن آتشی که آنها را بسوزاند! زیرا خداوند متعال- در سوره محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم- می فرماید: «ای گروه مؤمنان! از خدا و رسول او اطاعت کنید و اعمال خود را باطل نسازید».

(۱) ۴- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: روزی رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به یاران خود فرمود: آیا اگر تمام لباس و اثاث خود را بر روی هم قرار دهید، به آسمان خواهد رسید؟! عرض کردند: نه، ای رسول خدا. فرمود: می خواهید شما را به چیزی راهنمائی کنم که ریشه اش در زمین و شاخه های آن در آسمان باشد؟! عرض کردند: آری! فرمود: هر یک از شما پس از نماز واجب سی مرتبه سبحان

اللَّه و

الحمد للَّه و لا اله الّا اللَّه و اللَّه اکبر بگوید، بدرستی که این ذکرها ریشه در زمین و شاخه در آسمان دارند، و گوینده آنها از زیر آوار رفتن، سوختن، غرق شدن، در چاه افتادن، طعمه درندگان شدن، مردن هراسناك و هر بلائی که در آن روز بر بندگان خدا مقرّر شده است حفظ می کند؛ و اینها همان باقیات و صالحات است (که خداوند در قرآن کریم به آن نوید داده).

ثواب ذکر «سبحان اللَّه و بحمده، سبحان اللَّه العظیم و بحمده»

(۱) ۱- عبد اللَّه بن سنان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: اگر کسی ذکر سبحان اللَّه و بحمده، سبحان اللَّه العظیم و بحمده را بگوید خداوند سه هزار حسنه در نامه اعمال او ثبت می فرماید، سه هزار درجه او را بالا می برد، و پرنده ای از (موهبت) این ذکر در بهشت برای او می آفریند که خدا را تسبیح کند و ثواب آن به گوینده ذکر برسد.

ثواب ذکر «سبحان اللَّه» بدون تعجّب

(۱) ۱- ابو الجارود از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت کرده است که: هر کس سبحان اللَّه بگوید، بی آنکه از چیزی تعجّب کرده باشد، خداوند از این ذکر پرنده ای خلق می کند که دارای یک زبان و دو بال است و بجای او خدا را در حلقه تسبیح کنندگان ذات ربوبی تا روز قیامت تسبیح کند. ذکر الحمد للَّه و لا اله الّا اللَّه و اللَّه اکبر نیز همین ثواب را دارد «۱».

ثواب صد بار گفتن «سبحان اللَّه»

(۲) ۱- یونس بن یعقوب نقل می کند که به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: آیا کسی که صد بار ذکر (سبحان اللَّه) بگوید در زمره کسانی است که ذکر خداوند سبحان را بسیار کنند؟! فرمود: بلی.

---

(۱) از این روایت معلوم می شود که ذکر باید از روی اراده و خلوص نیّت ادا شود و سبحان اللَّه که معمولا به هنگام تعجّب و بدون اراده قبلی بر زبان آدمی جاری می گردد، این ثواب را ندارد.

ثواب ذکر «الحمد للَّه کما هو اهله»

(۱) ۱- زید شحام از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که ذکر «الحمد للَّه کما هو اهله» را بگوید،

فرشتگانی را که مأمور ثبت اعمال بندگان خدایند، به عجز وامی دارد! (زیرا از نوشتن این همه حسنه عاجزند). زید می گوید: از آن حضرت پرسیدم: چگونه فرشتگان را به عجز وامی دارد؟ فرمود: فرشتگان گویند: خدایا! ما را از علم غیب نصیبی نیست! به آنان خطاب می شود: شما این ذکر را به همان عبارت بنده من ثبت کنید، ثواب آن با من است.

ثواب چهار بار گفتن ذکر «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ» در بامداد و شام

(۲) ۱- ابو مسعر (در برخی از نسخه ها ابو مشعر) از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: هر کس به هنگام صبح، چهار بار (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ) بگوید، از عهده شکر

(نعمتهای) آن روز برآمده است؛ و هر کس همین ذکر را در شب بگوید، شکر (نعمتهای) آن شب را بجا آورده است.

ثواب کسی که خدا را تمجید کند

(۱) ۱- زراره نقل می کند که: به امام محمّد باقر علیه السّلام عرض کردم: کدامیک از اعمال (بندگان) در نزد خداوند محبوبتر است؟ فرمود: تمجید خدا و او را به عظمت و بزرگواری یاد نمودن.

ثواب تمجید حضرت حق بدان گونه که خود را ستوده است

(۱) ۱- زراره بن اعین از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: پروردگار عالم در هر روز و هر شب، سه بار خود را می ستاید، و اگر کسی خدا را بستاید بدان گونه که خود به تمجید خویش پرداخته است چنانچه گرفتار بدبختی و شقاوت باشد، سعادت و نیکبختی نصیب او می گردد. زراره گوید، عرض کردم: تمجید الهی چگونه است؟! فرمود بگو: خدای یگانه توئی و جز تو خدائی نیست که پروردگار جهانیان باشد.

خدای یگانه توئی و جز تو خدای بخشنده و مهربانی نیست. خدای یگانه توئی و جز تو خدایی بلند مرتبه و بزرگ نباشد. خدای یگانه توئی و جز تو صاحب روز جزا نیست. خدای یگانه توئی و جز تو خدای آمرزنده و مهربانی نباشد، خدای یگانه توئی و جز تو خدای مقتدر و غالب و دانائی نیست. خدای یگانه توئی و جز تو خدایی نیست، هستی هر چیز از تو است و بازگشت همه به سوی تو. خدای یگانه توئی و جز تو خدایی نیست که همیشه بوده و خواهی بود. خدای یگانه توئی و جز تو نیست که آفریننده خوبیها و بدیها باشد. خدای یگانه توئی و جز تو خدائی نیست که آفریننده بهشت و دوزخ باشد. خدای یگانه توئی و جز تو خدای یکتا و بی نیازی نیست، خدائی که نه از کسی زاده

شده و نه کسی از او زاییده و هیچ همتائی برای او

متصوّر نیست. خدای یگانه توئی و جز تو خدایی نیست، تویی آن پادشاه پاک از هر عیب و منزّه از هر خطا، امان دهنده و ایمن کننده، سلامت بخش، شاهد و حافظ مخلوقات، پیروز و مسلّط و مقتدر و با عظمت و صاحب کبریا، آن خدائی که منزّه است از هر چه بدان شرک ورزند و برای او انباز قرار دهند. تویی خداوند یگانه خلّاق و شکافنده دانه ها و تصویرگر شکلها، تمام نامهای نیکو از آن تو است، آنچه در آسمان و زمین است به تسبیح تو مشغول است و توئی خدای حکیم و مقتدر و پیروز، تویی خدای یگانه، و خدائی جز تو نیست که بلند قدری، و کبریاء تنها زیبنده تو است.

ثواب انسان عاقل

(۱) ۱- فضل بن عثمان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: سرانجام کسی که خردمند باشد، به خواست الهی بهشت خواهد بود.

(۲) ۲- اسحاق بن عمّار از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که: هر خردمندی، دیندار است، و هر دینداری را بهشت.

ثواب ده خصلت

(۱) ۱- فضیل بن یسار از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت کرده است که: هر کس خدا را با این ده خصلت ملاقات کند، وارد بهشت می شود: شهادت به یگانگی خدا، اقرار به رسالت رسول اکرم حضرت محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم، و آنچه آن حضرت از جانب خدای متعال آورده است، اقامه نماز، ادای زکات، (گرفتن) روزه ماه مبارک رمضان،

(انجام) مناسک حج خانه خدا، دوستی با دوستان خدا، بیزاری از دشمنان او، و بالاخره پرهیز از (نوشیدن و خوردن) هر چیزی که آدمی را مست کند.

ثواب اقرار به ربوبیّت پروردگار جهان و نبوّت رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و ولایت علیّ بن ابی طالب علیه السّلام و انجام آنچه را که خداوند واجب شمرده است

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۳

(۱) ۱- مفضّل بن عمر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: خداوند بلند مرتبه برای انسان مؤمن امری را تعهّد فرموده است. گوید که از آن حضرت پرسیدم: آن امر کدام است؟! فرمود: خداوند برای انسان مؤمن که به ربوبیت خدا و نبوّت رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و ولایت و امامت حضرت علی علیه السّلام اقرار کند و واجبات الهی را نیز انجام دهد تعهّد فرموده است که او را در جوار قرب خود جای دهد و او را از این مقام باز ندارد.

گوید عرض کردم که: بخدا سوگند این منزلت و مقامی است که همانند آن بر آدمی (متصوّر) نبوده و نخواهد بود. و حضرت در ادامه سخنان خود فرمودند: کمی عمل کنید تا فراوان لذّت ببرید.

ثواب گفتن «بسم اللَّه» به هنگام ورود به بیت الخلاء

(۲) ۱- سکونی به نقل از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش از علی علیه السّلام

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۴

روایت کرده اند که فرمود: هر کس به هنگام عریان شدن- برای بول یا انجام کار دیگر- بسم اللَّه را بر زبان خود جاری سازد، شیطان چشمش را بر هم می نهد تا او از آن کار فارغ شود.

ثواب ذکر خدا به هنگام وضو

(۱) ۱- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: اگر کسی در حال وضو نام خدا را بر زبان آرد، تمام بدن او پاک و مطهّر می شود، و وضوی او تا وضوی بعدی، کفّاره گناهانی است که او (در این فاصله زمانی) انجام داده است؛ و کسی که به هنگام وضو، نام خدا را بر زبان جاری نسازد، تنها قسمتی از بدن او که آب وضو به آن می رسد پاک می شود.

(۲) ۲- عبد اللَّه بن مسکان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: کسی که در هنگام وضو خدا را یاد کند همانند آن است که غسل کرده باشد «۱».

---

(۱) منظور آن است که به ثواب غسل می رسد، یا آنکه طهارت معنوی پیدا می کند که موجب قبولی طاعت و رسیدن به

کمال است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۵

ثواب کسی که مانند امیر المؤمنین علیه السّلام وضو بگیرد و همانند او خدا بگوید

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۶

(۱) ۱- عبد الرّحمن بن کثیر از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که: روزی امیر المؤمنین علی علیه السّلام با پسرش محمّد بن حنفیّه نشسته بود، به او فرمود: ای محمّد! ظرف آبی بیاور تا برای نماز وضو سازم. محمّد ظرف آبی آورد، و حضرت با دست راست (ظرف آب را برداشت) و بر کف دست چپش آب ریخت و فرمود: بنام خدا، و ستایش از آن خداوندی است که آب را پاك و پاکیزه قرار داد و ناپاکش نساخت.

و سپس استنجا فرمود (جای بول یا غایط را شست) و گفت: خدایا! دامان مرا از آلودگی حفظ کن (آلوده دامانم مخواه) و از عفافش برخوردار ساز،

و عورت مرا بپوشان، و مرا بر آتش (قهر خود) حرام گردان.

سپس آب را در دهانش گرداند و گفت: خداوندا! حجّت مرا به من تعليم كن در آن روزى كه تو را ملاقات مى كنم، و زبانم را به ذكر (و شكر خود) گويا گردان.

سپس با بينى آب را بالا ـ كشيد و گفت: بار الها! مرا از نسيم بهشت محروم مساز، و مرا در زمره كسانى قرار ده كه از بوى خوش و راحتى و گلهاى شكوفا و عطر (بهشت) بهره مند خواهند شد.

سپس آن حضرت، صورت خود را شست و گفت: خدايا! در آن روزى كه صورتها سياه مى شوند رو سپيد گردان، و مرا رو سياه مگردان در آن روزى كه صورتها سپيد مى شوند.

سپس آن حضرت، دست راست خود را شست و گفت: خداوندا! نامه اعمال مرا در دست راستم قرار ده، و جواز جاودانه زيستن در بهشت را به دست چپم بسپار، و به هنگام حسابرسى اعمال بر من آسان گير.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۷

پس از آن، دست چپ خود را به آب شست و گفت: خدايا! نامه اعمالم را در پشت سرم و يا به دست چپم قرار مده، و دستانم را در گردنم به زنجير مبند و از لباسهاى شعله ور جهنم به تو پناه مى برم.

سپس سر مبارك خود را مسح فرمود و گفت: بار الها! رحمتها، بركتها و آمرزش خود را بر من نازل گردان.

و سپس دو پاى خود را (به ترتيب) مسح فرمود و گفت: پروردگارا! مرا به هنگام عبور از صراط، ثابت قدم بدار در آن روزى كه قدمها مى لغزد، و كوشش مرا در آنچه

رضای تو باشد قرار ده ای مهربانترین مهربانان! محمد بن حنفیّه می گوید: پدرم پس از آن، سر مبارک خود را بلند کرد و به من نظر افکند و فرمود: ای محمد! هر کس که مانند من وضو گیرد و آنچه را گفتم، بگوید، خدای جلیل القدر از هر قطره آب وضوی او فرشته ای بیافریند تا خدا را تسبیح و تقدیس و تکبیر کند و ثواب آن را تا روز قیامت (در نامه اعمال او) ثبت و ضبط فرماید.

ثواب خشک کردن و خشک نکردن آب وضو

(۱) ۱- ابراهیم بن محمد بن حمران از پدرش، و او از امام صادق علیه السّلام روایت کرده اند:

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۸

برای کسی که وضو بگیرد و آب وضوی خود را با دستمال خشک کند یک حسنه، و برای کسی که صبر کند تا آب وضویش خشک شود، سی حسنه نوشته خواهد شد.

ثواب وضوی نماز مغرب و صبح

(۱) ۱- سماعه بن مهران از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام روایت کرده است: کسی که به نیّت ادای نماز مغرب وضو بگیرد، این وضوی او کفّاره گناهان آن روز اوست به استثنای گناهان کبیره. و کسی که به قصد ادای نماز صبح وضو بسازد، وضوی او کفّاره گناهانی است که در شب گذشته مرتکب شده است به استثنای گناهان کبیره.

ثواب باز نگه داشتن چشمها به هنگام وضو

(۲) ۱- ابن عبّاس از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که: چشمهای خود را به هنگام وضو ساختن، باز نگهدارید به امید آنکه آتش دوزخ را نبیند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۹

ثواب تجدید وضو

(۱) ۱- ابو قتاده از امام رضا علیه السّلام نقل کرده است: تجدید وضو به نیّت ادای نماز عشاء، گناه سوگند «لا و اللَّه» و «بلی و اللّه» را از بین می برد. معنی سوگند: نه بخدا (سوگند)، و آری بخدا (قسم).

(۲) ۲- مفضّل بن عمر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: کسی که وضوی خود را برای غیر نماز تجدید کند، خداوند متعال توبه او را بدون آنکه استغفار کرده باشد، تجدید نماید «۱».

ثواب مسواک زدن

(۱) مثلا تجدید وضو برای قرائت قرآن، یا تشرّف به اماکن مقدّسه و یا حضور در مسجد و ...

(۱) ۱- عبد اللَّه بن سنان از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که: مسواک زدن دوازده خاصیّت دارد:

۱. سنّت پیغمبر صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم است.

۲. دهان را پاک و پاکیزه می کند.

۳. روشنی چشم را افزون می کند.

۴. موجب خوشنودی خداوند است.

۵. دندانها را سفید می کند.

۶. ریزش و سایید گی دندان را از بین می برد.

۷. لثه ها را محکم می کند.

۸. اشتها و میل به خوردن غذا را زیاد می کند.

۹. بلغم را از بین می برد.

۱۰. حافظه آدمی را می افزاید.

۱۱. باعث دو برابر شدن حسنات می گردد.

۱۲. فرشتگان خدا را شاد می کند.

(۲) ۲- عمّار ساباطی از امام صادق علیه السّلام و آن حضرت از پدر بزرگوارشان امام محمد باقر علیه السّلام نقل کرده اند: اگر مردم خواصّ مسواک زدن را بدانند، او را هرگز از خود جدا

نمی کردند، حتّی به هنگام شب آن را به همراه خود به رختخواب می بردند.

(۱) ۳- ابراهیم بن أبی البلاد،

از پـدرش یحیی أبی البلاد از امام محمـد باقر علیه السّلام روایت کرده است: مسواک زدن به دندانها، بلغم را از بین می برد و عقل آدمی را می افزاید.

ثواب کسی که آب دهان خود را به احترام مسجد، فرو برد

(۲) ۱- طلحه بن زید از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از امام محمد باقر علیه السّلام، و آن معصوم از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است: کسـی که آب دهان خود را به احترام مسجد فرو برد، خداوند آب دهان او را موجب سلامتی بدن او قرار دهد و از بیماریهای جسمی، در سلامت بماند.

(۳) ۲- عبد اللّه بن سـنان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: اگر کسی در مسجد سرفه کند و خلط سینه خود را (به احترام مسـجد) فرو برد، آب دهان او به (عضوی دچار) درد یا بیماری نمی رسـد مگر آنکه آن را (از آن درد یا بیماری) سالم سازد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۲

ثواب کسی که با طهارت بخوابد

(۱) ۱- محمد بن کردوس از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: اگر کسی با طهارت در بسترش بخوابد، بستر او به منزله مسجد او خواهد بود.

ثواب بسیار مضمضه و استنشاق کردن

(۲) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش روایت کرده اند که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: زیاد مضمضه و استنشاق کنید، زیرا باعث آمرزش گناهان شما و نفرت و دوری شیطان می گردد.

ثواب بستن لنگ به هنگام ورود به حمّام

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۳

(۱) ۱- مفضل بن عمر از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که: هر کس با لنگ وارد حمّام شود، خداوند با ستّاریّت خود عیوب او را می پوشاند.

ثواب کسی که چشم خود را از نگاه کردن به عورت برادر ایمانی خود باز دارد

(۲) ۱- عبد اللّه بن سـنان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: هر کس که وارد حمّام شود و چشم خود را از نگاه به عورت برادرش بپوشاند، خداوند متعال او را از آتش سوزان روز قیامت در امان دارد.

ثواب شستن سر با خطمی

(۳) ۱- عمر بن یزید از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: شستشوی سر با گیاه خطمی موجب ایمنی از سر درد و تنگدستی و پاکیزه شدن سر از شوره می شود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۴

(۱) ۲- سفیان بن سمط از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است: شستشوی سر با خطمی، موجب برطرف شدن تنگدستی، و زیاد شدن روزی، و در امان ماندن از بلاها است.

(۲) ۳- منصور بن یونس (بزرج) از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام روایت کرده است که:

شستشوی سر با خطمی، موجب جلب نمودن روزی است.

ثواب شستشوی سر با برگ سدر

(۳) ۱- زید نرسی از قول یکی از دوستانش روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود:

رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم سر مبارکش را با سدر می شست و می فرمود: سرهایتان را با برگ سدر بشوئید، زیرا هر فرشته مقرّب و هر پیامبر مرسلی آن را پاکیزه شمرده است. و هر کس سر خود را با برگ سدر بشوید، خداوند تا هفتاد روز وسوسه شیطان را از او دور می کند؛ و کسی که خداوند تا هفتاد روز وسوسه شیطان را از او دور کند، آلوده به گناه نمی شود و گناه نمی کند؛ و کسی که گناه نکند، وارد بهشت می شود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۵

(۱) ۲- عیسی بن عبد اللَّه علوی از پدرش، از جدش نقل کرده است که: روزی رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم غمگین بود. جبرئیل (بر او فرود آمد و) گفت که سر خود را با سدر شستشو دهد.

ثواب حنا بستن

(۲) ۱- عیسی بن عبد اللَّه بن محمد بن عمر بن علیّ بن ابی طالب علیه السّلام، از جدّش روایت کرده است که به رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم خبر رسید که گروهی از یارانش محاسن خود را با حنا به رنگ زرد درآوردند، آن حضرت فرمود: این خضاب اسلام است و من دوست دارم که آنان را (یاران خود را) ببینم. حضرت امیر المؤمنین علی علیه السّلام می فرماید که: من با آن گروه ملاقات کردم و پیام رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را به آنان ابلاغ

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه

ثواب الأعمال، ص: ۷۶

نمودم، و آنان به خدمت رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم شرفياب شدند، آن حضرت به آنان فرمود: اين خضاب اسلام است. هنگامى كه فرمايش رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم را شنيدند، اين بار محاسن خود را به رنگ سياه درآوردند، و چون به رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم اين خبر رسيد فرمود: اين خضاب ايمان است و من دوست دارم آنان را ببينم، حضرت على عليه السّلام فرمود: به ديدار آنان رفتم و كلام رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم را به آنان ابلاغ كردم، آن گروه به محضر رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم شرفياب شدند، هنگامى كه رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم آنان را ديد فرمود: اين خضاب ايمان است، و آنان هنگامى كه اين مژده را از زبان رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم شنيدند اين عمل را ترک نكردند و تا آخر عمر محاسن خود را به رنگ سياه خضاب كردند تا بدرود حيات گفتند.

(۱) ۲- مثنّى يمانى از رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم روايت كرده است كه فرمود: محبوبترين خضاب شما در نزد خداوند، رنگ سياه سير است.

(۲) ۳- عبد اللَّه بن زيد بدون ذكر اسامى راويان پيش از خود (مرفوعا) از رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم روايت كرده است كه فرمود: يک درهم به مصرف خضاب رساندن بهتر از

بخشش هزار درهم در راه

خداست، و در خضاب چهارده خصلت خوب وجود دارد: ۱. رفع باد از گوش انسان ۲. جلا دادن به چشمها ۳. نرم کردن مخاط بینی ۴. خوشبو کردن دهان ۵. محکم کردن لثه ۶. برطرف کردن بوی بد از تمام بدن ۷. کاستن وسوسه شیطان ۸. شاد کردن فرشتگان خدا ۹. موجب خشنودی مؤمن به هنگام دیدار ۱۰. موجب خشم کافران به هنگام دیدن ۱۱. مایه آرایش و معطّر شدن انسان و جواز آزادی او در خانه قبر ۱۲. اسباب شرم منکر و نکیر در سؤال کردن از او.

(۱) ۴- عبدوس بن ابراهیم بغدادی از امام صادق علیه السّلام نقل می کند: حناء بوی بد را از بین می برد، چهره را شاداب و با طراوت می کند، دهان را خوشبو می سازد، فرزندان آدمی را زیبا و خوش سیما می کند. و فرمود: هر کس نوره بکشد و سپس تمام بدن را با حنا خضاب نماید، فقر و تنگدستی از او دور رانده می شوند.

(۲) ۵- سلیمان بن جعفر جعفری از امام رضا علیه السّلام روایت کرده است: خضاب به رنگ سیاه، مایه زینت زنان و سبب خشم دشمنان است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۸

(۱) ۶- حسن بن موسی از امام رضا علیه السّلام نقل می کند که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

خداوند، کسی را که نوره بکشد و سپس بدن خود را با حنا خضاب نماید از دچار شدن به سه نوع بیماری در امان می دارد: ۱- جذام ۲- پیسی (برص) ۳- خوره، تا بار دیگر که این عمل را تکرار کند.

ثواب نوره کشیدن

(۲) ۱- ابو بصیر از امام صادق علیه

السّلام نقل می کند که حضرت علی علیه السّلام فرموده است:

نوره کشیدن، بدن را (از مبتلا شدن به بعضی از بیماریها) حفظ، و آن را پاکیزه می کند.

ثواب شانه کردن موی سر

(۳) ۱- عنبسه بن سعید بدون ذکر راویان پیش از خود (مرفوعا) از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم نقل

کرده است که فرمود: شانه کردن موی سر، بیماری وبا را دور، روزی را افزون و نیروی جماع را شدّت می بخشد.

ثواب هفتاد بار شانه کردن محاسن

(۱) ۱- اسماعیل بن جابر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: هر کس هفتاد بار محاسن خود را شانه کند و یک به یک بشمارد، شیطان تا چهل روز به او نزدیک نمی شود.

ثواب سرمه کشیدن

(۲) ۱- یونس بن یعقوب از قول تعدادی از شیعیان نقل می کند که امام صادق علیه السّلام فرمود:

سرمه کشیدن باعث جلای چشم می شود، آبریزش چشم را متوقّف می سازد و باعث رویش مو می گردد.

(۱) ۲- عبد اللَّه بن مقاتل از امام رضا علیه السّلام نقل کرده است که: هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، بایستی سرمه بکشد.

(۲) ۳- اسحاق بن عمّار از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: سرمه کشیدن به هنگام خواب، از آبریزش چشم جلوگیری می کند.

(۳) ۴- حمّاد بن عثمان از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است: سرمه باعث رویش مو می شود، آبریزش چشم را خشک می کند، آب دهان را خوشمزه و خوشگوار می سازد، و موجب تقویت بینائی چشم است.

ثواب تراشیدن سر

(۴) ۱- اسحاق می گوید که: امام صادق علیه السّلام به من فرمود: ای اسحاق! موی سرت را بتراش تا شپش و چرکی و کثافت آن از بین برود، و گردن تو ستبر شود، و این کار چشمت را جلا دهد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۱

ثواب ناخن گرفتن و کوتاه کردن شارب (سبیل)

(۱) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر کس ناخنهای خود را در روز جمعه بگیرد، خداوند درد را از انگشتان او خارج و شفا و درمان را در آن وارد می کند.

(۲) ۲- و به همین سند از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت شده است که فرمود: هر کس در روزهای شنبه یا پنجشنبه ناخنهای خود را بگیرد و سبیل خود را کوتاه کند، از درد چشم و درد دندان در امان خواهد بود.

(۳) ۳- یحیی واسطی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: کسی که در روز پنجشنبه ناخنهای خود را بگیرد و یکی از ناخنها را برای روز جمعه بگذارد، خداوند بزرگ او را از تنگدستی دور می سازد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۲

(۱) ۴- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: گرفتن ناخنها، آدمی را از دچار شدن به درد بزرگ (شاید خوره، جذام و پیسی و ...) دور می کند و روزی او را افزون می نماید.

(۲) ۵- هشام بن سالم از

امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: چیدن ناخنها در روز جمعه، آدمی را از مبتلا شدن به خوره و پیسی و کوری در امان می دارد، و اگر نیازی به گرفتن ناخنها نبود (بعلّت کوتاهی ناخنها) آنها را مختصری بتراش.

(۳) ۶- و امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس ناخنها و سبیل خود را در روز جمعه کوتاه کند و در اثنای کوتاه کردن بگوید: بسم اللَّه و باللَّه و علی ملّه رسول اللَّه (یعنی: به نام خدا و به یاری او و بر سنّت رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم)، به ازای هر بار کوتاه کردن ثواب آزاد کردن یک بنده از فرزندان حضرت اسماعیل برای او ثبت خواهد شد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۳

(۱) ۷- ابو کهمس نقل کرده است که: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: دعائی تعلیم من فرما تا موجب گشایش و فراوانی روزی گردد، حضرت فرمود: ناخنها و سبیل خود را کوتاه کن، و حتما این کار را در روز جمعه انجام ده.

ابو جعفر محمد بن علی (شیخ صدوق) مؤلف این کتاب (ثواب الاعمال) گوید: از جمله سفارشها و وصیّتهای پدرم به من این بود که: ناخنهای خود را کوتاه کن و از شارب خود بگیر، و از انگشت کوچک دست راست خود شروع کن و در اثنای این کار این ذکر را بگو: بسم اللَّه و باللَّه و علی ملّه رسول اللَّه، که اگر چنین کنی به تعداد گرفتن ناخن و یا چیدن سبیل اجر آزاد کردن یک بنده را (در راه خدا) در نامه اعمال تو می نویسند،

و بیمار نمی شوی مگر به بیماری مرگ (که درمان پذیر نیست).

ثواب کفش سفید پوشیدن

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۴

(۱) ۱- سدیر صیرفی گوید: خدمت امام صادق علیه السّلام رسیدم در حالی که نعلین سفید رنگی به پایم بود. فرمود: ای سدیر! این چه کفشی است؟ آیا آن را از روی شناختی که داشته ای پوشیده ای؟ عرض کردم: فدای تو گردم! نه، بخدا سوگند.

فرمود: هر کس به نیّت اینکه کفش سپید رنگی خریداری کند، به بازار رود، آن کفش کهنه نمی گردد مگر اینکه دارنده او را ثروتی رسد از راهی که (حتّی) گمان نداشته است.

راوی این خبر می گوید که ابو نعیم فضل بن دکین به او خبر داد که سدیر به او گفت:

پیش از آنکه کفشهای سپید رنگی که به پا می کردم، کهنه و غیر قابل استفاده شود، صد دینار از راهی به من رسید که هرگز گمان نمی کردم.

ثواب کفش زرد پوشیدن

(۲) ۲- حنّان بن سدیر نقل کرده است که: بر امام صادق علیه السّلام وارد شدم در حالی که کفش

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۵

سیاه رنگی پایم بود. حضرت فرمود: چرا کفش سیاه به پا کردی، آیا نمی دانی که در کفش سیاه، سه خاصیّت زیان آور وجود دارد؟ عرض کردم: فدای تو گردم! آن سه خاصیت چیست؟ فرمود: قدرت بینائی چشم را می کاهد، قدرت جنسی را کاهش می دهد، و موجب بروز غصّه و اندوه در آدمی است، و اضافه بر این زیانها، کفشی است که ستمگران پوشند. تو را به پوشیدن کفش زرد رنگ سفارش می کنم که در آن سه خصلت است، پرسیدم که: آن سه خصلت چیست؟ فرمود: بر قدرت بینائی می افزاید، قدرت جنسی را زیاد می کند و غم و اندوه

آدمی را برطرف می سازد، و علاوه بر اینها کفش پیامبران خداست.

ثواب کفش راحتی پوشیدن

(۱) ۱- ابو الجارود از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است: پوشیدن خف (نوعی کفش راحتی) بر بینائی چشم می افزاید.

(۲) ۲- معاویه بن وهب از امام صادق علیه السّلام نقل می کند: مداومت بر پوشیدن خف، آدمی را از ابتلای به بیماری جذام مصون می دارد. می گوید: پرسیدم: در تابستان یا زمستان؟ فرمود: در هر دو فصل.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۶

ثواب قرائت سوره قدر بهنگام برش لباس نو

(۱) ۱- محمد بن عمر سرّاد از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: اگر کسی بر لباس نو و تازه ای که می برد، سی و شش مرتبه سوره قدر إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ ...

بخواند، و هر بار که به آیه تَنَزَّلُ الْمَلائِکَهُ وَ ... می رسد دست خود را در آب زده و کمی آب بر آن بپاشد، و سپس دو رکعت نماز بجای آورده و این دعا را بخواند: حمد و ستایش خداوندی را باد که به من لباسی ارزانی داشت تا در میان مردم موجب زینت (و آبروی) من گردد و بدنم را با آن بپوشانم و با آن در پیشگاه خداوندیش نماز بجای آورم و خدا را سپاس گویم، همیشه در وسعت رزق بسر برد تا آن لباس کهنه گردد.

ثواب زیاد در آینه نگاه کردن و حمد خدا را گفتن

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۷

(۱) ۱- مسعده بن صدقه از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش نقل کرده اند که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: خداوند بر جوانی که زیاد در آئینه نگاه کند و با هر نگاهی سپاس خداوندی را به جای آورد، بهشت خود را واجب کرده است.

ثواب کسی که به هنگام دیدن یهودی و نصرانی و مجوسی این دعا را بخواند

(۲) ۱- مسعده بن صدقه از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: اگر کسی یک یهودی و یا نصرانی و یا مجوسی و یا هر کسی را که در دین اسلام نباشد، ببیند و بگوید: خدائی را ستایش می کنم که مرا بر شما به اسلام از نظر دین، و به قرآن از جهت کتاب، و به محمد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از لحاظ پیامبر، و به علی از جهت امام، و به مؤمنان از نظر برادران، و به کعبه از نظر قبله بودن، برتری داد، خداوند متعال هیچ گاه میان گوینده این کلام و آن شخص غیر مسلمان در جهنم جمع نخواهد کرد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۸

ثواب خوب وضو ساختن، نیکو نماز خوانــدن زکات مال دادن، خشم خود را نگاه داشتن، زبان را از گناه باز داشــتن، از گناهان استغفار کردن، و خیر خواه اهل بیت پیامبر خود بودن

(۱) ۱- علیّ بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر کس به بهترین وجه (با طراوت و شادابی) وضو بسازد، نمازش را نیکو بخواند، زکات مالش را بپردازد، آتش خشم خود را فرونشاند، زبانش را (از گناه و سخنان بیهوده) باز دارد، از گناهانش استغفار نماید، و خیر خواه اهل بیت پیامبر خود باشد، به تحقیق که حقایق ایمانی در او به کمال (و به منصه ظهور و بروز) رسیده و درهای بهشت بر روی او باز است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۹

ثواب گفتن: رضیت باللَّه ربّا، و بالاسلام دینا، و بمحمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم رسولا، و بأهل بیته أولیاء

(۱) ۱- و به همین سند از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت شده است که فرمود: هر کس دعای فوق را بخواند- که ترجمه اش این است: خشنودم به خداوندی خدا، که دینم را اسلام، پیامبرم را محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و زمامدارانم را اهل بیت رسول خدا قرار داد- خداوند بر خود لازم می داند که او را در روز قیامت خشنود سازد.

ثواب دعا در شب و روز

(۲) ۱- و باز به همین سند از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت شده است که به اصحاب خود فرمود: آیا شما را با سلاحی آشنا سازم که شما را از دست دشمنان رهایی بخشد و روزی شما را افزون کند؟! عرض کردند: بلی، ای رسول خدا! فرمود: شب و روز، خدا را با دعا یاد کنید، چون دعا سلاح مؤمن است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۹۰

ثواب رفتن به مساجد

(۱) ۱- کلیب صیداوی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که در تورات آمده است:

مساجد، خانه های من در روی زمین اند، پس خوشا بر احوال آن بنده ای که در خانه خود وضو بسازد و تطهیر کند سپس مرا در خانه ام (مسجد) زیارت کند، بهوش باشید که احترام میهمان بر صاحب خانه لازم است.

و در حدیث دیگری آمده است: مژده باد به کسانی که در تاریکی شب به مساجد روی آورند، زیرا که در روز قیامت نور درخشانی (سراپای) آنان را در بر خواهد گرفت.

ثواب مداومت در رفتن به مسجد

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۹۱

(۱) ۱- اصبغ بن نباته از امیر المؤمنین علیه السّلام روایت کرده است: کسی که پی در پی (و در مواقع نمازهای واجب) به مسجد می رود، یکی از این هشت موهبت نصیب او خواهد شد: ۱. برادر مؤمنی که در راه خدا به او فایده رساند؛ ۲. دانش مفیدی که او را به حق رهنمون گردد؛ ۳. آیت آشکاری که او را به کار آید؛ ۴. رحمتی که از حضرت حق انتظار داشته، می رسد؛ ۵. سخن حکمت آمیزی که او را از کارهای نکوهیده باز دارد؛ ۶. سخن هدایت اثری که او را به کارهای خیر راهنمائی کند؛ ۷. ترک گناه از بیم الهی؛ ۸. ترک گناه بخاطر شرم.

ثواب پیاده رفتن به مسجد

(۲) ۱- محمّد بن مروان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: هر کس با پای پیاده به طرف مسجد روانه گردد، پای خود را بر روی هیچ تر و خشکی نمی گذارد مگر آنکه آن زمین تا زمین هفتم بجای او خدا را تسبیح کند.

ثواب کسی که قرآن کلام او و مسجد خانه او باشد

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۹۲

(۱) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمودند: هر کس که قرآن کلام او، و مسجد خانه او باشد، خداوند برای او خانه ای در بهشت بنا سازد.

ثواب کسی که پس از وضو ساختن، به مسجد برود

(۲) ۱- کلیب صیداوی از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است: در تورات آمده است که خانه های من در زمین همان مساجدند، پس خوشا بر حال کسی که خود را در خانه پاکیزه کند و بعد وضو بسازد و با چنین حالی مرا در خانه من زیارت کند، و بر میزبان واجب است که میهمان خود را گرامی دارد و از او پذیرائی کند.

(۳) ۲- عبد اللَّه بن جعفر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

خداوند متعال به بندگان خود فرموده است که: مساجد، خانه های من در روی زمین

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۹۳

هستند، که در نظر اهل آسمان می درخشند بسان درخشش ستارگان برای ساکنان زمین، خوشا به حال آن بنده من که مساجد (خانه های من) خانه های او باشند، خوشا بر آن بنده ای که در خانه خود وضو بسازد و مرا در خانه خودم (مسجد) زیارت

کنـد کـه گرامی داشـتن میهمـان بر صـاحب خـانه لاـزم و واجـب اسـت؛ به آنـان که در تـاریکی شب به طرف خـانه هـای من (مساجد) قدم بر می دادند بشارت باد که در روز قیامت با نوری درخشان در صف محشر حضور خواهند یافت.

(۱) ۳-

اصبغ بن نباته از امیر المؤمنین علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هنگامی که ساکنان زمین، معصیت می کنند و به گناه آلوده می گردند، اراده خداوند متعال بر عذاب تمامی اهل زمین تعلّق می گیرد، ولی وقتی ببیند که پیران آنها برای ادای نماز به طرف خانه های او (مساجد) روانه اند، و کودکان آنها به فراگیری کتاب او (قرآن) مشغولند به حال آنان ترحّم می کند و عذاب خود را به تأخیر می اندازد.

ثواب قرائت نمازهای پنجگانه و بپا داشتن و حفظ اوقات آنها

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۹۴

(۱) ۱- ابان بن تغلب گوید که امام صادق علیه السّلام فرمود: ای ابان! هر کس که این نمازهای پنجگانه واجب را بپای دارد، و مراقب اوقات (شرعی) آنها باشد، خداوند را در حالی ملاقات می کند که سندی در دست دارد که به موجب آن سند او را در بهشت خود جای می دهد، ولی اگر اوقات (شرعی) آنها را رعایت نکرد، اختیار با خداست، اگر خواهد او را ببخشد و اگر خواهد عذابش کند.

(۲) ۲- فضیل از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که: روزی رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم وارد مسجد شد در حالی که جمعی از یاران آن حضرت نشسته بودند، روی به آنان کرده فرمود:

آیا می دانید که پروردگار عالمیان در باره شما چه فرموده است؟! عرض کردند: خدا و رسول او داناترند. گفت: خدا فرموده است: هر کس که این نمازهای پنجگانه را در وقت مقرّر (اوقات شرعی) بخواند و مراقب اوقات آنها باشد، در روز قیامت در حالی مرا ملاقات خواهد کرد که سند و یا عهد نامه ای دارد که بموجب آن، او را وارد بهشت

خواهم کرد؛ و چنانچه این نمازها را در اوقات خود نخواند، کار او به (لطف و گذشت) من بستگی دارد، اگر خواهم عقوبتش کنم، و اگر بخواهم او را می آمرزم.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۹۵

ثواب نمازهای نافله

(۱) ۱- موسی بن بکر از امام موسی بن جعفر علیه السّلام روایت کرده است: نمازهای نافله وسیله تقرّب انسان مؤمن به درگاه خداوندی است.

ثواب افروختن چراغ در مسجد

(۲) ۱- انس از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: کسی که در یکی از مساجد خدا (خانه های خدا) چراغی بیفروزد، تا وقتی که نور آن چراغ به خاموشی نگراید، فرشتگان و حاملان عرش الهی برای او (از درگاه خداوندی) طلب آمرزش و مغفرت کنند.

ثواب نمازگزاری که به احترام خداوند، آب دهان خود را بیرون نیندازد

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۹۶

(۱) ۱- سهل بن دارم از پدرش، و او از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: هر کس در حال نماز آب دهانش را به احترام خداوند، بیرون نریزد، خداوند (به پاداش این عمل) صحّت و سلامت را به او ارزانی دارد تا زمان مرگش فرا رسد.

ثواب خواندن نماز در مسجد الحرام

(۲) ۱- حسین بن خالد از امام رضا علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: ثواب یک نماز در مسجد الحرام از ثواب یک صد هزار نماز در مساجد دیگر افزونتر است.

ثواب خواندن نماز در مسجد رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم

(۳) ۱- مسعده بن صدقه از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش روایت

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۹۷

کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: ثواب خواندن نماز در مسجد من (مسجد النّبی) برابر ده هزار نماز در مساجد دیگر جز مسجد الحرام است، زیرا ثواب نماز در مسجد الحرام برابر ثواب یک صد هزار نماز در مساجد دیگر است.

ثواب خواندن نماز ما بین مسجد الحرام و مسجد النّبی صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم

(۱) ۱- حسین بن علی وشّاء گوید که: از امام رضا علیه السّلام سؤال کردم: ثواب قرائت نماز در مسجد الحرام و مسجد النّبی صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم برابر است؟ فرمود: آری، و خواندن نماز در ما بین آن دو مسجد برابر هزار نماز است.

ثواب خواندن نماز در مسجد کوفه

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۹۸

(۱) ۱- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: خوب مسجدی است مسجد کوفه، و در آن هزار پیغمبر و هزار وصیّ پیغمبر نماز خوانده اند، (و در زمان حضرت نوح علیه السّلام) تنّور (آب، جوی آب، جایگاه آب رودخانه) از آن فوران کرد و در آن کشتی نوح ساخته و آماده شد، در طرف راست آن روضه رضوان است و در وسط آن باغی از باغهای بهشت قرار دارد و در سمت چپ آن «مکر» است. راوی گوید:

پرسیدم مراد از «مکر» چیست؟ فرمود: خانه های شیطان است.

(۲) ۲- محمد بن سنان از امام رضا علیه السّلام نقل می کند: ثواب انجام نماز فرادی در مسجد کوفه از فضیلت هفتاد نماز جماعت در مساجد دیگر بیشتر است.

(۳) ۳- مفضّل بن عمر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: (ثواب خواندن) یک نماز در مسجد کوفه برابر است با (ثواب) هزار نماز در مساجد دیگر.

ثواب خواندن نماز در بیت المقدس و مسجد جامع و مسجد قبیله و مسجد بازار

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۹۹

(۱) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش، از امیر المؤمنین علی علیه السّلام روایت کرده است: (ثواب خواندن) یک نماز در بیت المقدس با (ثواب) هزار نماز برابر است، و (ثواب) یک نماز در مسجد جامع (بزرگترین مسجد هر شهر) با (ثواب) صد نماز، و (ثواب) یک نماز در مسجد قبیله (مسجد محل) با (ثواب) بیست و پنج نماز، و (ثواب) یک نماز در مسجد بازار با (ثواب) دوازده نماز برابر می باشد، و (ثواب خواندن) نماز مرد در خانه اش همان (ثواب) یک نماز

است.

ثواب جارو کردن مسجد

(۲) ۱- عبد الحمید بن ابی دیلم از امام موسی بن جعفر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود:

رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرموده است: هر کس در روز پنجشنبه شب جمعه، مسجدی را جارو کند و خاک آن را بروبد و بیرون ببرد حتّی اگر به مقدار سرمه چشم باشد، خداوند گناهان او را می بخشد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۰۰

ثواب کسانی که اذان گویند

(۱) ۱- عرزمی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: کسانی که اذان گویند در روز قیامت از تمام مردم سرافرازترند.

ثواب هفت سال برای خدا اذان گفتن

(۲) ۱- سعد بن طریف از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است: کسی که هفت سال برای خدا اذان بگوید در روز قیامت بدون گناه محشور خواهد شد.

ثواب کسی که یک سال در یکی از شهرهای مسلمان نشین اذان گوید

(۳) ۱- معاویه بن وهب از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۰۱

هر کس در شهری از شهرهای مسلمان نشین به مدّت یک سال اذان بگوید، بهشت خدا برای او واجب می شود.

ثواب تکرار اذان مؤذّن

(۱) ۱- حارث بن مغیره نصری از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: هر کس که اشهد ان لا اله الّا اللَّه و اشهد انّ محمدا رسول اللَّه از مؤذّن بشنود، و از روی تصدیق قلبی و برای خشنودی خداوند بگوید: من نیز شهادت می دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست، و گواهی می دهم که محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم رسول خداست، و با این دو شهادت (شهادتین) خود را بی نیاز می کنم از هر کسی که (آنها را) انکار کرده و (نسبت به آنها) دشمنی ورزد، و با این دو گواهی، کسی را که اقرار می کند و شهادت می دهد (به یگانگی خدا و رسالت رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم)، یاری می کنم، خداوند به تعداد کسانی که انکار می کنند و شهادت می دهند، گناهان او را می بخشد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۰۲

ثواب ده سال برای خدا اذان گفتن

(۱) ۱- سعد بن طریف از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است: هر کس ده سال برای خدا (و با نیّت خالص) اذان بگوید خداوند به تعداد چیزهائی که او می بیند و به مقداری که بانگ رسای اذان او به آسمان بالا می رود، از گناهان او می بخشد، و هر تر و خشکی (هر موجودی) که اذان او را بشنود و به تعداد کسانی که بهمراه او در مسجد نماز گزارند، او در ثواب همه آنها شریک خواهد بود و به شماره افرادی که با اذان او نماز بخوانند، حسنه ای در نامه اعمال او ثبت خواهد شد.

ثواب مؤذن در میان اذان و اقامه

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۰۳

(۱) ۱- عیسی بن عبد اللَّه، از پدرش، از جدّش، و او از حضرت علی علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: از برای مؤذّن در فاصله اذان و اقامه ثوابی است برابر ثواب شهیدی که در راه خدا در خون خود می غلطد. گوید عرض کردم: ای رسول خدا! (با این فرمایش شما) پس از این مردم در اذان و اقامه گفتن بر یک دیگر سبقت خواهند گرفت. فرمود: چنین نخواهد شد! زمانی فرا می رسد که اذان و اقامه را به مستضعفان واگذارند، و خداوند متعال، گوشت بدن این مستضعفان را بر آتش جهنّم حرام می کند.

ثواب خواندن نماز با اذان و اقامه

(۲) ۱- عبد اللَّه بن جعفر بدون آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد (مرفوعا) از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السّلام روایت کرده است: هر کس با اذان و اقامه نماز بخواند، صفی از فرشتگان خدا در پشت سر او به نماز می ایستند که دو طرف آن (اوّل و آخر آن صف) دیده نمی شود، و کسی که تنها با اقامه نماز بخواند تنها یک فرشته در پشت سر او نماز خواهد خواند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۰۴

(۱) ۲- مفضّل بن عمر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: هر کس با اذان و اقامه نماز بخواند، دو صف از فرشتگان خدا در پشت سر او به نماز می ایستند، و هر کس تنها با اقامه به نماز بایستد یک صف از فرشتگان در نماز به او اقتدا کنند. راوی پرسید:

طول هر صف

چقدر است؟ در پاسخ فرمود: کوتاهترین آن از مشرق تا مغرب، و بلندترین آن از زمین تا آسمان است.

ثواب خواندن قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، انّا انزلناه و آیه الکرسی در نماز مستحبّی

(۲) ۱- ابو الحسن عبدی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: هر کس در هر رکعت از نماز مستحبّی سوره های قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و انّا انزلناه و آیه الکرسی را بخواند، خداوند توفیق انجام بهترین اعمال مردم را به او عنایت فرموده است، مگر کسی که همانند او موفّق به این عبادت شود و یا زیادتر از او بخواند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۰۵

ثواب و فضیلت قنوت نماز

(۱) ۱- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش، از ابو ذر غفاری، و او از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: قنوت هر کدام از شما در این دنیا طولانی تر باشد، راحتی او در روز محشر بیشتر از دیگران خواهد بود.

ثواب رکوع درست بجای آوردن

(۲) ۱- سعید بن جناح نقل کرده است که: در مدینه، در خانه امام محمد باقر علیه السّلام بودم، و آن حضرت بی آنکه از او سؤالی شده باشد فرمود: هر کس رکوع (نماز) خود را درست بجای آورد، از وحشت قبر آسوده خاطر است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۰۶

ثواب یک سجده

(۱) ۱- کلیب صیداوی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر کس یک سجده بجای آورد، یک گناه او بخشیده می شود و یک درجه بر مقامش (نزد خداوند) افزوده می شود.

ثواب نهادن دو کف دست بر زمین در حال سجود

(۲) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش روایت کرده است که حضرت علی علیه السّلام فرمود: هر گاه یکی از شما سجده کند در حالی که دو کف دست خود را بر زمین بگذارد، امید می رود که (دستهای) او در روز قیامت در زنجیر نباشند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۰۷

ثواب طول دادن سجده

(۱) ۱- معاویه بن عمّار از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: اگر بنده ای دور از چشم مردم، سجده خود را طولانی کند، شیطان (با دیدن این منظره ملکوتی) با خود می گوید: وای بر من! اطاعت کردند و من نافرمانی کردم، و (خدا را) سجده کردند و من سرپیچی کردم.

(۲) ۲- زید شحّام از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: نزدیکترین حالات بنده به درگاه ربوبی حالت سجده است.

ثواب ذکر صلوات در رکوع و سجود و قیام

(۳) ۱- محمد بن ابی حمزه، از پدرش، و او از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که

فرمود: هر کس در رکوع و سجود و قیام خود «اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد» بگوید، خداوند ثواب آن را مانند ثواب رکوع و سجود و قیام (در نامه اعمال او) می نویسد.

ثواب سجده شکر

(۱) ۱- ذریح محاربی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: اگر مؤمنی به خاطر نعمتی که خدا به او ارزانی داشته است، در غیر حال نماز، سجده شکر بجای آورد، خداوند به پاداش این عمل، ده حسنه برای او می نویسد و ده گناه از نامه اعمال او پاك می کند و ده درجه مقام او را در بهشت بالا می برد.

ثواب نماز

(۱) ۱- عبد اللّٰه بن سنان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم فرمود:

در وقت هر نماز، فرشته ای این صلا دهد که: ای مردم! بپا خیزید و با نماز خود آن آتشهایی را که با دستهای خود در پشت خویش بر افروخته اید خاموش کنید.

(۲) ۲- ابن ابی یعفور از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: ای عبد اللّٰه! هر گاه نماز واجب خود را می خوانی، آن را در وقت شرعی خود بجای آر مانند کسی که (آخرین نماز خود را می خواند و) با نماز وداع می کند و بیم از آن دارد که دیگر موفّق به ادای آن نشود، سپس به سجده گاه خود نگاه کن زیرا اگر بدانی که چه کسی در سمت راست و چپ تو قرار دارد، مسلّما نماز خود را بهتر خواهی خواند، و آگاه باش که تو در برابر کسی ایستاده ای که او تو را می بیند ولی تو او را نمی بینی «۱».

(۱) فرشـتگان (رقیب و عتیـد) در همه احوال مراقب آدمیانند و هیچ عمل و حرکتی از نظر تیزبین آنها پنهان نمی ماند، و علاوه بر این، انسان

همیشه در محضر خداست و اگر این حضور دائمی در ضمیر آدمی نقش بندد، نمی تواند به کارهای ناپسند دست زند، و اگر این باور در آئینه خاطر انسان پرتو افکن گردد، دیگر غبار کدورتی باقی نمی ماند و آدمی با قلبی شفّاف و ضمیری نورانی، جلوات خداوندی را به تماشا می نشیند و عروج خود را آغاز می کند که: الصّلوه معراج المؤمن.

(۱) ۳- جمیل بن درّاج از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: برای نمازگزار سه خصلت است: اوّل آنکه: چون به قصد نماز برخیزد، برکات و خیرات از آسمان تا فرق سر او باریدن گیرد. دوّم آنکه: از زیر پای تا اوج آسمان در احاطه فرشتگان خداست. سوم آنکه: فرشته ای ندا سر می دهد که: ای نمازگزار! اگر بدانی که با چه کسی مناجات می کنی، هرگز نماز خود را تمام نمی کردی.

ثواب خواندن نماز صبح در اوّل وقت

(۲) ۱- اسحاق بن عمّار نقل می کند که به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: یا ابا عبد اللَّه! مرا از بهترین وقت برای خواندن نماز صبح آگاه فرما. فرمود: هنگام طلوع فجر، زیرا خداوند می فرماید (در سوره اسراء، آیه ۷۸): به تحقیق که قرآن فجر مشهود است، یعنی نماز صبح را هم فرشتگان روز و هم فرشتگان شب مشاهده کنند. پس اگر بنده ای نماز صبح خود را به هنگام طلوع فجر بخواند، ثواب آن دو بار در نامه اعمال او نوشته می شود، هم فرشتگان روز می نویسند و هم فرشتگان شب.

فضیلت اول وقت بر آخر وقت

(۱) ۱- بکر بن محمد ازدی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: فضیلتی که اول وقت (نماز) بر آخر وقت دارد، برای انسان مؤمن از ثروت و فرزندانش بهتر است.

(۲) ۲- و در حدیث دیگری، امام صادق علیه السّلام فرموده است: فضیلت اول وقت بر آخر آن همانند فضیلتی است که آخرت بر دنیا دارد.

ثواب بجا آوردن نمازهای واجب در اوّل وقت

(۳) ۱- سعد بن ابی خلف از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام روایت کرده است: (عطر) نمازهای واجب که در اول وقت و با آداب و حدود مخصوص به خود خوانده

می شوند، از برگها و ساقه های نورسته و شاداب و با طراوت آس (درخت مورد) خوشبوتر است. پس بر شماست که نماز

(واجب) را در اول وقت آن بجای آورید «۱».

ثواب خواندن نماز شکسته در مسافرت

(۱) ۱- عیسی بن عبد اللَّه هاشمی، از پدرش، از جدّش، و او از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: بهترین شما کسانی هستند که در سفر نماز خود را شکسته (قصر) می خوانند و روزه خود را افطار می کنند.

ثواب مسافری که نماز جمعه بخواند

(۲) ۱- سماعه از امام صادق علیه السّلام، و او از پدر بزرگوارش علیه السّلام روایت کرده است:

---

(۱) آس یا درخت مورد از محصولات گرمسیری است، و گویند عصای حضرت موسی علیه السّلام از چوب آن بوده است، همچنین به نوعی ریحان که بی اندازه خوشبوست، گفته می شود. ر ک: فرهنگ نفیسی، ج ۱ ص ۲۷.

هر مسافری که نماز جمعه را از روی علاقه و محبّت بجای آورد، خداوند ثوابی برای او منظور فرماید که با ثواب قرائت صد نماز جمعه فرد مقیم (غیر مسافر) برابر است «۱».

ثواب نماز جماعت

(۱) ۱- عبد اللَّه سنان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: نماز جماعت، بیست و سه درجه بر نماز فرادی برتری دارد و (معادل) بیست و پنج نماز محسوب می شود.

(۲) ۲- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش روایت کرده که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که با ایمان و برای خشنودی خدا به نماز جماعت حاضر شود، اعمال خود را از سر گرفته است «۲».

---

(۱) ظاهرا مسافر باید با قصد اقامه مبادرت به انجام آن نماید.

(۲) ظاهرا مراد آن است که بر روی گناهان گذشته چنین فردی، قلم عفو کشیده می شود.

(۱) ۳- معلّی بن خنیس از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: اگر کسی از شما روز جمعه را درک کند، خود را به چیزی جز عبادت خداوندی مشغول نسازد، زیرا در این روز (جمعه) گناهان (گذشته) بندگان آمرزیده می شود و رحمت حضرت

حق (بر آنان) نازل می گردد.

ثواب ایستادن به نماز

(۲) ۱- ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: هیچ بنده ای از شیعیان به نماز نمی ایستد مگر آنکه فرشتگان خدا به شماره مخالفانی که دارد در پشت سر او به نماز می ایستند و به او اقتدا می کنند و در حقّ او دعا می کنند تا هنگامی که نماز خود را به پایان برد.

ثواب ذکر صلوات بعد از نماز عصر روز جمعه

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۱۵

(۱) ۱- ناجیه از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است: چون در روز جمعه، نماز عصر را بجای آوردی، این دعا را بخوان: بار الها! بهترین درودهای خود را بر محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و آل محمد علیهم السّلام (و) جانشینانش که از آنان راضی و خشنودی، بفرست، و بهترین برکات خود را بر آنان نازل فرما، و درود و برکت و رحمت خدا بر آنان و ارواح آنان و بدنهای (مطهّر) آنان باد. پس اگر کسی چنین کند، خداوند صد هزار حسنه برای او می نویسد و صد هزار گناه از (نامه اعمال) او پاک می کند، و صد هزار حاجت او را برآورده می سازد و صد هزار درجه (مقام) او را بالا می برد.

ثواب قرائت یک بار الحمد، هفت بار قُلْ هُوَ اللَّهُ، هفت بار قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ، و آیه الکرسی و آیه سخره و آخر سوره براءه، بعد از نماز جمعه

(۲) ۱- حلبی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: هر کس پس از نماز جمعه، یک بار حمد، هفت بار (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ

الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ)،

(یک بار) آیه الکرسی، (یک بار) آیه سخره (آیه های ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ سوره اعراف) و آخرین آیه سوره براءه لَقَدْ جاءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِکُمْ ... تا آخر آیه را بخواند، (ثواب) اینها کفّاره گناهان او از آن جمعه تا جمعه دیگر خواهد بود.

و باز، ثواب قرائت این چند سوره بعد از نماز جمعه

(۱) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر کس بعد از نماز جمعه، یک بار سوره حمد و هفت بار سوره قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ؛ و باز یک بار سوره حمد و هفت بار سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ؛ و باز یک مرتبه سوره حمد و هفت مرتبه سوره قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ را بخواند، هیچ بلائی بر او نازل نمی شود و هیچ فتنه ای به او نمی رسد تا جمعه دیگر. و چنانچه بگوید: بار الها! مرا از اهل بهشت، آن بهشتی که برکات خداوندی در آن است و فرشتگان خدمتگزاران آنند با پیامبرمان محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و پدرمان ابراهیم خلیل، قرار

ده، خداوند او را در دار السّلام با رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و حضرت ابراهیم خلیل علیه السّلام محشور خواهد کرد.

ثواب رفتن برای ادای نماز و فرا گرفتن قرآن

(۱) ۱- اصبغ بن نباته از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است: چون ساکنان زمین، خود را به گناه آلوده کنند مشیّت حضرت حق بر این تعلّق می گیرد که تمام اهل زمین را (بعلّت این ناسپاسی و کفران) عذاب کند، ولی هنگامی که سالخوردگان آنها را می بیند که به سوی نماز گام برمی دارند، و کودکان آنها را سرگرم فراگیری قرآن مشاهده فرماید، ساکنان زمین را (به خاطر آنها) مشمول رحمت (بی منتهای خود) قرار می دهد و عذاب (آنان) را به تأخیر می اندازد.

ثواب نابینای صابر و محبّ آل محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم

(۱) ۱- ابو حمزه ثمالی و محمّد بن مسلم (هر دو) از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده اند:

هر کس با چشم نابینا از دنیا برود و برای خشنودی خدا این را تحمّل کند و دوستدار آل محمد (صلوات اللَّه علیهم اجمعین) باشد، خدا را در حالی ملاقات کند که حسابی بر او نیست (کنایه از اینکه گناهانش آمرزیده شده، و یا آنکه حسابش آسان خواهد بود).

(۲) ۲- و باز، روایت شده است که: خداوند، دو چشم یا یک چشم بنده ای را (از او) نمی گیرد مگر آنکه از گناهانش پرسش نمی کند.

ثواب دو رکعت نماز مستحبّی برای رضای خدا خواندن، یا یک درهم صدقه دادن، یا یک روز روزه مستحبّی گرفتن

(۳) ۱- اسماعیل بن یسار روایت کرده است: شنیدم از امام صادق علیه السّلام که فرمود: شما را از کسالت و تنبلی (در عبادت) بر حذر می دارم، چرا که پروردگار شما بسیار مهربان

ابن بابویه، محمد بن علی - مجاهدی، محمد علی، پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ۱جلد، انتشارات سرور - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۱ش. پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال ؛ ؛ ص۱۱۹

است، عمل کم و اندک را (از شما) قبول می کند و پاداش می دهد. چه بسا فردی که برای خشنودی خدا (و با نیّت پاک) دو رکعت نماز مستحبّی می خواند، و خداوند او را به خاطر همان دو رکعت نماز، وارد بهشت می کند؛ و یا در راه خدا یک درهم صدقه می دهد، و خداوند به (پاداش) همین صدقه ناچیز، بهشت را بر او ارزانی می دارد؛ و یا یک روز، روزه مستحبّی می گیرد و خداوند به سبب

همین عمل، او را بهشتی می کند.

برتری جمعه های ماه رمضان بر جمعه های دیگر

(۱) ۱- جابر از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است: برتری (فضیلت) جمعه های ماه مبارک رمضان بر جمعه های ماههای دیگر، همانند برتری حضرت رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بر پیامبران دیگر [و یا برتری ماه مبارک رمضان بر ماههای دیگر است].

ثواب نماز کسی که عطر استعمال می کند

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۲۰

(۱) ۱- مفضّل بن عمر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: دو رکعت نماز کسی که (به هنگام نماز) خود را معطّر می کند از هفتاد رکعت نماز کسی که عطر نمی زند، برتر است.

ثواب نماز کسی که همسر دارد

(۲) ۱- ولید بن صبیح از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: دو رکعت نماز مردی که همسر دارد، از هفتاد رکعت نماز مرد مجرّد (بی همسر) برتر است.

ثواب کسی که چهار رکعت نماز گزارد و در هر رکعت پنجاه مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را بخواند

(۳) ۱- عبد اللّه بن سنان گوید: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: هر کس چهار رکعت نماز بجای آورد، و در هر رکعت پنجاه بار سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را بخواند، (این چنین شخصی) نماز را تمام نمی کند مگر آنکه تمام گناهانش آمرزیده شده باشد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۲۱

ثواب نماز جعفر بن ابی طالب علیه السّلام (جعفر طیّار)

(۱) ۱- ابراهیم بن ابی البلاد نقل می کند که از امام رضا علیه السّلام ثواب نماز جعفر را پرسیدم، فرمود: اگر گناهان او (خواننده این نماز) به اندازه شنهای بیابان عالج (کنایه از زیاد بودن) و کف دریا (کنایه از گناهان بیشمار) باشد، خداوند آنها را می آمرزد. گوید که باز پرسیدم: این آمرزش، اختصاص به شیعیان دارد؟ فرمودند: بلی! اختصاص به شما دارد. عرض کردم: در این نماز چه سوره ای از قرآن باید تلاوت شود؟

فرمودند: سوره زلزله إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ ... و سوره نصر إِذا جاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ ... و سوره قدر إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ... و سوره توحید قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ....

ثواب نماز شب

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۲۲

(۱) ۱- عبد اللَّه بن سنان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: نماز شب، مایه شرافت و والائی انسان مؤمن است، و عزّت انسان با ایمان در خودداری او از دریوزگی کردن از مردم می باشد.

(۲) ۲- معاویه بن عمّار به نقل یکی از اصحاب روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: بر شماست که نماز شب بخوانید، زیرا نماز شب، سنّت پیامبر شما و شیوه مردان نیکوکاری است که پیش از شما می زیسته اند، و نیز باعث دوری بیماریها از بدنهای شماست.

(۳) ۳- و به همین سند از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: نماز شب، چهره ها را سفید و نورانی و بدن آدمی را معطّر می سازد و نیز موجب فراوانی روزی است.

(۴) ۴- محمد بن عمر به نقل از یکی از راویان حدیث، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: همان

گونه که خداوند متعال (در سوره کهف آیه ۴۶) می فرماید: زینت

زندگانی دنیا، مال و اولاد آدمی است؛ زینت آخرت هم در هشت رکعت نمازی است که بنده خدا در آخر شب می خواند.

(۱) ۵- و باز به همین سند از امام صادق علیه السّلام نقل شده است که آن حضرت به کسی که از تنگدستی و فقر شکایت بسیار می کرد تا جایی که نزدیک بود اظهار گرسنگی کند، فرمود: ای مرد! نماز شب می خوانی؟! عرض کرد: بلی! راوی می گوید که آن حضرت به یکی از اصحاب خود رو کرد و فرمود: کسی که نماز شب می خواند اگر ادّعا کند گرسنه است سخن به گزاف رانده و دروغ گفته است، زیرا خداوند متعال در ازای نماز شب او، ضامن روزی آن روز او شده است.

(۲) ۶- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش، از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: نماز شب، بدن را سلامت می بخشد، موجب خشنودی پروردگار می گردد و مقیّد بودن به اخلاق پسندیده پیامبران الهی و خود را در معرض رحمت خداوندی قرار دادن است.

(۱) ۷- علیّ بن محمد نوفلی روایت کرده است: از او «۲» شنیدم که: گاه می شود که بنده ای برای نماز شب برخیزد و خواب بر او غلبه می کند و به سمت راست و چپ می غلطد (و از خستگی و شدّت خواب) چانه او به روی سینه اش می چسبد، در این حال خداوند متعال فرمان می دهد که: درهای آسمانها را بگشائید، و

به فرشتگان فرماید که: به این بنده من نظر کنید که برای نزدیک شدن به من، چه سختی هایی را بر خود روا می دارد در حالی که من این عمل را بر او واجب نکرده ام، و او از من سه چیز می طلبد: اول آنکه گناهانش را بیامرزم، دوم آنکه توفیق توبه را به او ارزانی دارم، سوم آنکه روزی او را فراوان کنم؛ و من ای فرشتگان! شما را گواه می گیرم که هر خواسته او را برآورده کردم.

(۲) ۸- معاویه بن عمّار دهنی از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است: نماز شب، چهره را زیبا،

---

(۲) در رجال شیخ طوسی ص ۳۸۸ آمده است که علی بن محمد نوفلی از اصحاب امام هادی علیه السّلام است.

اخلاق را نیکو، بوی بدن را خوش، روزی را فراوان، بدیها را ادا، غصّه اندوه را برطرف و قدرت بینائی را افزون کند.

(۱) ۹- حسین بن حسن کندی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: گاهی انسان دروغ می گوید و موجب آن می گردد که از روزی مقدّرش محروم شود. عرض می کند:

چگونه از روزی مقدّر خود محروم می شود؟! (کنایه از اینکه دروغ گفتن چه ارتباطی با محروم شدن از روزی مقدّر دارد؟!)، حضرت می فرماید: یکی از آثار سوء دروغ، محروم شدن از (فیض) نماز شب است، و چون آدمی از نماز شب محروم ماند، از روزی مقدّر (که نتیجه خواندن نماز شب است) بی نصیب گردد.

(۲) ۱۰- فضیل از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: خانه هائی که شبها در آنها نماز و قرآن تلاوت می شود، در نظر اهل آسمان می درخشند همان

گونه که ستارگان آسمانی برای اهل زمین می درخشند.

(۳) ۱۱- ابراهیم بن عمر بدون ذکر اسامی راویان پیش از خود، از امام صادق علیه السّلام نقل

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۲۶

می کنـد که آن حضـرت در معنی این آیه مبـارکه: همانـا خوبیهـا، بـدیها را از بین می برنـد، فرمود: نماز شبی که انسان مؤمن بجای می آورد، گناهانی را که در روز مرتکب شده است، از بین می برد.

ثواب شب زنده داری با قرآن

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۲۷

(۱) ۱- جابر بن اسـماعیل از امام صادق علیه السّـلام، و آن حضـرت از پدرشان امام محمد باقر علیه السّـلام روایت کرده است که: مردی از امیر مؤمنـان علی علیه السّـلام در بـاره شب زنـده داری بـا تلاـوت قرآن سؤال کرد، فرمود: تو را مژده می دهم به اینکه: هر کس یکـدهم از شب را بـا اخلاص پاك و با امیـد به پاداش الهی به خوانـدن نماز بسـر برد، خداونـد به فرشـتگانش دسـتور می دهـد تـا به شـماره روئیـدنیها در آن شب- از برگهـا و دانه ها و درختان- و به شـماره نی ها و ساقه های نرم و تازه رسـته برای او ثواب بنویسـند؛ و اگر کسـی یک نهم از شب را به نماز بگذارند، خداوند ده دعای او را مسـتجاب فرماید، و در روز قیامت، نامه اعمالش را به دست راسـتش می دهد؛ و اگر کسـی یك هشتم از شب را به ادای نماز بسر برد، خداوند ثوابی برابر با اجر یك شـهید صابر و مخلص را به وی کرامت کند و شفاعت او را در حق اهل بیت خود پذیرفته می شود؛ و هر کس یك هفتم از شب را مشغول نماز

باشـد، بـا سـیمائی درخشـان و نورانی چون مـاه شب چهاردهم محشور می شود و با کسانی که (از عـذاب الهی) در امانـنـد، از صراط عبور می کند؛ و اگر کسی در یک ششم از شب نماز را بپا دارد، در زمره کسانی که (با توبه

قبول) به سوی پروردگار بازگشته انـد، قرار می گیرد و تمام گناهان گذشـته و آینـده او آمرزیـده می شود؛ و اگر کسـی یک پنجم از شب را به نماز بگذارند، در بهشت با حضرت ابراهیم خلیل علیه السّلام همنشین خواهد بود؛ و کسی که یک چهارم از شب را صـرف خواندن نماز کند، در روز قیامت در صف اوّل رسـتگاران قرار می گیرد و (به سـرعت) همانند تندباد از صراط بگذرد و بدون حساب وارد بهشت شود؛ و اگر کسـی یک سوّم شب را به اقامه نماز صـرف کند، هیچ فرشـته ای (از فرشتگان خدا) را ملاقات نمی کند مگر آنکه بر منزلت و مقام او در نزد پروردگار عالم حسرت می خورند، و به او گفته می شود که از هر دری از درهای هشـتگانه بهشت که خواهی، وارد شو؛ و اگر کسی نیمی از شب را به نماز مشغول شود، اگر (به مثل) هفتاد هزار برابر (وزن یـا حجم) زمین را پر از طلا کننـد، به پاداشـی که خداونـد برای او مقرّر کرده است، برابری نکنـد و اجر او در ازای این عمل از آزاد کردن هفتاد بنده از فرزندان حضـرت اسـماعیل بیشتر است؛ و اگر کسـی دو سوم از شب را صرف اقامه نماز کند، برای او به شماره شنهای بیابان عالج، حسنه نوشته می شود که کمترین حسنه

او از ده برابر (وزن) کوه احد سنگین تر است؛ و کسی که در طول شب به نماز و تلاوت قرآن کریم مشغول گردد و همواره در حال رکوع و سجود و ذکر خدا باشد، برای او (در نامه اعمالش) به اندازه ای حسنه و پاداش می نویسند که کمترین آن این است که: همانند روزی که از مادر زاده شده است از (آلودگی) گناهانش، پاک می شود؛ و به شماره تمام حسنات الهی، درجات قرب و منزلتش افزونی گیرد، و قبرش نورانی شود، دلش را از آلودگیهای ناشی از حسد پاک و پاکیزه گردد، و از عذاب قبر ایمنش کنند، و

برات آزادی از آتش جهنم به او دهند و در محشر با کسانی که از عذاب الهی در امانند، محشور می شود، و خداوند به فرشتگان خود فرماید: به بنده من بنگرید که شبی را در طلب خشنودی من بسر برده و به عبادت من مشغول بوده است، او را در فردوس جای دهید، و در فردوس از برای او صد هزار شهر است و در هر شهری آنچه را که میل آدمی به آنهاست، فراهم است، و هر چیزی که آدمی با دیدن آن احساس لذّت می کند در آن مهیّا، و نعمتهای دیگری که هرگز در خاطر کسی خطور نمی کند، آماده است، و اینها (که برشمرده شد) سوای خیر کثیر و قرب و منزلتی است که من برای او در نظر گرفته ام.

ثواب کسی که دانسته دو رکعت نماز بخواند

(۱) ۱- سیف بن عمیره نخعی از قول کسی که خود از امام صادق علیه السّلام شنیده، نقل کرده است: هر کس دو رکعت نماز بجای

آورد و بداند که چه می گوید، نمازش را در حالی به پایان می برد که در میان او و خداوند بزرگ هیچ گناهی نماند که آمرزیده نشده باشد.

ثواب دو رکعت نماز بدون تکلّف ولی توأم با تفکّر

(۱) ۱- زید بن علیّ بن الحسین، از پدر بزرگوارش، و آن حضرت از پدران بزرگوار خود روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: دو رکعت نماز بدون تکلّف و مختصر ولی همراه با تفکّر، از یک شب عبادت (حضرت حق) بهتر است «۱».

ثواب نماز نافله در میان نماز مغرب و عشاء (ساعت غفلت)

(۲) ۱- وهب بن وهب از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: نماز نافله در ساعت غفلت بجای آورید حتّی اگر

---

(۱) اگر می خواهید از ثواب کسی که یک شب را به عبادت خداوند و طلب خشنودی او سپری می کند آگاه شوید، به قسمت پایانی روایت امام صادق علیه السّلام از پدر بزرگوارش امیر مؤمنان علی علیه السّلام تحت عنوان: «ثواب شب زنده داری با قرآن» که گذشت مراجعه کنید تا به ارزشی که شارع مقدّس اسلام برای اندیشه و تفکّر قائل است پی ببرید.

به دو رکعت نماز مختصر باشد که موجب رسیدن به سعادت و کرامت و بهشت پر نعمت خداوندی است. عرض کردند: ای رسول خدا! منظور از ساعت غفلت چیست؟! فرمود: فاصله زمانی (وقت) ما بین نماز مغرب و نماز عشاء.

ثواب پانصد رکعت نماز در هفته

(۱) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر کس در فاصله دو جمعه (یک هفته) پانصد رکعت نماز بخواند، هر نعمت و خیری که از خدا آرزو دارد، به او خواهد داد.

ثواب قرائت یازده مرتبه سوره توحید پس از نماز صبح

(۲) ۱- علی بن جعفر از برادر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت کرده است که حضرت علی علیه السّلام فرمود: هر کس پس از نماز

صبح، یازده مرتبه سوره توحید (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ...) را بخواند هیچ گناهی در آن روز به او تعلّق نمی گیرد هر چند که شیطان را خوش نیاید.

ثواب تعقیبات نماز

(۱) ۱- ابن عمر از امام حسین علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: «۱» ثواب مسلمانی که پس از ادای نماز صبح در محلّ نماز خود بنشیند و تا طلوع آفتاب به ذکر خدا مشغول باشد، برای او اجری همانند اجر کسی است که حجّ خانه خدا را انجام داده باشد، و (خداوند) گناهانش را می بخشد؛ و اگر در محلّ نماز خود به انتظار وقت نماز بعدی بنشیند، و دو یا چهار رکعت نماز بجای آورد، (خداوند) گناهان گذشته او را بیامرزد و پاداشی که برای او می نویسند برابر با پاداش کسی است که به حجّ خانه خدا رفته باشد.

---

(۱) این روایت در تهذیب الأحکام ۲/ ۱۳۸ و استبصار ۱/ ۳۵۰ از حسن بن علی علیه السّلام از امیر المؤمنین علیه السّلام از رسول اللَّه صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم ذکر شده است.

(۱) ۲- ابو العلاء خفاف از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: هر کس نماز مغرب را بگزارد سپس تعقیبات (نماز را) بخواند، و قبل از آنکه با کسی

صحبت کند دو رکعت نماز بجای آورد، آن دو رکعت در مقام علیّین (که از مقامات والای بهشتی است) ثبت می گردد، و اگر چهار رکعت (بجای دو رکعت) نماز بجای آورد، ثواب یک حجّ مقبول در نامه اعمال او نوشته می شود.

(۲) ۳- جابر از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

خداوند متعال می فرماید: ای فرزند آدم! پس از انجام نماز صبح و نماز عصر، ساعتی به ذکر من مشغول باش تا من همه نیازمندیها و گرفتاریهای تو را برطرف سازم.

ثواب جدا کردن زکات از مال و مصرف صحیح آن

(۳) ۱- حسن بن علی بن فضّال از یکی از شیعیان بنام مهدی روایت کرده است که حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام فرمود: هر کس زکات مال خود را بطور کامل جدا کرده

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۳۴

و آن را به مصرف صحیح آن (دادن به نیازمندان واقعی) برساند، از او سؤال نخواهد شد که مال خود را از چه راهی به دست آورده است «۱».

(۱) ۲- سکونی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر گاه اراده خداوندی به خیر و رحمت بنده اش تعلّق گیرد، فرشته ای از فرشتگان را که خزانه دار بهشتند، مأمور می کند تا دست بر سینه او بکشد تا او در ادای زکات، با گذشت و سخیّ الطبع گردد.

و نیز امیر مؤمنان علی علیه السّلام در وصیّت خود فرموده است: اللَّه اللَّه فی الزّکاه (یعنی:

تقوای الهی را در پرداخت زکات مراعات کنید) زیرا (پرداخت) زکات، آتش قهر الهی را خاموش می کند.

(۲)

۳- عمرو بن شمر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: دارائی خود را با پرداخت زکات حفظ کنید، و بیماران خود را با دادن صدقه مداوا نمائید، و هیچ مالی- چه در

---

(۱) مسلّما کسی که خود را موظّف به پرداخت زکات می داند، ثروت خود را از راه حرام به دست نمی آورد تا زکاتش را بدهد زیرا در واقع آن مال حرام از او نیست، و هیچ چیزی جای حقّ النّاس را نمی گیرد، و بهر حال پرداخت زکات نمی تواند جواز مال اندوزی از راه حرام باشد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۳۵

خشکی و چه در دریا- از بین نمی رود مگر آنکه بخاطر ندادن زکات آنهاست.

ثواب حج و عمره

(۱) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: خداوند گناهان (مسلمان) حج گزار و افراد خانواده و خویشانش را می آمرزد، و نیز گناه کسی را که شخص حج گزار در بقیّه روزهای ذی حجّه و محرّم و صفر و ربیع الاوّل و ده روز (اوّل) ربیع الثّانی، از برای او طلب آمرزش کند.

(۲) ۲- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: کسی که- برای خدا و بدون ریا، و بی آنکه بخواهد برای خود شهرتی پیدا کند- حج بجای آورد، بدون تردید خداوند او را می آمرزد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۳۶

(۱) ۳- علیّ بن اسباط بدون ذکر نام راویان پیش از خود، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که امام زین العابدین علیه السّلام می فرمود: حجّ و عمره را بجای آورید تا بدنهای شما سالم، روزی شما فراوان و ایمانتان درست و شایسته گردد،

و (به برکت این عمل) هزینه های زندگی شما و خانواده شما و دیگران نیز تأمین شود.

(۲) ۴- اسحاق بن عمّار می گوید که به امام صادق علیه السّلام عرض کردم که: من خود را آماده کرده ام که هر سال به حج بروم و یا یکی از افراد خانواده ام را با مال خود به حج بفرستم. حضرت فرمود: تصمیم تو در این مورد، قطعی است؟! عرض کردم: آری! فرمود: اگر این امر را محقّق کنی پس یقین داشته باش که اموال تو زیاد خواهد شد و تو را به ثروت بسیار بشارت می دهم.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۳۷

(۱) ۵- جمیل بن درّاج از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که قصد انجام مناسک حج دارد، هنگامی که شروع به تهیّه لوازم و اسباب سفر می کند، هیچ چیزی را بر نمی دارد و نمی گذارد مگر اینکه خداوند ده حسنه در نامه اعمالش ثبت و ده گناه از آن پاک می سازد و (مقام) او را ده درجه بالا می برد، و هنگامی که بر شتر خود سوار می شود (مراد، مرکب است) هیچ گامی بر نمی دارد و یا نمی گذارد مگر اینکه معادل همین پاداشها را برای او می نویسد، و به هنگام طواف خانه خدا از (محدوده) گناهانش بیرون می رود (آمرزیده می شود)، و به هنگام سعی میان صفا و مروه، یا وقوف در عرفات، یا وقوف در مشعر الحرام، یا رمی جمرات نیز از گناهانش بیرون می رود، آنگاه رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم سایر مواقف

حج را نام بردند و فرمودند: در هر یک از این مواقف، شخص حج گزار از گناهانش خارج می شود؛ و سپس در ادامه سخنان خود فرمودند:

کجا می توانی به ثوابی که شخص حج گزار به آن می رسد، برسی؟! «۱».

---

(۱) چون آدمی، همیشه در مظانّ آلوده شدن به گناه قرار دارد، و ممکن است در هر لحظه به رسم عادت گناهانی را مرتکب شود، لذا رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در این حدیث شریف، در هر موقفی از مواقف حج، جمله: «از گناهانش خارج می شود» را تکرار می کنند، چرا که همیشه امکان آلوده شدن شخص حج گزار به گناه از موقفی تا موقفی دیگر وجود دارد، و شاید هم این حدیث شریف، سیر تکامل تدریجی انسان حج گزار و وصول تدریجی او را به مراتب کمال بازگو کند، و شاید هم ثواب هر موقفی از مواقف حج، آمرزش گروه خاصی از گناهان حج گزار را بهمراه داشته باشد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۳۸

(۱) ۶- عمر بن یزید از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: هنگامی که انسان حج گزار به مکّه وارد می شود، خداوند عز و جل دو فرشته را می گمارد تا در طواف و نماز و سعی بین صفا و مروه از او مراقبت و محافظت کنند، و هنگامی که در عرفات توقف می کند، آن دو فرشته دست خود را بر دوش راست او زده و می گویند: در باره آنچه گذشت آسوده خاطر باش (گناهان گذشته تو آمرزیده شد)، حال مراقب کارهای آینده خود باش! (۲) ۷- ابو حمزه ثمالی نقل می کند که مردی به محضر امام زین العابدین علیه السّلام عرض

کرد:

شما جهاد در راه خدا را و سختیهایی که داشت ترک کردی و حجّ خانه خدا را که آسان بود برگزیدی؟! راوی می گوید: آن حضرت به هنگام شنیدن این سخنان تکیه داده بودند، برخاستند و راست نشستند و فرمودند: وای بر تو! آیا فرمایش رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را در حجّه الوداع نشنیده ای؟! رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در موقف عرفات در حالی که آفتاب رو به غروب می رفت به بلال دستور داد تا مردم را به سکوت فرا خواند، و هنگامی که سکوت همه جا را گرفت، رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: پروردگار

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۳۹

شما امروز، شما را مورد عنایت خود قرار داد، نیکوکاران شما را آمرزید، و شفاعت نیکوکاران شما را در حقّ گناهکارانتان پذیرفت، پس اینک با (ره آورد) آمرزش گناهان به شهر و دیار خود روید، و خداوند متعال در مورد کسانی که (هنوز) جرمهائی به گردن دارند، خشنودی خود را ضمانت کرده است.

(۱) ۸- معاویه بن عمّار از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: چون رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم از مراسم حج فارغ شد، در بیابان مکّه مردی اعرابی به خدمت آن حضرت شرفیاب شد و عرض کرد: ای رسول خدا! من به قصد حجّ خانه خدا (از دیار خود) بیرون آمدم ولی مانعی پیش آمد و نتوانستم حج را بجای آورم، چون مردی ثروتمندم مرا به انجام کاری فرمان دهید تا به ثواب شخص حج گزار برسم. حضرت رو به کوه

ابو قبیس کرده فرمود: اگر به مقدار این کوه، طلای سرخ داشته باشی و تمام آن را در راه خدا انفاق کنی به ثواب شخص حج گزار نخواهی رسید.

(۲) ۹- و به همین سند از امام صادق علیه السّلام روایت شده است: حاجیان به هنگام بازگشت،

سه گروهند: گروهی از آتش جهنّم رهایی یابند؛ و گروهی همانند روزی که از مادر زاده شده اند، از گناهان پاک می شوند؛ و گروه سوم، حاجیانی هستند که اموال و زن و فرزند آنان در امان می ماند، و این گروه از حاجیان کسانی هستند که کمترین بهره را (از حج) برده اند.

(۱) ۱۰- عمرو بن یزید از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: حجّ خانه خدا از آزاد کردن ده بنده (در راه خدا) برتر است؛ و حضرت اضافه فرمود تا آن را برتر از هفتاد بنده آزاد کردن رساند، و فرمود: یک طواف با دو رکعت نماز (مربوط به آن) از آزاد کردن یک بنده (در راه خدا) برتر است.

(۲) ۱۱- معاویه بن عمّار از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: خداوند متعال به گرد کعبه یک صد و بیست قسمت رحمت دارد، شصت قسمت آن برای کسانی که طواف می کنند، چهل قسمت آن برای نمازگزاران و بیست قسمت دیگر برای تماشاکنندگان است.

(۱) ۱۲- محمد بن مسلم نقل می کند که مردی خدمت امام موسی بن جعفر علیه السّلام رسید، «۱» حضرت به او فرمودند: آیا از (سفر) حج می آئی؟ عرض کرد: آری. فرمود: آیا ثواب حج گزار را می دانی؟ عرض کردم:

نه به فدایت گردم، فرمود: هر کس به نیّت حجّ خانه خدا رهسپار (سفر مکّه) گردد تا آنکه با حالت فروتنی و تواضع وارد مکّه شود، و هنگامی که به مسجد الحرام وارد می شود، از ترس (قهر و عذاب) الهی قدمهای خود را کوتاه بردارد، و هفت بار طواف کند، و دو رکعت نماز طواف بخواند، خداوند (به پاداش این اعمال) هفتاد هزار حسنه برای او می نویسد و هفتاد هزار گناه را از او پاک می سازد، و هفتاد هزار درجه مقام او را بالا می برد، و شفاعت او را در بر آورده شدن هفتاد هزار حاجت می پذیرد، و ثواب آزادی هفتاد بنده را (در راه خدا) که ارزش هر کدام آنها ده هزار درهم می باشد به حساب او منظور می فرماید.

---

(۱) شیخ طوسی در رجال خود محمد بن مسلم را جزو اصحاب امام کاظم علیه السّلام نیاورده. و علّامه مجلسی این روایت را در بحار الانوار ۹۶/ ۱۹۱ و ۲۰۲ از ثواب الاعمال به نقل از محمد بن مسلم از ابی جعفر علیه السّلام نقل کرده است.

(۱) ۱۳- اسحاق بن عمّار گوید که: امام صادق علیه السّلام به من فرمود: ای اسحاق! هر کس در پیرامون این خانه (کعبه) یک طواف کند، خداوند هزار حسنه برای او می نویسد و هزار گناه را (از نامه اعمال او) پاک می کند و هزار درجه مقام او را بالا می برد و هزار درخت در بهشت برای او می کارد و ثواب آزاد کردن هزار بنده را (در راه خدا) برای او ثبت می فرماید، و هنگامی که به ملتزم (و آن قسمتی

از کعبه که مردم خود را به آن می چسبانند) برسد، خداوند هشت درب بهشت را به روی او باز می کند و (به او) می گوید که: از هر دری که می خواهی وارد شو. اسحاق می گوید عرض کردم: این ثوابها برای کسی است که فقط (یک) طواف (کعبه) بجای آورد؟! فرمود: آری آیا تو را از عمل نیکی با خبر نکنم که ثوابش از اینها هم بیشتر باشد؟! عرض کردم: بلی.

فرمود: هر کس یک حاجت برادر ایمانی خود را برآورد، خداوند (ثواب) طوافی و طوافی و طوافی- تا آنکه به ده طواف رسید- (در نامه اعمال او) ثبت می فرماید.

(۲) ۱۴- علیّ بن ابی حمزه از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام روایت کرده است: حجّ خانه خدا (به منزله) جهاد ضعیفان (مستضعفان) است، و آنها شیعیان ما هستند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۴۳

(۱) ۱۵- منصور بن حازم نقل می کند که به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: خداوند با حج گزاران چگونه رفتار می کند؟ فرمود: بخدا سوگند که همه آمرزیده می شوند بدون استثنا «۱».

(۲) ۱۶- هارون بن خارجه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که حج بر دو نوع است:

یکی حج برای خدا، و دیگری حج برای مردم؛ پس اگر کسی حج را برای خدا بجای آورد ثواب او بر (عهده) خدا است که همان بهشت می باشد، و کسی که حج را به خاطر مردم بجای آورد، ثواب او در روز قیامت با مردم خواهد بود! (۳) ۱۷- سیف تمّار از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: کسی که حج را از روی اخلاص (و نیّت پاک) بجای آورد و

منظورش (خشنودی) خدا باشد و (عمل حج او) برای نشان دادن به مردم و شهرت و آلوده به ریا نباشد، خداوند متعال حتما او را مورد آمرزش خود قرار می دهد.

---

(۱) از مدلول روایاتی که در این باب گذشت، شرط قبولی حج علاوه بر نیّت پاک و خالص، آداب و مناسک حج را درست بجای آوردن است و معلوم است که با فراهم شدن این شرایط، حجّ انسان پذیرفته می شود و ثوابهائی که وعده داده شده است به او خواهد رسید.

ثواب مصافحه با حج گزار

(۱) ۱- محمد بن حمزه از قول یکی از راویان حدیث که از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: هر کس با شخص حج گزار (که از سفر حج بازگشته است) ملاقات کرده و با او مصافحه کند مانند کسی است که با دست خود حجر الاسود را لمس کرده باشد «۱».

باب نادر

(۲) ۱- یونس بن یعقوب از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: جدم زین العابدین علیه السّلام به هنگام شهادت به فرزندش (پدرم) امام محمد باقر وصیت

---

(۱) مصافحه در لغت، دست در دست دیگری نهادن است و به بوسیدن صورت اطلاق نمی شود.

فرمود: من با این شترم بیست بار به حج رفته ام و هیچ گاه (در این مدت) تازیانه ای به او نزده ام، اگر حیوان مرد او را دفن کن تا حیوانات وحشی (او را ندرند و) از گوشت او نخورند زیرا رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: شتری که هفت بار برای انجام فریضه حج تا عرفات بر آن سوار شوند، خداوند او را از حیوانات بهشت قرار می دهد و به نسلش برکت می بخشد. پس هنگامی که آن شتر مرد، پدرم گوری کند و او را به خاک سپرد.

ثواب شخص روزه دار

(۱) ۱- عبد اللَّه بن طلحه از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارشان روایت کرده اند که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: انسان روزه دار در حال عبادت خداوند است- هر چند در بستر خود آرمیده باشد- بشرط آنکه از

مسلمانی غیبت نکند.

(۲) ۲- سکونی از امام صادق علیه السّلام،

و آن حضرت از پدران بزرگوارشان روایت کرده اند که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: خواب انسان روزه دار عبادت، و نفس کشیدن او تسبیح (خداوند) است.

(۱) ۳- حسین بن احمد از پدرش نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: خواب انسان روزه دار عبادت، و سکوت او تسبیح، و عمل او پذیرفته شده و دعای او مستجاب است.

(۲) ۴- عبد اللَّه بن سنان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: بوی بد دهان انسان روزه دار در نزد خداوند متعال از بوی مشک خوشتر است «۱».

(۳) ۵- حسن بن صدقه از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام روایت کرده است: خواب قیلوله کنید زیرا خداوند انسان روزه دار را در حالی که آرمیده است غذایش می دهد و سیرابش می کند «۲».

---

(۱) مراد این نیست که دهان انسان روزه دار بعلّت مسواک نزدن و عدم رعایت امور بهداشتی، دارای بویی ناخوش است بلکه این یک امر طبیعی است که دهان انسان روزه دار بعلت امساک و نخوردن غذا، بوی خاصی به خود می گیرد که چندان خوشایند نیست، و گر نه هیچ فرد مسلمانی نمی تواند عمدا امور بهداشتی را رعایت نکند که فرموده اند: پاکیزگی نشانه ایمان است.

(۲) قیلوله در لغت هم به معنی خواب بامدادان آمده است و هم خواب نیم روز ولی ظاهرا در اینجا مراد خواب پی از نماز ظهر است که ثواب آن در سایر روایات آمده و به آن سفارش شده است.

ثواب روزه داری که به او ناسزا گویند و او در پاسخ گوید: من روزه دارم، سلام بر تو باد

(۱) ۱- سکونی از امام جعفر صادق علیه

السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارشان امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرموده است: هیچ روزه داری نیست که ناسزایش دهند و او در پاسخ (این بیمهری) بگوید: من روزه دارم، سلام بر تو باد! مگر آنکه خداوند به فرشتگان فرماید: (این) بنده من به روزه پناه برد از بنده دیگر من، پس او را (به پاداش این عمل) از آتش من امان دهید، و او را در بهشت من جا دهید.

ثواب یک روز روزه گرفتن در راه خدا

(۲) ۱- ابو هریره از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: اجر کسی که در راه

خدا یک روز را روزه بدارد، برابر با پاداش یک سال روزه گرفتن است «۱».

ثواب روزه گرفتن در گرما و در حال تشنگی

(۱) ۱- یونس بن ظبیان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: کسی که در گرما یک روز را روزه بدارد و تشنگی را تحمل کند، خداوند هزار فرشته را بر او می گمارد تا دستهای خود را بر روی او کشیده و او را بشارت دهند، و پس از آنکه افطار کرد خداوند می فرماید: چقدر خوش بویی! ای فرشتگان من گواه باشید که من او را آمرزیدم.

ثواب یک روز روزه مستحبّی

(۲) ۱- طلحه بن زید از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

هر کس یک روز، روزه مستحبّی بگیرد خداوند متعال او را وارد بهشت می کند.

---

(۱) از این روایت شریف، اهمیّت نیّت پاک و اخلاص در عمل به خوبی روشن می شود.

ثواب کسی که در حال روزه از دنیا برود

(۱) ۱- جابر از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است: کسی که در حال روزه داشتن، از دنیا برود، وارد بهشت می شود.

ثواب روزه داری که در آغاز روز عطر استعمال کند

(۲) ۱- یونس بن یعقوب از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: روزه داری که در آغاز روز خود را با عطری خوشبو

کند، هیچ گاه عقلش را از دست نمی دهد.

ثواب روزه داری که بر افرادی که غذا می خورند، بگذرد

(۳) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: هیچ

روزه داری در میان گروهی که مشغول خوردن غذا هستند، حاضر نمی شود مگر آنکه اعضای بدن او به تسبیح مشغول شوند و فرشتگان بر او درود و صلوات فرستند، و درود و صلوات آنان، طلب آمرزش از برای اوست.

ثواب روزه ماه رجب

(۱) ۱- کثیر النواء از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: حضرت نوح علیه السّلام در روز اول ماه رجب بر کشتی سوار شد و به همراهان خود فرمان داد که آن روز را روزه بگیرند و فرمود: هر کس این روز را روزه بدارد، آتش جهنّم به فاصله یک سال از او دور می شود؛ و هر کس که هفت روز را روزه بگیرد، درهای هفتگانه جهنّم به روی او بسته می شود؛ و کسی که هشت روز را روزه بدارد، درهای هشتگانه بهشت به روی او باز می گردد؛ و هر کسی که پانزده روز، روزه بگیرد، حاجتی که دارد برآورده می شود؛ و کسی که بیشتر (از این) روزه بدارد، خداوند پاداش او را افزونتر خواهد کرد.

(۱) ۲- سیف بن المبارک از پدرش، و او از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام روایت کرده است: رجب، نام رودی است در بهشت که از شیر سپیدتر و از عسل شیرین تر است، کسی که یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد خداوند متعال از (زلال جاری) آن رود به او می نوشاند.

(۲) ۳- و باز به

همین سند از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام روایت شده است: ماه رجب، ماه بزرگی است که در آن (پاداش) حسنات چند برابر است و گناهان (آدمی) در آن آمرزیده می شود. کسی که یک روز در ماه رجب روزه بگیرد، آتش جهنّم به اندازه یک صد سال از او فاصله می گیرد، و کسی که سه روز (در این ماه) روزه بگیرد، بهشت برای او واجب می شود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۵۷

(۱) ۴- ابو سعید خدری از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: ماه رجب، ماه اصمّ خداست (و اصم به معنی کر و ناشنوا، و گفته شده است که یکی از علتهای این نامگذاری آن است که در این ماه صدای اسلحه شنیده نمی شد) و ماه بزرگی بشمار میرود، و (به خاطر آن) اصمّ نامیده شده است که در نزد پروردگار هیچ ماهی از جهت حرمت و فضیلت به آن نمی رسد، و (حتی) در زمان جاهلیت به آن احترام می گذاردند، و ماه شعبان ماه من است (ماه رسول گرامی اسلام)، و ماه رمضان ماه امّت من.

آگاه باشید! که هر کس یک روز از ماه رجب را با ایمان و برای خدا روزه بگیرد، مستحقّ خشنودی بزرگ خداوند می شود، و روزه او در آن روز سبب خاموش شدن آتش خشم الهی می گردد و یک در از درهای جهنّم بر روی او می بندد، و اگر (گستره) زمین را پر از طلا کنند و به او بخشند، از پاداش روزه او برتر نیست، و اجر او در این دنیا جز با حسنات (کثیر) کامل

نمی شود به شرط آنکه نیّت او پاک و برای رضای خدا باشد، و به هنگام شب ده دعای او مستجاب می شود؛ اگر دعای او برای دنیا باشد، (خداوند) به او عنایت می کند، و گر نه، خیرات و برکات و دعاهای (مستجاب) دوستان و برگزیدگان خود را (برای آخرت او) ذخیره می کند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۵۸

و هر کس دو روز از ماه رجب را روزه بگیرد، هیچ یک از ساکنان آسمان و زمین نمی توانند مقام و کرامت او را در نزد پروردگار بستایند، و (در نامه اعمال او) پاداش ده نفر از راستگویانی که در طول زندگانی خود هرگز دروغ نگفته اند، نوشته می شود، و در روز قیامت همانند آن ده نفر می تواند شفاعت کند، و با آنان محشور می شود تا وارد بهشت شود و از ملازمان آنها باشد.

و هر کس سه روز (از این ماه) را روزه بگیرد، خداوند میان او و جهنّم گودالی یا مانعی به فاصله هفتاد سال قرار می دهد، و خداوند به هنگام افطار (خطاب به او کرده) می فرماید: براستی که (ادای) حقّ تو بر من واجب شده و محبت و ولایت تو بر من واجب گشته، ای فرشتگان! گواه باشید که من گناهان گذشته و آینده او را بخشیدم.

و هر کس چهار روز (از ماه رجب) را روزه بدارد، از تمام بلاها (و بیماریها) از قبیل دیوانگی و خوره و پیسی و فتنه دجّال در امان خواهد بود، و از عذاب قبر نیز ایمن است، و پاداش خردمندان توبه کار و روی آورنده به خدا داراست، و نامه اعمالش را در پیشاپیش (صف) گروه عبادت کنندگان در

دست راست او قرار دهند.

و هر کس پنج روز از ماه رجب را روزه بگیرد، بر خداست که او را در روز قیامت خشنود سازد، و او را با چهره ای فروزان چون ماه شب چهاردهم محشور کند، و به شماره شن های بیابان عالج در نامه اعمال او حسنه نوشته می شود، و بی حساب او را وارد بهشت کند، و به او گفته می شود که هر چه آرزو داری از خدای خویش بخواه.

و هر کس شش روز از ماه رجب را روزه بگیرد، در حالی از قبر خود برون آید که

فروغ سیمای نورانی او از پرتو آفتاب هم بیشتر است، و علاوه بر آن، نور دیگری به او کرامت می شود که اهل محشر از پرتو آن نور استفاده کنند، و در روز قیامت در زمره کسانی که از عذاب الهی در امانند محشور می گردد تا آنجا که بدون محاسبه از صراط بگذرد، و خداوند او را از کیفر ناخشنودی پدر و مادر و قطع رحم در امان دارد.

و هر کس هفت روز در ماه رجب روزه بگیرد، به امر خداوند در برابر هر روزی که روزه گرفته است، یک درب از دربهای هفتگانه جهنم بر روی او بسته می شود و (سوزاندن) بدن او بر آتش جهنّم حرام می گردد.

و هر کس هشت روز از ماه رجب را روزه بدارد، به فرمان خداوند به ازای هر روزی که روزه گرفته است یک درب از دربهای هشتگانه بهشت بر روی او گشوده می شود و خداوند خطاب به او کرده می فرماید: از هر دربی که خواهی به بهشت وارد شو.

و هر

کس نه روز از ماه رجب را روزه بگیرد، در حالی از قبر خود بیرون می آید که بر زبان او ذکر لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ جاری است و به هیچ چیزی جز بهشت روگردانیده نمی شود، و او با چهره ای آنچنان نورانی از قبر خود بیرون می آید که اهل محشر از خود می پرسند که: آیا او پیغمبر برگزیده خداست؟ و کمترین پاداشی که به او کرامت می شود این است که بدون محاسبه وارد بهشت می گردد.

و اگر کسی ده روز از ماه رجب را روزه بدارد، خداوند (در قیامت) دو بال سبز رنگ آراسته به مروارید و یاقوت به او عنایت فرماید که با آن دو بال به سرعت برق دمان به سوی بهشت پرواز کند، و خداوند گناهان او را به حسنات تغییر می دهد، و نام او در

شمار مقرّبان (درگاه الهی) که برای خشنودی خدا در میان مردم به عدالت رفتار کرده اند، ثبت می گردد، و مانند آن است که یک صد سال با صبر و استقامت و درستی و برای خشنودی خداوند عبادت کرده باشد.

و اگر کسی یازده روز از ماه رجب را روزه بگیرد هیچ بنده ای خدا را ملاقات نخواهد کرد که برتر از او باشد مگر کسی که به اندازه او یا بیشتر از او (در این ماه) روزه گرفته باشد.

و هر کس دوازده روز در ماه رجب روزه بدارد، (در روز قیامت) دو جامه سبز رنگ از سندس و استبرق بر تن او می پوشانند، و اگر یکی از آن دو جامه سبز رنگ را در دنیا به تماشا بگذارند فاصله مشرق تا مغرب

(عالم) را روشن و (فضای) دنیای خاکی را خوشبوتر از مشک می کند.

و اگر کسـی سـیزده روز از مـاه رجب را روزه بـدارد، (در روز قیامت) برای پـذیرائی از او خوانی از یاقوت سبز در سایه عرش (الهی) مهیّا سازنـد که پـایه هـای آن از درّ بوده (مسـاحت آن) هفتـاد بـار از دنیا بزرگتر است، و بر روی آن ظرفهایی از درّ و یـاقوت قرار می دهنـد که در هر یـک از آنهـا هفتـاد هزار رنـگ غـذا به چشم می خورد که از نظر رنـگ و بو شـباهتی بـا هم ندارند، و او در حالی از (نعمتهای) آن سفره بهره مند می شود که دیگران در ناراحتی و اندوه بسر می برند.

و اگر کسـی چهارده روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند متعال از قصـرهایی که با درّ و یاقوت ساخته شده است آنقدر به او عنایت فرماید که نه چشمی دیده، نه گوشی شنیده، و نه به ذهن کسی خطور کرده باشد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۶۱

و هر کس پانزده روز از ماه رجب را روزه بـدارد، روز قیامت در جایگاه کسانی که از عـذاب الهی در امانند، می ایسـتد، و هر فرشـته و یا پیامبری که بر او بگـذرد به او می گویـد: خوشا به حال تو که از عذاب الهی در امانی و در جوار قرب الهی حضور داری و دیگران (به مقام تو) غبطه می خورند و با شادمانی در باغهای بهشت آرمیده ای.

و هر کس شـانزده روز از مـاه رجب را روزه بگیرد، از اولین کسـانی خواهـد بود که در روز قیامت بر مرکبهائی از نور خواهد تاخت و در فراخنای بهشت به پرواز درآید

تا به جایگاه رحمت بی نهایت حضرت حق برسد.

و هر کس هفده روز از ماه رجب را روزه بگیرد، در روز قیامت هفتاد هزار چراغ فروزان در مسیر صراط (به هنگام عبور) قرار دهند تا در پرتو آنها به سوی بهشت رهسپار گردد، و فرشتگان با درود و خوش آمد گویی او را همراهی کنند.

و هر کس هجده روز از ماه رجب را روزه بدارد جایگاه او در بهشت و بر تختهائی از درّ و یاقوت، همدم حضرت ابراهیم علیه السّلام خواهد بود و در قصر آن بزرگوار خواهد آرمید.

و هر کس نوزده روز در ماه رجب روزه بدارد، خداوند قصری از مرواریدهای نرم در جوار قصرهای حضرت آدم علیه السّلام و حضرت ابراهیم علیه السّلام برای او در بهشت بنا کند تا بر آن دو (پیامبران بزرگوار) درود خود را نثار کنند و آنها (نیز) به پاس قرب و منزلتی که یافته است بر او سلام کنند، و به ازای هر روز روزه داری، ثواب هزار سال روزه را به وی عنایت فرماید.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۶۲

و هر کس بیست روز از ماه رجب را روزه بگیرد، مثل آن است که بیست هزار سال خدا را عبادت کرده باشد.

و کسی که بیست و یک روز در ماه رجب روزه بگیرد، شفاعت او در روز قیامت در باره گروه کثیری از مردم چون خطاکاران و گناهکاران دو طایفه بزرگ (ربیعه) و (مضر) پذیرفته می شود.

و کسی که بیست و دو روز از ماه رجب را روزه بدارد، هاتف غیبی از آسمان ندا کند که: ای دوست خدا! مژده باد تو را از

جانب پروردگار به مقامی بایسته و احترامی شایسته و همنشینی با پیامبران و راستگویان و شهیدان و بندگان صالح خدا، و چه نیکوست همنشینی و دوستی با آنها.

و اگر کسی بیست و سه روز از ماه رجب روزه بگیرد، از آسمان به او ندائی می رسد که: خوشا بر احوال تو، زحمت اندکی کشیدی و در مقابل زیاد متنعّم خواهی بود، خوشا بر احوال تو هنگامی که پرده از پیش رویت برداشته می شود و به سوی پاداش بزرگ خدای خود رهنمون گردی و در جوار حضرت ابراهیم خلیل الرّحمن در دار السّلام مأوی گزینی.

و هر کس بیست و چهار روز از ماه رجب را روزه بدارد، (به هنگام مرگ) فرشته مرگ به صورت جوانی زیبا با لباسی از دیبای سبز و سوار بر اسبی از اسبان بهشتی، در حالی که در یک دست او پارچه سبز ابریشمی که با عطر مشک، معطّر شده است و در دست دیگرش قدحی زرّین و سرشار از شراب بهشتی قرار دارد، بر او ظاهر شود و او را سیراب کند تا سختیهای مرگ بر او آسان گردد، سپس روح او را در آن پارچه

سبز معطّر قرار دهد، پس بوی عطر از آن برمی خیزد که فرشتگان هفت آسمان از آن بهره می گیرند، و (جسدش) در قبر با طراوت می ماند، و با طراوت از قبر برانگیخته می شود تا در کنار حوض بر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم وارد شود.

و هر کس بیست و پنج روز از این ماه را روزه بدارد بهنگام خروج از قبر، هفتاد هزار فرشته

با پرچمهائی از درّ و یاقوت و با زیور آلات و لباسهای زیبای بهشتی به پیشباز او می شتابند و به او می گویند: ای دوست خدا! بسوی پروردگار خویش بشتاب، و او اولین کسی است که به همراه مقرّبانی که خداوند از آنان خشنود است و آنان از خداوند راضی اند در بهشتهای همیشه جاویدان وارد می شود، که خود رستگاری بزرگی است.

و اگر کسی بیست و شش روز در ماه رجب روزه بگیرد، خداوند در سایه عرش خود صد قصر از درّ و یاقوت برای او مهیّا می سازد که در فراز هر قصری خیمه ای سرخ رنگ از جنس ابریشم بهشتی قرار دارد، و او در آن خیمه ها در نهایت ناز و نعمت و آسایش منزل کند در حالی که هنوز مردم در مقام حساب و باز خواست قرار دارند.

و کسی که بیست و هفت روز در ماه رجب روزه بدارد، خداوند گستره قبر او را به اندازه (مسافت) چهار صد سال راه قرار می دهد و تمام این مسافت را پر از عنبر و مشک می سازد.

و هر کس بیست و هشت روز از ماه رجب را روزه بدارد، خداوند در میان او و آتش دوزخ نه گودال قرار می دهد که گستره هر گودالی به اندازه فاصله آسمان تا زمین- که

پانصد سال راه است- می باشد.

و کسی که بیست و نه روز در ماه رجب روزه بگیرد، خداوند بخشاینده او را (به لطف و رحمت بی منتهای خود) می آمرزد هر چند مأمور گمرک و یا زن زناکاری باشد که هفتاد بار آلوده به زنا شده است به شرط آنکه هدفش از

این روزه داری، جلب خشنودی حضرت حق و رهائی از آتش دوزخ باشد.

و هر کس سی روز ماه رجب را روزه بگیرد، هاتفی از آسمان ندا می کند که: ای بنده خدا! امّا گناهانی را که در گذشته مرتکب آن شده ای آمرزیدم، اینک (برخیز و) عمل خود را (در باقی عمر) از نو آغاز کن، و خداوند در تمامی بهشتهای خود جایی به او کرامت فرماید که در هر بهشت چهل هزار شهر طلائی، و در هر شهر طلائی چهل هزار قصر، و در هر قصری چهل میلیون خانه، و در هر خانه ای چهل میلیون خوان زرّین، و بر هر خوان زرّین چهل میلیون ظرف، و در هر ظرفی چهل میلیون نوع از خوردنیها و نوشیدنیها که هر خوراک و نوشیدنی آن شباهتی با هم ندارند، و در هر خانه ای چهل میلیون تخت زرّین قرار دارد که طول و عرض هر یک از آنها دو هزار ذراع در دو هزار ذراع است، و بر هر تخت زرینی دختری از حوران بهشتی آرمیده است که دارای سیصد هزار گیسوئی از نور (بافته) است، و هر گیسوئی یک میلیون کنیز بر می گیرند و با مشک و عنبر عطر آگین می سازند (و این کار ادامه دارد) تا وقتی که روزه گیرنده (تمام) ماه رجب به وصول آن حوری برسد. اینها برای کسی است که تمام ماه رجب را روزه بدارد.

به خدمت آن حضرت عرض شد: ای رسول خدا! اگر کسی به علّت ضعف یا بیماری

و یا زنی که عذر شرعی دارد، نتواند ماه رجب را روزه بگیرد چه کند تا به

پاداشـهائی که بشارت داده اید برسد؟ رسول اکرم صـلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: اگر در هر روز (از ماه رجب) یک قرص نان به نیازمنـدان بدهد، سوگند به آن خدائی که جان من در دست اوست اگر او این صدقه را بدهد به تمام آن ثوابهائی که بر شمردم بلکه به افزونتر از آن خواهد رسـید، و اگر تمام ساکنان آسـمانها و زمین گردهم آیند تا میزان پاداش او را معیّن سازند نخواهند توانست (حتّی) به یک دهم از درجات و فضیلتهای او در بهشت برسند.

عرض شد: ای رسول خدا! اگر کسـی نتوانست این صدقه را بدهد چه کند تا به پاداشی که فرمودید، برسد؟ فرمود: در هر روز از ماه رجب تا سـی روز تمام یک صد بار این تسبیح الهی را بجای آورد: «سبحان اللّه الإله الجلیل، سبحان من لا ینبغی التّسبیح إلّا له، سبحان الأعزّ الأکرم، سبحان من لبس العزّ و هو له أهل» «۱».

---

(۱) بـا عنـایت به اینکه در سلسـله راویـان این حـدیث، چنـد تن از راویان اهل سـنّت قرار دارنـد که حتّی در نزد فرزانگان اهل تسنّن، مجهول و یـا روایت آنـان، ضـعیف بر شـمرده شـده است، لـذا نمی توان به این بـاور قلبی دست یـافت که آنچه در این حدیث از قول رسول خدا صـلّی اللّه علیه و آله و سـلّم بازگو شده است، همان کلامی است که پیامبر گرامی اسلام در فضیلت روزه داری ماه رجب بیان فرموده اند، و احتمال جعل قسـمتی از حدیث، خصوصا فراز پایانی آن که مربوط به پاداش سی روز روزه داشتن در ماه رجب است، وجود دارد، و با مقایسه ثوابهای ایام

روزه داری در ماه رجب؛ هم، این احتمال، قوّت بیشتر می گیرد زیرا ملاحظه می شود که فرضا پاداش سه روز روزه گرفتن در این ماه از برخی جهات بر پاداش سی روز، روزه داری در این ماه برتری دارد چرا که خداوند در پاداش سه روز روزه داری انسان فرشتگان آسمانها را گواه می گیرد که من گناهان گذشته و آینده او را آمرزیدم ولی در پاداش سی روز روزه داری او در ماه رجب، فقط گناهان گذشته او بخشیده می شود، و در پاداش بیست و نه روزه داری در ماه رجب آمده است که خداوند این انسان روزه دار را و لو آنکه مأمور گمرک و یا زن زناکاری که هفتاد بار آلوده به این عمل زشت و نکوهیده شده است، می آمرزد در حالی که می دانیم خداوند از حقّ النّاس نمی گذرد و مأمور گمرک اگر اخاذی کرده و یا موجب تلف شدن مال مردم شده باشد، مسلما بدون جلب رضایت صاحب مال، مورد عفو قرار نمی گیرد. همه این موارد نمایانگر آن است که در این حدیث شریف، فرازهائی وجود دارد که اعتقاد آدمی را بر جعل بودن قسمتی از آنها راسخ تر می سازد، و خدا داناتر است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۶۶

(۱) ۵- حسن بن بکّار از امام رضا علیه السّلام روایت کرده است: خداوند متعال، رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را در روز سوم ماه رجب به پیامبری مبعوث فرمود، پس (ثواب) روزه گرفتن در این روز معادل (ثواب) هفتاد سال روزه داری است.

سعد بن عبد اللَّه از قول بزرگان نقل کرده است که: این اشتباه از نویسنده حدیث سر زده است، و بجای

آنکه «ثلاث بقین» بنویسد، نوشته است: «ثلاث مضین» که ظاهرا صحیحش این باشد که سه روز مانده به پایان رجب.

ثواب روزه ماه شعبان

(۲) ۱- ابو حمزه ثمالی، از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت کرده است که: هر کس در ماه

شعبان روزه بگیرد، مایه پاکی او از هر لغزش و وصمه و بادره خواهد شد، راوی می گوید: از حضرت پرسیدم: وصمه چیست؟ حضرت فرمود: سوگند و نذر در معصیت، عرض کردم: بادره چیست؟ حضرت فرمود: به هنگام خشم سوگند خوردن، و توبه از آن همان پشیمانی بر آن است.

(۱) ۲- اسماعیل بن عبد الخالق روایت کرده است که در محضر امام صادق علیه السّلام از ماه شعبان و روزه گرفتن در آن سخن به میان آمد، آن حضرت فرمود: روزه گرفتن در آن ماه فضیلتش چنان و چنین است، حتی اگر شخصی مرتکب قتل حرامی شود و ماه شعبان را روزه بگیرد، این روزه گرفتن به حال او مفید است و آمرزیده خواهد شد.

(۲) ۳- مفضّل بن عمر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: به خدا سوگند که روزه ماه شعبان و ماه رمضان- دو ماه متوالی- همان توبه ای است که خداوند متعال پذیرفته باشد.

(۱) ۴- عبد اللَّه بن مرحوم ازدی نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود:

هر کس روز اول ماه شعبان را روزه بگیرد، حتما بهشت بر او واجب می شود؛ و هر کس دو روز (از ماه شعبان) را روزه بگیرد خداوند متعال در عالم دنیا در

هر روز و هر شب به او نظر می کند و نظر خداوند به او تا در بهشت نیز ادامه می یابد؛ و هر کس سه روز روزه بگیرد هر روز از بهشت خدا را در عرشش زیارت می کند «۱».

(۲) ۵- اسماعیل بن ابی زیاد از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: شعبان ماه من، و رمضان ماه خداوند و بمنزله بهار مستمندان است، و خداوند متعال عید قربان را فقط برای سیر کردن نیازمندان شما از گوشت قرار داد، پس آنها را اطعام کنید.

(۳) ۶- ابو الصباح از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: به خدا سوگند که روزه ماه شعبان و ماه رمضان بمنزله قبول توبه است از طرف خداوند است.

---

(۱) کیفیت لقاء اللَّه بر ما پوشیده است ولی قدر مسلّم آن است که خداوند را نمی توان در هیأت و هیکل خاصّی ملاقات کرد زیرا خداوند منزّه از حدود و جسم بوده و در حیطه زمان و مکان نمی گنجد.

(۱) ۷- مفضّل بن عمر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: پدرم علیه السّلام بین (روزه) ماه شعبان و ماه رمضان یک روز فاصله می انداخت، و حضرت امام زین العابدین علیه السّلام آن دو ماه را به هم وصل می کرد و می فرمود: روزه دو ماه متوالی، به منزله توبه ای است که از طرف خداوند مورد قبول قرار گرفته است.

(۲) ۸- عمرو بن خالد، از امام باقر علیه السّلام روایت کرده است: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم

در ماه شعبان و ماه رمضان روزه می گرفت و روزه این دو ماه را به یک دیگر وصل می کرد و مردم را از اتّصال روزه ماه شعبان به ماه رمضان نهی کرده می فرمود: این دو ماه، دو ماه خدا است و کفاره گناهان گذشته و آینده است.

(۳) ۹- حفص بن بختری از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: زنان پیغمبر هر گاه روزه ای بر عهده داشتند، (ادای) آن را تا ماه شعبان به تأخیر می انداختند، تا رعایت حال رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را کرده باشند؛ و چون ماه شعبان فرا می رسید، روزه

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۷۰

می گرفتند و حضرت نیز همراه با آنان روزه می گرفت. حضرت در ادامه سخنان خود فرمودند: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم می فرمود: شعبان، ماه من است.

(۱) ۱۰- سماعه بن مهران نقل می کند که به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: آیا کسی از پدران شما ماه شعبان را روزه می گرفت؟ فرمود: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم که بهترین پدران من است، در ماه شعبان روزه می گرفت.

(۲) ۱۱- یونس بن یعقوب روایت کرده است که از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: آیا کسی از پدران شما در ماه شعبان روزه می گرفت؟ حضرت فرمود: بهترین پدرانم که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم بود روزه های خود را بیشتر در ماه شعبان قرار می داد.

(۳) ۱۲- زید بن اسلم روایت کرده است که از پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در مورد روزه ماه رجب پرسیدند، حضرت فرمود:

چرا از (روزه) ماه شعبان غافلید؟!

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۷۱

(۱) ۱۳- اسامه بن زید روایت کرده است که: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم آنقدر پی در پی روزه می گرفت تا جایی که گفته می شد: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم افطار نخواهد کرد، و آنقدر افطار می کرد تا جایی که گفته می شد: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روزه نخواهد گرفت. راوی می گوید: از اسامه بن زید سؤال کردم: آیا متوجه شدی که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در چه ماهی از ماههای سال بیشتر روزه می گرفت؟ گفت: آری، گفتم: کدام ماه؟ گفت:

شعبان، ماهی که در بین رجب و رمضان قرار دارد، و مردم از (فضیلت) آن غافلند، و آن ماهی است که اعمال در آن ماه بسوی پروردگار جهانیان بالا می رود، و من دوست دارم در حالی که روزه هستم، عمل من به (عالم) بالا برود.

(۲) ۱۴- از انس بن مالك روایت شده است که از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم پرسیدند: کدام یک از روزه ها بهتر است؟ فرمود: ماه شعبان به نیّت بزرگداشت ماه رمضان.

(۳) ۱۵- ام سلمه روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در هیچ ماهی تا پایان ماه روزه نمی گرفت مگر ماه شعبان که آن را به ماه رمضان متّصل می کرد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۷۴

(۱) ۱۶- ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در حالی که

یارانش از فضیلت ماه شعبان سخن می گفتند فرمود: ماه شریفی است، و آن ماه من است، و فرشتگانی که حامل عرشند آن را بزرگ می دارند و حقّش را می شناسند، و آن ماهی است که در آن روزیهای مؤمنان به خاطر ماه رمضان افزون می شوند، و بهشت، زینت و آراسته می گردد، و به این جهت نامش را شعبان گذاشتند که روزیهای مؤمنان در آن تقسیم می شود، و آن، ماه عمل است، و در آن هر حسنه ای هفتاد برابر می شود، و سیئه (از نامه اعمال) پاك و گناهان آمرزیده می گردد، و عمل نیك، مورد قبول قرار می گیرد.

پروردگار با عظمت در آن ماه به بندگانش مباهات می کند و از عرش خویش به روزه داران و عبادت کنندگان خود نظری می افکند، و در برابر حاملان عرش خود به آنها مباهات می کند. در این هنگام، حضرت علیّ بن ابی طالب علیه السّلام از جا برخاست و عرض کرد: پدر و مادرم بفدایت ای رسول خدا! فضایل این ماه را بیشتر بیان کنید، تا میل به روزه گرفتن و عبادت کردن در این ماه، در ما افزون شود، و به تهجّد و شب زنده داری بپردازیم.

رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر کس روز اول ماه شعبان را روزه بگیرد خداوند برای او

هفتاد حسنه می نویسد، و هر حسنه ای برابر با (ثواب) یك سال عبادت است.

و هر کس دو روز از ماه شعبان را روزه بگیرد، گناهانی که باعث نابودی اویند، آمرزیده می شوند.

و هر کس سه روز در ماه شعبان را روزه بدارد، هفتاد درجه در بهشت از درّ و یاقوت برای

او بالا برده خواهد شد.

و هر كس چهار روز از ماه شعبان را روزه بگيرد، در روزى او گشايش حاصل مى شود.

و هر كس پنج روز از ماه شعبان را روزه بدارد، خداوند محبّت او را در دلهاى مردم قرار مى دهد.

و هر كس شش روز از ماه شعبان را روزه بگيرد، خداوند هفتاد نوع بلا را از او دور مى سازد.

و هر كس هفت روز از ماه شعبان را روزه بدارد، از ابليس و دستيارانش و وسوسه ها و اشارات وسوسه انگيز وى در امان مى ماند.

و هر كس هشت روز از ماه شعبان را روزه بگيرد از دنيا رحلت نمى كند مگر آنكه از آب حوضهاى قدس سيراب شود.

و هر كس نه روز از ماه شعبان را روزه بگيرد منكر و نكير به هنگام سؤال، با وى مهربان و با عطوفت خواهند بود.

و هر كس ده روز از ماه شعبان را روزه بگيرد، خداوند قبر او را هفتاد ذراع در هفتاد ذراع وسعت مى دهد.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۷۶

و هر كس يازده روز از ماه شعبان را روزه بگيرد، يازده مناره از نور بر فراز قبرش نصب مى شود.

و هر كس دوازده روز از ماه شعبان را روزه بگيرد، هفتاد هزار فرشته هر روز او را در قبرش زيارت مى كنند تا زمانى كه در صور بدمند.

و هر كس سيزده روز از ماه شعبان را روزه بگيرد، فرشتگان هفت آسمان براى او طلب آمرزش مى كنند.

و هر كس چهارده روز از ماه شعبان را روزه بدارد به چهار پايان و درندگان حتّى ماهيان درياها الهام مى شود كه براى او طلب آمرزش كنند.

و هر كس پانزده روز از

ماه شعبان را روزه بگیرد، پروردگار عزیز و مقتدر او را مورد خطاب قرار می دهد که: به عزّتم قسم که تو را در آتش نمی سوزانم.

و هر کس شانزده روز از ماه شعبان را روزه بدارد، هفتاد دریای آتش برای او خاموش می شود.

و هر کس هفده روز از ماه شعبان را روزه بگیرد، تمام درهای آتش به روی او بسته خواهد شد.

و هر کس هجده روز از ماه شعبان را روزه بگیرد، (در آخرت) تمام درهای بهشت به روی او باز می گردد.

و هر کس نوزده روز از ماه شعبان را روزه بگیرد، هفتاد هزار قصر از درّ و یاقوت در بهشت به وی عطا می شود.

و هر کس بیست روز از ماه شعبان را روزه بدارد، هفتاد هزار از حوریان بهشتی را به

همسری او درآورند.

و هر کس بیست و یک روز از ماه شعبان را روزه بگیرد، فرشتگان به وی خوش آمد می گویند و بالهای خویش را بر بدن او می سایند.

و هر کس بیست و دو روز از ماه شعبان را روزه بگیرد، هفتاد هزار جامه از سندس و استبرق بر او می پوشانند.

و هر کس بیست و سه روز از ماه شعبان را روزه بدارد، به هنگام بیرون آمدن از قبر، مرکبی از نور برای او آماده می کنند، و او بر آن مرکب نور سوار می شود و بسوی بهشت به پرواز در می آید.

و هر کس بیست و چهار روز از ماه شعبان را روزه بگیرد، اختیار شفاعت هفتاد هزار نفر از اهل توحید به او کرامت می شود.

و هر کس بیست و پنج روز از ماه شعبان را

روزه بگیرد، امان بیزاری از نفاق به او داده می شود.

و هر کس بیست و شش روز از ماه شعبان را روزه بگیرد، خداوند جواز عبور از صراط را به او عنایت می فرماید.

و هر کس بیست و هفت روز از ماه شعبان را روزه بگیرد، خداوند برات رهائی او را از آتش جهنّم صادر می کند.

و هر کس بیست و هشت روز از ماه شعبان را روزه بگیرد، چهره ای نورانی و شاد پیدا می کند.

و هر کس بیست و نه روز از ماه شعبان را روزه بگیرد، (مقام و منزلت ناشی از)

خشنودی پروردگار بزرگ را که بزرگترین پاداشهاست به دست می آورد.

و هر کس سی روز از ماه شعبان را روزه بدارد، جبرئیل او را از پیشگاه عرش مورد خطاب قرار می دهد که: ای مرد! عمل خود را از سر گیر، و از نو شروع به کار کن، زیرا گناهان گذشته تو همه آمرزیده شد، و این گفته پروردگار عالمیان است که: اگر گناهان تو به شماره ستارگان آسمان و قطره های باران و برگهای درختان و به تعداد شنهای بیابان و به شماره روزهای دنیا باشد، من همه آنها را آمرزیدم، و انجام این کار در ازای روزه داری تو در ماه شعبان از برای خداوند گران نیست.

ابن عبّاس می گوید که: این ثواب روزه داری در ماه شعبان است.

فضیلت ماه مبارک رمضان و ثواب روزه آن

(۱) ۱- جابر روایت کرده است که: امام باقر علیه السّلام به من فرمود: ای جابر! هر کس ماه رمضان را دریابد و روزهای آن را روزه بگیرد و پاسی از شبهای این ماه را به دعا بپردازد، و دامن و زبان

خود را از آلودگی به حرام نگهدارد، و چشمش را از هر چه حرام الهی است بپوشاند، و از آزار دیگران بپرهیزد، مانند روزی که از مادر زاده شده است از گناهان پاک می شود. می گوید: عرض کردم: فدایت گردم! این چه

حدیث نیکویی است، حضرت فرمود: و این چه شرط سختی است! (۱) ۲- جابر، از امام باقر علیه السّلام روایت کرده است که چون رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم هلال ماه رمضان را مشاهده می فرمود، رو به قبله می کرد و می گفت: پروردگارا! این ماه را با آسایش و ایمان، و تندرستی و اسلام، و عافیت و اجلال، و روزیی فراوان، و دوری از آلام، و تلاوت قرآن کریم، و توفیق نماز و روزه برای ما آغاز فرما. پروردگارا! ما را برای (روزه داری در) ماه رمضان سلامت عنایت فرما، و این ماه را به سلامت برای ما به پایان بر، و این ماه را سلامت بدار تا هنگامی که به پایان می رسد و ما را آمرزیده باشی. سپس روی به مردم می کرد و می فرمود: ای گروه مسلمانان! با رؤیت هلال ماه رمضان، دیوان مردود درگاه الهی را به زنجیر کشند، و درهای آسمان و بهشت و

رحمت الهی می گشایند، و همه درهای جهنّم را می بندند، و دعا مستجاب می گردد، و خداوند متعال به هنگام هر افطار، آزادشدگانی دارد که آنها را از آتش جهنّم رهایی دهد، و هر شب منادی حق ندا می کند: «آیا خواهنده نیازمندی هست؟ آیا خواهان توبه و آمرزشی

هست؟ پروردگارا! برای کسی که از مال خود انفاق می کند، عوض و برای کسی که بخل می ورزد تلف شدن مال را مقرر فرما». پس اگر هلال شوّال طلوع کند به مؤمنین ندا رسد که: بشتابید برای دریافت جایزه های خود که این روز، روز جایزه است. سپس امام باقر علیه السّلام فرمود: سوگند به آن کسی که جانم در دست اوست که این جایزه ها درهم و دینار نیست.

(۱) ۳- زراره از امام محمّد باقر علیه السّلام نقل کرده است که: هنگامی که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم از عرفات به منی آمد و وارد مسجد شد، مردم در اطراف آن حضرت حلقه زدند و از او در مورد لیله القدر پرسیدند. رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم برای ایراد خطبه ایستاد و پس از حمد و ستایش خدای متعال فرمود: کدامیک از شما از لیله القدر پرسیدید؟ من آن را از شما پنهان نکرده ام چون به آن آگاه نیستم، بلکه ای مردم! بدانید که کسی که ماه

رمضان را در می یابد در حالی که سالم و تندرست است، و روزها را روزه بگیرد، و پاسی از شبها را به دعا مشغول گردد، و مداومت بر نماز خویش نماید، و در نماز جمعه ماه رمضان و نماز عید فطر حاضر شود، مسلّما لیله القدر را درک کرده و جایزه پروردگار را دریافت کرده است. راوی می گوید که امام صادق علیه السّلام فرمود: به خدا سوگند او به جایزه ای دست یافته است که همانند جایزه های مردم نیست.

(۱) ۴- ابو بصیر، از امام

محمّد باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم هنگامی که ماه رمضان نزدیک می شد، و سه شب از ماه شعبان باقی بود به بلال می فرمود که:

مردم را خبر کن تا همگی در مسجد جمع شوند، و آنگاه بر منبر قرار گرفت و پس از ستایش و سپاس خداوندی فرمود: ای مردم! این ماه (رمضان) فرا رسید و آن سالار ماههاست. در این ماه، شبی هست که از هزار ماه بهتر است. در این ماه، درهای جهنّم بسته و درهای بهشت گشوده می شود. کسی که این ماه را درک کند و آمرزیده نشود، خداوند او را (از رحمت بی منتهای خود) دور ساخته است؛ و هر کسی که در این ماه پدر و مادر خود را درک کند (یعنی درک کند ولی کوتاهی در حق آنان بکند) و

آمرزیده نشود، خداوند او را (از رحمت خود) دور گردانیده است؛ و کسی که نام من نزد او برده شود ولی بر من صلوات نفرستد و آمرزیده نشود، خداوند او را (از آمرزش خود) دور کرده است.

(۱) ۵- و به همین سند، زید بن علی، از پدر بزرگوار و جدّ والاتبار خود روایت کرده است که امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمود: چون ماه رمضان فرا رسید، رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم بر منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم! خداوند شرّ دشمن شما- شیطان رجیم- را از سر شما کوتاه ساخت و فرمود (در آیه ۶۰ از سوره غافر): مرا بخوانید

تا (خواسته) شما را اجابت کنم، و وعده اجابت را به شما داد؛ آگاه باشید که خداوند بر هر شیطانی، هفت فرشته را گمارده است و تا هنگامی که این ماه به پایان نرسد همچنان در بند خواهد بود؛ آگاه باشید که درهای آسمان از شب اول این ماه باز می شوند؛ آگاه باشید که دعا در این ماه مورد قبول (حضرت حق) قرار می گیرد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۸۳

(۱) ۶- محمّد بن مروان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: خداوند تبارک و تعالی در هر شب از (شبهای) ماه رمضان آزادشدگانی از آتش جهنّم دارد مگر کسی که با مسکری (هر چیز مست کننده ای) افطار کند، و چون آخرین شب این ماه فرا رسد خداوند مهربان به تعداد تمامی کسانی که در طول این ماه آزاد کرده است بندگان خود را در آن شب آزاد می سازد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۸۴

(۱) ۷- ابو الورد از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت کرده است که: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در آخرین جمعه از ماه شعبان، خطبه ای برای مردم ایراد کرد و پس از حمد و ثنای الهی فرمود:

ای مردم! ماهی بر شما فراز آمد که در آن، شبی هست (لیله القدر) که از هزار شب بهتر است و آن ماه رمضان است. خداوند روزه این ماه را بر شما واجب کرده، و پاداش یک شب نماز مستحبّی آن را همانند ثواب هفتاد شب نماز مستحبّی در ماههای دیگر قرار داده است، و پاداش کسی که برای خدا در این

ماه کار خیر مستحبّی انجام دهد پاداش کسی است که یکی از واجبات الهی را انجام داده باشد، و پاداش کسی که یکی از واجبات الهی را در این ماه انجام دهد، مانند ثواب کسی است که هفتاد واجب از واجبات خداوندی را در ماههای دیگر انجام بدهد. و این ماه صبر است، و مسلّما پاداش صبر، بهشت خواهد بود؛ و این ماه مواسات (همدلی و کمک) است؛ و ماهی است که خداوند در آن روزی مؤمنان را افزون می کند؛ و هر کس یک مؤمن روزه دار را در این ماه افطاری دهد، پاداشی برابر با آزاد کردن یک بنده نزد خدا، مایه آمرزش گناهان گذشته وی نیز خواهد بود. در این هنگام یکی از حاضران در مجلس به حضرت عرض کرد: ای رسول خدا! همه ما توانایی افطار دادن به روزه داران نداریم، حضرت فرمود: خداوند، کریم است، این ثواب را (که گفتم) خداوند حتّی به کسی که یک جرعه شیر یا آبی گوارا یا چند دانه خرما در اختیار روزه داری می گذارد تا روزه خود را افطار می کند و بیش از این توانائی بر انفاق ندارد عنایت می کند؛ و هر کس در این ماه به زیردست خود آسان بگیرد، خداوند

تخفیف در حساب را برای او مقرّر می فرماید. و این ماهی است که آغاز آن رحمت است، و میانه اش آمرزش، و پایانش برآورده شدن حاجات و آزادی از آتش. و شما در این ماه از چهار خصلت بی نیاز نخواهید بود: دو خصلت که خداوند را با آن خشنود می سازید، و دو خصلت دیگر که شما را از

آن گریزی نیست، آن دو خصلتی که با آن خدا را خشنود می سازید، شهادت به «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» و اقرار به رسالت من است، امّا دو خصلت دیگر که شما را از آن گریزی نیست، یکی خواسته ها و نیازهای خود را از خدا خواستن و بهشت را طلبیدن، و دیگری درخواست عافیت از خدا و از آتش جهنّم به او پناه بردن است.

(۱) ۸- عبد اللَّه بن عبید اللَّه از قول مردی، از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت کرده است که:

هنوز سه شب از ماه شعبان باقی مانده بود تا ماه رمضان فرا رسد، رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به بلال فرمود: مردم را ندا کن، و پس از اجتماع مردم در مسجد بر بالای منبر رفت و خدا را حمد و سپاس گفت: و فرمود: ای مردم! این ماه (رمضان) فرا رسید، و این سالار ماههاست، در آن شبی هست که از هزار شب برتر است. در آن، درهای

دوزخ بسته و درهای بهشت گشوده می شود، کسی که این ماه را درک کند ولی مورد آمرزش الهی قرار نگیرد، خداوند او را (از رحمت بی منتهای خود) دور کرده است؛ و کسی که در این ماه پدر و مادر خود را درک کند و آمرزیده نشود، خداوند او را (از رحمت خود) دور ساخته؛ و کسی که نام من نزد او برده شود و بر من صلوات نفرستد و آمرزیده نشود، خداوند او را (از رحمت خود) دور گردانیده است.

(۱) ۹- علیّ بن ابی حمزه در فراز پایانی یک روایت

طولانی از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که فرمود: درهای بهشت مسلّما در ماه رمضان گشوده و شیاطین به زنجیر کشیده می شوند، و اعمال مؤمنان مورد قبول قرار می گیرند. ماه رمضان ماه بسیار خوبی است، و در زمان رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آن را مرزوق (روزی داده شده) می نامیدند.

(۲) ۱۰- عمر بن یزید از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: خداوند در ماه رمضان بندگانی را از آتش جهنّم آزاد می سازد باستثنای آن که با چیزی که مست کننده است افطار می کند و کسی دشمنی فتنه برانگیز و کینه توز است و آن که صاحب دو شاه

باشد! راوی می گوید پرسیدم: دارنده دو شاه (شاهین) کیست؟ فرمود: صاحب شطرنج است.

(۱) ۱۱- حمران نقل می کند که از امام محمّد باقر علیه السّلام معنای آیه کریمه (آیه ۳ از سوره دخان) «ما آن (قرآن) را در شبی مبارک (بر پیامبر اکرم) فرو فرستادیم» را پرسیدم، فرمود: آری، این همان شب قدر است و این در دهه آخر ماه رمضان هر سال قرار دارد. و قرآن نازل نشد مگر در این شب، خداوند متعال فرمود (در آیه ۴ از سوره دخان): «در آن (شب قدر) هر امر محکمی تقسیم می شود». و باز (امام باقر علیه السّلام) فرمود: در شب قدر هر آن چیزی که باید تا سال بعد اتّفاق افتد از خیر یا شر، طاعت یا معصیت، ولادت یا مرگ و یا روزی مقدّر می گردد. و هر آنچه در آن شب مقدّر شد، و مشیّت حضرت حق بر انجام آن تعلّق گرفت،

از امور قطعی و حتمی و انجام شدنی است، چرا که خواست و مشیّت خدا است که در آن نهفته است. راوی

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۸۸

می گوید: پرسیدم که چه چیزی در آیه (آیه ۱ از سوره قدر): شب قدر از هزار ماه بهتر است، مورد نظر خداوند است؟! فرمود: انجام عملی شایسته و بایسته از قبیل نماز و زکات و کارهای خیر دیگر در شب قدر، از انجام همین اعمال در هزار ماه دیگر که شب قدر نداشته باشد، بهتر است؛ و اگر خداوند متعال ثواب مؤمنان را چند برابر نمی کرد، هرگز به آن نمی رسیدند، ولی خداوند اجر اعمال نیک آنها را چند برابر می کند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۹۲

(۱) ۱۲- سعید بن جبیر می گوید که از ابن عباس پرسیدم: اجر و پاداش کسی که در ماه

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۹۳

رمضان، روزه بگیرد و حقّ آن را بشناسد چیست؟ گفت: ای پسر جبیر! خود را آماده کن تا تو را از آنچه که گوشهایت تا به حال نشنیده، و در دلت خطور نکرده آگاه کنم، و ذهن خود را از هر فکری خالی کن (به هنگامی که کاملا آسوده خاطری به من مراجعه کن)، زیرا آنچه که تو از من خواستی، علم اولین و آخرین است. سعید بن جبیر می گوید از نزد ابن عباس بیرون آمدم و فردای آن روز خود را برای شنیدن سخنان او آماده ساختم، و به هنگام طلوع فجر به خدمتش شتافتم و نماز صبح را خواندم، و آنگاه سؤال خود را به او

یادآور شدم. ابن عباس رو به من کرد و گفت: از من بشنو آنچه را که من می گویم: از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم شنیدم که می فرمود: اگر می دانستید چه چیزهایی (فیضـهائی) برای شـما در ماه رمضان نهفته است، مسلّما بیشتر خدا را سپاس می گفتید.

چون شب اول (این ماه) فرا می رسـد، خداونـد تمام گناهان امّت مرا- چه پنهان و چه آشـکار را- می آمرزد، و (مقام) شـما را دو هزار درجه بالا می برد، و برای شما پنجاه شهر بنا می سازد.

و در روز دوّم، خداونـد به ازای هر گامی که در آن روز بر می داریـد، (ثواب) عبادت یک سال و ثواب یک پیامبر را در نامه اعمالتان می نویسد، و اجر روزه یک سال را به نام شما ثبت می کند.

و خداوند در روز سوم به شـماره هر مویی که بر بدن دارید، سـرایی در فردوس از درّ سـفید و فروزان به شـما عنایت می کند، که در قسـمت فوقـانی این بارگـاه دوازده هزار اطـاق از نور، در قسـمت زیرین آن دوازده هزار اطاق قرار دارد، و در هر اطاقی هزار

تخت است، و بر هر تختـی یـک حوری (آرمیـده است)، و هر روز هزار فرشـته بر شـما وارد می شود، که در دست هر یـک از آنها هدیه ای است.

و در روز چهـارم، خداونـد در بهشت جاودانه خود هفتاد هزار کاخ به شـما کرم می کنـد که در هر کاخی هفتاد هزار اطاق، و در هر اطـاقی پنجاه هزار تخت، و بر هر تختی یک حوری است، و در برابر هر حوری هزار خـدمتکار (آماده خـدمت) ایسـتاده اند، که روسری

یکی از این خدمتکارها از دنیا و آنچه در اوست، بهتر است.

و در روز پنجم، خداوند در جنّه المأوی هزار شهر به شما عنایت می کند، که در هر شهری هفتاد هزار خانه است، و در هر خانه ای هفتاد هزار سفره، و بر روی هر سفره ای هفتاد هزار ظرف، و در هر ظرفی شصت هزار نوعی از خوردنیها قرار دارد که هیچ یک از آنها شبیه دیگری نیست.

و در روز ششم، خداوند در دار السلام صد هزار خانه به شما می بخشد، که در هر شهری صد هزار خانه است، و در هر خانه ای صد هزار اطاق، و در هر اطاقی صد هزار تخت زرّین قرار دارد، که طول هر تخت هزار ذراع است، بر هر تختی همسری حوری که دارای سی هزار گیسو از در و یاقوت بافته شده است آرمیده، و هر گیسوی او را یک صد کنیز به دست می گیرند.

و در روز هفتم، خداوند در جنّه النّعیم، ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدّیق را به شما عطا می کند.

و در روز هشتم، خداوند پاداشی برابر با ثواب عمل شصت هزار عابد، و شصت هزار زاهد به شما کرامت می کند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۹۵

و در روز نهم، ثواب هزار عالم و هزار معتکف، و هزار مرزبان به شما عنایت می فرماید.

و در روز دهم، خداوند هفتاد هزار حاجت شما را برآورده می سازد، و آفتاب و ماه و ستارگان و چهارپایان و پرندگان و درندگان و هر سنگ و گل و تر و خشک و تمام ماهیان دریاها و برگهای درختان برای شما (از خداوند) طلب آمرزش و مغفرت می کنند.

و

در روز یازدهم، خداوند برای شما ثواب چهار حج و چهار عمره، که هر حجّی به همراه پیامبری از پیامبران، و هر عمره ای به همراه صدّیقی یا شهیدی به جا آورده شود، به شما اعطا می کند.

و در روز دوازدهم، خداوند مقرر فرموده است که گناهان شما را به حسنات مبدّل کرده، و حسنات شما را چند برابر کنند، و به ازای هر حسنه ای یک میلیون حسنه در نامه اعمالتان می نویسند.

و در روز سیزدهم، خداوند پاداشی برابر با عبادت اهل مکه و مدینه در نامه اعمال شما می نویسد، و شفاعت از بندگان خود را به شماره سنگها و ریگهایی در فاصله مکه و مدینه به چشم می خورد برای شما مقدّر می فرماید.

و در روز چهاردهم، گویا ثواب ملاقات و مصاحبت با آدم و نوح و پس از آنها ابراهیم و موسی و پس از آنها داود و سلیمان نصیب شما می گردد بدین صورت که با هر پیغمبری دویست سال خدا را پرستش کرده باشید.

و در روز پانزدهم حاجات دنیوی و اخروی شما را برآورده می کند، و آنچه را که به

ایّوب عطا کرده است به شما نیز ارزانی می دارد، و دعایتان را اجابت می فرماید، و حاملان عرش برای شما طلب آمرزش کنند، و خداوند در قیامت چهل نور به شما کرامت فرماید که ده نور از سمت راست و ده نور از سمت چپ و ده نور از روبرو و ده نور از پشت سر شما (می تابد).

و در روز شانزدهم، خداوند به هنگامی که از قبر بیرون می آیید شصت جامه برای اینکه بپوشید، و شتری ماده برای آنکه

سوار شوید، در اختیار شما قرار می دهد، و ابری برای شما می فرستد که (سایبان شما باشد) و شما را از گرمای آن روز رهایی بخشد.

و در روز هفدهم، خداوند تبارک و تعالی می فرماید: من آنها و پدرانشان را آمرزیدم، و سختیهای روز قیامت را از آنها برداشتم.

در روز هجدهم خداوند به جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حاملان عرش و کرسی و کرّوبیان فرمان می دهد که برای امّت محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم تا سال آینده طلب آمرزش کنند، و روز قیامت ثواب بدریّون (کسانی که در غزوه بدر ملازم رکاب پیامبر گرامی اسلام بودند) را به شما عنایت می فرماید.

و چون روز نوزدهم فرا رسد، هیچ فرشته ای در آسمانها و زمین باقی نمی ماند مگر آنکه از خداوند خویش رخصت می طلبد تا هر روز به زیارت قبور شما بیایند، و هر فرشته ای یک هدیه و یک نوشیدنی به همراه دارد.

و هنگامی که بیست روز از ماه رمضان سپری می گردد، خداوند هفتاد هزار فرشته می فرستد تا شما را از (مکر و وسوسه) هر شیطان رانده شده ای حفظ کند، و به

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۹۷

ازای هر روزی که روزه داشته اید خداوند پاداش روزه صد سال را در نامه اعمال شما می نویسد، و میان شما و آتش جهنّم گودالی قرار می دهد، و ثواب کسی را که تورات و انجیل و زبور و فرقان را خوانده باشد به شما عنایت فرماید، و به تعداد پرهای جبرئیل علیه السّلام پاداش عبادت یک سال را بنام شما ثبت و ضبط می کند، و ثواب تسبیح عرش و کرسی را کرامت می فرماید، و به تعداد هر

آیه ای از قرآن هزار حوری را به همسری شما در می آورد.

و در روز بیست و یکم، خداوند قبر شما را هزار فرسنگ (برای راحتی شما) فراخ می سازد، و تاریکی و وحشت قبر را از شما دور می کند و قبرهای شما را همانند قبرهای شهدا قرار می دهد، و سیمای شما را همانند صورت حضرت یوسف فرزند حضرت یعقوب می کند.

و در روز بیست و دوم، خداوند فرشته مرگ را بدانسان که برای پیامبران- که درود ما بر آنان باد- فرستاد، به (یاری) شما می فرستد، و ترس و وحشت و منکر و نکیر را از شما برمی دارد، و غم دنیا و عذاب آخرت را از شما دور می سازد.

و در روز بیست و سوم، از پل صراط با پیامبران و صدّیقان و شهدا و شایستگان عبور می کنید، و مانند آن باشید که همه یتیمان امّتم را سیر کرده باشید، و همه برهنگان امّتم را پوشانیده اید.

و در روز بیست و چهارم، هیچ یک از شما بدرود حیات نمی گوئید مگر آنکه مقام خود را در بهشت ببینید، و به هر یک از شما ثواب هزار بیمار و هزار غریبی را که برای طاعت خداوندی (از شهر و دیار خود) بیرون آمده اند عنایت می کند، و به

ثواب آزاد ساختن هزار بنده از فرزندان اسماعیل (نیز) نائل می شوید.

و در روز بیست و پنجم، خداوند هزار سرای بارگاه سبز رنگ در زیر عرش برای شما بنا می کند، که در فراز هر بارگاه، خیمه ای از نور قرار دارد، و خداوند تبارک و تعالی (شما را اعم از مرد و زن) مورد خطاب قرار داده می فرماید: ای

امّت احمـد! منم پروردگار شـما و شـما بنـدگان و كنيزان منيـد؛ در سايه عرش من و در اين بارگاهها مقام كنيـد، و بخوريـد و بياشاميد، گوارای شـما باد! هيچ ترسـی برای شـما نيست و غمگين نخواهيد شد؛ ای امت محمّد! به عزت و جلالم قسم، شما را به گونه ای به بهشت می فرسـتم كه موجب شـگفتی پيشينيان و آيندگان گردد، و هر يک از شما را با هزار تاج از نور، تاجدار كرده، و بر مركـبی از نـور سـوار كنم كه عنـانش از نور است، و عنـانش دارای هزار حلقه از طلا، و در هر حلقه ای فرشـته ای گمـارده شـده است، و به دست هر فرشـته ای عمودی از نور قرار دارد، تـا آنكه بـا اين هيـأت و بـدون محاسـبه و حسـاب وارد بهشت شود.

و چون روز بيست و شـشم فرا رسد، خداوند از روی رحمت به شـما نظر می افكند، تمام گناهانتان را می آمرزد، مگر خونهای به باطل ريخته شده و اموال بناحق تصرف شده، و خانه شما را روزی هفتاد بار از (آلودگی به) غيبت و دروغ و بهتان پاک می سازد.

و چون روز بيست و هفتم فرا رسـد، (مقـام و منزلت شـما چنان است كه) گويا هر مرد با ايمان وزن دينـداری را ياری كرده، و هفتاد هزار برهنه را پوشانيـده، و هزار مرزبان را خـدمت كرده باشـيد، و گويا هر كتابی را كه خداونـد بر پيامبرانش نازل كرده است

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۱۹۹

خوانده باشيد.

و در روز بيست و هشـتم، خداوند در بهشت جاويدان، برای شـما صد هزار شـهر از نور بنا می كند، و در جنّه المأوی يک صد هزار كاخ

از نقره، و در جنّه النّعیم یک صد هزار خانه از عنبر اشهب، و در جنّه الفردوس یک صد هزار شهر که در هر شهر یک هزار حجره قرار داده به شما عنایت می فرماید، و در جنّه الخلد یک صد هزار منبر از مشک، و در درون هر منبری هزار اطاق از زعفران، و در هر اطاقی هزار تخت از درّ و یاقوت، و بر هر تختی همسری از حوران بهشتی به شما عطا می کند.

و چون روز بیست و نهم فرا می رسد، خداوند یک میلیون محلّه و در هر محلّه ای خیمه ای سپید رنگ، و در هر خیمه ای تختی از کافور سپید و بر هر تختی هزار بستر از سندس سبز رنگ، و بر هر بستر حوریّه ای است که هفتاد جامه پوشیده است و دارای هفتاد هزار گیسو که با درّ و یاقوت زینت یافته اند، به شما کرامت فرماید.

و چون سی روز ماه رمضان تمام می شود، خداوند به ازای هر روزی که گذشته است، ثواب هزار شهید و هزار صدّیق و عبادت پنجاه سال را در نامه اعمال شما ثبت می کند. و نیز به ازای هر روز روزه داری ثواب دو هزار روز، روزه می نویسد، و درجات شما را به تعداد آنچه را که رود نیل رویانده است بالا می برد، و برات آزادی از آتش جهنّم و جواز عبور از صراط و امان نامه مصون بودن از عذاب را به دست شما می دهد.

و بهشت دارای دری است که به آن ریّان می گویند و این در تا روز قیامت باز نمی شود (و در قیامت) این در به روی مردان و زنان روزه دار امّت محمّد صلّی اللّه علیه

و آله و سلّم گشوده

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۰۰

می گردد، سپس رضوان خازن بهشت ندا می کند: ای امّت محمّد! بسوی ریّان بشتابید، و امّت من از این رو به بهشت وارد می شود. پس کسی که در این ماه مورد آمرزش الهی قرار نگیرد در کدام ماه آمرزیده خواهد شد؟! هیچ نیرو و قدرتی نیست مگر آنکه از جانب پروردگار بلند مرتبه است.

(۱) ۱۳- ابن عباس روایت کرده است که چون ماه رمضان فرا می رسید، رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم همه اسیران را آزاد، و به همه مستمندان کمک می کرد.

ثواب دعائی که در دهه اول ماه ذی الحجه خوانده می شود

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۰۱

(۱) ۱- خلیل بکری گوید که: یکی از اصحاب ما نقل کرده است که: علیّ بن ابی طالب علیه السّلام در هر روز از روزهای دهه اول ماه ذی الحجّه این مناجات پر محتوی را می خواند:

لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ به شماره شبها و روزگاران؛ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ به تعداد امواج دریاها؛ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ که رحمت خدا از هر چه گرد آورند بهتر است؛ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ به عدد خار بیابانها و درختها؛ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ به شماره آنچه مو و کرک است؛ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ به تعداد هر چه سنگ و کلوخ است؛ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ به عدد نگاه چشمها؛ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ در شب وقتی که تاریک می شود و در صبح هنگامی که طلوع می کند؛ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ به شماره بادهایی که در بیابانها و صخره ها می وزد؛ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ از امروز تا روزی که در

صور دمیده شود.

خلیل می گوید که: از راوی شنیدم که می گفت: علی علیه السّلام می فرمود: هر کس در هر

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۰۲

روز از این دهه، ده مرتبه این ذکر را بخوانـد، خداوند به ازای هر لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ که می گوید درجه ای در بهشت از در و یاقوت به او عنایت فرمایـد که میان هر دو درجه برای سواری که با شـتاب رکاب می زنـد یک صـد سال راه است، و در هر درجه ای شهری است و در هر شـهر کـاخی از گوهر یکپـارچه قرار دارد که درزی در آن نیست، در هر شـهری از آن شـهرها آنقـدر از خانه ها و قلعه ها و اتاقها و خانه ها و بسترها و همسـران و تختها و حوران بهشتی و پشتیها و فرشـها و سفره ها و خدمتگزاران و رودها و درختها و زیورها و جامه ها قرار دارد که وصف آن از توان وصف کنندگان بیرون است.

و هنگامی که از قبر خارج می شود، از هر موی بدن او نوری می تابد، و هفتاد هزار فرشـته به پیشـباز او می آیند، و از پیش رو و سـمت راست و چپ او حرکت می کنند تا به درب بهشت رسـند، و هنگامی که وارد بهشت می شود پشت سر او می ایستند و او در پیشـاپیش جلوی آنهـا قرار می گیرد تا به شـهری می رسـند که نمای بیرونی آن از یاقوت سـرخ است و انـدرون آن از زبرجـد سبز رنگ، و در آن شـهر، تمام آنچه را که خداوند در بهشت آفریده است وجود دارد، هنگامی که به آنجا می رسـند فرشتگان می گویند: ای دوست خدا! آیا می دانی این شهر و آنچه در آن است

چیست؟

می گوید: نه، شما کیستید؟ می گویند: ما فرشتگانی هستیم که در دنیا روزی که خدای تبارک و تعالی را تهلیل می کردی تو را می دیدیم، این شهر با آنچه که در آن هست همه ثواب توست، تو را به ثوابی برتر از این ثواب از جانب خدا مژده باد! تا آنچه را که خداوند برای تو در دار السلام خود و در جوار خویش فراهم آورده است

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۰۳

ببینی، آن بخششی را که هرگز بریده نمی شود. خلیل می گوید: پس هر چه می توانید، (این ذکر را) بخوانید تا اجر شما افزونتر گردد.

ثواب روزه داری در دهه اول ذی الحجّه

(۱) ۱- از عایشه روایت شده است که: جوانی بود اهل غنا و طرب، و هنگامی که هلال ماه ذی الحجه ظاهر می شد، روزه می گرفت. وقتی این خبر به رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم رسید به دنبال او فرستاد و او را فرا خواند، چون به خدمت رسید حضرت از او پرسید: چه چیزی تو را بر آن داشت که این ایام را روزه بگیری؟ عرض کرد: پدر و مادرم به فدای تو باد ای رسول خدا! روزهای مشعر و عرفات و ایّام حجّ است، شاید که خداوند مرا در دعای حج گزاران شریک کند. حضرت فرمود: به ازای هر روزی

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۰۴

که روزه می گیری ثوابی برابر با آزاد کردن صد بنده و قربانی صد شتر و اعزام صد اسب که در راه خدا بر آن جنگ کنند، برای تو نوشته می شود؛ و در روز ترویه (روز هشتم ذی الحجه) از برای تو است ثواب آزاد کردن

هزار بنـده و قربانی کردن هزار شتر و فرسـتادن هزار اسب که در راه خداونـد بر آن سوار شونـد و جنگ کننـد؛ پس چون روز عرفه می شود، ثواب آزاد کردن دو هزار بنـده و دو هزار شتر قربـانی و ارسـال دو هزار اسب برای جنـگ در راه خـدا و کفاره (گناهان) شصت سال گذشته و شصت سال آینده در نامه اعمال تو ثبت می گردد.

(۱) ۲- احمـد بـن زیـد از حضـرت موسـی بـن جعفر علیه السّلام روایت کرده است که: هر کس روز اول از دهه اول مـاه ذی الحجّه را روزه بگیرد، خداونـد (ثواب) روزه هشـتاد ماه را در نامه اعمال او ثبت می کند، و اگر نه روز دیگر را نیز روزه بدارد خداوند روزه یک روزگار را برای او می نویسد.

(۲) ۳- محمّد بن ابی عمیر به نقل از یکی از دوسـتانش روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: روزه روز ترویه کفّاره (گناهان) یک سال، و روزه روز عرفه کفّاره (گناهان) دو سال بشمار میرود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۰۵

ثواب روزه روز عید غدیر

(۱) ۱- قـاسم بن یحیی از جـدّش حسن بن راشـد نقـل می کنـد که: به امـام صادق علیه السّلام عرض کردم: فـدایت شوم آیا مسـلمانان به غیر از آن دو عید (عید فطر و قربان) عید دیگری دارند؟ حضـرت فرمود: آری ای حسن! با عظمت تر و شریفتر از آن دو. عرض کردم:

آن چه روزی است؟ فرمود: روزی که در آن امیر مؤمنان علی علیه السّلام به امامت و خلافت منصوب و رهبر امّت شد. عرض کردم: فدایت گردم آن روز چه روزی است؟

فرمود: روزها در گردش است و

آن روز همان روز هجـدهم ماه ذی الحجّه است، عرض کردم: فـدایت شوم، در این روز چه عملی را بایـد انجام دهیم؟ فرمود: ای

حسن! آن روز را روزه بگیر، و در آن روز بر محمّد و خاندانش بسیار صلوات بفرست، و از کسانی که به آنها ستم کردند و حقشان را انکار نمودند بیزاری بجوی، زیرا همه پیغمبران به جانشینان خود دستور می دادند تا در روزی که به جانشینی منصوب شوند، آن روز را روزه بدارند و عید بگیرند. عرض کردم که: پاداش روزه دار این روز چیست؟ فرمود: ثواب روزه شصت ماه؛ و روزه روز بیست و هفتم رجب را ترک مکن، زیرا این همان روزی است که نبوّت بر حضرت محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم ارزانی شد، و ثواب روزه آن مانند ثواب شصت ماه روزه برای شماست.

(۱) ۲- قاسم بن یحیی از جدّش حسن بن راشد نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام پرسیدند: آیا مؤمنان غیر از دو عید (فطر و قربان) و جمعه عید دیگری دارند؟

فرمود: آری عیدی بزرگتر از آنها دارند، روزی که امیر مؤمنان علی علیه السّلام به خلافت منصوب شد و رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم پیمان ولایت وی را در غدیر خم بر مردان و زنان محکم ساخت. عرض کردم: آن کدام روز است؟ فرمود: روزها در گردش هستند، و ادامه دادند: روز هجدهم ماه ذی الحجّه است. و عبادت در آن روز برابر با عبادت

هشتاد ماه است،

و شایسته است که در آن روز ذکر خدا را بسیار کنند و همچنین صلوات فرستادن بر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم، و مرد در آن روز برای (رفاه بیشتر) خانواده اش گشاده دست باشد.

(۱) ۳- مفضّل بن عمر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: روزه روز غدیر خم، کفّاره گناهان شصت سال است.

ثواب عبادت مستحبّی در شب عید

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۰۸

(۱) ۱- عبد اللَّه بن مسعود از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: جبرئیل از اسرافیل و او از پروردگار خود نقل کرده است که: هر کس در شب عید فطر، ده رکعت نماز بخواند، و در هر رکعت یک بار سوره حمد و ده بار سوره توحید را قرائت کند، و در رکوع و سجود خویش «سبحان اللَّه و الحمد للَّه، و لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ و اللَّه اکبر» بگوید، و پس از هر دو رکعت تشهّد بخواند و سلام کند، و هنگامی که از نماز فارغ می شود هزار مرتبه «استغفر اللَّه و اتوب الیه» بگوید و بعد به سجده رفته و در سجده بگوید: ای زنده، ای قیّم و سرپرست، ای صاحب جلال و بخشندگی، ای مهربان دنیا و آخرت و هر دوی آنها، ای بزرگوارترین بزرگواران، ای مهربانترین مهربانان، ای خدای گذشتگان و آیندگان! گناهانم را بیامرز، و روزه و نماز و عبادت مرا قبول فرما. سوگند به آن که مرا به پیغمبری مبعوث فرمود، سرش را از سجده بر نمی دارد

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۰۹

مگر آنکه آمرزیده گردد و

اعمـال ماه رمضان از او قبول می شود، و خداونـد از گناهان وی در می گـذرد حتی اگر هفتاد گناه مرتکب شـده باشـد، و هر گناه او از گناهان تمام بندگان بزرگتر باشد.

رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم می فرماید: از جبرئیل پرسیدم: آیا تنها اعمال ماه رمضان مورد قبول واقع می شود یا از تمام بندگان خدا در هر جایی که زندگی می کنند؟ فرمود:

آری سوگنـد به آنکه تو را به پیغمبری مبعوث کرد ای محمّد، از منزلت و کرامت او در نزد خدا و عظمت مقامش در پیشگاه ربوبی از او و از آنها و از تمام خداپرستان در میان شرق و مغرب عالم نمازها و روزه هایشان پذیرفته می شود و گناهانشان را می آمرزد و دعاهایشان مستجاب می شود پس از اینکه امر خدا را اطاعت کرده باشند، سوگند به آنکه تو را به حق به رسالت مبعوث فرمود، هر کس این نمازها را بخوانـد و این استغفار را انجام دهـد، خداونـد نماز و روزه و شب زنـده داری او را می پـذیرد، و او را می آمرزد و دعایش را برآورده می سازد، زیرا خداونـد تبارک و تعالی در کتاب خود (در آیه ۳ و ۹۰ از سوره هـود) فرمـوده است: از پروردگارتـان طلب آمرزش کنیـد و آنگـاه بسـوی او روی آوریـد. و فرمـود (در آیه ۱۳۵ از سـوره آل عمران): و آنان که چون کار زشت انجام می دهنـد، یا به خویشتن ستم روا می دارنـد، به یاد خـدا می افتند و از گناهان خود طلب آمرزش می کننـد، و کیست جز خـدا که گناهـان را می آمرزد. و فرمـود (در آیه ۱۹۹ از سـوره بقره و آیه ۲۰ از سوره مزّمّل): از

خـدا آمرزش (گناهان) بخواهید، که براستی خداوند بخشـنده و مهربان است. و فرمود (در آیه ۳ از سوره نصـر): از او آمرزش بخواه، زیرا که او بسیار توبه کننده را دوست دارد.

پیغمـبر صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم فرمـود: این هـدیه مخصـوص من و امّت من است اعمّ از زنـان و مردان، و به هیـچ یـک از پیامبران پیش از من و به غیر آنان داده نشده است.

(۱) ۲- سـلمان فارسی رضی اللَّه عنه از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: هیچ بنده ای شش رکعت نماز در شب عیـد نمی خواند مگر آنکه شـفاعت او در مورد خاندانش- هر چند آتش جهنّم بر آنها واجب شده باشد- پـذیرفته می شود. پرسـیدند: این برای چیست؟ رسول خـدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم فرمود: زیرا نیکوکـار نیازی به شـفاعت نـدارد، و شـفاعت برای گناهکاران است. محمـد بن الحسـین (مؤلف این کتاب) می گویـد: باید در هر رکعت، پنج بار قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ خوانده شود.

ثواب شب زنده داری شب عید

(۲) ۱- انس بن مالـک از رسول خـدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم روایت کرده است که فرمود: هر کس شب عیـد را به شـب زنده داری و عبادت بگذراند، روزی که همه دلها می میرند، دل او

هرگز نمی میرد.

(۱) ۲- ابن کردوس از پدرش، و او از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود:

هر کس شب عید و شب نیمه شعبان را به احیا بگذراند، دل او نمی میرد آن

روزی که همه دلها می میرند.

ثواب کسی که ماه رمضان را روزه بگیرد و آخرین روز آن را با صدقه به پایان برساند و با غسل به نماز حاضر شود

(۲) ۱- انس بن مالک از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: هر کس ماه رمضان را روزه بگیرد، و با صدقه دادن آن را به پایان برساند، و فردای آن روز با غسل به جایگاه نماز برود، آمرزیده باز می گردد.

ثواب قرائت چهار رکعت نماز در روز عید فطر پس از نماز امام

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۱۳

(۱) ۱- سلمان فارسی از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: هر کس در روز عید فطر چهار رکعت پس از نماز امام بخواند، در رکعت اول (بعد از سوره حمد) سوره «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» را قرائت کند، گوئی تمام کتابهای آسمانی را که خدا (بر پیامبران) نازل کرده، خوانده است؛ و اگر در رکعت دوم (بعد از سوره حمد) سوره شمس «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها» را قرائت کند، ثواب او به وسعت گستره ای است که خورشید بر آن می تابد؛ و اگر در رکعت سوم (بعد از سوره حمد) سوره «و الضّحی» را قرائت نماید، ثواب او برابر با ثوابی است که همه فقرا را سیر کرده، و به آنها عطر زده و پاکیزه شان کرده باشد. و اگر در رکعت چهارم (بعد از سوره حمد)

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۱۴

سی بار سوره «توحید» را بخواند، خداوند گناه پنجاه سال آینده و پنجاه سال گذشته او را می آمرزد.

مؤلّف این کتاب (شیخ صدوق) بعد از درخواست موفقیت از خداوند متعال، در باره این حدیث می گوید که: این ثواب برای کسی است که امام جماعت او مخالف مذهب وی باشد، و از روی تقیّه با

او نماز بخوانـد، و پس از پایان نماز جماعت این چهار رکعت نماز عیـد را بجای آورد، و به نمازی که با امام جماعت مخالف مـذهب خود خوانـده است، اعتنایی نکنـد، اما کسـی که در روز عید با امامی نماز عید را بخواند که از طرف خداوند منصوب شـده باشـد و طاعتش بر بندگان خدا واجب گردیده است، پس بعد از این نماز تا زوال شـمس (ظهر شـرعی) جایز نیست نماز دیگری بخوانـد، و همچنین کسـی که امام جماعت او در روز عیـد موافق مذهب وی باشد، و با او نماز عید بخواند هر چند که طـاعتش واجب نباشـد، جـایز نیست که پس از نمـاز جمـاعت تا وقت زوال آفتاب (ظهر شـرعی) نمازی دیگر بخوانـد، و آنچه محرز است این است که در نمـاز عیـد فطر و عیـد اضـحی فقط با امام می توان خوانـد، و اگر کسـی بخواهـد نماز عیـد را تنها بخواند، اشـکالی ندارد، بدلیل روایات زیر: (۱) ۱. زراره، از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس در روز عید با امام جماعت نماز نخواند، نمازی برای او نیست، و قضای نماز بر او واجب نمی گردد.

(۲) ۲. سماعه بن مهران از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: در عیدین (عید فطر و عید قربان) نمازی نیست مگر با امام، ولی اگر آن را بصورت

فرادی بخوانی اشکال ندارد.

(۱) ۳. معمّر بن یحیی و زراره از امـام محمّـد بـاقر علیه السّـلام روایت کرده انـد که فرمود: در روز عیـد فطر و اضـحی نمـازی نیست مگر به جماعت.

(۲) ۴.

حلبی روایت کرده است که از امام صادق علیه السّلام در مورد نماز عیدین (عید فطر و عید ضحی) پرسیدم که آیا پیش از این دو نماز یا پس از آن نمازی هست؟

فرمود: پیش از آن و پس از آن نمازی نیست.

(۳) ۵. محمّد بن مسلّم روایت کرده است که از امام صادق علیه السّلام در مورد نماز عید فطر و اضحی پرسیدم، فرمود: در این دو نماز اقامه و اذان نیست، و پس از آن دو رکعت و پیش از آن نمازی نیست.

(۴) ۶. ابن سنان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: نماز عیدین (عید فطر و عید اضحی) دو رکعت است و پیش از آن و پس از آن نمازی نیست.

(۵) ۷. زراره روایت کرده است که امام محمّد باقر علیه السّلام فرمود: در نماز روز عید فطر و عید اضحی اذان و اقامه نیست، اذان آن دو طلوع آفتاب است، هنگامی که طلوع می کند بیرون می آیند، و پیش از آن و پس از آن نمازی نیست، و هر کس به همراه امام جماعت نماز نخواند نمازی بر او نیست، و قضا نیز بر او واجب نمی شود.

ثواب روزه بیست و پنجم ماه ذی القعده

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۱۶

(۱) ۱- حسن بن علی وشّاء می گوید که: به هنگام جوانی در شب بیست و پنجم ذی القعده به همراه پدرم در خدمت امام رضا علیه السّلام شام خوردیم، پس امام علیه السّلام فرمود:

شب بیست و پنجم ماه ذی القعده حضرت ابراهیم و حضرت عیسی بن مریم- که بر آنان درود باد- متولد شدند. و زمین در آن شب از زیر کعبه

گسترش پیدا کرد، و نیز فضیلتی در این شب وجود دارد که هیچ کس از آن یاد نکرده است و آن این است که هر کس در آن روز روزه بگیرد مانند کسی است که شصت ماه روزه گرفته باشد.

ثواب افطار کردن با آب

(۲) ۱- ابن سنان، از مردی نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام می فرمود: افطار کردن با آب، گناهان (و آلودگیهای ناشی از آن) را از دل می شوید.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۱۷

ثواب روزه گرفتن سه روز در ماه: پنجشنبه اولش و چهارشنبه وسط و پنجشنبه آخر

(۱) ۱- محمّد بن مروان می گوید که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم آنقدر روزه (مستحبّی) می گرفت تا آنجا که گفته می شد: افطار نمی کند! و افطار می کرد تا آنجا که گفتند: روزه نمی گیرد؛ سپس یک روز، روزه می گرفت و یک روز افطار می کرد؛ و بعد، روزهای دوشنبه و پنجشنبه هر هفته را روزه دار بود، تا از آنهم منصرف شد و دیگر در هر ماه سه روز روزه می گرفت: پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه وسط ماه و پنجشنبه آخر ماه را، و می فرمود: در این سه روز، روزه گرفتن به منزله روزه دار بودن تمام عمر است. و پدرم امام محمّد باقر علیه السّلام می فرمود: هیچ کس در نزد من منفورتر از آن شخص نیست که به او گفته می شود: رسول خدا علیه السّلام چنین و چنان می کرد، و او بگوید: خداوند مرا برای زیاد کوشش نمودن در نماز عذاب نمی کند، گویی می پندارد که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم کار خیری را از روی ناتوانی

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۱۸

(نعوذ باللَّه) رها کرده (و او توفیق انجام آن را پیدا کرده) است! (۱) ۲- حلبی، از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که فرمود: امیر المؤمنین علی علیه السّلام فرمود:

روزه ماه صبر (ماه رمضان) و سه

روز در هر ماه، دل شوره ها (و اضطرابهای درونی) را می برد؛ و سه روز روزه گرفتن در هر ماه مانند روزه گرفتن تمام عمر است، خداوند تبارك و تعالی در كتاب خود (در آیه ۱۶۰ از سوره انعام) می فرماید:

هر كس عمل نیكی بجای آورد، ده برابر آن پاداش دارد.

(۲) ۳- احمد بن محمّد بن ابی نصر روایت كرده است كه از امام كاظم علیه السّلام در باره روزه گرفتن در ماه سؤال كردم، فرمود: سه روز در ماه، در هر ده روزی یك روز، خداوند در كتاب خود (در آیه ۱۶۰ از سوره انعام) می فرماید: هر كس عمل نیكی بجای آورد، ده برابر آن پاداش دارد، پس سه روز روزه داری در هر ماه روزه تمام عمر می باشد «۱».

---

(۱) ماههای سال باستثنای ماه مبارك رمضان كه روزه آن واجب است یازده ماه می باشد و اگر بجای هر حسنه ای ده برابر آن را پاداش دهند پس سه روز روزه داری در هر ماه معادل سی روز، و در طول ۱۱ ماه برابر ۳۳۰ روز روزه گرفتن است، كه با سی روز روزه ماه مبارك رمضان سیصد و شصت روز می شود كه مساوی با روزهای سال قمری است. و این معنای روزه تمام عمر (صوم الدّهر) است.

پاداش نیكیها و كیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۱۹

(۱) ۴- احول، از قول مردی، از امام صادق علیه السّلام روایت كرده است كه: از رسول خدا علیه السّلام در مورد روزه گرفتن در دو پنجشنبه و چهارشنبه وسط آنها پرسیدند، حضرت فرمود: پنجشنبه روزی است كه در آن اعمال بندگان به عرض می رسند، و امّا چهارشنبه روزی است كه در آن

روز، آتش آفریده شد، و روزه سپر است (از آتش دوزخ).

(۲) ۵- حریز روایت کرده است که از امام صادق پرسیدند در باره روزه چهارشنبه چه چیزی وارد شده است؟ حضرت گفتند که: حضرت علی علیه السّلام می فرمود: خداوند متعال آتش جهنّم را در روز چهارشنبه آفریده است، و او روزه آن روز را دوست دارد تا از آتش جهنّم به خدا پناه برده شود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۲۰

(۱) ۶- حماد بن عثمان روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام می فرمود: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آنقدر روزه گرفت تا اینکه گفتند: حضرت افطار نمی کند، و سپس افطار کرد تا اینکه گفتند: روزه نمی گیرد! پس از آن مانند حضرت داود علیه السّلام یک روز روزه می گرفت و روز دیگر افطار می فرمود، و در مراحل پایانی عمر، در هر ماه سه روز را روزه می گرفت و می فرمود: سه روز روزه گرفتن در ماه برابر (روزه داری در) تمام عمر است، و کینه و تیرگی درون را از بین می برد.

راوی می گوید عرض کردم که: فدایت گردم! این روزها کدامند؟ فرمود: اوّلین پنجشنبه دهه اول، و اولین چهارشنبه دهه دوم، و آخرین پنجشنبه دهه سوم هر ماه است، راوی می گوید عرض کردم: چرا این روزها تعیین شدند؟ فرمود: زیرا در امّتهای پیش از ما هر گاه عذاب نازل می شد، در یکی از این روزها بود، و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم این روزها را برای روزه گرفتن انتخاب فرمود، چرا که این روزها، روزهای ترسناکی هستند.

(۲) ۷- بشار بن یسار می گوید: به امام صادق

علیه السّلام عرض کردم: برای چه در روز چهارشنبه روزه گرفته می شود؟ فرمود: زیرا آتش در روز چهارشنبه آفریده شده است.

(۱) ۸- زراره می گوید که به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: در روزه گرفتن، سنّت بر چه مبنایی جاری است؟ فرمود: سه روز در هر ماه، پنجشنبه دهه اول، و چهارشنبه دهه دوم، و پنجشنبه دهه آخر.

راوی می گوید: عرض کردم: این همه آن چیزی است که در روزه، سنّت بر آن جاری شده است؟ فرمود: آری.

(۲) ۹- حسین بن ابی حمزه روایت کرده است که: به امام محمّد باقر علیه السّلام یا امام صادق علیه السّلام عرض کردم: روزه سه روز در ماه از فصل تابستان را به زمستان به تأخیر بیاندازم؟ زیرا آن را بر خودم آسانتر می بینم، حضرت فرمود: آری، امّا حسابش را به یاد داشته باش.

(۳) ۱۰- یزید بن خلیفه می گوید: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: روزه داشتن در هوای گرم بر من دشوار است و دچار سر درد می شوم. فرمود: آنچه را من انجام می دهم تو نیز همان را انجام ده، اگر به مسافرت بروم به ازای هر روز یک مد طعام از طعامی را

که در اختیار خانواده ام می گذاردم، (در راه خدا) صدقه می دهم.

ثواب یک درهم در روز صدقه دادن برای کسی که از سه روز روزه گرفتن در ماه ناتوان است

(۱) ۱- از ابراهیم بن ابی مثّنی روایت کرده است که: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: بر من دشوار است که در هر ماه سه روز، روزه بگیرم، آیا اگر به جای هر روز یک درهم صدقه بدهم کفایت می کند؟ فرمود: یک

درهم صدقه دادن از (ثواب) یک روز روزه بهتر است.

ثواب کسی که در خانه برادر ایمانیش افطار کند

(۲) ۱- داود رقّی از امـام صـادق علیه السّـلام روایت کرده است: (ثواب) افطار کردن تو در خانه برادر ایمانیت، از هفتاد یا نود برابر (ثواب) روزه تو بهتر است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۲۳

(۱) ۲- جمیل بن درّاج از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: کسی که روزه باشد و بر برادر ایمانیش وارد شود و با او افطـار کنـد و او را از روزه خود بـاخبر نسـازد، تـا بر او منّت نهـاده باشـد، خداونـد (ثواب) روزه یـک سال برای او ثبت می فرماید.

زیارت رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و ائمه اطهار علیهم السّلام

(۲) ۱- علاء بن مسیّب از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که: امام حسن علیه السّلام به رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم عرض کرد: ای پدر! پاداش کسی که به زیارت تو می آید چیست؟ رسول خدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر کس مرا یا پدرت یا تو یا برادرت را زیارت کند، بر من لازم می شود که در روز قیامت او را زیارت کنم تا او را از گناهانش نجات دهم.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۲۴

(۱) ۲- علاء بن مسـیّب، از امام صادق علیه السّلام، از امام باقر علیه السّلام، از امام زین العابدین علیه السّلام روایت کرده است که: پدرم امام حسین علیه السّلام (به رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم) عرض کرد: ای پدر! پاداش کسی که ما را زیارت می کند چیست؟ فرمود: پسرم، هر کس مرا و پدر تو را و برادر تو را و

تو را در حال حیات و یا پس از مرگ (مزار ما را) زیارت کند، بر من است که در روز قیامت به زیارت او روم و او را از گناهانش نجات داده و وارد بهشت کنم.

ثواب آن که بر شهادت امام حسین علیه السّلام و یا بر ستمی که به اهل بیت علیهم السّلام و یا به او به خاطر محبّت آل اللّه رسیده است، بگرید

(۲) ۱- محمّد بن مسلم از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت کرده است که: پدرم علیّ بن الحسین علیه السّلام می فرمود: هر مؤمنی که برای کشته شدن امام حسین علیه السّلام (آن چنان)

بگرید تا قطرات اشک بر گونه اش جاری شود، خداوند او را در غرفه های بهشتی جای می دهد تا برای مدّتهای طولانی در آن سکونت کند؛ و هر مؤمنی که به خاطر آزار و اذیّتی که در دنیا به ما (اهل بیت) رسیده، بگرید و قطرات اشک او بر گونه اش جاری شود، خداوند او را در بهشت در جایگاه صدق جای می دهد؛ و هر مؤمنی که به خاطر ما (و دفاع از آرمانهای مقدّس ما) زحمت آن را ببیند و اشک او بر رخساره اش جاری شود، خداوند او را از اذیت و رنج دور می سازد و او را در روز قیامت از خشم خود و آتش جهنم ایمن می گرداند.

ثواب سرودن شعر در رثای امام حسین علیه السّلام و گریستن و گریانیدن و تظاهر به گریه کردن

(۱) ۱- ابو هارون مکفوف روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام به من فرمود: ای

ابا هارون! در مرثیت حسین علیه السّلام شعری برای من بخوان، وقتی من شروع کردم به خواندن، حضرت فرمود: نه، آن طوری که (در محافل خود) می خوانید، بخوان! یعنی با آهنگ محزون و رقّت آور. پس من این شعر را برای او خواندم:

بر قبر حسین گذر کن* و به استخوانهای پاکش بگو می گوید که: حضرت گریه کرد و فرمود: باز بخوان! و من قصیده دیگری را خواندم و حضرت گریه کرد و از پشت پرده صدای گریه (زنان) را

شنیدم، وقتی فارغ شدم فرمود: ای ابا هارون! هر کس شعری برای حسین بخواند و بگرید و ده تن را بگریاند، بهشت برای آنها ثبت خواهد شد. و هر کس برای حسین علیه السّلام شعری بخواند و خود بگرید و پنج نفر را بگریاند، بهشت برای آنها ثبت خواهد شد. و هر کس برای حسین علیه السّلام شعری بخواند و یک نفر را بگریاند، بهشت برای آنها ثبت خواهد شد.

و هر کس در نزد او یادی از حسین شود و به اندازه بال مگسی اشک از چشمانش بیرون بیاید، ثوابش با خدا است و خداوند در پاداش او به کمتر از بهشت راضی نمی شود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۲۷

(۱) ۲- ابو عماره منشد روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام به من فرمود: ای ابا عماره! در باره حسین بن علی علیهما السّلام شعری برای من بخوان! من شعر خواندم و آن حضرت گریه کرد، باز شعری خواندم و حضرت باز گریست، به خدا سوگند من پیوسته شعر می خواندم و حضرت گریه می کرد تا آنکه صدای گریه از اندرون خانه حضرت بلند شد، حضرت به من فرمود: ای ابا عماره! هر کس در مرثیه حسین بن علی علیه السّلام شعری بخواند و پنجاه نفر را بگریاند، بهشت از آن اوست؛ و هر کس در مرثیه حسین علیه السّلام شعری بخواند و چهل نفر را بگریاند، بهشت برای اوست؛ و هر کس در مرثیه حسین علیه السّلام شعری را بخواند و سی تن را بگریاند، پس بهشت برای اوست؛ و هر کس در مرثیه حسین علیه السّلام شعری را بخواند

و بیست تن را بگریاند، بهشت برای اوست؛ و هر کس در مرثیه حسین علیه السّلام شعری بخواند و ده تن را بگریاند، بهشت برای اوست؛ و هر کس در مرثیه حسین علیه السّلام شعری بخواند و یک نفر را بگریاند بهشت برای اوست؛ و هر کس در مرثیه حسین علیه السّلام شعری بسراید و خود بگرید، بهشت برای اوست؛ و هر کس در مرثیه حسین علیه السّلام شعری بخواند و خود را گریان نشان دهد، بهشت برای اوست.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۲۸

(۱) ۳- صالح بن عقبه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس در مرثیه حسین علیه السّلام یک بیت شعر بخواند و بگرید و ده نفر را بگریاند، پس سزای او و آنها (که گریه کردند) بهشت است؛ و هر کس در رثای حسین علیه السّلام بیتی بخواند و نه نفر را بگریاند، پاداش او و آنها بهشت است؛ پس بر همین منوال ادامه داد تا اینکه فرمود:

هر کس در مرثیه حسین شعر بخواند، و بگرید، و گمان می کنم که فرمود: یا اینکه خود را گریان نشان دهد (تباکی کند) پس بهشت برای اوست.

ثواب زیارت قبر امام حسین علیه السّلام

(۲) ۱- حسین بن محمّد قمی از امام رضا علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس قبر ابی عبد اللَّه علیه السّلام را در کنار فرات زیارت کند، گوئی خدا را بر فراز عرش زیارت کرده است.

(۳) ۲- عیینه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس به زیارت حسین علیه السّلام برود در حالی که مقام و منزلت وی را بشناسد،

خداوند او را در اعلی علّیین

(بهشت) جای دهد.

(۱) ۳- ابن مسکان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: هر کس به زیارت حسین علیه السّلام برود در حالی که از مقام و منزلت او آگاه باشد (او را امام مفترض الطّاعه بداند و خود نیز از پیروان او باشد) نام او در علّیین ثبت می شود.

(۲) ۴- قائد خیّاط از حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس قبر حسین بن علی علیه السّلام را زیارت کند، در حالی که از مقام و منزلت او آگاه است، خداوند گناهانی را که تا آن زمان مرتکب شده است، می آمرزد.

(۳) ۵- هارون بن خارجه نقل کرده است که به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: روایت می کنند که هر کس قبر امام حسین علیه السّلام را زیارت کند، (ثواب) یک حج و یک عمره برای او محسوب می شود، حضرت فرمود: به خدا سوگند هر کس که از روی معرفت او را زیارت کند، خداوند گناهان وی را از اول تا به آخر می بخشد.

(۱) ۶- حسین بن محمّد قمی از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کمترین ثوابی که شامل زائر ابا عبد اللَّه علیه السّلام- در کنار شط فرات- می شود این است که گناهان او از اول تا آخر آمرزیده می گردد به شرط آنکه حق و حرمت و ولایت آن حضرت را بشناسد.

(۲) ۷- ابن مسکان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: هر کس به

زیـارت قبر ابا عبـد اللّٰه علیه السّـلام برود در حالی که از مقام و منزلت او شـناخت داشـته باشـد، خداونـد همه گناهان او را می آمرزد.

(۳) ۸- احمـد بـن محمّـد بن ابی نصـر نقـل کرده است که مردی از شـیعیان از امـام رضـا علیه السّـلام پرسـید: چه ثـوابی دارد شخصی که به زیارت قبر حسین علیه السّلام برود؟ آن حضرت فرمود: (ثواب او) برابر با یک عمره است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۳۱

(۱) ۹- ابو سـعید مدائنی نقل می کند که: به محضـر امام صادق علیه السّـلام شرفیاب شدم و عرض کردم: فدایت گردم! آیا به زیـارت قـبر حسـین علیـه السّـلام بروم؟ فرمـود: آری به زیـارت قـبر پسـر رسـول خـدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم برو، آن که نیکوترین نیکان و پاکیزه ترین پاکیزگان و نیکوکارترین نیکوکاران است، پس هر گاه به زیارتش رفتی خداوند در نامه اعمال تو (ثواب) بیست و دو عمره ثبت می فرماید.

(۲) ۱۰- محمّد بن سنان نقل می کند که از حضرت امام رضا علیه السّلام شنیدم که فرمود:

(ثواب) زیارت قبر حسین علیه السّلام برابر با (ثواب) یک عمره مقبوله و صحیح می باشد.

(۳) ۱۱- حسن بن جهم می گویـد که: به حضـرت امـام کـاظم علیه السّـلام عرض کردم: در مورد زیارت قبر امام حسـین علیه السّـلام چه می فرمائیـد؟ فرمود: تو خود چه می گوئی؟ عرض کردم: بعضـی از مـا برآننـد که ثوابش برابر بـا (ثواب) یک حج است، و برخی دیگر می گویند: ثواب یک عمره را داراست. فرمود: همان (ثواب) یک عمره مقبوله و درست را دارد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۳۲

(۱) ۱۲- هارون می گوید

که مردی در حضور من از امام صادق علیه السّلام پرسید: ثواب کسی که قبر امام حسین علیه السّلام را زیارت کند، چیست؟ فرمود: خداوند چهار هزار ژولیده موی آشفته حال و غبار آلود بر قبر حسین علیه السّلام گمارده است که تا روز قیامت بر او گریه کنند، عرض کردم: پدر و مادرم بفدایت! از پدر (بزرگوارتان) روایت شده است که:

ثواب زیارت آن حضرت مانند ثواب حج است، فرمود: آری یک حج و یک عمره، و همان طور تا ده حج و ده عمره را برشمرد.

(۲) ۱۳- صالح نیلی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: هر کس به زیارت قبر حسین علیه السّلام برود در حالی که عارف به حقّ اوست، خداوند پاداش کسی را که هزار بنده را آزاد کرده است در نامه عمل او می نویسد، و مانند آن کسی است که هزار اسب با زین و افسار در راه خدا (برای جهاد) گسیل کرده باشد.

(۳) ۱۴- ابو سعید مدائنی نقل کرده است که به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: فدایت گردم! آیا به زیارت قبر حسین علیه السّلام بروم؟ فرمود: آری ای ابو سعید! به زیارت قبر

پسر دختر پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، نیکوترین نیکان و پاکیزه ترین پاکیزگان و نیکوکارترین نیکوکاران برو، که اگر به زیارت او روی، خداوند (ثواب) آزاد کردن بیست و پنج بنده را برای تو ثبت می فرماید.

(۱) ۱۵- ابان بن تغلب از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: چهار هزار فرشته در کنار قبر حسین علیه السّلام گمارده شده اند که

همگی ژولیـده موی و غبار آلودنـد و تا روز قیامت بر او می گریند، و رئیس آنها فرشـته ای است بنام منصور، هر زائری که به زیارت آن حضرت مشرّف می شود این فرشتگان به استقبال او می شتابند، و به هنگام وداع با قبر مطهّر آن حضرت او را بدرقه می کننـد، و اگر زائری بیمـار شود به عیـادتش می رونـد، و اگر بمیرد بر جنازه اش نماز می گزارنـد و پس از مرگش برای او طلب آمرزش می کنند.

(۲) ۱۶- ابو بصـیر از امـام صـادق علیه السّـلام روایت کرده است: خداونـد هفتاد هزار فرشـته ژولیـده موی و غبار آلود بر مزار حسین علیه السّلام گمارده است، و هر روز بر آن حضرت

نماز می خوانند و در حقّ کسی که قبرش را زیارت کند دعا می کنند و می گویند: ای پروردگار ما! اینان زائران حسین اند، و در باره آنها چنان و چنین مقرر فرما.

(۱) ۱۷- هـارون می گویـد: از امـام صـادق علیه السّـلام شـنیدم که فرمود: خداونـد چهار هزار فرشـته را که ژولیـده مو و غبار آلودند بر قبر امام حسـین علیه السّـلام گمارده است، که تا روز قیامت بر او گریه کنند، و کسـی که آن حضـرت را عارفا بحقّه زیارت کند، فرشـتگان او را تا محلّ سـکونتش بدرقه می کنند، و اگر بیمار شود به عیادتش می روند، و به هنگام مرگ بر سر بالینش حاضر می شوند.

(۲) ۱۸- ابو بصـیر از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت کرده است: چهار هزار فرشته ژولیده موی و گرد آلود تا روز قیامت بر حسین علیه السّلام می گریند، و هیچ زائری به زیارت مزار شریف آن حضرت نمی رود مگر

آنکه این فرشتگان به استقبال او می روند، و از سفر زیارت (به خانه های خود) باز نمی گردند مگر آنکه این فرشتگان او را بدرقه می کنند، و بیمار نمی شود مگر آنکه به عیادتش می شتابند، و نمی میرد مگر آنکه بر سر بالین او حاضر می شوند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۳۵

(۱) ۱۹- ابو جارود نقل کرده است که امام محمّد باقر علیه السّلام به من فرمود: فاصله شما تا قبر حسین علیه السّلام چقدر است؟ عرض کردم: برای سواره یک روز، و برای پیاده یک روز و اندی. حضرت فرمود: آیا هر هفته به زیارتش می روی؟ عرض کردم: نه! گاهی اوقات به زیارتش توفیق پیدا می کنم. فرمود: چقدر جفاکاری! آگاه باش که اگر ما به قبر شریفش نزدیک بودیم، آنجا را جایگاه هجرت خود می ساختیم، یعنی بسوی آن هجرت می کردیم.

(۲) ۲۰- ابو نمیر گوید: امام محمّد باقر علیه السّلام فرمودند: ولایت ما (خاندان) بر ساکنان شهرها عرضه شد، ولی هیچ کدام مانند اهل کوفه آن را نپذیرفتند، زیرا قبر علی علیه السّلام در آنجاست، و در کنار آن مزار دیگری است، یعنی قبر حسین علیه السّلام، و هر زائری که به آنجا برود و دو یا چهار رکعت نماز بجای آورد و پس از فراغت از نماز، حاجت خود را از خداوند بخواهد، خداوند حاجت وی را بر آورده می سازد، و (آگاه باش که) هر روز هزار فرشته در اطراف قبر آن حضرت گرد می آیند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۳۶

(۱) ۲۱- علی بن حکم بدون آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد از امام صادق علیه السّلام روایت

کرده است که فرمود: اگر خواهی به زیارت قبر ابا عبد اللَّه علیه السّلام بروی، با حالتی محزون و اندوهگین و ژولیده موی و غبار آلود و گرسنه و عطشناک به زیارت آن حضرت بشتاب، زیرا که حسین علیه السّلام در حالی که محزون و اندوهگین و ژولیده موی و غبار آلود و گرسنه و تشنه بود، کشته شد. سپس حاجات خویش را به شفاعت آن حضرت از خدا بخواه و باز گرد، و آنجا را وطن و جایگاه خود قرار مده.

(۲) ۲۲- ابو المضاء رقّی می گوید که: شخصی برای من نقل کرد که امام صادق علیه السّلام به او فرموده بود: آیا قبر ابا عبد اللَّه الحسین علیه السّلام را زیارت می کنید؟ و او عرض کرده بود:

آری، حضرت فرموده بود: آیا برای این کار زاد راه و سفره ای تهیّه می کنید؟ جواب داده بود: آری، حضرت فرموده بود: اگر به زیارت قبرهای پدرانتان یا مادرانتان می رفتید این کار را نمی کردید، عرض کرده بود: پس چه چیزی بخوریم؟ حضرت فرموده بود: نان و شیر.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۳۷

(۱) ۲۳- علیّ بن حکم، از قول بعضی از دوستان روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: به من خبر رسیده است که گروهی از مردم هنگامی که به زیارت حسین علیه السّلام می روند، با خود سفره ای می برند که در آن انواع شیرینی ها و غذاهاست، در حالی که اگر به زیارت قبرهای عزیزانشان می رفتند هرگز چنین چیزهایی را با خود نمی بردند.

(۲) ۲۴- بشیر دهّان (روغن فروش) از امام صادق روایت کرده است که فرمود: هر مؤمنی که با آگاهی از حق

امام حسین علیه السّلام در غیر روز عید به زیارت قبر او برود، ثواب بیست حج و بیست عمره صحیح و مقبول، و ثواب بیست جنگ در رکاب پیامبری مرسل یا امامی عادل (یکی از ائمه علیهم السّلام) برای او ثبت می شود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۳۸

(۱) ۲۵- و به همین سند از بشیر روایت شده است که به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: چه بسا که برای انجام مناسک حج توفیق پیدا نمی کنم، ولی در روز عرفه به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام می روم، حضرت فرمود: احسنت (بسیار خوب می کنی) ای بشیر! هر مؤمنی که در غیر از روز عید، قبر امام حسین علیه السّلام را زیارت کند و نسبت به حق آن حضرت شناخت و معرفت داشته باشد، ثواب بیست حج و بیست عمره مقبول و صحیح و ثواب شرکت در بیست جنگ در رکاب پیامبری مرسل و یا امامی عادل در نامه اعمال او ثبت می شود.

و هر کس در روز عید به زیارت آن حضرت برود، ثواب صد حج و صد عمره و ثواب شرکت در صد جنگ در رکاب پیامبر مرسل یا امام عادل در نامه اعمال او نوشته می شود. و اگر شخص با ایمانی مزار آن حضرت را در روز عرفه زیارت کند در حالی که معرفت به مقام و منزلت او داشته باشد، ثواب هزار حج و هزار عمره مقبوله و هزار جنگ در رکاب پیامبری مرسل و یا امامی عادل (یکی از ائمّه اطهار علیهم السّلام) در نامه اعمال او نوشته می شود.

راوی می گوید: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: ثواب

این زیارت کجا با ثواب وقوف در عرفات برابری می کند؟! حضرت نگاهی آمیخته به خشم به من کرد و فرمود: ای بشیر! اگر مرد با ایمانی در روز عرفه به قصد زیارت قبر امام حسین علیه السّلام حرکت کند و

در فرات غسل کند و سپس عازم زیارت قبر آن بزرگوار شود، به ازای هر قدمی که بر می دارد ثواب یک حج با تمام مناسک و شرایطی که دارد در نامه اعمال او ثبت می گردد. راوی می گوید: به گمان من حضرت (پس از یک حج) یک عمره و یک جنگ نیز فرموده باشند.

(۱) ۲۶- داود رقّی از امام صادق و امام موسی کاظم و امام رضا علیهم السّلام شنید که می فرمودند: کسی که در روز عرفه به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام برود خداوند او را با شادی و خرمی (از این سفر) باز می گرداند.

(۲) ۲۷- علیّ بن اسباط، بدون ذکر نام راویان پیش از خود از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: خداوند تبارک و تعالی در شب عرفه پیش از همه (اول) به زائران قبر امام حسین علیه السّلام نظر رحمت می افکند.

راوی گوید: عرض کردم: پیش از آنکه نظر رحمت به کسانی که در عرفات مشغول ادای مناسک حج هستند بیفکند؟! فرمود: آری، عرض کردم: چگونه چنین چیزی ممکن است؟! فرمود: برای اینکه در میان کسانی که در عرفات حضور دارند افراد ناپاک و زنازاده نیز هستند ولی در میان زائران قبر امام حسین علیه السّلام افراد ناپاک نیستند.

(۱) ۲۸-

عبـد اللَّه بن مسـکان، از امـام صـادق علیه السّـلام روایت کرده است که فرمود: خداونـد تبـارك و تعـالی پیش از آنکه به اهل عرفات تجلی کنـد، به زائران قبر حسـین علیه السّـلام جلوه می فرماید و خواسـته های آنان را برآورده می سازد و گناهانشان را می آمرزد و شفاعت آنان را در باره دیگران می پذیرد، و در مرحله بعد به اهل عرفات می پردازد و با آنان نیز چنین می کند.

(۲) ۲۹- عبـد اللَّه بن هلال می گویـد: به حضـرت امام صادق علیه السّـلام عرض کردم: فدایت گردم! کمترین ثوابی که برای زیارت کننده قبر حسین علیه السّلام منظور شده است، چیست؟

حضـرت فرمود: ای عبـد اللَّه! کمترین ثوابی که برای او منظور شـده این است که خداوند از جان و مال او محافظت می کند تا هنگامی که او را به خانواده اش بازگرداند، و چون روز قیامت فرا رسد بیشتر از این در محافظت خداوند خواهد بود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۴۱

(۱) ۳۰- حسن بن موسـی الخشّـاب از قـول بعضـی از دوسـتانش از امـام صـادق علیه السّـلام روایت کرده است که می فرمود: گناهان زائر قبر حسـین علیه السّـلام بصورت پلی درآمده و بر درب خانه اش قرار می گیرد، و او از روی آن پل عبور می کند، مانند کسی که از پل بگذرد و آن را پشت سر نهاده است، (یعنی گناهان را نیز پشت سر قرار داده و از آنها پاك شده باشد).

(۲) ۳۱- حسـین بن ثویر بن ابی فـاخته، از امـام صادق علیه السّـلام روایت کرده است که به من فرمود: ای حسـین! هر کس به قصد زیارت قبر حسین بن علی علیه السّلام از خانه اش بیرون آید،

اگر پیاده باشد خداوند به ازای هر گامی که بر می دارد حسنه ای برایش ثبت و گناهی از او پاک می کند. و اگر سواره باشد، خداوند به ازای هر قدمی که مرکبش بر می دارد، حسنه ای برای او می نویسد و گناهی از او پاک می سازد. و هنگامی که به حائر حسینی برسد خداوند او را از رستگاران و حاجت رواشدگان منظور می فرماید.

و چون اعمالش را تمام کند، خداوند او را از افراد ظفرمند و پیروز ثبت می کند، و هنگامی که می خواهد (به شهر و دیار خود) باز گردد، فرشته ای به نزد او آمده و به

او می گوید که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به تو سلام می رساند و می فرماید که: عملت را از نو آغاز کن که خداوند گناهان گذشته تو را بخشید.

(۱) ۳۲- بشیر دهّان (روغن فروش) از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که به قصد زیارت قبر امام حسین علیه السّلام (از خانه خود) بیرون می آید، به ازای هر گامی که برمی دارد به تدریج از گناهانش آمرزیده می شود و قدم به قدم پاکتر می گردد تا به قبر مطهّر برسد، در آن هنگام خداوند به او خطاب می کند که: ای بنده من! از من بخواه تا خواسته ات را برآورم، مرا بخوان تا تو را اجابت کنم، مرا بخوان تا تو را حاجت روا کنم، هر چه می خواهی بخواه تا تو را عنایت کنم. می گوید که: امام صادق علیه السّلام در دنباله گفتارش فرمود: بر خداوند است که آنچه را که وعده کرده است انجام دهد.

گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۴۳

(۱) ۳۳- حارث بن مغیره از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: خداوند متعال فرشتگانی بر مزار حسین علیه السّلام گمارده است، و هنگامی که کسی قصد زیارت می کند خداوند گناهان او را به فرشتگان می دهد، و چون گام برمی دارد آن فرشتگان گناهانش را پاک می کنند و با گام دیگر حسنات او را چند برابر می سازند، و به تدریج حسنات وی افزایش پیدا می کند تا جایی که بهشت بر او واجب می شود، سپس فرشتگان در اطراف او حلقه می زنند تا او را پاک سازند، و بعد به فرشتگان آسمانها خطاب می کنند که: زائران قبر حبیب دو حبیب خداوندی را (یعنی حضرت پیامبر صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام) از آلودگیها پاک و پاکیزه کنید. و اگر زائران، غسل زیارت کنند، رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به آنان خطاب می کند: ای میهمانان خدا! شما را به همنشینی و همراهی من در بهشت بشارت باد! سپس امیر المؤمنین علی علیه السّلام آنان را ندا می کند که: من ضامن برآورده شدن حاجتها و دور کردن بلا و گرفتاریهای شما در دنیا و آخرت. سپس آنها را فرشتگان از سمت راست و چپ در بر می گیرند و از آنان محافظت می کنند تا به خانه های خویش باز گردند.

(۲) ۳۴- زید شحّام از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: (ثواب) زیارت قبر امام حسین علیه السّلام برابر بیست حج است، بلکه برتر از بیست حج.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۴۴

(۱) ۳۵- ابو سعید مدائنی می گوید

که: بر امـام صـادق علیه السّـلام وارد شـدم و به آن حضـرت عرض کردم: فـدایت گردم! من به زیارت قبر حسـین علیه السّـلام بروم؟ فرمود: آری ای ابو سـعید! قبر پسر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را زیارت کن که نیکترین نیکان و پاکیزه ترین پاکیزگـان و نیکوکـارترین نیکوکاران است، و اگر به زیارت قبر او نایل آیی خداونـد ثواب بیست و پنـج حـج را برای تو ثبت می کند.

(۲) ۳۶- شـهاب می گوید که: امام صادق علیه السّلام از من پرسیدند: ای شهاب! چند بار به حج رفته ای؟ عرض کردم: نوزده بار، حضـرت فرمود: یک بار دیگر که به حج بروی تا بیست بار حجّ خانه خدا را کرده باشـی ثواب یک بار زیارت قبر حسـین علیه السّلام در نامه اعمال تو ثبت می گردد.

(۳) ۳۷- حـذیفه بن منصور می گویـد که: امام صادق علیه السّـلام از من پرسـید: چند بار به حج رفته ای؟ عرض کردم: نوزده بـار، فرمود: اگر دو بار دیگر به حـج بروی تا بیست و یک بار کامل شود، مانـنـد کسـی خواهی بود که قبر حسـین بن علی علیه السّلام را زیارت کرده باشد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۴۵

(۱) ۳۸- صالح نیلی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس قبر حسین علیه السّلام را زیارت کند- در حالی که به حقّ آن حضرت عارف باشد- مانند کسی خواهد بود که صد بار در رکاب رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به حج رفته باشد.

(۲) ۳۹- مالک بن عطیّه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: هر کس

قبر ابا عبد اللّٰه علیه السّلام را زیارت کند، خداوند (ثواب) هشتاد حجّ صحیح را در نامه عملش ثبت می فرماید.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۴۶

(۱) ۴۰- موسی بن قاسم حضرمی نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام در اول خلافت ابو جعفر منصور دوانیقی، وارد نجف شد، و به من فرمود: ای موسی! برو و در بزرگراه منتظر باش که همانا مردی از سمت قادسیّه خواهد آمد، وقتی به تو نزدیک شد به او بگو: یکی از فرزندان رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم تو را طلبیده است، و او به همراه تو خواهد آمد.

راوی می گوید: رفتم و سر راه ایستادم در حالی که گرمای هوا بسیار شدید و طاقت فرسا بود و آمدن آن مرد به طول کشید و چیزی نمانده بود که از امر امام خود (به خاطر گرمای شدید هوا) سرپیچی کنم و باز گردم که دیدم از دور چیزی شبیه کسی که بر شتر سوار باشد به طرف من می آید، به آن نقطه خیره شدم تا به نزدیکی من رسید. به او گفتم: ای مرد! در این حوالی یکی از فرزندان رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم تو را می طلبد و او نشانی تو را به من داده است، گفت: مرا به خدمت او ببر. راوی می گوید: با هم آمدیم تا در نزدیکی سراپرده امام شتر خود را خوابانید، حضرت او

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۴۷

را به نام فراخواند و آن مرد عرب بر حضرت وارد شد، من در نزدیکی خیمه ایستاده بودم و

کلامشان را می شـنیدم ولی آنها را نمی دیدم، امام صادق علیه السّـلام از او پرسـید: از کجا می آیی؟ عرض کرد: از دورترین نقطه یمن، حضـرت فرمود: پس تو از اهالی فلان محلّی؟ عرض کرد: آری. حضـرت فرمود: پس چرا به اینجا آمـده ای؟ عرض کرد: آمده ام تا امام حسین علیه السّلام را زیارت کنم. حضرت فرمود: پس این مسیر طولانی را فقط برای زیارت طی کردی و نه چیز دیگر؟ عرض کرد: حـاجتی نـدارم جز اینکه در کنـار قبر شـریفش نماز بخوانم و او را زیارت کرده و بر او سـلام کنم و سپس به شهر و دیار خود برگردم. امام صادق علیه السّلام به او فرمود: از زیارت او چه نتیجه ای می بینید؟

عرض کرد: ما زیارت او را مایه خیر و برکت بر خود و خانواده و فرزنـدان و اموال و زنـدگانی و برآورده شـدن حاجاتمان می بینیم.

راوی گوید: سپس حضرت فرمود: ای برادر یمنی! نمی خواهی بیشتر از اینها (که گفتی) بهره و فضیلت آن را برای تو بگویم؟ عرض کرد: بفرمائید ای فرزند رسول خدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم. حضـرت فرمود: براستی (ثواب) زیارت ابا عبد اللَّه علیه السّـلام با (ثواب) یک حجّ مقبول و پذیرفته شده و پاکیزه که همراه با رسول خدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سلّم انجام شده باشد، برابری می کند.

آن مرد اعرابی تعجب کرد، حضرت فرمود: آری، به خدا سوگند با دو حجّ درست و مقبول و پاکیزه همراه با رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم برابری می کنـد. تعجب آن مرد از این کلاـم بیشتر شـد، و امـام صـادق علیه السّـلام همچنـان بر فضـیلت زیارت

می افزود تا آنکه فرمود: با (ثواب) سی حجّ درست و مقبول و پاکیزه که همراه با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم

انجام شده باشد برابری می کند.

(۱) ۴۱- یزید بن عبد الملک می گوید: همراه امام صادق علیه السّلام بودم که گروهی سوار بر چهارپایان از آنجا گذشتند، حضرت فرمود: این گروه به کجا می روند؟ عرض کردم:

به زیارت قبور شهدا. فرمود: چه چیزی اینان را از زیارت قبر آن شهید غریب باز داشته است؟! مردی از اهل عراق عرض کرد: مگر زیارتش واجب است؟

فرمود: (ثواب) زیارتش از یک حج و یک عمره و یک حج و یک عمره، همچنان بر شمرد تا به بیست حج و بیست عمره رسید، آنگاه فرمود: و همه صحیح و مقبول درگاه الهی.

راوی گفت: به خدا سوگند هنوز از جای خود برنخاسته بودم که مردی به خدمت حضرت شرفیاب شد و عرض کرد: من نوزده بار به حج خانه خدا رفته ام، از خداوند بخواه که مرا توفیق دهد تا بیست حج را کامل کنم، حضرت فرمود: آیا تاکنون قبر امام حسین علیه السّلام را زیارت کرده ای؟! عرض کرد: نه! حضرت فرمود: مسلّما (ثواب)

زیارت امام حسین علیه السّلام بیشتر از بیست بار حج کردن است.

(۱) ۴۲- اسحاق بن عمّار می گوید که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: موضع قبر امام حسین علیه السّلام دارای حرمتی است که معروف و شناخته شده است، هر کس حدّ حرمت آن را بداند، و بدان پناه ببرد، در پناه خداوند خواهد بود.

راوی می گوید:

عرض کردم: فدایت گردم! حریم حرم را برای من بیان کن، فرمود: بیست و پنج ذراع از سمت سر مبارک، و بیست و پنج ذراع از سمت پاهای مبارک، و بیست و پنج ذراع از سمت پشت، و بیست و پنج ذراع از پیش روی مبارک (آن حضرت) اندازه بگیر.

(۲) ۴۳- اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: آرامگاه امام حسین علیه السّلام از همان روزی که در آن دفن شد به باغی از باغهای بهشت مبدّل گشته است، و باز فرمود: موضع قبر امام حسین علیه السّلام دری است از درهای بهشت.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۵۱

(۱) ۴۴- معاویه بن وهب می گوید که: بر امام صادق علیه السّلام وارد شدم در حالی که آن حضرت در محراب خود بود، نشستم تا نماز را به پایان برد، و پس از نماز در حالی که با پروردگارش مناجات می کرد، می گفت: ای که ما را به بزرگی و کرامت مخصوص گردانیده ای، و وعده شفاعت را به ما داده ای، و رسالت را بر دوش ما نهاده ای، و ما را وارث پیامبران خود قرار داده ای، و امّتهای پیشین را به ما منتهی کرده ای، و جانشینی رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را مخصوص ما قرار داده ای، و علم گذشته و آینده را به ما ارزانی داشته ای، و دلهای مردم را به سوی ما معطوف ساخته ای، مرا و برادران ایمانی مرا و زائران قبر پدرم حسین بن علی علیه السّلام را بیامرز- که درود خداوند بر آنان باد- همان کسان که به خاطر اظهار دوستی

و ارادت به ما، و به امید اجر و پاداشـی که تو در ازای دوستی و محبّت با ما برایشان مقدّر فرموده ای، و برای شادی قلب پیامبر تو محمد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و پیروی از دستورات ما، و به جهت خشمگین ساختن دشمنان ما، اموال خود را انفاق می کنند و زحمت و ناملایمات سفر را به خود هموار می سازند.

منظور آنها فقط خشـنودی تو بود، پس آنان را به خاطر ما، مقام رضوان عنایت فرما، و آنان را در شب و روز (از شـرّ دشمنان) محفوظ بـدار، و افراد خانواده و فرزنـدان آنان را نیز در غیبتشان و در نبودشان به بهترین صورت ممکن مورد عنایت و رحمت خویش قرار بده، و آنان را از شرّ تمام ستمگران سرکش و طاغی و از شرّ تمام

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۵۲

آفریده های تو اعمّ از توانا و ناتوان و نیز شرّ شیاطین انس و جن حفظ کن، و به خاطر اینکه از شهر و دیار خود بدورند و ما را بر فرزندان و خویشان و افراد خانواده خود مقدّم داشته اند، هر آنچه از درگاه رحمت تو طلب می کنند به آنان کرامت فرما.

بار الها! با آنکه دشـمنان ما سـفر آنان را عیب شـمردند و بر آنان خرده گرفتند، ولی نکوهش و سرزنش دشمنان ما مانع آمدن آنان به سوی ما نشد، و بر خلاف میل دشـمنان ما به زیارت ما شتافتند، پس خدایا! به این چهره هائی را که در اثر تابش آفتاب تغییر رنگ داده، و به این رخسارهائی که به تربت امام حسین علیه السّلام سائیده شده است، و

به این چشمهائی که از سوز دل برای ما گریسته اند، و به این دلهایی که در مصائب ما بیتاب و بیقرار گشته و (در آتش حرمان) سوخته اند، و به این فریادها و فغان ها که در مظلومیت ما (از پرده دل) برکشیده اند رحم کن و آنان را ببخشای.

بار الها! من این جانها و این بدنها را به تو می سپارم، تا در آن روز (قیامت) که عطش همه را فرا می گیرد از حوض کوثر سیراب کنی.

راوی می گوید: امام- که درود خدا بر او باد- همچنان این دعا را در حال سجود ادامه داد. و هنگامی که از دعا فارغ شد، عرض کردم: فدایت شوم! آنچه را که من از شما شنیدم اگر در مورد شخصی بود که خدا را هم نمی شناخت به گمان من آتش جهنم بر هیچ جای بدن او نزدیک نمی گردد، به خدا سوگند آرزو کردم که به زیارت قبر حسین علیه السّلام می رفتم و حج (مستحبّی) را به جای نمی آوردم. حضرت فرمود: ای معاویه! تو که به قبر امام حسین علیه السّلام نزدیکی، پس چه چیزی مانع تو از زیارت امام حسین علیه السّلام می شود و چرا آن را ترک کردی؟! عرض کردم: فدایت گردم، نمی دانستم

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۵۳

که این امر تا این اندازه مهم باشد. فرمود: ای معاویه! تعداد فرشتگانی که در آسمانها در حقّ زائران امام حسین علیه السّلام دعا می کنند از تعداد کسانی که در زمین دعا گوی و ثناخوان آنانند، بیشتر است. از روی ترس (زیارت) او را ترک مکن، زیرا هر کس از روی ترس، زیارت او را ترک کند، (بعدها) آنقدر

حسرت خواهد خورد که آرزو می کند ای کاش قبرش در نزدیکی او بود. آیا دوست نداری که خداوند پیکر و شبح تو را در زمره کسانی ببیند که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم برایشان دعا می کند؟ آیا دوست نداری که فردا از کسانی باشی که فرشتگان با آنها دست می دهند و مصافحه می کنند؟ آیا دوست نداری که فردای قیامت از جمله کسانی باشی که هیچ بار گناهی بر دوش ندارند تا مجازات شوند؟ آیا دوست نداری که از گروهی باشی که با رسول خدا علیه السّلام دست می دهند و مصافحه می کنند؟ (۱) ۴۵- اسحاق بن عمّار نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: هیچ فرشته ای در آسمانها و زمین نیست مگر آنکه از خداوند می خواهد که به او اجازه دهد تا قبر امام حسین علیه السّلام را زیارت کند؛ و از همین روی، گروهی (از فرشتگان) برای زیارت او به زمین فرود می آیند و گروهی دیگر عروج می کنند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۵۴

(۱) ۴۶- داود رقّی گوید: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: خداوند مخلوقاتی از نظر تعداد افزونتر از فرشتگان نیافریده است، براستی که در هر شامگاه هفتاد هزار فرشته از آسمان فرود می آیند، و آن شب را بر گرد خانه خدا طواف می کنند، و بعد از طلوع فجر به زیارت قبر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روانه می شوند و بر آن حضرت سلام می کنند، و سپس به زیارت قبر امیر المؤمنین علی علیه السّلام می شتابند و بر آن حضرت درود می فرستند، سپس به

زیارت قبر امام حسن علیه السّلام می روند و بر آن جناب سلام می کنند، آنگاه به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام می شتابند و درود خود را نثار او می سازند، و پیش از طلوع آفتاب به آسمان عروج می کنند. آنگاه هفتاد هزار فرشته روز به زمین فرود می آیند و تا ساعتی پیش از غروب آفتاب به طواف خانه خدا مشغول می گردند، سپس به زیارت قبر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می روند و درود خود را نثار او می کنند، سپس به زیارت قبر امیر المؤمنین علی علیه السّلام رفته و بر او درود می فرستند، پس از آن عازم زیارت قبر امام حسن مجتبی علیه السّلام شده و بر او سلام می کنند، سپس به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام نایل می گردند و بر او درود می فرستند، و پیش از آنکه

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۵۵

آفتاب غروب کند به آسمان عروج می کنند.

(۱) ۴۷- اسحاق بن عمّار از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: در فاصله قبر امام حسین علیه السّلام تا آسمان هفتم، محلّ رفت و آمد فرشتگان است.

(۲) ۴۸- حنان بن سدیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: او را زیارت کنید- یعنی قبر امام حسین علیه السّلام- و در حقّ آن حضرت جفا مکنید (زیارت او را ترک نکنید)، زیرا او سالار شهیدان و سرور جوانان بهشت است.

(۳) ۴۹- ربعی بن عبد اللّه می گوید که در مدینه به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: قبور شهدا در کجا قرار دارد؟ فرمود: مگر در نزد شما قبر امام حسین علیه السّلام بزرگترین و

بهترین شـهدا نیست؟! سوگنـد به آن که جـانم در دست (قـدرت) اوست، همانا در اطراف قبر او چهار هزار فرشـته که ژولیـده موی و غبار آلودند و تا روز قیامت بر آن حضرت می گریند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۵۶

(۱) ۵۰- امّ سـعید احمسـیّه می گوید: در خدمت امام صادق علیه السّلام بودم و قبلا شخصـی را فرسـتاده بودم تا چهارپایی را برای زیـارت قبور شـهدا اجاره کنـد، حضـرت فرمود: چه چیزی شـما را از زیارت سالار شـهیدان منع می کنـد؟! عرض کردم: فدای تو گردم! او کیست؟! فرمود: او حسین بن علی علیه السّلام است. عرض کردم: کسی که او را زیارت می کند چه پاداشی دارد؟ فرمود: (ثواب) یـک حـج و یـک عمره، و از خیرات و برکـات چنین و چنان و با دست مبارک خود تا سه فضـیلت را بر شمرد.

(۲) ۵۱- امّ سعید احمسیّه می گوید که: به خدمت امام صادق علیه السّلام شرفیاب شده بودم که کنیز من آمد و گفت: چهارپا را آمـاده کردم. حضـرت فرمود: ای ام سـعید! بگو داسـتان این چهارپـا چیست؟! و می خواهی به کجا بروی؟ عرض کردم: می خواهم به زیارت

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۵۷

قبور شـهدا بروم. فرمود: به من بگو که چرا کار شما مردم عراق این گونه شگفت انگیز شده است که از راههای دور و طولانی به زیارت شـهدا می آیید، ولی زیارت قبر سالار شـهیدان را (که به شـما بسـی نزدیک است) ترک می کنید و به زیارتش نمی روید؟ این زن می گوید که: عرض کردم: سالار شهیدان کیست؟ فرمود: حسین بن علی علیه السّلام، عرض کردم: من یک

زن هستم! فرمود: هیچ باکی بر تو نیست که رفته و او را زیارت کنی. عرض کردم: چه ثوابی از زیارت او نصیب ما می شود؟ فرمود:

(ثواب) زیارت او با (ثواب) یک حج و یک عمره و اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام و روزه آن دو ماه برابری می کند.

(۱) ۵۲- هارون بن خارجه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: حسین بن علی علیه السّلام می فرمود: من کشته گریه ام، با دلی اندوهگین و قلبی سرشار از غم شهید شدم، و شایسته (لطف) خداوند چنان است که هر غم زده ای که به زیارت من می آید، او را شاد و خوشحال به خانواده اش باز گرداند.

ثواب زیارت قبور ائمّه- که درود خدا بر آنان باد-

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۵۸

(۱) ۱- حسن بن علی وشّاء نقل کرده است که از امام رضا علیه السّلام پرسیدم: ثواب کسی که به زیارت قبر یکی از ائمّه برود، چیست؟ فرمود: ثوابش مانند ثواب زیارت قبر امام حسین علیه السّلام است. عرض کردم: کسی که به زیارت حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام برود چه ثوابی دارد؟ فرمود: ثوابش، ثواب کسی است که به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام برود.

(۲) ۲- علیّ بن مهزیار نقل کرده است که به امام جواد علیه السّلام عرض کردم: ثواب کسی که قبر امام رضا علیه السّلام را زیارت کند چیست؟ فرمود: به خدا سوگند ثوابش بهشت خواهد بود.

(۳) ۳- احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی نقل کرده است که: در نامه امام رضا علیه السّلام خواندم: به شیعیان من بگوئید که (ثواب) زیارت من در پیشگاه خداوندی برابر با هزار حج است. راوی می گوید

که: (از روی تعجّب) به حضرت جواد علیه السّلام عرض

کردم: هزار حج؟! فرمود: آری به خدا سوگند، بلکه یک میلیون حج برای کسی که با شناخت حق آن حضرت او را زیارت کند.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که قبر یکی از ما (ائمّه) را زیارت کند، مانند آن است که قبر امام حسین علیه السّلام را زیارت کرده باشد.

ثواب زیارت قبر فاطمه دختر امام موسی بن جعفر علیهم السّلام در قم

(۱) ۱- سعد بن سعد نقل کرده است که از امام رضا علیه السّلام در باره (زیارت قبر) فاطمه دختر حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام پرسیدم، فرمود: کسی که قبر او را زیارت کند، پاداشش بهشت است.

ثواب زیارت قبر عبد العظیم حسنی در شهر ری

(۱) ۱- محمد بن یحیی عطّار از مردی از اهالی شهر ری- که به خدمت حضرت امام هادی علیه السّلام شرفیاب شده بود- نقل کرده است که: به خدمت امام هادی علیه السّلام رسیدم.

حضرت فرمود: کجا بودی؟ عرض کردم: از زیارت قبر امام حسین علیه السّلام بر می گردم.

فرمود: اگر قبر عبد العظیم را- که در نزد شما قرار دارد- زیارت می کردی، براستی مانند کسی بودی که قبر حسین بن علی علیه السّلام را زیارت کرده باشد.

ثواب کسی که توان نیکی کردن به اهل بیت علیهم السّلام و زیارت آنان را ندارد و بجای آنان به دوستان شایسته آنها نیکی کند و آنها را زیارت نماید

(۲) ۱- احمد بن محمد بن عیسی با سندی که خود ذکر کرده است از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که فرمود: هر کس که نمی تواند نسبت به ما اظهار محبت کند، بر اوست که به دوستان صالح ما نیکی و محبت روا دارد؛ و کسی که نمی تواند به زیارت ما بیاید به زیارت دوستان شایسته ما بشتابد که در این صورت ثواب زیارت ما برای او ثبت خواهد شد.

ثواب اظهار محبت و نیکی کردن به امام علیه السّلام

(۱) ۱- اسحاق بن عمّار نقل کرده می گوید: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: معنی آیه شریفه (آیه ۲۴۵ از سوره بقره) «کیست آنکه به خدا وام دهد، وام نیکوئی، پس خداوند آن را برای او چندین برابر کند» چیست؟ فرمود: اظهار محبّت و نیکی کردن به امام است.

*- و به سند دیگر باز از اسحاق بن عمّار همین حدیث روایت شده است.

ثواب اهل قرآن

(۲) ۱- اسماعیل بن ابی زیاد از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: اهل قرآن پس از پیامبران و فرستادگان خدا در بالاترین درجه آدمیان قرار دارند، پس اهل قرآن را کوچک مشمارید و حقوقشان را

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۶۲

اندک نپندارید زیرا در نزد خدا دارای مقامی والا و ارجمند می باشند.

ثواب ختم قرآن در مکّه

(۱) ۱- ابو حمزه از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس قرآن را در مکه یا کمتر یا بیشتر از آن در روز جمعه ختم کند، خداوند ثواب همه نیکیهائی که از اولین جمعه دنیا تا آخرین جمعه آن هست در نامه اعمال او ثبت می فرماید، و چنانچه قرآن را در روزهای دیگر ختم کند، همین پاداش برای او خواهد بود.

ثواب فراگیری قرآن چه به آسانی و چه به سختی

(۲) ۱- صباح بن سیابه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: هر کس قرآن را به سختی یاد بگیرد دو اجر خواهد داشت، و کسی که (فراگیری) قرآن برای او آسان باشد با نیکوکاران (محشور) خواهد بود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۶۳

ثواب جوان با ایمانی که قرآن بخواند

(۱) ۱- منهال قصّاب از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: چون جوان با ایمانی قرآن را تلاوت کند، قرآن با گوشت و خون او بیامیزد و خداوند او را با فرشتگانی که سفیر حضرت حقّند و بزرگوار و نیکوکارند همراه کند، و قرآن در روز قیامت از رفتن او در آتش جهنّم جلوگیری می کند و می گوید: پروردگارا! هر خدمتکاری بجز خادم من دستمزد خویش را گرفته است، پس گرامیترین بخششهای خود را بر او ارزانی دار، پس خداوند دو جامه از جامه های بهشتی بر اندام او می پوشاند، و تاج کرامت بر سر او نهاده می شد، آنگاه به قرآن خطاب می شود که: آیا تو را به خاطر این جوان خشنود ساختیم؟ و قرآن در پاسخ می گوید: پروردگارا! من بیش از این (از رحمت

تو) در باره او آرزو داشتم، پس امان نامه ای را به دست راست، و منشور جاودانگی او در بهشت در دست چپ او قرار می دهند، وارد بهشت می شود و به او گفته می شود: بخوان و یک درجه بالا برو، و به قرآن خطاب می شود: آیا او را به پاداشی که می خواستی نواختیم، و تو را از این موهبت خشنود ساختیم؟ قرآن در پاسخ می گوید: آری ای خداوندگار من! امام علیه السّلام فرمود: کسی

که آن را زیاد بخواند، و علیرغم سختیهایی که دارد (قرآن) را به خاطر بسپارد، خداوند دو بار این پاداش را به او عنایت فرماید.

ثواب کسی که قرآن را در حال ایستاده و نشسته در نماز تلاوت کند، و کسی که در غیر از نماز تلاوت کند

(۱) ۱- عبد اللّه بن سلیمان از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس قرآن را به حالت ایستاده در نماز بخواند، خداوند به هر حرفی از آن صد حسنه برای او می نویسد؛ و هر کس آن را در حال نشسته در نماز بخواند خداوند به ازای هر حرفی پنجاه حسنه برای او ثبت می فرماید؛ و هر کس قرآن را خارج از نماز بخواند،

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۶۵

خداوند به ازای هر حرف آن ده حسنه برای او می نگارد.

ثواب تلاوت صد تا پانصد آیه قرآن در نماز شب

(۱) ۱- اسحاق بن عمّار از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس صد آیه قرآن به هنگام نماز شب بخواند، خداوند ثواب عبادت تمامی آن شب را به او کرامت کند؛ و هر کس دویست آیه از قرآن را در غیر نماز شب بخواند، خداوند قنطاری از حسنات در لوح (به نام او) ثبت خواهد کرد، که هر قنطار یک هزار و دویست اوقیه، و هر اوقیه بزرگتر از کوه احد است.

ثواب حافظ و عامل به قرآن

(۲) ۱- فضیل بن یسار از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: حافظ قرآن و عمل کننده به آن، همنشین با فرشتگان کرام و شایسته حضرت حق می شود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۶۶

ثواب آن که با زحمت بکوشد تا قرآن را به خاطر بسپارد و آن که پیش از خواب یک سوره از قرآن را بخواند

(۱) ۱- فضیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: کسی که می کوشد تا قرآن را با زحمت بسیار حفظ کند، دارای دو پاداش است، و فرمود: چه چیزی مانع می شود تا بازرگانی که در بازار مشغول به تجارت است، پس از مراجعت به خانه و پیش از خواب سوره ای از قرآن بخواند، تا به ازای هر آیه ای که تلاوت می کند ده حسنه برای او ثبت و ده گناه از او پاک گردد؟!

ثواب کسی که قرآن را از اول تا به آخر تلاوت کند

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۶۷

(۱) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم سؤال شد:

کدامیک از مردان بهترند؟ فرمود: آن که چون فرود آید، کوچ کند. سؤال شد: ای رسول خدا! او کیست؟ فرمود: آن کسی که چون از اول قرآن شروع به تلاوت می کند آن را تا به پایان رساند و ختم کند، خواسته چنین شخصی حتما در نزد خداوند مستجاب است.

ثواب تلاوت کننده قرآن

(۲) ۱- معاویه بن عمّار از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس قرآن را بخواند، بی نیاز گردد، و پس از آن دیگر نیازی پیدا نمی کند (و اگر قرآن چنین نکند) هیچ چیز دیگر او را بی نیاز نخواهد کرد.

ثواب تلاوت قرآن از روی آن

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۶۸

(۱) ۱- یعقوب بن یزید، از مردی عامی- بدون ذکر نام سایر راویان پیش از خود- از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس قرآن را از رو بخواند، از چشم خویش بهره مند خواهد شد و عذاب پدر و مادر او را تخفیف می دهند اگر چه کافر باشند.

(۲) ۲- و به همین سند، بدون ذکر نام راویان، از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت شده است که فرمود: (تحمل) هیچ چیزی بر شیطان دشوارتر از تلاوت قرآن از روی آن نیست.

ابن بابویه، محمد بن علی - مجاهدی، محمد علی، پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ۱جلد، انتشارات سرور - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۱ش. پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال ؛ ؛ ص۲۶۸

ثواب بودن قرآن در خانه

(۳) ۱- حمّاد بن عیسی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش نقل کرده است که فرمود: من دوست دارم که در خانه قرآن باشد، زیرا خداوند بوسیله آن شیطان را می راند.

ثواب تلاوت ده تا هزار آیه در یک شب

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۶۹

(۱) ۱- سعد بن طریف از امام محمد باقر علیه السّلام، و آن حضرت از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: هر کس در یک شب ده آیه از قرآن را بخواند در شمار غافلان درنیاید؛ و اگر پنجاه آیه آن را بخواند، در

گروه ذاکران به حساب آید؛ و اگر صد آیه بخواند از زمره عابدان (یا نمازگزاران) محسوب گردد؛ و اگر دویست آیه را تلاوت کند، از گروه خداترسان باشد؛ و اگر سیصد آیه را بخواند، در ردیف رستگاران قرار گیرد؛ و اگر پانصد آیه را تلاوت کند، از جمله مجتهدان محسوب می شود؛ و اگر هزار آیه بخواند، ثواب انفاق پانصد هزار مثقال طلا (قنطار) که هر مثقالی معادل بیست و چهار قیراط و هر قیراطی- که کوچکترین آن به اندازه کوه احد و بزرگترین آن به مقدار آنچه ما بین زمین و آسمان است- در نامه اعمال او ثبت می گردد.

ثواب ماه مبارک رمضان، بهار قرآن

(۲) ۱- جابر از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر چیزی بهاری دارد، و

بهار قرآن، ماه رمضان است.

ثواب تلاوت یک صد آیه از قرآن و سپس هفت بار «یا اللّٰه» گفتن

(۱) ۱- علیّ بن اسباط بدون آنکه نام راویان پیش از خود را ذکر کند از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس صد آیه از قرآن بخواند- از هر جای قرآن که خودش بخواهد- و سپس هفت بار «یا اللّٰه» بگوید، اگر بخواهد که صخره ای را از جای خود برکند به خواست خدا از جای خواهد کند.

ثواب تلاوت سوره حمد

(۲) ۱- حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی از پدرش نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: اسم اعظم خداوندی در امّ الکتاب (سوره حمد) است.

ثواب تلاوت سوره بقره و آل عمران

(۱) ۱- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس سوره بقره و آل عمران را بخواند، این دو سوره در روز قیامت مانند دو قطعه ابر یا دو سایبان بر او سایه می افکنند.

ثواب خواندن چهار آیه از اول سوره بقره، و آیه الکرسی و دو آیه بعد از آن، و سه آیه آخر همان سوره

(۲) ۱- عمرو بن جمیع بدون ذکر نام راویان پیش از خود از امام زین العابدین علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که چهار آیه از اول سوره بقره، و آیه الکرسی را با دو آیه پس از آن، و سه آیه پایانی آن سوره را (با هم) تلاوت کند هیچ

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۷۲

گزندی به جان و مال او نمی رسد، و شیطان به او نزدیک نمی شود، و قرآن را از یاد نمی برد.

ثواب تلاوت آیه الکرسی به هنگام خواب و بعد از هر نماز

(۱) ۱- ابراهیم بن مهزم از قول مردی روایت کرده است که امام رضا علیه السّلام می فرمود: کسی که به هنگام خواب، آیه الکرسی را بخواند، به خواست خدا به بیماری فلج مبتلا نمی شود، و کسی که این سوره را در تعقیبات هر نماز بخواند، هیچ گزنده ای به او آسیب نمی رساند.

ثواب تلاوت سوره نساء در هر جمعه

(۲) ۱- زرّ بن حبیش از امیر المؤمنین علی علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که سوره نساء را در هر جمعه بخواند، از فشار قبر در امان خواهد بود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۷۳

ثواب تلاوت سوره مائده

(۱) ۱- ابو الجارود از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که سوره مائده را در هر پنجشنبه تلاوت کند ایمانش به ظلم آلوده نمی گردد، و هرگز شرک نخواهد ورزید.

ثواب تلاوت سوره انعام

(۲) ۱- ابو صالح از ابن عباس نقل کرده است که: اگر کسی سوره انعام را در هر شب تلاوت کند در روز قیامت از زمره کسانی باشد که در امانند، و هرگز آتش جهنّم را به چشم نخواهد دید.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۷۴

و امام صادق علیه السّلام می فرمود: تمام سوره انعام در یک مرتبه نازل شد، و هفتاد هزار فرشته آن را بدرقه کردند تا آنکه بر محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرود آمد، پس آن را بزرگ و گرامی بدارید، چرا که اسم خداوند در هفتاد جای این سوره آمده است، و اگر مردم می دانستند که چه ها در آن نهفته شده است، هرگز (تلاوت) آن را ترک نخواهند کرد.

ثواب تلاوت سوره اعراف در هر ماه

(۱) ۱- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس سوره اعراف را در هر ماه تلاوت کند، در روز قیامت از جمله کسانی خواهد بود که خوفی بر ایشان نیست و محزون نخواهند بود، و اگر در هر جمعه آن را بخواند از کسانی خواهد بود که در روز قیامت بر آنان حسابی نیست، و همانا که در این سوره یکی از محکمات قرار دارد پس تلاوت

آن را ترک مکنید، زیرا در روز قیامت برای هر کس که آن را تلاوت می کند، شهادت خواهد داد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۷۵

ثواب تلاوت سوره انفال و سوره توبه

(۱) ۱- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس سوره انفال و سوره برائت را در هر ماه بخواند، هرگز در دل او نفاق راه نیابد و از شیعیان امیر المؤمنین علیه السّلام بشمار آید.

ثواب تلاوت سوره یونس

(۲) ۱- فضیل رسّان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس سوره یونس را در هر دو یا سه ماه تلاوت کند، بیم آن را نخواهد داشت که مبادا از گروه نادانان باشد، و در روز قیامت از مقرّبان درگاه ربوبی خواهد بود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۷۶

ثواب تلاوت سوره هود

(۱) ۱- فروه بن آجری از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس سوره هود را در هر جمعه بخواند، خداوند متعال در روز قیامت در گروه پیامبران محشورش می کند، و در آن روز گناهی بر او دیده نخواهد شد (گناهان او آمرزیده شده است).

ثواب تلاوت سوره یوسف

(۲) ۱- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس سوره یوسف را در هر روز یا هر شب بخواند، خداوند متعال او را در روز قیامت به زیبائی حضرت یوسف علیه السّلام بر می انگیزد، و او را هراس روز قیامت بر نمی گیرد، و از جمله بندگان نیکوکار خدا خواهد بود. و نیز فرمود: این سوره در تورات هم آمده است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۷۷

ثواب تلاوت سوره رعد

(۱) ۱- حسین بن ابی العلاء از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس سوره رعد را بسیار بخواند، خداوند هرگز او را به صاعقه هلاک نمی سازد هر چند که از دشمنان اهل بیت عصمت و طهارت باشد، و اگر مؤمن باشد (به خدا و رسول و امامت اهل بیت ایمان داشته باشد) خداوند او را بدون حساب وارد بهشت می کند، و شفاعت او در باره همه افراد خاندان و برادران (ایمانیش) پذیرفته می شود.

ثواب تلاوت سوره ابراهیم و حجر

(۲) ۱- عنبسه بن مصعب از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس سوره ابراهیم و حجر را در هر هفته در رکعتهای اول و دوم نماز بخواند، هرگز گرفتار تنگدستی و دیوانگی و مصیبت نمی شود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۷۸

ثواب تلاوت سوره نحل

(۱) ۱- محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس سوره نحل را در هر ماه تلاوت کند، از قرض در این دنیا و هفتاد نوع بلا- که سبکترین آنها دیوانگی و جذام و پیسی می باشد در امان خواهد بود، و در بهشت عدن- که جایگاه میانی بهشت است- مقام خواهد گزید.

ثواب تلاوت سوره بنی اسرائیل

(۲) ۱- حسین بن ابی العلاء از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند، نمی میرد تا آنکه زمان قائم آل محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را درک کند و از یاران او بشود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۷۹

ثواب تلاوت سوره کهف

(۱) ۱- عیسی بن عبد اللَّه، از پدرش، از جدّش، از امیر المؤمنین علی علیه السّلام روایت کرده است که می فرمود: هیچ بنده ای نیست که آیه قُلْ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ ... (آیه ۱۱۰ از سوره کهف) تا آخر سوره کهف را بخواند مگر اینکه نوری از بستر او تا بیت اللَّه الحرام ساطع می گردد، و اگر خود از اهل بیت اللَّه الحرام باشد، برای او نوری است که شعاعش تا بیت المقدس می رسد.

(۲) ۲- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کند که فرمود: هر کس سوره کهف را در هر شب جمعه بخواند، نمی میرد مگر (آنکه) شهید (به حساب آید)، و خداوند او را با شهدا بر می انگیزد، و روز قیامت در صف شهدا خواهد ایستاد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۸۰

ثواب تلاوت سوره مریم

(۱) ۱- عمر بن ابان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس بر خواندن سوره مریم مداومت کند، نمی میرد مگر آنکه به چیزی که او را در (حفظ) جان و مال و فرزندانش (از دیگران) بی نیاز گرداند، برسد، و در آخرت از یاران عیسی بن مریم علیه السّلام بشمار آید، و در آن روز سلطنتی همانند سلطنت سلیمان بن داود علیهما السّلام- در دنیا- به او داده می شود.

ثواب تلاوت سوره طه

(۲) ۱- اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: تلاوت سوره طه را ترک مکنید، زیرا خداوند آن را دوست می دارد، و کسی را که آن را تلاوت کند

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۸۱

دوست خواهد داشت، و کسی که بر خواندن آن مداومت کند خداوند در روز قیامت نامه اعمال او را در دست راستش قرار می دهد، و او را در مورد آنچه که در زمان مسلمانی خود انجام داده است مورد محاسبه قرار نمی دهد، و در آخرت آنقدر به او پاداش عنایت می شود تا خشنود گردد.

ثواب تلاوت سوره انبیاء

(۱) ۱- فضیل رسّان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس سوره انبیاء را از روی علاقه و رغبت بخواند، مانند کسی خواهد بود که (در بهشت) با همه پیامبران در «جنات النعیم» همدم و همنشین است، و تا زمان حیات با هیبت و شکوه در نظر مردم جلوه می کند.

ثواب تلاوت سوره حج

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۸۲

(۱) ۱- سوره از قول پدرش، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که در هر سه روز یک بار سوره حج را بخواند، پیش از آنکه سال بر او بگذرد به حج بیت اللّه الحرام نایل می آید، و چنانچه در سفر حج از دنیا برود وارد بهشت می شود. راوی می گوید: عرض کردم! اگر این شخص از مخالفان (سنّی مذهب) باشد چطور؟

فرمود: در عذاب او تخفیف داده می شود.

ثواب تلاوت سوره مؤمنون

(۲) ۱- حسین بن ابی العلاء روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که سوره مؤمنون را تلاوت کند، خداوند عمر او را با سعادت و نیکبختی به پایان خواهد برد، و چنانچه به خواندن آن در روزهای جمعه مداومت کند جایگاه او در فردوس اعلا در جوار پیامبران و فرستادگان الهی خواهد بود و با آنان همنشین گردد.

ثواب تلاوت سوره نور

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۸۳

(۱) ۱- ابن مسکان روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: اموال و دامن و زنان خود را با تلاوت سوره نور حفظ

کنید، زیرا کسی که در هر روز یا هر شب آن را بخواند و تا به هنگام مرگ بر آن مداومت کند هیچ یک از افراد خانواده اش به اعمال منافی عفّت (زنا) دچار نمی گردد، و پس از مرگ هفتاد هزار فرشته او را تا قبر تشییع کرده، و همه آنها (از درگاه الهی) برای او طلب آمرزش می کنند تا او را وارد قبر سازند.

ثواب تلاوت سوره فرقان

(۲) ۱- اسحاق بن عمّار روایت کرده است که حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام فرمود: ای فرزند عمارا خواندن سوره تَبارَكَ الَّذِی نَزَّلَ الْفُرْقانَ عَلی عَبْدِهِ (مبارک است خداوندی که قرآن را بر بنده خود «رسول خدا» نازل کرده است) را ترک مکن! زیرا کسی که شبها بر تلاوت آن مداومت کند خداوند هرگز او را عذاب نمی کند، و مورد محاسبه قرار نمی دهد، و منزلش در فردوس اعلا خواهد بود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۸۴

ثواب تلاوت سه سوره طواسین (سوره های شعرا و نمل و قصص)

(۱) ۱- ابو بصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس سه سوره «طس» را در شب جمعه تلاوت کند از اولیای الهی و در جوار خداوند و حفظ او خواهد بود، و هرگز در دنیا روی رنج و سختی را نخواهد دید، و در آخرت از بهشت آنقدر به او کرامت کنند تا راضی شود بلکه بالاتر از آنچه که رضای اوست (به او عنایت نمایند)، و خداوند صد همسر از حوران بهشتی را نصیب او خواهد کرد.

ثواب تلاوت سوره عنکبوت و روم

(۲) ۱- ابو بصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام می فرمود: کسی که سوره عنکبوت و روم را در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان تلاوت کند، به خدا سوگند ای

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۸۵

ابا محمد که او اهل بهشت است و هرگز از این حکم کسی را استثنا نمی کنم، و بیمی از آن ندارم که خداوند به خاطر این سوگند، گناهی در نامه اعمال من ثبت کند! و بدرستی که قدر و منزلت این دو سوره در نزد خداوند، والاست «۱».

ثواب تلاوت سوره لقمان

(۱) ۱- عمرو بن جبیر عرزمی روایت کرده است که پدر او از امام محمد باقر علیه السّلام شنیده است که فرمود: کسی که سوره لقمان را در هر شب تلاوت کند، خداوند در آن شب فرشتگانی بر او می گمارد که او را تا به صبح از شرّ ابلیس و دستیارانش محافظت کنند، و اگر این سوره را در روز تلاوت نماید، همان فرشتگان او را تا شامگاهان از شرّ شیطان و دستیارانش بدور نگاه دارند.

(۱) فراز پایانی روایت چندان به کلام معصوم علیهم السّلام نمی ماند چرا که بوی تجرّی از آن به مشام می رسد و این شاید به خاطر سهل انگاری در ضبط کلام معصوم علیه السّلام باشد، و چون در سلسله راویان، روایت حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی- که از واقفیه است- قرار دارد مورد اعتماد بزرگان نیست.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۸۶

ثواب تلاوت سوره سجده

(۱) ۱- حسین بن ابی العلاء نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که هفته ای یک بار سوره سجده را تلاوت کند، خداوند نامه اعمال او را در دست راستش می دهد، و او را مورد محاسبه قرار نمی دهد، و از همراهان و همنشینان رسول خدا و خاندانش که درود خدا بر آنها باد، خواهد بود.

ثواب تلاوت سوره احزاب

(۲) ۱- عبد اللَّه بن سنان نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که سوره احزاب را بسیار تلاوت کند، روز قیامت در جوار رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و همسرانش خواهد بود،

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۸۷

سپس فرمود: سوره احزاب، رسوائیهای زنان و مردان قریش را بازگو می کند.

ای پسر سنان! براستی که سوره احزاب، زنان قریش را- که از نژاد عرب بودند- رسوا کرد، و این سوره از سوره بقره طولانی تر بود ولی از آن کاستند و آن را تحریف کردند «۱».

---

(۱) همان طور که قبلا بارها یاد آور شدیم حسن بن علیّ بن ابی حمزه بطائنی- که راوی اکثر روایات مربوط به ثواب تلاوت سوره های قرآنی است- او و پدرش از بزرگان فرقه واقفیه اند و بر این باور بوده اند که امام موسی بن جعفر علیه السّلام آخرین امام بر حق است و عقیده داشتند که او زنده است و مهدی منتظر (عج) کسی جز او نیست!! نوشته اند هنگامی که امام موسی بن جعفر علیه السّلام در زندان هارون بسر می برد، اموال فراوانی از وجوهات از قبیل خمس و غیره بعنوان وکلای امام در اختیار عدّه ای از جمله علی بن ابی حمزه بطائنی بود

که بالغ بر هزاران دینار می شد و پس از شهادت امام علیه السّلام بایستی در اختیار حضرت علی بن موسی الرّضا علیه السّلام قرار می گرفت ولی آزمندی به مال دنیا موجب شد تا امامت آن حضرت را منکر شوند و آن اموال را بناحق تصاحب کنند، بزرگان ما آنان را امین و مورد اعتماد نمی شناسند و گفته های آنان را مطابق با واقع نمی دانند. در فراز پایانی همین روایت مطلبی وجود دارد که بر تحریف قرآن صحه می گذارد! در حالی که قرآن تنها کتاب آسمانی است که از تحریف بدور مانده است زیرا خداوند تبارک و تعالی خود را حافظ آن معرّفی فرموده است إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُونَ، لذا باید در این گونه روایات به دیده تردید نگریست و بر آنها اعتماد نکرد.

سؤالی که در اینجا قابل طرح است این است که چرا این گونه روایات در کتب بزرگان شیعه راه یافته است و تکلیف کسانی که از روی اعتماد به این بزرگان و آثار آنان، به این گونه روایات که اغلب متضمن ثواب تلاوت سوره های قرآنی است عمل کرده و می کنند چیست؟! پاسخ این است که ذکر هر روایتی در آثار بزرگان دلیل بر درست بودن آن نیست و به همین دلیل، سلسله راویان احادیث و روایات را هم ذکر می کنند تا کسانی که در علم رجال دستی دارند نسبت به درستی یا نادرستی این قبیل روایات کنکاش کنند؛ و تکلیف کسانی که از روی اعتماد به این قبیل روایات عمل می کنند، مشخص است، زیرا بر طبق (قاعده تسامح) در (اخبار من بلغ) اگر کسی به امید ثوابهائی که برای تلاوت

سوره های قرآنی در این قبیل روایات ذکر شده است، این سوره ها را تلاوت کند، ان شاء اللّٰه خداوند رحیم و بخشاینده، آن ثوابها را به او عنایت خواهد فرمود چرا که رحمت حضرت حق بی منتهاست و بر اساس (الاعمال بالنّیات) خداوند به نیّت کسی که قرآن را تلاوت می کند، می نگرد و چنانچه در آن غشی نبیند، او را از ثواب محروم نمی کند، ولی هر کلامی را نمی توان به معصوم علیه السّلام نسبت داد و بایستی در این موارد بسیار دقیق بود زیرا خدای ناخواسته ممکن است همین مسامحه ها اسباب شقاوت آدمی را فراهم سازد، اهمیّت این مسأله به حدّی است که اگر کسی در ماه رمضان مطلب نادرستی را به یکی از معصومین علیهم السّلام نسبت دهد، روزه او باطل می شود و مستحقّ کیفر است.

تو خود حدیث مفصّل بخوان از این مجمل!

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۸۸

ثواب تلاوت سوره سبأ و سوره فاطر

(۱) ۱- ابن اذینه نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس دو سوره سبأ و فاطر را که با کلمه حمد آغاز می شوند- به هنگام شب تلاوت کند تمام آن شب را در پناه و امان خداوندی بسر خواهد برد، و چنانچه این دو سوره را در روز بخواند، در آن روز به هیچ چیز ناگوار و ناپسندی گرفتار نخواهد شد، و آنقدر از خیر دنیا و آخرت به او عنایت می شود که هرگز بر دلش خطور نکرده، و (حتّی) تصوّر آن را (هم) نمی کرده است.

ثواب تلاوت سوره یس

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۸۹

(۱) ۱- ابو بصیر نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام می فرمود: هر چیزی قلبی دارد، و قلب قرآن سوره یاسین است، هر کس آن را پیش از خواب و یا در روز پیش از فرا رسیدن شب تلاوت کند، در آن روز از گروهی که در پناه خداوند و روزی آنان مقرر شده است خواهد بود، و اگر کسی شب هنگام پیش از آنکه بخوابد تلاوت کند، خداوند (برای مراقبت از او) هزار فرشته می گمارد تا او را از شرّ هر شیطان رانده

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۹۰

شده و از هر آسیبی مصون بدارند، و اگر در همان روز بمیرد، خداوند او را به پاداش این عمل (تلاوت سوره یاسین) وارد بهشت می کند، و به هنگام غسل، سی هزار فرشته (بر جنازه او) حاضر می شوند و همه برای او طلب آمرزش می کنند، و با حال استغفار او را تا قبر بدرقه می کنند، و هنگامی که به خاک سپرده

شد، آن فرشتگان در درون قبر او خدا را عبادت می کنند و ثواب آن را به او می دهند، و (خانه تنگ) قبر او تا آنجا که چشم او کار می کند گشاده می گردد، و از فشار قبر ایمن می شود، و همواره تا به حشر نوری از گور او تا آسمان می تابد.

و به هنگامی که خدا او را از قبر برانگیزد، فرشتگان با اویند و او را بدرقه می کنند و به رویش لبخند می زنند و او را به خیر و نیکی بشارت می دهند تا او را از صراط و میزان بگذرانند و او را در جایگاهی قرار دهند که هیچ مخلوقی (جز کرّوبیان و پیامبران الهی) آن مقام و منزلت را نشاید، و او با پیامبران الهی در پیشگاه خداوند می ایستد، و با غمگساران غم نمی خورد، و با اندوهگینان به اندوه نمی نشیند، و با زاری زاری کنندگان زاری نمی کند. آنگاه پروردگار تبارک و تعالی به او می گوید: ای بنده من! شفاعت کن، که من شفاعت تو را در باره هر کس که خواهی می پذیرم، و ای بنده من! از من بخواه، که هر چه خواهی تو را خواهم داد، پس حاجت خود را از خدا می طلبد و حاجتش برآورده می شود، و شفاعت می کند و شفاعت او پذیرفته می شود، و مانند دیگران به حساب او نمی رسند، و مانند دیگران او را توقیف و بازداشت نمی کنند، و چون خوارشدگان زبون و خوار نمی گردد، و مکافات گناهان و اعمال ناپسندی که انجام داده است دامنگیر او نمی شود، و نامه سر گشاده ای به او داده

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۹۱

می شود تا از درگاه خدا فرود آید، و

همه مردم (با دیدن او) تمام مردم از روی تعجّب (به هم) می گویند: خدا پاک و منزّه است! این بنده حتّی یک گناه هم ندارد، و از همدمان و همراهان محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم (رسول خدا) خواهد بود.

(۱) ۲- جابر جعفی از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کسی که در عمر خود یک بار سوره یاسین را بخواند، خداوند به شماره هر آفریده ای در دنیا و در آخرت و آنچه در آسمان است دو میلیون حسنه نوشته و به همین اندازه از گناهانش پاک می کند، و دچار تنگدستی و بدهکاری و خانه خرابی و رنج و دیوانگی نشود و جذام و وسواس و (سایر) بیماریهای زیان آور مبتلا نمی گردد، و خداوند دشواری مرگ را بر وی آسان می کند، و خود کار قبض روحش را به عهده می گیرد، و در زمره کسانی خواهد بود که خداوند متعال گشایش روزی و شادمانی او به هنگام مرگ و اسباب خشنودی به پاداشهای اخروی او را تضمین کرده است، و آنگاه خداوند متعال به تمام فرشتگان خود در آسمانها و زمین خطاب می کند که: من از این بنده خود راضی شدم، شما هم برای او طلب آمرزش کنید.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۹۲

ثواب تلاوت سوره صافات

(۱) ۱- حسین بن ابی العلاء از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس سوره صافات را در هر روز جمعه بخواند، پیوسته از هر آسیبی در امان می باشد و گرفتاریهای دنیوی از او دور می شوند، و در دنیا از گشایش و افزونی روزی بهره مند می گردد، و

خداوند او را از جهت مال و فرزند و بدن دچار شرّ شیطان رانده شده و یا ستمگر بدخو نمی کند، و چنانچه در همان روز یا در همان شب بمیرد، خداوند او را شهید برانگیزد و شهید بمیراند و او را با شهیدان در یک درجه و مقام در بهشت جا می دهد.

ثواب تلاوت سوره ص

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۹۳

(۱) ۱- جبیر عرزمی از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است: هر کس در شب جمعه سوره ص را تلاوت کند، به قدری از خیر دنیا و آخرت به او کرامت کنند که جز به پیامبری مرسل و یا فرشته ای مقرّب به دیگری داده نمی شود، و خداوند او را و هر کس از افراد خاندانش را- که دوست داشته باشد- وارد بهشت می کند، حتّی خدمتکاری را که پرستاری او را بر عهده داشته است گر چه از افراد خانواده اش یا از کسانی که حقّ شفاعت در مورد آنان داشته است نباشد.

ثواب تلاوت سوره زمر

(۲) ۱- هارون بن خارجه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس سوره زمر را تلاوت کند و آن را آسان قرائت کند، خداوند شرف دنیا و آخرت را به او

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۹۴

کرامت فرماید، و او را بدون مال و منال و خویشان و وابستگان عزیز می گرداند، به طوری که هر که او را ببیند بزرگش می دارد و احترامش می گذارد، و خداوند بدن او را بر آتش جهنّم حرام می کند، و در بهشت هزار شهر برای او می سازد، که هر شهری هزار کاخ، و در هر کاخی یک صد حوریه است، و علاوه بر آن برای او دو چشمه روان و دو چشمه جوشان و دو چشمه ای که از شدّت زلالی و صاف بودن آب آنها به سیاهی می زند، و حورانی پرده نشین، و باغهائی که دارای اقسام نعمتها و درختها و میوه هاست و از هر میوه ای دو نوع.

ثواب تلاوت سوره مؤمن

(۱) ۱- ابو الصباح کنانی روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: اگر کسی هر شب سوره حم مؤمن را تلاوت کند، خداوند تمام گناهانش را خواهد آمرزید، و او را با تقوا گرداند، و آخرت را برای او بهتر (و راحت تر) از دنیا قرار دهد.

ثواب تلاوت سوره سجده

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۹۵

(۱) ۱- ذریح محاربی روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس سوره حم سجده را بخواند، در روز قیامت

برای او نوری می شود که شعاع آن- تا جایی که چشم می بیند- امتداد می یابد، و همچنین مایه خوشحالی و شادمانی او در آن روز می شود، و در این دنیا طرز زندگانی او مورد ستایش و غبطه دیگران قرار می گیرد.

ثواب خواندن سوره حم عسق (شوری)

(۲) ۱- سیف بن عمیره روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که بر تلاوت سوره حم عسق (سوره شوری) مداومت کند خداوند در روز قیامت او را با سیمائی همچون برف (سفید) یا آفتاب فروزان برمی انگیزد تا در پیشگاه خداوند متعال بایستد و خداوند او را مورد خطاب قرار می دهد که: ای بنده من! بر تلاوت سوره حم عسق مداومت کردی در حالی که از ثواب آن بی خبر بودی! اگر می دانستی که این

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۹۶

(سوره) چه سوره ای است و ثواب تلاوت آن چه اندازه است از خواندن آن خسته نمی شدی، و من اینک تو را از پاداش و اجری که داری آگاه می سازم، آنگاه فرمان می راند که او را وارد بهشت کنید، و در بهشت کاخی از یاقوت سرخ از آن اوست که درها و ایوانها و پلّه های آن همه از همان یاقوت سرخ است، و درون آن از بیرون آن پیدا، و بیرون آن از درون آن هویداست؛ و برای او در آن کاخ هزار کنیز زن و هزار غلام نوجوان که جاودانه در آن قصر (در خدمت او) باشند،

همانها که خداوند متعال (در قرآن) آنان را وصف کرده است.

ثواب تلاوت سوره زخرف

(۱) ۱- ابو بصیر روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: کسی که بر تلاوت سوره حم زخرف مداومت کند، خداوند او را از گزند حشرات زمین، و فشار قبر در امان دارد تا هنگامی که در پیشگاه خداوند بایستد، آنگاه آن سوره می آید و به ستور خداوند او را وارد بهشت می کند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۹۷

ثواب تلاوت سوره دخان

(۱) ۱- ابو حمزه روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: هر کس سوره دخان را در نمازهای واجب و مستحب خود تلاوت کند، خداوند در روز قیامت او را با امان یافتگان (از عذاب جهنّم) بر می انگیزد، و در سایه عرش خود جای می دهد، و کار حساب او را بر او آسان می گیرد، و نامه عملش را در دست راستش قرار می دهد.

ثواب تلاوت سوره جاثیه

(۲) ۱- ابو بصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: ثواب کسی که سوره جاثیه را تلاوت کند این است که هرگز آتش جهنّم را نمی بیند، و صدای (هراسناک) آن را نمی شنود، و با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم محشور می شود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۹۸

ثواب تلاوت سوره احقاف

(۱) ۱- عبد اللّه بن ابی یعفور روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس در هر شب یا در هر هفته سوره احقاف را تلاوت کند، خداوند او را در دنیا مبتلا به ترس و وحشت نکند، و به خواست خدا از دلهره و تشویش روز قیامت در امان خواهد بود.

ثواب تلاوت سوره هائی که با «حم» آغاز می شود

(۲) ۱- ابو بصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: سوره هائی که با حم آغاز می شود (به منزله) گلهای خوشبوی قرآن هستند، پس هر زمان که آنها را تلاوت

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۲۹۹

کردید، خدا را بسیار حمد و سپاس بگوئید به خاطر توفیقی که در تلاوت آنها داشته اید، و چون بنده ای این سوره ها را

تلاوت می کند از دهانش چیزی خوشبوتر و پاکیزه تر از مشک ناب و عنبر بیرون می آید، و براستی که خداوند تلاوت کننده آن سوره ها را و همسایه و دوستان و آشنایان و تمام خویشان و افراد نزدیک به او را مورد رحمت خود قرار می دهد، و در روز قیامت عرش و کرسی و فرشتگان مقرّب خداوند برای او طلب آمرزش می کنند.

ثواب تلاوت سوره محمد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم

(۱) ۱- ابو بصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس سوره «الّذین کفروا» را بخواند، هرگز شک و تردید در دلش راه نمی یابد، و هیچ گاه به دینش مردّد و دو دل نخواهد شد، و خداوند هیچ وقت او را به تنگدستی و ترس از سلطان (ستمگر زمان) مبتلا نمی کند، و تا هنگام مرگ از شک و کفر در امان خواهد ماند، و چون از دنیا برود خداوند هزار فرشته را بر قبر او می گمارد تا برای او نماز بجای آورند و

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۰۰

ثواب نمازشان برای او باشد، و (هنگامی که در صور می دمند) با او همراه می شوند تا او را در پیشگاه خداوند متعال در جایگاه ایمنان (از آتش دوزخ) جای دهند، و (از آن پس) در امان خداوند

و امان رسول خدا محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم خواهد بود.

ثواب تلاوت سوره فتح

(۱) ۱- عبد اللَّه بن بکیر از قول پدرش نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: اموال و زنان و بردگان خود را با خواندن سوره فتح (انّا فتحنا) از نابودی حفظ کنید، زیرا اگر کسی بر تلاوت این سوره مداومت کند، در روز قیامت از سوی خداوند مورد خطاب قرار می گیرد به طوری که همه مردم بشنوند که: تو از بندگان خاص و با اخلاص منی (و به فرشتگان فرمان می رسد) او را به بندگان شایسته من ملحق کنید و در جنّات النّعیم (بهشت جاوید) جای دهید و از شربت ناب سر به مهری که با کافور بهشتی در آمیخته است، سیرابش سازید.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۰۱

ثواب تلاوت سوره حجرات

(۱) ۱- حسین بن ابی العلاء روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس سوره حجرات را در هر شب و یا در هر روز تلاوت کند، از زائران رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم خواهد بود.

ثواب تلاوت سوره ق

(۲) ۱- ابو حمزه ثمالی روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: هر کس سوره ق را در نمازهای واجب و مستحب خود بطور دائم بخواند، خداوند روزی او را وسعت می بخشد، و نامه اعمال او را در دست راستش قرار می دهد، و حساب او را آسان می کند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۰۲

ثواب تلاوت سوره ذاریات

(۱) ۱- داود بن فرقد روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس سوره «و الذّاریات» را در روز یا به هنگام شب تلاوت کند خداوند به وضع معاش او سامان می دهد، و بر روزی او وسعت می بخشد، و (خانه تاریک) قبر او را با چراغی- که تا روز قیامت می درخشد- روشن و منوّر می سازد.

ثواب تلاوت سوره طور

(۲) ۱- محمد بن مسلّم روایت کرده است که امام باقر و امام صادق علیهما السّلام فرمودند: هر کس سوره «و الطّور» را تلاوت کند خداوند خیر دنیا و آخرت را به او عطا می کند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۰۳

ثواب تلاوت سوره «و النّجم»

(۱) ۱- یزید بن خلیفه روایت کرده که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس در هر روز یا هر شب بر تلاوت سوره «و النجم» مداومت کند، در میان مردم با ستایش آنها زندگی کرده، و گناهانش آمرزیده خواهد شد، و مورد محبت مردم قرار خواهد گرفت.

ثواب تلاوت خواندن سوره اقتربت (سوره قمر)

(۲) ۱- یزید بن خلیفه روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس سوره «اقتربت السّاعه» را بخواند، خداوند او را در روز قیامت در حالی که بر یکی از شتران بهشت سوار است از قبر برمی انگیزد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۰۴

ثواب تلاوت سوره الرّحمن

(۱) ۱- ابو بصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: مداومت بر تلاوت سوره الرحمن را ترک مکنید، زیرا این سوره در دلهای مردم منافق و دو رو قرار نمی گیرد، و پروردگار توانا در روز قیامت او را به صورت انسانی هر چه زیباتر و خوشبوتر می آورد، تا در جایی که هیچ کس را در پیشگاه الهی آن قرب و نزدیکی نباشد بایستد، سپس خداوند به او می فرماید: کیانند آنان که تو را در نماز می خواندند و تلاوت تو (در دنیا) کردند؟ عرض می کند: بار الها! فلان و فلان (اسامی افراد را ذکر می کند)، پس (به امر خداوند) رخساره آنها سپید و فروزان می گردد، و به آنان خطاب می فرماید: شفاعت کنید در حقّ هر که خواهید، و آنها شفاعت می کنند تا اینکه کسی نماند که شفاعتش نمایند، سپس خداوند می فرماید: وارد بهشت شوید و در هر جای آن که خواستید اقامت کنید.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۰۵

(۱) ۲- هشام یا یکی از یاران ما از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس سوره الرّحمن را تلاوت کند و پس از قرائت هر «پس کدامین آیات و نشانه های خدا را (باور ندارید) و تکذیب می کنید»، بگوید: «من هیچ یک از آیات و نشانه های تو

را ای پروردگار من تکذیب نمی کنم»، اگر این سوره را شب هنگام خوانده باشد و همان شب بمیرد، شهید از دنیا رفته باشد؛ و اگر آن را در روز تلاوت کند و همان روز از دنیا برود (باز هم) شهید مرده است.

ثواب تلاوت سوره واقعه

(۲) ۱- ابو بصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که در هر شب جمعه سوره واقعه را تلاوت کند، خداوند او را دوست می دارد و محبّت او را در دل تمام مردم قرار می دهد، و در دنیا هرگز روی بدبختی و تنگدستی را نبیند، و هیچ آسیبی از آسیبهائی که مخصوص دنیاست به او نمی رسد، و از همراهان و همنشینان

امیر مؤمنان علی علیه السّلام می گردد. و این سوره تنها به آن حضرت اختصاص دارد و دیگران با او در این فضیلت شریک نیستند.

(۱) ۲- محمد بن حمزه روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که مشتاق است تا بهشت و چگونگی آن را دریابد سوره واقعه را تلاوت کند، و هر کس دوست دارد تا دوزخ و چگونگی آن را دریابد سوره لقمان را قرائت نماید.

(۲) ۳- زید شحّام روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: کسی که هر شب پیش از خواب سوره واقعه را تلاوت نماید، خداوند متعال را در حالی ملاقات می کند که رخسارش چون قرص ماه شب چهاردهم درخشان است.

ثواب تلاوت سوره حدید و مجادله

(۳) ۱- حسین بن ابی العلاء روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس سوره

حدید و مجادله را همیشه در نماز واجب تلاوت نماید، خداوند او را تا به هنگام مرگ عذاب نمی کند، و هیچ پی آمد ناخوشایندی را در جان خود و خاندان خود نخواهد دید، و عیب و خللی نیز در بدن او راه نیابد.

ثواب تلاوت سوره حشر

(۱) ۱- ابیّ بن کعب نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر کس سوره حشر را تلاوت کند، هیچ آفریده ای نمی ماند، از دوزخ گرفته تا عرش و کرسی و حجابها و آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفت طبقه و هوا و باد و پرندگان و درختان و کوهها و آفتاب و ماه و فرشتگان مگر اینکه برای او طلب آمرزش کنند؛ و اگر در همان روز و یا شبی که این سوره را تلاوت کرده است بمیرد، شهید از دنیا رفته است.

ثواب تلاوت سوره ممتحنه

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۰۸

(۱) ۱- ابو حمزه ثمالی از امام زین العابدین علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس سوره ممتحنه را در نمازهای واجب و مستحبّ خود تلاوت کند، خداوند قلب او را به ایمان می آزماید، و چشم او را نورانی می سازد، و او و فرزندان او هرگز به تنگدستی و جنون دچار نمی گردند.

ثواب تلاوت سوره صف

(۲) ۱- ابو بصیر از امام باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که سوره صف را قرائت کند و بر تلاوت آن در نمازهای واجب و مستحبّ خود مداومت نماید، خداوند او را با فرشتگان و پیامبران مرسل خود در یک صف قرار می دهد، إن شاء اللّه.

ثواب تلاوت سوره های جمعه و منافقین و سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلَی

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۰۹

(۱) ۱- منصور بن حازم از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: از جمله واجبات بر هر فرد با ایمانی- که از پیروان و شیعیان ما باشد- این است که در هر شب جمعه، سوره جمعه و سوره سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلَی را (در نماز) تلاوت کند، و در نماز ظهر جمعه سوره جمعه و منافقین را بخواند- پس اگر چنین کند- گوئی که عمل رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را انجام داده است و ثواب و پاداش او در نزد خداوند، بهشت خواهد بود.

ثواب تلاوت سوره تغابن

(۲) ۱- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس سوره تغابن را در نماز واجب خود تلاوت کند، این سوره در روز قیامت شفیع او خواهد شد، و (به منزله) شاهد عادلی است در نزد کسی که شهادتش را قبول می کند، و تا هنگامی که وارد بهشت شود از او جدا نمی گردد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۱۰

(۱) ۲- جابر روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: هر کس پیش از آنکه بخوابد تمام مسبّحات را- یعنی سوره هائی که با «سبّح» یا «یسبّح» آغاز می شود- تلاوت نماید تا قائم آل محمد علیه السّلام را درک نکند نمی میرد، و اگر بمیرد در جوار رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خواهد بود.

ثواب تلاوت سوره طلاق و تحریم

(۲) ۱- حسین بن ابی العلاء روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس سوره طلاق و تحریم را در نمازهای واجب خود تلاوت کند، خداوند مانع از آن می شود که در روز قیامت از کسانی باشد که هراسناک و غمناکند، و از آتش

دوزخ و آسیب آن در امان خواهد بود، و خداوند او را به خاطر خواندن این دو سوره و مراقبتی که نسبت به آنها داشته است به بهشت می برد، چرا که این دو سوره متعلق به رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم است.

ثواب تلاوت سوره تبارک (ملک)

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۱۱

(۱) ۱- ابو بصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس پیش از آنکه بخوابد سوره تَبارَكَ الَّذِی بِیَدِهِ الْمُلْكُ را در نماز واجب خود تلاوت کند، تا صبح (روز بعد) در امان خدا خواهد بود، و در روز قیامت نیز در امان اوست تا وارد بهشت شود.

ثواب تلاوت سوره ن و القلم

(۲) ۱- علیّ بن میمون صائغ روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس سوره ن و القلم را در نماز واجب یا مستحب تلاوت کند خداوند متعال او را از تنگدستی حفظ می کند، و هنگامی که بمیرد به او پناه می دهد (تا در امان باشد) از فشار قبر.

ثواب تلاوت سوره الحاقّه

(۳) ۱- جابر روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: سوره حاقّه را بسیار

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۱۲

بخوانید، زیرا تلاوت آن در نمازهای واجب و مستحب از نشانه های ایمان به خدا و رسول خداست، چون این سوره در شأن امیر مؤمنان علی علیه السّلام و (مذمّت) معاویه نازل شده است، و کسی که این سوره را تلاوت می کند دین خود را از دست نمی دهد تا روزی که به دیدار خدا می شتابد.

ثواب تلاوت سوره سأل سائل (معارج)

(۱) ۱- جابر روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: سوره «سأل سائل» را زیاد تلاوت کنید، که هر کس چنین کند خداوند در روز قیامت از گناهان او بازخواست نکند، و او را در بهشت همنشین رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و اهل بیت او نماید، ان شاء اللّه.

ثواب تلاوت سوره نوح

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۱۳

(۱) ۱- حسین بن هاشم روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که به خدا ایمان دارد و قرآن را تلاوت می

نماید، سوره إِنَّا أَرْسَلْنا نُوحاً إِلی قَوْمِهِ را ترک نمی کند، پس هر بنده ای که برای پاداش الهی و با صبر یک بار آن را در نماز واجب و یا مستحب تلاوت نماید، خداوند در روز قیامت او را در جایگاه نیکوکاران قرار دهد، و صرف نظر از بهشتی که در آن ساکن است سه باغ دیگر (از باغهای) بهشتی را به او عطا می کند، و دویست حوریّه باکره و چهار هزار حوریّه شوهر دیده را به همسری وی درآورد ان شاء اللَّه.

ثواب تلاوت سوره جن

(۲) ۱- حنان بن سدیر روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس سوره قُلْ أُوحِیَ إِلَیَ را بسیار تلاوت کند، هیچ وقت دچار چشم زخم و دمیدن (بر گره) و جادو و فریب جن نمی شود، و با رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم خواهد بود، و می گوید:

پروردگارا! من جز این مقام و منزلت چیز دیگری نمی خواهم.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۱۴

ثواب تلاوت سوره مزّمّل در نماز عشا

(۱) ۱- منصور بن حازم روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس سوره مزّمّل را در نماز عشا یا در آخر شب تلاوت کند، شب و روز به همراهی سوره مزّمّل برای او شهادت می دهند، و خداوند او را با (بهره گیری از) یک زندگی پاک و شایسته زنده می دارد و او را به مرگی که شایسته و سزاوار (اوست) بمیراند.

ثواب تلاوت سوره مدّثّر

(۲) ۱- محمد بن مسلّم روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: هر کس در نماز واجب خود سوره مدّثّر را تلاوت نماید، بر خداوند است که او را با رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و در مرتبه او قرار دهد، و در زندگانی این دنیا هرگز بدبختی دامنگیر او

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۱۵

نشود ان شاء اللَّه.

ثواب تلاوت سوره قیامت

(۱) ۱- ابو بصیر روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: کسی که بر تلاوت سوره «لا اقسم» مداومت کرده و به (مفاهیم) آن عمل نماید، خداوند او را با رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و با زیباترین سیما از قبر برمی انگیزد، و رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم او را مژده می دهد، و به رویش لبخند می زند تا از صراط و میزان عبور کند.

ثواب تلاوت سوره انسان

(۲) ۱- جبیر عرزمی روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: کسی که سوره هَلْ أَتی عَلَی الْإِنْسانِ را در بامداد هر پنجشنبه بخواند، خداوند هشتصد حوری

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۱۶

باکره و چهار هزار حوری شوهر دیده، و جز اینها (باز) از حور العین دیگر نیز به همسری او در آورده و (در بهشت) همراه با رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم باشد.

ثواب تلاوت سه سوره مرسلات و عمّ یتساءلون و نازعات

(۱) ۱- حسین بن عمرو رمّانی روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که سوره وَ الْمُرْسَلاتِ عُرْفاً را بخواند، خداوند در میان او و رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم رابطه آشنائی بوجود آورد. و کسی که سوره عَمَّ یَتَساءَلُونَ را تلاوت کند و هر روز بر قرائت آن مداومت نماید، آن سال را به پایان نمی برد مگر آنکه به زیارت خانه خدا مشرّف شود ان شاء اللَّه. و کسی که سوره نازعات را بخواند نمی میرد مگر سیراب، و در قیامت محشور نمی گردد مگر سیراب، و وارد بهشت نمی شود مگر آنکه سیراب باشد «۱».

---

(۱) همان طور که عطش نشانه نیاز و نیازمندی است، سیراب بودن نشانه بی نیازی تواند بود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۱۷

ثواب تلاوت دو سوره عبس و إِذَا الشَّمْسُ کُوِّرَتْ

(۱) ۱- معاویه بن وهب روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که سوره عَبَسَ وَ تَوَلَّی و إِذَا الشَّمْسُ کُوِّرَتْ را تلاوت کند، در زیر بال حمایت خداوندی بسر می برد از خیانت دیگران، و در سایه (رحمت) حضرت حق و مورد کرامت او قرار می گیرد و در بهشت او منزل می کند، و (انجام) این کار بر خداوند دشوار نیست ان شاء اللَّه.

ثواب تلاوت دو سوره انفطار و انشقاق

(۲) ۱- حسین بن ابی العلاء روایت کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود:

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۱۸

کسی که در نمازهای واجب و مستحبّ خود سوره إِذَا السَّماءُ انْفَطَرَتْ و سوره إِذَا السَّماءُ انْشَقَّتْ را تلاوت کند، و آن دو سوره را همیشه مدّ نظر خود قرار دهد خداوند او را از حاجتی که دارد ناامید نمی سازد، و هیچ مانعی (پرده ای) در میان او و

خداوند قرار نمی گیرد، و پیوسته خداوند به او نظر می کند تا هنگامی که از حساب مردم فارغ شود.

ثواب تلاوت سوره مطفّفين

(۱) ۱- صفوان جمّال روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که در نماز واجب خود سوره وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ را تلاوت نمايد، خداوند در روز قيامت امان از آتش را به او عنايت فرمايد، كه نه آتش او را می بیند، و نه او آتش را، و از پل جهنم عبور نمی کند، و در روز قیامت او را مورد محاسبه قرار نمی دهند.

ثواب تلاوت سوره بروج

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۱۹

(۱) ۱- یونس بن ظبیان روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که سوره وَ السَّماءِ ذاتِ الْبُرُوجِ را- که سوره پیامبران الهی است- در نمازهای واجب خود تلاوت کند، در محشر و موقف با پیامبران و نیکوکاران خواهد بود.

ثواب تلاوت سوره طارق

(۲) ۱- معلّی بن خنیس روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس در نمازهای واجب خود، سوره وَ السَّماءِ وَ الطَّارِقِ را تلاوت کند، در روز قیامت در پیشگاه خداوند دارای مقام و منزلتی می گردد و در بهشت از همراهان و یاران پیامبران خدا خواهد بود.

ثواب تلاوت سوره اعلی

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۲۰

(۱) ۱- ابو بصیر روایت کرده است که امام صادق فرمود: کسی که سوره سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى را در نماز واجب و یا مستحبّ (نافله) خود تلاوت کند، در روز قیامت به وی خطاب می شود که: از هر دری از درهای بهشت که می خواهی وارد شو، ان شاء اللَّه.

ثواب تلاوت سوره غاشيه

(۲) ۱- ابو بصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که بر تلاوت سوره هَلْ أَتاكَ حَدِيثُ الْغاشِيَةِ در نماز واجب یا مستحبّ خود مداومت کند خداوند او را در دنیا و آخرت با رحمت خویش بنوازد، و در روز قیامت او را از عذاب آتش دوزخ ایمن گرداند.

ثواب تلاوت سوره فجر

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۲۱

(۱) ۱- داود بن فرقد روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحبّ خود (در نافله ها) تلاوت کنید زیرا این سوره سوره حسین بن علی علیه السّلام است، کسی که آن را بخواند، در روز قیامت با حسین علیه السّلام و در مرتبه او در بهشت خواهد بود، همانا خدای عز و جل عزیز و حکیم است.

ثواب تلاوت سوره بلد

(۲) ۱- ابو بصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که سوره لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ را در نمازهای واجب خود بخواند، در (این) دنیا از نیکوکاران شایسته و در آخرت در شمار کسانی که در پیشگاه خداوند منزلت و مقامی دارند، معروف خواهد بود، و در روز قیامت با پیامبران و شهیدان و شایستگان مرافقت خواهد کرد.

ثواب خواندن سوره های و الشّمس و اللّیل و الضّحی و انشراح

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۲۲

(۱) ۱- معاویه بن عمار روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که سوره های وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها و وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشی و وَ الضُّحی و أَ لَمْ نَشْرَحْ را در شب یا روز بسیار تلاوت کند، هیچ چیزی در پیرامون او نمی ماند مگر آنکه در روز قیامت برای او (به نیکی و نیکوکاری) شهادت می دهد، حتی مو و پوست و گوشت و خون و رگها و اعصاب و استخوانهای او و هر آنچه را که زمین (از اعضای او) بر پشت خود می کشد و پروردگار تبارک و تعالی می فرماید: شهادت شما را در باره بنده ام پذیرفتم و بر همان اساس در باره او فرمان راندم، او را به بهشتهای من ببرید، تا هر کدام را که می پسندد- بی آنکه از من به گردن خود منّتی داشته باشد- آن را در اختیار او قرار دهید که این، نصیب او از رحمت و بخشش (بی حساب) من است، پس گوارا باد! گوارا باد! بر بنده من.

ثواب تلاوت سوره تین

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۲۳

(۱) ۱- شعیب عقرقوفی روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که سوره «وَ التِّینِ» را در نمازهای واجب و نافله های خود (نمازهای مستحبّی) بخواند، (در قیامت) همان جایی از بهشت به او عطا می شود که از آن راضی باشد ان شاء اللَّه.

ثواب تلاوت سوره علق

(۲) ۱- سلیمان بن خالد روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که سوره اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ را در شب یا روز تلاوت کند، و در همان روز یا همان شب بمیرد، شهید از دنیا رفته است و خداوند او را شهید (از قبر) برمی انگیزد و او را (در روز قیامت) شهید زنده می کند و مانند کسی خواهد بود که در رکاب رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و در راه خدا شمشیر زده باشد.

ثواب تلاوت سوره إِنَّا أَنْزَلْناهُ (قدر)

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۲۴

(۱) ۱- سیف بن عمیره از مردی و او از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود:

هر کس سوره إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ را با صدای رسا و بلند بخواند مانند کسی است که در راه خدا شمشیر می کشد، و اگر آن را آهسته بخواند مانند کسی است که در راه خدا در خون خود غلطیده است، و هر کس ده بار آن را تلاوت کند خداوند هزار گناه از گناهان او را می آمرزد.

(۲) ۲- حسین بن ابی العلاء روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که سوره إِنَّا أَنْزَلْناهُ را در یکی از نمازهای واجب خدا بخواند، هاتف غیبی او را مورد خطاب قرار می دهد که: ای بنده خدا! خداوند هر گناهی را که تاکنون انجام داده بودی آمرزید، عمل خود را از سر بگیر.

ثواب تلاوت سوره بیّنه

(۳) ۱- ابی بکر حضرمی از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۲۵

سوره لَمْ يَكُنِ را تلاوت کند از آلودگی به شرک، دور، و در دین رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم وارد می شود، و خداوند او را در قیامت با ایمان بر می انگیزد، و حساب را بر او آسان می گیرد.

ثواب تلاوت سوره زلزله

(۱) ۱- علیّ بن معبد روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: از خواندن سوره إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ دل زده نشوید، زیرا کسی که این سوره را در نمازهای مستحبّی خود بخواند، خداوند هرگز او را دچار زلزله نمی کند، و به وسیله زلزله و صاعقه و یا یکی از این بلاهای طبیعی نمی میرد، و هنگامی که مرد او را به بهشت می برند، و (در آنجا) خداوند بزرگ (به او) می فرماید: ای بنده من! بهشت خود را بر تو مباح کردم پس در هر کجای آن که دوست داری منزل کن، و کسی تو را از این (انتخاب) باز نخواهد داشت.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۲۶

ثواب تلاوت سوره عادیات

(۱) ۱- سلیمان بن خالد روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که سوره عادیات را بخواند و بر تلاوت آن مداومت نماید خداوند او را در روز قیامت با (نیکان) خصوصا امیر مؤمنان علیه السّلام برمی انگیزد و در امان و از

همنشینان او خواهد بود.

ثواب تلاوت سوره قارعه

(۲) ۱- عمرو بن ثابت روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: کسی که سوره قارعه را بسیار تلاوت کند خدای عز و جل او را (در دنیا) از فتنه دجال و ایمان به او، و در قیامت از چرکهای جهنّم، در امان دارد، ان شاء اللَّه.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۲۷

ثواب تلاوت سوره تکاثر

(۱) ۱- شعیب روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که سوره أَلْهاكُمُ التَّكاثُرُ را در نماز واجب بخواند، خداوند ثواب صد شهید را در نامه اعمال او می نویسد، و اگر آن را در نماز مستحبّی (نافله) تلاوت کند خداوند ثواب پنجاه شهید را برای او ثبت می کند، و به هنگام بجای آوردن نماز واجب چهل صف از فرشتگان با او به نماز می ایستند، ان شاء اللَّه.

(۲) ۲- درست از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر کس سوره أَلْهاكُمُ التَّكاثُرُ را به هنگام خواب بخواند، از فتنه و بلای قبر در امان خواهد بود.

ثواب تلاوت سوره عصر

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۲۸

(۱) ۱- حسین بن ابی العلاء روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که سوره و العصر را در نمازهای مستحبّی خود بخواند، خداوند در روز قیامت او را با سیمایی نورانی و لبی خندان و چشمی روشن بر می انگیزد تا (با این حالت) وارد بهشت شود.

ثواب تلاوت سوره همزه

(۲) ۱- ابو بصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که سوره وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ را در نمازهای واجب خود تلاوت کند، خداوند تنگدستی را از او دور سازد، و روزی او را افزون کند، و مرگ بد را از او براند.

ثواب تلاوت سوره فیل و قریش

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۲۹

(۱) ۱- ابو بصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که سوره أَ لَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ را در نمازهای واجب خود تلاوت کند، در روز قیامت تمام دشتها و کوهها و ریگزارها گواهی می دهند که او از نمازگزاران است، و هاتف

غیبی نـدا می کنـد: شـما بنـده مرا تصـدیق کردیـد، شـهادت شـما را که به نفع او بود پـذیرفتم؛ او را وارد بهشت نمائید و او را محاسبه مکنید زیرا او از زمره کسانی است که هم خودشان را و هم عملشان را دوست می دارم.

(۲) ۲- ابو بصـیر روایت کرده است که امـام صـادق علیه السّـلام فرمود: کسـی که سوره لِإِیلافِ قُرَیْشٍ را بسـیار تلاوت کنـد، خداونـد در روز قیـامت او را در حـالی که بر مرکبی از مرکبهـای بهشتی سوار است بر می انگیزد تـا که به سر سـفره های نور بهشتی بنشیند.

مؤلّف این کتاب- شیخ صدوق رضی اللَّه عنه- گوید: اگر کسی سوره فیل را در رکعتی از نمازهای واجب خود بخواند، سوره «لإیلاف» را نیز به دنبال آن تلاوت کنـد چرا که این دو سوره مکمّل یک دیگر و با هم به منزله یک سوره اند، و جدا خواندن آنها را جایز نمی دانند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۳۰

ثواب تلاوت سوره ماعون

(۱) ۱- عمرو بن ثابت روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّـلام فرمود: کسی که سوره أَ رَأَیْتَ الَّذِی یُکَذِّبُ بِالدِّینِ را در نمازهای واجب و مستحبّ خود بخواند از کسانی خواهد بود که خداوند نماز و روزه آنان را پذیرفته است، و او را

برای کرده هائی که در این دنیا انجام داده است مورد محاسبه قرار نمی دهد (چرا که: گناهان او را آمرزیده است).

ثواب تلاوت سوره کوثر

(۲) ۱- ابو بصیر روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که إِنَّا أَعْطَيْناكَ الْكَوْثَرَ را در نمازهای واجب و مستحب خود بخواند، خداوند در روز قیامت او را

از کوثر سیراب می کند، و مجلس و محفلش نزد رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم در زیر درخت طوبی خواهد بود.

ثواب تلاوت دو سوره کافرون و توحید

(۱) ۱- حسین بن ابی العلاء روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که سوره قُلْ يا أَيُّهَا الْكافِرُونَ و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را در یکی از نمازهای واجب خود تلاوت کند، خداوند او و پدر و مادر و فرزندان آن پدر و مادر را می آمرزد، و چنانچه در شمار افراد بدبخت باشد، نام او را از دفتری که به آنها اختصاص دارد، پاک می کند، و در دفتر افراد سعادتمند ثبت می فرماید، و خداوند او را در این دنیا سعادتمند نماید، و شهید بمیراند، و شهید برانگیزد.

ثواب تلاوت سوره نصر

(۱) ۱- کرّام خثعمی روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که سوره إِذا جاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ را در نماز مستحب و یا واجب تلاوت کند، خداوند او را بر تمام دشمنانش پیروز می سازد، و در روز قیامت او را با منشوری گویا و رسا که خداوند آن را از درون قبر او بیرون آورده است برانگیزد، و در آن (منشور) امان نامه ای (از برای اوست تا بی هراس) از پلی که بر روی دوزخ کشیده شده است بگذرد و از آتش و خروش دوزخ (آسیبی به او نرسد)، و در آن روز بر چیزی نمی گذرد مگر آنکه او را بشارت دهد و او را خبر دهد به نیکیهایی که روبروی اوست، تا آنکه وارد بهشت شود، و در این دنیا آنقدر از درهای خیر به روی او می گشود که هرگز آرزوی آن را نداشته و تصوّر آن را نکرده است.

ثواب تلاوت سوره مسد

(۲) ۱- علی بن شجره از قول یکی از اصحاب امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که آن

حضرت فرمود: هر گاه تَبَّتْ يَدا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَ را تلاوت می نمائید، ابو لهب را نفرین کنید، چرا که او در شمار تکذیب کنندگانی بود که رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم و آنچه را از جانب خدای بزرگ آورده بود تکذیب می کرد.

ثواب تلاوت سوره توحید

(۱) ۱- منصور بن حازم روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که یک روز بر او بگذرد و در هیچ یک از نمازهای پنجگانه ای که بجای آورده است، سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را نخواند، به او خطاب می شود که: ای بنده خدا! تو در شمار نمازگزاران نیستی.

(۲) ۲- اسحاق بن عمّار روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که یک هفته بر او بگذرد و (حتّی یک بار) سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را نخواند، اگر در این حال بمیرد، بر دین ابو لهب مرده است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: **۳۳۴**

(۱) ۳- هارون بن خارجه روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که دچار بیماری یا گرفتاری می شود و در آن حال سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را (برای بهبود و یا رهائی) تلاوت نکند و در همان حال بمیرد، از اهل دوزخ است.

(۲) ۴- ابو بکر حضرمی روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، تلاوت سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را در پایان

نمازهای واجب خود ترک نمی کند، زیرا هر کس این سوره را تلاوت کند خداوند خیر دنیا و آخرت را به او ارزانی می دارد و او و پدر و مادر او و فرزندان آن پدر و مادر را می آمرزد.

(۳) ۵- عیسی بن عبد اللَّه از پدرش، از جدّش، از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که صد بار سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را به هنگام آرمیدن در بستر خویش تلاوت کند خداوند گناهان پنجاه سال او را می آمرزد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۳۵

(۱) ۶- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم بر جنازه سعد بن معاذ نماز خواند و فرمود:

نود هزار فرشته که جبرئیل علیه السّلام نیز در میان آنان بود، بر جنازه او نماز خواندند. از جبرئیل پرسیدم که: او چه عملی انجام داده بود تا شایستگی آن را پیدا کند که شما بر جنازه او نماز بخوانید؟ گفت: (این شرافت) به خاطر اینکه سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ که در حالت ایستاده و نشسته، سواره و پیاده، و در حال رفت و آمد آن را تلاوت می کرد.

(۲) ۷- قیس بن ربیع از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که به هنگام آرمیدن در بستر خود یازده بار سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را بخواند خداوند او را در خانه اش و خانه های اطرافش (از هر گزندی) حفظ خواهد

کرد.

(۳) ۸- عبد اللّه بن حی از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که یازده بار سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را پس از نماز صبح بخواند، در آن روز گناهی از او سر نمی زند هر چند که شیطان خوار شود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۳۶

(۱) ۹- ابراهیم بن مهزم، از مردی نقل کرده که شنیده است حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام می فرمود: کسی که پیش از آنکه بر ستم پیشه جبّاری وارد شود سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را تلاوت کند خداوند از پیش رو، پشت سر، سمت راست و سمت چپ حفظ خواهد کرد، و اگر چنین کند خداوند (بجای شر) خیر آن ستمکار را نصیب او می سازد، و شر او را از او به دور می دارد؛ و نیز فرمود: اگر از امری هراسناك باشی، صد آیه از قرآن- از هر کجا که خواهی- تلاوت کن و بعد سه بار بگو: پروردگارا! بلا را از من دور ساز (تا خداوند تو را در امان دارد).

(۲) ۱۰- حفص بن غیاث روایت کرده است که: شنیدم امام صادق علیه السّلام از مردی پرسیدند: آیا دوست داری که در این دنیا ماندگار باشی؟ عرض کرد: آری! حضرت فرمود: برای چه؟ عرض کرد: برای تلاوت سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ. راوی می گوید که حضرت پس از چند لحظه سکوت فرمود: ای حفص! کسی که از دوستان و شیعیان ما بمیرد و قرآن را نتواند درست تلاوت کند، (قرآن را) در قبر به او بیاموزند

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۳۷

تا خداوند به

خـاطر آن مرتبه او را (در بهشت) بالا ببرد، زیرا درجات بهشت به شـماره آیه های قرآنی است، و به کسـی که قرآن را تلاوت می کند گویند: بخوان و بالا برو.

ثواب تلاوت دو سوره فلق و ناس

(۱) ۱- ابو عبیـده حذّاء روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّـلام فرمود: کسـی که در نماز وتر، معوّذتین (سوره فلق و سوره ناس) و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَـدٌ را تلاوت کنـد، به او خطاب می شود که: ای بنده خدا! تو را بشارت باد که خداوند نماز وتر تو را پذیرفت.

ثواب پرهیز از گناهان کبیره

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۳۸

(۱) ۱- احمد بن عمر حلبی نقل کرده است که معنی آیه «اگر از گناهان کبیره ای که نهی شده اید، بپرهیزید، از گناهان دیگر شما چشم می پوشیم» (سوره نساء/ آیه ۳۱) را از امام صادق علیه السّـلام پرسـیدم، فرمود: اگر کسی از آنچه که خداوند برای آنها وعـده آتش داده است بپرهیزد اگر مؤمن باشد (به امامت و ولایت ما معتقد باشد) خداوند از گناهان دیگر او درگذرد، و او را وارد مقامی نیکو و والا می گرداند.

و گناهـان کبیره ای که موجب جهنمنـد عبارتنـد از: ۱. قتل نفس (کشـتن بی جواز شـرعی)؛ ۲. عقوق پدر و مادر (ناخشـنودی آنها)؛ ۳. ربا خوردن؛ ۴. بـازگشت به حـالت اولیّه پس از هجرت از آن حالت کفر به دین اسـلام؛ ۵. لکّه تهمت به دامن زنی پارسا بستن؛ ۶. مال یتیم را خوردن؛ ۷. و فرار از میدان جنگ (فرار از جهاد بدون هیچ عذر شرعی).

(۲) ۲- محمد بن فضـیل می گوید که: امام رضا علیه السّـلام در تفسـیر آیه إِنْ تَجْتَنِبُوا کَبائِرَ ما تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُکَفِّرْ عَنْکُمْ سَیِّئاتِکُمْ فرمـود: کسـی کـه از آن گناهـانی که خداونـد (به کیفر آن) وعـده آتش جهنّم داده است دوری کنـد، اگر مـؤمن باشـد (و به امامت و ولایت ائمه اطهار علیه السّلام

معتقد باشد) خداوند از گناهان دیگر او درگذرد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۳۹

ثواب گناهکار توبه کننده شرمنده و پشیمان

(۱) ۱- ابو بصیر علیه السّلام روایت کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: خداوند عز و جل به داود پیغمبر علیه السّلام وحی کرد که: ای داود! اگر بنده مؤمن من گناه کند و سپس ترک آن گفته و از آن گناه توبه نماید و به خاطر گناهی که کرده است از من شرم کند، من او را بیامرزم و آن را از یاد فرشتگان نویسنده گناه می برم و به ثواب مبدّل می کنم و از این کار پروائی ندارم، و من مهربانترین مهربانانم.

ثواب کسی که بدهکاری را نزد سلطان ببرد و بداند که او قسم می خورد سپس او را رها کند برای بزرگداشت خدای عز و جل

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۴۰

(۱) ۱- عبد الحمید طائی از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که بدهکاری را نزد حاکم ببرد تا او را برای وصول طلبش سوگند دهد، و می داند که آن شخص بدهکار سوگند یاد خواهد کرد پس به احترام و بزرگداشت خدای بزرگ، او را رها کند و سوگندش ندهد، خداوند در روز قیامت برای او به منزلتی غیر از مقام و منزلت حضرت ابراهیم خلیل الرّحمن راضی نخواهد شد.

ثواب آموزگار خوبیها

(۲) ۱- جابر از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: تمام جنبندگان روی زمین و ماهیهای دریاها و هر ریز و درشتی که در زمین و آسمان است برای کسی که آموزگار خوبیهاست درخواست آمرزش می کنند.

(۳) ۲- محمد بن خالد برقی از کسی که از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود:

یک عالم بهتر از هزار عابد و هزار زاهد، و عالمی که به علم او منتفع شود بهتر و برتر از عبادت هفتاد هزار عابد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۴۱

ثواب کسی که دانش می آموزد

(۱) ۱- عبد اللّٰه بن میمون قدّاح از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که در راه آموختن علم گام بردارد، خداوند او را به راه بهشت خواهد برد، و بدرستی که فرشتگان بالهای خود را برای دانشجو از روی رضایت می گستراند، و آنچه در آسمانها و زمین است همه حتی ماهیان دریا برای طالب علم درخواست آمرزش می کنند، و همانا برتری دانشمند بر کسی که بسیار عبادت می کند مانند

برتری (فروغ) ماه در شب چهاردهم بر (پرتو) ستارگان است، و براستی که دانشمندان، وارثان پیامبرانند، و پیامبران الهی درهم و دیناری به میراث نمی گذارنـد بلکه میراث آنها علم و دانش است، پس کسـی که از علوم آنان چیزی فرا بگیرد بهره فراوانی برده است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۴۲

(۱) ۲- جابر بن یزید جعفر از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که

فرمود: هیچ بنده ای نیست که صبح یا شب در جستجوی دانش باشد مگر آنکه داخل در رحمت خداوند باشد، و فرشتگان به او خطاب می کنند که: آفرین بر تو باد ای زایر خدا! و در بهشت راهی مانند همان راهی که در طلب علم رفته است در پیش می گیرد.

ثواب همنشینی با اهل دین

(۲) ۱- منصور بن حازم از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

همنشینی با اهل دین مایه شرف دنیا و آخرت است.

ثواب بجای آوردن عملی بعد از شنیدن ثواب آن

(۳) ۱- صفوان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: اگر کسی ثواب عملی را

بداند و بعد به آن عمل کند، همان پاداش را (که شنیده است) به او کرامت خواهند کرد هر چند که آن گفته از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نباشد.

ثواب کسی که سخنی بر حق بگوید و دیگران به آن عمل کنند

(۱) ۱- عبد الرحمن بن ابی عبد اللّه روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: ثواب کسی که کلامی بر حق بر زبان براند و (دیگران) آن را به مورد اجرا بگذارند پاداش کسی است که به آن عمل می کند؛ و اگر سخن گمراه کننده ای را گفته باشد، در گناه و کیفر کسی که به آن عمل کرده است شریک خواهد بود.

ثواب کسی که سنّت خیری بجای گذارد

(۲) ۱- میمون قدّاح، از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: پاداش هر

بنده ای از بندگان خدا که سنّت نیکو و شایسته ای از خود بجای گذارد با پاداش کسی که بدان سنّت عمل می کند برابر است، بی آنکه از پاداش عمل کنندگان به آن چیزی کم شود؛ و گناه هر بنده ای از بندگان خدا که کار زشت و نکوهیده ای را بدعت نهد، همان گناه کسی است که به آن بدعت عمل می کند، بی آنکه از بار گناه یکی از آنها کم گردد.

ثواب کسی که به آنچه می داند عمل می کند

(۱) ۱- حفص بن غیاث نقل کرده است که شنیدم امام صادق علیه السّلام می فرمود: اگر کسی به آنچه که می داند عمل

کند، از آنچه که نمی داند بی نیاز خواهد شد.

ثواب پناه دادن به یتیم، و ترحّم به ضعیف، و مهربانی در حقّ پدر و مادر، و نیکی نسبت به برده

(۲) ۱-ابو حمزه ثمالی از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که دارای چهار خصلت باشد، خداوند خانه ای در بهشت برای او بنا می کند: به یتیمی

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۴۵

پناه دهد؛ بر ضعیفی ترحّم کند؛ در حقّ پدر و مادر خود مهربانی نماید؛ و به برده خود نیکی کند.

ثواب کسی که از دستیازی به آبروی مردم خود داری کند، و کسی که خشم خود را فرو برد

(۱) ۱- ابو حمزه ثمالی روایت کرده است که از امام محمد باقر علیه السّلام شنیدم که می فرمود:

هر کسی که از دستیازی به آبروی مردم خود داری کند، خداوند عذاب روز قیامت را از او دور می سازد؛ و کسی که خشم خود را فرو نشاند، خداوند در روز قیامت او را خواهد بخشید.

(۲) ۲- سیف بن عمیره از قول مردی روایت کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنید که می فرمود: کسی که خشم خود را فرو برد، خداوند عیبهای او را می پوشاند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۴۶

ثواب امام عادل، و بازرگان راستگوی، و سالخورده ای که عمر خود را در اطاعت خدا صرف کرده باشد

(۱) ۱- عجلان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: خداوند سه کس را بدون حساب وارد بهشت می کند: امام عادل، و تاجر راستگوی، و سالخورده ای که عمر خود را در طاعت خدا سپری نموده است.

ثواب کار نیکی که در برابر گناه دیرین انجام شده باشد

(۲) ۱- جمیل بن صالح از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: مردم تو را مغرور نکنند زیرا نتیجه کارهای خوب و بد تو را خودت می بینی؛ و روز خود را با چنین و

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۴۷

چنان تلف مکن، زیرا همواره کسی (فرشته نگهبانی) به همراه تو است تا کارهای تو را در نامه اعمال تو ثبت کند؛ و هرگز چیزی ندیدم که جویاتر و پرشتاب تر از حسنه برای گناه گذشته (که آن را از بین ببرد)؛ و هیچ کار نیکی را کوچک مشمار زیرا فردا (در روز قیامت) آن را در جایی که تو را خوشحال می کند خواهی دید؛ و هیچ کار زشت و نکوهیده ای را ناچیز

مشمار، زیرا فردا آن را در جایی که تو را ناراحت می سازد خواهی دید، که خدای بزرگ می فرماید: «براستی که کارهای نیک و شایسته، کارهای زشت و نکوهیده را از بین می برد و این برای اهل ذکر (به منزله) یادآوری است» (سوره هود، آیه ۱۱۲).

ثواب کسی که چهل حدیث را به یاد بسپارد

(۱) ۱- موسی بن ابراهیم مروزی از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر کس از امّت من، چهل حدیث را که مورد نیاز مردم باشد به خاطر بسپارد خداوند عز و جل او را در روز قیامت فقیه و دانشمند محشور می فرماید.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۴۸

ثواب کسی که گناهان را ترک کند

(۱) ۱- طلحه بن زید از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: حضرت عیسی بن مریم علیه السّلام بر مردمی گذر کرد که می گریستند، پرسید: سبب گریه اینان چیست؟

گفتند: بر گناهانشان می گریند، فرمود: آن گناهان را رها کنند (آن گناهان را دیگر تکرار نکنند) آمرزیده می شوند.

ثواب شادمان کردن مؤمن

(۲) ۱- ابن سنان از قول مردی روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: خداوند عز و جل به حضرت داود علیه السّلام وحی فرمود: همانا بنده ای از بندگان من حسنه ای را انجام می دهد، من بهشت خود را بر او روا دارم. (حضرت) داود علیه السّلام پرسید:

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۴۹

پروردگارا! آن حسنه چیست؟ خدای متعال فرمود: شادمان کردن بنده مؤمن مرا حتّی اگر به یک دانه خرما باشد. (حضرت) داود علیه السّلام عرض کرد: پروردگارا! شایسته است کسی که تو را براستی شناخت از تو ناامید نگردد.

ثواب پارسائی و توجه به خدای عز و جل در نماز

(۱) ۱- ابراهیم کرخی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: خداوند عزّ و جل پارسائی و زهد را با هم برای هیچ مؤمنی فراهم نساخت مگر اینکه من برای او امید بهشت داشته باشم، سپس فرمود: و همانا من دوست دارم که دل هر انسان مؤمنی از شما (دوستان و شیعیان) به هنگام نماز واجب متوجه خداوند باشد، و دل خود را به دنیا و کارهای دنیا مشغول نسازد، که هیچ مؤمنی با حضور قلب به خدا روی نمی آورد مگر اینکه خداوند نیز به او روی می آورد (و به او عنایت کند)، و دلهای افراد مؤمن را به محبت و دوستی او سوق می دهد و این سوای محبّتی است که خدا به او دارد.

ثواب بر طرف کردن گرفتاری و تنگدستی و پوشانیدن عیب و یاری کردن مؤمن

(۱) ۱- ذریح محاربی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر مؤمنی که گرفتاری مؤمنی را برطرف سازد، خداوند هفتاد گرفتاری از گرفتاریهای دنیوی و اخروی را از او دور می کند؛ و نیز فرمود: کسی که تنگدستی (نیاز مالی) مؤمنی را برطرف کند، خداوند خواسته های او در دنیا و آخرت را فراهم می سازد؛ و فرمود:

کسی که عیب مؤمنی را که از آشکار شدن آن می ترسد بپوشاند، خداوند هفتاد عیب او را که از آشکار شدن آنها بیمناک است در دنیا و آخرت پنهان می سازد؛ و فرمود:

خداوند عزّ و جل کمک می کند مؤمن را تا زمانی که به برادر مؤمن خود کمک می کند پس شما از این اندرز (حکیمانه و خداپسند) بهره جوئید، و به کارهای نیک و خوب روی آورید.

/ ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۵۱

ثواب سیر و سیراب کردن و جامه بر اندام مؤمن پوشانیدن

(۱) ۱- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که در یکی از شبهای ماه مبارک رمضان، مؤمنی را اطعام کند، خداوند برای این عمل او پاداش آزاد کردن سی بنده مؤمن را در نامه اعمال او ثبت می کند، و همچنین بخاطر این عمل او در نزد خداوند عزّ و جل یک دعای مستجاب خواهد داشت.

(۲) ۲- ابو حمزه ثمالی از امام زین العابدین علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که به مؤمن گرسنه ای غذا دهد خداوند از میوه های بهشتی به او می دهد، و کسی که مؤمن تشنه ای را سیراب سازد، خداوند او را از آشامیدنیهای سر به مهر و گوارای بهشتی سیراب خواهد کرد، و کسی که مؤمنی را بپوشاند، خداوند (اندام) او را با لباسهای سبز بهشتی خواهد پوشاند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۵۲

ثواب اطعام برادر دینی

(۱) ۱- ربعی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که برادر دینی خود را اطعام کند به منزله آن است که فئامی از مردم را اطعام کرده باشد. پرسیدم: فئام چیست؟ فرمود: صد هزار نفر از مردم.

ثواب کسی که به سه نفر مؤمن غذا دهد

(۲) ۱- علیّ بن ابی علیّ لهبی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که سه مؤمن را اطعام کند، خداوند او را از (نعمتهای این) سه بهشت اطعام خواهد کرد:

فردوس، و بهشت عدن، و طوبی که درختی است که پروردگار من آن را با دست خود کاشته است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۵۳

ثواب کسی که به مسلمانی غذا دهد تا سیر شود

(۱) ۱- عبد اللَّه بن میمون قدّاح از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: ثواب کسی که مسلمانی را اطعام کند تا به حدی که سیر شود هیچ کس جز خداوند جهانیان- (حتی) فرشتگان مقرّب و پیامبران مرسل- نمی دانند که در آخرت چه اندازه است، آنگاه فرمود: از چیزهائی که سبب آمرزش می شود، اطعام یک مسلمان گرسنه است. سپس این آیات را تلاوت کردند: «در روز قحطی و گرسنگی یتیمی را سیر کردن، که از خویشان است، و یا تنگدست خاک آلوده را» (سوره بلد/ آیه های ۱۴ تا ۱۶).

ثواب کسی که چهار مسلمان را سیر کند

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۵۴

(۱) ۱- فضیل بن یسار از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: سیر کردن چهار مسلمان، برابر با آزاد کردن یک بنده از فرزندان اسماعیل علیه السّلام است.

ثواب کسی که مؤمنی را سیر کند

(۲) ۱- محمد بن جعفر از پدرش نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که مؤمن گرسنه ای را سیر کند، خداوند برای او سفره ای در بهشت می گسترد که تمام انس و جن از آن سفره سیر برمی خیزند.

ثواب کسی که برده مسلمانی را آزاد کند

(۳) ۱- سماعه از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

کسی که مسلمانی را (از بند اسارت) آزاد کند، خداوند به ازای هر عضوی از بدن آن مسلمان آزاد شده، عضوی از اعضای بدن آن مسلمان آزادکننده را از آتش جهنم آزاد می کند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۵۵

ثواب کسی که بنده شایسته ای را برای رضای خداوند آزاد کند

(۱) ۱- بشیر نبّال نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: کسی که یک بنده شایسته ای را برای رضای خدا آزاد کند، خداوند به ازای هر عضوی از بدن آزاد شده، عضوی از بدن آزادکننده را از آتش جهنّم می رهاند.

ثواب آزاد کردن برده مؤمن

(۲) ۱- ابو البلاد از پدرش، و او بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: کسی که بنده مؤمنی را آزاد کند، خداوند به ازای هر عضوی از بدن شخص آزاد شده، عضوی از بدن شخص آزادکننده را از جهنم نجات می دهد، و چنانچه بنده آزاد شده، زن باشد، خداوند به ازای هر دو عضو از بدن شخص آزاد شده، یک عضو از بدن شخص آزادکننده را از جهنّم

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۵۶

می رهاند، زیرا زن نصف مرد است.

ثواب وام دادن به مؤمن

(۱) ۱- جابر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که به مؤمنی قرض بدهد و صبر کند تا وضع مالیش خوب شود، آن مال پاک خواهد ماند، و فرشتگان بر قرض دهنده درود می فرستند تا زمانی که قرض گیرنده قرض خود را ادا کند.

(۲) ۲- فضیل از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: هیچ مسلمانی نیست که برای رضای خدا به مسلمان دیگری قرض بدهد مگر آنکه تا زمانی که آن مال به او باز گردد خداوند هر روز پاداش صدقه دادن مال را به نام او ثبت می کند.

(۳) ۳- هیثم صیرفی و غیر او روایت کرده اند که امام صادق علیه السّلام فرمود: ثواب قرض هجده برابر است، و چنانچه قرض گیرنده بمیرد، آن مال جزو زکات حساب می شود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۵۷

(۱) ۴- محمد بن حباب قمّاط از یکی از سالخوردگان ارباب حدیث نقل

کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: چنانچه مالی را قرض بدهم، در نزد من خوشتر است از اینکه آن مال را ببخشم، و می فرمود: کسی که مالی را به کسی وام دهد، و مدتی برای (پرداخت) آن معین کند، و آن قرض در مدّت معیّن وصول نگردد، به ازای هر روز تأخیر، ثواب یک دینار صدقه را برای او خواهد داشت.

(۲) ۵- عبد اللَّه بن سنان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

اگر هزار درهم را دو بار (به کسی) قرض بدهم، در نزد من خوشتر از آن است که آن را یک بار (و یک جا) صدقه دهم، و همان طور که برای کسی که از تو قرض می گیرد، جایز نیست که در صورت توانائی در بازدهی قرض خود تعلل کند و آن را به تأخیر بیندازد، همچنین برای تو جایز نیست- اگر بدانی که او در مضیقه و تنگدستی است- او را (در پرداخت بدهی خود) در فشار قرار دهی و از او مطالبه کنی.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۵۸

ثواب صدقه دادن

(۱) ۱- جابر از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: عابدی هشتاد سال خدا را عبادت کرد، تا آنکه نگاهش به زنی افتاد، و مهر او در دلش جای گرفت، از (جایگاه خود) به پایین آمد و او را به زنا فرا خواند و زن او را اجابت نمود. و هنگامی که کام خود را از آن زن گرفت، فرشته مرگ در نزد او حاضر شد و زبان عابد پیر

از دیـدن او لکنت گرفت، در این اثناء فقیری بر او گـذر کرد و عابد به او اشاره کرد تا نانی را که در عبای او بود بردارد، پس خداوند عبادت هشتاد سال او را به سبب آن زنا محو کرد، و (گناه) زنای او را به خاطر آن قرص نان بخشید.

(۲) ۲- طلحه بن زیـد از امام صادق علیه السّـلام، و آن حضـرت از پـدر بزرگوارش علیه السّـلام روایت کرده است که فرمود: اولین چیزی که در روز قیامت به حساب آن می رسند و ثوابش را می دهند، صدقه آب است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۵۹

(۱) ۳- معاذ بن مسـلم روایت کرده است که در خدمت امام صادق علیه السّـلام بودم و صـحبت از درد به میان آمد، حضـرت فرمود: بیماران خود را با دادن صدقه مداوا کنید، و چه می شود که اگر هر یک از شما غذای یک روز خود را (در راه خدا به تنگـدستی) صـدقه بدهد؟! همانا به فرشـته مرگ فرمان می رسد که روح فلان بنده را قبض کند، و در این حال آن بنده صدقه ای (در راه خـدا) می دهـد، آنگاه به فرشـته مرگ خطاب می شود که: آن فرمان را باز گردان (و به آن عمل مکن و بنده ما را واگذار).

(۲) ۴- عبـد اللَّه بن میمون قدّاح از امام صادق علیه السّـلام، و آن حضـرت از پدر بزرگوارش علیه السّـلام نقل کرده است که رسول خدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم از مردی پرسید: آیا امروز، روزه گرفته ای؟ عرض کرد: خیر، فرمود: به عیادت بیماری رفته ای؟ عرض کرد: خیر، فرمود: در تشییع جنازه ای شرکت

کرده ای؟ عرض کرد: خیر، فرمود: تنگدست مسکینی را غذا داده ای؟ عرض کرد: خیر، پس حضرت فرمود: به خانه خود بازگرد و به افراد خانواده خود محبت کن و آنها را ببوس، که این عمل به منزله صدقه تو نسبت به

آنهاست (و برای تو پاداش صدقه را دارد).

(۱) ۵- یعقوب بن یزید نقل کرده است که دیدم در کتاب ابن فضّال از ابی البختری که امام صادق علیه السّلام فرمود: حرفی را به آدم کر فهمانیدن- که با اخم و ناراحتی توأم نباشد- صدقه گوارائی است.

(۲) ۶- موسی بن ابی الحسن، از امام رضا علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: بنی اسرائیل- برای چند سال پی در پی- به خشکسالی سختی گرفتار شدند، زنی لقمه نانی داشت، همین که آن را در دهان گذاشت تا بخورد، فقیری فریاد برآورد که: ای کنیز خدا! من گرسنه ام، زن با خود گفت: در چنین موقعی بهتر است آن را صدقه دهم، و لقمه را از دهان خود بیرون آورد و به آن فقیر داد. پسر خردسال آن زن که برای جمع آوری هیزم (برای سوخت) به صحرا رفته بود ناگهان گرگی به او حمله ور شد و او را با خود برد، غوغائی بلند شد، و آن زن به دنبال گرگ دوید، (در این هنگام) خداوند

تبارک و تعالی جبرئیل علیه السّلام را فرستاد، و آن کودک را از دهان گرگ بیرون کشید و به مادرش داد و گفت: ای کنیز خدا! آیا راضی شدی؟ این لقمه به جای آن

لقمه.

(۱) ۷- فضیل بن عثمان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که صدقه بدهد، چه در روز یا در شب، خداوند او را از غم و غصه، و گرفتار شدن در چنگ درنده، و مرگ بد محفوظ می دارد «۱».

(۲) ۸- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: صدقه دادن از مرگ بد جلوگیری می کند.

(۳) ۹- عبد الرحمن بن زید بن اسلم تنوخی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: زمین قیامت همه آتش است، به غیر از سایبان مؤمن، که صدقه او بر او سایه می افکند.

---

(۱) منظور از مرگ بد، مرگ غیر طبیعی و توأم با زجر است مانند زلزله و سیل و غرق شدن و مانند اینها.

(۱) ۱۰- حسن بن علیّ بن یقطین از برادرش حسین، و او از پدرش نقل می کند که شخصی از امام موسی بن جعفر علیه السّلام پرسید: کسی که دارای مال است، اگر آن را صدقه دهد بهتر است یا با آن بنده ای را بخرد (و در راه خدا آزاد کند)؟ فرمود:

صدقه دادن را بیشتر دوست دارم.

(۲) ۱۱- اسحاق بن غالب از شخصی نقل کرده است که امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: نیکی کردن و صدقه دادن تنگدستی را از بین می برد، و عمر را طولانی می سازد، و هفتاد مرگ بد را

از کسی که این دو عمل را بجا آورد دور می سازد.

(۳) ۱۲- جابر از امام محمد باقر علیه السّلام نقل کرده است که امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمود:

روزی یک دینار صدقه دادم، رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به من فرمود: یا علی! آیا می دانی که صدقه از دستهای مؤمن بیرون نمی آید مگر آنکه او از وسوسه های هفتاد شیطان رها می شود که همگی او را از این کار باز می دارند و به او می گویند: این کار را مکن، و

پیش از آنکه صدقه در دست شخص نیازمند قرار گیرد، در دست پروردگار بزرگ قرار خواهد گرفت؟! آنگاه این آیه را تلاوت فرمود: «آیا می دانند که خداوند توبه بندگان خود را می پذیرد و صدقه ها (ی آنان را) را می گیرد، و براستی که او بسیار توبه پذیر و مهربان است».

(۱) ۱۳- ابو بصیر، از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: اگر حج خانه خدا را بجای آرم بهتر از آن است که یک بنده را (در راه خدا) آزاد کنم- و تا ده بنده را شمرد- و بعد ده تا ده تا اضافه کرد تا به هفتاد حج رسید، و فرمود: (ولی) اگر به افراد یک خانواده مسلمانی کمک کرده، و آنها را سیر کنم، و بپوشانم، و آبروی آنها را نگه دارم، نزد من محبوب تر است از رفتن به یک حج و یک حج و یک حج، تا ده حج بر شمرد، و سپس ده تا ده تا (به آن افزود) تا به هفتاد حج رسید.

(۲) ۱۴- ابی نهشل

از مردی نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: اگر هشتاد نفر در کار خیری با هم اقدام کنند، هر یک از آنان به ثواب می رسند بی آنکه از ثواب دیگران کاسته شود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۶۴

(۱) ۱۵- عبد الاعلی از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

بهترین صدقه، صدقه ای است که دهنده آن بی نیاز باشد (و خود نیازمند کمک نباشد).

(۲) ۱۶- ابو بصیر نقل کرده است که از امام محمد باقر علیه السّلام یا امام صادق علیه السّلام پرسیدم:

کدام صدقه دادن برتر است؟ حضرت فرمود: صدقه دادن شخص کم بضاعت، مگر نشنیدی که خداوند بزرگ می فرماید (در سوره حشر آیه ۹): «دیگران را بر خویشتن مقدم می دارند گر چه خود نیازمند و تنگدست باشند» آیا (در این آیه) فضیلتی (برای کسانی که ایثار می کنند) نمی بینی؟! (۳) ۱۷- عبد اللّه بن سنان نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: با دست خود صدقه دادن، مرگ بد و هفتاد نوع بلا را دور می سازد، و او را از وسوسه های هفتاد شیطان که همگی به او دستور می دهند که این کار را مکن، می رهاند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۶۵

(۱) ۱۸- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام نقل کرده است که از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم پرسیدند: کدام صدقه برتر است؟ فرمود: صدقه دادن به خویشاوندی که با انسان دشمنی بورزد.

(۲) ۱۹- خلف بن حمّاد از شخصی

که از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود:

کسی که در ماه رمضان صدقه دهد، خداوند هفتاد نوع بلا را از او دور می سازد.

(۳) ۲۰- عمر بن یزید نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام پرسیدند: آیا صدقه دادن به فقیرانی که بر در خانه ها می آیند بهتر است یا به خویشاوندان؟ حضرت فرمود: نه، بهتر آن است که صدقه را برای خویشان خود بفرستد، و این اجر و پاداش بیشتری دارد.

(۴) ۲۱- عبد اللَّه بن سلیمان نقل کرده است: وقتی روز عرفه فرا می رسد، امام محمد باقر علیه السّلام هیچ سائلی را رد نمی کرد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۶۶

(۱) ۲۲- جابر از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: پاداش عمل نیک و کیفر عمل بد در روز جمعه چند برابر است.

(۲) ۲۳- عبد اللَّه بن سنان روایت کرده است که فقیری در یکی از شبهای جمعه از امام صادق علیه السّلام درخواست کمک کرد، (ولی) حضرت چیزی به او نداد و او رفت، آنگاه رو به اهل مجلس خود کرد و فرمود: چیزی داشتیم که به این فقیر بدهیم، ولی صدقه در روز جمعه ثوابش چند برابر می شود (و خواسته او را فردا بر آورده خواهیم کرد).

ثواب صدقه پنهانی

(۳) ۱- ابو اسامه از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که امام زین العابدین علیه السّلام می فرمود:

صدقه پنهانی خشم خدا را فرو می نشاند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۶۷

ثواب صدقه آشکارا

(۱) ۱- عمر بن یزید از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: صدقه آشکارا هفتاد نوع بلا را (از آدمی) دفع می کند، و صدقه پنهانی خشم خداوند را فرو می نشاند.

ثواب صدقه شب

(۲) ۱- عبد اللَّه بن سنان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: دادن صدقه به هنگام شب، مردن بد و هفتاد گونه بلا را دور می گرداند.

(۳) ۲- ابو اسامه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که امام زین العابدین علیه السّلام می فرمود:

به هنگام شب صدقه دادن موجب فرو نشاندن خشم خداوند است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۶۸

ثواب صدقه روز

(۱) ۱- عمرو بن خالد می گوید که: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: صدقه دادن در روز گناه را ذوب می کند آن گونه که آب نمک را ذوب می کند، و به راستی که صدقه دادن در شب (آتش) خشم خدا را فرو می نشاند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۶۹

(۱) ۲- معلّی بن خنیس نقل می کند که: در یک شب بارانی، امام صادق علیه السّلام به طرف سایبان بنی ساعده روانه شد و من هم به دنبال آن حضرت به راه افتادم، در همین اثناء چیزی از دست آن حضرت بر زمین افتاد، پس فرمود: بنام خدا، خدایا! به من بر گردان. راوی می گوید که: من نزد حضرت پیش رفتم و سلام کردم، حضرت فرمود:

معلّی! تویی؟! عرض کردم: آری، فدایت شوم. فرمود: با دستان خود بگرد! (چون شب بوده و هوا تاریک، و بایستی با مالیدن دست به روی زمین به دنبال گمشده گشت) اگر چیزی پیدا کردی آن

را به من بده، راوی گفت: جستجو کردم تا نانی را که پخش شده بود پیدا کردم، و هر چه می یافتم به آن حضرت می دادم تا سرانجام کیسه ای که همراه امام بود پر از نان شد. عرض کردم: فدایت شوم! اجازه بده تا من به جای شما کیسه نان را بردارم، فرمود: نه! من به این کار سزاوارترم، ولی تو به همراه من بیا! راوی گفت: به سایبان بنی ساعده که رسیدیم در آنجا جمعی را دیدیم که خوابیده بودند، حضرت شروع کرد (به تقسیم نانها) و در زیر لباس و یا بر بالین هر یک از آنها یک یا دو قرص نان گذاشت تا نفر آخر و بعد برگشتیم. من به حضرت عرض کردم:

فدایت شوم! آیا اینها حق را می شناسند؟ (آیا به خداوند و رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و امامت شما ایمان دارند؟) فرمود: چنانچه حق را می شناختند، ما نمک را نیز به آنها

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۷۰

می دادیم، براستی که خداوند هیچ چیزی را نیافرید مگر آنکه برای او انبار داری را مقرر فرمود تا آن را انبار کند، به غیر از صدقه که پروردگار تبارک و تعالی خود متولّی و مباشر و خزانه دار آن شده است، و پدرم هر گاه چیزی را به مستمندی صدقه می داد، آن را از او می گرفت و می بوسید و می بوئید و باز آن را به او می گرداند، زیرا صدقه پیش از رسیدن به دست مستمند، در دست خدا قرار می گیرد، پس به این سبب من دوست دارم آنچه که در دست خدا قرار گرفته است آن

را ببوسم و ببویم سپس آن را به صاحبش بازگردانم، براستی که صدقه دادن در شب خشم الهی را فرو می نشاند، و گناهان بزرگ را پاک می کند و کار حساب را (بر کسی که چنین کند) آسان می گرداند، و صدقه دادن در روز، مال را افزون و عمر را طولانی می کند، و همانا حضرت عیسی علیه السّلام روزی از کنار دریا گذر کرد، قرص نانی در آب انداخت، یکی از یارانش (حواریّون) گفت: یا روح اللَّه و کلمه اللَّه! چرا چنین کردی؟! این غذای تو بود! حضرت عیسی علیه السّلام پاسخ داد: این کار را کردم تا یکی از جانوران دریائی آن را بخورد، و همانا ثواب این در نزد خدای عزّ و جل، بسیار است.

دعای مستمند در حقّ کسی که به او صدقه می دهد

(۱) ۱- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که امام زین العابدین علیه السّلام فرمود: هیچ

شخصی نیست که به مستمند ناتوانی صدقه بدهد و آن مسکین در همان وقت برای او دعا کند مگر اینکه دعایش (در حقّ او) مستجاب گردد.

ثواب مهلت دادن به بدهکار تنگدست

(۱) ۱- سدیر از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: در روز قیامت عدّه ای در زیر عرش برانگیخته می شوند که رخسارشان و جامه های آنان از نور است، و بر جایگاههایی از نور می نشینند، و مردم به آنها نظر می کنند و (با خود) می گویند: اینها پیامبران الهی هستند! و در این هنگام هاتف غیبی از عرش ندا می کند که: اینان از پیامبران نیستند، پس مردم می گویند: از شهدایند، باز هاتف غیبی ندا می کند که:

اینان از شهدا نیستند، بلکه گروهی هستند که بر مؤمنان آسان می گرفتند، و بدهکاران تنگدست را مهلت می دادند تا وضع مالی آنها بهبود یابد.

ثواب کسی که بدهی مؤمنی را ببخشد

(۱) ۱- ابراهیم بن عبد الحمید می گوید که: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: عبد الرحمن بن سیابه از مردی طلبی داشت و آن شخص مرد، و ما از او خواستیم تا طلب خود را به او ببخشد، اما او قبول نکرد. حضرت فرمود: وای بر او! مگر نمی داند که اگر بدهی خود را به او ببخشد خداوند به ازای هر درهمی، ده درهم نصیبش خواهد کرد، و اگر نبخشد (در روز قیامت) به ازای هر درهمی فقط یک درهم خواهد گرفت؟!

ثواب کسی که آبروی برادر مسلم خود را حفظ کند

(۲) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که آبروی

برادر مسلمان خود را حفظ کند مسلّما بهشت برای او واجب می شود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۷۳

ثواب کسی که حاجت برادر خود را برآورده کند، یا گرفتاری او را برطرف سازد، یا او را یاری نماید بر دشمن، یا تلاش در برآوردن حاجتش کند، یا تشنگی و یا گرسنگی و یا برهنگی او را برطرف سازد، یا او را با مرکبش بردارد، یا او را بی نیاز گرداند، یا او را کفن کند، یا او را تزویج نماید، یا او را در بیماریش عیادت کند

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۷۴

(۱) ۱- ابو حمزه ثمالی از امام زین العابدین علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که حاجت برادر ایمانی خود را برآورد به برآوردن حاجت خداوند شروع کرده، و خدا صد حاجت او را برآورده می کند که یکی از آنها بهشت است؛ و کسی که گرفتاری او را برطرف سازد، خداوند تمام گرفتاریهای روز قیامت را از او دور می کند، هر اندازه که باشد؛ و کسی که او را بر علیه دشمنش یاری کند، خداوند او را در عبور از پل صراط یاری خواهد کرد هنگامی که قدمها به لغزش در می آیند؛ و کسی که در انجام خواسته او تلاش کند تا آن را برآورده کند و او را شادمان سازد، به منزله آن است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را شادمان کرده باشد؛ و کسی که او را سیراب کند، خداوند از شربت سر به مهر بهشتی او را سیراب خواهد ساخت؛ و کسی که او را اطعام کرده و گرسنگی او را چاره کند، خداوند از میوه های بهشتی به او عطا فرماید؛ و کسی که برهنگی او را بپوشاند، خداوند بر اندام او از جامه های استبرق و ابریشمین بهشتی خواهد پوشاند، و کسی که او را با آنکه برهنه

نیست بپوشاند، همواره در پناه خدا خواهد بود تا زمانی که از آن جامه تار و پودی باقی باشد؛ و کسی که او را از آنچه که باعث خواری و سرشکستگی اوست نجات دهد، و آبرویش را حفظ کند و به یاری او بشتابد، خداوند ولدان مخلّدین را در بهشت به خدمت او خواهد گمارد؛ و کسی

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۷۵

که او را با مرکبش بردارد خداوند او را در روز قیامت سوار بر ناقه بهشتی به محشر درآورد، به گونه ای که بر فرشتگان ببالد؛ و کسی که او را پس از مرگ کفن کند، مانند این است که بدن او را از روزی که به دنیا آمده تا روزی که از دنیا رفته است پوشانده باشد؛ و کسی که برای او همسری برگزیند که مایه انس و آرامش خاطر او شود، خداوند او را در قبر با محبوب ترین بستگانش مأنوس می سازد؛ و کسی که به هنگام بیماری از او عیادت کند، فرشتگان اطراف او را می گیرند و در حقّ او دعا می کنند تا زمانی که (به خانه خود) باز گردد، و به او می گویند: خوشا بر تو! و بهشت بر تو خوش باد.

و فرمود: بخدا سوگند برآوردن درخواست و نیاز برادر مؤمن در پیشگاه الهی، از دو ماه روز و اعتکاف متوالی در ماه حرام محبوب تر است.

ثواب دیدار و دست دادن با برادران و در آغوش گرفتن آنان

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۷۶

(۱) ۱- اسحاق بن عمّار صیرفی نقل کرده است که: در کوفه بودم و برادران دینی بسیاری به دیدن من می آمدند، (ولی) من دوست نداشتم که مشهور باشم و می ترسیدم که

راز شیعه بودن من فاش گردد، لذا به کسی که خدمت مرا می کرد دستور دادم که به هر کس که به دیدار من بیاید بگوید: او اینجا نیست! اسحاق می گوید که: آن سال را به حج رفتم و امام صادق علیه السّلام را زیارت کردم، در سیمای مبارک آن حضرت آثار بی اعتنائی و ناراحتی نسبت به خود احساس کردم، عرض کردم: فدایت شوم! چه چیز موجب این تغییر رفتار شما نسبت به من شده است؟! فرمود: همان چیزی که رفتار تو را نسبت به برادران دینی تو تغییر داد. عرض کردم: فدایت گردم! من تنها از

اینکه راز من فاش شود (و دشمنان بدانند که از شیعیانم) با آنان چنان رفتاری داشتم، و خدا می داند که من چقدر آنها را دوست دارم. حضرت فرمود: ای اسحاق! از دیدار برادرانت دلتنگ مشو که هر گاه مؤمنی، برادر مؤمن خود را ملاقات کند و به او خوشامد بگوید، خداوند تا روز قیامت در نامه اعمال او درود و مرحبا می نویسد، و هنگامی که با وی مصافحه کند خداوند در میان دو انگشت ابهام آن دو یک صد رحمت خود را فرود می آورد که نود و نه قسمت آن از آن کسی است که علاقه و دوستی بیشتری نسبت به دوست خود داشته باشد، و خداوند با نظر رحمت آمیز و مهربان خود به آنها نگاه می کند، و آن که رفیق خود را بیشتر دوست داشته باشد از نظر حضرت حق بیشتر فیض می گیرد. و هنگامی که همدیگر را در آغوش بگیرند، رحمت خداوندی آنها را فرا می گیرد، و

اگر این دیدار مدّتی به درازا کشد و (در این دیدار فقط) رضای خداوندی را جویا باشند، نه (سامان بخشیدن به) امور دنیوی، به آنان خطاب می شود که: خداوند گناهان گذشته شما را آمرزید، از این پس، عمل خود را از سر بگیرید. و چون به احوالپرسی از یک دیگر بپردازند، فرشتگان (نگهبان آنان) به هم گویند: کنار بروید که این دو با هم رازی دارند که خداوند پنهان ماندن آن را اراده فرموده است.

اسحاق می گوید: به حضرت عرض کردم: فدایت گردم! چگونه است که فرشتگان از ما دور باشند و آنچه می گوییم (به هنگام احوالپرسی) در نامه اعمال ثبت نمی شود، در حالی که خداوند عزّ و جل (در سوره ق، آیه ۱۸) می فرماید: «هیچ سخنی را بر زبان نمی آورد مگر آنکه فرشتگان مراقب در کمین اویند»؟ راوی می گوید: پس

فرزند رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم آه (سردی) از دل کشید و آنقدر گریست که اشک بر محاسن مبارک حضرت جاری شد، و (در آن حال به من) فرمود: ای اسحاق! براستی که خداوند تبارک و تعالی چون به فرشتگان (نگهبان) فرمان می دهد: زمانی که این دو مؤمن یک دیگر را ملاقات می کنند (و با هم به صحبت می پردازند) از آن دور شوید، برای احترام و بزرگداشت آنهاست، پس اگر فرشتگان کلام آنها را ننویسند و نفهمند، مسلّما آن که حافظ و نگهبان آنهاست که داننده هر راز و آنچه نهانتر است همه آنها را خواهد دانست. ای اسحاق! از خدا بترس به طوری که گویا او را می بینی، و اگر تو

او را نبینی، مسلّما او تو را می بیند، و اگر خیال کنی که خداوند تو را نمی بیند مسلّما (نسبت به او) کافرشده ای، و اگر بدانی که او تـو را می بینـد و گناهـان خود را از آفریـده هـای او پنهـان می کنی ولی در محضـر او (به گناهـان خود اقرار) و آنهـا را آشکار می سازی، در چنین صورتی، خداوند را در حدّ پائین ترین کسانی که ناظر بر اعمال تواند قرار داده ای.

ثواب کمک و یاری به برادر مؤمن

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۷۹

(۱) ۱- ابراهیم بن عمر یمانی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هیچ مؤمنی نیست که مؤمن ستمدیده ای را یـاری کنـد، مگر آنکه (ثواب) این عمـل، از روزه و اعتکاف یک ماه در مسـجد الحرام برتر است، و هیـچ مؤمنی نیست که توان یـاری کردن برادر خود داشـته باشـد و او را یـاری کنـد مگر آنکه خداونـد او را در دنیـا و آخرت یاری می کنـد، و هیچ مـؤمنی نیست که توان یـاری کردن برادر خود داشـته باشـد و او را به حـال خود رهـا سـازد مگر آنکه خداونـد او را در دنیـا و آخرت به خود واگذارد. «۱» (۲) ۲- ابو الورد از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: اگر نزد کسی نسبت به برادر دینی او بدگوئی کنند و او به دفاع و یاری او برخیزد، خداوند در دو جهان او را یاری می کند؛ و اگر نزد کسی نسبت به برادر ایمـانی او غیبت کننـد و او در صورت توانـائی به دفـاع از برادر دینی خود نـپردازد، خداونـد در دو سـرا او را (در نظر مردم) ذلیل

و خوار گرداند.

---

(۱) ثواب عبادتهایی از قبیل حج و نماز و روزه مستحبّی مستقیما متوجه شخص می گردد و می توان گفت که در این قبیل عبادتها بیشتر نفع شخصی مطرح است تا نفع دیگران، ولی در اعمال نیکی چون کمک به برادران ایمانی و دفاع از حریم حرمت آنان، در وهله اول منفعت به دیگران مورد نظر است و لذا می بینیم که ثواب این قبیل اعمال بر ثواب عبادت مستحبّی دیگر پیشی می گیرد و این کاملا طبیعی است و خداوند کسی را که آبرو و اعتبار خود را به خاطر دیگران به خطر می اندازد، بسیار دوست دارد.

ثواب میانجیگری و آشتی میان دو نفر

(۱) ۱- ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که امیر مؤمنان علی علیه السّلام می فرمود: اگر میان دو نفر به منظور اصلاح و آشتی، میانجیگری کنم در نظر من از دو دینار صدقه دادن برتر است؛ رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم می فرمود: اصلاح بین مردم از هر نماز و روزه (مستحبّی) بهتر و گرانقدرتر است.

ثواب کسی که به فریاد برادر مسلمان خود برسد

(۲) ۱- أسید بن حضیر از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: کسی که به داد برادر مسلمان خود برسد و او را از غم و غصه و گرفتاری برهاند، خداوند ده حسنه در نامه اعمال او می نویسد، و ده درجه (مقام و منزلت) او را بالا می برد، و ثواب

آزاد کردن ده بنده را (در راه خدا) به او کرامت می کند، و ده گونه کیفر و عقوبتی از او دور می سازد، و ده شفاعت را در آخرت برای او مهیّا می فرماید.

ثواب سخن محبّت آمیز با برادر مسلمان خود

(۱) ۱- جعفر بن ابراهیم از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

کسی که با سخن محبّت آمیز، برادر مسلمان خود را مورد لطف و محبت قرار دهد و غم و غصه او را برطرف سازد، تا زمانی که به این کار مشغول است در زیر سایه رحمت گسترده خداوند قرار خواهد داشت.

ثواب کسی که به فریاد برادر ستمدیده اش برسد و او را در برآوردن حاجتش کمک کند

(۲) ۱- زید شحّام نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: کسی که به

داد ستمدیده اندوهگینی برسد و بار اندوه را از دل او بردارد و در برآوردن حاجتش کمک کند، در پیشگاه حضرت حق هفتاد و دو رحمت خواهد داشت، که با یک رحمتی (از آن رحمتها) زندگانی او را در دنیا اصلاح نموده، و هفتاد و یک رحمت دیگر را برای آخرت او ذخیره می کند تا از هراس و وحشت آن روز در امان باشد.

ثواب کسی که غم و غصه را از مؤمنی دور کند

(۱) ۱- مسمع کردین روایت کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: کسی که غم و غصه را از دل مؤمنی بردارد خداوند همه اندوهها و گرفتاریهای آخرت را از او دور کند و او را با دلی آرام از قبر برانگیزد، و کسی که او را اطعام کرده و گرسنگی او را چاره کند، خداوند از میوه های بهشتی به او بخوراند، و کسی که با جرعه آبی تشنگی او را برطرف سازد، خداوند از شربتهای سر به مهر بهشتی سیرابش سازد.

ثواب کسی که مؤمنی را شادمان کند

(۱) ۱- ابو حمزه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که مؤمنی را شادمان کند، خداوند او را در روز قیامت شادمان می سازد، و به او خطاب می شود که: هر چه دوست داری از خداوند بخواه! زیرا که تو دوست داشتی دوستان خدا را در دنیا مسرور کنی، پس هر آنچه از خدا

بخواهـد، به او کرامت کنـد، و خداونـد بیشتر از آنچه درخواست کرده است به او می دهد به حدّی که هرگز تصوّر آن را هم نمی کرده است.

ثواب کسی که خانواده ای را مسرور کند

(۲) ۱- لوط از اسحاق، و او از پـدرش از جدّش روایت کرده که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: هیچ بنده ای نیست که خانواده مؤمنی را شادمان کنـد مگر آنکه خداونـد از آن شادی و سرور، مخلوقی را می آفریند که در روز قیامت به هنگام هر پیشامد سخت به او می گوید: ای دوست خدا مترس، و او می پرسد: تو کیستی خدا تو را رحمت

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۸۴

کند که اگر دنیا از آن من بود، آن را در ازای پاداش (محبّت) تو ناچیز می دیدم؟! پاسخ می دهد: من همان سروری هستم که تو (در دنیا) به فلان خانواده ارزانی داشتی.

ثواب شاد کردن برادر مؤمن

(۱) ۱- سـدیر صـیرفی در یـک حـدیث طولاـنی از امام صادق علیه السّـلام روایت کرده است که فرمود: هنگامی که خـداوند مؤمن را از قبر بر می انگیزد، همراه او تمثالی که پیشاپیش او به راه می افتـد از قبر خارج می شود، و چون آن شـخص مؤمن با یکی از دشواریهای ترسـناک روز قیامت روبرو شود، آن تمثال به او می گویـد: انـدوهگین و پریشان مباش! و تو را به شادی و بزرگـداشت خداونـدی بشـارت باد؛ و پیوسـته چنین باشـد تا آنکه در پیشـگاه خداونـد بایسـتد، آنگاه خداونـد به آسانی از او حساب می کشد، و فرمان می دهد

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۸۵

که او را بسوی بهشت ببرند، در حالی که آن تمثال

در پیش روی مؤمن قرار دارد، و مؤمن به او می گوید: رحمت حق بر تو باد! تو چه خوب همدمی بودی که با من از قبر (تا به اینجا) همراه شدی و همواره مرا به شادی و کرامت بشارت دادی، به آنچه که مژده می دادی، دست یافتم، اکنون (به من بگو که) تو کیستی؟ و تمثال در جواب مؤمن می گوید: من همان شادمانی و سروری هستم که تو (در دنیا) به برادر دینی خود ارزانی داشتی، خداوند مرا از آن شادمانی و سرور آفرید تا تو را شادمان کنم. «۱»

ثواب کسی که مؤمنی را با صدقه سیر کند

(۱) ۱- حسین بن یزید بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: اگر به مسلمان (گرسنه ای) صدقه دهم به اندازه ای که سیر شود، در پیش من محبوبتر از اینکه افقی از مردم را سیر کنم؛ راوی می گوید که پرسیدم: افق چیست؟ فرمود: صد هزار نفر یا بیشتر.

---

(۱) یکی از نمونه های بارز تجسّم اعمال، همین روایت است و آن را باید برای همیشه به خاطر سپرد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۸۶

ثواب کسی که لقمه حلوائی به خورد مؤمنی بدهد

(۱) ۱- داود رقّی از همسرش رباب نقل کرده است که: روزی حلوائی از خرما و روغن آماده کرده و آن را به خدمت امام صادق علیه السّلام بردم، هنگامی بر آن حضرت وارد شدم که (با یاران خود) مشغول خوردن غذا بود، حلوا را تقدیم حضرت کردم و آن حضرت با دست مبارک خود، حلوا را لقمه می کرد و به یاران خود می داد، پس شنیدم که می فرمود: کسی که لقمه حلوائی به خورد مؤمنی بدهد، خداوند تلخی روز قیامت را از او برمی دارد.

ثواب کسی که نیمخورده مؤمنی را بیاشامد

(۲) ۱- محمد بن اسماعیل- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از یکی از ائمه علیهم السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که نیمخورده مؤمنی را بعنوان تبرّک بیاشامد،

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۸۷

خداوند فرشته ای در میان آن دو می آفریند که تا روز قیامت برای آنان طلب آمرزش کند.

(۱) ۲- عبد اللَّه بن سنان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: در نیمخورده مؤمن، شفای هفتاد بیماری است.

ثواب کسی که برادر دینی خود را برای رضای خداوند مورد لطف قرار دهد

(۲) ۱- زیـد بـن ارقـم روایت کرده است که رسـول خـدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم فرمـود: بنـده ای نیست که برای رضـای خداوند برادر دینی خود را مورد لطف قرار دهد، مگر آنکه خداوند (در آخرت) خادمی از خادمان بهشتی را به خدمت او می گمارد.

ثواب کسی که در راه خدا برای خود برادری برگزیند

(۳) ۱- محمد بن زید روایت کرده است که از امام رضا علیه السّلام شنیدم که می فرمود: کسی که

در راه خدا برای خود برادری برگزیند، خانه ای در بهشت برای خود انتخاب کرده است.

ثواب کسی که برادر خود را ملاقات کند با آنچه او را شادمان نماید تا او را مسرور سازد

(۱) ۱- ربیع بن صبیح- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از رسول خدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم روایت کرده است که فرمود: کسـی که برادر خود را با آنچه او را شادمان کنـد ملاقات نمایـد تا او را مسـرور سازد، خداونـد در روز قیامت او را خوشـحال می سازد؛ و کسـی که برادر خود را با آنچه او را ناراحت سازد ملاقات نمایـد تا او را ناراحت کنـد، خداوند در آن روزی که او را ملاقات می کند (در قیامت) او را ناراحت خواهد کرد.

ثواب معطّر کردن مسلمان

(۲) ۱- بشیر دهّان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: کسی که مسلمانی را معطّر کند،

خداوند در روز قیامت به ازای هر تار مویی، نوری را برای او منظور می فرماید.

ثواب کسانی که در راه خدا دوستی کنند

(۱) ۱- حسن بن علی بن فضّال از امام رضا علیه السّـلام روایت کرده است که فرمود: کسانی که در راه خـدا دوستی کنند، در روز قیامت بر منبرهائی از نور قرار می گیرند که نور رخسار و اندام و منبرهای آنان همه محشر را منوّر می کند، تا دانسته شود که اینان در راه خدا دوستدار یک دیگرند.

ثواب کسی که از درّه ای عبور کند و خدا را به یاد آرد

(۲) ۱- سـکونی از امـام صادق علیه السّـلام، و آن حضـرت از پـدران بزرگوارش از امیر مؤمنان علی علیه السّـلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: هیچ بنده ای نیست که از

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۹۰

درّه ای بگـذرد و دسـتهایش را بگشاید و خدا را دعا کند، مگر آنکه خداوند آن درّه را به هر اندازه ای که باشد برای او پر از حسنات می کند.

ثواب تلاوت آیه إِنَّ اللَّهَ یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا به هنگام خواب

(۱) ۱- عبـاس بن هلال شـامی از امام رضا علیه السّـلام، و آن حضـرت از پـدر بزرگوارش علیه السّـلام روایت کرده است که فرمود: هرگز کسـی به هنگام خواب آیه «براستی که خداوند، آسمانها و زمین را نگاه می دارد تا (از مدار خود) خارج نشوند، و اگر (از مـدار خود) رها گردنـد، جز او که می توانـد آنها را نگاه دارد؟ براستی که او بردبار و آمرزنـده است» تلاوت نکرده است که خانه بر سر او خراب شود.

ثواب خواندن این دعا به هنگام اذان صبح و اذان مغرب

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۹۱

(۱) ۱- عباس، غلام امام رضا علیه السّـلام از آن حضـرت روایت کرده است که فرمود: کسی که اذان صبح را بشنود و بگوید: «بـار الهـا! تو را به آمـدن روز و رفتن شـبت، و فرا رسـیدن وقت نمازهـایت، و زمزمه های کسانی که تو را می خواننـد (و با تو مناجـات می کننـد)، سوگنـد می دهم که توبه مرا بپـذیری، چرا که تو بسـیار توبه کننـده و مهربـانی». و همین دعـا را به هنگام شنیدن اذان مغرب نیز بخواند و در همان روز یا همان شب از دنیا برود با توبه قبول شده به دیدار حق شتافته است.

ثواب کسی که خدا را دعا کند با اینکه بداند سود و زیان در دست اوست

(۲) ۱- سوره بن کلیب از امام صادق علیه السّـلام، و آن حضـرت از رسول خدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که خداوند بزرگ می فرماید: کسی که مرا دعا کند، و بداند (باور داشته باشد) که تنها منم که سود و زیان می رسانم، نیاز او را برمی آورم.

ثواب خواندن این دعا به هنگام خواب

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۳۹۲

(۱) ۱- بکر بن محمد از امام صادق علیه السّـلام روایت کرده است: کسی که به هنگام آرمیدن در بستر سه بار «حمد و سپاس خدایی را سـزاست که بر همه چیز برتری جست و همه را مقهور خود ساخت، و حمد و سـپاس خدایی را سزاست که غایب از انظار است و خبر از همه چیز دارد، و حمد و سـپاس خدایی را سزاست که مردگان را زنده می کند و زندگان را می میراند، و او بر انجام هر چیزی تواناست» را بخواند از گناهانی که کرده است پاک می شود مانند روزی که از مادر زاده شده است.

ثواب دعای مسلمان در غیاب برادر مسلمانش

(۲) ۱- معاویه بن عمّار از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: دعای مسلمان در غیاب برادر مسلمانش، گشایش روزی را برای دعاکننده به همراه دارد، و بلا را از او دور می گرداند، و فرشتگان به او می گویند: دو برابر آنچه برای برادرت خواستی برای تو است.

ثواب درود و سلام بر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و ثواب دوست داشتن او

(۱) ۱- عاصم بن ضمره از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: فرستادن صلوات بر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم گناهان را از بین می برد بهتر از آبی که آتش را نابود می سازد؛ و سلام کردن بر آن جناب از آزاد کردن چندین بنده (در راه خدا) برتر است؛ و دوست داشتن آن حضرت از قربانی کردن جانها، یا فرمود: از شمشیر زدن در راه خدا، برتر است.

ثواب کسی که یک بار بر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم صلوات بفرستد

(۲) ۱- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هنگامی که نام رسول

خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم برده شود، بر آن حضرت صلوات بسیار بفرستید، زیرا کسی که یک صلوات بر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم بفرستد، خداوند هزار بار و در هزار صف از فرشتگان بر او صلوات می فرستد، و (در چنین شرایطی) هیچ آفریده ای از آنچه خدا آفریده است باقی نمی ماند مگر آنکه- به خاطر صلوات خدا و فرشتگانش- بر او صلوات خواهد فرستاد، و هیچ کس از این همه اجر و پاداش سر باز نمی زند مگر کسی که نادان و مغرور است، که خدا و رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم از او بیزارند.

ثواب کسی که خدا را به حق محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و خاندانش علیهم السّلام بخواند

(۱) ۱- جابر از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: همانا بنده ای هفتاد خریف- که هر خریفی هفتاد سال است- در جهنم ماند، آنگاه از خدا خواست بحقّ

محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و اهل بیتش علیهم السّلام که بر او رحم کند، پس خداوند به جبرئیل وحی فرمود که: فرود آی و بنده مرا از آتش رهائی بخش. جبرئیل عرض کرد: پروردگارا! چگونه در آتش بروم؟! خداوند به او فرمود که: من به آتش فرمان دادم که بر تو سرد و سلامت باشد، جبرئیل عرض کرد: پروردگارا! مرا از جای او آگاه ساز، خداوند فرمود: در چاهی که در «سجّیل» است. پس جبرئیل در آتش دوزخ

فرود آمد و او را بیرون آورد؛ آنگاه خداوند به بنده گنهکار خود خطاب کرد که: ای بنده من! چه مدّتی در آتش بودی؟ جواب داد: پروردگارا! نمی دانم؛ خداوند متعال فرمود: بعزّتم سوگند که اگر مرا به آنچه خواندی، نمی خواندی، مدّت اقامت و ذلّت تو را در آتش بسیار طولانی می کردم، ولی من بر خودم لازم نموده ام که اگر بنده ای مرا بحقّ محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و آلش علیهم السّلام بخواند، از آنچه در میان من و اوست (از گناهان و نافرمانیهای او) درگذرم، و امروز تو را (به همین خاطر) آمرزیدم.

ثواب صلوات فرستادن بر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم

(۱) ۱- ابو البختری از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: در روز قیامت، من نزد ترازوی اعمال قرار

می گیرم، کسی که (میزان) گناهانش از کارهای نیکی که انجام داده است بیشتر باشد، آن صلواتهایی را که بر من نثار کرده است می آورم تا کفه حسناتش را سنگین تر کنم.

(۱) ۲- عبد السلام بن نعیم می گوید: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: من داخل خانه خدا (مسجد الحرام) شدم و جز فرستادن صلوات بر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم هیچ دعای دیگری به خاطرم نیامد، حضرت فرمود: کسی از خانه خدا بیرون نیامده است که عملی برتر از عمل تو را انجام داده باشد.

(۲) ۳- حارث اعور روایت کرده است که امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمود: هیچ دعائی به آسمان راه پیدا نمی کند مگر آنکه

بر محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و آل او علیهم السّلام صلوات فرستاده شود.

ثواب کسی که بعد از طلوع فجر صد بار صلوات بفرستد بر محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و آلش علیهم السّلام

(۳) ۱- صباح بن سیابه نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام به من فرمود: آیا می خواهی به

تو چیزی بیاموزم که به خاطر آن خداوند صورت تو را از گرمای آتش دوزخ نگاه دارد؟! عرض کردم: آری! فرمود: پس از طلوع سپیده دم، صد مرتبه بگو: «بار الها! بر محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و خاندان او درود فرست»، خداوند بوسیله آن صورت تو را از گرمای آتش دوزخ حفظ خواهد کرد.

ثواب کسی که بر محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و اهل بیتش علیهم السّلام صلوات بفرستد

(۱) ۱- محمد بن ابی عمیر به نقل از یکی از راویان، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: در برخی از کتابها خواندم که: کسی که بر محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و اهل بیتش علیهم السّلام صلوات بفرستد، خداوند یک صد حسنه برای او می نویسد، و کسی که بگوید:

«بار الها! بر محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و اهل بیت او علیهم السّلام درود فرست» خداوند هزار حسنه برای او می نویسد.

ثواب کسی که در روز جمعه صد بار صلوات بفرستد بر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم

(۱) ۱- محمد بن فضیل از امام رضا علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که در روز جمعه یک صد مرتبه صلوات بر من بفرستد، خداوند شصت حاجت او را بر آورد، سی حاجت متعلق به دنیا و سی حاجت متعلق به آخرت است.

ثواب کسی که در تعقیبات نماز صبح و مغرب پیش از آنکه برخیزد یا با کسی صحبت کند، آیه إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ ... تا آخر آیه را بخواند، سپس بر محمد و آلش علیهم السّلام صلوات بفرستد

(۱) ۱- ابن مغیره می گوید که: از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام شنیدم که می فرمود: کسی که پس از نماز صبح و نماز مغرب (در تعقیبات این دو نماز)- پیش از آنکه برخیزد و یا با کسی صحبت کند- بگوید: «براستی که خدا و فرشتگان خدا بر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید (شما هم) بر او صلوات بفرستید و سلام کنید، آن گونه که شایسته است. بار الها! بر محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و خاندان او صلوات فرست».

خداوند یک صد حاجت او را برآورده می سازد، هفتاد حاجت او را در دنیا و سی حاجت او را در آخرت.

راوی می گوید پرسیدم: مراد از صلاه خدا و فرشتگان خدا و مؤمنان چیست؟! فرمود: صلاه خدا: رحمت خداست، و صلاه فرشتگان خدا: به منزله ثنا و ستایش آنها از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم است، و صلاه مؤمنان: دعای آنان در حق اوست. و از اسرار آل محمد- در رابطه با صلوات بر پیغمبر و آلش علیهم السّلام- خواندن این صلوات است:

«بار

الها! بر محمد و دودمانش- از گذشتگان و آیندگان- درود فرست، و در ملإ اعلی

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۰۰

و در میان جمیع پیامبران نیز بر او درود فرست، بار الها! شرف و مهتری و قدر و منزلت والا کرامت فرما. بار الها! من به محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم ایمان آوردم در حالی که آن حضرت را ندیدم، پس در روز قیامت مرا از زیارت او محروم مساز، و همراهی و همنشینی با آن حضرت را نصیب من فرما، و مرا بر دین و کیش او بمیران، و از حوض وی (کوثر) مرا سیراب گردان- آشامیدنی لذیذی که با نوشیدن آن هرگز تشنه نخواهم شد، که تو بر انجام هر چیزی توانائی. بار الها! همچنان که به محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم ایمان آوردم در حالی که آن حضرت را ندیدم، پس طلعت زیبای او را در بهشت به من بشناسان. بار الها! از جانب من، درود فراوانم را به روح محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم برسان» پس اگر کسی این صلوات را سه بار به هنگام صبح و سه بار به هنگام شب بخواند، گناهانش نابود و خطاهایش محو می گردد و شادیش همیشگی خواهد بود، و دعایش به اجابت خواهد رسید، و آرزوهایش تحقّق خواهد یافت، و روزی او افزون می گردد، و به او کمک می شود بر دشمنش، و موجبات انواع خیرها برای او فراهم می گردد، و از همراهان و همنشینان رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در بهشت اعلا خواهد بود.

ثواب کسی که یک سوّم یا نصف یا همه صلوات خود را به رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم اختصاص دهد

پاداش نیکیها و کیفر

گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۰۱

(۱) ۱- مرازم از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: مردی نزد رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم آمد و عرض کرد: یا رسول اللَّه! یک سوّم صلواتم را به تو اختصاص دادم، حضرت فرمود: نیک است. عرض کرد: یا رسول اللَّه! نیمی از صلواتم را به تو اختصاص دادم، حضرت فرمود: این بهتر است. عرض کرد: یا رسول اللَّه! همه صلواتم را به تو اختصاص دادم، حضرت فرمود: در این صورت خداوند تمام امور دنیا و آخرت تو را کفایت می کند. در این هنگام مردی از حضرت امام صادق علیه السّلام پرسید: چگونه صلوات خود را به پیامبر خدا اختصاص می دهد؟ حضرت علیه السّلام فرمود: از خدا هیچ چیزی مسألت نمی کند مگر آنکه اول بر محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و اهل بیت او علیهم السّلام صلوات بفرستد و بعد حاجت خود را از خداوند بخواهد.

ثواب کسی که بعد از صلوات فرستادن بر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم، بر اهل بیت او نیز صلوات بفرستد

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۰۲

(۱) ۱- عبد اللَّه بن سنان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که روزی رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمود: آیا نمی خواهی به تو مژده ای بدهم؟! عرض کردند:

پدرم و مادرم فدای تو گردند، آری! شما که همیشه مژده دهنده به همه خوبیها بوده اید. رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: جبرئیل مرا خبر داد به چیز عجیبی، امیر مؤمنان علی علیه السّلام پرسیدند: یا رسول اللَّه! شما را از چه چیزی با خبر ساخت؟ فرمود: اگر کسی بر

من صلوات بفرستد، و پس از آن بر اهل بیت من نیز صلوات خود را نثار کند، درهای آسمان بر روی او گشوده می شود، و فرشتگان هفتاد بار صلوات بر او می فرستند حتی اگر گنهکار خطاکار باشد، آنگاه گناهان او چون برگ درختان فرو می ریزند، و خداوند تبارک و تعالی به او خطاب می فرماید که: ای بنده من! تو را پذیرفتم، شاد و سعادتمند باش، ای فرشتگان من! شما بر او هفتاد صلوات می فرستید و من هفتصد صلوات، پس اگر تنها بر من صلوات بفرستند و پس از آن بر اهل بیتم صلوات نفرستد، میان صلوات وی و آسمان هفتاد حجاب قرار می گیرد و خداوند بزرگ می فرماید: تو را نمی پذیرم و خجسته و شاد مباش، ای فرشتگانم، دعایش را بالا مبرید تا آنکه در صلوات، اهل بیت رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم را به او ملحق

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۰۳

سازد، و دعای او همچنان (معلّق) خواهد ماند تا وقتی که در صلوات، اهل بیت را به من ملحق کند.

ثواب کسی که پس از نماز روز جمعه بر رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم و خاندان و اوصیای وی صلوات بفرستد

(۱) ۱- حمّاد بن عثمان روایت کرده است که او از امام صادق علیه السّلام پرسید: کدام اعمال در روز جمعه بهتر است؟ حضرت فرمود: صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد یک صد بار پس از نماز عصر، و هر چه بیفزائی بهتر است.

احمد بن ابی عبد اللّٰه می گوید: در روایت عبد اللّٰه بن سیابه و ابو اسماعیل، از ناجیه از یکی از دو امام: (امام محمد باقر یا امام صادق علیهما السّلام) آمده است: چون در روز جمعه نماز را بجای آوردی، این دعا

را بخوان: «بـار الهـا! بهترین درودهـا را بر محمـد و خانـدان و جانشـینان وی بفرست، آنهـائی که مورد رضایت پروردگار قرار گرفته اند، و

بهترین برکتها را بر آنان نازل فرما، و سـلام و درود و رحمت و برکات خداونـد بر او و بر آنها و بر ارواح و بر بـدنهای آنان باد»، که اگر چنین کنی خداوند صد هزار حسـنه در نامه اعمال تو می نویسد، و صد هزار گناه را پاک می کند، و به خاطر آن صـد هزار حاجت تو را برآورده می سازد، و به خاطر آن مقام و منزلت تو را صد هزار درجه بالا می برد.

(۱) ۲- عمّـار بن موسـی ساباطی می گویـد که: در محضـر امام صادق علیه السّـلام بودم که مردی این گونه صـلوات فرسـتاد: «اللّهم صـلّ علی محمـد و اهل بیت محمـد»، حضـرت به او فرمود: ای مرد! بـدرستی که بر ما تنگ کردی! آیا نمی دانستی که اهل بیت همان پنج تن اصحاب کسا هستند؟ آن مرد پرسید: چگونه صلوات بفرستم؟ حضرت فرمود:

ابن بابویه، محمد بن علی - مجاهدی، محمد علی، پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ۱جلد، انتشارات سرور - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۱ش. پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال ؛ ؛ ص۴۰۴

و: «اللّهم صلّ علی محمد و آل محمد» تا شامل ما و شیعیان ما نیز گردد.

ثواب کسی که در یک روز صد بار بگوید «ربّ صلّ علی محمد و اهل بیته»

(۲) ۱- معاویه بن عمّار از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که در یک

روز صد بار «رب صلّ علی محمد و اهل بیته» بگوید،

خداوند صد حاجت او را برآورده سازد، که سی حاجت از آنها متعلق به دنیا و هفتاد حاجت دیگر متعلق به آخرت است.

ثواب کسی که با صدایی رسا بر پیغمبر صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم صلوات بفرستد

(۱) ۱- عبد اللَّه بن سنان از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: با صدای بلند بر من صلوات بفرستید، زیرا که دوروئی و نفاق را از بین می برد.

ثواب کسی که پس از نماز صبح ده مرتبه بگوید «سبحان اللَّه العظیم و بحمده و لا قوّه إلّا باللَّه العلیّ العظیم» و ثواب کسی که در تعقیب هر نماز بگوید «اللهم اهدنی من عندک و افض علیّ من فضلک و انشر علیّ من رحمتک و انزل علیّ من برکاتک»

(۱) ۱- سالم مکّی از امام محمد باقر علیه السّلام نقل کرده است که مردی بنام شیبه هذلی به خدمت رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم شرفیاب شد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! من پیر مردی سالخورده ام، و دیگر توانائی آنچه را که قبلا انجام می دادم- از قبیل نماز و روزه و حج و جهاد- را ندارم، پس ذکری به من تعلیم کن که گفتن آن برای من آسان، و ثوابی بهمراه داشته باشد، حضرت فرمود: آنچه را که گفتی تکرار کن! و آن مرد سالخورده سه بار کلام خود را تکرار کرد آنگاه رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به او فرمود: هر آنچه پیرامون تو را فرا گرفته است- از درخت تا زمین سنگلاخ- همگی از روی شفقت و ترحّم بر حال تو گریستند، هنگامی که نماز صبح خود را بجای آوردی، ده بار بگو «پاک و منزّه است پروردگار بزرگ، و ستایش از آن اوست، و هیچ قدرت و نیروئی نیست مگر آنکه (سرچشمه آن) از خداوند بزرگ و والامرتبه است» تا خداوند تو را از

دچار شدن به کوری و دیوانگی و جذام و تنگدستی و زیر آوار ماندن در امان دارد.

عرض کرد: یا

رسول اللَّه! این برای دنیا، برای آخرت چه کنم؟! فرمود: پس از هر نماز، این دعا را بخوان: «بار الها! مرا خود راهنمایی کن، و از بخشش بیکران خود را مرا بهره مند ساز، و سایه رحمت خود را بر سرم بگستران، و برکات خود را بر من فرو ببار».

امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: پیر مرد پس از شنیدن سخنان رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در حالی که مشت خود را می بست (گویی چیزی در مشت داشت) به راه افتاد، آنگاه رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم رو به یاران خود کرد و فرمود: اگر روز قیامت فرا رسد، و این اذکار را عمدا ترک نکرده باشد، خداوند هشت درب بهشت (تمام دربهای بهشت) را بر روی او می گشاید، تا از هر دربی که خواهد وارد شود.

ثواب کسی که به هنگام رغبت و ترس و هوس و خشم خویشتن دار باشد

(۱) ۱- شعیب از قول مردی روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که به هنگام رغبت و ترس و شهوت و هوس و خشم، خویشتن دار باشد و بر خواسته های خود غلبه کند، خداوند بدن او را بر آتش جهنّم حرام می کند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۰۸

ثواب کسی که کمک کند به انجام امر به معروف و نهی از منکر

(۱) ۱- یعقوب بن یزید- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: امر به معروف و نهی از منکر، دو آفریده از آفریده های خداوندند، کسی که آن دو را یاری کند (موجبات این دو امر مهم را فراهم سازد) خداوند او را عزیز نماید، و کسی که آنها را ترک کند خداوند عزّ و جل ذلیل و خوارش گرداند.

ثواب کسی که آیات پایانی سوره «زمر» را بشنود و بگرید

(۲) ۱- سلیمان بن خالد از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که فرمود: روزی رسول

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۰۹

خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به سراغ گروهی از جوانان انصار آمد و به آنان فرمود: می خواهم چند آیه از قرآن کریم برای شما تلاوت کنم، هر یک از شما که بگرید، بهشت از آن اوست.

آنگاه حضرت از آیه «و کافران را گروه گروه بسوی جهنم برده شدند» تا آخر سوره تلاوت کرد و همه آنان گریستند بجز یک جوان که به حضرت عرض کرد: یا رسول اللَّه! من حال و هوای گریستن را پیدا کردم (و تظاهر به گریه کردم) اما اشک در چشمانم حلقه نزد. حضرت فرمود: من دوباره آن آیه ها را برای شما تلاوت می کنم، و کسی که خود را گریان نشان دهد (تظاهر به گریستن کند) بهشت از آن اوست، سپس حضرت دوباره آیه های پایانی سوره «زمر» را تلاوت فرمود و تمامی آن جمع گریستند، و آن جوان (هم) تظاهر به گریستن کرد، و همگی از اهل بهشت شدند.

ثواب اجتماع به هنگام دعا

(۱) ۱- عبد الاعلی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هیچ وقت نیست که چهار نفر در رابطه با مسأله ای (خواسته ای) اجتماع کرده و همدعا شوند مگر پیش از آنکه از هم جدا شوند دعای آنان مستجاب می شود.

ثواب دعای پنهانی

(۱) ۱- اسماعیل بن همّام از امام رضا علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: دعای بنده در پنهانی، با هفتاد دعای آشکارا برابر است.

ثواب دعا به هنگام سحر

(۲) ۱- ابو صباح کنانی از امام محمد باقر علیه السّلام نقل کرده است که فرمود: به راستی که خداوند عزّ و جل از میان بندگان مؤمن خود، هر کسی را که بسیار دعا کند، دوست دارد، پس بر شما باد به دعا کردن در سپیده دمان تا طلوع آفتاب، زیرا که در آن ساعت درهای آسمان گشوده می شود و نسیم رحمت وزیدن می گیرد، و روزی قسمت می شود، و خواسته های بزرگ در آن برآورده می شود.

ثواب دعا کردن در حقّ مردان و زنان مؤمن و مسلمان

(۱) ۱- صفوان بن یحیی از امام موسی بن جعفر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که در حق برادران مؤمن خود دعا (ی خیر) کند، خداوند در ازای هر مؤمنی فرشته ای می گمارد که در حقّ او دعا (ی خیر) نماید.

(۲) ۲- و به همین سند از امام رضا علیه السّلام روایت شده است که: هیچ مؤمنی نیست که در حقّ برادران و خواهران مؤمن و مسلمان خود دعا کند- چه زنده و چه مرده- مگر آنکه خداوند به تعداد مؤمنانی که بدرود حیات گفته اند و یا آنان که تا به قیامت بدنیا می آیند، یک حسنه برای او ثبت می فرماید.

(۳) ۳- عبد اللَّه سنان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که در هر روز

بیست و پنج بار بگوید: «اللّهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات» (خداوندا! گناهان مردان و زنان مؤمنین و مسلمین را بیامرز)، خداوند در روز قیامت- به تعداد مؤمنانی که آفریده و یا خواهد آفرید- در نامه اعمال

او حسنه ای ثبت و گناهی را پاک می سازد، و مقام و منزلت او را یک درجه بالا می برد.

(۱) ۴- محمد بن حمّاد حارثی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: هیچ بنده ای برای مؤمنان- چه زن و چه مرد- دعا نمی کند، مگر آنکه خداوند همان دعا را- به تعداد تمام مؤمنانی که آفریده یا خواهد آفرید- در حق او مستجاب می کند، و براستی که آن بنده به عذاب آتش محکوم می شود و چون (خواهند) او را به سوی دوزخ کشند، مؤمنان- مرد و زن- عرضه می دارند که: ای پروردگارا! این بود که (در دنیا) برای ما دعا می کرد، شفاعت ما را در باره او بپذیر، خداوند شفاعت آنان را در مورد او می پذیرد و از آتش رهایی می یابد.

(۲) ۵- عبد اللّه بن میمون قدّاح از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۱۳

فرمود: هر گاه یکی از شما خواهد دعا کند، در حق همگان دعا نماید، زیرا این از موجبات پذیرش دعا است.

ثواب گفتن «لا حول و لا قوه الّا باللّه [العلی العظیم]»

(۱) ۱- هشام بن احمر می گوید که: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: کسی که ذکر «لا حول و لا قوه الّا باللّه العلی العظیم» (هیچ توان و قوّتی نیست مگر با یاری خداوند بزرگ) را بگوید، خداوند عزّ و جل هفتاد نوع بلا را از او دور می کند که ناچیزترین آنها، خفگی است.

ثواب کسی که در هر روز [یک صد بار] «لا حول و لا قوّه الّا باللّه» بگوید

(۲) ۱- عمر بن یزید از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که در هر روز صد بار «لا حول و لا قوه الّا باللّه» بگوید، خداوند هفتاد نوع بلا را از او دور می سازد که ناچیزترین آنها، غم و اندوه است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۱۴

ثواب کسی که به هنگام بیرون رفتن از خانه اش «بسم اللّه و لا حول و لا قوه الّا باللّه» بگوید

(۱) ۱- ابو سعید خدری از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: کسی که به هنگام بیرون رفتن از خانه اش «بسم اللّه» بگوید، آن دو فرشته (ای که نگهبان اویند) گویند: هدایت شدی؛ و اگر «لا حول و لا قوه الّا باللّه» بگوید، آن دو می گویند: حفظ شدی؛ و اگر «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ» بگوید، آن دو گویند: کفایت شدی؛ پس شیطان می گوید: من چگونه می توانم بر بنده ای که مورد هدایت و حفظ (خداوند) قرار گرفته و خداوند امور (زندگانی) او را کفایت کرده است، غلبه کنم (و او را بفریبم).

ثواب کسی که شب هنگام صد بار تکبیر بگوید

(۲) ۱- ابو حمزه ثمالی گوید که از امام زین العابدین علیه السّلام شنیدم که می فرمود: کسی که به هنگام شب صد بار تکبیر بگوید، ثواب کسی را دارد که صد بنده (در راه خدا) آزاد

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۱۵

کرده باشد.

ثواب تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السّلام

(۱) ۱- ابو هارون مکفوف نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام به من خطاب کرد و فرمود:

ای پدر هارون! ما کودکان خود را به تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام فرمان می دهیم آن گونه که آنان را به نماز ومی داریم، پس تو نیز بر این ذکر مداومت کن، زیرا هیچ بنده ای بر این ذکر مداومت نکرده است سپس بدبخت شده باشد.

(۲) ۲- محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که تسبیح حضرت زهرا علیها السّلام را بجای آورد سپس از خدا طلب آمرزش کند، آمرزیده می شود، و این تسبیح به زبان (و از نظر تعداد) یک صد است ولی در میزان الهی یک هزار (به حساب می آید)، و شیطان را می راند، و خداوند بخشنده را خشنود می سازد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۱۶

(۱) ۳- ابو خالد قمّاط می گوید که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: تسبیح حضرت فاطمه زهراء علیها السّلام پس از هر نماز در نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز محبوبتر است.

(۲) ۴- عبد اللّه بن سنان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که بعد از نماز واجب پیش از آنکه از جای برخیزد، تسبیح حضرت زهرا را بگوید، خداوند او را خواهد

آمرزید، و اول با «اللَّه أكبر» شروع كند.

ثواب خاموشی

(۳) ۱- علی بن حسن بن رباط از قول بعضی از راویان از امام صادق علیه السّلام روایت كرده است كه فرمود: مؤمن تا هنگامی كه لب از سخن بسته است پیوسته نیكوكار به حساب آید، و چون لب به سخن بگشاید یا نیكوكار و یا بدكار شمرده خواهد شد.

پاداش نیكیها و كیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۱۷

ثواب استغفار

(۱) ۱- سكونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام نقل كرده است كه رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: برای هر بیماری درمانی است، و درمان گناهان، طلب آمرزش (از درگاه الهی) است.

(۲) ۲- سلّام حنّاط از امام صادق علیه السّلام روایت كرده است كه فرمود: كسی كه به هنگام خواب صد بار از خداوند طلب آمرزش كند، در حالی شب را به پایان می رساند كه تمام گناهان او- مانند برگ از درخت- فرو می ریزد و صبح برمی خیزد در حالی كه گناهی ندارد.

(۳) ۳- عبد اللَّه بن محمد جعفی گفت: از امام محمد باقر علیه السّلام شنیدم كه فرمود: رسول

پاداش نیكیها و كیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۱۸

خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: «بودن من در میان شما و استغفار برای شما (طلب آمرزش از خداوند) به منزله دو دژ محكمی است كه شما را از عذاب در امان می دارد» سپس امام باقر علیه السّلام ادامه دادند كه: دژ بزرگتر از میان شما رفت (اشاره به رحلت رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم دارد) و فقط استغفار باقی مانده است، پس بسیار طلب آمرزش كنید زیرا

گناهان شما را پاک می کند؛ خداوند عز و جل (در سوره انفال، آیه ۳۳) می فرماید:

«تا هنگامی که تو (ای رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم) در میان آنان هستی، خدا آنان را عذاب نمی کند، و تا هنگامی که استغفار می کنند خدا آنان را عذاب نخواهد کرد».

(۱) ۴- اسماعیل بن سهل می گوید که: به حضرت جواد الائمه علیه السّلام نامه ای نوشتم که چیزی به من بیاموز که اگر آن را بخوانم، در دنیا و آخرت با شما باشم، راوی می گوید: حضرت با دستخط مبارک خود- که با آن آشنا بودم- مرقوم فرموده بود:

سوره إِنَّا أَنْزَلْناهُ را بسیار تلاوت کن، و لبهای خود را به ذکر استغفار طراوت بخش.

(۲) ۵- مسعده بن صدقه از امام صادق علیه السّلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: خوشا به حال کسی که در روز قیامت در نامه عملش زیر هر گناهی یک «استغفر اللَّه» ثبت شده باشد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۱۹

ثواب کسی که در هر روز از روزهای ماه شعبان هفتاد مرتبه استغفار نماید

(۱) ۱- محمد بن ابی حمزه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که در هر روز از روزهای ماه شعبان هفتاد بار بگوید «استغفر اللَّه الّذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم و اتوب الیه» (از خداوند طلب آمرزش می کنم، پروردگاری که جز او پروردگاری نیست، همان بخشنده مهربان زنده و پایدار، و من به درگاه او توبه می کنم)، نامش در افق مبین ثبت می شود.

راوی می گوید پرسیدم: افق مبین چیست؟ حضرت فرمود: زمینی در نزدیکی عرش است

که در آن رودهائی جریان دارد و در آن رودها جامهائی به تعداد ستارگان (در میان) پخش شده است.

ثواب کسی که پس از نماز صبح هفتاد بار استغفار کند

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۲۰

(۱) ۱- جابر جعفی از امام محمد باقر علیه السّلام، روایت کرده است که فرمود: کسی که پس از نماز صبح هفتاد بار استغفار کند، خداوند او را می آمرزد هر چند که در آن روز هفتاد هزار گناه کرده باشد (به گناهان بیشماری آلوده شده باشد)، و کسی که بیش از هفتاد هزار گناه از او سر بزند (نشانه عاقبت به) خیری در او نخواهد بود.

ثواب کسی که شهادتین محافظ او باشند، و کسی که هنگام مصیبت بگوید «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ» و هنگام رسیدن خیر بگوید «الحمد للّه» و هنگام ارتکاب گناه بگوید «استغفر اللّه»

(۲) ۱- علی بن ابی علی لهبی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که در او این چهار (شرط) باشد در

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۲۱

(پناه) نور اعظم خداوندی خواهد بود: ۱. گواهی به یگانگی خداوند و پیامبری من محافظ کارهایش باشد؛ ۲. به هنگام رویدادهای ناگوار «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ» گوید؛ ۳. چون خیری به او می رسد ذکر «الحمد للّه» را بر زبان جاری کند؛ ۴. چون گناهی مرتکب شود، (از روی شرمساری و پشیمانی) «استغفر اللّه و اتوب الیه» می گوید.

خیری که پاداش آن زودتر می رسد

(۱) ۱- حسن بن زید از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش علیه السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: خیری که پاداشش زودتر از خیرهای دیگر می رسد، عدل و داد است؛ و شرّی که کیفرش زودتر از شرهای دیگر می رسد، ستمکاری و تجاوز به حقوق دیگران است. و عیب انسان همین بس که عیوب دیگران را متوجه و عیب خود را نیز در آنها ببیند، یا مردم را به آنچه که خود از ترک آن ناتوان است سرزنش نماید، یا همنشین خود را با سخنانی یا کاری که به او مربوط نیست آزار دهد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۲۲

ثواب کسی که سه بار فَسُبْحانَ اللَّهِ حِینَ تُمْسُونَ وَ حِینَ تُصْبِحُونَ ... را در شب و روز تلاوت کند

(۱) ۱- حارث از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که به هنگام شب سه بار فَسُبْحانَ اللَّهِ حِینَ تُمْسُونَ وَ حِینَ تُصْبِحُونَ* وَ لَهُ الْحَمْدُ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِیًّا وَ حِینَ تُظْهِرُونَ «پاک و منزه است خداوند، آن هنگامی که شب را به پایان می برید و صبح را آغاز می کنید، و حمد و ستایش از آن اوست چه در آسمانها و چه در زمین، و به

شامگاهـان و در نیم روز» (سوره روم، آیه ۱۷ و ۱۸) بخوانـد، هیچ خیری که در آن شب می باشد از او دریغ نمی شود، و همه بدیهای آن شب از او دور می گردد؛ و کسی که همان آیات را در روز بخواند، تمام خیرهای آن روز به او می رسد و از تمام بدیهای آن به دور خواهد ماند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب

الأعمال، ص: ۴۲۳

ثواب پارسائی در دنیا

(۱) ۱- سیف از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که حضرت فرمود: کسی که از طلب روزی شرم نکند، گذران زندگیش آسان و خاطرش آسوده و خانواده اش در راحتی و گشایش خواهد بود؛ و کسی که نسبت به دنیا پارسائی پیشه کند خداوند (فروغ) دانش و حکمت را در دل او ثابت و زبانش را به دانش و حکمت گویا می نماید، و او را به عیبها و بدیهای دنیا- هم درد و هم درمان- بینا کند، و او را با سلامتی از (خانه) دنیا به بهشت روانه می کند.

ثواب کسی که در آغاز و پایان هر روز و شب عمل نیکی انجام دهد

(۲) ۱- جابر جعفی از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۲۴

می فرمود: براستی که فرشته ای در ابتدای روز و شب با نامه ای (از آسمانها) فرود می آید و اعمال آدمی را در آن ثبت کند، پس اول و آخر آن را با کارهای پسندیده آغاز و با کارهای نیک پایان دهید، که در این صورت، خداوند بین این دو را خواهد بخشید ان شاء اللَّه، چرا که خداوند عز و جل (در سوره بقره، آیه ۱۵۲) می فرماید:

«مرا یاد کنید تا من نیز شما را یاد کنم». و نیز (در سوره عنکبوت، آیه ۴۵) می فرماید: «براستی که ذکر خدا بالاتر و بزرگتر (از هر ذکری) است».

ثواب گریستن از جلالت و عظمت خدا

(۱) ۱- محمد بن مروان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر چیزی پیمانه و وزنی دارد مگر اشکها که هر قطره ای از آن لهیب دریاهای آتش خشم الهی را فرو می نشاند، و اگر اشك در چشم کسی حلقه زند، تنگدستی و مذلّت بر او نخواهد شد، و اگر آن اشکها به رخسار آدمی جاری شود، خداوند او را بر آتش دوزخ حرام می سازد، و اگر یک نفر در میان یک امّت بگرید، همه آن امّت مورد رحمت قرار می گیرند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۲۵

(۱) ۲- اسماعیل بن ابی زیاد از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: خوشا به حال چهره ای که خداوند

آن را به خاطر گناه و بیم از کیفر الهی گریان ببیند، که هیچ کس به جز خدا از آن گناه آگاه نیست.

ثواب کسی که خشنودی خدا را بر خواهشهای نفسانی خود برگزیند

(۲) ۱- ابو حمزه ثمالی از امام زین العابدین علیه السّلام روایت کرده است که خداوند عزّ و جل می فرماید: بعزّت و عظمت و جلال و شکوه و والائی و برتری مقامم سوگند که هیچ بنده ای خشنودی مرا بر خواهشهای نفسانی خود برتری نمی دهد مگر آنکه ذکر و فکرش مصروف آخرت سازم، و بی نیازی را در خود او جای می دهم (که از دیگران بی نیاز باشد)، و چیزهای از دست رفته او را جبران می کنم، و آسمانها و زمین ضامن روزی او می شوند، و دنیا به او روی می آورد.

ثواب کسی که شب و روز به فکر آخرت باشد

(۱) ۱- ابن ابی یعفور از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که بزرگترین هدف روزگارش آخرت باشد، خداوند او را از دیگران بی نیاز می سازد، و به کارش سامان می بخشد، و تا کاملا از نعمتهای الهی در طول زندگی بهره مند نشده باشد، از دنیا نمی رود؛ و کسی که بزرگترین هدفش دنیا باشد، خداوند تنگدستی و پریشان خاطری و نابسامانی را ملازم او سازد، و از دنیا بیشتر از آنچه برای او مقدّر شده است نصیبی نخواهد داشت.

ثواب نیکی کردن

(۲) ۱- ابو محمد وابشی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: اگر بنده مؤمنی

در حقّ دیگران نیکی کند، خداوند عمل نیک او را هفتصد برابر فرماید، و این همان فرموده خداوند است (در سوره بقره، آیه ۲۶۱): «خداوند، (پاداش را) برای هر که بخواهد، چند برابر کند».

ثواب دوستی و دشمنی و دادن و منع نمودن برای خشنودی خدا

(۱) ۱- سعید اعرج از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: از محکمترین دستاویزهای ایمان: به خاطر خدا (دوستان او را) دوست داشته باشی، و برای خشنودی خدا دشمنی کنی، و برای خدا بذل و بخشش کرده و برای خدا مضایقه کنی.

ثواب مؤمنی که مرتکب گناه شود سپس پشیمان شده طلب آمرزش می کند

(۱) ۱- هشام بن سالم نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هیچ مؤمنی نیست که در شبانه روز چهل گناه کبیره را مرتکب شود، و بعد از روی پشیمانی به درگاه الهی روی کند و بگوید: «از پیشگاه الهی آمرزش درخواست می کنم، همان خدایی که جز او نیست، زنده و برپا دارنده جهان هستی است، و پدید آورنده آسمان و زمین که در کمال جلالت و بزرگواری است، و از او می خواهم که توبه مرا بپذیرد» مگر آنکه خداوند از گناهان او در می گذرد، و امّا کسی که در هر روز آلوده به بیش از چهل گناه کبیره گردد دیگر خیری در او نیست.

ثواب مؤمنی که در غربت بمیرد

(۲) ۱- ابو محمّد وابشی و راوی دیگری از امام صادق علیه السّلام روایت کرده اند که فرمود: هیچ مؤمنی نیست که در دیار غربت و (دور از آشنایان) بمیرد و گریه کننده ای نداشته باشد، مگر آنکه تمام قطعه زمین هایی که در آنها به عبادت خدا مشغول بوده است، و تمام جامه های او، و درهای آسمان که عمل او به سوی آنها بالا رفته است، و دو فرشته مراقب او نیز، بر او می گریند.

ثواب کافری که در حقّ مؤمنی نیکی کند

(۱) ۱- علیّ بن یقطین گوید: امام موسی بن جعفر علیه السّلام به من فرمود: در بنی اسرائیل مرد مؤمنی زندگی می کرد که در همسایگی او مرد کافری بود، و با او به مهربانی و نیکی رفتار می کرد؛ هنگامی که آن مرد کافر درگذشت خداوند خانه ای گلین برای او در جهنم بنا کرد تا او را از گرمای آتش نگاه دارد، و روزی وی از جای دیگری غیر از جهنم به او می رسید و به او گفته می شد: این به خاطر رفتار مهربانانه و ملاطفت آمیزی است که در دنیا نسبت به همسایه مؤمن خود- فلانی- روا می داشتی.

ثواب کسی که در حقّ برادر مؤمن خود نیکی کند

(۲) ۱- حدید- یا مرازم- از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر مؤمنی که به

برادر خود خیری برساند، به منزله آن است که به رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم خیری رسانده باشد.

ثواب کسی که در خانه خود بز شیرده نگهدارد

(۱) ۱- محمد بن مارد روایت کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: هیچ مؤمنی نیست که در خانه خود بز شیردهی داشته باشد مگر آنکه همه افراد آن خانه مورد تقدیس قرار می گیرند و برکت بر آنان فرود می آید؛ و چنانچه دو بز باشند، روزی دو بار مورد تقدیس و دو بار برکات خداوندی بر آنان فرود می آید. یکی از شیعیان پرسید: چگونه مورد

تقدیس قرار می گیرند؟ حضرت فرمود: در هر بامدادان و شامگاهان فرشته ای نزد آنان آمده می گوید: مقدّس باشید! و برکت از آن شما باد! و خوشا بر شما و بر خوراکتان باد. و من از آن حضرت پرسیدم: مقدّس باشید، یعنی چه؟! فرمود: یعنی پاک و پاکیزه باشید.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۳۱

ثواب نماز و زکات و نیکوکاری و صبر

(۱) ۱- عبد اللَّه بن سنان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: وقتی که مؤمن وارد قبرش می شود، نماز در سمت راست و زکات در سمت چپ او قرار می گیرد، و احسان بر او سایه می افکند، و صبر در کناری می ایستد؛ چون دو فرشته مأمور باز خواست (نکیر و منکر) بر او وارد شوند، صبر به نماز و زکات و نیکوکاری خطاب می کند که: مواظب رفیق خود باشید! و اگر نتوانستید، من به یاری او خواهم شتافت.

ثواب دوستی آل محمّد و دشمنی ورزیدن با دشمنانشان برای خشنودی خداوند

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۳۲

(۱) ۱- صالح بن سهل همدانی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که برای خدا ما را دوست داشته باشد و در حقّ دشمنان ما (برای خدا) دشمنی بورزد- نه به خاطر ستمی که در رابطه با امور دنیوی بر او وارد شده است- و در این حال بمیرد، خداوند او را می آمرزد هر چند گناهانش به اندازه کفهای روی آب دریا باشد.

ثواب کسی که هفتاد بار استغفار کند در نماز وتر و در حال ایستاده و یک سال بر آن مداومت کند

(۲) ۱- عمر بن یزید نقل می کند گویا از امام صادق علیه السّلام که فرمود: کسی که در نماز وتر خود در حال ایستاده هفتاد بار بگوید: «استغفر اللَّه و اتوب الیه» و یک سال بر این کار مداومت کند، خداوند او را از توبه کنندگانی که به هنگام سحر از پیشگاه الهی طلب آمرزش می کنند ثبت می فرماید و آمرزش او را بر خود لازم می گرداند.

ثواب سلام کردن به برادر ایمانی برای خشنودی خداوند

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۳۳

(۱) ۱- جابر از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: فرشته ای از فرشتگان بر مردی که بر درب خانه ای ایستاده بود گذشت و از او پرسید: ای بنده خدا! چه چیز سبب شده است که بر این درب بایستی؟! گفت: یکی از برادران من در این خانه زندگی می کند و آمده ام تا به او سلام کنم. فرشته پرسید: آیا در میان تو و او رابطه خویشاوندی برقرار است و یا از او خواهشی داری؟ گفت: نه، با او خویشاوندی ندارم و هیچ خواهشی مرا به اینجا نکشانده جز اخوّت دینی و احترام نهادن به یک برادر ایمانی و من فقط برای خشنودی خداوند به او سلام می کنم. سپس فرشته به او گفت: من از جانب خدا می آیم،

خداونـد تو را سـلام می رسانـد و می فرمایـد: همانـا مراد تو (او نبود بلکه) فقـط من بودم و (تو بـا این ملاقاتت نه او بلکه) مرا ملاقات کردی (من هم) بهشت (خود) را برای تو واجب گردانیدم، و تو را از خشم خود رهانیدم، و تو را از آتش (دوزخ) پناه دادم.

ثواب بنده مؤمن که توبه نصوح کند

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۳۴

(۱) ۱- معاویه بن وهب از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: اگر بنـده مؤمن توبه نصوح (توبه واقعی) کند، خداونـد او را دوست می دارد، و گناهـان او را در دنیـا و آخرت می پوشانـد، راوی می گویـد پرسـیدم: چگـونه (خداونـد) گناهـانش را می پوشانـد؟ فرمود: فرشـتگانی که مـأمور ثبت گناهـان اوینـد کارهـای زشت او را از یاد می برنـد، و خداونـد به اعضای

بـدن او فرمان می دهد تا گناهان او را پنهان سازند، و به نقطه زمینهایی که در آنها به گناه آلوده شده است دسـتور می دهد تا گناهان او را- در هر جایی که از او دیده اند- بپوشانند، و به هنگامی که به دیدار خدا می شـتابد هیچ چیزی نیست که گناهان او را گواهی کند.

ثواب کسی که فروتن و مهربان و نرمخوی و با گذشت باشد

(۲) ۱- عبد اللَّه بن سـنان از امام صادق علیه السّـلام نقل کرده است که رسول خدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم فرمود: آیا می خواهید شما را خبر دهم به کسی که فردای قیامت آتش بر او حرام خواهد بود؟

عرض کردند: آری ای رسول خدا، فرمود: کسی که فروتن و مهربان و نرمخو و اهل گذشت باشد.

ثواب کسانی که به گریه از عظمت خداوند، به پیشـگاه او تقرّب جویند؛ و ثواب کسانی که به پرهیزکاری از محرّمات، خداوند را عبادت کنند؛ و ثواب کسانی که به ارایه پارسایی، خود را برای خدا بیارایند

(۱) ۱- وصّافی از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: از جمله مواردی که خداوند عزّ و جلّ در کوه طور به حضـرت موسی علیه السّلام فرمود این بود که: ای موسی! به قوم خود این پیام مرا برسان که تقرّب جویندگان به من به هیچ چیزی مانند گریه از

عظمت من تقرّب نخواهند جست، و بندگان عبادت پیشه من به هیچ چیزی چون پرهیز کردن از محرّمات من، مرا پرستش نمی کننـد؛ و کسانی که خود را برای دیـدار من (به آرایه های عبادت) می آراینـد، به هیـچ چیزی چون پارسائی و بی میلی به امور دنیـا خـود را نخواهنـد آراست. موسـی علیه السّـلام عرض کرد: ای بخشـنده ترین بخشـندگان! به کسـانی که چنین کننـد، چه خـواهی داد؟ خداونـد (بـه زبـان وحی) فرمـود: ای موسـی! آنـان که بـا گریسـتن از هیبت و کیفر من به پیشـگاه من تقرّب می جویند، در «رفیق اعلی» که جایگاه انبیاء در بهشت است خواهند بود و کسـی در این مقام و منزلت با آنان شریک نخواهد بود؛ و با پرهیز از محرّمات، مرا می پرستند و به من تقرّب می جویند (در قیامت)، من

هم مردم را مورد بـازخواست و بازرسـی قرار می دهم مگر اینـان که از (روی) آنهـا شـرم دارم؛ و امّا کسانی که با پارسایی در این دنیـا و با بی میلی به (مظاهر فریبنـده) آن، به درگاه من تقرّب می جوینـد، من بهشت را به آنان عطا می کنم تا در هر جای آن که بخواهند، اقامت کنند.

ثواب نیکی کردن به مؤمن

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۳۷

(۱) ۱- میسّر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: در روز قیامت، کسی که به آتش محکوم شده و فرشته او را به طرف دوزخ می برد، در مسیر خـود به مؤمنی از شـما- که در دنیـا بـا او سـابقه آشـنایی داشـته است- بر می خورد و می گویـد: ای فلانـی! به داد من برس که من در دنیا در حقّ تو نیکی و احسان کردم و هر خواسـته ای که از من داشتی، برآوردم، آیا امروز پاداش مرا خواهی داد؟ پس آن مؤمن به فرشـته مأمور به وی می گوید: او را آزاد کن! و خداوند که سخن آن مؤمن را می شنود به فرشته فرمان دهد که دستور او را اطاعت کن، و فرشته او را رها می کند.

ثواب گمان نیک به خدا داشتن

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۳۸

(۱) ۱- عبـد الرحمن بن حجّـاج از امـام صادق علیه السّـلام روایت کرده است که فرمود: (در روز قیامت) آخرین بنـده ای که فرمـان آتش در می یابـد و بـه سـوی دوزخ روانه می گردد، روی خـود را به عقب بر می گردانـد، پس خداونـد (به فرشـتگان خـود) فرمـان می دهـد کـه او را بـاز گردانیـد، و سـپس از او می پرسـد: بنـده مـن! چرا چنیـن کردی؟! بنـده پاسـخ می دهـد: پروردگارا! چنین گمانی نسبت به تو نداشتم! خداوند بزرگ از او می پرسد:

بنـده من! در بـاره من چه گمـان می کردی؟! می گویـد: گمـان می کردم که از گنـاهم درگـذری و مرا در بهشت خود جـای دهی! پس خداوند فرماید: ای فرشتگان من! به عزت و جلال و نعمتها و بلاها و والائی مقام سوگند که این

بنده هیچ گاه در طول زندگی خود نسبت به من گمان خیری نداشت، و اگر ساعتی در تمام عمرش نسبت به من گمان خیر داشت، او را بـه آتش دوزخ هراسناک نمی کردم، (اینک) از سخن دروغ درگذرید و او را وارد بهشت کنید؛ سپس امام صادق علیه السّلام فرمود: هیچ بنده ای نیست که به خدا گمان خیر داشته باشد (به لطف الهی امیدوار باشد) مگر آنکه خداوند همان گونه که گمان کرده رفتار می نماید، و اگر بنده ای به خدا گمان بد داشته باشد (از لطف الهی ناامید باشد) خداوند به همان گونه که خیال می کرده است، با وی رفتار خواهد کرد، و این کلام خدای بزرگ است که می فرماید (در سوره فصّلت، آیه ۲۳): «و این، همان گمانی است که شما در باره پروردگار خویش داشتید، که مایه بدبختی و نابودی شما شد، و در زمره زیانکاران درآمدید».

ثواب کسی که با خداوند اخلاص ورزد

(۱) ۱- معاویه روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هیچ بنده مسلمانی نیست که با خداوند در مورد خودش اخلاص بورزد، و (هنگامی که صاحب حق باشد) حق را به او دهد (و هنگامی که دیگری صاحب حق باشد) حق را از او بگیرد، مگر آنکه دو فضیلت به او کرامت شود: روزی از جانب خدا که به آن قانع و راضی شود، و دیگر خشنودی خداوند (از اوست) که مایه نجات او می گردد.

ثواب انگشتر عقیق «۱» به دست کردن

(۲) ۱- حسین بن خالد از امام رضا علیه السّلام نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که انگشتری به دست خود کند که نگین آن عقیق باشد، (به برکت آن) تنگدست

---

(۱) عقیق: جوهر (گوهر) سرخ که در یمن یافت می شود، و نوعی از آن در سواحل دریایی روم به دست می آید که تیره رنگ است و خطهای سفیدی در آن به نظر می رسد، عقیق جگری، نوع مرغوب آن است که به رنگ جگر می باشد. رک: فرهنگ آنندراج، ج ۴، ص ۲۹۷۱.

نخواهد شد، و حاجتهایش برآورده نمی شود مگر به بهترین صورت.

(۱) ۲- عبد الرحیم قصیر نقل می کند که: حاکمی، مردی از خاندان ابو طالب را به اتهام جرمی احضار کرد، به امام صادق علیه السّلام برخورد، حضرت فرمود که: انگشتری عقیق همراه او باشد، فرمان بردند و گزند حاکم به آن مرد نرسید.

(۲) ۳- عمرو بن ابی مقدام نقل کرده است: مردی که تازیانه خورده بود، به امام محمد باقر علیه السّلام برخورد، حضرت

فرمود: انگشتری عقیق او کجا بود؟ همانا اگر با او بود،

تازیانه نمی خورد.

(۳) ۴- و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السّلام روایت شده است که: عقیق ایمنی است در سفر.

(۴) ۵- حسین بن مزید از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام از امیر مؤمنان علی علیه السّلام نقل کرده است که فرمود: انگشتری عقیق به دست کنید که خدا شما را برکت دهد، و از بلا در امان باشید.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۴۱

(۱) ۶- و به همین سند روایت شده است که مردی نزد رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم شکایت کرد که راهزنان راه را بر او گرفته اند، حضرت به او فرمود: چرا انگشتری عقیق در دست نداشتی؟ زیرا انگشتری عقیق انسان را از هر گزندی مصون می دارد.

(۲) ۷- و در حدیث دیگری امام محمّد باقر علیه السّلام فرموده است: کسی که انگشتری عقیق در دست کند،- تا زمانی که آن را در دست داشته باشد- همواره نیکی می بیند، و پیوسته نگهبانی از جانب خداوند او را محافظت می کند.

(۳) ۸- عقیل بن متوکّل مکّی- بی آنکه راویان پیش از خود را نام ببرد- از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدرش از جدّ بزرگوارش علیهما السّلام نقل کرده است که فرمود: کسی که بر خاتم عقیق انگشتری خود این نقش را حکّ کند: «محمّد نبیّ اللّٰه و علیّ ولیّ اللّٰه» خداوند او را از مرگ بد در امان می دارد و نمی میرد مگر بر فطرت.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۴۲

(۱) ۹- علیّ بن محمد- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از

امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هیچ دستی که به درگاه خداوند دراز می شود محبوبتر از دستی که بر آن انگشتری عقیق باشد، نیست.

(۲) ۱۰- حسن بن علی بن بنت الیاس خزّاز از امام رضا علیه السّلام روایت کرده است که فرمود:

کسی که با عقیق در قرعه شرکت کند (قرعه را با دستی که انگشتری عقیق در آن است، درآورد) بهره بیشتری نصیب او خواهد شد.

(۳) ۱۱- زیاد قندی از حضرت موسی بن جعفر، از پدران بزرگوارش علیهم السّلام از حسین بن علی علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هنگامی که خداوند، موسی بن عمران را آفرید و در طور سینا با او سخن گفت، بر زمین نظری افکند و از نور روی خود، عقیق را آفرید، آنگاه فرمود: بحقّ خودم بر خود لازم کردم که کسی را که (انگشتری) عقیق دست کند، به آتش عذاب نکنم، به شرط آنکه علی علیه السّلام را دوست داشته باشد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۴۳

ثواب انگشتر فیروزه «۱» به دست کردن

(۱) ۱- عبد المؤمن انصاری می گوید که: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: دستی که در آن انگشتری فیروزه باشد، فقیر نمی شود.

(۲) ۲- حسن بن علی بن مهران نقل کرده است که: بر حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام وارد شدم، و در دست مبارک آن حضرت انگشتری دیدم که نگین آن فیروزه بود، و بر روی آن: «اللَّه الملك» نقش شده بود، من مدتی به آن خاتم خیره شدم، حضرت پرسید: برای چه به آن نگاه می کنی؟ این سنگی است از بهشت که جبرئیل آن را به رسول خدا صلّی اللَّه

علیه و آله و سلّم هدیه کرد، و رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم آن را به علی علیه السّلام بخشید، آیا نام آن

---

(۱) فیروزه: نام جوهری (گوهری) که معدن آن در نیشابور است و معرّب آن فیروزج است که انواع بسیاری دارد.

فیروزه بو اسحاقی، بادامی و رگدار که فیروزه بوسحاقی بهترین و فیروزه رگدار (بر خلاف سایر سنگها) بسیار قیمتی است. رک: فرهنگ آنندراج، ج ۴، ص ۳۱۹.

را می دانی؟ عرض کردم: فیروزه است، حضرت فرمود: این نام فارسی آن است، آیا نام عربی آن را می دانی؟ عرض کردم: نه! فرمود: نامش به عربی «ظفر» است.

ثواب انگشتر جزع یمانی «۱» به دست کردن

(۱) ۱- محمد بن الحسین از پدرش، و آن حضرت از پدر بزرگوارش نقل کرده است که امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمود: انگشتر جزع یمانی را در دست خود کنید که شرّ شیطانهای نافرمان را از شما دور می سازد.

ثواب انگشتر زمرّد «۲» به دست کردن

(۲) ۱- احمد بن محمد بن نصر که برخی از کارهای حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام را انجام می داد، نقل کرده است که روزی حضرت در حالی که از کتابی می خواند به من

---

(۱) نوع دیگر جزع، مهره سلیمانی نام دارد که سفید و سیاه رنگ است و خواصّ بیشماری برای آن ذکر کرده اند.

(۲) گوهری سبز رنگ که گویند به دیدن آن مار کور می شود و انگشتری آن برای جلوگیری از بیماری صرع، مؤثّر است. و انواع زیادی دارد: ذبابی، ریحانی، فستقی و صابونی. رک: آنندراج، ج ۳، ص ۲۲۴.

فرمود- و من می نوشتم-: انگشتر زمرّد در دست کردن مایه گشایش است که هیچ سختی و دشواری را بدنبال ندارد.

ثواب انگشتر یاقوت «۱» به دست کردن

(۱) ۱- حسین بن خالد از امام رضا علیه السّلام روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود:

انگشتر یاقوت در دست کنید زیرا که تنگدستی را از بین می برد.

ثواب انگشتر بلور «۲» به دست کردن

---

(۱) گوهر معروفی است و چهار رنگ معروف دارد: سرخ و زرد و کبود و سپید؛ و یاقوت سرخ دارای هفت رنگ است: بهرمانی، رمانی، ارغوانی، دردی، خمری، خلی، لحمی (گوشتی)، و بعضی جگری نوشته اند.

یاقوت در نقاط مختلف به دست می آید و اسامی آن: یاقوت اسکندری، یاقوت سیلانی، یاقوت گرگانی، یاقوت میاندار، یاقوت ناروان (رمانی)، و یاقوت نرم که یاقوت کم قیمتی است. رک: فرهنگ آنندراج، ج ۷، ص ۶۱ و ۴۶۶۰.

(۲) گوهری است معروف و سنگی سفید رنگ و برّاق و خام و ناب از صفات اوست، در زبان فارسی این واژه را بدون تشدید تلفظ می کنند. رک: آنندراج، ج ۱، ص ۷۶۵.

(۱) ۱- علیّ بن محمد (ابن وهبه عبدسی، که عبدس یکی از دهستانهای واسط است)- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: بلور، نگین نیکویی است.

ثواب فروتنی

(۲) ۱- مسعده بن صدقه از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش علیه السّلام نقل کرده است که حضرت علی علیه السّلام فرمود: هیچ کس از فرزندان آدم نیست مگر آنکه پیشانی وی در دست فرشته ای قرار دارد، هر گاه اظهار تکبّر کند، آن فرشته پیشانی او را گرفته به طرف زمین می کشد (که نشانه ذلّت و خواری است) و به او می گوید:

متواضع و فروتن باش، خدا تو را خوار و زبون نماید! و اگر (نسبت به دیگران) اظهار فروتنی کند، او را بلند کرده می گوید: سرت را بالا نگاه دار، خدا تو را سرافراز گرداند و تو را به خاطر

فروتنی برای خدا، پست و خوار نسازد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۴۷

ثواب گریستن از عظمت خدا، چشم پوشیدن از محرّمات الهی، و شب زنده داری برای خشنودی خدا

(۱) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش علیه السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: تمام چشمها در روز قیامت گریانند بجز سه چشم: چشمی که از هیبت و ترس خدا بگرید، و چشمی که شبها در راه خدا بیدار بماند، و چشمی که از محرّمات الهی چشم بپوشد.

(۲) ۲- و به همین سند از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت شده است که فرمود: خوشا به حال چهره ای که خداوند آن را از ترس (و خشیت) خود گریان ببیند، به خاطر گناهی که جز خداوند، کسی از آن آگاه نیست.

ثواب کسی که کامیابی مهیّا شده را رها کرده به امید پاداش نادیده

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۴۸

(۱) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: خوشا بحال کسی که کامیابی و لذّت حاضر و آماده را به امید ثوابی که آن را ندیده و قرار است در آینده به آن رسد، رها کند.

ثواب دوستی برای خداوند عز و جل، و آباد کردن مساجد، و استغفار در سحرگاهان

(۲) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش علیهم السّلام نقل کرده است که: همانا خداوند عزّ و جلّ هنگامی که اراده فرماید که اهل زمین را به عذاب (خود) گرفتار کند، می گوید: اگر نبودند کسانی که برای من با یک دیگر دوستی می کنند، و مساجد مرا آباد می سازند، و در سحرگاهان از (پیشگاه) من طلب آمرزش می کنند، مسلّما عذابم را بر آنان نازل می کردم.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۴۹

ثواب کسی که نگاهش عبرت، و خاموشی وی تفکّر، و کلامش ذکر باشد، و بر گناه خویش بگرید، و مردم از شرّش ایمن باشند

(۱) ۱- ابو حمزه از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت کرده است که امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمود: همه خوبیها در سه چیز جمع شده است: نگاه و خاموشی و سخن؛ و هر نگاهی که از سر عبرت و پند نباشد، بیجا و نارواست، و در هر خاموشی که اندیشه نباشد (مایه) غفلت است و فراموشی، و هر سخنی که در آن ذکر و یاد خدا نباشد، یاوه و گزافه گویی است؛ و خوشا به حال کسی که نگاهش عبرت، و خاموشی او تفکّر و اندیشه، و سخنش با یاد خدا (همراه) باشد، و به خاطر گناهان و کارهای ناروا و نکوهیده ای که کرده است بگرید، و بندگان خدا از شرّش در امان باشند.

ثواب خاموشی و پیاده به خانه خدا رفتن

(۱) ۱- ربیع بن محمّد مسلی از قول مردی روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود:

خداوند به هیچ عبادتی همانند خاموشی و با پای پیاده به خانه او رفتن، پرستش نشده است.

(۲) ۲- علیّ بن مهزیار- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از یکی از ائمه معصوم علیهم السّلام نقل کرده است که فرمود: زمانی خواهد آمد که سلامتی- که ده جزء دارد- نه جزء آن در کناره گیری از مردم، و یک جزء آن در سکوت و خاموشی است.

(۳) ۳- علیّ بن حسن بن رباط، از قول یکی از راویان، از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که فرمود: مرد مسلمان تا زمانی که ساکت باشد، نیکوکار نوشته می شود، و چون به سخن درآید، یا نیکوکار نوشته خواهد شد یا بدکار.

گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۵۱

ثواب کسی که خود جامه و کفش خویش را وصله زند و کالای خود را خودش حمل کند

(۱) ۱- ابن ابی نجران- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که خود جامه و پارگی کفش خویش را وصله زند، و کالای خود را خودش حمل کند، مسلّما از تکبّر بدور خواهد بود.

ثواب راستگویی

(۲) ۱- عبد اللَّه بن عجلان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: چون بنده خداوند به راستی سخن گوید، اوّلین کسی که او را تصدیق می کند، خدا است، و خود می داند که راستگو است؛ و اگر سخن به دروغ بگوید، اوّلین کسی که او را تکذیب می کند خدا است، و خود می داند که دروغگوست.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۵۲

ثواب کسی که کار پسندیده و یا نکوهیده خود را پنهان کند

(۱) ۱- عباس بن هلال روایت کرده است که از امام رضا علیه السّلام شنیدم که می فرمود: یک کار پسندیده و نیک پنهانی انجام دادن، برابر هفتاد کار نیک است، و کسی که کار زشت خویش را آشکار انجام دهد، (در نظر مردم) خوار و ذلیل گشته است، و کسی که کار زشت خود را پنهانی انجام دهد، او آمرزیده شده است.

ثواب کسی که مرتکب گناهی بشود و بداند که خداوند می تواند او را عذاب کند و می تواند او را ببخشد

(۲) ۱- محمّد بن مسلم از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: خداوند جلّ جلاله فرموده است: کسی که مرتکب گناهی بشود و بداند که من اگر بخواهم عذابش می کنم و اگر بخواهم او را می بخشم؛ او را خواهم بخشید.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۵۳

ثواب توبه

(۱) ۱- مسعودی نقل کرده است که امیر المؤمنین علی علیه السّلام فرمود: کسی که توبه کند، خداوند توبه او را می پذیرد، و به اعضای بدن او فرمان می رسد که گناهانی را که بوسیله آنها انجام داده پنهان کنند، و به مکانهایی که در آن به گناه آلوده شده است دستور داده می شود که گناه او را فاش نسازند، و فرشتگان نگهبان، گناهانی که نوشته اند، فراموش کنند.

(۲) ۲- سلمه، از قول مردی، از امام محمّد باقر علیه السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که یک سال پیش از مرگ خود توبه کند، خداوند توبه او را می پذیرد، سپس فرمودند: یک سال زیاد است! و ادامه

دادنـد: کسـی که یک ماه پیش از آنکه مرگش فرا رسد توبه کند، خداوند توبه او را نیز خواهد پذیرفت، و بعد فرمودند: یک ماه نیز زیاد است! کسی که یک روز پیش از مرگ خود توبه کند، خداوند توبه او را نیز

می پذیرد، و در ادامه سخنان فرمودند: یک روز نیز زیاد است! سپس فرمود: کسی که هنگامی که جانش به اینجا برسد (و

با دست مبارک اشاره به گلوی خود کردند) و توبه کند، خداوند توبه او را نیز خواهد پذیرفت.

(۱) ۳- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: خدا را از روزی خود افزونهایی است که آنها را به هر کس که بخواهد کرامت می کند، و خداوند توبه خویش را در سحرگاهان و شامگاهان بر کسی که در شب و یا روز گناه کرده است ارزانی داشته، که آیا توبه می کند تا از گناه وی درگذرد و او را بیامرزد؟!

ثواب کسی که بر انگشتر خویش نوشته باشد: ما شاءَ اللَّهُ، لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، استغفر اللَّه

(۲) ۱- محمد بن عمر- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که بر انگشتر خویش «ما شاءَ اللَّهُ، لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ،

أستغفر اللَّه» بنویسد از تنگدستی شدید در امان خواهد بود.

ثواب کسی که میوه یا چیز دیگری را ببیند، و هوای آن بکند، ولی نتواند آن را تهیّه نماید

(۱) ۱- محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که آن حضرت به یکی از اصحاب خود فرمود: آیا وارد بازار شده ای، و میوه یا چیزهای دیگری را که میل به آن داری، دیده ای که در آنجا به فروش می رسانند؟ عرض کردم: بخدا سوگند که چنین است، فرمود: آگاه باش که به ازای هر چیزی که می بینی و قدرت خرید آن را نداری، به شرط اینکه تهیدستی خود را تحمّل کنی، ثواب یک حسنه از آن تو خواهد بود.

ثواب کسب حلال

(۲) ۱- محمّد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده

است که فرمود: عبادت (خداوندی) دارای هفتاد جزء است، و کسب حلال، برترین جزء آن بشمار می رود.

ثواب طلب دنیا برای بی نیاز بودن از مردم

(۱) ۱- عمرو بن جمیع می گوید که: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: خیری نیست در کسی که دوست نداشته باشد مال را از راه حلال فراهم آورد تا آبروی خود را حفظ و بدهی خود را پرداخت کند.

در حدیث دیگر آمده است: کسی که دنیا را برای بی نیازی از مردم و نیکی به همسایه طلب کند، خدا را در روز قیامت با

چهره ای (فروزان) چون ماه شب چهاردهم ملاقات خواهد کرد.

ثواب خوش خلقی

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۵۷

(۱) ۱- موسی بن ابراهیم- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- نقل کرده است که امّ سلمه (رضی الله عنه) به رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم عرض کرد: پدر و مادرم به فدای تو باد! اگر زنی دو بار شوهر کند، و آن زن و دو شوهر او پس از مردن، اهل بهشت باشند، با کدامیک از دو شوهر خود بسر خواهد برد؟ رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: با آن که خوشخوتر و برای خانواده خویش بهتر است. ای امّ سلمه! همانا خوش خلقی، خیر دنیا و آخرت را به همراه دارد.

(۲) ۲- موسی بن ابراهیم از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود:

خداوند، خلق و خلقت بنده ای را که نیکو و اندام او را سالم و زیبا آفریده است، در روز قیامت شرم می کند که بدن او را طعمه آتش (دوزخ) کند.

ثواب کسی که فکر و ذکرش آخرت، درونش پاک و رابطه خود با خدای خود را اصلاح کرده باشد

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۵۸

(۱) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از قول پدران بزرگوارش علیهم السّلام از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: سیرت فقها و حکیمان این بود که هنگامی که به یک دیگر نامه بنویسند همیشه این سه جمله را به هم گوشزد می کنند که چهارمی ندارد: کسی که فکر و ذکرش آخرت باشد، خداوند متکفّل امور دنیوی او می شود، و کسی که به اصلاح درون خود بپردازد، خداوند امور ظاهری او را اصلاح می نماید؛ و کسی که رابطه میان

خود و خدای خود را اصلاح کند، خداوند، رابطه میان او و مردم را اصلاح می فرماید.

ثواب کسی که با نفس خود در ستیز باشد نه با مردم

(۲) ۱- عبید اللَّه بن الحسن به سند خود از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود:

کسی که از نفس خودش بدش آید (بسبب اینکه عیب آن را متوجه شده) نه از مردم (چون عیب آنها را می بیند و عیب خود را رها کرده) خداوند او را از هول و هراس روز قیامت در امان می دارد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۵۹

ثواب کسی که خدا را سپاس گوید برای نعمتی که به او عطا فرموده است

(۱) ۱- هیثم بن واقد نقل می کند که از امام صادق علیه السّلام شنیده است که فرمود: خداوند به بنده ای نعمتی- به هر بزرگی و زیادی که باشد- عنایت نکرده و آن بنده به خاطر آن نعمت خدای را سپاس گفته است مگر اینکه آن سپاسگزاری برتر از همان نعمت برای او خواهد بود.

ثواب خورنده ای که شکر می کند، و تندرستی که سپاس می گزارد

(۲) ۱- ابن ابی عمیر، از قول یکی از اصحابش، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: خورنده شکرگزار ثواب روزه دار برای خدا را دارد، و (پاداش) تندرست سپاسگزار (برابر) پاداش انسان مبتلایی که بردبار باشد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۶۰

ثواب نیکوکاری

(۱) ۱- احمد بن ابی عبد اللَّه برقی، از قول پدرش- و بی آنکه از راویان پیش از او نام ببرد- از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: کسانی که در دنیا اهل نیکی و احسانند، در آخرت نیز اهل نیکی و احسان می باشند. پرسیدند: ای رسول خدا! چگونه چنین چیزی ممکن است؟ حضرت فرمود: خداوند (در روز قیامت) احسان و انعام فرموده آنان را می آمرزد، و آنان (نیز) ثواب کارهای نیکی که (در دنیا) انجام داده اند، به مردم می بخشند تا (آنان هم) وارد بهشت شوند؛ و بدین ترتیب آنان هم در دنیا و هم در آخرت اهل نیکی و احسانند.

ثواب نظر امید داشتن به آنچه نزد خداوند عزّ و جل

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۶۱

(۱) ۱- ابراهیم بن داود یعقوبی، از قول برادرش روایت کرده است که: مردی از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم درخواست کرد که چیزی به من بیاموز تا با انجام دادن آن خدا در آسمان و مردم در زمین مرا دوست داشته باشند، حضرت به

او فرمود: (فقط) به آنچه در نزد خداست، چشم امید داشته باش تا خداوند تو را دوست بدارد، و به آنچه که در نزد مردم است بی میل و رغبت باش، تا مردم نیز تو را دوست داشته باشند.

ثواب نگهداری زبان

(۲) ۱- معمّر بن خلّاد از امام رضا علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: نجات مؤمن در نگهداری زبان خود اوست؛ و امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمود: کسی که زبان خود را نگهدارد، خداوند، عیبها (و کاستیهای) او را (از نظر مردم) می پوشاند.

ثواب پنهان کردن تنگدستی

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۶۲

(۱) ۱- عبد اللّه بصری- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: یا علی! خداوند، فقر و تنگدستی را در نزد مردم به امانت نهاد، و اجر کسی که آن را (از دیگران) پنهان کند، برابر با پاداش انسان روزه دار شب زنده دار است، و اگر کسی فقر و تنگدستی خود را با کسی در میان بگذارد که توانایی برآوردن نیاز او را دارد ولی کاری برای او انجام ندهد، محققا که او را کشته است، البته نه کشتن با شمشیر و یا نیزه، بلکه با زخمی که بر قلب او وارد کرده است «۱».

ثواب افراد فقیر و نیکی کردن به آنان

(۲) ۱- یعقوب بن یزید از قول مردی که از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود:

---

(۱) طبیب اصفهانی گوید:

خلد گر به پا خاری، آسمان برآرم چه سازم به خاری که در دل نشیند؟!

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۶۳

چون روز قیامت فرا رسد، خداوند بزرگ فرمان می دهد که سروشی ندا کند:

تهیدستان کجایند؟! (و پس از این صلای عام) گروهی از مردم از جای برمی خیزند، (و از جانب حضرت حق) فرمان می رسد که آنان را به سوی بهشت گسیل دارند، هنگامی که به درب بهشت می رسند مأموران بهشت به آنان می گویند: پیش از آنکه به حساب شما برسند (می خواهید وارد بهشت شوید)؟! در جواب می گویند: آیا چیزی به ما داده اید که می خواهید حساب آن را از ما بکشید؟! خداوند به مأموران بهشت خطاب می کند که: بندگان من راست می گویند،

(سپس به آن گروه می فرماید:) من شما را به خاطر خواری و بیقدر کردنتان تهیدست نکردم، بلکه اجر رنجهایی را که کشیده اید، برای امروز شما ذخیره کردم؛ در ادامه به ایشان می فرماید: به اهل محشر بنگرید و هر کسی را که در حقّ شما نیکی و احسان کرده است شناسایی کنید، سپس دست او را گرفته وارد بهشت کنید.

(۱) ۲- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم فرمود: ای تهیدستان! خوش باشید، و دل خوش دارید که خداوند شما را به خاطر تنگدستی و فقری که نصیبتان کرده است پاداش دهد، و اگر ثوابی (در ازای تهیدستی و بینوائی خود) نخواهید داشت.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۶۴

ثواب کسی که از تکدی خود داری کند

(۱) ۱- حسین بن ابی العلاء از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: خداوند رحمت کند بنده ای را که عفّت پیشه کند و خود دار و پرهیزگار باشد، و از ابراز نیاز به دیگران بپرهیزد، چرا که اظهار نیازمندی تعجیل در خواری و بیقدری در دنیا می شود، و مردم خواسته او را برآورده نخواهند ساخت.

ثواب مصافحه و دست یک دیگر را فشردن

(۲) ۱- ابو حمزه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: (پاداش شما) به هنگامی که با هم مصافحه می کنید- و دستان خود را در دست یک دیگر می گذارید- همانند پاداش سپاهیانی است که (در راه خدا و برای خدا) جهاد می کنند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۶۵

ثواب کسی که به هنگام صرف غذا نام خدا را بر زبان آورد

(۱) ۱- ابراهیم دارمی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از قول پدران بزرگوارش از امیر مؤمنان علیهم السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که به هنگام صرف غذا نام خدا را بر زبان جاری سازد، هرگز در مورد آن غذا مورد بازخواست قرار نخواهد گرفت.

ثواب کسی که گرسنه ای را سیر کند

(۲) ۱- صفوان بن یحیی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که گرسنه ای را سیر کند، خداوند برای او رودی در بهشت جاری خواهد نمود.

(۳) ۲- سماعه روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که شکم گرسنه ای را (از راه حلال) سیر کند، بهشت برای او واجب می شود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۶۶

ثواب لذّت بردن از آب

(۱) ۱- ابن فضّال، بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که در این دنیا از آب لذّت ببرد، خداوند او را از لذّت آشامیدنیهای بهشت بهره مند سازد.

ثواب صدقه دادن در روز جمعه

(۲) ۱- ابو محمّد وابشی و عبد اللَّه بن بکیر و راوی دیگری از امام صادق علیه السّلام روایت کرده اند که فرمود: دارائی پدرم کمتر از بقیه افراد اهل بیت خود ولی هزینه زندگی او (از آنان) بیشتر بود، و آن حضرت علیه السّلام در روز جمعه یک دینار صدقه می داد و می فرمود: (ثواب) صدقه دادن در روز جمعه چند برابر می شود به خاطر فضیلتی که روز جمعه بر دیگر روزهای هفته دارد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۶۷

ثواب کمک به ستمدیده پریشان

(۱) ۱- زید شحّام از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که به برادر مؤمن و گرفتار و پریشان احوال خود به هنگام گرفتاری، یاری کرده و ناراحتی او را برطرف ساخته، و در برآورده شدن نیاز او کمک نماید، هفتاد و دو رحمت الهی برای وحشتها و ترسهای او در روز قیامت ذخیره می شود.

ثواب دوست داشتن برادران

(۲) ۱- جمیل بن درّاج از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: از برتریهای آدمی در نزد خداوند، دوست داشتن برادران (ایمانی) است، و کسی که خداوند او را با علاقه و محبت برادران (ایمانی) خود آشنا سازد، او را دوست خواهد داشت، و کسی را که خداوند دوست داشته باشد، در روز قیامت پاداشش را کاملا به او عطا

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۶۸

خواهد نمود.

ثواب کسی که چیزی را آرزو کند که مورد خشنودی خداوند است

(۱) ۱- اسماعیل بن ابی زیاد از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که چیزی را آرزو کند که مورد خشنودی خداوند باشد، از دنیا نخواهد رفت تا به آرزوی خود برسد.

ثواب دیدار با مسلمان

(۲) ۱- بکر بن محمد ازدی روایت کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: هیچ مسلمانی به دیدار برادر دینی خود نمی رود مگر آنکه خداوند به او خطاب می فرماید: ای دیدارکننده! خوشا بر تو، و بهشت بر تو گوارا باد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۶۹

ثواب کسی که خانه ای ساخته، گوسفند فربهی را قربانی نموده، گوشت آن را به فقرا بدهد

(۱) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که خانه ای بسازد و گوسفند چاق و فربهی را قربانی کند و از گوشت آن بینوایان را اطعام نماید، و سپس بگوید: «پروردگارا! (شرّ) دیوان و آدمیان نافرمان و شیاطین را از من دور ساز، و این خانه را برای من با برکت گردان» (اگر چنین کند) آنچه را که آرزو می کند به او داده خواهد شد.

ثواب همیاری در کارهای نیک

(۲) ۱- مسعده بن زیاد از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش از امیر مؤمنان

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۷۰

علی علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: خدا رحمت کند پدری را که فرزند خود را کمك در احسان به او یاری می کند، خدا رحمت کند آن همسایه ای را که به کمك همسایه خود می شتابد تا او را در کار خیر یاری رساند، خدا رحمت کند آن رفیقی را که به دوست خود در کار خیر کمك می نماید، خدا رحمت کند آن دوست و رفیق و شریکی را که با دوست و رفیق و شریك خود در کار خیر همراه می شود، و خدا رحمت کند آن مردی را که به ولی نعمت خود کمك می کند در کار خیر.

ثواب میانه روی در هزینه

(۱) ۱- داود رقّی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: اعتدال و میانه روی امری است که خداوند آن را دوست می دارد، و اسراف و زیاده روی را ناخوش دارد و امری است که آن را نکوهش می کند، حتی دور انداختن هسته خرمایی باشد- زیرا آن هم به کار آید- و یا دور ریختن ته مانده آب آشامیدنی.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۷۱

ثواب کسی که در سفر عصایی از چوب درخت بادام تلخ داشته باشد و آیه وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقاءَ مَدْيَنَ ... را بخواند

(۱) ۱- یونس، به نقل گروهی از اصحاب امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود:

پدرم، از پدرانش، از امیر مؤمنان علی علیه السّلام از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم نقل کرده است که فرمود: کسی که برای سفر از خانه بیرون آید و عصائی از چوب درخت بادام تلخ با خود داشته باشد و این آیات را (که در سوره قصص، آیه های ۲۲ تا ۲۸) تلاوت کند:

«و هنگامی که متوجه بسوی مدین شد- تا- و خدا بر گفته های ما وکیل است» خداوند او را از شرّ هر حیوان درنده و قوی پنجه، و هر راهزن چپاولگر، و از هر گزنده آزار دهنده ای مصون می دارد تا به نزد افراد خانواده اش باز گردد، و با او هفتاد

و هفت فرشته نگهبان همراه شوند تا برای او (از درگاه خداوند) طلب آمرزش کند تا زمانی که او از سفر خود به خانه اش باز گردد و عصای خود را بر زمین بگذارد. و نیز رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: (عصای درخت بادام تلخ) فقر را برطرف می سازد و شیطان

را (از صاحب خود) دور می راند. و باز فرمود: حضرت آدم علیه السّلام به بیماری سختی مبتلا شد و وحشت و هراس (سراپای) او را فراگرفت که این حال را با جبرئیل در میان گذارد، و جبرئیل (از جانب حق) به او گفت: شاخه ای از شاخه های درخت بادام تلخ را ببر، و بر روی سینه خود بگذار! حضرت آدم علیه السّلام آن را انجام داد، و خداوند آن وحشت و هراس را از او دور کرد. و نیز (رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) فرمود:

کسی که بخواهد زمین در زیر پای او طی شود و مسافتها را کوتاه کند، عصایی از «نقد» با خود داشته باشد، و «نقد» همان عصایی است که از چوب درخت بادام تلخ باشد.

ثواب کسی که با عمامه از خانه اش خارج شود

(۱) ۱- علیّ بن رئاب از قول مردی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: من ضامنم برای کسی که عمامه ای بر سر داشته باشد و از خانه خود بیرون رود که صحیح و سالم به خانه اش باز گردد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۷۳

(۱) ۲- ابراهیم از امام موسی بن جعفر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: من ضامنم برای کسی که از خانه خود خارج شود برای سفری در حالی که تحت الحنك او آویزان باشد آنکه دچار دزدی و غرق شدن و سوختن نشود.

ثواب کسی که هنگامی که در پیش او یادی از اهل بیت علیهم السّلام شود اشک بریزد

(۲) ۱- بکر بن محمد ازدی می گوید که: امام صادق علیه السّلام از من پرسید: آیا به دور هم می نشینید و از ما یاد می کنید؟ عرض کردم: آری، فدایت گردم! حضرت فرمود:

براستی که من این گونه مجلسها را دوست دارم، بر شماست که یاد و خاطره ما را زنده نگاه دارید، زیرا کسی که از ما یاد کند، و یا اگر از ما در نزد او نامی برده می شود به اندازه بال مگسی (برای ما) اشك بریزد، خداوند همه گناهان او را اگر چه از کف روی دریا هم افزونتر باشد، می آمرزد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۷۴

ثواب دوست داشتن اهل بیت علیهم السّلام

(۱) ۱- و به سند مذکور از امام صادق علیه السّلام روایت شده است که فرمود: همانا دوستی ما اهل بیت، موجب فرو ریختن گناهان بندگان خدا می شود، همان گونه که در اثر وزش باد شدید، برگ از درخت فرو می ریزد.

ثواب کسی که نیاز مسلمانی را برآورد

(۲) ۱- و به سند مذکور از امام صادق علیه السّلام روایت شده است که فرمود: هیچ کس نیاز و خواسته مسلمانی را برآورده

نمی کند مگر آنکه خداوند او را خطاب می کند که: پاداش تو بر عهده من است و به کمتر از بهشت برای تو راضی نمی شوم.

ثواب مصافحه و دست در دست برادر مؤمن نهادن

(۱) ۱- اسحاق بن عمّار از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: براستی که هیچ کس را یارای آن نیست که قدر خدا را بشناسد، و همان گونه که از شناخت قدر خدا ناتوان است، قدر و منزلت رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را نیز نیارد که شناخت، و همان طوری که از شناخت قدر و منزلت رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم عاجز است، نمی تواند به قدر مؤمن پی ببرد؛ براستی که در هنگامی که مؤمن با برادر ایمانیش دیدار و با وی مصافحه می کند، خداوند آنها را نگریسته در حالی که گناهان آن دو تا زمانی که از یک دیگر جدا نشده اند فرو می ریزد بدان گونه که باد شدید، برگها را از درختان جدا کند.

ثواب کسی که قدر نعمتهای خداوندی را با قلب درک کرده و شکر خدا را آشکارا بجای آورده است

(۱) ۱- به سند مذکور از اسحاق بن عمّار نقل شده است که امام صادق علیه السّلام به من فرمود:

ای ابا اسحاق! هر گاه خداوند نعمتی را بر بنده خود ارزانی داشته، و او قدر آن نعمت را با قلب درک کرده و آشکارا خدای را شکرگزار باشد، هنوز از سپاس فارغ نشده است که دستور افزونی نعمتها (از جانب حق) برای او صادر می گردد.

ثواب کسی که عمر او به چهل تا نود سال برسد

(۲) ۱- علی بن مغیره از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: زمانی که عمر مؤمن به چهل سال برسد، خداوند او را از سه بیماری: دیوانگی و خوره (جذام) و پیسی (برص) به دور می دارد؛ و هنگامی که به پنجاه سالگی برسد، خداوند کار حساب را بر او آسان می گیرد؛ و چون عمر او به شصت سال برسد، خداوند توبه و بازگشت به خود را به او ارزانی می دارد؛ و زمانی که هفتاد سال بر او بگذرد، آسمانیان دوستش می دارند؛ و چون به سن هشتاد سالگی برسد، خداوند فرمان می دهد که کار نیک

و پسندیده او را در نامه اعمالش ثبت کنند، و از گناهان او چشم بپوشند؛ و هنگامی که عمر او به نود سال رسید، خداوند همه گناهان او را می آمرزد، و او اسیر خدا در زمین ثبت می شود.

(۱) ۲- محمد بن طلحه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: براستی که خداوند بزرگ کسانی را که

عمرشان به هفتاد سال رسیده است گرامی می دارد، و از آنان که به سن هشتاد

سالگی رسیده اند شرم دارد (که به عذاب خود گرفتارشان سازد).

(۲) ۳- خالد قلانسی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: همانا خداوند شرم می کند هشتاد ساله ها را عذاب کند؛ و نیز حضرت فرمود: چون روز قیامت فرا رسد پیر مرد سالخورده ای را در حالی که نامه اعمال او را به دستش داده اند حاضر می کنند، که روی آن نامه اعمال به طرف مردم باشد، و جز گناه و بدی چیزی دیده نمی شود؛ و چون کار به درازا کشد و تحمّل این حالت بر او گران آید عرضه می دارد:

پروردگارا! آیا مرا به سوی آتش دوزخ باز خواهی فرستاد؟! خداوند جبّار به او

خطاب می کند که: ای پیر مرد! من شرم دارم از اینکه تو را عذاب کنم، زیرا تو در دنیا برای من نماز می خواندی، (و سپس فرمان می دهد که) بنده مرا به بهشت ببرید.

ثواب کسی که حرمت پیر کهنسال را نگاه دارد و به او احترام گذارد

(۱) ۱- محمّد بن عبد اللَّه- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: کسی که حرمت پیر سالخورده ای را بشناسد و او را به خاطر کهنسالی (و ناتوانی) احترام کند، خداوند او را از ترس و وحشت روز قیامت در امان می دارد؛ و نیز حضرت فرمود: احترام پیر سالخورده، به منزله احترام و بزرگداشت خداوند است.

ثواب جهاد در راه خدا با حضور امام عادل

(۲) ۱- وهب بن وهب از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش نقل کرده

است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: جبرئیل مرا به امری خبر داد که چشمم روشن و دلم از آن شادمان شد، گفت: ای محمّد! هر کس از امّت تو که در راه خدا جهاد کند، قطره بارانی از آسمان بر او نبارد و یا دچار سر درد نشود مگر آنکه در روز قیامت (همه آنها در محضر الهی) برای او شهادت و گواهی باشند.

(۱) ۲- و به همین سند از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت شده است که فرمود: بهشت، دربی دارد که نام آن «باب المجاهدین» می باشد؛ به طرف در حرکت کرده، در حالی که درب باز شود، مجاهدان شمشیر به خود آویخته، مردم در محشر، فرشتگان خدا درودگویان به استقبالشان می شتابند؛ پس هر کس جهاد را ترک کند خداوند جامه خواری و ذلّت را بر اندام او بپوشاند، و او را در طول زندگی نیازمند و تهیدست می گرداند، و دین او را از

میان بردارد (بیـدین از دنیا می رود)، چرا که خداونـد تبارک و تعالی امّت مرا (به خاطر) سم اسـبان (مجاهـدان) و جایگاه نیزه های آنان، عزیز و سرافراز می دارد.

(۲) ۳- و به همین سند از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت شده است که فرمود: کسی که نامه

رزمنـده ای را برسانـد، به منزله آن است که بنـده ای را (در راه خـدا) آزاد کرده باشد، و در ثواب آن رزمنده شـریک خواهد بود.

(۱) ۴- سـکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: اسبان مجاهدان (در راه خدا) همان اسبان آنان در بهشت خواهند بود.

(۲) ۵- عمر بن ابان از امام صادق علیه السّـلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: همه خوبیها در شمشیر، و در سایه آن است، و تنها شمشیر است که مردم را اصلاح می کند (و آنان را از انحراف باز می دارد)، و شمشیرها کلیدهای بهشت و دوزخند. «۱»

پاداش نگهداری اسب

---

(۱) هنگامی که شمشیرها با اجازه امام و ولیّ حق و در راه خـدا بکار گرفته می شوند، به منزله کلیدهای بهشـتند که در اختیار جهادگران قرار دارند؛ و اگر در راه باطل و به فرمان حاکمان ستمگر و زورگوی از نیام درآیند، به منزله کلیدهای دوزخند که درهای دوزخ را به روی صاحبان خود می گشایند.

(۱) ۱- یعقوب بن جعفر بن

ابراهیم بن محمّد جعفری گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام شنیدم که فرمود: کسی که اسب اصیلی را نگاه دارد، در هر روز سه گناه از نامه اعمالش پاک و بیست و یک حسنه در آن ثبت می شود؛ و کسی که اسب هجینی (که پدرش عربی و مادرش غیر عربی باشد) را نگاه دارد، در هر روز دو گناه از نامه اعمال او پاک و هفت حسنه در آن نوشته می شود؛ و کسی که قاطری (یابویی) را برای زیبایی و یا برای بارکشی و سایر استفاده های شخصی و یا به منظور دفع دشمن، نگاه دارد به ازای هر روز یک گناه از نامه اعمال او سترده و شش حسنه در آن و برای او ثبت می شود.

(۲) ۲- عمر بن ابان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: خیر و برکت تا روز قیامت بر پیشانی اسبها گره خورده است.

(۳) ۳- علیّ بن رئاب از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر گاه چارپایی را

خریدی، بهره و منفعتش از آن توست و روزیش با خداست.

(۱) ۴- سلیمان جعفری گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام شنیدم که فرمود: کسی که اسب سرخ مایل به زردی را که همه بدن او به همین رنگ و یا در پیشانی او خالی سفید داشته باشد، اگر سپیدی پیشانیش تا روی بینی کشیده شده و زانوهایش نیز سفید باشد، من بیشتر می پسندم؛ فقر و تنگدستی و کینه و دشمنی به خانه دارنده

چنین اسبی مادامی که آن اسب از آن او و در خانه اوست راه نمی یابد. راوی می گوید: باز از آن حضرت شنیدم که می فرمود: کسی که اسبی را نگاه دارد تا دشمن را بدان بترساند، و یا اینکه در بارکشی از آن استفاده کند، تا زمانی که آن اسب از آن اوست پیوسته به او یاری شده و فقر و فلاکت به خانه او راه نخواهد یافت.

(۲) ۵- و به همین سند، از سلیمان بن جعفر جعفری، از امام محمد باقر علیه السّلام روایت شده است که فرمود: کسی که از خانه خود یا از خانه دیگری بیرون آید و چشم او به اسبی

سرخ رنگ مایل به زرد بیفتد که پاهای او سفیدی داشته باشند و اگر در پیشانی او خال سفیدی که بر بینی او کشیده شده، به راحتی و خوشی زندگی به تمام معنا رسیده است، و در آن روز جز خوشی و خرّمی نخواهد دید، و اگر هنگامی که از پی کاری می رود، چنین اسبی را ببیند، خداوند حاجت او را برآورده می سازد.

ثواب نام خدا را بردن به هنگام سواری

(۱) ۱- ابراهیم بن عبد الحمید از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: اگر مردی سوار بر چارپا شود و نام خدا را ببرد، خداوند فرشته ای در پشت سر او قرار می گیرد که از او مراقبت نماید تا زمانی که (به مقصد رسیده) و پیاده شود؛ و اگر به هنگام سوار شدن، نام خدا را نبرد، شیطانی در پشت سر او قرار می گیرد و به

او می گویـد که: آواز بخوان، و اگر بگویـد که آواز خوشـی نـدارم به او می گوید: آرزو کن، و او هم آرزو می کند تا وقتی که از مرکب پیاده شود. و نیز فرمود:

کسی که به هنگام سوار شدن بر مرکب سواری «بسم اللَّه، لا حول و لا قوه الّا باللَّه،

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۸۴

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا، و سبحان الَّذِی سَخَّرَ لَنا هـذا وَ ما کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ» (به نام خدا، هیچ توان و نیرویی نیست مگر از خداوند است، سپاس برای آن خدایی که ما را به این هدایت کرد، و پاك و منزّه است آن خداوندی است که این (مرکب) را برای ما میسّر و در اختیار ما قرار داد، و (اگر او نمی بود) ما نمی توانستیم این را مهیّا کنیم) بگوید، جان او و مرکب او تا زمانی که از آن پیاده شود، محافظت خواهد شد.

باب نادری است در باره چهارپا

(۱) ۱- محمد بن مرازم از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

هیچ چهارپایی نیست که پنج نوبت با آدمی تا موقف عرفات همراه باشد، مگر آنکه در زمره حیوانات بهشتی درخواهد آمد.

ثواب تب

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۸۵

(۱) ۱- هیثم بن ابی مسروق، از قول یکی از بزرگان که کنیه اش ابی عبد اللَّه بود، و او از مردی دیگر به نقل از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

تب، طلیعه و پیش درآمد مرگ است، و زندان خداوند در زمین به حساب می آید، و هرم و حرارتش از (آتش) جهنّم است، که قسمت و بهره هر مؤمنی از آتش دوزخ تواند بود. «۱» (۲) ۲- زهری از امام زین العابدین علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: تب، درد خوبی است، که به هر عضوی (از اعضای بدن) قسمت خود را از بلا می دهد، و کسی که (به دردهایی از این قبیل) مبتلا نمی شود، خیر و خوبی در او نیست (و نباید از آنان توقّع کارهای نیک و خدا پسندانه داشت چرا که خداوند آنان را در دنیا به خود واگذاشته است تا در آخرت یک جا به حسابشان برسد).

(۳) ۳- یوسف بن اسماعیل، به سند خود از معصوم نقل کرده است که: هر گاه مؤمنی به

---

(۱) شاید مراد این باشد که انسانهای با ایمان وقتی که دچار تب می شوند، در واقع در همین زندگانی دنیا عذاب آتش برزخ و آخرت را تحمّل می کنند.

پاداش نیکیها و کیفر

یک بار تب مبتلا می شود، گناهان مانند برگ درخت از او می ریزد، و زمانی که در بستر خود ناله می کند، ناله اش به منزله تسبیح و فریادش تهلیل (گفتن لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ) خواهد بود و در بستر خود از درد به خود می پیچد و از این پهلو به آن پهلو می غلطد، به منزله آن است که در راه خود شمشیر می زند؛ و اگر در میان برادران و دوستان خود (که برای عیادت او آمده اند) به عبادت خداوند مشغول شود آمرزیده خواهد شد؛ پس خوشا به حال او و اگر (در این حال) توبه کند، و وای بر او اگر (ناسپاسی کند و یا پس از بهبود، باز) به گناه آلوده شود. (به هر حال) سلامت و عافیت در نزد ما گرامیتر و دوست داشتنی تر است.

ثواب یک شب تب

(۱) ۱- زهری می گوید که: از امام زین العابدین علیه السّلام شنیدم که فرمود: تب یک شب، کفّاره گناهان یک سال (آدمی) است، بدین جهت که آثار ناشی از آن (ضعف و ناتوانی) تا یک سال در بدن باقی می ماند.

(۲) ۲- محمّد بن مروان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: تب یک شب،

کفّاره گناهان گذشته و آینده (آدمی) است.

ثواب کسی که بیمار شده و آن را پذیرفته و برای آن خدا را سپاس گوید

(۱) ۱- ابو عبد الرحمن گوید: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: کسی که یک شب، بیمار شود و به پذیرفتن آن، آن را نیکو بپذیرد و خدا را بخاطر آن شکر و سپاس گوید «۱»، به منزله کفاره شصت سال (عمر سراسر غفلت و لغزش) اوست. راوی می پرسد: منظور از «به پذیرفتن آن، آن را نیکو بپذیرد» چیست؟! حضرت فرمود:

بردباری و تحمّل هر چه در آن است (از درد و ناراحتی و ...).

ثواب بیماری

---

(۱) شکر و سپاس به این خاطر که: خداوند با مبتلا کردن او به بیماری، خواسته است که از گناهان او درگذرد و بیماری او را بهانه آمرزش خود قرار داده است.

(۱) ۱- محمّد بن سنان از امام رضا علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: بیماری، مایه پاکی و رحمت مؤمن است و

موجب عذاب و لعنت کافر؛ و همانا بیماری پیوسته با مؤمن خواهد بود تا گناهی بر او باقی نگذارد.

ثواب شبی با «سر درد» بسر بردن

(۲) ۱- سعدان بن مسلم از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: شبی سردرد کشیدن (و بیماری سر درد را تحمّل کردن)، تمام گناهان (آدمی) را- بجز گناهان کبیره- از بین می برد.

ثواب بیمار

(۳) ۱- ابراهیم بن عبد الحمید از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام روایت کرده است که

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: برای بیمار (مؤمن) چهار خصوصیّت و ویژگی وجود دارد: (۱) ۱- قلم از او برداشته می شود (گناهی بر او نوشته نمی شود). ۲- و خداوند به فرشتگان مراقب او فرمان می دهد تا (ثواب) تمام کارهای خوبی را که در زمان سلامتی، توفیق انجام آن را داشته است، در نامه اعمال او ثبت کنند. ۳- و (اثر) آن بیماری به هر عضوی از اعضای بدن او رسیده، گناهانی را که توسّط آن عضو انجام گرفته است از بین می برد. ۴- و اگر در این حالت بمیرد، آمرزیده از دنیا رفته است و اگر زنده بماند (و از این بیماری جان سالم بدر برد) باز هم مورد آمرزش قرار خواهد گرفت.

(۲) ۲- حسن روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: اگر مسلمانی بیمار شود، خداوند (ثواب) بهترین اعمالی را که در زمان سلامتی انجام داده است در نامه اعمال او ثبت می کند، و همان گونه که برگ از درخت فرو می ریزد گناهان او نیز فرو می ریزد.

(۳) ۳- ابو عبیده حذّاء از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که برای خدا به عیادت بیماری برود، آنچه را

که بیمار در حقّ او دعا کند خداوند آن را مستجاب می فرماید.

ثواب تحمّل بیماری کودک

(۱) ۱- عیســی بن عبد اللَّه عمری، از پدرش، از جدّش، از امیر مؤمنان علیه السّلام نقل کرده است که آن حضــرت در مورد بیماری کودک فرمود: بیماری او (کودک) کفّاره گناهان پدر و مادرش می باشد.

ثواب عیادت بیمار، غسل مرده ها، تشییع جنازه، و تسلیت دادن

(۲) ۱- ابو جارود از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: از جمله فرازهایی که در مناجات (حضرت) موسی علیه السّلام با پروردگار وجود داشت این بود که:

پروردگارا! ثواب و پاداش کسی که بیماری را عیادت کند چیست؟ خدای عزّ و جل فرمود: فرشته ای را در قبر بر او (عیادت کننده) می گمارم که تا روز محشر از او عیادت کند. موسی علیه السّلام عرض کرد: پروردگارا! پاداش کسی که مردگان را غسل می دهد چیست؟ فرمود: او را از (آلودگی) گناهانش می شویم، تا همانند روزی که از مادر زاده شده است (پاک و پاکیزه) باشد. موسی علیه السّلام باز پرسید: پروردگارا! پاداش کسی که جنازه مرده ای را تشییع می کند، چیست؟ خداوند فرمود: فوجی از فرشتگانم را به همراه پرچمهائی بر آنان می گمارم، که از گورشان تا محشر بدرقه کنند. موسی علیه السّلام باز پرسید: پروردگارا! پاداش کسی که خانواده داغداری را تسلیت و دلداری دهد، چیست؟ خداوند فرمود: در سایه خود بر سر او می گسترانم در آن روزی که سایه ای جز سایه (لطف و بخشش) من نیست.

ثواب کسی که در فاصله ظهر پنجشنبه تا ظهر جمعه بمیرد

(۱) ۱- ابان بن تغلب از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که در فاصله میان ظهر روز پنجشنبه تا ظهر روز جمعه از دنیا برود، خداوند او را از فشار قبر مصون می دارد.

ثواب رو به قبله کردن محتضر

(۱) ۱- زید بن علی، از قول پدر و جدّ بزرگوارش علیهما السّلام، از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم بر مردی از فرزندان عبد المطّلب که در حال احتضار (مرگ) گشته، و رو به قبله نبود وارد شد حضرت فرمود: او را رو به قبله کنید زیرا اگر چنین کنید، خداوند و فرشتگان (از سر رحمت) به او روی آورند، تا زمانی که درگذرد.

ثواب تلقین محتضر

(۲) ۱- اسحاق بن عمّار از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: کلمه «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» را به محتضران تلقین

کنید، زیرا کسی که آخرین زمزمه او «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» باشد، راهی بهشت خواهد شد.

ثواب کسی که جنازه مؤمنی را غسل دهد

(۱) ۱- سعد اسکاف از امام محمّد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: مؤمنی نیست که جنازه مؤمنی را غسل دهد، و به هنگام پهلو به پهلو کردن او بگوید: «بار الها! این بدن بنده تو است که روح را از آن جدا کردی و در میان آن دو جدایی انداختی، پس او را بیامرز، او را بیامرز» مگر اینکه خداوند گناهان یک سال او را- به جز گناهان کبیره- می آمرزد.

(۲) ۲- عبد اللّه بن سنان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که جنازه مؤمنی را غسل دهد و حقّ امانت را در باره او ادا کند، خداوند او را می آمرزد. راوی پرسید: چگونه

حق امانت را ادا کند؟! حضرت فرمود: آنچه را که می بیند، فاش نکند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۹۴

ثواب کسی که برای فرزندان از دست رفته خود از خدا پاداش بخواهد

(۱) ۱- جابر از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که فرزندانی را از دست دهد و در مقابل از خدا توقّع اجر و پاداش داشته باشد، به خواست خداوند فرزندان از دست رفته اش در میان او و آتش دوزخ حجاب می شوند (و او را از جهنّم دور می سازند).

(۲) ۲- عمرو بن عبسه سلمی روایت کرده است که از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم شنیدم که فرمود:

هر مرد یا زنی که سه فرزند نابالغ خود را از دست بدهند، آن فرزندان به منزله حجاب او از آتش دوزخند.

(۳) ۳- ابو ذر غفاری (ره) گوید: هیچ پدر و مادری نیست که داغ سه فرزند نابالغ ببینند، مگر آنکه خداوند آن پدر و مادر را با رحمت (بی منتهای) خود، وارد بهشت می کنند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۹۵

(۱) ۴- علیّ بن میسّر، از پدرش، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: داغ فرزندی که آدمی ببیند بهتر از هفتاد فرزند است که از خود باقی گذارد و همه آنها قائم آل محمد (عج) را درک کنند. «۱»

ثواب حمل کردن تابوت از هر چهار طرف آن

(۲) ۱- سلیمان بن صالح، از قول پدرش از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود:

کسی که یک طرف تابوت (مؤمنی) را حمل کند، خداوند بیست و پنج گناه کبیره او را می آمرزد، و چنانچه چهار طرف آن را (به ترتیب) حمل کند، از تمام گناهانی که کرده است (به استثنای حقّ النّاس) پاک می شود.

---

(۱) شاید مراد این باشد: اجری که خداوند بزرگ و مهربان برای داغ یک فرزند به پدر و

مـادر او کرامت می کنـد افزونتر از اجر پرورش هفتـاد فرزنـد صالـح آنهاست که در خور شـرفیابی به محضـر امام زمان (عـج) باشـند و از یاران آن حضرت به شمار آیند؛ و یا اینکه بگوئیم چون پدر و مادر در ثواب و گناه فرزندان خود شریکند طبق این روایت در صورتی که داغ یک فرزنـد ببیننـد، برای آن دو از داشـتن هفتاد فرزنـد که قیام قائم آل محمد (عج) را درک کنند، بهتر است زیرا به جهت عمر طولانی و پر برکتشان و توفیق انجام بسـیاری از کارهای خوب و خـدا پسـندانه را خواهنـد یافت و آن دو، در ثواب این اعمال با آنها شـریکند. ولی در هر دو صورت این پاداشها مشروط به آن است که در فراق فرزند بردبار و صبور باشند و برای خشنودی خداوند.

ثواب انتخاب کفنهای خوب

(۱) ۱- احمد بن محمد بن عیسـی- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از امام صادق علیه السّـلام روایت کرده است که فرمود: برای درگذشتگان خود کفنهای خوب انتخاب کنید، زیرا کفن زینت آنها است.

ثواب فشار قبر برای مؤمن

(۲) ۱- سـکونی از امام صادق علیه السّـلام، و آن حضـرت از پدران بزرگوارش علیهم السّـلام، از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که رسول خـدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم فرمود: فشـار قبر برای مؤمن کفّـاره نعمتهایی است که از دسـت داده است. «۱»

---

(۱) شاید مراد از «از دست دادن نعمتها» زیاده روی در استفاده از نعمتهای الهی، و یا صرف نعمتهای خداوندی در راههای غیر مشروع باشد که بزرگترین ناسپاسیهاست.

ثواب نابینایی که خدا را ملاقات کند در حالی که صبور و امیدوار به پاداش خدا و دوستدار آل محمد علیهم السّلام باشد

(۱) ۱- ابو حمزه ثمالی و محمد بن مسـلم، هر دو از امام محمد باقر علیه السّـلام روایت کرده اند که فرمود: نابینایی که خدا را ملاقات کنـد در حالی که در مقابل آن امید به پاداش او داشـته و دوسـتدار آل محمد علیهم السّـلام باشد، خداوند را در حالی ملاقات می کند که حسابی بر او نباشد.

(۲) ۲- و روایت شده است که: خداوند یک یا دو چشم بنده ای را نمی گیرد مگر آنکه از گناهان او بازپرسی نکند.

ثواب استرجاع (گفتن إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ) به هنگام مصیبت

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۹۸

(۱) ۱- معروف بن خرّبوذ از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هیچ مؤمنی نیست که در دنیا دچار مصیبت بشود و هنگام رویاروئی با آن مصیبت، استرجاع کند (إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ بگوید) مگر آنکه خداوند تمام گناهان گذشته او را می بخشد- جز گناهان کبیره- که خداوند، آتش دوزخ را کیفر آنها قرار داده است. و نیز فرمود:

و هر گاه در آینده عمر خود به یاد آن مصیبت می افتد و این ذکر را بر زبان آرد و خدا را سپاس گوید، خداوند همه گناهان او را- در فاصله دو استرجاع- می بخشد بجز گناهان کبیره.

(۲) ۲- علیّ بن سیف، از برادرش، از پدرش سیف بن عمیره، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که هنگام مصیبت، استرجاع به او الهام شود، بهشت برای او واجب می شود.

ثواب صبر

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۴۹۹

(۱) ۱- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: از پدرم علیه السّلام شنیدم که فرمود:

من از این غلام خود و تنی چند از افراد خانواده ام ناروایی‌هایی می بینم که تلختر از حنظل است و بر آن صبر و بردباری می کنم «۱» براستی که هر کس (در برابر ناملایمات) صبر پیشه کند، با بردباری و شکیبائی خود قدر و منزلت روزه دار شب زنده دار، و شهیدی که در رکاب رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم شمشیر زده است به دست می آورد.

(۲) ۲- ابو حمزه ثمالی از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده

است که فرمود: کسی که در مصیبتی، شکیبائی ورزد، خداوند عزّت او را می افزاید، و او را با محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و اهل بیت او علیهم السّلام وارد بهشت می سازد.

ثواب تسلیت و دلداری

(۳) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: تسلیت گفتن و دلداری دادن (به افراد مصیبت زده)

---

(۱) (حنظل: میوه ای است بسیار تلخ، کوچکتر از خربزه و زرد رنگ است).

رفتن به بهشت را در بر خواهد داشت.

(۱) ۲- و به همین سند از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم نقل شده است که فرمود: کسی که به اندوهگینی، تسلیت گوید، در روز قیامت لباس فاخری بر اندام او بپوشانند که مایه شادمانی و سرافرازی او گردد.

(۲) ۳- رفاعه بن موسی نخّاس (برده فروش) از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که حضرت به مردی که فرزند خود را از دست داده بود، تسلیت و دلداری داد و فرمود:

خداوند برای فرزند تو (به مراتب) از تو بهتر (و دلسوزتر و مهربانتر) است و پاداشی که خداوند به تو کرامت خواهد کرد (به مراتب) بهتر و برتر از فرزند تو است. و هنگامی که خبر دادند که هنوز آن مرد بیتابی می کند و آرامش خود را هنوز باز نیافته است، بار دیگر نزد مرد رفت و به او فرمود: چرا رحلت رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم (با آن جلالت قدر) مایه تسلیت و

دلداری خود نمی دانی؟! عرض کرد: فرزند من گناهکار بود و اندوه من به خاطر این است. حضرت فرمود: همانا او سه گونه امید در پیش دارد که باید بدانها دل بست: اول، شهادت و اقرار به یگانگی خداوند (با گفتن لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ)؛ دوم، رحمت بی منتهای خداوندی؛ سوم، شفاعت رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم؛ و ان شاء اللَّه

هیچ یک از این سه را از دست نخواهد داد و (از عذاب الهی) نجات پیدا می کند.

(۱) ۴- وهب بن وهب از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که داغدیده ای را تسلیت و دلداری دهد، پاداشی همانند پاداش همان مصیبت زده خواهد داشت بی آنکه از پاداش آن داغدیده کاسته شود.

ثواب زیارت قبر مؤمن

(۲) ۱- احمد بن محمد نقل کرده است که: من و ابراهیم بن هاشم در گورستانی بودیم که ابراهیم در کنار قبری روی به قبله نشست، سپس دست خود را بر روی قبر گذاشت و هفت بار سوره إِنَّا أَنْزَلْناهُ را تلاوت کرد، آنگاه به من گفت: صاحب این قبر- محمد بن اسماعیل بن بزیع- برای من روایتی نقل کرده بود که: کسی که قبر مؤمنی را زیارت کند و هفت بار سوره إِنَّا أَنْزَلْناهُ را تلاوت کند، خداوند او و صاحب قبر را

خواهد بخشید.

ثواب کسی که بر سر یتیمی دست کشد

(۱) ۱- غیاث بن ابراهیم از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمود: هیچ مرد و زن با ایمانی نیست که دست نوازش بر سر یتیمی بکشد مگر آنکه خداوند به شماره هر مویی- که با دست او تماس داشته است- یک حسنه برای او ثبت می کند.

(۲) ۲- حسن بن سری از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هیچ بنده ای نیست که از روی دلسوزی و مهربانی دست بر سر یتیمی بکشد مگر آنکه خداوند در روز قیامت به شماره هر مویی (از آن یتیم) نوری به او کرامت فرماید.

(۱) ۳- جابر از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که از قساوت و سنگدلی خود ناراحت باشد (و چاره آن را آن را نداند) یتیمی را به نزد

خود فرا خواند و نسبت به او مهربانی کند، و دست نوازش بر سر او بکشد، دل او به اراده خداوندی نرم می شود، بدرستی که یتیم بر دیگران حقّی دارد (و مهربانی به او پاسخگوی این حق تواند بود).

و در حدیث دیگری فرموده است: یتیم را بر سر سفره خود بنشاند و دست نوازش بر سر او بکشد، دل او (به خاطر این محبّت) نرم خواهد شد، براستی که اگر چنین کند دل او به اراده خداوندی (اگر چه از سنگ بشد به تدریج) نرم می گردد.

ثواب کسی که یتیمی را از گریه باز دارد

(۲) ۱- ابو مریم انصاری از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: هر گاه یتیمی بگرید، عرش الهی به لرزه درآید، و خداوند تبارک و تعالی فرماید: کیست که این بنده مرا- که در اوان کودکی پدر و مادرش را از او گرفته ام- به گریه واداشته است؟! بعزّت و جلالم سوگند که: هر کس او را از گریه باز دارد و آرامش کند، بهشت را برای

او واجب می سازم.

ثواب مؤمن پس از مرگ، و ثواب شادمان کردن مؤمن

(۱) ۱- سدیر صیرفی روایت کرده است که: در محضر امام صادق علیه السّلام بودم و اصحاب در باره مؤمن و مقام و منزلت او صحبت می کردند، حضرت از آن میان روی به من کرد و فرمود: ای ابا الفضل! آیا دوست داری که با تو از شأن و منزلت مؤمن در

پیشگاه خداوند سخن بگویم؟ عرض کردم: آری بفرمائید! فرمود: چون خداوند روح مؤمن را بگیرد، دو فرشته ای که بر او گمارده شده بودند، به طرف آسمان بالا می روند و عرضه می دارند: پروردگارا! فلان بنده تو که بنده خوب و شایسته ای بود، و در انجام طاعات و فرامین تو کوشا و سخت کوش، و در نافرمانی از دستورات تو کند و کم جنب و جوش، جان او را گرفتی و به سوی خود فراخواندی، اینک فرمان چیست؟! خداوند به آن دو فرشته خطاب فرماید که: به زمین فرود آیید و در کنار قبر بنده ام مستقر شوید و (مدام) به حمد و تسبیح و تهلیل و تکبیر من مشغول باشید

و (ثواب) این عبادات را برای او بنویسید تا زمانی که او را از قبر برانگیزم، سپس حضرت از من پرسید: بیشتر بگویم؟ عرض کردم: آری! حضرت فرمود: چون خداوند مؤمن را از قبر برانگیزد، مثالی همراه وی از قبر بیرون می آید و در پیشاپیش او به راه می افتد، و هر زمانی که او از مشاهده صحنه ای از صحنه های هراس انگیز بهراسد، آن مثال (که همراه اوست) به او می گوید: اندوهگین مباش و مترس! و تو را از جانب حضرت حق به کرامت و بزرگواری و شادمانی بشارت باد! و بر همین منوال او را همراهی می کند و بشارت می دهد تا زمانی که در پیشگاه الهی بایستد.

پس خداوند، کار حساب را بر او آسان می کند و فرمان می دهد که او را به بهشت ببرید، و مثال در پیشاپیش او به راه می افتد و مؤمن به او می گوید: رحمت خداوند بر تو باد! چه همراه خوبی برای من بودی که با من از قبر بیرون آمدی و پیوسته مرا از جانب پروردگار به شادمانی و کرامت و خیر بشارت دادی تا به چشم خود- آنچه را که به من بشارت دادی- دیدم، حال به من بگو که تو کیستی؟! و مثال جواب می دهد:

من تجسّم های خیر و خوشی و شادمانی و لطفی هستم که تو در دنیا دل برادر مؤمن خود را با آن شادمان کردی. خداوند مرا آفرید تا (در چنین مواقع حسّاسی به لطف و کرامت و بخشایش او) تو را بشارت دهم و دل تو را بدین مژده، شادمان کنم.

ثواب دوست داشتن فرزند

(۱) ۱- ابن ابی

عمیر، از قول مردی، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود:

همانا خداوند بزرگ به خاطر شدت علاقه و محبتی که مرد (پدر) نسبت به فرزند خود دارد، بر او رحم آورد.

ثواب کسی که برای خانواده خود تحفه ای بخرد، دختر خود را خوشحال و چشم پسرش را روشن می سازد

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۰۷

(۱) ۱- ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که به بازار رود و برای خانواده اش تحفه ای بخرد و با خود ببرد، به منزله کسی است که صدقه نیازمندان را به دوش کشیده باشد، و چه بهتر که دختران را بر پسران مقدّم بدارد، زیرا کسی که دختری را شادمان کند، گویی یکی از فرزندان حضرت اسماعیل را از بند بردگی رها کرده باشد، و کسی که چشم پسرش را روشن کند به منزله آن است که از خشیت و هیبت پروردگار بگرید و کسی که از خوف الهی بگرید، خداوند او را در بهشتهای خویش وارد می کند.

ثواب پدر دختران

(۲) ۱- ابان بن تغلب از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: دختران حسناتند، و پسران نعمت؛ و حسنات موجب ثواب و اجر و پاداشند ولی نعمت موجب بازخواست می شود. «۱»

---

(۱) کسانی که به ترفند بر این باورند که در اسلام به زن و حقوق زن، بها داده نشده است با این گونه روایات چه می کنند؟! روایاتی که آدمی را به داشتن دختر پاکدامن، مباهی و سرافراز می سازند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۰۸

(۱) ۲- برقی- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم را به میلاد حضرت فاطمه علیه السّلام بشارت دادند، آن حضرت به چهره اصحابش نگاهی انداخت، و چون آنان را اندوهگین دید فرمود: شما را چه شده است؟! (فاطمه من) ریحانه ای است که

او را می بویم، و روزی او با خدا است. «۱» (۲) ۳- حمزه بن حمران از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: مردی به خدمت رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم شرفیاب شد و به مردی که نزد آن حضرت نشسته بود گفت که:

خداوند فرزند دختری به تو عطا کرده است به محض شنیدن این خبر، چهره آن مرد درهم رفت! رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم از او پرسید: تو را چه پیش آمده است؟! عرض کرد:

خیر است! حضرت فرمود: تعریف کن که چه شده است؟ عرض کرد: از خانه که بیرون آمدم همسرم در حال زایمان بود، اینک به من خبر دادند که او دختری زائیده

---

(۱) بر اساس این روایت تولد حضرت زهرا سلام اللَّه علیها پس از بعثت حضرت محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم صورت گرفته است و این مغایر گفته اکثر مورّخان اهل تسنن است که تولد آن حضرت را چند سال پیش از بعثت می دانند.

است! رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم (که گویی از تغییر حال آن مرد به خاطر دختر دار شدن در شگفت شده بود) به آن مرد فرمود: زمین است که سنگینی او را تحمل می کند، و آسمان است که بر او سایه می افکند، و روزی او با خداست، و او به منزله گل خوشبویی است که تو آن را می بویی؛ سپس رو به اصحاب کرده فرمود: کسی که دارای دختری می شود، گرفتار است، و کسی که دو دختر دارد، باید به

فریادش رسید، و کسی که سه دختر داشته باشد از جهاد و هر کار دشوار دیگری معاف است، و کسی که دارای چهار دختر باشد، پس ای بندگان خدا به کمک او بشتابید، و ای بندگان خدا به او وام دهید، و ای بندگان خدا به او رحم کنید.

(۱) ۴- یعقوب بن یزید- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از یکی از دو امام باقر یا صادق علیهم السّلام روایت کرده است که فرمود: هر گاه مردی دارای دختری شود، خداوند فرشته ای را بر او فرود می آورد تا بال خود را بر سر و سینه آن دختر کشیده گوید: این موجود ناتوانی است که از ضعف آفریده شده است، و کسی که بر او انفاق کند و هزینه او را بر عهده بگیرد تا روز قیامت یاری خواهد شد.

تمّ کتاب ثواب الأعمال وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ و صلّی اللَّه علی محمّد و آله

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۱۱

کتاب عقاب الأعمال

اشاره

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۱۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

کیفر کسی که از راه خطا به خدا تقرّب جوید

(۱) ۱- اسحاق بن غالب نقل می کند که امام صادق علیه السّلام فرمود: یکی از علمای بزرگ بنی اسرائیل، به حدّی خدا را عبادت کرد که مانند خلال، ضعیف و باریک شد. خداوند از طریق وحی به پیغمبر آن زمان فرمان داد که به او بگو: بعزّت و جلال و جبروتم

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۱۴

سوگند که: اگر آنقدر مرا عبادت کنی که آب شوی- بدانسان که پیه (در اثر حرارت) در دیگ ذوب می شود- (این اطاعت و عبادت) از تو پذیرفته نخواهد شد مگر آنکه از همان راهی که من دستور دادم به سوی من بازآئی.

کیفر کسی که دستورات الهی را سبک بشمارد

(۱) ۱- عبد اللَّه بن میمون از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: شما را از غفلت بر حذر می دارم، زیرا کسی که چنین کند به زیان خود تن در داده است و شما را بر حذر می دارم از اینکه دستور خداوندی را سبک بشمارید، زیرا کسی که چنین کند خداوند در روز قیامت او را خوار و ناچیز گرداند.

کیفر کسی که با خاندان رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم دشمنی کند

(۱) ۱- محمد بن مروان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

کسی که با ما، اهل بیت، دشمنی بورزد، خداوند او را به دین یهود برانگیزد، پرسیدند: ای رسول خدا! حتی اگر شهادتین را بگوید (به یگانگی خدا و نبوت شما گواهی دهد)؟! فرمود: با این دو شهادت تنها از ریختن خون خود جلوگیری می کند، و یا خود را از دادن جزیه توأم با خواری، معاف می دارد «۱». و باز فرمود: کسی که با ما، اهل بیت، دشمنی بورزد خداوند او را یهودی محشور می کند، پرسیدند: چرا و چگونه؟! فرمود: زیرا اگر زمان خروج دجّال (از نشانه های قطعی پیش از ظهور امام زمان «عج») را درک کند به او ایمان خواهد آورد «۲».

توضیح: یعنی این گروه به خاطر عداوتی که با اهل بیت علیهم السّلام دارند، از هر کجا ندایی بشنوند که با مرام آنان سازگار باشد- حال منادی هر چه می خواهد باشد- در اطراف او حلقه و با او همصدا می شوند، چرا که از هدایت الهی بی بهره اند.

(۲) ۲- اسماعیل جعفی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که

رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم فرمود:

---

(۱) زيرا كسى كه شهادتين را بر زبان جارى مى سازد، به ظاهر مسلمان است و ريختن خون او (به خاطر مشرك بودن) جايز نيست، و نمى توان از او جزيه گرفت چرا كه جزيه، مالياتى است كه از پيروان ساير اديانى كه داراى كتاب آسمانى هستند، گرفته مى شود.

(۲) مرحوم علامه طباطبائى رضوان اللَّه تعالى عليه در رابطه با تعبير رؤياى صادقه اى به نويسنده اين سطور فرمودند كه: در آخر الزّمان و پيش از ظهور قائم آل محمد «عج» چهل دجال خروج مى كنند، و هر كدام گروهى را شكار كرده و آخرين آنها، همان دجّال است كه صفات ناپسند او بر زبانها جارى است.

كسى با ما خاندان رسالت دشمنى نمى ورزد مگر آنكه خداوند در روز قيامت او را مبتلا به بيمارى جذام بر مى انگيزد.

كيفر كسى كه حقّ اهل بيت عليهم السّلام را نشناسد

(۱) ۱- معلّى بن خنيس از امام صادق عليه السّلام روايت كرده است كه فرمود: اى معلّى! اگر بنده اى صد سال در ميان ركن و مقام خدا را پرستش كند- در حالى كه روزها، روزه دار و شبها شب زنده دار باشد- تا جايى كه ابروان او- از شدّت پيرى و سالخوردگى- بر روى چشمهايش قرار گيرد و استخوانهاى چنبر گردن (ترقوه) او از شدّت ضعف و ناتوانى به هم رسند، ولى حقّ ما را نشناسد، هرگز اجر و پاداشى نخواهد داشت.

(۲) ۲- ابو حمزه ثمالى نقل كرده است كه امام زين العابدين عليه السّلام از ما پرسيد: كدام نقطه

زمين فضيلت بيشترى دارد؟ عرض كردم:

خدا و رسولش و فرزند رسولش «۱» بهتر می دانند، فرمود: براستی که بهترین مکانهای روی زمین، ما بین رکن و مقام است، و اگر مردی به اندازه نوح پیغمبر علیه السّلام نهصد و پنجاه سال عمر کند و در آن مکان مقدّس روزها را به روزه، و شبها را به پرستش و عبادت خدا بپردازد، و بعد به دیدار خدا بشتابد در حالی که از ولایت ما بهره ای نداشته باشد، هیچ بهره ای از آن همه عبادتها نخواهد بود.

(۱) ۳- میسّر می گوید که: در محضر امام محمد باقر علیه السّلام بودم و در خیمه آن حضرت

---

(۱) مراد از فرزند رسول خدا در اینجا امام زین العابدین علیه السّلام است.

حدود پنجاه نفر از اصحاب حضور داشتند. امام علیه السّلام نشست و پس از مدّتی که به سکوت گذشت، فرمود: شما را چه شده است؟! شاید فکر می کنید که من پیامبر خدایم! بخدا سوگند که چنین نیستم، ولی با رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم رابطه خویشی داشته و از نسل اویم؛ پس کسی که با ما به نیکی و مهربانی رفتار کند خداوند در حقّ او نیکی و مهربانی نماید، و کسی که ما را دوست داشته باشد، خداوند او را دوست می دارد، و کسی که ما را محروم سازد خداوند او را محروم خواهد کرد؛ آیا می دانید کدام نقطه زمین در نزد خدا مقام و منزلت بیشتری دارد؟ هیچ کس از ما سخنی نگفت، و حضرت خود پاسخ داد: آن نقطه همان زمین مکّه است که خداوند آن را حرم خود ساخته و

خانه اش را (مسجد الحرام) در آن قرار داده است. سپس پرسید: آیا می دانید در نزد خدا کدام نقطه آن برتر است؟ باز هیچ کس سخنی نگفت، و خود پاسخ فرمود: آن نقطه، مسجد الحرام است. باز پرسید: آیا می دانید کدام قسمت مسجد الحرام در نزد خدا حرمت افزونتری دارد؟ (این بار هم) کسی پاسخی نداد، و آن حضرت پاسخ فرمود: قسمتی که ما بین رکن اسود و مقام و درب کعبه است، و آنجا حطیم اسماعیل علیه السّلام بوده است، که گوسفنداش را در آنجا علوفه می داد و در همان جا نماز می گزارد؛ بخدا سوگند که اگر بنده ای در آنجا شبها به نماز قیام کند تا روز در آید و روزها را روزه بدارد تا شام فرا رسد (ولی) حق ما و حرمت ما اهل بیت را نشناسد، خداوند هرگز (آن همه عبادت در آن مکان مقدّس و محترم را) از او نخواهد پذیرفت.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۱۹

کیفر کسی که بمیرد و امام خود را نشناسد

(۱) ۱- عیسی بن سری ابن یسع، می گوید که: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرموده است: کسی که بمیرد و امام خود را نشناسد، به مرگ (زمان) جاهلیت مرده است؟ امام علیه السّلام فرمود: (آدمی) هنگامی که جانش بدینجا برسد- و با دست مبارک به سینه خود اشاره کردند- بیشترین نیاز به معرفت امام احساس می شود. راوی می گوید آنگاه حضرت به من فرمود: تو (از نظر اعتقادی) در مرحله خوبی هستی (میزان معرفت تو به ولایت خاندان، در حدّ خوبی است).

(۲) ۲- ابو حمزه از امام صادق علیه السّلام

روایت کرده است که فرمود: امامی که پیروی و فرمانبرداری از او (بر همه مردم) واجب است از ما می باشد، کسی که او را (امام بر حق را) انکار کند، بر دین یهودان یا ترسایان خواهد مرد بخدا سوگند که زمین از زمانی که خداوند حضرت آدم علیه السّلام را قبض روح کرد تاکنون بدون امام و پیشوای بر

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۲۰

حقّی که مردم را به سوی خداوند رهنمون گردد و حجّت خدا بر بندگان او باشد، نبوده است. کسی که او را ترک کند (او را به امامت نشناسد و دستوراتش را بکار نبندد) نابود می شود، و کسی که (به فرامین او گردن نهاده) پیرو (واقعی) او باشد، بر خداوند است که او را (از نابودی) نجات بخشد.

کیفر کسی که از پیشوای ستمگری فرمان برد

(۱) ۱- حبیب سجستانی از امام محمد باقر علیه السّلام، و آن حضرت از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که: خداوند عز و جل فرموده است: کسی که در اسلام از پیشوای ستمگری پیروی و فرمانبرداری کند، عذابش خواهم کرد گر چه کردارش نیکوکارانه و رفتارش پرهیزکارانه باشد، و کسی را که در اسلام پیروی و فرمانبرداری از پیشوای هدایتگری کند که از جانب خداوند، عهده دار این امر باشد، خواهم بخشید گر چه کردارش ستمگرانه و نادرست باشد. «۱»

---

(۱) زیرا پیشوای ستمگر، جامعه را به فساد، و پیشوای الهی، اجتماع را به تعالی و صلاح سوق می دهد و مردم جامعه به هر حال از پیشوای خود تأثیر پذیری مستقیم دارند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۲۱

کیفر کسی که امامت و پیشوایی بر جماعتی کند که در میان آنها از او دانشمندتر و فقیهتری باشد

(۱) ۱- عرزمی، از قول پدرش- و او بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: کسی که پیشوای جامعه ای شود، که در میان آنها از او دانشمندتر و فقیه تری باشد آن جامعه تا به روز قیامت رو به انحطاط می رود.

کیفر کسی که به هنگام نماز و یا با شنیدن نام رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم صلوات نفرستد

(۲) ۱- محمد بن مروان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر گاه کسی از شما (مسلمانان) نماز بخواند، و در نماز خود بر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم صلوات نفرستد،

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۲۲

با این نماز راهی جز راه بهشت را پیموده است.

و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که نام من در پیش او برده شود ولی بر من صلوات نفرستد خداوند او را به دوزخ خواهد برد، و از (درگاه رحمت) خود خواهد راند.

و نیز رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که نام من نزدش برده شود ولی فراموش کند بر من صلوات بفرستد، او را از راه بهشت دور خواهند گرداند.

کیفر دشمن و منکر امیر مؤمنان علی علیه السّلام و کسی که در باره (امامت و ولایت) آن حضرت تردید کند

(۱) ۱- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: شرابخوار بسان بت پرست است، و دشمن آل محمد علیهم السّلام (ناصبی) از او بدتر است. راوی می گوید:

عرض کردم: فدایت گردم! مگر بدتر از بت پرست هم کسی هست؟ حضرت فرمود:

ممکن است روزی شفاعت (ما خاندان تحت شرایطی) شامل حال شرابخوار (هم) بشود، ولی اگر تمام اهل زمین و آسمانها در مورد دشمن اهل بیت علیهم السّلام شفاعت کنند، (بدون تردید) شفاعت آنها پذیرفته نخواهد شد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۲۳

(۱) ۲- عتیبه نی فروش، از امام محمد باقر علیه السّلام از پدران بزرگوارش علیهم السّلام از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: براستی که بهشت برای دوستداران علی علیه السّلام

بسیار مشتاق دیدار است و درخشش نور آن برای دوستداران علی علیه السّلام پیش از آنکه رهسپار بهشت شوند افزون می گردد، و همانا شعله های خشمگین آتش دوزخ برای دشمنان علی علیه السّلام در همین دنیا و پیش از آنکه راهی دوزخ گردند، آن سهمگین تر و هولناکتر می شود.

(۲) ۳- ابان بن تغلب از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کدام از دشمنان ولایت امیر مؤمنان علی علیه السّلام هر اندازه هم که در عبادت بکوشد، سرانجام و فرجام کار او مفاد همان آیه شریفه است که خداوند در قرآن مجید (در سوره غاشیه، آیه ۴) فرموده است: «در دوزخ، همه در رنج و مشقّتند و همواره در آتش برافروخته، معذّب».

(۳) ۴- عبد اللَّه بن سنان روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: ناصبی آن نیست که

دشمن ما اهل بیت باشد، زیرا کسی را پیدا نمی کنی که بگوید: من به محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و آل محمد علیهم السّلام دشمنی می ورزم، بلکه ناصبی کسی است که با شما (شیعیان و دوستان ما) دشمنی می ورزد، و به خاطر آنکه می داند که شما پیروان و دوستداران ما هستید، با شما دشمنی می کند.

(۱) ۵- حمران بن اعین روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: چنانچه همه فرشتگانی که خداوند عزّ و جل آفریده، و جمله پیامبرانی که خداوند به نبوّت مبعوث کرده، و تمامی صدّیقان و همه شهیدان راه حق، در باره دشمن ما اهل بیت شفاعت کنند تا بلکه خداوند او را از آتش دوزخ رهایی

بخشد، خداوند (شفاعتشان را) نپذیرد و دشمن ما خاندان را از آتش نجات ندهد و خدای عزّ و جلّ در کتاب خود (در سوره کهف، آیه ۳) فرموده است: «تا ابد در آن (جهنم) ماندگارند!» (۲) ۶- جابر روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: کسی که آن ستمهایی که بر ما رفته و حقوق مسلّمی که از ما تاراج شده، و مصائب و آلامی که بر ما وارد آمده است آگاه نباشد، (و به درستی ارزیابی نکند و با بی تفاوتی از کنار این گونه ناملایمات درگذرد) با کسی که این جنایات را در حق ما روا داشته است، شریک خواهد بود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۲۵

(۱) ۷- علیّ بن سلیمان بن رشید- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: مرجئه «۱» در حالی که نابینا هستند به همراه امامشان که او نیز نابینا باشد محشور می شوند، چون برخی از افرادی که از امّت دیگرند (و مسلمان نیستند) آنها را مشاهده کنند (از روی تمسخر) می گویند: ما امّت محمّد را کور می بینیم! پس به آنها خطاب می شود: اینان از امّت محمد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نیستند، بدرستی که اینان خود عوض و دگرگون شدند، پس با آنها نیز عوض و دگرگون شده است.

---

(۱) مرجئه به گروهی از خوارج گفته می شد که می گفتند: ایمان به خدا و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم برای نجات آدمی کافی است و ترک واجبات و انجام محرّمات الهی هیچ زیانی به ایمان انسان

نمی زنـد! این گروه که پس از جریان جنگ صـفین و ماجرای حکمیّت بوجود آمد اول حضـرت علی علیه السّـلام و معاویه را تکفیر کردنـد و گفتند چون به داوری تن در داده اند ایمانشان به کفر گرائیده است! ولی بعدها در این عقیده خود تجدید نظر کردند و گفتند اعمال آدمی هیچ زیانی به ایمان او نمی زند بنا بر این حضـرت علی علیه السّـلام و معاویه به خاطر قبول داوری مرتکب گناه کبیره شده اند!! ولی این گناه کبیره به ایمان آنها صدمه ای نمی زند! پس آن دو مسـلمانند و باید به انتظار قیامت نشست و دید که خداوند با آنها چه می کند!! در بحار الانوار از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت شده است که: فرقه مرجئه در قیامت کور محشور می شوند.

اگر عقیـده این گروه در جـامعه ای رواج یابـد که در آن هیـچ کس مسـئول اعمـال خود نباشـد و با دسـتاویز اینکه ایمان دارم دست به هر جنایتی که خواهنـد دست بزننـد، مسـلما آن جامعه بزودی در سراشـیبی سـقوط قرار خواهد گرفت و شارع مقدس اسـلام برای جلوگیری از این گونه انحرافـات، قبول ولاـیت و امـامت ائمه اطهار علیهم السّـلام را شـرط قبولی توحیـد و تمامی عبادات قرار داده است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۲۶

(۱) ۸- سـعید بن ابی سـعید بلخی روایت کرده است که از حضـرت موسـی بن جعفر علیه السّـلام شنیدم که فرمود: خداوند به هنگـام هر نمـازی که آفریـده شـدگان بگزارنـد لعنتی دارد، عرض کردم: چرا فـدایت گردم؟! فرمود: به خـاطر اینکه حقّ ما را انکار کردند، و ما را تکذیب نمودند.

(۲) ۹- ابو خدیجه از امام صادق علیه السّلام

روایت کرده است که فرمود: در روز قیامت، ابلیس را- که لعنت خدا بر او باد- به همراه کسی که موجب گمراهی این امت شده است، با افسارهایی بس زمخت و درشتناک- به زمختی کوه احد- به صورت بر روی زمین می کشند، و به واسطه آنها یکی از درهای جهنّم بسته می شود.

(۳) ۱۰- محمد بن سلیمان دیلمی، از قول پدرش روایت کرده است که به محضر امام صادق علیه السّلام عرض کردم: معنی آیه «آیا خبر غاشیه به تو رسیده است» چیست؟

فرمود: حضرت قائم (عج) آنان را با شمشیر احاطه می کند. عرض کردم: معنی آیه «چهره هایی که در آن روز نه از روی میل و اراده فروتن است» چیست؟ فرمود:

صورتهایی که بناگزیر و از بیم، فروتن اند، و یارای سرپیچی از فرمان را ندارند.

عرض کردم: معنی «عامله» چیست؟ فرمود: بر خلاف آنچه که خداوند فرمان داده است، عمل کرده اند. عرض کردم: معنی «ناصبه» چیست؟ فرمود: برای (جا انداختن) رهبری غیر الهی خود را به زحمت انداختند. عرض کردم: معنی «در آتشی بس شعله ور و سوزان، عذاب می شوند» چیست؟ فرمود: (آنان) در این دنیا به هنگام ظهور حضرت قائم آل محمد (عج) به آتش جنگ و در آخرت در آتش جهنم خواهند سوخت.

(۱) ۱۱- مفضّل بن عمر، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: خداوند امیر مؤمنان علی علیه السّلام را در میان خود و آفریدگان خود نشانه قرار داد، و میان آنها و او (حضرت حق) نشانه ای جز او (علی علیه السّلام) نیست، پس کسی که از او

پیروی کنـد، مؤمن؛ و کسـی که از پیرویش سـر باز زند کافر است؛ و کسـی که در (حقّانیت و امامت و ولایت) او تردید کند، مشرک می باشد.

(۱) ۱۲- محمـد بن حسّ‍ان سـلمی از محمـد بن جعفر، و او از قول پـدرش علیه السّ‍لام روایت کرده است که فرمود: علی علیه السّلام دروازه هدایت است، کسی که با او مخالفت کند کافر است و کسی که او را انکار کند به جهنّم خواهد رفت.

(۲) ۱۳- حسـین بـن ابی العلاـء روایت کرده است که امـام صـادق علیه السّ‍لام فرمـود: اگر همه ساکنـان کره زمین (امـامت و ولایت) امیر مؤمنان علی علیه السّلام را انکار کنند خداوند همه آنها را به عذاب (خود) گرفتار سازد، و رهسپار جهنّم کند.

(۳) ۱۴- اسـحاق بن جریر بجلی روایت کرده است که امـام صـادق علیه السّ‍لام به من فرمود: پسـر عموی تو بسـان یک عرب بیابانگرد دیوانه در حالی که پارچه یی به خود بسته بود و دیگری به دوش انداخته، و کفشهایش را به دست گرفته بود، به نزد من آمد و گفت:

گروهی از مردم در باره تو حرفهائی می زنند! به او گفتم: مگر تو عرب شهرنشین نیستی؟ گفت: چرا! گفتم: عربهای شهرنشین (و نه بادیه نشین و بیابانگرد) علی را دشـمن خود نمی داننـد، و دشـمن او نیسـتند. آنگاه به او گفتم: شایـد تو از جمله کسانی باشی که حوض (کوثر) را تکذیب می کنند! همانا بخدا سوگند اگر با علی دشمن

باشی سپس بر او در کنار حوض درآیی، بدون تردید از تشنگی جان

خواهی سپرد (و از آب کوثر بهره ای نخواهی برد).

(۱) ۱۵- محمـد بن حسّان سـلمی روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام به نقل از پـدر بزرگوارش علیه السّلام فرمود: جبرئیل بر رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم نازل شد و عرض کرد: ای محمد! خداوند به تو سلام می رساند و می فرماید: آسـمانهای هفتگانه و آنچه در آنهاست و زمینهای هفتگانه و آنچه در بر آن است، همه را آفریـدم، و هیـچ مکانی را بهتر از ما بین رکن و مقام خلق نکردم، چنانچه بنـده ای از زمانی که آسـمانها و زمینها را آفریده ام مرا یاد کرده باشد، ولی در حالی که ولایت علی علیه السّلام را انکار کنـد به دیـدار من بشـتابد (از دنیا برود)، او را با صورت به سـقر (که پست ترین و پائین ترین درکات دوزخ است) خواهم افکند (و دعای او را که در این مدّت، که با عمر آسمانها و زمین برابری می کند، اجابت نخواهم کرد).

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۳۰

(۱) ۱۶- میسّر نقل کرده است که: به خدمت امام صادق علیه السّلام شرفیاب شدم و عرض کردم:

فـدایت گردم! همسایه یی دارم که فقط با صـدای او بیـدار می شوم، گاهی به تلاوت قرآن مشـغول است و آیات آن را تکرار می کنـد و می نالـد و می گریـد، و گاهی به نیایش و تسبیـح خداونـدی سرگرم می شود، من در باره او در پنهانی و آشـکارا پرسیدم، در پاسخ من گفتند که: خود را به حرام نمی آلاید و از همه محرّمات پرهیز می کند.

امام علیه السّلام به من فرمود: ای میسّر! آیا او اعتقاد تو را دارد؟! (ولایت و

امـامت را پـذیرفته است؟) عرض کردم: خـدا (به احوال او) دانـاترست. میسّـِر می گویـد: سال آینـده من توفیق زیارت بیت اللَّه الحرام را پیدا کردم در باره او بسـیار کنکاش و کاوش کردم و فهمیدم که نسـبت به اهل بیت عصـمت و طهارت علیهم السّلام هیـچ معرفتی نـدارد. (پس از مراجعت از سـفر حج) آنچه را که در باره آن مرد شـنیده بودم به خدمت امام صادق علیه السّـِلام عرض کردم امام علیه السّلام دوباره سؤال سال قبل را تکرار کردند و از من پرسیدند:

آیـا به آنچه تـو بـاور داری، او هم اعتقـاد دارد؟! عرض کردم: نه! فرمـود: ای میسّـِر! کـدام قسـمت زمین (در نزد خـدا) حرمت بیشتری دارد؟ عرض کردم: خدا و رسول

خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و فرزند رسول او (شما) بهتر می دانند. فرمود: ای میسّر! (خداوند) بین رکن و مقام، بوستانی از بوسـتانهای بهشـتی، و مـا بین قـبر رسول خـدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم و منـبر (آن حضـرت) گلزاری از گلزارهـای بهشـت (آفریده) است، و بخدا سوگند که اگر بنده ای را خدا عمر طولانی کرامت کند و او هزار سال خدا را ما بین رکن و مقام و قبر و منبر پرسـتش کنـد، و بعد او را بیگناه- چون گوسـفندی که سیاه و سـفید است- در بستر سـرش را از تن جدا کنند، و بدون ولاـیت مـا خـدا را ملاقـات کنـد بر خـداست که او را به صورت در آتش دوزخ بیفکنـد (و عبادتهـای هزار سـاله او را به هیچ بشمارد).

(۱) ۱۷- حنان بن سدیر نقل کرده

است که از امام محمد باقر علیه السّلام شنیدم که فرمود: همانا که دشمن علی علیه السّلام از دنیا نمی رود مگر آنکه جرعه ای از (گدازه سیّال) حمیم (دوزخ) را به او بیاشامانند، و در ادامه سخنان خود فرمود: حال کسی که با این امر (ولایت علی علیه السّلام) مخالف باشد یکسان است، خواه نماز بگذارد خواه زنا کند. «۱»

---

(۱) اصل مسلّمی که در قبول نماز و سایر عبادات و حتی توحید وجود دارد، اعتقاد داشتن به ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام است، و اگر این اعتقاد نباشد، آدمی سزاوار عذاب الهی است، خواه گناهکار باشد و خواه پرهیزگار، و طبق روایاتی که گذشت حتی شفاعت فرشتگان و پیامبران الهی و بندگان خاص خداوندی نمی تواند چنین بنده ای را از عذاب الهی نجات دهد چرا که مرتکب گناهی شده است که مادر گناهان بشمار می رود، و هر چه لغزش و خطاست از بی اعتقادی به ولایت و انکار امامت ائمه معصومین علیهم السّلام زاده شده است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۳۲

(۱) ۱۸- و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السّلام نقل شده است که: دشمن ما اهل بیت فرق نمی کند که روزه بگیر و نمازگزار باشد و یا دزد و زناکار، (بهر حال) او در آتش است، او در آتش است.

(۲) ۱۹- هشام بن سالم نقل کرده است که به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: در باره مردی که علی علیه السّلام را ناسزا بگوید چه می فرمائید؟ فرمود: بخدا سوگند که ریختن خون او حلال است به شرط آنکه موجب ریختن خون بیگناه نگردد، عرض کردم: مراد شما از

این سـخن چیست؟! حضـرت فرمود: (مراد من) این است که کشـتن چنین کـافری موجب کشـته شـدن مؤمنی شود (که در این صورت جـایز نیست). «۱» (۳) ۲۰- ابو سـعید مکـاری از قول مردی نقـل کرده است از امام صادق علیه السّـلام که امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمود: دشمن ما بر لبه پرتگاهی قرار گرفته است که مشرف به گودالهای ژرف

---

(۱) چون در عرب رسم بود که به خونخواهی کسی که کشته شده است خونبها می گرفتند و یا به کشتن قاتل پای می فشردند و نظر امـام علیه السّـلام این است که اگر چنین احتمالی وجود دارد از کشـتن دشـمن ما صـرف نظر شود، و کیفر او را به خـدا واگذارند.

پر از آتش اسـت، و سـرانجام (در اثر لغزشـی کـه حتمی است) در (آغـوش) دوزخ خواهـد افتـاد، پس بـدا به حـال اهـل آتش جایگاه آنان است؛ که خداوند می فرماید:

« (چه) بد جایگاهی است، جایگاهی متکبّران و سرکشان». و همچنین حضرت فرمود:

کسی نیست که در دوستی ما کوتاهی کند، و خداوند خیری در او قرار داده باشد.

(۱) ۲۱- علیّ صـائغ از امام صادق علیه السّـلام روایت کرده است که فرمود: همانا مؤمن در حق دوست خود شـفاعت می کند مگر آنکه شـفاعت او در باره ناصبی (دشمن قسم خورده اهل بیت علیهم السّلام) باشد، که اگر همه پیامبران مرسل و فرشتگان مقرّب برای چنین کسی شفاعت کنند، پذیرفته نخواهد شد.

(۲) ۲۲- لیث مرادی (ابـو بصـیر) از امـام صـادق علیه السّـلام روایت کرده است که فرمود: حضـرت نوح علیه السّـلام سـگ و خوک را سوار کشتی کرد ولی زنازاده یی

را راه نداد و (براستی که) ناصبی (دشمن اهل بیت علیهم السّلام) از زنازاده بدتر است.

(۳) ۲۳- عبد الحمید نقل کرده است که به امام محمد باقر علیه السّلام عرض کردم که: در

همسایگی من مردی است که به هر چه حرام است دست می یازد، تا جایی که نماز نمی خواند! امام علیهم السّلام فرمود: سبحان اللَّه! و گناه او را بس بزرگ شمرد و فرمود: آیا می خواهی از او بدتر را به تو معرّفی کنم؟ عرض کردم: آری، فرمود: دشمن ما اهل بیت (به مراتب) از او بدتر است.

کیفر قدریها و خود مختارها «۱»

---

(۱) قدریّه به فرقه ای گفته می شود که معتقد بودند انسان در کارهای خود به کلی مختار است و خداوند اختیار کارهایش را به او سپرده است و خداوند نقشی در آن ندارد! این مسلک فکری در زمان بنی امیّه رواج گرفت و نوشته اند که معاویه و یزید به این مسلک گرویدند و از این رو خود را «فعّال ما یشاء» می دانستند و هر چه می خواستند انجام می دادند! و در واقع این مسلک را مستمسک کارهای زشت خود قرار داده بودند و گر نه بویی از اعتقاد- و لو اعتقاد به یک مسلک فکری- به مشامشان نخورده بود. بعدها همین مسلک، راهگشای معتزله شد و مسلکی خلاف آن در رویاروئی با آن پایه گذاری کردند که به مسلک تفویض شهرت یافت و معتقد بودند که انسان از خود اختیاری ندارد! گویند که مردی به محضر امام صادق علیه السّلام شرفیاب شد و عرض کرد: همسری دارم که قدری مسلک است.

حضرت فرمود: از او بپرس: آیا می توانی فقط خاطرات خوش

زنـدگی را به یاد بیاوری و خاطرات تلخ را به دست فراموشـی بسـپاری؟! اگر گفت: نه! معلوم می شود که از عقیده اش دسـت برداشـته اسـت و آنچه را که نمی خواهـد به یـاد آورد (دیگری) آن را به خـاطرش می انـدازد، و اگر گفت: آری! دیگر بـا او سخن مگوی که مدّعی خدایی شده است! (رک؛ معارف و معاریف، ج ۴/ ص ۱۷۶۴ و ۱۷۶۵).

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۳۵

(۱) ۱- حـارث همـدانی از امیر مؤمنـان علی علیـه السّـلام روایـت کرده است که فرمـود: ارواح قـدریها را شب و روز به آتش (برزخ) عـذاب کننـد تا روز قیامت، و چون روز قیامت فرا رسد، آنان را با کسانی که اهل دوزخند به انواع عذابها دچار شوند. پس (به پیشـگاهی الهی روی آورنـد و) گوینـد: (در عـالم برزخ) مـا را به عـذابی مخصـوص گرفتـار کردی و اینـک به همراه دوزخیـان عـذابمان می کنی؟! (به امر پروردگار) به آنان خطاب می شود: «طعم تماس با آتش دوزخ را بچشـید، براستی که ما تمام چیزها را به اندازه خلق کردیم (سوره قمر، آیه ۴۸ و ۴۹).

(۲) ۲- یونس بن عبـد الرحمن از قول یکی از راویان که از امام صادق علیه السّـلام روایت کرده است که فرمود: خداونـد این آیه ها را نازل نفرمود مگر در باره قـدریها «براستی که مجرمان و گناهکاران در گمراهی و دوزخنـد، روزی که (در قیامت) به صورت در آتش افکنـده می شونـد، (و به آنـان گفته می شود): طعم آتش را بچشـید، به درستی که مـا هر چیزی را به انـدازه خلق کرده ایم» (سوره قمر، آیه های ۴۷- ۴۹).

(۳) ۳- داود بن سلیمان از حضرت موسی

بن جعفر علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: دو گروه از امّت من بهره ای از

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۳۶

اسلام ندارند: مرجئه و قدریّه.

ابن بابویه، محمد بن علی - مجاهدی، محمد علی، پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ۱جلد، انتشارات سرور - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۱ش. پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال ؛ ؛ ص۵۳۶

۱) ۴- علی بن ابی حمزه گوید: پدرم ابو حمزه نقل کرده است که از امام محمد باقر علیه السّلام شنیده است که فرمود: آنان که تقدیر الهی را دروغ می پندارند (در برزخ) مسخ می شوند و در روز قیامت به صورت بوزینه و خوک محشور می گردند.

(۲) ۵- زراره بن اعین و محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده اند که فرمود:

دو آیه ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ، إِنَّا کُلَّ شَیْ ءٍ خَلَقْناهُ بِقَدَرٍ در باره قدریّه نازل شده است. «۱»

---

(۱) از این روایت می توان این نکته را دریافت که معتقدات پوچی که بعدها در امّت اسلامی رواج خواهد یافت بر شارع مقدّس اسلام پوشیده نبوده، و قرآن کریم از باز گو کردن هیچ واقعه و حادثه ای اعمّ از فکری و غیر فکری امت اسلامی رویگردان نشده است یا از مسیر مستقیم هدایت، فاصله نگیرند، ولی افسوس که جاه طلبی های یک مشت عناصر بی ایمان، وحدت امت اسلامی را دچار تزلزل و پریشانی کرد، و خواهد کرد تا قائم آل محمد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به این نابسامانیها پایان دهد ان شاء اللّه.

پاداش نیکیها و

کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۳۷

(۱) ۶- اسماعیل بن مسلم سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش، از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: چون در روز قیامت کسانی را که در این اسلام بدعت نهاده اند، فرا خوانند، قدریها در میان آنان بسان خالی سفید در پیکر گاوی سیاهرنگ (کاملا) مشخص اند، و از طرف حضرت حق به آنان خطاب می شود که: چه می خواهید؟ در جواب گویند: ما خشنودی تو را خواستاریم! خداوند فرماید: لغزشهای شمایان را بخشیدم و گناهانتان را (نیز) آمرزیدم، به جز قدریها (که گناه) آنان را نمی بخشم زیرا آنان (به گمان اینکه بر صراط مستقیمند) ندانسته به شرک گراییدند (و من بر خود لازم و واجب ساخته ام که از گناه شرک در نگذرم).

(۲) ۷- و به همین سند، از امیر المؤمنین علیه السّلام روایت شده است که مجاهد، دوست عبد اللّه بن عباس به خدمت امیر مؤمنان علی علیه السّلام شرفیاب شد و در حالی که پرسید:

ای امیر مؤمنان! نظر شما در باره قدریها چیست؟! و امیر مؤمنان در خانه از او پرسید:

آیا کسی از این گروه، کسی همراه تو است؟ یا در این جمع، از آنان کسی هست؟

مجاهد عرض کرد: با آنها چه می کنی؟! حضرت فرمود: ابتدا آنان را (از عقیده نادرستی که دارند) به توبه دعوت می کنم، اگر توبه کردند رهایشان می کنم و گر نه

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۳۸

گردنشان را خواهم زد. «۱» (۱) ۸- سعید بن جبیر از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی از قدریها (در

اعتقاد نادرست خود) پافشاری و تندروی نکرد مگر آنکه از (گستره) ایمان بیرون رفت.

(۲) ۹- محمد بن مسلمه از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: شب در مقایسه با شب، و روز نسبت به روز، شبیه تر از مرجئه به یهودان، و قدریّه به مسیحیان نیست. «۲» (۳) ۱۰- اسماعیل بن مسلم از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از قول پدران بزرگوارش نقل کرده است که امیر مؤمنان علی- که درود خداوندی بر آنان باد- فرمود: برای هر امتی مجوسی هست، و مجوس این امت (امّت اسلامی) قدریها می باشند.

---

(۱) زیرا قدریها، مرتدند و کیفر ارتداد، کشتن است.

(۲) یعنی مرام مرجئه به مرام یهود، و عقیده قدریه به عقاید مسیحیان شباهت تام و تمام دارد، و این گونه عقاید نادرست در محدوده باورهای اسلامی نمی گنجد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۳۹

کیفر کسی که ادّعای امامت کند و امام نباشد

(۱) ۱- سوره بن کلیب نقل کرده است که از امام محمد باقر علیه السّلام پرسیدم: مقصود خداوند عز و جل در این آیه چیست که می فرماید (در سوره زمر، آیه ۶۱): «و در روز قیامت کسانی را خواهی دید که (در دنیا) به جهت دروغ بستن به خدا، رنگ صورتشان به سیاهی گراییده است؟» حضرت فرمود: مقصود کسی است که دعوی امامت کند در حالی که امام نباشد (از طرف خداوند به قبول این امر خطیر مأمور نشده باشد) عرض کردم: حتّی اگر (مدّعی امامت، سیّد) علوی و فاطمی باشد؟ فرمود: آری، اگر چه علوی و فاطمی باشد.

(۲) ۲- مفضل از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس ادعای امامت کند

و اهليّت (اين امر خطير را) نداشته باشد، كافر است. «۱»

---

(۱) مراد از اهليّت و اهل بودن در اينجا: مأمور شدن از جانب حق به امامت و رهبرى مسلمانان بعد از رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم است.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۴۰

(۱) ۳- داود بن فرقد، از امام صادق عليه السّلام روايت كرده است كه: هر كس ادعاى امامت كند، ولى (واقعا) امام نباشد، براستى كه به خدا و رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم و ما (ائمه اطهار عليهم السّلام) افتراء (و دروغ) بسته است.

(۲) ۴- وليد بن صبيح نقل كرده است كه امام صادق عليه السّلام فرمود: براستى كه كسى- بجز آن كه شايستگى امامت را داراست- مدّعى امر امامت و پيشوايى (مسلمانان) نمى شود، كه خداوند (رشته) عمر او را پاره نكند.

كيفر (قابيل) فرزند خطاكار حضرت آدم عليه السّلام و دو تن از بنى اسرائيل، و فرعون، و دو تن از اين امت

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۴۱

(۱) ۱- حنان بن سدير، از قول مردى نقل كرده است كه امام صادق عليه السّلام فرمود:

هولناكترين و دشوارترين كيفرها در روز قيامت، كيفر هفت نفر است: فرزند آدم (قابيل) است كه برادرش (هابيل) را كشت؛ نمرود كه با (حضرت) ابراهيم عليه السّلام در رابطه با خدا (و خداپرستى) به جدال و (كينه توزى) پرداخت؛ دو تن از بنى اسرائيل كه قوم خود را يهودى و نصرانى كردند؛ فرعون كه (ادّعاى خدايى كرد) و گفت: «منم خداى بزرگ شما»؛ و (بالاخره) دو تن از اين امت، كه وضع يكى از آنها بدتر از ديگرى است، و (جايگاهشان) در تابوت شيشه يى كه در زير فلق (شكافى است در برزخ) درياهايى از

آتش قرار دارد.

(۲) ۲- ابو الجارود روایت کرده است که از امام محمد باقر علیه السّلام پرسیدم: نخستین کسی که وارد آتش (دوزخ) می شود کیست؟ فرمود: ابلیس به همراه دو مرد در حالی که یکی از سمت راست و دیگری از سمت چپ او قرار دارند.

(۱) ۳- اسحاق بن عمّار صیرفی نقل کرده است که به حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام عرض کردم: فدایت شوم! با من در باره آن دو (همان دو منافقی) سخنی بگوی که من از پدر (بزرگوار) تو در باره آنها سخنانی شنیده ام، حضرت فرمود: ای اسحاق! اوّلی (در مثل) بسان گوساله، و دوّمی به منزله سامری است! راوی می گوید: که عرض کردم: فدایت شوم (قدری) بیشتر در باره آن دو صحبت

کنید. حضرت فرمود: بخدا سوگند که آن دو، گروهی را نصرانی و عدّه یی را یهودی و دیگری را مجوسی کردند (و آنها را به شرک و ارتداد سوق دادند)، خداوند گناهان آن دو را نیامرزد! عرض کردم: قربانت شوم! باز هم در مورد آن دو سخن بگوی، فرمود: سه گروهند که خداوند نظر رحمت خود را از آنان دریغ می دارد، و آنها را (از آلودگی گناهانشان) پاک نمی سازد، و عذابی هولناک برای این سه گروه مقرر شده است. پرسیدم: آنان کیانند؟ فرمود: مردی که به ناحقّ ادّعای امامت کند، و دیگری آن که بر امام و رهبر راستین خلق (ائمه معصومین علیهم السّلام) طعنه زند (و از پیروی او سرپیچی نماید)، و سومی کسی است که برای این دو

بهره ای از اسلام قائل باشد (و گمان کند که مسلمانند).

راوی می گوید که: از محضر آن حضرت درخواست کردم که باز هم در مورد آن دو بیشتر توضیح دهند، فرمود: ای اسحاق! فرقی نمی کند که من آیه محکمی از کتاب خدا را نابود کنم، یا نبوّت رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را منکر شوم، یا وجود خدا را انکار کنم، یا اینکه خود را به ناحق در امر امامت و رهبری بر علی بن ابی طالب علیه السّلام مقدّم بدارم و از او پیشی گیرم!.

راوی می گوید: باز هم از حضرت درخواست کردم که مسأله را بیشتر روشن کنند، حضرت به من فرمود: ای اسحاق! در دوزخ، درّه ای وجود دارد که آن را «سقر» می نامند، و از زمانی که خداوند آن را آفریده است تاکنون نفس نکشیده، و اگر خداوند فرمان دهد که به اندازه سر سوزنی نفس بکشد آنچه را که در روی زمین است به کام آتش فرو خواهد برد، و براستی که دوزخیان از حرارت سوزان و بوی

گند و کثافت آن و آنچه را خدا برای ساکنان آن درّه آتش مقرّر داشته است، به خدا پناه می برند؛ و در آن درّه، کوهی است که همه ساکنان آن درّه از حرارت و عفونت و کثافت آن کوه و آنچه که خداوند برای ساکنان آن تدارک دیده است به خدا پناه می برند؛ و در آن کوه، شکافی قرار دارد که ساکنان آن کوه از حرارت و بوی گند و کثافت و آنچه که خداوند برای ساکنان آن تهیه کرده است به ستوه

آمـده و در صدد جسـتجوی پناهگاهی (برای خود) هسـتند؛ و در آن شـکاف، چاهی قرار دارد که ساکنان شـکاف آن کوه از حرارت و تعفّن و بوی گند و آنچه را که خداوند در آنجا مقرّر داشـته است، پناهی می طلبند؛ و در آن چاه، مار بسـیار بزرگی است که ساکنان آن چاه از پلیـدی و تعفّن و گند آن مار و زهری که خداوند در دندانهای او برای دوزخیان قرار داده است به ستوه می آیند و در پی یافتن پناهگاهی هسـتند؛ و در اندرون آن مار بزرگ، هفت صندوق است که در آنها پنج تن از امّتهای پیشـین و دو تن از این امت (زنـدانی و معذبنـد). راوی می گویـد: پرسـیدم: آن پنـج نفر و آن دو تن کیانند؟! حضـرت فرمود: قابیل، و نمرود که با ابراهیم علیه السّلام در مورد خداوند چون و چرا کرده و گفت «منم که زنده می کنم و باز می میرانم»، و فرعون که گفت: «منم که پروردگار بزرگ شـمایم»، و یهودا که جمعی را یهودی، و بولس که گروهی را نصـرانی کرد؛ و دو تن اعرابی- که از منافقان (بنام) امّت منند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۴۵

کیفر کسی که حسین بن علی علیهما السّلام را کشت

(۱) ۱- عیص بن قاسم نقل کرده است که در خدمت امام صادق علیه السّلام بودم که از قاتل امام حسـین علیه السّلام سخن به میان آمد، یکی از اصحاب آن حضرت گفت: دوست داشتم خداوند در همین دنیا از او انتقام می گرفت. حضرت فرمود: گویا تـو، کیفر و عـذابی را که خداونـد برای او مقرّر داشـته است، کم تصوّر می کنی! (آگـاه بـاش تحمّـل) عـذاب و مجـازاتی که خداوند

(در برزخ و آخرت) برای او مهیّا کرده، به مراتب دشوارتر و شکنجه بارتر (از بلاها و عذابهای دنیائی) است.

(۲) ۲- جابر جعفی از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

براستی که در آتش، جایگاهی است که آدمی، تنها با کشتن حسین صلوات اللَّه علیه و یا یحیی بن زکریّا علیه السّلام (محکوم به اقامت در آن می شود) سزاوار چنین مکافاتی خواهد بود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۴۶

(۱) ۳- محمد بن سنان، به واسطه یکی از دوستانش از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: چون روز قیامت فرا رسد، (به فرمان خدای بزرگ)، خیمه ای از نور برای- دخترم- فاطمه علیها السّلام بر پا می کند،- جگر گوشه ام- حسین علیه السّلام حجره ای از نور بر پا می سازند، و حسین- در حالی که سر خود را به روی دست گرفته است- به جانب آن خیمه روی می کند، و چون فاطمه علیها السّلام او را بدین حال مشاهده کند (چنان) شیونی کند که تمام فرشتگان مقرّب و پیامبران مؤمنان- بدون استثناء- به حال او اشک ریزند؛ آنگاه خداوند هیکلی را با بهترین صورت و زیباترین اندام ولی بدون سر، تجسّم می بخشد که با کشندگان آن حضرت به خونخواهی قهر آمیز بپردازد، و سپس خداوند کشندگان او را و تمام کسانی را که به نوعی در شهادت او سهیم و شریک بوده اند، می کشد و باز زنده می کند، و امیر مؤمنان علی علیه السّلام آنها را می کشد و باز زنده می شوند، و

باز حسن بن علی علیه السّلام آنان را به کیفر می رساند و بار دیگر زنده می گردند و حسین علیه السّلام به دست خود آنها را می کشد و باز

(به امر خدا) زنده می شوند، (تا جایی که) از فرزندان ما کسی باقی نماند مگر آنکه آنان را کشته باشد، و سرانجام (شعله سرکش) خشمها فروکش می کند و تمام آلام و غمها از یادها فراموش شود. راوی می گوید که امام صادق در ادامه سخنان خود فرمودند: خداوند، شیعیان- این پیروان حقیقی- ما را بیامرزد، به خدا سوگند که شیعیان ما مؤمنان راستین اند چرا که خود را در مصائب ما شریک دانستند و با حزن و اندوه طولانی خود در غم ما شرکت جستند.

(۱) ۴- اسماعیل بن جابر، از امام صادق روایت کرده است که فرمود: به خدا سوگند که قائم آل محمد (عج) نسل و دودمان قاتلان حسین علیه السّلام را به خاطر کردار پدرانشان خواهد کشت. «۱»

---

(۱) مراد آن است که چون اینان به کردار پدران خود خشنودند و اعتراضی ندارند، سزاوار چنین کیفری هستند زیرا کسی که عمل خلاف دیگران را تأیید می کند، مانند این است که خود آن عمل خلاف را انجام داده باشد و بایستی کیفر ببیند.

(۱) ۵- شریک- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از رسول خدا علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: چون روز قیامت فرا رسد،- دخترم- فاطمه به همراه جمعی از بانوانی- که با او نسبتی دارند- قدم در محشر می گذارند، و از جانب حق به او

خطاب می شود که وارد بهشت شو! گوید که: قدم در بهشت نمی گذارم، مگر آنکه بدانم پس از من بر سر فرزندم- حسین علیه السّلام- چه آوردند، به او خطاب می شود که: در میانه محشر نگاه کن! و او حسین علیه السّلام را می نگرد که به پا خاسته ولی سر در بدن ندارد،- دخترم- فاطمه (با دیدن این صحنه دلخراش) شیون می کند و من نیز با شنیدن شیون او، فریاد برآورم و بخروشم، و بر اثر ضجّه و بیقراریهای ما، همه فرشتگان به فریاد آیند، و خداوند به خاطر بیتابی ما به قهر آید و از سر خشم به نوعی از آتش (دوزخ) که «هبهب» نام دارد و هزار سال (به امر خدا در آن) دمیده اند، لحظه ای از افروختن باز نمانده است و هیچ غم و اندوهی از (گرفتاران به) آن جدا نمی شود فرمان می دهد که قاتلان حسین را- اگر چه حاملان قرآن باشند- در کام خود فرو کشد، و چون چنین کنند به خروش آید و آنان نیز خروشیدن آغاز کنند، با نعره او هم آوا شوند و با غرّش او در غرّش آیند، آنگاه سخن در آیند و با زبانی گویا و کلامی رسا (به ناله در آیند) که: پروردگارا! چرا پیش از آنکه بت پرستان را به این آتش (هبهب) کیفر دهی، به عقوبت ما پرداختی و آن را بر ما چیره ساختی؟! به آنان از

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۴۹

جانب پروردگار خطاب می شود که: براستی، آن که می داند با کسی که نمی داند، همانند و برابرست.

(۱) ۶- عبد اللَّه بن بکر ارّجانی برای عبد اللَّه بن عبد الرحمن

اصم نقل کرده است که: از مدینه تا مکّه با امام صادق علیه السّلام همراه بودم، امام (پس از طیّ مسافتی) در محلّی بنام «عسفان» منزل کردند، و من در خدمت حضرت (پیاده) به طرف کوه سیاهرنگ و هراسناکی که در سمت چپ ما قرار داشت حرکت کردیم. به امام عرض کردم: یا بن رسول اللّه! این کوه چقدر دهشتناک و رعب آور است!! من در این مسیر، کوهی پرهیمنه تر و با مهابت تر از آن ندیده ام! حضرت فرمود: ای پسر بکر! آیا می دانی که این

کوه، چه کوهی است؟! این کوه را «کمد» می خوانند و بر یکی از وادیهای (درّه های) عالم برزخ- که کشندگان پدرم حسین علیه السّلام گرفتارند- قرار دارد. خداوند (ارواح) آنان را در این مکان گرد آورد، که از زیر آن آبهای متعفّن دوزخ (گنداب) اعمّ از کثافات و خوناب و چرک و آبهای آلوده جوشنده بیرون می رود، و آنچه از زیراب دوزخ، و اندام شرم جای زنان هرزه و بدکاره، و زبانه های شعله ور آتش، و گدازه هایی از آتش که هر چیزی را درهم خرد می کند و می سوزاند و از سقر (مخوفترین و هراسناکترین و بدترین جای جهنّم)، و از جحیم (آتش تمام گداخته)، و هاویه (یکی از درکات دوزخ)، و سعیر (آتش کاملا شعله ور بر افروخته) بیرون شود، (تمامی اینها که برشمردم) از زیر این کوه (کمد) خارج می گردد. (امام علیه السّلام اضافه کردند:) و هنوز نشده است که از این مسیر بگذرم و توقّف کنم و آن دو نفر را نبینم که به لابه و زاری و التماس سرگرمند، و من

نگاهی به قاتلان پدرم می کنم و به آن دو می گویم که (منشأ) جنایات اینها، همان روش و اساسی است که شما پایه گذاری گردید، شما زمانی که بر اوضاع مسلّط بودید، به ما رحم نکردید و ما را کشتید، و حقوق (مسلّم) ما را تاراج کردید و ما را از حق خود محروم ساختید (در امر حکومت بر مردم) استبداد و خودکامگی پیشه کردید، و نگذاشتید که ما به رسالت الهی خود (در رابطه با امامت و رهبری) عمل کنیم؛ بنا بر این خدا ترحّم نمی کند به کسی که نسبت به شما رحمت آورد (و دلش به حال شما نمی سوزد)، بچشید مکافات آنچه را که انجام دادید، و خداوند بر بندگان خود ستم روا نمی دارد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۵۱

(۱) ۷- یعقوب بن سلیمان نقل کرده است که شبی تا به صبح با چند نفر از دوستان خود سرگرم صحبت بودیم و در آن میانه سخن از قتل امام حسین علیه السّلام به میان آمد، و یکی از دوستان گفت: تمام کسانی که (به نحوی) در قتل حسین علیه السّلام شرکت داشتند و دستشان به خون امام حسین علیه السّلام آلوده شده بود- بدون استثناء- به فرزند و مال و جان آنها آسیب رسید و گرفتار شدند. پیر مردی در میان ما بود و سوگند یاد کرد که من از جمله کسانی هستم که هم شاهد قتل امام بوده ام و هم در کشته شدن آن حضرت دست داشته ام ولی تاکنون هیچ آسیب و بلایی که مایه ناراحتی من باشد، ندیده ام! دوستان ما با شنیدن این سخنان شعله های خشمشان نسبت به او

زبـانه کشـید، در این اثنـاء چراغ نفت سوز مـا خراب شـد؛ آن پیر مرد از جـای برخـاست تـا آن را درست کنـد، شـعله چراغ به انگشت (آلوده به نفت) او رسـید، خواست تا با دمیدن انگشت شعله ور خود را خاموش کند که از قضا آتش به ریش او رسید و تمام صورتش را آتش فرا گرفت، به ناچار خود را در رود پر آبی افکند، در حالی که آتش در بالای سر او شعله می کشید، همین که می خواست سر از آب بیرون بیاورد تا نفسی تازه کند، آتش به طرف او هجوم می آورد و بناگزیر باز سر خود را در آب فرو می برد، و این کار

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۵۲

آنقدر ادامه پیدا کرد تا آنکه (به دشواری) جان داد، لعنت خدا بر او باد! (۱) ۸- و به همین سند قاسم بن اصبغ بن نباته روایت کرده است که مردی از قبیله بنی دارم با صورتی تیره نزد ما آمـد، او از جمله کسانی بود که در قتل حسـین علیه السّلام دست داشت که قبلا سـفید و زیبا بود، (از دیدن او یکّه خوردم و) به او گفتم: نزدیک بود تو را نشـناسم! زیرا رنگ چهره تو با سابق بسـیار فرق کرده است. گفت: یکی از اصـحاب حسـین علیه السّلام را کشـته و سـر او را بـا خود به همراه آورده ام رخساره او سفید و در پیشانی او اثر سجده آشکار بود.

راوی می گوید: این مرد هنگامی که شاد و خوشحال می تاخت، سر آن شهید را به گونه ای از سینه اسب خود آویخته بود که مرتّب، زانوان اسب با آن

برخورد می کرد! به پدرم گفتم: کاش سر را کمی بالاتر می آویخت! مگر نمی بینی که دستان اسب با آن

سر چه می کند؟! پدرم گفت: فرزندم! آنچه بر او گذشته است، دشوارتر از این است (که می بینی). آن مرد برای من حکایت کرد: از زمانی که او را کشته ام تاکنون، نتوانسته ام شبها بخوابم زیرا صاحب این سر، در خواب به سراغم می آید و شانه های مرا گرفته با خود می کشد و می گوید برویم! بعد، مرا به جهنّم می برد و در آتش می افکند، (و این جریان) تا صبح (ادامه پیدا می کند). زنی که در همسایگی او بود نقل می کرد که: از داد و فریادش، نمی گذارد شبها بخوابیم! راوی می گوید: به اتّفاق جمعی از جوانان محل، نزد همسرش رفتیم، و جریان را از او پرسیدیم، همسرش گفت: او خود را رسوا کرد! راست می گوید.

(۱) ۹- و به همین سند، عمار بن عمیر تیمی روایت کرده است: هنگامی که سر عبید اللّه بن زیاد ملعون و سرهای یاران او را- که خشم خدا بر آنان باد- می آوردند به تماشا رفتم، جمعی را دیدم که می گفتند: آمد! و بعد، مار بزرگی را دیدم که آمد و از میان سرها گذشت، همین که به سر عبید اللّه رسید، از یک سوراخ بینی او- که لعنت خدا بر او باد- وارد شد، و از سوراخ دیگر بیرون آمد!!

(۱) ۱۰- ابن جبیر، از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: سر حسین علیه السّلام

در حالی که آلوده به خون است برای فاطمه زهرا علیه السّلام مجسّم می شود، و دخترم فریاد می کشد که: ای وای فرزندم! میوه دلم! همه فرشتگان از بیتابی فاطمه علیه السّلام از خود بیخود می شوند، و اهل محشر فریاد بر می دارند که: ای فاطمه! خداوند، قاتل فرزندت را بکشد! آنگاه خداوند فرمان می دهد که درخواست اهل محشر را در مورد قاتل حسین علیه السّلام و پیروان و یارانش برآورند، و در آن روز فاطمه علیه السّلام بر ناقه ای (شتری) از ناقه های بهشت سوار می شود در حالی که پیشانی او از دو سو آراسته شده، گونه هایی روشن و چشمانی زاغ، سرش از طلای ناب، و گردنش از مشک و عنبر، و چانه اش از زبرجد سبز، جهازش از درّ که با گوهر آذین بسته شده است، و بر روی ناقه، هودجی از نور خداوند قرار دارد، که درون آن

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۵۵

را رحمت فرا گرفته است، و عنانش به اندازه یک فرسنگ از فرسنگهای دنیا (۶ کیلومتر) و اطراف محمل را هفتاد هزار فرشته فرا گرفته اند که همه مشغول تسبیح و تکبیر و حمد و سپاس خداوندند. سپس هاتف از درون عرش فریاد می زند: ای اهل محشر! چشمهایتان را فرو بندید که این فاطمه، دختر محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم رسول خداست که از صراط عبور می کند، پس فاطمه و شیعیان او به سرعت برق از صراط می گذرند؛ و رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: (به فرمان خدا) دشمنان او و دشمنان فرزندان او را در دوزخ اندازند.

(۱) ۱۱- محمد بن علی حلبی،

از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: خاندان ابو سفیان، حسین بن علی علیه السّلام را کشتند، و خداوند قدرت (و حکومت) را از آنان گرفت؛ و هشام، زید بن علی علیه السّلام (پسر امام زین العابدین علیه السّلام) را کشت، پس خداوند (حکومت) او را نیز بر انداخت؛ و ولید، یحیی بن زید را کشت، و خداوند او را به خاطر کشتن فرزند رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نابود کرد (لعنت خداوند و فرشتگان و مردم با ایمان بر آنان باد).

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۵۶

کیفر ستمکاری و قطع رحم و سوگند به دروغ و زناکاری

(۱) ۱- ابو عبیده حذّاء از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: در کتاب علی علیه السّلام ثبت است که دارندگان سه خصلت اند که تا کیفر و مکافات خود را در دنیا نبینند، نمی میرند: ستمکاری و قطع رحم و سوگند به دروغ که (به منزله) با خدا مبارزه کردن است.

(۲) ۲- میثم- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از امام معصوم علیه السّلام نقل کرده است که خداوند می فرماید: آن که به دروغ سوگند می خورد، رحمت مرا در نیابد، و آن که زنا کند در روز قیامت به سوی من راه نیابد.

کیفر فریب و نیرنگ

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۵۷

(۱) ۱- محمد بن عقبه- بی آنکه از تمام راویان پیش از خود نام ببرد از قول محمد بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: (چه آنکه با مردم) مکر (کند) و (چه آنکه خلق را) فریب (دهد)- هر دو- در آتشند.

کیفر خون ریزی و میخوارگی و سخن چینی

(۲) ۱- علی بن غالب بصری، از قول مردی نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: سه کس اند که وارد بهشت نمی گردند: خونریز، و میخوار، و سخن چین.

(۳) ۲- زید بن علی، از پدر بزرگوارش امام زین العابدین علیه السّلام، و آن حضرت از پدر گرامیشان امام حسین علیه السّلام روایت کرده اند که امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمود: بهشت بر سه کس حرام است: سخن چین، و قاتل و میخواره.

(۴) ۳- علیّ بن جعفر، از برادر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام روایت کرده

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۵۸

است که فرمود: بهشت بر سه تن حرام شده است، سخن چین، و میخواره و دیّوث «۱» که به فسق و فجور آلوده است.

دنیا، دار مکافات و سرای عقوبت است

(۱) ۱- حفص بن غیاث از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: خداوند در ضمن مناجات به موسی علیه السّلام فرمود: ای موسی! دنیا، دار مکافات (و سرای عقوبت) است، که من در آن آدم را به خاطر ترک اولی (خوردن گندم) به کیفر رساندم، و دنیا و آنچه را که در آن است مورد لعنت (و نفرت) خود قرار دادم، مگر چیزی که از برای من باشد. ای موسی! براستی که بندگان نیکوکار و شایسته من به همان اندازه ای که مرا شناختند، از دنیا (و دلبستگیهای آن) کناره گرفتند و دیگران در آن به همان اندازه ای که نسبت به من بیگانه بودند، به دنیا روی آوردند؛ و هیچ یک از آفریده های من دنیا را در نظر خود بزرگ نشمرده است و از آن روی

---

(۱) به کسی گفته می شود که از

دستیازی دیگران به ناموس خود آگاهی دارد ولی بی تفاوت است!

خوش دیده باشد، و کسی که آن را ناچیز پنداشته از (نعمتهای) آن بهره مند شده است.

کیفر تعصّب بیجا

(۱) ۱- درست بن ابی منصور واسطی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود:

کسی که (بیجا) تعصب بورزد یا اینکه (بیمورد) در حق او تعصّب نشان دهند (و او بدین کار گردن نهد) رشته اسلام را از گردن (باور) خود گشوده است.

(۱) ۲- عبد اللَّه بن ابی یعفور، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: هر کس تعصب (بیجا) بورزد یا (دیگران) نسبت به او از خود تعصّب نشان دهند، (با دست خود) رشته اسلام را از گردن (اعتقاد) خود باز کرده است.

(۳) ۳- و به همین سند، محمد بن مسلم روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود:

هر کس (بی مورد) تعصب بورزد، خداوند نواری از آتش (پیشانی بند آتشین) بر سر

او خواهد بست.

(۱) ۴- عمرکی بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از امام معصوم روایت کرده است که: خداوند، کسی را که تعصّب (بیجا) ورزد- در روز قیامت- با اعراب زمان جاهلیّت محشور می کند.

(۲) ۵- سکونی، از امام صادق علیه السّلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر بنده ای که در دلش به اندازه یک خردل «۱» تعصّب (بیجا) و تکبر باشد، در روز قیامت با اعراب زمان جاهلیت (از خاک) برانگیخته می شود.

کیفر گردنکشان متکبّر

---

(۱) دانه بسیار ریز گیاهی که مصرف داروئی دارد، گیاهی است از تیره چلیپاییان که دو نوع سفید و سیاه دارد، برگهایش شبیه برگ ترب ولی کوچکتر از آن است، دارای گلهای زرد و دانه های بسیار ریز و قهوه ای

رنگ که طعم تندی دارد، وزنی است معادل ۸/ ۱ شعیر و هر شعیر معادل ۳/ ۱ حبّه بنا بر این خردل ۲۴/ ۱ حبّه می باشد. رک:

فرهنگ معین، ج ۱.

(۱) ۱- علاء بن فضیل از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که پدر بزرگوارش امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: عزّت و جلال (به منزله) لباس بیرونی، و کرامندی (به منزله) جامه زیرین حضرت ربوبی است (این صفات از آن ذات احدیت است و بس)، و هر کسی به یکی از آن دو دستیازی کند، خداوند او را (در روز قیامت) در آتش دوزخ در افکند. «۱» (۲) ۲- ابو جمیله مرادی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: کرامندی و بزرگواری جامه ای است که زیبنده خداست، و اگر کسی بخواهد در این صفت با خدا (انباز شود و) با او از در ستیزه درآید، خداوند او را در آتش خواهد افکند.

(۳) ۳- حسین بن مختار از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: خداوند نظر رحمت خود را از سه کس دریغ فرماید: اول آن که از سر کبر، خود خواهی و خود فروشی کند؛ دوم آن که با پوشیدن لباس بلند و کشیدن آن به زمین، به دیگران فخر فروشد و تکبر ورزد؛ سوم آن که در رواج و فروش کالای خود از سوگند به دروغ بهره

---

(۱) این گونه تعبیرها فقط به خاطر آن است که مطلب، در ذهن مخاطب معصوم علیه السّلام به صورت ملموس قرار گیرد، و گر نه پروردگار جهان هستی، بی نیاز است و این

آفریدگان اویند که سراپا نیازند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۶۲

برد. و اضافه فرمود: براستی که بزرگواری و کرامندی از آن خدای جهانیان است.

(۱) ۴- زراره بن اعین از امام محمد باقر و امام صادق علیهما السّلام روایت کرده است: آن که در دلش ذرّه ای از کبر و خود خواهی باشد، به بهشت نمی رود.

(۲) ۵- عبد اللَّه بن طلحه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که به اندازه خردلی از کبر در دل او باشد، وارد بهشت نخواهد شد، و آن که به قدر خردلی، از ایمان در دل خود داشته باشد، به دوزخ نخواهد رفت.

راوی می گوید عرض کردم: فدایت گردم! گاهی اتّفاق می افتد که چون انسان لباس (نو) می پوشد و بر مرکب سوار می شود، نوعی احساس خود بزرگ بینی و بزرگی به او دست می دهد، آیا به نظر شما منشأ این (حالت) از کبر است؟ فرمود: نه! این گونه حالت، کبر نیست، بلکه مراد از کبر، انکار کردن حق است (و خود را به ناحق به جای حق قرار دادن)، همان گونه که ایمان، اقرار کردن به حقّ می باشد.

(۳) ۶- و به همین سند، سعد بن طریف از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۶۳

فرمود: کبر (از آن) مرکبهایی است که (سوار خود را) به سوی آتش (دوزخ) می برد، یا: کبر، از مرکبهای آتشین دوزخ است.

(۱) ۷- عبد اللَّه بن بکیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: در جهنم، درّه ای (وادیی) وجود دارد که ویژه افراد متکبّر و خود

خواه است و به آن «سقر» می گویند، این دره (وادی) از شدت حرارتی که داشت به خدا شکوه کرد و از خدا خواست که به او اجازه دهد تا یک نفس (راحتی) بکشد، این اجازه به او داده شد و جهنّم در اثر نفس کشیدن او (چنان) برافروخت که سوخت! (۲) ۸- عبد اللَّه بن قاسم- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: در روز قیامت متکبران به شکل انسان ولی در کوچکی و خردی چون مور، محشور می شوند، و (آنقدر) در زیر پای آفریده های خداوند، (چون مور) پایمال می گردند تا خداوند از (کار) حساب بندگان خود آسوده بشود، سپس آنان را به جانب آتش (دوزخ) می برند، (آنهم) چه آتشی؟! و از کثافات و گدازه های سیّال و متعفن اعماق جهنم (طینت خبال) به آنان می چشانند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۶۴

(۱) ۹- و به همین سند، از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود: بیشتر دوزخیان، از متکبّران و خود خواهانند.

(۲) ۱۰- و به همین سند، داود بن فرقد از قول برادرش روایت کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: در روز قیامت افراد متکبّر، به هیئت مور (مورچه) درآیند و (آنقدر) در زیر پای آفریده های خداوند لگدکوب و پایمال می گردند تا خداوند از حساب (سایر بندگان خود) فراغت یابد.

(۳) ۱۱- و به همین سند، عمرو بن جمیع، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که در روز قیامت ستمگران خود خواه و سرکش دورترین مردم از

(درگاه و مغفرت) الهی هستند.

(۴) ۱۲- و به همین سند، ابو حمزه ثمالی از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: سه گروهند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و نظر رحمت خود را از آنان دریغ می دارد و از (آلایش) گناهانشان پاک

نمی سازد، و عذاب دردناکی برای آنها در نظر گرفته شده است: پیر سالخورده زناکار، و پادشاه ستمگر و جبّار، و مستمند مغرور نخوت شعار.

کیفر ترک مجازات بزهکار

(۱) ۱- حسین بن سالم، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر جوانی و نوجوانی که در میان افراد خانواده و آشنایان خود بزرگ شود، و به خاطر گناهی که از او سر می زند توسط آنان، سرزنش و نکوهش و مجازات نگردد، خداوند متعال نخستین مجازاتی که برایشان در نظر می گیرد، کاستن روزی آنهاست.

کیفر تصویر سازی و نقل خواب دروغین، و به صحبت دیگران گوش کردن

(۲) ۱- محمد بن مروان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: سه گروهند که در روز

قیامت دچار عذاب الهی می گردند: آن که عکس حیوانی را به تصویر بکشد (او را به کیفر این کار) عذاب می کنند تا به تصویری که کشیده است جان بدمد؛ و این کار (مسلّما) از عهده او بر نمی آید؛ دوم آن که به دروغ گوید که خوابی دیده ام و آن را (برای سوء استفاده از دیگران یا کسب آبرو برای خود) نقل کند، او را (به مکافات این کار زشت) بر آن می دارند تا دو دانه جو را بهم گره زند! و بدیهی است که هیچ گاه چنین کاری نتواند کرد؛ سوم آن که پنهانی به سخن دیگران گوش فرا دهد و آنان به این کار راضی نباشند، (که در روز قیامت به مکافات این عمل) در گوشهای او سرب مذاب خواهند ریخت.

کیفر آنکه به هنگام گناه، بخندد!

(۱) ۱- جعفر جعفری از امام صادق علیه السّلام و آن حضرت از قول پدر بزرگوارش امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر کسی که به هنگام ارتکاب گناه، بخندد (به مکافات این عمل) گریان وارد دوزخ می شود.

کیفر کسی که برای غیر خدا کاری انجام دهد

(۱) ۱- از علیّ بن جعفر، از برادر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: در روز قیامت فرمان می رسد که مردانی را به جانب آتش برند، و خداوند به مالک دوزخ دستور می دهد تا به آتش (دوزخ) بگوید: پای آنان را مسوز چرا که در دنیا (پیاده) به مساجد رفته اند؛ و چهره آنان را (به آتش) مسوزان زیرا (در دنیا) به هنگام دعا صورت خود را به جانب آسمان بلند کرده اند؛ و زبانشان را (نیز به آتش) مسوز چون در دنیا قرآن را تلاوت کرده اند؛ (پس از این فرمانها) فرشته نگهبان آتش (از روی شگفتی) به آنان می گوید: ای بینوایان! (مگر در دنیا) چه کرده اید که آتش دوزخ بر شما مقرر شده است؟! می گویند: ما برای غیر خدا کار می کردیم (و در عبادتهای خود خشنودی خلق را طلب می کردیم) پس گفته می شود: ثواب خود را از آن که برای او کار کردید بگیرید. به آنان گفته می شود: (اینک نیز) پاداش خود را از همان

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۶۸

کسانی که برای آنان عبادت می کردید، بگیرید.

کیفر کسی که خواهش بیجای همسرش را برآورد

(۱) ۱- سکونی، از امام صادق علیه السّلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام نقل کرده است که امیر مؤمنان علی علیه السّلام می فرمود: هر کسی که از همسرش (بیجا) اطاعت کند، خداوند او را (در روز قیامت) به صورت در آتش خواهد افکند.

سؤال شد: (در اینجا مراد از) اطاعت چیست؟! فرمود: همسرش از او بخواهد که اجازه دهد لباسهای

کاملاً نازک (بدن نما) بر تن کند و نیز به حمّام (بیرون خانه) و مجالس عروسی و سوگواری برود، و مرد (درخواست همسرش) را بپذیرد.

کیفر کسی که بی وضو، نماز بگزارد و ناتوانی را ببیند او را یاری نکند

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۶۹

(۱) ۱- صفوان مهران جمال، از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که فرمود: (فرشتگان مأمور سؤال) مرد نیکوکار و صالحی را در قبر نشاندند، و به او گفتند: ای ابا خالد! (نام آن مرد نیکوکار است) ما (مأموریم) که صد تازیانه (بر بدن) تو بنوازیم! آن مرد گفت: من تحمّل آن را ندارم. فرشتگان به تدریج، تعداد تازیانه ها را کاهش می دادند و او (باز) می گفت: نمی توانم! تا فرشتگان (تعداد تازیانه ها را) به یک تازیانه رساندند و به او خاطر نشان کردند که دیگر (از آن) گریزی نیست. گفتند: آن مرد پرسید: این تازیانه را به مکافات کدام گناه بر من خواهید نواخت؟! گفتند: به خاطر آنکه روزی بدون وضو نماز خواندی، و بعد بر ناتوانی گذشتی و او را یاری نکردی (در حالی که می توانستی به او کمک کنی). چون تازیانه عذاب خداوندی را بر او نواختند، آتش تمام قبرش را فرا گرفت.

کیفر قربانی کردن برای بتها

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۷۰

(۱) ۱- منذر، از قول امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که سلمان (فارسی) نقل کرد: مردی به خاطر مگسی به بهشت رفت! و مرد دیگری برای مگسی وارد جهنّم شد! (حاضران) ماجرا را از حضرت پرسیدند، حضرت فرمود: این دو مرد بر طایفه ای- در یکی از اعیاد آنان- گذشتند، و آن طایفه بتهای خود را در سر راه رهگذران قرار داده بودند و گذار هر کس که بدان جا می افتاد به او می گفتند: بایستی برای بتهای ما چیزی را قربانی کنی، و فرقی نمی کند که قربانی (تو) کوچک

باشد یا بزرگ، و گر نه اجازه عبور به تو داده نمی شود و افراد آن طایفه به آن دو مرد نیز چنین گفتند. یکی از آن دو گفت:

چیزی به همراه ندارم تا قربانی کنم، و دیگری، مگسی را گرفت و آن را به عنوان قربانی، کشت و اجازه عبور یافت! آن مرد اوّل (که چنین دید به آنان) گفت: من هرگز برای غیر خدای (جهانیان) قربانی نمی کنم، پس او را (گرفتند) و کشتند (ولی) وارد بهشت شد، و دیگری که آزاد شده بود (پس از مردن) رهسپار دوزخ گردید.

کیفر شهادت دروغین، و انکار شهادت

(۲) ۱- هشام بن سالم، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: آن که به دروغ

شهادت دهد، پیش از آنکه از جای خود حرکت کند، آتش دوزخ بر او واجب می شود.

(۱) ۲- صالح بن میثم، از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است: هیچ مرد مسلمانی که برای تصاحب مال مسلمانی به دروغ شهادت نمی دهد، مگر آنکه خداوند در همان دم، فرمان دوزخی شدن او را صادر می کند.

(۲) ۳- جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس شهادتی را انکار بکند، یا به دروغ شهادتی بدهد تا بی جهت خون مسلمان بیگناهی را پایمال کند و یا مال مسلمانی به ناحق تصاحب کند، در روز قیامت در حالی وارد محشر می شود که در پیش روی او (به جهت سیاهرویی او) تا آنجا که چشم کار می کند تاریک است، و در چهره او (آثار) زخم و خراش (فراوانی) است و تمام خلایق او را به

نام و نشان می شناسند؛ ولی (اگر) کسی شهادت به حق دهد تا حقّ مسلمانی را ثابت و مسلّم سازد، در روز قیامت در حالی پا به عرصه محشر می گذارد

که در پیش روی او (به جهت نورانی بودن اعمالش) تا جایی که در معرض دید و تماشا قرار دارد، روشنائی و نور است و همه خلایق او را به اسم و نسب می شناسند.

سپس امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: مگر نمی بینی که خداوند (در کتاب خود، قرآن) می فرماید: «و شهادت را برای (خشنودی) خدا بر پای دارید (و این امر حیاتی را در جامعه خود رواج دهید)» سوره طارق، آیه/ ۲.

(۱) ۴- سماعه بن مهران از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسانی که به دروغ شهادت می دهند، تازیانه خواهند خورد (حدّ شرعی) و اندازه معیّنی برای آن نیست، و به نظر امام (و آثار سوء شهادت دروغ او) بستگی دارد، (و گاه لازم است که) آنان را در شهر بگردانند تا شناخته (و رسوا) گردند، و مردم آن را دیگر تکرار نکنند (مایه عبرت مردم شود). روای می پرسد: آیا پس از توبه کردن و خود را اصلاح کردن، شهادت آنان پذیرفته می شود؟ فرمود: اگر (براستی) توبه کنند، خداوند توبه آنان را می پذیرد، و شهادتشان پس از توبه پذیرفته می شود.

(۲) ۵- علاء، از قول محمد بن مسلم روایت کرده است که از امام صادق علیه السّلام

پرسیدند: (طرز) توبه کسی که به دروغ شهادت داده است، چگونه است؟ فرمود:

توبه اش به این است که به

اندازه مالی که در اثر آن شهادت نادرست او تلف شده است به صاحب آن بپردازد، چه نصف باشد یا ثلث «۱»، و اگر او و دیگری به اتفاق شهادت داده اند، بایستی نصف آن را بپردازد (تا شهادتی که ازین تاریخ به بعد می دهد، نافذ باشد).

کیفر کسی که به دروغ بنام خدا سوگند یاد می کند

(۱) ۱- یعقوب احمر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که سوگند یاد کند و از نادرست بودن سوگند خود آگاه باشد (به منزله آن است که) با خدای عز و جل به مبارزه برخاسته است.

(۲) ۲- هشام بن سالم از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: همانا سوگند خوردن به دروغ هر شهر و دیاری از سکنه خالی شود.

---

(۱) گاهی برای اثبات دعوی، شهادت افراد عادل لازم است و برای اثبات دعوی حدّاقل شهادت دو نفر مرد لازم می باشد، و گاهی این تعداد به نظر حاکم شرع و بر حسب مورد، افزونی می یابد که در این صورت باید به نسبت، این پرداخت صورت پذیرد.

(۱) ۳- جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّى اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: شما را از سوگند خوردن به دروغ بر حذر می دارم زیرا باعث می شود که شهر و دیار از سکنه تهی گردد.

(۲) ۴- عبد اللَّه بن میمون از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّى اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: سوگند دروغ، شهر و دیار را از ساکنان

آن خالی می سازد.

(۳) ۵- فلیح بن ابی بکر شیبانی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: سوگند خوردن به دروغ، مایه تهیدستی نسل آدمی است.

(۴) ۶- عبد اللّه بن ابی یعفور از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: سوگندی که آدمی را در گناه فرو می برد (یمین غموس) چهل روز بیشتر نمی پاید که وبال آن محقّق شود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۷۵

(۱) ۷- طلحه بن زید از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: همانا سوگند دروغ (وضع) رحم را دگرگون می کند، راوی می گوید پرسیدم: منظور از دگرگونی رحم چیست؟ حضرت فرمود: نازا می شود. ولی روایت محمد بن یحیی: مایه سنگینی رحم می شود (که به دگرگونی وضع رحم، و عقیم و نازا شدن آن منتهی گردد).

(۲) ۸- ابی عبیده حذّاء از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: در کتاب امیر مؤمنان علی علیه السّلام آمده است که: سوگند دروغ مسلّما مایه قطع رحم و خالی شدن شهر و دیار از ساکنان آن می گردد و رحم را جابجا می سازد، و جابجایی رحم به معنی پاره شدن رشته نسل آدمی است.

(۳) ۹- حریز، از قول یکی از راویان حدیث، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: سوگند دروغ و نادرستی که مایه آلودگی آدمی به گناه (کبیره) و موجب ورود او به آتش دوزخ می گردد، سوگند خلافی است که برای از بین بردن مال مسلمانی یاد می کند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۷۶

(۱) ۱۰- ابراهیم بن عبد الحمید، از یکی از اصحاب ما

که کنیه اش ابو الحسن است روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: خداوند عز و جل، خروس سفید رنگی را آفریده است که گردن او در زیر عرش و پاهایش در ژرفای طبقه هفتمین زمین قرار دارد، یک بال او در مشرق و بال دیگرش در مغرب است. و هیچ خروسی به آواز در نمی آید تا بانگ آن خروس عرشی را نشنود، و چون بانگ به آواز بلند کند (خروس عرشی) بالهای خود را به هم می زند و سپس می گوید: «پاک و منزه است خدا، پاک و منزّه است خدای بزرگ و توانایی که چیزی (یا کسی) همانند او نیست». پس خداوند بزرگ در پاسخ به او خطاب می کند: کسی که به دروغ به نام من سوگند یاد می کند به آنچه که تو گفتی ایمان نیاورده است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۷۷

(۱) ۱۱- ابو الجارود، از مردی از عبد قیس، نقل کرده است که می گفت: سلمان (ره) بر گورستانی گذشت و گفت: سلام بر شما ای ساکنان مزارها که از افراد با ایمانید و مسلمان، ای ساکنان دیار (برزخ)! آیا می دانید که امروز روز جمعه است؟! و بعد به خانه اش بازگشت و خوابید کسی در خواب به سراغش آمد و گفت: و بر تو باد سلام، ای ابا عبد اللَّه!، با ما سخن گفتی و ما (سخنان تو را) شنیدیم و (بر ما) سلام کردی و ما پاسخ سلام (تو) را دادیم) و از ما پرسیدی: آیا می دانید که امروز، روز جمعه است؟! (بدان که) می دانیم آنچه را که پرندگان در روز جمعه بر زبان می آورند! و

سلمان پرسید: (مگر) پرندگان در روز جمعه چه می گویند؟ گفت: می گویند: پاك و منزه است (خدا)، پاك و منزه است (خدا)، آنكه با نام او به دروغ سوگند یاد می كند، بزرگی و عظمت خدای ما را- كه بخشنده و حكمران عالم هستی است- نمی شناسد.

(۲) ۱۲- حسین بن مختار، از امام صادق علیه السّلام روایت كرده است كه فرمود: هر كس به خدا سوگند می خورد، باید به راستی قسم یاد كند و آنكه راست نگوید، خدای بزرگ و توانا را با او كاری نیست و كسی كه برای او (در اثبات و یا نفی چیزی) به خدا سوگند یاد می كند، بایستی بپذیرد (به موضوع قسم تن در دهد) و كسی كه (از قبول آن) سر باز می زند، خداوند عز و جل او را به خود واگذارد. «۱»

---

(۱) یعنی برای سوگندی كه (با انجام شرایط خاصّ) و به نام خدای بزرگ ادا می شود، بایستی احترام قائل شد و آن را پذیرفت و لو اینكه در ظاهر به زیان آدمی باشد.

كیفر آنكه از ناپاكی ادرار نپرهیزد

(۱) ۱- ابو بصیر، از امام صادق علیه السّلام روایت كرده است كه فرمود: براستی، كه عذاب قبر (آدمی) بیشتر در رابطه با پرهیز نكردن از نجاست ادرار است (چرا كه آن را جدّی نمی گیرد و از كنار آن با بی تفاوتی می گذرد).

كیفر كسی كه به نماز خود اهمیّت نمی دهد

(۲) ۱- ابو بصیر نقل كرده است كه به خدمت امّ حمیده (همسر گرامی امام صادق علیه السّلام) شرفیاب شدم تا شهادت آن حضرت را به آن بانو تسلیت عرض كنم. بانو به گریه افتاد و من نیز از گریه او، گریان شدم سپس آن بانو به من فرمود: ای ابا محمد «۱» اگر

---

(۱) ابو محمد، كنیه ابو بصیر است.

به هنگام شهادت حالت آن حضرت را می دیدی در شگفت می شدی، (در حالت احتضار) چشمان مبارك خود را گشود و فرمود: تمام نزدیكان و بستگان مرا حاضر كنید! ما نیز در اجرای فرمان آن حضرت، از بنی هاشم و بستگان آن حضرت، به هر كسی كه دسترسی داشتیم در آنجا جمع كردیم. حضرت نگاهی به آنان انداخت و فرمود: براستی، كه شفاعت ما (خاندان) شامل حال كسی كه نماز را كوچك (و بی اهمیت) بشمارد، نمی گردد.

کیفر آنکه بدرستی غسل جنابت نکند

(۱) ۱- حجر بن زائده، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که هر کسی که عمدا و به هنگام غسل جنابت، (حتی) مویی از بدن خود را فراموش کند و غسل ندهد (جای) او در آتش (دوزخ) است.

کیفر کسی که به درستی سجده نکند

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۸۰

(۱) ۱- زراره بن اعین روایت کرده است که از امام محمد باقر علیه السّلام شنیدم که فرمود:

مردی وارد مسجدی شد که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در آن مسجد بود، آن مرد سجده نماز خود را با شتاب و کوتاه انجام داد، و آن را به گونه ای که می بایست، بجای نیاورد، پس

رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم (در باره او) فرمود: بدان گونه که کلاغ (بر زمین) نوک می زند (او هم) منقار بر زمین کوفت!!، اگر در همین حال قالب تهی کند، بر دینی به غیر دین محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم خواهد مرد.

کیفر کسی که در نماز، سه بار روی خود را برگرداند

(۲) ۱- (داود بن) حصین نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: چون بنده ای به نماز ایستد، خداوند بزرگ به او روی می آورد (و توجه می کند) و هیچ گاه روی خود را از او برنمی گرداند، مگر آنکه سه بار خود را (از قبله) برگرداند (و از خدا غافل شود) و چون چنین کند خداوند نیز از او روی گردان شود (و او را به خود واگذارد).

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۸۱

کیفر کسی که در غیر وقت نماز، نماز بخواند

(۱) ۱- هشام جوالیقی، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

هر کس در خارج از وقت نماز، نماز بخواند، نمازش (به صورت) تیره و تاریک بالا می رود (و به او نفرین می کند) و می گوید: خداوند تو را تباه کند که مرا تباه کردی! و فرمود: اولین چیزی که در پیشگاه الهی (به هنگام قیامت) از بنده بازخواست می شود، نماز است، اگر نمازش پاک (و از آلایشها به دور) و قابل قبول بود، اعمال دیگر او نیز، مورد قبول قرار خواهد گرفت، و اگر نماز او بدان گونه که باید شایسته و بایسته نباشد سایر اعمال او نیز شایسته (پذیرش و قبول درگاه الهی) واقع

نگردد.

(۲) ۲- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: خداوند فرشته ای بر نماز می گمارد که کاری جز (نظارت بر آن) ندارد و زمانی که نمازگزار از نماز خود فارغ

می شود، آن فرشته آن نماز او را با خود به بالا (آسمان) می برد، اگر (از نمازهای) قابل قبول باشد، پذیرفته می شود، و اگر دست رد بر سینه نماز او بگذارند (و مورد قبول واقع نشود) به آن فرشته خطاب می شود که: آن را به بنده ام باز گردان! و فرشته به همراه نماز فرود می آید و آن را به صورت نمازگزار می کوبد و (با نفرت) می گوید:

اف بر تو باد! که همیشه از تو کاری سر می زند که مرا به زحمت وامی دارد.

(۱) ۳- اسماعیل بن ابی زیاد، از امام صادق علیه السّلام و آن حضرت از پدر بزرگوارش علیه السّلام نقل کرده است که امیر مؤمنان علیه السّلام به نقل از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: شیطان همواره از فرزند آدم می ترسد، (البته) تا زمانی که نماز پنجگانه خود را در اول وقت بخواند؛ و چون این (توفیق) را از دست داد، شیطان با گستاخی در (دل) او راه پیدا می کند و او را به گناهان بزرگ (کبیره) آلوده می سازد.

کیفر کسی که به امامی اقتدا کند و سوره حمد را هم بخواند!

(۲) ۱- زراره و محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده اند که امیر مؤمنان

علی علیه السّلام فرمود: هر کس در نماز به امامی اقتدا کند و سوره حمد را تلاوت نماید، پس از مردن بر دینی

غیر دین حنیف برانگیخته می شود.

کیفر کسی که در صفهای نماز جماعت فاصله اندازد

(۱) ۱- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: ای مردم! صفها (ی نماز جماعت) را بر پا دارید، و دوش به دوش هم بایستید تا (در میان شما) فاصله نیفتد، و نظم صفها را بر هم مزنید، خداوند در میان دلهای شما دوری و اختلاف نیندازد؛ و بدانید که من شما را از پشت سر می بینم. «۱»

کیفر کسی که عمدا نماز واجب را نخواند

---

(۱) شیعه معتقد است که حضرت معصومین علیهم السّلام چه در حیات و چه در ممات، سخنان پیروان خود را از دور می شنوند و به سلام آنان پاسخ می دهد و این اشراف معنوی، همیشگی است. فراز پایانی این حدیث نیز مؤید این باور تواند بود (تسمع کلامی و تردّ سلامی).

(۱) ۱- برید بن معاویه عجلی، از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: (ظاهرا) در میان فرد مسلمان و کافر، فرقی جز ترک نماز واجب وجود ندارد، و (چنانچه) مسلمانی عمدا آن را نخواند و در وقت معین، نماز واجب خود را بجای نیاورد (با کافر، فرقی نخواهد داشت).

(۲) ۲- عبد اللَّه بن میمون از امام صادق علیه السّلام، و آن از پدر بزرگوارش علیه السّلام روایت می کند که جابر (انصاری) از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم نقل کرده است که فرمود: در میان کفر و ایمان چیزی جز ترک نماز فاصله نیست.

کیفر کسی که نماز عصر را دیر بخواند

(۳) ۱- محمد بن هارون از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس از روی عمد (و نه از فراموشی) (آنقدر) نماز عصر را آنقدر به تأخیر بیندازد تا وقت آن سپری شود، خداوند در روز قیامت، او را (تنهای تنها و) جدا از افراد خانواده و دارائیش برانگیزد.

(۱) ۲- ابو سلام عبدی نقل کرده است که به محضر امام صادق علیه السّلام شرفیاب شدم، و پرسیدم: در باره کسی که نماز

عصـر را از روی عمد به تأخیر می اندازد، چه می فرمائید؟ حضرت فرمود: در روز قیامت (تنهای تنها) و جدا از افراد خانواده و دارائیش محشور می شود. عرض کردم: فدایت گردم! حتی اگر از اهل بهشت باشد؟

فرمود: حتی اگر از اهل بهشت باشد! پرسـیدیم: پس مقام و منزلتش در بهشت چه خواهد بود؟! (فرمود): در بهشت (تنهای تنها و) جـدا از افراد خـانواده و دارائیش بسـر خواهـد برد؛ (و در ادامه سـخنان خـود فرمود): ساکنـان بهشت به عنوان میهمـان (و نه صاحب خانه) از او پذیرائی می کنند، چرا که در بهشت جایگاه معیّنی ندارد. «۱»

---

(۱) برای اینکه بیکسـی و تنهـایی چنین کسـی به درسـتی مجسم شـود، حـالت کسـی را بـازگو می کننـد که مثلاـ (در دنیـا) از محبتهـای افراد خانواده، و ثروت خود بی نصـیب بمانـد و بر آن تأسف خورد، و گر نه نقش مال و دارائی و همراه داشـتن آنها در بهشت، چندان مشخص نیست. چرا که آدمی در اثر حسن تربیت افراد خانواده و استفاده صحیح از ثروت خود، ممکن است بهشتی شود ولی آیا در بهشت نیازی به مال و ثروت آدمی هست یا نه؟

اینکه انسان در بهشت چه اسـتفاده ای می توانـد از آن ببرد، ظاهرا پاسخ چندان روشـنی ندارد و به نظر می رسد که در فرموده امام علیه السّلام ابعاد دیگری وجود داشته باشد که برای ما مشخص نیست.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۸۶

(۱) ۳- و به همین سند از ابو بصیر نقل شده است که امام محمد باقر علیه السّلام به من فرمود:

(مراقب باش که در مورد) هر چیزی تو را فریفتند، در مورد نماز عصر، تو را

فریب ندهند (و) آن را به هنگامی که آفتاب (هنوز) روشن و صاف است بخوان، زیرا که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: بی خویش و مال کسی است که (توفیق قرائت) نماز (اول وقت) عصر را از دست بدهد. راوی می گوید: از امام علیه السّلام پرسیدم: مراد از بی خویش و مال شدن چیست؟ فرمود: برای چنین کسی در بهشت، خویشاوند و ثروتی نخواهد بود (و تنهای تنها در بهشت بسر خواهد برد)؛ پرسیدم: چه چیزی موجب این کار می شود؟ فرمود: نماز عصر خود را آنقدر به تأخیر بیندازد که پرتو زرد رنگ آفتاب (به هنگام غروب) پدیدار شود و یا آنکه خورشید، غروب کند.

کیفر کسی که تا نیمه شب بخوابد و از نماز خفتن (عشاء) باز ماند

(۲) ۱- زراره بن اعین از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: (به فرمان حضرت حق) فرشته ای مأمور است که بهنگام، ندا می کند: هر کس تا نیمه شب بخوابد و از نماز عشا بازماند، خداوند چشم او را از خواب باز دارد (راحتی را از او بگیرد).

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۸۷

کیفر کسی که (بدون دلیل) در نمازهای جماعت و جمعه حاضر نشود

(۱) ۱- عبد اللَّه بن سنان، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم نماز صبح را خواند و پس از فراغت از آن به اصحاب خود رو کرد و از آنان سراغ برخی از افراد را (با ذکر نام) گرفت و پرسید که آیا اینان (امروز) در نماز جماعت حضور داشتند؟! عرض کردند: نه، یا رسول اللَّه! و حضرت (از روی تعجب و شگفتی) پرسیدند: آیا به مسافرت رفته اند (که غایبند)؟! و در ادامه سخنان خود فرمودند: هیچ نمازی بر منافقان، سخت تر از این نماز (نماز صبح) و نماز خفتن (عشاء) نیست.

(۲) ۲- عبد اللَّه بن میمون، از امام صادق علیه السّلام و آن حضرت از پدر بزرگوار خود علیه السّلام روایت کرده است که: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم از همسایه های مسجد قول گرفته بود که در نماز

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۸۸

جماعت حضور یابند! و فرمود: گروهی که به نماز حاضر نمی شوند، بایستی دست از این کار بردارند، و گر نه به مؤذن فرمان دهم که (با صدای بلند) اذان و اقامه بگوید، و بعد به مردی از اهل بیتم- که

علی علیه السّلام باشد- فرمان می دهم تا خانه های مردمی را که (بدون دلیل و عذر موجّه) در نماز جماعت حضور نمی یابند، و از این فرمان سرپیچی می کنند، در آتش بسوزانند.

(۱) ۳- ابو بصیر و محمد بن مسلم- هر دو- از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده اند که فرمود: هر کس سه هفته پیاپی و بدون هیچ عذر موجّه شرعی در نماز جمعه شرکت نکند، خداوند دل او را مهر می کند (و به حال خود وامی گذارد).

(۲) ۴- زراره، از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که: (شرکت در) نماز جماعت (جمعه) یک فریضه است (واجب است) و حضور مردم برای بجای آوردن آن با امام (معصوم) نیز واجب می باشد، و جز منافق بیش از سه بار (سه هفته) این امر واجب را ترک نمی کند. و نیز فرمود: نماز کسی که از روی بی میلی، نماز جماعت را ترک کند، و از اجتماع مؤمنان بدون (عذر و) علّت کناره گیری

نماید، پذیرفته نیست.

کیفر کسی که به گناهان بزرگ (کبیره) تن در دهد

(۱) ۱- عبید بن زراره نقل می کند که از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: گناهان بزرگ (کبیره) کدامند؟ فرمود: گناهان بزرگ پنج گناه است، که خداوند آتش (دوزخ) را بر کسی که آلوده به آنها شود، واجب کرده است، و در (کتاب خود، قرآن) فرموده است:

«خداوند، (گناه) شرک را نمی بخشد»؛ و «کسانی که اموال یتیمان را به ناحق و از روی ستم، می خورند، شکم (های) خود را پر از آتش می کنند (در حقیقت آتش می خورند نه مال یتیم را) و بزودی در آتش برافروخته دوزخ (سعیر) خواهند سوخت»؛ و «ای ایمان آورندگان! اگر کافران

بر شـما یورش آوردنـد، فرار مکنیـد (و در مقام دفاع از کیان و ناموس خود برآئید)؛ و تهمت زدن به زنان پاکدامنی که شوهر گزیده اند (یا زنان پاکدامان ناآگاه)؛ و کشتن مؤمن از روی عمد به خاطر (پاسداری از) دینش.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۹۰

(۱) ۲- عبـاد بن کثیر نوّاء نقل کرده است که از امام محمـد باقر علیه السّـلام در باره گناهان بزرگ (کبیره) پرسـیدم. حضـرت فرمود: گناهانی که خداوند (در قرآن) برای آنها وعده آتش داده است.

کیفر خوردن مال یتیم

(۲) ۱- حلبی، از امـام صـادق علیه السّـلام روایت کرده است که در کتاب امیر مؤمنان علی علیه السّـلام آمـده است: آن که از روی سـتم و به ناروا مال یتیم را حیف و میل می کنـد، فرجام کار خود را خواهـد دیـد، و بال و مکافات این عمل زشت او در دنیا گریبانگیر نسل او و در عالم آخرت دامنگیر خود او خواهد شد، که خداوند (در قرآن کریم) فرموده است:

«بایستی بیمناک باشـند کسانی که عهـده دار امور یتیماننـد (تا بر آنان سـتم روا ندارند و اموالشان را حیف و میل نکنند) همان گونه که بر حال فرزندان صغیری که از خود

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۹۱

بجای می گذارند، نگرانند، پس باید از خدا بترسند (در مورد یتیمان) سخنی محکم و درست و عاری از غرض بگویند». سوره نساء/ آیه ۹. و اما در مورد مکافات آخرت، خداوند می فرماید: «کسانی که اموال یتیمان را به ناحق و از روی ستم می خورند، شکمهای خود را پر از آتش می کنند و بزودی در آتش برافروخته دوزخ خواهند سوخت».

(۱)

۲- سماعه بن مهران، از امام معصوم علیه السّلام (از امام صادق یا حضرت موسی بن جعفر علیهم السّلام) روایت کرده است که فرمود: براستی که خداوند عز و جل در خوردن مال یتیم دو کیفر قرار داده است: یکی کیفر آخرت که آتش (دوزخ) است، و دیگری کیفر دنیوی است که خداوند در (قرآن) می فرماید: «بایستی بیمناک باشند کسانی که عهده دار امور یتیمانند (تا بر آنان ستم روا ندارند و اموالشان را حیف و میل نکنند) همان گونه که بر حال فرزندان صغیری که از خود بجای می گذارند، نگرانند، پس باید از خدا بترسند (در مورد یتیمان) و سخنی محکم و درست و عاری از غرض بگویند». و مراد خداوند آن است که بترسد از اینکه با فرزندان او (پس از درگذشت وی) همان کار را بکنم که او در حق یتیمان (تحت کفالت خود) روا داشت.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۹۲

(۱) ۳- معلّی بن خنیس نقل کرده است که (با جمعی) به محضر امام صادق علیه السّلام شرفیاب شدیم و آن حضرت فرمود: هر کس مال یتیمی را به ناروا بخورد، خداوند کسی را بر او یا فرزندان مسلط می سازد که (همان) ستم (را) روا دارد، چرا که خداوند عز و جل در کتاب خود، قرآن کریم می فرماید: «بایستی بیمناک باشند کسانی که عهده دار امور یتیمانند (تا بر آنان ستم روا ندارند و اموالشان را حیف و میل نکنند) همان گونه که بر حال فرزندان صغیری که از خود بجای می گذارند، نگرانند، پس باید از خدا بترسند (در مورد یتیمان) و سخنی محکم و درست و عاری

از غرض بگویند».

کیفر آن که زکات ندهد

(۲) ۱- محمد بن مسلم نقل کرده است که از امام محمد باقر علیه السّلام معنی این آیه کریمه «بزودی در روز قیامت آنچه را که از دادن آن (زکات) امساک ورزیده اند، و بال

گردنشان خواهد شد» را پرسیدم، حضرت فرمود: بنده ای نیست که زکات مالش را نپردازد مگر آنکه در روز قیامت خداوند آن زکات را (که بر عهده اوست) به صورت مار بزرگ آتشینی درآورده و طوق گردنش سازد و آن مار آتشین به گزیدن و خوردن گوشت (و پوست) او می پردازد تا خداوند از کار حساب (بندگان خود) فراغت یابد؛ و این است معنی کلام خداوندی، که می فرماید: «بزودی در روز قیامت آنچه را که از دادن آن (زکات) امساک ورزیده اند، و بال گردنشان خواهد شد» و نیز فرمود: آنچه نسبت به آن از دادن زکات، بخل ورزیده اند.

(۱) ۲- ابو الجارود، از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که: خداوند عز و جل در روز قیامت، مردمی را از قبرهاشان برمی انگیزانند، که دستهای آنان به گردنهایشان طوری گره خورده است که حتی نمی توانند به اندازه یک انگشت، چیزی را (بلند کنند و یا) بردارند، و فرشتگانی که همراه آنانند (مدام) سرزنششان می کنند که اینانند، کسانی که حق خدا را از ثروت فراوانی که خداوند نصیبشان کرده بود، (بعنوان زکات) نپرداختند.

(۱) ۳- حریز از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: (تردیدی نیست در اینکه) خداوند در روز قیامت دارنده مالی را (بجز طلا و نقره) که

زکات آن را نپرداخته باشـد، در زمین لغزنـده و همواری وادارد، و اژدهای بـد هیبت و ترسـناکی «۱» را بر او بگمـارد، تا به او حمله ور شود و بگزد، و چون خود را در چنـگ او اسیر ببینـد و راه فراری نیابـد، دست خود را به اختیـار، در اختیار اژدها می گـذارد، و اژدهـا هماننـد ترب، دست او را می جود، و بعـد به دور گردنش حلقه می زنـد، و این (معنی) همـان کلام خـداوند است که می فرمایـد: «بزودی در روز قیامت آنچه را که از دادن آن (زکات) امساک ورزیده اند، و بال گردنشان خواهد شد»؛ و دارنده رمه های شتر، یا گاو، یا گوسـفند که زکات آن را نمی پردازد، خداوند در روز قیامت او را در زمینی هموار، زندانی کنـد، آنگـاه هر حیوانی که صاحب سُم باشـد با سُم خود او را درهم می کوبـد و هر حیوان گزنـده ای با دنـدان خود او را می گزد؛ و هر باغداری که بر محصول خرما یا انگور او و یا کشاورزی که بر محصول کشت او زکات تعلق بگیرد،

---

(۱) در روایت، اژدهـایی که مـوی سـر او ریخته باشـد، آمـده است و ظـاهرا مراد آن است که بـد هیبـتی و هیولاـ بودن آن، به تصویر کشیده شود، و این قبیل روایات می توان به «تجسم اعمال» پی برد که اعمال آدمی صور برزخی و اخروی دارد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۹۵

خداوند در روز قیامت (سنگینی محصول) آن زمین را تا طبقه هفتم، وبال گردنش می سازد.

(۱) ۴- و به همین سند، داود بن فرقد از قول برادرش- عبد اللّه- نقل کرده است که شخصی مرا برای تعبیر خواب نزد امام

صادق علیه السّلام فرستاد، و ادّعا می کرد شبها از زنی که به خوابش می آید، می ترسد، به طوری که در یکی از شبها صدای فریاد او را (حتی) همسایگانش شنیده اند. حضرت فرمود: برو و به او بگو که چرا زکات (مال خود را) نمی پردازی؟ فرمایش امام را برای آن مرد بازگو کردم، به خدا سوگند یاد کرد که زکات مال خود را پرداخت می کنم! پاسخ آن مرد به محضر امام علیه السّلام عرض کردم، فرمود: به او (از قول من) بگو: اگر زکات هم می دهی (حتما) در اختیار نیازمندان واقعی آن قرار نمی دهی.

(۲) ۵- احمد بن ابی عبد اللّه در روایتی از ابی بصیر نقل می کند که از امام صادق علیه السّلام شنیده است که فرمود: کسی که زکات نمی دهد به هنگام مرگ آرزوی بازگشت (به دنیا را) می کند، و این (مفاد) کلام خداوند (در قرآن کریم) است که می فرماید:

«همین که مرگ گریبانگیر یکی از آنها می شود، می گوید: پروردگارا! فرمان ده تا مرا (به دنیا) بازگردانند، امیدوارم که در فرصتی که از دست داده ام، کار شایسته و عمل خیری انجام دهم» (سوره مؤمنون/ آیه ۱۰۲).

(۱) ۶- ابان بن تغلب، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: در اسلام دو گونه کشتن وجود دارد که حلال شمرده شده (و منع شرعی) ندارد، ولی تا زمانی که قائم آل محمد «عج» قیام نکرده است کسی (حق ندارد بدون دلیل و یا شاهد کافی) به این دو نوع قتل حکم کند: یکی، مرد زناکاری که دارای همسر باشد که (آن حضرت به کیفر زنا) او را

سنگسار می کند؛ و دو دیگر، کسی که زکات (مال خود را به نیازمندان واقعی جامعه مسلمانان) پرداخت نکند، که امام علیه السّلام او را (به کیفر خود داری از پرداخت زکات) گردن می زند «۱».

---

(۱) مرحوم صاحب «مدارک» به قول مرحوم علامه در «تذکره» استناد می کند که: تمام مسلمانان در واجب بودن زکات در هر زمانی (خواه در زمان امام معصوم علیه السّلام باشد یا در زمان غیبت) اتفاق نظر دارند و یکی از ارکان پنجگانه به حساب می آید، و اگر کسی که فطرتا؛ مسلمان بوده، و در میان مسلمانان نشو و نما پیدا کرده است منکر زکات شود، مرتد گردیده و بایستی حکم به قتل او داد، ولی اگر کسی که اول، کافر بوده و سپس مسلمان شده باشد و منکر زکات باشد، بایستی تا سه بار به او خاطر نشان سازند تا توبه کند، و اگر توبه نکرد کشتن او واجب می شود و اگر صحرا گرد بادیه نشین، یا تازه مسلمانی بعلت عدم آگاهی، زکات را انکار کند، بایستی حکم شارع مقدس را مبنی بر واجب بودن زکات به او ابلاغ نمایند، و نبایستی تکفیرش کرد، این توضیح مفصل به خاطر آن آمد که بعضی مبادا این روایت را به اشتباه مستمسک قرار دهند و از مجازات این دو گروه سر باز زنند که باید در صورت بودن دلیل کافی و یا شهود، حکم صادر و اجرا می شود، ولی پس از ظهور حضرت ولی عصر (عج) نیازی به این گونه مسائل نیست و آن حضرت با باطن (و نه به ظاهر) حکم می فرماید و در آن هرگز خللی نیست. با آرزوی ظهور آن حضرت (عج).

پاداش

(۱) ۷- ابو بصیر، روایت دیگری (هم در این رابطه) از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که فرمود: کسی که در مدت عمر خود زکات ندهد، پس از آنکه مرگش فرا می رسد (از خداوند) خواستار بازگشت (به دنیا) می شود. و نیز فرمود: هر کس قیراطی «۱» از زکات (مال خود را) ندهد (گویی) خواسته است که به دین یهود یا نصاری بمیرد! (۲) ۸- احمد بن محمد بن خالد، از پدرش نقل کرده است که یکی از دوستان او این روایت را از امام صادق علیه السّلام برای او باز گفته است: هر کس قیراطی از زکات (مال خود را) نپردازد، نه (در شمار افراد) با ایمان است و نه مسلمان.

و نیز فرمود: هیچ مالی چه در خشکی و چه در دریا از بین نرفته است مگر به خاطر ندادن زکات. و فرمود: هر گاه قائم (حضرت ولی عصر حجّه بن الحسن العسکری «عج»)

---

(۱) قیراط، واحد وزن است و در فقه اسلامی به معادل ۱/ ۲۱ مثقال گفته می شود و امام علیه السّلام که خواسته است اهمیت زکات را به روشنی معلوم سازد، از این واژه استفاده فرموده که اگر چه وزن بسیار ناچیزی است ولی ندادن زکات، آن کیفر بزرگ را در پی دارد.

قیام کند مانع الزّکاه را گردن می زند. «۱»

کیفر نیازمند واقعی که از گرفتن زکات خود داری کند

(۱) ۱- حسن بن علی از قول یکی از راویان، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که گرفتن زکات (به خاطر نیاز شدیدی که دارد) برای او

واجب است، ولی از گرفتن آن خود داری می کند، به منزله کسی است که از پرداخت زکات واجب سر باز می زند.

کیفر کسی که (عمدا) یک روز از ماه رمضان را روزه نگیرد

(۲) ۱- یونس بن حمّاد رازی نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود:

هر کس (عمدا و بدون عذر موجّه شرعی) یک روز از ماه رمضان را روزه نگیرد، روح ایمان را از دست می دهد.

---

(۱) مانع الزّکاه در فقه به کسی گفته می شود که از دادن زکات واجب اموال خود، خودداری می ورزد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۵۹۹

کیفر کسی که حجّ واجب نکند

(۱) ۱- عبد اللّه بن میمون، از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: در وصیت امیر المؤمنین علی علیه السّلام آمده است: حج (واجب) خانه پروردگارتان را ترک نکنید که نابود خواهید شد. و فرمود: کسی که از حجّ (واجب) خانه خدا به منظور دسترسی به خواسته دنیایی خود، صرف نظر کند، (دیری نپاید) که زایران خانه خدا با سرهای تراشیده از (سفر) حج بازمی گردند در حالی که هنوز خواسته او برآورده نشده است (و مصداق کامل: از اینجا رانده و از آنجا مانده را پیدا می کند).

(۲) ۲- ذریح محاربی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که حج بر او واجب شده است ولی (عمدا) از انجام آن طفره رود تا بمیرد، بی آنکه تنگدستی، یا بیماری، و یا ممنوع الخروج شدن به دستور مقام ذی ربط (و یا عذر موجّه شرعی

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۰۰

دیگری) او را از این سفر واجب باز داشته باشد، به دین یهود و یا نصاری مرده است، (و در روز قیامت با این دو گروه محشور خواهد شد).

اهمیت حفظ زبان از محرّمات

(۱) ۱- ابو حمزه ثمالی از امام زین العابدین علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: زبان آدمی (فرزند آدم) به هنگام صبح، به (سایر) اعضای او سر می زند و احوالپرسی می کند و از آنان می پرسد: هر روز بر اعضای بدنش مشرف می شود و می گوید در چه حالی (شب را) صبح کردید؟! می گویند: به خیر و خوبی است به شرط آنکه تو (دست از سر ما برداری) و ما را

به خود رها کنی؟ و نیز به او می گویند: تو را به خدا سوگند که (ناروا را در حقّ ما روا مدار) و ما را به مشقّت میفکن! (و تردیدی در این نیست که) به خاطر تو، ثواب و پاداش (اخروی و افزونی نعمت و روزی در دنیا) به ما می رسد، و به سبب توست که کیفر می شویم.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۰۱

کیفر کسی که سه روز پی در پیش سوره توحید را نخواند

(۱) ۱- سلیمان بن خالد، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: کسی که سه روز بر او بگذرد و در این مدّت سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را (حتّی در نماز) نخواند، بدون تردید او را (از رحمت حق) محروم ساخته و به خود وانهاده اند، و زمام ایمان را (به دست خود) از گردن خود گشوده است، و اگر در این سه روز، قالب تهی کند، نسبت به خدای بزرگ کافر شده است.

کیفر کسی که یک هفته بر او بگذرد و سوره توحید را نخواند

(۲) ۱- اسحاق بن عمار، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: اگر بر کسی یک هفته بگذرد، و سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را (در این یک هفته) نخواند و از دنیا برود،

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۰۲

بر دین ابو لهب مرده است.

توضیح: ابو لهب از دشمنان سر سخت رسول گرامی اسلام صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به شمار می رفت و به دستیاری همسرش خارهای صحرا را می کند و در مسیر پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم می ریخت!! و با آنکه نسبت بسیار نزدیکی با رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم داشت (عموی پیغمبر بود) از هیچ فتنه و دسیسه ای علیه آن حضرت و پیروان تازه مسلمان او روی گردان نبود و از سردمداران کفر به شمار می رفت، و آنقدر به دشمنی خود در این راه ادامه داد که در مذلّت او سوره نازل شد: تَبَّتْ يَدا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَ ...

سزای کسی که بیمار و یا گرفتار شود ولی قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ نخواند

(۱) ۱- هارون بن خارجه نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: اگر کسی بیمار و یا گرفتار شود و (برای رفع بیماری و یا گرفتاری خود) سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را نخواند، و به علت آن بیماری یا گرفتاری از دنیا برود، (جایگاه او) در آتش است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۰۳

کیفر کسی که پنج نماز بخواند و سوره توحید را تلاوت نکند

(۱) ۱- منصور بن حازم، نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: هر کسی که یک روز بر او بگذرد و در (هیچ یک) از نمازهای پنجگانه (واجب) سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را نخواند، به او خطاب می شود که: ای بنده خدا! تو از (شمار) نمازگزاران نیستی.

کیفر کسی که سوره ای از قرآن را فراموش کند

(۲) ۱- ابو بصیر، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: هر کس سوره ای از قرآن را فراموش کند، آن سوره در صورتی زیبا و مرتبه ای بس والا- (به چشم) او مجسم می شود، و آن شخص (فراموشکار) از او می پرسد: تو کیستی که این قدر زیبایی؟! ای کاش از آن من بودی. و آن صورت مجسم شده به او می گوید: مرا نمی شناسی؟

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۰۴

من فلان سوره (قرآن) هستم (که تو از یاد برده ای!) اگر مرا فراموش نمی کردی تو را (با خود) تا این مقام و مرتبه بلند بالا می بردم.

کیفر کسی که مؤمنی را خوار کند

(۱) ۱- معلّی بن خنیس، از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که خداوند (در قرآن) فرموده است: کسی که بنده مؤمن مرا خوار سازد (و یا به چشم حقارت در او بنگرد) خود را آماده مبارزه با من کرده است (و یا به من اعلان جنگ داده است)، و اگر کسی بنده مؤمن مرا گرامی و عزیز بدارد از خشم من در امان خواهد بود.

کیفر کسی که از کمک به مؤمن خود داری کند

(۲) ۱- ابراهیم بن عمر یمانی، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: مؤمنی که با وجود توانایی، به یاری برادر ایمانی خود نمی شتابد (تردیدی نیست که) خداوند (نیز) در دنیا و آخرت یاریش نخواهد کرد و او را به خود واخواهد گذاشت.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۰۵

کیفر آنکه بر مؤمنان طعنه زند و یا عقاید آنان را رد کند

(۱) ۱- مفضل بن عمر، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: براستی که خداوند عز و جل مؤمنان را از نور عظمت و شکوه و جلال خویش آفریده است و هر کسی که آنان را (بخاطر عقیده ای که دارند) مورد شماتت و تمسخر قرار دهد (طعنه بزند) و عقاید آنان را مردود بداند، بدون تردید خدا را- که حکمران عالم هستی است- نفی کرده است، (و در حقیقت) رشته خود را با خدا گسیخته است و خدا را (نیز) با او کاری نیست، و مسلما (این عمل او) ناشی از نفوذ و تأثیر شیطان در نطفه و اندیشه او می باشد.

کیفر کسی که در روبروی مؤمن به او طعنه زند

(۲) ۱- فضیل بن یسار از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: (در این تردیدی

نیست) که اگر کسی در مقابل روی مؤمن به او طعنه زده و ریشخندش کند، به بدترین نوع مرگها از دنیا خواهد رفت، و پس از مردن آرزوی بازگشت به (دنیا و) عمل خیر کند.

کیفر کسی که خود را از مؤمن پنهان دارد

(۱) ۱- مفضل بن عمر، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است: هر مؤمنی که میان او و مؤمن پرده و مانعی باشد (خود را پنهان کند و رو نشان ندهد) در میان او و بهشت هفتاد هزار دیوار خواهد کشید، که فاصله هر کدام آنها از دیگری مسافت هزار سال راه است.

کیفر رباخواری

(۲) ۱- فرات بن احنف از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: طلب سود (نامتعارف در تجارت) از مؤمن، رباست.

کیفر کسی که اعتبار (گرو) در نزد او بیش از اعتبار برادر ایمانیش باشد

(۱) ۱- مروک بن عبید، از یکی از راویان نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی که اعتبار رهن (چیزی که در رهن به گرو گذارده می شود) در نزد او از اعتبار برادر مسلمانش بیشتر باشد، من از او بیزاری می جویم (و متنفّرم).

کیفر کسی که مؤمنی را از مال خود یا دیگران منع کند

(۲) ۱- فرات بن احنف از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر مؤمنی که مؤمن دیگری را از چیزی که بدان نیازمند است- و می تواند نیاز او را شخصا یا توسط دیگری برآورده سازد- منع نماید، خداوند در روز قیامت او را با صورتی سیاه و چشمانی کبود، و در حالی که دستهایش به گردن او بسته شده است، بر پا نگاه می دارد، و آنگاه سروشی بانگ برمی آورد که: این (همان) جنایتکاری است که به

خدا و رسول او صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم خیانت ورزیده است، آنگاه فرمان می رسد که او را به (جانب) آتش برند.

کیفر کسی که حق مؤمن را نگاه دارد و ادا نکند

(۱) ۱- یونس بن ظبیان، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: ای یونس! هر کس حق مؤمن را (در نزد خود) نگاه دارد و از ادای حق او سر باز زند در روز قیامت خداوند او را به مدت پانصد سال بر روی پا نگاه می دارد، تا عرق (بدنش) چون رود از (اعضای) او جاری شود، و سروشی از جانب خداوند ندا سر می دهد که: این همان ستمگری است که حقّ مؤمن را در نزد خود نگاه داشته و از ادای آن خود داری کرده است. پس او را چهل روز مورد توبیخ و تهدید و سرزنش قرار می دهند و آنگاه فرمان می رسد که او را به (جانب) آتش برند.

(۲) ۲- و به همین سند، از مفضل بن عمر نقل شده است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر مؤمنی که مال مؤمنی را حبس کند (در نزد خود

نگاه دارد) و به او نپردازد، و آن

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۰۹

مؤمن بـدان مال نیازمند باشد، به خدا سوگند که (طعم) غذای بهشتی را نخواهد چشـید، و از آن نوشـیدنی گوارای سـر به مهر (رحیق مختوم) نخواهد نوشید.

کیفر بهتان و افترا زدن به مرد و یا زن با ایمان

(۱) ۱- عبد اللَّه بن ابی یعفور، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس به مرد یا زن با ایمانی به چیزی که در آنهـا نیست، متّهم کنـد و افترا بنـدد، در روز قیـامت خداونـد او را در «خبال» بر می انگیزد، از عهـده (اثبات) افترایی که بسته است برآید.

راوی می گوید، پرسیدم: طینت خبال چیست؟ فرمود: محل گندابی که در دوزخ از شرمگاه زنان بدکاره بیرون می آید.

(۲) ۲- ابو بصیر، از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

ناسـزا گفتن و دشنام دادن به مؤمن، فسق و ناپارسایی است، و ستیزه کردن و در افتادن با او کفر، و خوردن گوشت وی (نتیجه غیبت) معصیت خداوند است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۱۰

کیفر آن که مطلبی را برای بی آبرو ساختن مؤمنی بازگو کند

(۱) ۱- مفضل بن عمر از امام صادق علیه السّـلام روایت کرده است: کسی که مطلبی را (با کسی یا کسانی) در میان بگذارد و هـدف او (از این کار) آسیب رسانـدن و آبرو ریختن مؤمنی باشد تا او را از چشم مردم بیندازد و بی اعتبارش کند تا از چشـم مردم ساقط شود، خداوند او را از (محدوده) محبّت خود بیرون می راند و به دوستی با شیطان وامی دارد.

کیفر کسی که خانه ای را از مؤمنی مضایقه کند

(۲) ۱- و به همین سند مفضل بن عمر از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که فرمود:

هر کس دارای خانه ای باشد (که به آن نیاز ندارد) و مؤمنی برای سکونت در آن نیاز پیدا کند، ولی او دریغ کند، خداوند عز و جل به فرشتگان خود خطاب می فرماید که:

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۱۱

ای فرشـتگان من! بنـده من نسبت به بنـده دیگر من از خانه ای (که به آن نیازی نـداشت) دریغ کرد و بخل ورزیـد، به عزت و

جلالم سوگند که هرگز او را در بهشت سکونت نخواهم داد.

کیفر عیب جویی از مؤمن

(۱) ۱- ابی برده نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم با ما نماز خواند (با جمعی از اصحاب که راوی هم با آنها بوده است)، و بعد با شتاب از جای خود برخاست (و به جانب درب مسجد رفت) دست مبارکش را بر روی در مسجد گذارد و آنگاه با صدای بلند فرمود: ای گروهی که به زبان (ظاهرا) ایمان آورده اید ولی ایمان به دلهایتان راه نیافته است! در پی عیب جویی افراد با ایمان نباشید، زیرا کسی که به دنبال عیب جویی آنان باشد، خداوند (نیز) از پی عیبهای او بر می آید، و هر کسی که خداوند از پی عیبها و کاستیها او باشد، رسوایش می کند اگر چه در خانه خود پنهان شده باشد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۱۲

کیفر کسی که از خدا شرم نکند و گستاخی ورزد

(۱) ۱- حفص بن بختری از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: مردمی گناه بسیاری کرده بودند بر فرجام کار خود بیمناک بودند (و از خشم خدا می ترسیدند)، گروهی (به آنان دلداری دادند و) گفتند: کیفر گناهانتان به گردن ما! چرا می ترسید؟

پس خداوند عذاب خود را بر آنان (بر این گروه) نازل کرد (و آن مردم گناهکار را کیفر نداد) و فرمود: آنها از من ترسیدند، ولی شما گستاخی کردید.

کیفر نیّت گناه

(۲) ۱- بکر بن محمد ازدی، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: همین که مؤمن، قصد گناه می کند، از روزی خود محروم می گردد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۱۳

کیفر گناه

(۱) ۱- عبد اللَّه بن بکیر از قول یکی از راویان از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است که فرمود:

هر کسی که در اندیشه معصیت است (بایستی) مراقب باشد تا آن را انجام ندهد، زیرا چه بسا از بنده ای گناهی سر می زند و خداوند او را در آن حال می بیند، و می فرماید: به عزّت و جلالم قسم هرگز او را نمی آمرزم.

کیفر کسی که رضایت مردم را در عمل خدا پسندانه خود منظور نماید

(۲) ۱- زراره بن اعین و برادرش حمران از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده اند که فرمود:

چنانچه بنده ای کاری را خالصا و مخلصا برای خدا و آخرت خود انجام دهد ولی

رضایت (حتی) یک نفر را در آن دخالت دهد، به خدا شرک ورزیده است. امام صادق علیه السّلام نیز فرمود: هر کس برای مردم کاری انجام دهد، مزدش نیز بر مردم است، زیرا همه انواع ریا شرک است. و باز به همین سند از آن حضرت روایت شده که خداوند عز و جل (در قرآن) می فرماید: هر کس کاری را برای من و دیگری انجام دهد، (پاداش) آن عمل (بر عهده) دیگری است. «۱»

کیفر قطع رحم و ناسازگاری

(۱) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: هنگامی که علم، پدیدار، ولی از عمل به آن خودداری شود، و (نیز) زبانهای مردم (به ظاهر) موافق و دلهای آنان (در باطن) مخالف یک دیگر باشد، و قطع رحم رواج پیدا کند، در چنین روزی خداوند بر آن مردم لعنت می کند و آنها را گنگ و نابینا می سازد (تا از دیدن و شنیدن حقایق محروم گردند).

---

(۱) مراد کسی است که در کاری که برای خدا انجام می دهد، رضایت دیگران را هم در نظر بگیرد، و نیّت او خالص نباشد.

کیفر خیانت و دزدی و می آشامی و زنا

(۱) ۱- به سند مذکور، از سکونی نقل شده که امام صادق علیه السّلام از قول پدران بزرگوارش روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: چهار چیز است که هیچ یک از آنها وارد خانه ای نمی شود جز آنکه آن خانه را خراب و برکت را از آن دور می کند:

خیانت، دزدی، باده نوشی و زنا.

(۲) ۲- سلیمان بن خالد، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: آدم میگسار در روز قیامت چون مردم بت پرست (از خاک) برانگیخته می شود. و هر کس که جرعه ای شراب بنوشد، خداوند به مدت چهل روز نماز او را نمی پذیرد. «۱»

---

(۱) وقتی نماز پذیرفته نشد، طبق روایاتی که گذشت، سایر عبادتهای چنین آدمی نیز مقبول درگاه حضرت حق نخواهد بود.

(۱) ۳- اسماعیل

بن سالم، نقل کرده است که مردی از امام صادق علیه السّلام پرسید: خداوند تو را صحیح و سالم نگاه دارد! آیا باده نوشی (در نظر خدا) بدتر است یا ترک نماز؟

حضرت فرمود: باده نوشی. و سپس امام علیه السّلام از او پرسید: آیا می دانی علتش چیست؟ عرض کرد: نه فرمود: زیرا در آن حال (در حالت مستی و از خود بیخبری) پروردگارش را نخواهد شناخت (و هیچ گناهی بالاتر از عدم معرفت نسبت به خداوند نیست).

(۲) ۴- مسعده بن زیاد، از امام صادق علیه السّلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: آن که میگسار است، در روز قیامت با چشمانی کبود و چهره ای سیاه، و با حالتی نامتعادل (مانند حالت مستی) در حالی که یک طرف (بدن) او بر روی زمین کشیده می شود، و در حالی که آب از دهانش جاری و انگشت شصت پای او به موی پیشین سر او بسته شده و دستش از پشت کمر او بیرون آمده باشد (محشور می گردد) و تمامی اهل محشر چون او را (با این قیافه زشت و حالت هراسناک) مشاهده کنند که برای حساب (به جانب میزان عدل الهی) می رود، به هراس می افتند و شیون سر می دهند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۱۷

(۱) ۵- مروک بن عبید، از قول مردی، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که فرمود: هر کس به میلی آلوده به شراب در چشم خود کشد (تا به گمان خود آن را مداوا نماید)، خداوند عز و جل در روز قیامت

با میلی (میله ای) آتشین در چشم او سرمه کشد. و فرمود: کسانی که در این دنیا با شراب، سیراب می شوند، با حالت عطش خواهند مرد، و تشنه محشور می گردند، و در حال تشنگی وارد جهنّم خواهند شد. «۱» (۲) ۶- فضیل بن یسار نقل کرده است که از امام محمد باقر علیه السّلام شنیدم که می فرمود: اگر کسی شراب بنوشد تا حدّی که مست شود، خداوند تا چهل روز نمازش را نمی پذیرد، و اگر در این (در این چهل روز) نماز خود را (به عذر اینکه پذیرفته نمی شود) ترک نماید، عذابش به خاطر ترک نماز چند برابر خواهد شد.

(۳) ۷- ابو الصحاری «۲» نقل می کند که از امام صادق علیه السّلام در مورد کسی که شراب می نوشد، پرسیدم، حضرت پاسخ داد: مادامی که اثر آن (شراب) در رگهایش

---

(۱) ظاهرا در آن زمان بعضی از بیماریهای چشم را با شراب به نحوی که گذشت درمان می کردند ولی غافل بودند که خداوند شفای خود را در چیزهای حرام و ناپاک قرار نداده است.

(۲) ظاهرا مراد، همان داود بن حصین کوفی است.

وجود دارد، نمازش پذیرفته نیست. «۱» (۱) ۸- عبد اللّٰه مسکان از قول یکی از راویان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: براستی که خداوند برای شر و کارهای مفسده انگیز، قفلهایی قرار داده و کلید (تمامی) آن قفلها، شراب است، و بدتر از شراب، دروغ می باشد (که آثار سوء آن به مراتب بیشتر از شرابخواری گریبانگیر جامعه اسلامی می گردد).

(۲) ۹- یعقوب بن شعیب، از امام محمد باقر یا امام صادق علیهم السّلام

روایت کرده است که:

خداونـد عز و جـل برای تمامی گناهان، خانه ای، و برای آن خانه دری و برای آن در، قفلی و برای آن قفل، کلیـدی قرار داده است، و کلید تمامی گناهان، شراب و (شرابخواری) است.

(۳) ۱۰- ابو بصیر، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که کارش زنا، یا دزدی و یا باده نوشی است، (کیفر و سرانجام او) همانند بت پرست خواهد بود.

---

(۱) طبق روایات بسـیاری که از معصوم علیه السّلام به ما رسیده است، اثر لقمه حرام تا چهل روز در بدن انسان باقی می ماند و دعـای او در این مـدت پـذیرفته نمی شود، و مسـلما اثر شـراب هم تـا چهل روز از میان نمی رود و نماز آدم شـرابخوار در این مدت پذیرفته نیست.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۱۹

(۱) ۱۱- جابر بن یزیـد جعفی از امام محمد باقر علیه السّـلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در رابطه با شـراب، ده نفر را لعنت فرموده است: کارنده و پرورنده آن درخت، گیرنده شـراب، نوشـنده، ساقی، کسی که آن را با خود حمل می کند، آنکه شـراب برایش می برد، فروشنده، خریدار، و کسی که نقدینگی خود را در این مسیر به کار می گیرد (و تجارت شراب می کند).

(۲) ۱۲- و به همین سـند از محمـد بن جعفر قمی- بی آنکه از راویـان پیش از او نـامی برده شود- روایت شـده است که امـام صادق علیه السّـلام فرمود: آوازخوانی (به نوعی که تحریم شـده است) آشـیانه نفاق (و دورویی) است، و باده نوشـی کلیـد هر (کار) شرّی است، و باده خوار

(عملا) کتاب خداونـد عز و جل (قرآن) را تکـذیب می کند چرا که اگر قول خداوند را باور داشت، از آنچه که (قرآن) حرام کرده است، پرهیز می کرد. «۱»

---

(۱) در واقع، آدمی با آلوده شدن به این گناهان، خود را در مقابل خدا قرار می دهد و از اوامر و نواهی حق سرپیچی می کند.

(۱) ۱۳- مسعده بن زیاد، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خـدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر کس در یکی از رگهای بـدن خود، اندکی از آنچه بسیارش مست کننده است، وارد کند، خداوند آن رگ او را به سیصد و شصت نوع عذاب، شکنجه و کیفر خواهد کرد. «۱» (۲) ۱۴- عمار بن موسی (ساباطی) نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام در بـاره وضع و حـال مردی که شراب می نوشـد، سؤال شـد. آن حضرت فرمود: خداونـد تا چهل روز نماز او را نمی پذیرد، و در این چهل روز توبه اش (نیز) پذیرفته نیست و اگر در این فاصله زمانی از دنیا برود، به دوزخ خواهد رفت.

---

(۱) ظاهرا شـماره رگهای آدمی، همین تعـداد است و خداونـد به تعداد رگهای بدن، آن رگ آلوده را عذاب می فرماید، زیرا آلودگی یـک رگ، سبب آلودگی سـایر رگهـای بـدن نیز می گردد و عـذاب هر قسـمتی از بـدن، عـذابی است که بر انسـان گناهکار مقرر شده است.

(۱) ۱۵- احمـد بن اسـماعیل بن نقـل از پـدرش، روایت کرده است که (روزی) امـام محمـد باقر علیه السّلام به جانب مسـجد الحرام می رفت

(و در اثنای راه) گروهی از قریش، آن حضرت را دیدند، و گفتند: این خدای مردم عراق است!! تنی چند از آن گروه اظهار داشتند که یک نفر را از جانب خود به نزد آن حضرت گسیل دارید تا سؤالاتی مطرح کند، جوانی از آن میان برخاست و به خدمت حضرت شرفیاب شد، و پرسید: ای عمو! بزرگترین گناهان کبیره کدامین گناه است؟ فرمود: میگساری. آن جوان به نزد دوستان خود شتافت و پاسخ آن حضرت را با آنان در میان گذارد. گروه به اصرار از او خواستند تا دوباره به نزد آن حضرت باز گردد و همان پرسش را مطرح سازد! جوان در اثر پافشاری دوستانش به نزد امام علیه السّلام بازگشت و همان سؤال قبلی خود را تکرار کرد! حضرت به او فرمود: ای برادر زاده! مگر به تو نگفتم که میگساری بزرگترین گناهان کبیره است؟! زیرا باده نوشی است که آدمی را در (دام) زنا، و دزدی، و قتل نفس- که خدا آن را حرام ساخته (آدمکشی) مگر در موارد که مجاز است- و (نیز) شرک به خداوند می افکند. پیامدهای شرابخواری بر هر گناه دیگری پیشی می گیرد، بدانسان که درختش از جهت بلندی و دراز بودن (شاخه ها بر سایر) درختان برتری می گیرد. «۱»

---

(۱) شاید مراد درخت خرما و انگور باشد که اولی از نظر بلندی، و دومی از جهت دراز بودن ساقه ها چنین حالی دارند، و از این دو نوع محصول، شراب می سازند.

(۱) ۱۶- عمرکی نقل کرده است که به امام رضا علیه السّلام عرض کردم: ابن داذویه از شما روایت کرد

که به او فرموده اید: شرابخوار، کافر است. فرمود: راست گفته است، من این (مطلب) را به او گفته ام.

(۲) ۱۷- ابو محمد انصاری (از ابن سنان) روایت کرده است که از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: آیا خوردن شرابی که از پوست خرما تهیه می شود، حرام است؟ حضرت فرمود: بلی! حرام است، و کسی که آن را می نوشد، حکم کسی را دارد که شراب بنوشد.

کیفر خوردن گل «۱»

---

(۱) خوردن خاک و یا گل، حرمت شرعی دارد، مگر تربت پاک سالار شهیدان حضرت ابی عبد اللَّه الحسین علیه السّلام که از این اصل کلی مستثنی است، و گردی از آن علاج دردهای بیدرمان است، و خداوند، شفای تمام دردها را در آن قرار داده است، به شرط آنکه استفاده از آن با خلوص نیّت و طهارت و اعتقاد قلبی صورت پذیرد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۲۳

(۱) ۱- زیاد بن ابی زیاد، از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کسی که گل بخورد، بدن او دچار خارش می گردد و به بواسیر مبتلا می شود، و مالیخولیا (سوداء) بر مزاج او چیره می گردد و قدرت و توان ساق و پاهای او را می کاهد، و آنچه بدین سبب (در اثر خوردن گل و ابتلا به انواع بیماریهایی که یاد شد) از کارایی او کاسته می گردد، به حساب آورند و به خاطر آن (مورد بازخواست) و عذاب قرار می گیرد.

(۲) ۲- و به همین سند، زیاد بن ابی زیاد از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: براستی که علت وسوسه (و آلوده شدن به وسواس) و (انگیزه) بیشترین دامهای شیطانی (که

بر سر راه آدمی گسترده شده) در خوردن گل است. خوردن گل موجب بیماری بدن و تحریک درد است؛ و کسی که در اثر خوردن گل، توان و نیروی بدنی او کاسته گردد (و به جهت ناتوانی ناشی از گل خواری) از عبادتهایی که قبلا توفیق انجام آن را داشته است، بازماند، به مقدار عباداتی که نتوانسته است انجام دهد، مورد بازخواست و عذاب قرار می گیرد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۲۴

کیفر فروتنی در برابر صاحبان قدرت و مخالفان دین

(۱) ۱- حدید مدائنی، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: دین خود را با پرهیزگاری و خدا ترسی و بی نیازی از همه جز خدا، (و نیز) با عدم ابراز نیاز خود به پادشاه وقت، حفظ کنید، و بدانید هر مؤمنی که در برابر قدرتمند و با زورمداری که مخالف آیین اوست از روی آزمندی، فروتنی نماید خداوند او را به وی واگذارد و بر او خشم می گیرد، و اگر مالی در این رابطه نصیب او گردد، خداوند برکت (خود) را از آن مال بر می دارد، و اگر چیزی از آن مال را در راه حج یا عمره یا آزاد ساختن بنده ای مصرف کند، خداوند هیچ پاداشی برای آن مقرر نخواهد کرد.

کیفر ترک واجبات الهی و انجام گناه کبیره

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۲۵

(۱) ۱- مفضل بن عمر، نقل کرده است که به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: از مغیره «۱» روایت می کنند که گفته است: اگر بنده ای پروردگار خویش را بشناسد، (همین او را) کفایت می کند و دیگر انجام تکالیف الهی بر او واجب نیست! حضرت فرمود: او را چه شده است؟! لعنت خدا بر او باد! مگر نه این است که هر قدر معرفت و شناخت بنده نسبت به خداوند بیشتر شود، فرمانبردارتر می گردد؟! کسی که خدا را نمی شناسد، چگونه از اوامر او اطاعت می کند؟! خدای عز و جل، به محمد (پیامبر خود) فرمان می دهد و (او بر اساس رسالتی که دارد) مؤمنان را به انجام فرمان الهی ملزم می سازد، و همه به آنچه که از جانب خدا به انجام آن فرمان رسیده است (گردن می نهند و آن را) عمل

می کننـد تا زمانی که نهی خداونـدی (در مورد فرامین صادره) فرا رسد و امر و نهی در نظر مؤمن یکسان و برابر است (و ملزم به اجرای آن است).

سپس فرمود: خداوند به بنده ای که واجبی از واجبات الهی را ترک کند و یا گناه

---

(۱) مراد مغیره بن سعید، بزرگ خاندان مغیریّه است.

کبیره ای از او سر بزنـد، نظر مرحمت نمی افکنـد و او را پاک و پاکیزه نمی گرداند. راوی می گوید: عرض کردم: خداوند به او نظر نمی کند؟! حضـرت فرمود: آری! زیرا برای خداوند شـریکی قائل شده است. راوی می گوید از روی شـگفتی پرسیدم: دچار شـرک شده است؟! حضرت فرمود: آری! زیرا خداوند عز و جل او را به کاری فرمان می دهد و ابلیس به کاری دیگر، و او دسـتور خـدا را نادیـده گرفته و به آنچه که ابلیس فرمـان داده است عمل می کنـد، بنا بر این با ابلیس در- هفتمین درک در آتش دوزخ- همدم و همنشین خواهد بود.

کیفر انتشار کارهای نکوهیده ای که به مؤمنان نسبت می دهند

(۱) ۱- محمد بن فضـیل روایت کرده است که به حضـرت موسی بن جعفر علیه السّلام عرض کردم: قربانت گردم! مطالبی در بـاره یکی از برادران ایمـانیم (از دیگران) می شـنوم کـه از آن نـاراحت می شـوم و هنگـامی کـه حقیقت امر را از خـود او می پرسم، انکار می کند

در حالی که من به افرادی که آن اخبار را نقل کرده اند (کاملا) اطمینان و اعتماد دارم.

راوی می گوید که حضـرت به من فرمود: ای محمد! (حتی) به گوش و چشم خود در مورد (بد گوئی) برادر (ایمانیت) اعتماد نداشته باش، و اگر

پنجاه نفر در پیش تو (در مورد مطلبی) شهادت بدهند و سوگند یاد کنند، ولی برادر ایمانی تو، به گونه ای دیگر سخن بگوید (و گفته آنان را تکذیب کند) از او بپذیر و از آنان قبول مکن و چیزی را که اسباب ناراحتی و سرشکستگی او می شود ابراز مکن و انتشار مده، زیرا در آن صورت، از کسانی خواهی بود که خداوند در باره آنان فرموده است: «کسانی که دوست دارند مطلب ناخوشایند و ناشایسته ای را- در باره کسانی که ایمان آورده اند- انتشار دهند، در دنیا و آخرت عذاب دردناکی به آنان مقرر شده است» (سوره نور/ آیه ۱۸).

(۱) ۲- منصور بن حازم، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر کس کار زشتی را (در جامعه) انتشار دهد همانند کسی است که آن کار را انجام داده است. و هر کس مؤمنی را در مورد چیزی، ملامت و سرزنش کند، (بدون تردید) پیش از مردن، خود دچار آن می گردد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۲۸

کیفر پایمال کردن حق الناس، عدم پرهیز از نجاسات، غیبت و سخن چینی

(۱) ۱- حفص بن غیاث، از امام صادق علیه السّلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام از حضرت علی علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: چهار گروهند که اهل جهنم از آنها در رنج و عذابند، به خاطر عذاب سختی که بر این چهار گروه مقرر شده است زیرا به آنان از حمیم دوزخ (آب جوشان) می چشانند، و فریادشان (از

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۲۹

این شکنجه)

به وا ویلا بلند است، و برخی از اهل جهنم به برخی دیگر می گویند:

این چهار گروه مگر چه کرده اند که با همه عذابی که ما می بینیم، (باز) از عذاب آنان در شکنجه ایم؟! مردی از آنان، در تابوتی از گدازه های آتش، آویزان است؛ و دیگر، روده هایش (از شکم) بیرون ریخته و آن را با خود می کشد؛ و سومی از دهانش خون و جراحت بیرون می زند؛ و چهارمی از گوشت بدن خود می خورد. سپس به آن که در تابوت آتشین است گفته می شود: داستان این به دور مانده از رحمت حق چیست که ما را با تمام عذابی که می کشیم، آزار می دهد؟! در جواب می گوید: این از رحمت حق محروم، در حالی مرد که اموالی از مردم در عهده او قرار داشت و می دانست که توان پرداخت و رهایی از دیون مردم را ندارد (ولی با وجود این اموال مردم را به عناوین مختلف از آنان گرفت)؛ و بعد از آن که روده های خود را با خود می کشد می پرسند: این محروم از رحمت حق، داستانش چیست که ما را با همه زحمت و عذابی که در آنیم، آزرده خاطر کرده است؟! پاسخ می دهد: این از رحمت حق جدا مانده، (در دنیا) از نجاست ادرار خود پرهیز نمی کرد و اهمیت نمی داد که ترشّحات ادرار او چند جای بدنش را ناپاک کند؛ سپس از کسی که چرک و خون از دهانش بیرون می ریزد می پرسند و قضیّه این بی بهره مانده از رحمت خدا، چیست که دیدن او ما را با همه عذابی که می کشیم، می آزارد؟! می گوید: این بی نصیب از رحمت خداوندی، مسخرگی پیشه می کرد و ادای این و آن را

در می آورد. و بعد از آن که گوشت بدن خود را می خورد، می پرسند: حکایت این محروم مانده از رحمت پروردگار چیست که مشاهده او ما را با همه عذابی که تحمل می کنیم، آزار می دهد؟

در جواب می گوید: این محروم مانده از رحمت یزدان، با غیبت و سخن چینی (در حقیقت) گوشت مردم را می خورد. «۱»

کیفر آن که با حاکم بیدادگری درآویزد

(۱) ۱- مفضل بن عمر نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام به من فرمود: ای مفضل! هر کس با حاکم بیدادگری درآویزد، و از آن حاکم گزند و آسیبی به او برسد، اجری نخواهد داشت و آن مصیبت را تحمل نخواهد کرد.

کیفر کسی که خواسته برادر ایمانی خود را بر نیاورد

---

(۱) این روایت نیز از تجسم اعمال حکایت می کند که در برزخ، صورت برزخی، و در آخرت صورت اخروی دارند.

(۱) ۱- اسماعیل بن عمار صیرفی نقل کرده است که به امام صادق علیه السّلام عرض کردم:

فدایت شوم! آیا مؤمن برای مؤمن (مایه) رحمت است؟ فرمود: آری! عرض کردم:

چگونه؟! فرمود: هر مؤمنی که برادر ایمانیش برای درخواست و حاجتی به نزد او بیاید، (به منزله) رحمتی است که از جانب خداوند برای او فرستاده شده است، پس اگر خواسته او را بر آورد، در حقیقت رحمت را پذیرفته، و اگر او را رد کرد در حالی که می توانست خواسته اش را برآورده سازد، بی تردید رحمتی را که خداوند به جانب او روانه ساخته بود، قبول نکرده است، و این رحمت را تا روز قیامت نگاه می دارند، و (در آن روز) در اختیار آن مؤمن نیازمند قرار می گیرد، اگر بخواهد خود از آن بهره می گیرد و یا به دیگری می بخشد. ای اسماعیل! آن مرد مؤمن در روز قیامت در مورد این رحمت الهی- که برای او مقرر شده است- اختیار دارد، آیا به نظر تو آن را به چه کسی خواهد داد؟! عرض کردم: فدایت شوم! گمان نمی کنم که آن را به دیگران واگذارد، حضرت فرمود: گمان مکن، بلکه یقین داشته باش که او

(این رحمت الهی را) از خود دور نخواهد ساخت. ای اسماعیل! هر کس که برادر

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۳۲

ایمانیش برای خواسته ای نزد او بیاید، و او توانائی برآورده ساختن آن را داشته باشد ولی برنیاورد، خداوند (پس از مرگ در گور) اژدهایی را بر او چیره کند که تا روز قیامت انگشت او را بگزد، (فرقی نمی کند) که در روز قیامت آمرزیده شود و یا مورد خشم و عذاب خداوندی قرار گیرد.

کیفر کسی که از روی اخلاص برای برآوردن نیاز برادر مؤمن خود گام برندارد

(۱) ۱- ابو جمیله، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس برای انجام خواسته برادر مسلمان خود گام بردارد اما (این اقدام او) از روی اخلاص نباشد (برای شهرت و یا مقاصد دیگر باشد)، مانند کسی است که به خداوند و رسولش خیانت ورزد، و خدای عز و جل دشمن او خواهد بود.

(۲) ۲- ابو بصیر نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: اگر یک تن از پیروان ما از برادر ایمانی خود برای انجام خواسته ای، درخواست کمک کند، ولی او

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۳۳

تمام توان خود را در این راه نگیرد، نسبت به خداوند و رسول الهی و مؤمنان خیانت ورزیده است. راوی می گوید: از امام علیه السّلام پرسیدم: منظور شما از مؤمنان، کیانند؟! فرمود: از امیر مؤمنان علی علیه السّلام گرفته تا آخرین آنها (یعنی ائمه اطهار علیهم السّلام).

کیفر آن که درخواست کمک مؤمنی را رد کند

(۱) ۱- ابو بصیر، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: اگر یکی از برادران هم آئین ما برای درخواست کمک به نزد یکی از شیعیان ما برود، و او با آنکه می تواند خواسته او را برآورد، به یاریش نشتابد، خداوند (به مکافات این عمل در دنیا) او را ناچار می سازد تا نیاز یکی از دشمنان ما را برآورده سازد، و در روز قیامت او را (به مکافات آن) عذاب خواهد کرد.

(۲) ۲- حسین بن ابان، از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس در یاری کردن به برادر مسلمان خود و برآورده ساختن خواسته او، امساک ورزیده (باصطلاح، ناخن

خشکی کند) و یا اقدامی نکند، ناچار می شود به یاری کردن کسی

که خدمت به او گناه است و هیچ اجری برایش نخواهد داشت.

کیفر کسی که بیش از یک لباس در برکند و برادر ایمانیش عریان باشد

(۱) ۱- فرات بن احنف، از امام زین العابدین علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر کس لباس اضافی داشته باشد و بداند که در همسایگی و نزدیکی او مؤمنی بدان نیازمند است و از او دریغ کند، خداوند عز و جل او را با صورت در آتش (دوزخ) خواهد افکند.

کیفر آن که بخوابد و در نزدیکی او گرسنه ای باشد

(۲) ۱- فرات بن احنف از امام زین العابدین علیه السّلام روایت کرده است که: هر کس با شکم سیر، شب را به صبح برساند، در حالی که در نزدیکی او مؤمن گرسنه ای باشد، خداوند عز و جل (به فرشتگان خود) می فرماید: فرشتگان من! شما را بر این بنده

گواه می گیرم که من او را (به این کار خیر) فرمان دادم و او سرپیچی کرد، و از کسی غیر از من (شیطان و یا شیطان صفتان) فرمان برد؛ من او را به عمل خود او وامی گذارم. به عزّت و جلالم قسم که هرگز او را نیامرزم.

(۱) ۲- و در روایت حریز آمده است که: امام صادق علیه السّلام از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرد که خداوند عز و جل می فرماید: کسی که شب را با شکم سیر به صبح رساند، در حالی که برادر مسلمانش گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است.

کیفر کسی که مؤمنی را تحقیر کند

(۲) ۱- ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هرگز افراد با ایمان ولی تنگدست را (به خاطر فقر ظاهری آنها) کوچک و ناچیز نینگارید، زیرا اگر کسی مؤمنی را به خاطر تنگدستی، خوار دارد و او را کوچک بشمارد، خداوند او را خوار خواهد کرد و همواره نسبت به او خشمگین خواهد بود تا از کار زشتی که کرده است توبه کند و حرمت آن مرد با ایمان را نگاه دارد. و نیز فرمود: و هر کس مؤمنی را به

خاطر تنگدستی او

خوار كند، خداوند در روز قيامت او را در برابر همه آفريدگان خود رسوا خواهد كرد.

كيفر كسى كه در حضورش از مؤمنى غيبت شود و از او دفاع نكند

(۱) ۱- ابو الورد، از امام محمد باقر عليه السّلام روايت كرده است كه فرمود: كسى كه در حضورش از برادر ايمانى او غيبت شود و او دفاع كند، خداوند در دنيا و آخرت او را يارى مى كند، و اگر كسى در نزد او از برادر مؤمنش غيبت شود و توان دفاع از او را داشته باشد و نكند خداوند او را در دنيا و آخرت خوار و ناچيز گرداند.

كيفر خود پسندى

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۳۷

(۱) ۱- ابو خالد صيقل، از امام محمد باقر عليه السّلام روايت كرده است كه: خداوند عز و جل كار (آفرينش) را به يكى از فرشتگان واگذار كرد، و او هفت آسمان و هفت زمين و چيزهاى ديگرى آفريد، و هنگامى كه آن فرشته ديد تمامى آنها فرمانبردار اويند، (به خود) گفت: كيست مانند من؟! پس خداوند عز و جل نويره اى از آتش فرستاد.

پرسيدم: نويره آتشين چيست؟ فرمود: آتشى است به اندازه يك بند انگشت، و بعد فرمان داد تا هر آنچه را كه آفريده بود بدان آتش روى كنند و آن آتش از تمامى آنها گذشت، به آن فرشته رسيد و اين (كيفر و عذاب) براى آن بود كه (يك لحظه از خدا غافل شد و) خود بينى كرد.

كيفر پاسخ نيازمندى را ندادن و از سر نخوت راه رفتن

(۲) ۱- سليمان بن سماعه، از عموى خود عاصم كوفى از امام صادق عليه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش عليه السّلام روايت كرده است كه رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم فرمود: هر گاه امت من در برابر نيازمندى كه درخواست كمك مى كند خود را به نشنيدن بزنند و از مقابل او با بى تفاوتى و غرور بگذرد، پروردگار من بعزّت خود سوگند خورده و فرموده است: بعزّتم سوگند كه مسلّما برخى از آنان (امّت) را به خاطر برخى ديگر عذاب خواهم كرد.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۳۸

كيفر دشمنى و خيانت

(۱) ۱- سكونى از امام صادق عليه السّلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش عليهم السّلام روايت كرده است كه رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم فرمود: امت من همواره در خير خواهد بود تا زمانى كه به هم خيانت نكنند، و امانت را به صاحب آن بازگردانند، و زكات مال خود را بپردازند، و اگر چنين نكنند به قحطى و خشكسالى گرفتار خواهند شد.

كيفر گناهان

(۱) ۱- ابو حمزه ثمالی از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هیچ سالی پر بارانتر از سالی دیگر نیست، و خداونـد در هر کجا که خواهـد، باران می بارد، و چون مردم (دیاری) خود را به گناه آلوده کننـد خداوند مقدار بارانی که در آن سـال برای آن مردم مقرر کرده بود، به بیابانهـا و دریاهـا و کوههای دیگری ببارد و خداونـد عز و جل جعل «۱» را به خاطر گناهـان مردم آن دیـار بـا نباریـدن باران عـذاب می دهـد چرا که خداونـد راه بیرون رفتن از دیار گناهکاران را برای او هموار سـاخته است؛ سـپس امـام فرمود: ای صاحبـان بینش عبرت بگیریـد و فرمود: در کتاب امیر المؤمنین علی علیه السّـلام یافتیم که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم فرموده است: هر گاه زنا شیوع پیدا کند، مرگ ناگهانی زیاد می شود؛ و زمانی که کم فروشی رواج یابد، خداوند آن مردم را به خشکسالی و کمبود (ارزاق عمومی) گرفتار می سازد؛ و اگر از پرداخت زکات خود داری نمایند، زمین (به فرمان خدا) برکتهای خود را از زراعت و میوه ها و

معادن آنان دریغ می کنـد؛ و هر گاه در داوری و صـدور احکام، سـتم روا دارند (عملا) بر رواج سـتم و دشـمنی به یک دیگر کمک می کند؛ و چنانچه از امر به معروف و نهی از

---

(۱) جانوری است سـیاهرنگ و دارای پر به شکل زنبور که از سرگین حیوانات تغذیه می کند و از بوی خوش چنان آزرده می شود که بمیرد! رک: ف. آنندراج، ج ۲/ ص ۱۳۳۸.

منکر سـر باز زنند و از نیاکان اهل بیت من پیروی نکنند، خداوند افراد شـرور و پست را از خودشان بر آنان مسلّط می گرداند؛ و در آن هنگام افراد نیکوکار (آن جامعه) دست به دعا برمی دارند ولی مستجاب نمی شود.

(۱) ۲- ابان احمر از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

پنـج چیز است که اگر به آنها رسـیدید، بایستی به خـدای عز و جل پناه ببرید: هر گاه زنا و اعمال منافی با عفت در میان قومی پدیـد بیاید و آشـکارا به آن تن در دهند، طاعون و بیماریهائی که در پیشـینیان آنها وجود نداشـته، در میان آنان رواج پیدا می کنـد؛ و اگر کم فروشـی کننـد مسـلما به خشـکسالی و تهیـدستی و سـتم دولتمردان گرفتار آینـد؛ و چنانچه زکات مال خود را نپردازند، از باران آسـمان بی نصـیب می گردند، و اگر به خاطر چهار پایان نباشد، هرگز باران بر آنها نخواهد بارید؛ و هر گاه پیمـان خداونـد عز و جل و رسول او را بشـکنند، خداونـد دشـمنانشان را بر آنان چیره می گردانـد و بعضـی از اموالشان را می گیرند؛ و هر

گاه بر خلاف حکم خدا، داوری کنند، خداوند جنگ و ستیز و درگیری را در میان آنان خواهد افکند.

(۱) ۳- سکونی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: زمانی فرا می رسد که درون امّت من ناپاک ولی ظاهرشان از روی آزمندی به دنیا، آراسته و زیباست، و پاداش الهی را در پی ندارد چرا که (اعمال آنان) با خدا ترسی همراه نیست؛ و هنگامی که خداوند عذابی فراگیر بر آنان فرو فرستد همانند یک غریق (که راه به جایی ندارد) برای رهایی خویش، دست به دعا برمی دارند، ولی دعای آنان مورد قبول درگاه الهی قرار نمی گیرد.

(۲) ۴- و به همین سند از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت شده است که فرمود: زمانی بر امت من خواهد آمد که از قرآن بجز رسم، و از اسلام بجز اسم باقی نمی ماند؛ بنام، مسلمانند ولی در حقیقت از همه مردم (نسبت به قرآن) دورترند؛ مسجدهای آنان به ظاهر، آباد ولی (در باطن به خاطر فاصله گرفتن) از هدایت و صلاح، ویران است؛ فقیهان و دانشمندان دینی آن زمان، بدترین فقیهان و دانشمندان در زیر آسمان

باشند؛ منشأ فتنه و فساد آنان می باشند، و آثار سوء آن نیز به خود آنان باز می گردد.

(۱) ۵- فضیل از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: هر گاه مردم از اوامر و نواهی حق نافرمانی کنند و این راه (ناهموار) را در پیش بگیرند، اگر

سواره باشند، از سواران سپاه ابلیس، و اگر پیاده طی مسافت کنند در شمار لشکریان پیاده اویند.

(۲) ۶- هیثم بن واقد نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: خداوند عز و جل، پیغمبری را برای (هدایت) قوم خود فرستاد، و به او وحی نمود که: به قوم خود بگو که هیچ طایفه و افراد خاندانی نیست که از من پیروی کنند و پس از رویاروئی با بلاها و گرفتاریها، از راهی که موجب خشنودی و خرسندی خاطر من است روی گردان شده و به آنچه که من از آن ناخرسندم روی آورند جز اینکه من نیز از آنچه که ایشان را خوشحال می سازد روی بر می تابم و به آنچه که مورد ناخشنودی و ناراحتی آنان است روی می آورم.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۴۳

کیفر دانشمندان نابکار، و قاریان فاسق، و گردنکشان ستمکار، و وزیران خائن، و سردمداران دروغگو، و پیمان شکنان

(۱) ۱- مسعده بن زیاد از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: براستی که در دوزخ، آسیابی هست که مشغول به کار است، آیا نمی خواهید بدانید که چه چیزی را آسیاب می کند؟! پرسیدند: چه چیزی را آسیاب می کند؟! فرمود: (گوشت و پوست و استخوان) دانشمندان نابکار، و کسانی که قرآن را تلاوت می کنند ولی فاسقند، و ستمکاران متجبر، و وزیران خیانت پیشه و سردمداران لافزن و دروغگو را؛ و در دوزخ، شهری است که بدان «حصینه» می گویند، آیا نمی پرسید که در آن چیست؟ پرسیدند: چه چیزی در آن است؟! حضرت فرمود: در آن دستهای پیمان شکنان قرار دارد «۱» «۲».

---

(۱) نامبردن از دستها به این خاطر است که بستن عهد و

پیمان با دست صورت می گیرد.

(۲) چون این روایت شریف از امیر مؤمنان علی علیه السّلام نقل شده است، بعید نیست که مراد از فراز پایانی کلام امام علیه السّلام، اصحاب حصینه کسانی باشند که در غدیر خم با آن حضرت بیعت کردند و بخّ بخّ یا علی گفتند و بعد رو در روی آن حضرت قرار گرفتند! و پیمانی را که در حضور رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و به فرمان الهی بسته بودند، نادیده انگاشتند و خود را و کسان خود را در رأس هرم حکومت اسلامی بگماشتند و لوای عدالتخواهی و انساندوستی برافراشتند!!

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۴۴

کیفر به دنیا دل بستن و طاغوت را پرستیدن

(۱) ۱- صالح بن سعید، از برادر خود سهل حلوانی، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: عیسی بن مریم علیه السّلام در اثنای گردش گذارش به شهری افتاد که تمامی

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۴۵

ساکنان آن- در خانه ها و مسیر راه- افتاده و مرده بودند، به یاران خود فرمود: اینان به عذاب الهی مرده اند، و اگر به علت دیگری مرده بودند، (جنازه) یک دیگر را به خاک می سپردند. یاران حضرت عیسی علیه السّلام به او گفتند که: دوست داریم داستان این مردم را بدانیم (تا عبرت بگیریم). به آن حضرت (از جانب حق) فرمان رسید که: ای روح خدا! آنان را صدا بزن، حضرت عیسی علیه السّلام ندا کرد و گفت: ای مردم روستایی! یکی از آن میان پاسخ داد: لبّیک یا روح اللَّه (فرمانبردارم ای روح خدا)، حضرت از او پرسید: داستان شما چیست و حال

و روزتان چگونه است؟ عرض کرد: صبح را در عافیت و سلامت بسر بردیم و شب را در هاویه!! حضرت از او پرسید: هاویه چیست؟! جواب داد: دریاهائی از آتش که در آن کوههایی از آتش قرار دارد.

حضرت پرسید: چه چیزی شما را به این روز- که من می بینم- انداخت؟! گفت:

دلبستگی به دنیا و پرستیدن طاغوت زمان، حضرت پرسید: بستگی شما به دنیا چه اندازه بود؟ گفت: به همان اندازه ای که کودک شیر خوار به مادرش علاقمند است، هر گاه (به او) روی کند خوشحال و اگر (از او) روی گرداند، اندوهگین می شود.

حضرت پرسید: تا چه حد از طاغوت زمان فرمانبرداری می کردید؟ پاسخ داد: هر فرمانی که صادر می کرد بدون چون و چرا انجام می دادیم. حضرت پرسید: چه شد که از میان این همه مردم (فقط) تو به ندای من لبّیک گفتی؟ پاسخ داد: زیرا لگامهای آتشین دهانهای آنان را بسته است، و مأمورانی درشت اندام و درشتخوی و سختگیر بر ایشان گمارده شده اند (و توان صحبت و یا حرکت ندارند)، و من در میان آنان زندگی می کردم ولی از ایشان نبودم، هنگامی که عذاب الهی (بر آنان) فرود آمد، مرا

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۴۶

نیز به همراه آنان گرفتار کرد، و من اکنون به موئی در آتش دوزخ آویزانم و می ترسم از اینکه در آتش سرنگون شوم.

سپس امام به اصحاب خود فرمود که: حضرت عیسی علیه السّلام به یاران خود گفت: زندگی در میان زباله ها کردن، و اندکی نان جوین خوردن اگر با سلامت دین (و عقیده) همراه باشد، کار بسیار آسان و راحت است.

کیفر ریاکار

(۱) ۱- مسعده بن

زیاد از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش علیه السّلام روایت کرده است که از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم پرسیدند: در فردای قیامت رستگاری در چیست؟ حضرت فرمود: رستگاری، تنها در این است که با خدا از سر فریب و نیرنگ در نیایید تا (او نیز) شما را نفریبد؛ زیرا کسی که با خداوند مکر کند، خدا نیز با خدعه و نیرنگ با او رفتار خواهد کرد و ایمان او را می گیرد، و اگر درست بیندیشد

خواهد دید که در حقیقت، با خود نیرنگ نموده است. از آن حضرت پرسیدند:

چگونه می توان با خدا نیرنگ کرد؟! فرمود: به آنچه که خداوند فرمان داده است عمل می کند، ولی نه برای خدا بلکه برای دیگری! پس در مورد ریا از خداوند بهراسید، زیرا ریا شرک ورزیدن به خداست، براستی که شخص ریاکار را در روز قیامت به چهار اسم صدا می زنند: ای کافر! ای فاجر! ای حیله گر! ای زیانکار! عمل (نیکوی) تو تباه شد و پاداش تو (نیز) از میان رفت و بهره ای از آن برای تو نماند، پاداش عمل خود را از کسی طلب کن که آن کار را برای (خشنودی) او انجام داده ای.

(۱) ۲- و به همین سند از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت کرده است که فرمود: خداوند عز و جل یکی از کتابهای آسمانی خود را بر پیامبری فرو فرستاد، و در آن کتاب آمده بود که: گروهی از بندگان (من)، دین را وسیله به دست آوردن (مال و منال) دنیا

قرار می دهند، لباس میش را بر دلهائی مانند دلهای گرگها بر تن می کنند، و با اینکه (در حقیقت) از صبر زرد تلخترند ولی زبانشان از عسل

شیرین تر است، و رفتار این گروه در باطن از مردار (هم) گندتر و بدبوتر است، آیا اینان به خاطر رحمت (بی منتهای من چنین) مغرور شده اند؟! یا مرا فریب می دهند؟! یا آنکه نسبت به من گستاخی می ورزند؟!، بعزّتم سوگند که چنان فتنه فراگیری را بر آنان بگمارم که تمام گستره زمین را در بربگیرد، و هر انسان فرزانه و هوشمندی را حیران، و هر صاحبنظر صاحبدلی را مبهوت، و هر انسان فرهیخته ای را سرگردان کند، جامه پریشانی و جدایی بر اندام آنان بپوشانم، گروهی را به عذاب گروهی دیگر گرفتار سازم، و با دست دشمنانم از دشمنانم انتقام می گیرم، و پرواز نمی کنم.

کیفر کسی که کاری را انجام دهد برای اینکه بر خود ببالد

(۱) ۱- حسین بن مختار- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که کار خیری را انجام دهد و هدف او از این کار، به خود بالیدن و شکوه و جلال دنیائی خود را در معرض تماشا قرار دادن باشد، خداوند در روز قیامت او را با صورتی سیاه محشور کند.

کیفر کسی که از امر به معروف و نهی از منکر خود داری کند

(۱) ۱- محمد بن عرفه از امام رضا علیه السّلام نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: هر گاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند، بایستی آماده عذاب خداوند متعال باشد.

باب

(۲) ۱- اصبغ بن نباته از امیر مؤمنان علی علیه السّلام نقل کرده است که فرمود: زمانی که خداوند بر (ساکنان) شهری خشم می گیرد ولی عذاب (خود) را بر آنان فرود نیاورد، نرخها (بهای کالاها و مواد اولیه) گران، عمرها کوتاه می شود، و بازرگانان (با آنکه اجناس را گران می فروشند) سودی نمی برند، و میوه ها شاداب و سالم نیستند و آب رودها و رودخانه افزونی نمی یابد، و (نعمت) باران (از ساکنان آن شهر) گرفته می شود، و

زمام امور آنان در دست مردم شرور و پست قرار می گیرد.

کیفر کسی که پس از امان دادن به کسی، او را بکشد

(۱) ۱- عبد اللَّه بن سلیمان نقل کرده است که از امام محمد باقر علیه السّلام شنیدم که فرمود:

کسی که به مردی امان می دهد که او را نخواهد کشت ولی (پس از دستیابی) او را بکشد، در روز قیامت در حالی که پرچم فتنه و دسیسه را با خود دارد، قدم در عرصه محشر می گذارد.

کیفر غیبت رزمنده اسلام و آزار او و بدرفتاری با افراد خانواده اش

(۲) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش نقل کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که در باره مؤمن رزمنده ای غیبت کند، و یا به او آزار برساند، و یا در غیاب او با افراد خانواده اش بد رفتاری نماید، در روز قیامت این کار

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۵۱

او را علم کنند (بر پا می دارند) تا همه خوبیهای او را از بین ببرد، آنگاه او را در آتش سرنگون می سازند، و این (کیفر) در صورتی مقرر می گردد که آن رزمنده در (مسیر) طاعت و اطاعت خداوند متعال انجام وظیفه کرده باشد.

کیفر هراسناک کردن مؤمن از گزند صاحبان قدرت

(۱) ۱- اسحاق خفّاف به نقل از یکی از راویان اهل کوفه، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که مؤمنی را از گزند حاکمی بترساند، ولی گزندی به او نرسد (جایگاه) او در آتش (دوزخ) خواهد بود؛ و اگر مؤمنی را از گزند حاکمی هراسناک کند و (از حاکم) آسیب ببیند، با فرعون و فرعونیان در آتش (همنشین) خواهد بود.

کیفر آزردن، دشمنی و مخالفت کردن با مؤمنان

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۵۲

(۱) ۱- مفضّل بن عمر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: چون روز قیامت فرا رسد، سروشی فریاد می زند که: کجایند آنان که (در دنیا) با دوستان من (دوستان خدا) مخالفت کردند؟ پس گروهی از جای بر می خیزند در حالی که گوشتی بر صورتهای آنان نیست. آنگاه (آن سروش) می گوید: اینان هستند که (در دنیا) مؤمنان را آزار و با آنان دشمنی و مخالفت می کردند و آنان را به خاطر دینی که داشتند مورد سرزنش قرار می دادند، سپس (از درگاه الهی) فرمان می رسد که: اینان را به جانب دوزخ حرکت دهید. سپس امام صادق علیه السّلام فرمود: بخدا سوگند که اینان همان سخنی را می گفتند که مؤمنان اظهار می کردند، ولی حقوق آنان را نپرداختند و رازشان را (در نزد دشمن) فاش ساختند.

کیفر دین تراشی

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۵۳

(۱) ۱- هشام بن الحکم از امام صادق علیه السّلام؛ و محمد بن حمران، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: در روزگاران پیشین مردی بود که می خواست دنیا را از راه حلال و مشروع به دست آورد ولی موفق نشد، (بناگزیر) کوشش خود را در راه حرام بکار بست ولی باز هم توفیق نیافت، آنگاه شیطان به سراغ او آمد و گفت: ای مرد! تو دنیا را از راه حلال خواستی، و نتوانستی، و از راه حرام طلب کردی باز هم آن را به دست نیاوردی، آیا می خواهی راهی در پیش پای تو بگذارم که مال و منال تو فزونی گیرد، و پیروان تو بسیار

شونـد؟! مرد گفت: آری! شـیطان گفت: دینی (تـازه) بسـاز و مردم را به قبول آن دعوت کن! آن مرد، چنـان کرد (که شـیطان گفت) و مردم دعوت او را پذیرفتند و (به دین او درآمدند و) در اطاعتش کوشیدند، و به آنچه می خواست رسید.

پس از مــدتی بـه فکر فرو رفـت و بـا خـود گفـت: چـه کـار بــدی کردم! دینی از خـود سـاختم و پرداختـم و مردم را بـه دین (سـاختگی) خـود درآوردم، و اکنـون برای توبه راهی جز این نمی بینم که نزد هر که دعوت مرا پـذیرفته است بروم و او را (از دین خود) بازگردانم.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۵۴

سپس نزد پیروانش رفـت و گفـت: بـه دینی شـما را فرا خوانـدم که سـاخته و پرداخته (افکـار شـیطانی) من بـود و باطـل است! پیروانش گفتنـد: تو دروغ می گویی، دین تو بر حقّ است، ولی تو (به نـاحق) در دین خود تردیـد کرده ای و از آن بـاز گشـته ای! چون چنین دیـد، زنجیری فراهم کرد و یک طرف آن را به جایی بست و طرف دیگر آن را به گردن خود افکنـد و با خود گفت: این زنجیر را (هرگز) تا زمانی که خداوند توبه مرا نپذیرد، از گردن خود باز نخواهم کرد.

پس خداونـد به یکی از پیامبران خود وحی کرد که: به فلانی (به آن مرد) بگو: بعزّتم قسم که اگر مرا آنقدر بخوانی که بند از بند تو جدا گردد و بدن تو پاره پاره شود، از تو نخواهم پذیرفت، مگر آنکه هر که را که به راه خود فرا خوانده و معتقد ساخته ای و بر دین تو مرده است،

(به دنیا) بازگردانی و از دین (ساختگی) تو باز گردد.

(۱) ۲- حریز- بی آنکه از راویـان پیش از خود نام ببرد- از امام معصوم علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر بـدعتی، گمراهی است، و نتیجه هر گمراهی آتش دوزخ می باشد.

(۲) ۳- محمـد بن مسـلم از امـام محمـد بـاقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: پایین ترین درجه شـرك، این است که آدمی از خود رأی و نظری داشـته باشد و بر اساس نظر و تشـخیص خود دیگران را (که موافق اویند) دوست و (آنان که با نظر او مخالفند)

دشمن بدارد.

(۱) ۴- ابو حمزه ثمالی نقل کرده است که از امام محمـد باقر علیه السّلام پرسـیدم: کمترین درجه دشـمنی (با اهل بیت علیهم السّلام) چیست؟ فرمود: اینکه شـخص چیزی را از خود بسـازد (عقیـده و ایـده تازه ای را رواج دهـد) و بر اساس آن (با مردم) دوستی و یا دشمنی بورزد.

(۲) ۵- عمّی بـه سـند خـود از رسـول خـدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمـود: خداونـد، تـوبه یی برای بدعتگزار قرار نداده است. پرسیدند: چرا ای رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم؟

حضـرت فرمـود: زیرا قلب او از انـدیشه هواخـواهی و محبت آن بـدعت پر شـده (و جـایی برای محبّت خـدا و اولیـای او بـاقی نمانده) است.

(۳) ۶- حفص بن عمر از امـام صـادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسـی که به جانب بـدعتگزاری، برود و به او احترام گذارد، مسلّما (در راه) نابودی اسلام قدم برداشته است.

باب

(۱) ۱- عثمان بن عیسی از قول یکی از دوستانش از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: خداوند هر بنده ای را که می آفریند، برای او جایگاهی در آتش و منزلی در بهشت در نظر می گیرد، و هنگامی که بهشتیان در بهشت و دوزخیان در دوزخ مستقر گردند سروشی ندا در می دهد که: ای ساکنان بهشت! نگاه کنید، و آنان به دوزخ نگاه می کنند و جایگاه خود را آشکار در آتش می بینند، سپس به آنان خطاب می شود که:

این جایگاههای شما بود که اگر نافرمانی خدا را پیشه خود کرده بودید ناگزیر به ورود در آنها می شدید. (با شنیدن این خبر) اگر قرار بود کسی از شدّت سرور و شادمانی

قالب تهی کند، بدون تردید بهشتیان بودند که از فرط خوشحالی و به خاطر عذابی که از آنها دور شده است، می مردند. و باز ندا می شود که: ای دوزخیان! سر خود را (که از شرم به پایین انداخته اید) بالا کنید و به جایگاهی که برای شما در بهشت مقرر شده بود، نظر کنید! و آنان سر خود را بالا می کنند و جایگاه خود را در بهشت با همه نعمتهائی که در آن است می بینند، و به آنان گفته می شود: اینها جایگاههای شما بود که اگر (در دنیا) پروردگار خود را اطاعت کرده بودید، در آن جای می گرفتید. سپس حضرت فرمود: اگر قرار باشد (که در آن روز و پس از شنیدن این خبر) کسی از شدّت افسوس و اندوه بمیرد، بدون تردید، دوزخیان در این روز از فرط حسرت و غم قالب

تهی می کردنـد. پس جایگـاه بهشتیـان در دوزخ- به ارث- به دوزخیان، و جایگاه دوزخیان را در بهشت- به ارث- به بهشتیان واگذارند و این همان معنی کلام سـخنان خداوند است که (در سوره مؤمنان، آیه ۱۰ و ۱۱) می فرماید: «اینان (مؤمنان واقعی) همان وارثانند که بهشت را به ارث خواهند برد و در آن برای همیشه ماندگار خواهند شد».

کیفر تردید در دین و نافرمانی خدا

(۱) ۱- بکر بن محمد ازدی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که امیر مؤمنان علی علیه السّلام

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۵۸

فرمود: براستی که (جایگاه) شک و تردید (در دین) و نافرمانی (از اوامر و نواهی خداوند) در آتش (دوزخ) است، و همانا این دو صفت نه از مایند و نه به جانب ما بازمی گردند (و صاحبان این دو صفت نه با ما بودند و نخواهند بود).

کیفر زنی که برای غیر شوهرش عطر بزند و بی اجازه او قدم از خانه بیرون گذارد

(۱) ۱- ولید بن صبیح از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

هر زنی که خـود را معطّر کنـد و از خـانه خود بیرون رود، تـا زمـانی که به خـانه اش بـاز گردد مورد لعنت و نفرین (فرشـتگان نگهبان خود) قرار می گیرد. «۱»

کیفر کسی که فریاد دادخواهی اهل بیت علیهم السّلام را بشنود، و جمع پریشان آنان را ببیند و به یاری ایشان نشتابد

---

(۱) زنی که بـدین صورت از خـانه بیرون می رود هر چنـد بـا اجـازه شوهرش باشـد، در خور چنین کیفری است، و اگر بـدون موافقت همسر خود چنین کند، مسلما کیفر بیشتری در انتظار اوست.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۵۹

(۱) ۱- عمرو بن قیس مشـرقی نقل کرده است که: همراه با پسـر عمویم به خدمت امام حسـین علیه السّـلام در قصـر بنی مقاتل شرفیاب شدیم، پس از عرض سلام پسر عمویم به امام علیه السّلام عرض کرد: یا ابا عبد اللَّه! این اثر خضاب است یا خود موی شماست (که سیاه مانده است)؟! فرمود: این (اثر) خضاب است، و پیری (خیلی) زود به سراغ ما بنی هاشم می آید.

آنگاه رو کرد به جانب ما و فرمود: برای یاری من آمده اید؟ عرض کردم: من، مرد سالخورده ای هستم و بدهی زیادی دارم و افراد تحت تکفّل من (هم) بسیارند، و کالاهای مردم (به رسم امانت) نزد من است، و دوست ندارم امانت را ضایع سازم.

و نمی دانم که چه خواهد شد؟! راوی می گوید که: پسـر عموی من نیز پاسـخی همانند پاسخ من اظهار کرد! امام علیه السّـلام به مـا فرمود: (برخیزیـد و از اینجا) برویـد تا فریاد دادخواهی ما را نشـنوید، و سیاهی جمعیّت ما را نبینیـد، زیرا کسـی که فریاد

دادخواهی

ما را بشـنود و جمعیت ما را ببینـد ولی دعوت ما را نپـذیرد و به یاری ما نشـتابد بر خـداست که او را با صورت در آتش دوزخ بیفکند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۶۰

کیفر کسی که سرپرستی ده نفر را بر عهده بگیرد و با آنان بد رفتاری کند

(۱) ۱- انس بن مالك نقل کرده است که از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم شنیدم که فرمود: کسی که عهده دار امور ده نفر باشد ولی با آنان به عدالت رفتار نکند، در روز قیامت در حالی که دست و پا و سر او را در سوراخ تبری قرار داده اند، برانگیخته خواهد شد.

کیفر آن که سرپرست بعضی از امور مسلمانان باشد ولی به وظیفه عمل نکند

(۲) ۱- عمرو بن مروان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که مسئولیّت اداره قسمتی از امور مربوط به مسـلمانان را بر عهـده بگیرد ولی (در انجام وظیفه خود کوتاهی کنـد تا) آنان را ضایع سازد؛ خداوند او را (از فیض رحمت بی منتهای خود) بی نصیب گرداند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۶۱

کیفر ستمگران و دست نشانده های آنان

(۱) ۱- سـکونی از امـام صادق علیه السّـلام، و آن حضـرت از پـدر بزرگوارش علیه السّـلام روایت کرده است که رسول خـدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: چون روز قیامت فرا رسد، سروشی ندا در می دهد که:

کجایند سـتمگران و دستیاران آنان و کسانی که دواتی را برای آنها آماده کردند یا کیسه ای را برای آنان بسـتند یا قلمی برای آنها اصلاح کردند؟! پس همه آنان را با بیدادگران در یک جایگاه برانگیزید (چرا که اینان در جرائم آنان شریکند).

کیفر کسی که خود را به پادشاه ستمگری نزدیک کند

(۲) ۱- و به همین سـند از رسـول خـدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم روایت شـده است که فرمود: بنـده ای نیست که خود را به حـاکم (سـتمگری) نزدیک کنـد مگر اینکه (به همان انـدازه) از درگاه خـدا دور می گردد، و ثروتش افزونی نیابـد مگر آنکه (کار) حسابش (در آخرت)

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۶۲

دشوار و سنگین شود، و هواخواهان او بسیار نمی گردد جز اینکه (تعداد) شیطانهای پیرامونش بسیار می گردند.

(۱) ۲- و به همین سـند، باز از رسول خـدا صـلّی اللَّه علیه و آله و سـلّم روایت شـده است که فرمود: شـما از دربار پادشاهان و

حاکمـان (بیـدادگر) و درباریان آنان بر حـذر می دارم! زیرا نزدیکترین شـما به دربار و درباریان آنها، دورترین شـما از درگاه خداوند است؛ و کسی که ستمگر را بر خداوند، بیشی و پیشی می دهد، خداوند (فروغ) پارسایی را از قلب او می گیرد و او را به حیرت و سرگردانی دچار می سازد.

کیفر کسی که نامش را در دفتر زمامداران بنویسد

(۲) ۱- نواده دختری ولیـد بن صبیـح بـاهلی نقـل کرده است که امـام صـادق علیه السّلام فرمود: کسـی که نامش را در دیوان فرزندان فلان بنویسد «۱»، خداوند در روز قیامت او را به صورت

---

(۱) ظاهرا منظور از «فرزندان فلان» بنی العباس می باشد.

خوک محشور می سازد. «۱»

کیفر دولتمردی که به هنگام نیاز مردم، خود را پنهان کند

(۱) ۱- اصبغ بن نبـاته از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هر حاکمی که خود را به هنگام نیاز مردم پنهـان سـازد (و مردم برای رفع نیـاز به او دسترسـی نداشـته) خداونـد نیز روز قیـامت، خود را از او پنهان می سازد، و به نیاز او ترتیب اثر نمی دهـد؛ و اگر (در قبـال انجام کاری) هـدیه ای از کسـی بگیرد آن هـدیه (به منزله) خیانت است، و اگر رشوه ای دریافت کند به خدا شرک ورزیده است.

کیفر کسی که در برابر کارهای ناپسند، سکوت کند

(۲) ۱- محمد بن سنان- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از امام صادق علیه السّلام روایت

---

(۱) ظاهرا مراد از نوشـتن نام در دیوان ستمگران، حقوق بگیران و کارگزارانی هستند که در خدمت صاحبان زور و زرند، ولی افرادی هم بوده اند که با اجازه امام معصوم علیه السّلام در دسـتگاه خلفا نفوذ کرده و مناصب مهمی را هم در دست داشتند تا شیعیان را به موقع یاری کنند و به داد آنان برسند.

کرده است که فرمود: هر گروهی که در برابر کـار زشت (منکر) و ناشایسـته ای که در میان آنان رواج دارد سـکوت کننـد، یا آن انجام دهنده آن کار زشت را سرزنش نکنند خداوند بزودی عذاب فراگیر خود را بر آنان فرود خواهد آورد.

(۱) ۲- مسعده بن صدقه از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: تردیدی نیست که اگر بنده ای در پنهان (از اوامر و نواهی حق) نافرمانی کند، پی آمد و زیان

آن تنها گریبانگیر خود او خواهد شد. ولی اگر آشکارا چنین کار ناشایسته ای را انجام دهد و مورد سرزنش مردم قرار نگیرد، آثار سوء ناشی از آن، دامنگیر عموم مردم و زیان آن فراگیر خواهد شد.

سپس امام صادق علیه السّلام فرمود: و این بدین جهت است که او (در واقع) با این کار (ناپسند) دین خدا را خوار و کوچک شمرده، و خود را در موقعیتی قرار داده است که دشمنان خدا از رفتار او پیروی کنند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۶۵

(۱) ۳- و به همین سند، از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت شده است که فرمود: ای مردم! مسلّما خداوند متعال عموم مردم را به خاطر افراد انگشت شماری که پنهانی گناه می کنند، عذاب نفرماید، ولی اگر همان افراد انگشت شمار و ناچیز، آشکارا و در حضور مردم همان گناه را مرتکب گردند و مردم، آنان را به خاطر کار زشتی که می کنند مورد سرزنش قرار ندهند، خداوند هر دو گروه را کیفر و عذاب کند؛ و نیز فرمود:

هیچ یک از شما در حالی که ستمگری، مردی را می زند، یا ستمدیده ای را آزار می کند و یا بیگناهی را می کشد، اگر در صدد «دفاع از او نیستید در آنجا حضور پیدا نکنید، زیرا یاری کردن مؤمن به مؤمن هنگامی که (در صحنه) حضور داشته باشد، واجب است، و سلامت و عافیت (برای شما) آسانتر است (البته) تا زمانی که حجت بر شما تمام شده باشد؛ و نیز فرمود: هنگامی که در میان بنی اسرائیل رخوت و سستی پیدا شد (در چنین شرایطی) مردی برادر ایمانی خود را در حال

ارتکاب گناه می دید و او را از آن کار زشت باز می داشت ولی آن مرد همچنان به کار خود ادامه می داد، و (این عدم نصیحت پذیری) مانع آن نمی شد که همان شخص پند دهنده، هم پیاله و همنشین و همسفره آن مرد گناهکار باشد!! تا آنکه خداوند (به مکافات این بی تفاوتی

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۶۶

و عدم احساس مسئولیت) دلهای آنان را نسبت به هم برگرداند و آنان را به دشمنی با یک دیگر واداشت، و این آیات (در سوره مائده، آیه ۷۸ و ۷۹) را در باره آنها فرو فرستاد: «گروهی از بنی اسرائیل که کفر ورزیدند، از زبان حضرت داود و حضرت عیسی بن مریم علیهما السّلام مورد لعنت و نفرین قرار گرفتند، چرا که (از اوامر و نواهی حق) نافرمانی کردند و از احکام خداوندی سر باز زدند، و کارهای زشت و نکوهیده یک دیگر را باز نمی داشتند، و چه کار زشتی انجام می دادند».

کیفر مرد و زن زناکار

(۱) ۱- عبد اللَّه بن میمون از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: شش گونه کیفر و مکافات برای زناکار مقرر شده است: سه کیفر در دنیا و سه کیفر در آخرت. امّا سه کیفر که گریبانگیر شخص زناکار در دنیا می شود عبارت است از: فروغ و روشنایی را از چهره او می برد، مایه تنگدستی (او) می گردد، و عمر او را کوتاه می کند، و آنچه مربوط به آخرت است: خشم خداوند نسبت به او، به سختی از او حساب کشیدن (حساب بدی دارد)، و اقامت همیشگی در آتش (دوزخ).

پاداش نیکیها و کیفر

گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۶۷

(۱) ۲- حفص از زید بن علیّ بن الحسین علیه السّلام از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که: چون روز قیامت فرا رسد، خداوند باد بد بویی بفرستد که اهل محشر چنان از بوی گند آن ناراحت شوند که راه نفس را بر آنان بگیرد (و احساس خفگی کنند)، آنگاه سروشی ندا در دهد که: آیا می دانید این بادی که شما را می آزارد، از کجاست؟! پاسخ می دهند: نمی دانیم، امّا ما را بسیار آزرده است، به آنان گفته می شود: این باد گند از شرمگاه زناکارانی است که پیش از آنکه توبه کنند، مرده اند، پس بر آنان لعنت کنید که خداوند آنان را لعنت کرده است. پس کسی از اهل محشر نماند جز اینکه گویند: پروردگارا! زناکاران را مورد لعن و نفرین خود قرار ده.

(۲) ۳- صباح بن سیابه نقل کرده است که در خدمت حضرت امام صادق علیه السّلام بودم که از او پرسیدند: آیا ممکن است زناکار به هنگام زنا، ایمان داشته باشد؟! فرمود: نه! هنگامی که به این کار زشت سرگرم است، ایمان از او گرفته می شود، و زمانی که از

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۶۸

جای برخیزد، ایمانش را به او بازگردانند. باز پرسیدند: اگر باز هم تصمیم به ادامه این کار زشت داشته باشد، چطور؟! فرمود: چه بسا افرادی که تصمیم به بازگشت دارند، ولی (هرگز) باز نمی گردند! (۱) ۴- عبد الملک بن اعین گوید: از امام محمد باقر علیه السّلام شنیدم که فرمود: کسی که سرگرم زناست، شیطان نیز شرمگاه خود را در آن کار شرکت می دهد، و

هر چند نطفه یکی است ولی فرزند از هر دوی آنهاست و شیطان در فرزند شریک است.

(۲) ۵- محمد بن مسلم از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: سه نفر هستند که خداوند متعال با آنها سخن نمی گوید، و آنها را (از آلایش گناه) پاک نمی سازد، و عذابی دردناک در انتظار ایشان است، یکی از این سه نفر، زنی است که در بستر همسرش با مرد دیگر همآغوش گردد.

(۳) ۶- اسحاق بن هلال از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که امیر مؤمنان علی علیه السّلام

فرمود: آیا نمی خواهید شما را از بدترین نوع زنا آگاه سازم؟! سپس فرمود: کردار زنی که مرد بیگانه را به بستر شوهر خود راه می دهد و فرزندی از او آورده، و او را به شوی خود نسبت می دهد، پس خداوند با این زن سخن نمی گوید و در روز قیامت نظر (رحمت) به او نمی افکند و او را از آلایش گناهان پاک و پاکیزه نگرداند، و عذابی دردناک در انتظار اوست.

(۱) ۷- علی بن سالم از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: دشوارترین عذاب روز قیامت نصیب مردی است که نطفه خود را در رحمی که بر او حرام است، می ریزد.

(۲) ۸- عبد اللَّه بن بکیر گفت: از امام محمد باقر علیه السّلام معنی این سخنان رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم را جویا شدم: «هر گاه مردی زنا کند، روح ایمان از او کناره می گیرد»، حضرت فرمود:

این همان روحی است که خداوند متعال (در سوره مجادله، آیه ۲۲) بدان اشاره فرموده

است: «آنان را به وسیله روحی از جانب خود تأیید کرده است»، (و از مردی که زنا کند، این روح خدائی) جدا می شود.

(۳) ۹- زراره گفت: از امام محمد باقر علیه السّلام شنیدم که فرمود: هیچ خیری در زنا زاده نیست،

نه در وجود او و نه در پوست و موی و گوشت و خون، و نه در هیچ چیز دیگر او.

(۱) ۱۰- ابو خدیجه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: اگر بنا بود یکی از کسانی که از راه زنا به دنیا آمده است، رهایی یابد، گردشگر بنی اسرائیل نجات می یافت. از حضرت پرسیدند: گردشگر بنی اسرائیل کیست؟! فرمود: عابدی بود (زنا زاده) و به او گفته بودند: (هرگز) زنا زاده پاك، و عبادتهای او پذیرفته نمی شود.

او چون این مطلب را شنید (از شهر بیرون رفت) سر به کوه و بیابان گذاشت و مرتبا تکرار می کرد: گناه من چیست؟! «۱».

کیفر نگاه کردن به زنان

---

(۱) ظاهر این خبر و خبر قبلی، با اعتقادات فرقه امامیه دوازده امامی و کلام خداوند نیز منافات دارد، لذا بایستی این دو حدیث را طوری توجیه کنیم که با اصول عدل اسلامی منافات نداشته باشد. دانشمندان دینی گفته اند که در این دو حدیث، نکاتی هست که به تأمّل و دقّت نظر نیاز دارد. و ضمنا الزامی هم نداریم احادیثی را که با مفاهیم قرآن و اسلام سازگاری ندارند، توجیه و تفسیر کنیم، خصوصا این دو حدیث اخیر که با کلام ائمه معصومین علیهم السّلام نیز در تضاد است. شایسته آن است که در این قبیل موارد با ذکر این نکته

که: خداونـد بهتر می دانـد و یا اینکه خداوند از حقایق امور آگاه است، خود را آلوده به تأویلاتی نکنیم که خدای ناخواسـته، پی آمدهای ناگواری را به همراه داشته باشد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۷۱

(۱) ۱- علی بن عقبه، به نقـل از پـدرش روایت کرده است که امـام صادق علیه السّـلام فرمود: نگاه، تیری از تیرهای زهر آلود ابلیس است، و چه بسا یک نگاه (کوتاه)، حسرت و اندوه طولانی را به همراه داشته باشد.

کیفر لواطکننده و کسی که خود را در اختیار لواطکننده بگذارد، و زنانی که با هم همبستر شوند

(۲) ۱- اسـماعیل بن مسـلم از امـام صـادق علیه السّـلام روایت کرده است که رسـول خـدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: هنگـامی که قـوم لـوط آن عمـل زشت را انجـام دادنـد، چنـان زمین به (پیشـگاه) پروردگـار خویش و گریست که اشـکش به آسـمان رسـید، و آسـمان آنقـدر (به درگاه خداونـد) گریست که (سـیلاب) اشـکش از عرش سـر بر کشـید. آنگاه خداوند به آسمان فرمان راند که: بر آنان سنگ ببار، و به زمین دستور داد که: آنان را در خود فرو ببر.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۷۳

(۱) ۲- عمرو از امـام محمـد بـاقر علیه السّـلام روایت کرده است که فرمـود: قوم لوط بهـترین قومی بودنـد که خداونـد متعـال آفریده بود ولی (بر) ابلیس (گران آمد) سـخت به تلاش افتاد تا آنان را گمراه سازد؛ و داستان قوم لوط از این قرار بود که- به هنگـام کـار- مردان آنهـا همگی و با هم از (خانه های خود) بیرون می رفتنـد، و زنان (نیز) همگی در خانه های خود باقی می ماندند، و ابلیس (هم بیکار ننشست و تصمیم گرفت که در غیاب

مردان) به سـراغ چیزهایی که ساخته بودنـد می رفت و آنها را (در هم می کوبید و) خراب می کرد. مردان قوم لوط (که چنین دیدند) بر آن شدند که کمین کنند و آن

خرابکار نابکار را شـناسایی نمایند. پس در کمینگاه حضور یافتند و به کمین نشسـتند، ناگهان نوجوان کم سنّ و سالی (در آن اطراف) مشاهده کردند که بسیار گیرا و جذاب و زیبا بود. از او پرسـیدند: تویی که ساخته های ما را خراب می کنی؟! جواب داد:

بلی! (نه یـک بـار، بلکه) بارهـا این کـار را کرده ام! مردان (پس از مشورتهـای لازم) تصـمیم گرفتنـد که آن نوجوان زیبا ولی خرابکـار را بکشـند، و تـا هنگام اجرای تصـمیم خود، او را به دست یکی از مردان قوم سپردنـد. هنگامی که شب فرا رسـید (و افراد خانواده را خواب فرا گرفت) آن نوجوان فریاد نابهنگامی کشـید. مرد (از خواب پریـد) از او پرسـید: مگر چه شده است؟! گفت: پـدرم (شـبها) مرا بر روی شـکم خود می خوابانـد (و امشب خوابم نمی برد!)، آن مرد به او گفت: بیـا و روی شـکم من بخواب! و شـیطان (که خود را به شـکل آن نوجوان زیبا آراسـته بود) بر روی شـکم مرد خوابیـد و به مالش او پرداخت و به او فهماند که میل همبستری دارد! ابلیس اوّل، راه کار را عملا به آن مرد آموخت و سپس او کار ابلیس را ساخت، و (پس از آن) شیطـان از چنـگ مرد گریخت. چون روز فرا رسـید، آن مرد مـاجرا را بـا دیگران در میـان نهاد، و (با شـنیدن این ماجرا) میل و رغبت آنان نسبت

به این عمل زشت برانگیخته شـد، زیرا تا آن زمان از همخوابگی دو جنس موافق اطّلاعی نداشـتند. پس بدین کار زشت تن در دادنـد تـا آنجـا که مردان تنهـا به مردان می پرداختنـد و آتش شـهوت خـود را فرو می نشاندنـد (و همسـران خـود را فرامـوش کردند)، و به این هم بسـنده نکردند و مسافرانی را که عبورشان به آن دیار می افتاد، مزاحم زنان آنان نمی شدند ولی مردان و جوانان و کودکانشان را بکار می گرفتند! به حدّی که دیگر کسی از شهر آنان عبور

نمی کرد تـا گرفتـار نشود! به تدریـج این عمل زشت را (همگان آموختنـد و در شـهر و دیار خود) رواج دادنـد و (از همسـران خود غافل ماندنـد). ابلیس- که نفرین شده خدایی هست- هنگامی که دید این عمل زشت او (در غریزه جنسـی مردان) پایگاه محکمی یافته است، خود را به صورت زنی درآورد و به سراغ زنان قوم لوط رفت و گفت: (شنیده ام که) مردان شما به مردان روی آورده اند (و شـما را به دست فراموشـی سپرده اند)، گفتند: آری! ما (به چشم خود این صـحنه ها را) دیده ایم و به همین خاطر است که (حضـرت) لوط، آنان را پند و اندرز می دهد (تا از این کار باز آیند) ولی حرف او در آنان تأثیر ندارد. ابلیس، عمل سحق (همبستر شدن زنان را با هم) به زنان آموخت، و زنان قوم لوط نیز (از آن پس) به هم جنس بازی گراییدند و با هم همبستر شدند.

پس چون حجّت بر آنان تمام شد (و مهلتی که خداوند برای آنان مقرر کرده بود،- با سرپیچی از دستور لوط- سپری

شـد، خداوند، جبرئيل و ميكائيل و اسـرافيل (سه فرشـته مقرّب درگاه خود) را به شـكل جوانانى نورسـته (و زيبا) درآورد، و بر انـدام هر يـك قبايى پوشانـد و به آنان فرمان داد تا هنگامى كه (حضـرت) لوط عليه السّـلام سـرگرم شـخم زدن- زمينهاى باغ خود- بود بر او گذر كردند. حضـرت لوط عليه السّـلام (با نگرانى) از آنان پرسيد: كجا مى رويد كه من (هرگز) زيباتر از شما نديـده ام؟! گفتنـد: صـاحب اختيارمـان (خـدا) ما را به جانب صاحب اختيار اين شـهر فرسـتاده است. لوط عليه السّـلام پرسـيد: فرزنـدانم! آيـا صـاحب اختيـار شـما را در جريـان رفتار اهالى اين شـهر قرار نـداده است كه (با مسافران) چه مى كننـد؟! بخـدا سوگند كه اينان، مردان را ربوده و با

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۷۶

آنان (آن) عمل بسـيار زشت و ناپسـند را انجام مى دهنـد تا به حدّى كه خون از آنان خارج شود. گفتند: صاحب اختيارمان به ما فرمان داده است تا از ميان شـهر عبور كنيم. حضـرت لوط عليه السّلام به آنان گفت: من از شما درخواستى دارم. گفتند: چه درخواستى؟! گفت: در همين جـا كمى توقّف كنيـد تـا هوا تاريـك شود. فرشـتگان مـأمور الهى چون به انتظـار تـاريكى شـب نشستند، و حضرت لوط عليه السّلام به دخترش دستور داد تا براى آنان نان و كوزه آبى بياورد (تا سير شوند) و نيز جامه اى كه آنان را از سـرما باز دارد. پس از آنكه دختر لوط به طرف خانه رهسـپار شـد باران (تنـدى) باريدن گرفت و مسـير عبور را (در بيابان يا درّه) پوشاند، لوط عليه السّلام با خود گفت: (بيم آن دارم كه)

این سیلاب، کودکان را با خود ببرد، (و لذا از سر ناچاری) به آنان گفت:

برخیزید تا برویم. لوط علیه السّلام از کنار دیوار (باغ) حرکت می کرد و این سه فرشته مأمور الهی از میانه راه عبور می کردند، لوط علیه السّلام به آنان گفت: فرزندانم! از اینجا (کنار دیوار) بیائید! گفتند: به ما دستور داده شده است که از وسط راه عبور کنیم. حضرت لوط علیه السّلام تاریکی شب را برای پیمودن راه غنیمت شمرد (تا به خانه رسید و شادمان بود که همراهان او مورد مزاحمت اهالی شهر قرار نگرفتند).

ابلیس- که مورد لعن و نفرین قرار گرفته است- کودکی را از دامان مادرش ربود و او را در چاه انداخت! و (در اثر شیون مادر کودک) ساکنان شهر بر در خانه لوط گرد آمدند و غوغا براه انداختند، و بهنگامی که آن سه جوان زیبا را در خانه او دیدند، گفتند: ای لوط! تو خود به کاری دست زدی که ما را از آن باز می داشتی!!

لوط گفت: «اینان میهمانان منند، (این قدر) در رسوایی من مکوشید» «۱» گفتند: اینان سه نفرند، یکی را تو با خود داشته باش و دو تن دیگر را در اختیار ما بگذار! لوط علیه السّلام (برای حفظ آبروی خود) آنان را وارد خانه کرد و خود بر درب خانه ایستاد و گفت:

ای کاش کسانی را داشتم که شما را از من دور می کردند. آنان، هجوم آوردند و درب خانه را شکستند و لوط علیه السّلام را به روی زمین انداختند! جبرئیل به لوط گفت: «ما فرستادگان پروردگار توایم، (نگران مباش!)

هرگز دستشان به تو نخواهد رسید» «۲»، و بعد مشت خاکی از زمین برداشت و به روی آنان پاشید و گفت: تیره و تار باد صورتهایتان! پس همه ساکنان شهر کور شدند. لوط علیه السّلام به فرشتگان گفت: ای فرستادگان خدا! پروردگار من (در مورد اینان) به شما چه فرمان داده است؟ گفتند: خداوند به ما فرمان داده است که آنان را سپیده دمان عذاب کنیم. لوط گفت: از شما خواهشی دارم، گفتند: خواهش تو چیست؟! گفت: همین اکنون آنان را به عذاب خدا گرفتار سازید، گفتند: ای لوط! وعده الهی، سپیده دم است آیا (طلوع) سپیده نزدیک نیست؟!» «۳»، تو دختران خود را بگیر و از این دیار بیرون شو ولی همسرت را با خود مبر! امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: خدا، لوط علیه السّلام را رحمت کناد! اگر می دانست که چه کسانی در خانه او بودند، آن وقت در می یافت که پیروزی او قطعی است، آن زمانی که گفت: «ای کاش توانایی (لازم را) داشتم یا می توانستم به رکن محکمی پناه

---

(۱) سوره حجر: ۶۸.

(۲) سوره هود: ۸۱.

(۳) سوره هود: ۸۱.

ببرم» «۱»، چه رکنی محکمتر از جبرئیل که در آن خانه همراه او بود؟ خداوند متعال (در سوره هود، آیه ۸۳) به حضرت رسول صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: «از ستمکاران (امّت تو نیز چندان) بعید نیست که رفتار قوم لوط را پیشه خود سازند!».

(۱) ۳- و نیز رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که به نزدیکی با مردان پافشاری کند، نخواهد مرد مگر آنکه

مردان را به خود فرا خواند.

(۲) ۴- از امام صادق علیه السّلام روایت شده است در مورد مردی که با نوجوانی نزدیکی کند و شرمگاه خود را در شرمگاه او فرو برد، خواهر آن نوجوان هرگز بر آن مرد حلال نخواهد شد (و نمی تواند با او ازدواج کند).

(۳) ۵- و نیز امام صادق علیه السّلام فرمود: اگر قرار بود که بزهکاری را (از بزهکاران) دو بار سنگسار کنند، مسلّما کسی بود که عمل لواط را مرتکب شده است.

(۴) ۶- و نیز امام صادق علیه السّلام از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: عمل لواط، غیر از وارد کردن شرمگاه را گویند، و در صورت ورود حکم کفر را دارد.

---

(۱) سوره هود: ۸۰.

(۱) ۷- عبد اللّه بن میمون قدّاح از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت کرده است که فرمود: مردی به خدمت پدرم شرفیاب شد و عرض کرد: ای پسر رسول خدا! من گرفتار بلایی شده ام (که از گفتن آن شرم دارم) رهایی مرا از خداوند متعال بخواه! به حضرت گفته شد که: این مرد، مردان را به خود دعوت می کند (همجنس بازست)، حضرت فرمود: خداوند کسی را که به این بلا گرفتار می سازد، دیگر با او کاری ندارد. آنگاه پدرم علیه السّلام فرمود: خداوند متعال فرموده است: بعزّت و جلالم سوگند که بر فرش دیبای بهشتی نخواهد نشست کسی که (اجازه می دهد) دیگران با او آن عمل بسیار زشت را انجام دهند.

/ ترجمه ثواب الأعمال، ۱جلد، انتشارات سرور - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۱ش. پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال ؛ ؛ ص۶۷۹

۲) ۸- غیاث بن ابراهیم از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش علیه السّلام روایت کرده است که امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمود: براستی که خداوند متعال بندگانی دارد که هیچ گونه التفاتی به آنان نمی کند، و رحمهایی مانند رحم زنان دارند، از حضرت پرسیدند: یا امیر المؤمنین! (در این صورت) چرا آبستن نمی شوند؟! فرمود: (زیرا) رحمهای آنان، باژگونه است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۸۰

(۱) ۹- علیّ بن اسباط از قول یکی از یارانش از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: (در این تردیدی نیست که) خداوند عز و جل، شیعیان ما را به چهار چیز مبتلا نمی سازد: اول: گدایی و دریوزه گری نمودن؛ دوم: مردی که دیگران از شرمگاه او استفاده کننده بودن؛ سوم: گرفتار ولایت بد کردن؛ چهارم: دارای فرزند کبود چشم گندمگون چهره شدن. «۱»
(۲) ۱۰- ابو خدیجه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به مردانی که خود را همانند زنان بیارایند و رفتار زنانه ای داشته باشند، و زنانی که خود را به شکل مردان در آورند، لعنت فرستاد، و فرمود: اینان همان مردان بیشرمی که کار زنان را از آنان کشند! و زنان همجنس بازی که با یک دیگر پیمان ازدواج بندند!، (و در ادامه سخنان خود فرمود:) و به درستی که خداوند عز و جل قوم لوط را نابود نکرد جز برای

آنکه زنان بسان مردان همجنس باز شدند و با هم ازدواج کردند.

---

(۱) در فراز پایانی حدیث- قسمت چهارم- باید بیشتر تأمّل کرد، و تا نظر قطعی امام علیه السّلام برای انسان آشکار نشود نبایستی در این مورد اظهار نظر قطعی کرد.

(۱) ۱۱- غیاث بن ابراهیم از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمود: (در این تردید نیست) که هر مردی که خود را از روی رغبت در اختیار مردان قرار دهد، خداوند شهوت زنان را در او ایجاد خواهد نمود.

(۲) ۱۲- اسحاق بن جریر نقل کرده است که زنی از من درخواست کرد تا از امام صادق علیه السّلام برای او اجازه شرفیابی بگیرم. حضرت اجازه فرمود، آن زن از امام علیه السّلام پرسید: حدّ (شرعی) زنان همجنس باز چیست؟! فرمود: کیفر شرعی آنان همان کیفر زنان زناکار است. و فرمود: چون روز قیامت فرا رسد، اینان را در حالی که جامه های آتشینی در بر و نقابهای شعله وری بر رخ، و با لباسهای زیرینی از آتش، حاضر سازند، و پس از آنکه عمودهای گداخته ای را در درون آنان فرو برند و از گلوگاهشان بیرون آورند، در آتش دوزخ رها سازند. و سپس فرمود: ای زن! اولین گروهی که این عمل (زشت) را انجام داد، قوم لوط بود، که مردان نیاز جنسی خود را توسط مردان برآورده ساختند، و همسرانشان که بدون مرد مانده بودند، همان کار

مردان خود را در پیش گرفتند.

(۱) ۱۳- ابو خدیجه از امام صادق علیه

السّلام روایت کرده است که فرمود: دو زن حق ندارنـد که در زیر یک لحاف با هم بخوابند مگر اینکه در میان آن دو، مانعی وجود داشـته باشد، و اگر این کار را مرتکب شدند، بایستی آنان را از این کار بازداشت و توبه داد و بر هر یک از آنها بایستی حدّ جاری کرد؛ و چنانچه بار دیگر باز هم به کار خود ادامه دادند، بایستی هر دو را حدّ شرعی زد؛ و برای بار سوم بایستی آن دو را کشت.

(۲) ۱۴- هشام بن سالم نقل کرده است که جمعی از زنان به محضـر امام صادق علیه السّلام شـرفیاب شدند، و یکی از آنان از حضرت در مورد سحق «۱» پرسـید، امام علیه السّلام پاسخ داد: حدّ آن، همان حدّ زن زناکار است (یک صد تازیانه در حضور مردم). زنی دیگر پرسـید: ایـن حکم در قرآن ذکر شـده است؟! حضـرت فرمـود: آری! پرسـید: در کجـای قرآن آمـده است؟! فرمود: در داستان اصحاب رسّ. «۲»

---

(۱) همبستر شدن زنان با زنان و فرج خود را به همدیگر سائیدن.

(۲) در تفسیر صافی آمده است:

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السّلام به نقل از پدران بزرگوارش علیهم السّلام از حضرت ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام روایت کرده است که سه روز پیش از ضـربت خوردن حضرت امیر المؤمنین علی علیه السّلام مردی از اشراف قبیله «تمیم» بنام عمرو به خدمت آن حضـرت شرفیاب شد و درخواست کرد که او را از جریان «اصحاب رسّ» با خبر کند که در چه زمانی می زیستند و در کجا سکونت داشتند و کدام پیامبر بر آنان مبعوث شده بود و به

کدام عذاب الهی گرفتار شدند؟ حضرت به او فرمود: از داستانی پرسیدی که تاکنون کسی جز من (آن را از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم) نپرسیده بود و هر کس از این پس از آنان سخن گوید، بناچار از من باید نقل کند: قومی بودند که درخت صنوبر را می پرستیدند و آن را شاه درخت می نامیدند، و یافث بن نوح آن درخت را در کنار چشمه ای به نام «روشاب» نشاند و از درختانی به شمار میرفت که پس از طوفان نوح بوجود آمده بود. از این جهت آنان را «اصحاب رسّ» نامیدند که پیغمبر خود را زنده در چاه دفن کردند (رسّ در لغت به چاه سنگ چینی نشده گفته می شود). و این واقعه بعد از حضرت سلیمان بود، آنان در مشرق زمین و در کنار رودخانه ای (که بعدها رسّ نامیده شد) دوازده شهر بنا کرده بودند و آن رود پر آب ترین رودخانه های روی زمین بود و آن دوازده شهر را:

آبان و آذر و دی و بهمن و اسفندار و فروردین و اردیبهشت و خرداد و مرداد و تیر و مهر و شهریور نامیده بودند، و بزرگترین آن شهرها اسفندار بود که سلطان آنان به نام ترکوذ بن غابور بن یارش بن ساذ بن نمرود بن کنعان در آن شهر سکونت داشت و چشمه اصلی و درخت صنوبر در این شهر بود و در سایر شهرها هم تخمی از صنوبر کاشته بودند و آب آن چشمه را بر خود و حیوانات خود حرام می دانستند و هر که از آن آب می نوشید کشته می شد، زیرا معتقد بودند که آب آن چشمه،

مایه حیات خدای ماست! این روایت بسیار طولانی است و تا همین جا بسنده می شود.

ضمنا در مجمع البیان آمده است: در مورد اصحاب رسّ در میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد، برخی گویند چاهی بوده در انطاکیّه که حبیب نجّار را در آن افکندند و سپس به اصحاب رس شهرت یافتند؛ و بعضی گفته اند دامدارانی بوده اند که در کنار چاهی می نشستند و عبادت می کردند و بت پرست بودند، و هنگامی خداوند شعیب را به پیامبری مبعوث فرمود، آنان او را تکذیب کردند و عاقبت آن چاه فرو ریخت و زمین آنان را در خود فرو برد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۸۳

کیفر دروغ بستن به خداوند و رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم و ائمه اطهار علیهم السّلام

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۸۴

(۱) ۱- ابو خدیجه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: دروغ بستن به خدای متعال و رسول او و جانشینان رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم از گناهان کبیره است، (۲) و رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرموده است: کسی که مطلبی را به من نسبت دهد که من آن را نگفته باشم، البته جایگاه او در جهنّم است.

کیفر انسان دو رو و دو زبان

(۳) ۱- ابن ابی یعفور از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که با مسلمانان دو رو و دو زبان باشد، در روز قیامت با دو زبان آتشین محشور خواهد شد.

(۴) ۲- زید بن علی بن الحسین به نقل از پدران بزرگوارش علیهم السّلام از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که دو رو و دو زبان باشد، در روز قیامت در حالتی محشور می گردد که زبانی از پشت سر و زبان دیگری از پیش روی او بیرون آمده

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۸۵

باشد، و هر دو شعله ور زبانه می کشند تا همه پیکر او را فرا گیرند و بسوزانند، و سپس در باره او گفته می شود که: این همان است که در دنیا دو روی و دو زبان بود؛ و در روز قیامت به این دو صفت (از دیگران) باز شناخته می شود.

(۱) ۳- ابو شیبه زهری از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: (چه) بد بنده ای است که دو روی و دو زبان باشد، در حضور، برادر دینی

خود را می ستاید ولی در غیاب، از او بد گویی می کند (با غیبت گوشت بدن او را می خورد)، در وقت دارائیش به او حسادت می ورزد، و به هنگام گرفتاری، تنهایش می گذارد.

(۲) ۴- ابو شیبه زهری روایت کرده است که امام محمد باقر علیه السّلام فرمود: (چه) بد بنده ای است کسی که عیبجوی (مردم) باشد، با چهره ای (موافق) با آدمی روبرو می گردد و با چهره ای (مخالف) به او پشت می کند.

(۳) ۵- عبد الرحمن بن ابی حمّاد- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- نقل کرده است

که: خداوند متعال به عیسی بن مریم علیه السّلام فرمود: ای عیسی! زبان تو چه در نهان و چه آشکارا باید یکی باشد، و قلب تو نیز. من، تو را هشدار می دهم- و همچون من خبیر و آگاهی تو را کافی است-: دو زبان در یک دهان، و دو شمشیر در یک نیام، و دو قلب در یک سینه جای نمی گیرد، و این گفته در مورد اذهان نیز درست است (که دو اندیشه متضاد در باره چیزی داشتن متصوّر نیست).

کیفر لعن بیجا و ناروا

(۱) ۱- علی بن ابی حمزه می گوید که: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: (تردیدی در این نیست که) چون لعنت (و نفرین) از دهان کسی بیرون می آید (و بر زبان جاری می شود) در حال بی قراری و بی مکانی باقی می ماند، اگر آن شخص را (که مورد لعن و نفرین قرار گرفته است) سزاوار آن دید بر او فرود می آید، و گر نه به خود او (گوینده لعن و نفرین) باز می گردد.

کیفر کسی که به کفر مؤمنی گواهی دهد

(۱) ۱- جابر از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هرگز کسی به کفر دیگری شهادت نمی دهد مگر آنکه (آن) کفر گریبانگیر یکی از آن دو تن خواهد شد. اگر به کفر کافر شهادت دهد، راست گفته (و سخن یاوه بر زبان نرانده است)؛ ولی اگر کفر انسان مؤمنی را گواهی کرده باشد، (همان) کفر به او باز می گردد و کافر می شود. شما را از ناروائی و کفر انگاری به مؤمنان بر حذر می دارم.

کیفر کسی که نیرنگ و مردم فریبی کند

(۲) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که با مسلمانی از در نیرنگ درآید، از ما نیست.

(۳) ۲- هشام بن سالم- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از امیر مؤمنان علی علیه السّلام روایت کرده است که فرمود:

اگر نه این بود که سرانجام فریب و نیرنگ- هر دو- آتش

(دوزخ) است، در مکر از همه عرب پیشی می گرفتم.

(۱) ۳- زاذان روایت کرده است که امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمود: اگر من از زبان رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم نشنیده بودم که: «جایگاه نیرنگ و فریب و خیانت در آتش (دوزخ) است» در مکر (و نیرنگ هم) از همه عرب پیشی می گرفتم.

کیفر ستمکار

(۲) ۱- عبد اللَّه بن سلیمان از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: ستم کردن در این دنیا، همان تاریکیهای آخرت است.

(۳) ۲- غالب بن محمد از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که در رابطه با مفهوم این کلام خداوند متعال «براستی که پروردگار تو در کمینگاه است»، فرمود: کمینگاه گذرگاهی است بر پل صراط که هیچ بنده ستمگری از آن نخواهد گذشت.

(۱) ۳- علی بن سالم از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: خداوند متعال می فرماید:

بعزّت و جلالم سوگند که هرگز دعای ستمدیده ای را در رابطه با ستمی که بر او رفته، و خود

نیز همان ستم را در حق دیگران روا داشته است، برآورده نمی سازم.

(۲) ۴- اسحاق بن عمّار از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: خداوند متعال به یکی از پیامبران خود- که در سرزمین یکی از گردنکشان ستمکار، می زیست- از طریق وحی فرمان داد که: برو و به آن بیدارگر بگو: من تو را برای خونریزی (و حیف و میل کردن) و گرفتن دارائی مردم بر آن سامان مسلط نکرده ام، بلکه تو را برای دادخواهی آنان گماردم تا (بیش از این به درگاه من) از ستمی که بر آنها می رود ننالند، چرا که من از ستمی که گریبانگیر آنان شده است نخواهم گذشت اگر چه کافر باشند.

(۳) ۵- زید بن علی بن الحسین علیه السّلام از پدر بزرگوارش روایت کرده است که فرمود: آنچه که ستمدیده از دین ستمکار می گیرد، (به مراتب) بیشتر (و با ارزشتر) از آنچه

ستمگر (به ناروا) از دنیای ستمدیده می گیرد.

(۱) ۶- زراره از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که در حق دیگری ستم روا می دارد، خداوند- جان و مال- او را به همان ستم گرفتار می سازد، ولی اگر از ستمی که در میان او و خداوند متعال است، توبه کند، خداوند آن گناه را می بخشد.

(۲) ۷- محمد بن عبد اللَّه ارقط از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که: اگر کسی به دیگری ستم کند، خداوند متعال کسی را بر او چیره می سازد که همان ستم را نسبت به او، و فرزندان او، و فرزندزادگانش روا دارد.

(۳) ۸- فضیل بن یسار از

امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که قسمتی از مال برادر دینی خود را بخورد (به اصطلاح بالا بکشد) و آن را به او باز نگرداند، در روز قیامت پاره ای از آتش را خواهد خورد.

(۱) ۹- ابو عبیده حذّاء از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که قسمتی از مال مؤمنی را بدون رضایت وی غصب کند و یا ناروا و به قهر از او بستاند، خداوند، پیوسته از او روی بگرداند و تمام کارهای نیکی که انجام می دهد در نامه اعمال- و در شمار اعمال نیک او- ثبت نمی کند تا زمانی که (از این کار زشت خود) توبه کند و مالی را که به ناحق گرفته است به صاحب اصلی آن بازگرداند.

(۲) ۱۰- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمود: بزرگترین گناهان، مال شخص مسلمان را به ناحق تصرّف کردن است.

(۳) ۱۱- حفص بن عمر از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی (براستی) از کیفر و مکافات الهی می ترسد که از ستم کردن به دیگران خود داری نماید.

(۴) ۱۲- حسین بن عثمان و محمد بن ابی حمزه، از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: براستی که خداوند عز و جل، شخص ثروتمند ستمکار را دشمن

می دارد.

(۱) ۱۳- هشام بن سالم نقل می کند که

از امام صادق علیه السّلام شنیده است که فرمود: گاهی، بنده ای مورد ستم قرار می گیرد، ولی آنقدر در نفرین به ستمگر زیاده روی می کند که خود او نیز در شمار ستم پیشگان در می آید.

(۲) ۱۴- عبد اللّه بن سنان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که (بخواهد) ستم بیدادگری را موجّه قلمداد نماید و بهانه ای برای روایی ستم او بتراشد، خداوند بزرگ کسی را بر او چیره می سازد که در حق او ستم کند، و هر چه برای رهایی خود (از چنگ آن ستمگر) خدا را بخواند، به خواسته او ترتیب اثر داده نمی شود، و به خاطر ستمی که بر او رفته است (نیز) اجری نخواهد داشت.

(۳) ۱۵- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که در باره کسی ستم روا داشته است ولی او را پیدا نمی کند که رضایتش را حاصل کند، (بایستی) برای او طلب آمرزش نماید، چرا که به منزله کفّاره گناه او خواهد بود.

(۱) ۱۶- ابو بصیر از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: خداوند از هیچ ستمگری انتقام نمی گیرد مگر به وسیله ستمکاری دیگر، و این مفهوم همان کلام خداوند است که (در سوره انعام، آیه ۱۲۹) می فرماید: «و بدینسان ما بعضی از ستمگران را بر بعضی دیگر چیره می کنیم».

(۲) ۱۷- عبد اللّه بن سنان گوید: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: کسی که ستمگری را ستمدیده ای

یاری کند، خداوند نسبت به او خشمگین است تا زمانی که دست از یاری ستمگر بکشد.

کیفر ستمکاران

(۳) ۱- میسّر از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: همانا در جهنم کوهی قرار دارد که بدان صعدی می گویند؛ و در آن کوه، درّه ای است که سقر نام دارد؛ و در

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۹۴

سقر چاهی هست که هبهب خوانده می شود، هر زمانی که روپوش آن چاه برداشته شود، اهل دوزخ از شدّت گرمای آن به ناله و فریاد در می آیند، و این جایگاه ستمکاران است.

کیفر کسی که به هنگام راه رفتن، ببالد

(۱) ۱- ابن فضّال از قول یکی از راویان از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که از روی نخوت و خود خواهی بر روی زمین گام بگذارد (راه برود) زمین و آنچه در بالا- و پایین آن قرار دارد، او را لعنت می کنند.

(۲) ۲- احمد بن محمد، از پدرش، او بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: وای به حال کسی که با نخوت و خودخواهی بر روی زمین راه برود، که او خود را با جبّار آسمانها و زمین مقایسه می کند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۹۵

کیفر بیدادگری

(۱) ۱- حسین بن زید، از امام صادق، و آن حضرت از پدر بزرگوارش علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: اجر و پاداش نیکوکاری و احسان به دیگران زودتر از هر کار خیر دیگری به انسان می رسد، و کیفر و جزای بیدادگری (نیز) زودتر از هر کار ناشایست دیگری گریبانگیر آدمی می شود؛ و برای مرد همین یک عیب بس است که در مردم عیبی را ببیند، ولی برای دیدن همان عیب در وجود خودش بصیرت نداشته باشد (و عیب خود را نادیده انگارد)، و مردم را در مورد عیبی سرزنش کند که خود او در پرهیز کردن از آن ناتوان است، و همنشین خود را با چیزهایی که به آن مربوط نیست، آزار دهد.

(۲) ۲- ابو حمزه ثمالی

می گوید که: از امام محمد باقر علیه السّلام شنیدم که می فرمود: (در این تردید نباید کرد که) کیفر ستمکاری زودتر از هر کیفر دیگری دامنگیر آدمی می گردد.

(۱) ۳- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: اگر (بر فرض محال) کوهی نسبت به کوه دیگری دستیازی کند، خداوند عز و جل کوه متجاوز را (کیفر می دهد و) با زمین صاف می سازد! «۱» (۲) ۴- عبد اللَّه بن میمون از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: براستی که پرشتاب ترین کیفری که دامنگیر آدمی می گردد، کیفر ستمکاری است.

(۳) ۵- و به همین سند نقل شده است که: مردی یک تن از بنی هاشم را دعوت به مبارزه کرد، آن مرد هاشمی از مبارزه با او سر باز زد، امیر مؤمنان علی علیه السّلام به او فرمود: چه چیزی تو را از مبارزه با او باز داشت؟! عرض کرد: این مرد از دلاوران عرب است و ترسیدم که بر من چیره شود! حضرت فرمود: چون او نسبت به تو ستم روا داشته

---

(۱) مراد آن است که امکان ندارد خداوند قهّار از کیفر ستمکار- اگر چه آن ستمکار، کوه سنگی و بیجان باشد- دست بردارد.

است اگر با او دست و پنجه نرم کنی، بر او چیره می گردی، و (به

فرض) اگر کوهی نسبت به کوه دیگری ستم کند، بدون تردید نابود خواهد شد.

کیفر کسی که با داشتن غذای سه روز، دریوزه گری کند

(۱) ۱- عنبسه بن مصعب از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که در نزد مردم دریوزه گری کند در حالی که غذای سه روز خود را داشته باشد، در حالی به دیدار خدا خواهد شتافت که گوشتی در صورتش نباشد.

کیفر کسی که در صورت بی نیازی، دریوزه گری کند

(۲) ۱- مالک بن حصین سلولی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: هیچ بنده ای نیست که بدون آنکه نیازی داشته باشد گدایی کند، مگر آنکه خداوند او را پیش از فرا رسیدن مرگ، نیازمند سازد (به همان چیزی که گدایی می کرد) و آتش (دوزخ) را بر او لازم گرداند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۹۸

کیفر خودکشی

(۱) ۱- ابو ولّاد حنّاط نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: کسی که خودکشی کند، جاودانه در آتش دوزخ خواهد ماند.

کیفر کسی که (حتی) به نیم کلمه در کشته شدن مؤمنی سهیم باشد

(۲) ۱- محمد بن ابی عمیر، به نقل از چند راوی از امام جعفر صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که (حتی) به نیم کلمه در کشته شدن مؤمنی سهیم باشد، در روز قیامت در حالی وارد محشر می گردد که در میان دو چشم او نوشته شده باشد:

نا امید از رحمت خداوند عز و جل.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۶۹۹

(۱) ۲- حمّاد بن عثمان از امام صادق علیه السّلام، یا از کسی دیگر که از امام صادق روایت کرده است که فرمود: در روز قیامت- در حالی که مردم سرگرم حساب خودند- مردی به سراغ مردی دیگر می رود و او را به خون می آلاید، مردی که به خون آلوده شده است از او می پرسد: ای بنده خدا چرا چنین کردی؟! پاسخ می دهد: تو در فلان روز، و با گفتن فلان کلمه، در کشته شدن من مؤثر بودی (و در قتل من سهیم و شریکی).

کیفر کسی که از روی عمد شخصی را بکشد

(۲) ۱- ابان، از قول یک راوی نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام در مورد (کیفر) کسی که عمدا (با اراده قبلی)

دیگری را بکشد، پرسیدند. حضرت فرمود: کیفر او، آتش (دوزخ) است.

(۳) ۲- حمران روایت کند که: از امام محمد باقر علیه السّلام در مورد معنای این کلام خداوندی

که (در سوره مائده، آیه ۳۲) می فرماید: «به همین خاطر بر (قوم) بنی اسرائیل نوشتیم که اگر کسی دیگری را (بدون گناه)- و نه از جهت گرفتن قصاص و یا فتنه ای که بر پای کرده است- (از روی عمد) بکشد، به منزله

آن است که تمام مردم را کشته باشد» پرسیدم، که چگونه تمام مردم را کشته در حالی که بیش از یکنفر را به قتل نرسانیده است؟! حضرت فرمود: (در روز قیامت) او را در منطقه ای از جهنم قرار می دهند که دوزخیان دشوارترین عذاب الهی را در آنجا می بینند، و اگر همه مردم را (هم) بکشد، به همان قسمت از دوزخ رهسپار می گردد. پرسیدم: اگر شخص دیگری را هم بکشد؟! فرمود: عذابش دو برابر می گردد.

(۱) ۳- جابر بن یزید از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: اولین چیزی که خداوند در روز قیامت در باره آن قضاوت می کند خونهای ریخته شده است (قتلها)، ابتدا دو فرزند آدم را (در پیشگاه عدل الهی) نگاه می دارند و به حساب آنان می رسند و در میان آن دو قضاوت می کنند، سپس به حساب دیگران یکی پس از دیگری می رسند تا کسی از این گروه باقی نماند، و بعد نوبت به سایر مردم می رسد.

(در آن روز) آن که کشته شده است به سراغ کشنده خود می رود- در حالی که خون از روی صورتش جاری است- و می گوید: (خدایا!) این بود که مرا (به ناحق)

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۰۱

کشت، خداوند از او می پرسد: تو او را کشتی؟! و قاتل نمی تواند حقیقت امر را از خداوند پنهان سازد و کشتن او را انکار نماید. (و پس از اقرار به قتل، به کیفر عمل زشت خود می رسد).

(۱) ۴- سعید ازرق نقل کرده است که امام صادق علیه السّلام در باره کسی که انسان مؤمنی را بکشد، فرمود: (به هنگام مرگ) به او گفته می شود:

به هر دینی که می خواهی بمیر! خواهی یهودی یا نصرانی و یا مجوسی. «۱» (۲) ۵- ابو الجارود از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: تردیدی در این نیست که در روز قیامت، هر مقتولی- خواه نیکوکار و خواه بدکار- در حالی (از گور خود) برانگیخته می شود که خود را با دست راست به کشنده خود آویزان نموده و با دست چپش سر خود را حمل کرده- و از رگهای گلویش (هنوز) خون جاری است- می گوید: پروردگارا! از این بپرس چرا مرا کشته است؟! اگر قاتل، او را طبق احکام الهی (و بر اساس موازین شرعی) کشته باشد، به پاداش این کار، بهشت را به

---

(۱) مراد آن است که قاتل گناهکار با اسلام از دنیا نمی رود.

او ارزانی دارد و مقتول را رهسپار دوزخ می سازند، ولی اگر او را (برای خوش آمد و یا) طبق دستور فلانی او را کشته باشد، به مقتول گفته می شود که: (به کیفر این کار، تو نیز) او را بکش به همان شکلی که تو را کشته است. سپس خداوند بدان گونه که اراده حکیمانه اش اقتضا کند، با آن دو رفتار می نماید.

(۱) ۶- حفص بن بختری از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: همانا زنی را به خاطر گربه ای که آن را بسته و از تشنگی جان سپرده بود، عذاب کردند.

(۲) ۷- حلبی از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: براستی که سرکش ترین و گستاخ ترین مردم نسبت به خدا کسی

است که غیر قاتل خود را کشته باشد، و نیز کسی را مورد ضرب قرار دهد که با او این رفتار را نداشته است.

(۳) ۸- سلیمان بن خالد نقل کرده است که از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: خداوند متعال به موسی بن عمران وحی فرمود: ای موسی! به بزرگان بنی اسرائیل بگو که:

شما را از کشتن انسانی که کشتن او حرام است بر حذر می دارم، زیرا هر یک از شما

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۰۳

که در این دنیا کسی را (به ناحق) بکشد، او را (به مکافات این عمل نکوهیده) صد هزار بار به همان طرزی که آن (بیگناه) را کشته است، در آتش خواهم کشت.

(۱) ۹- عبد الرحمن بن اسلم، از قول پدرش، از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که مؤمنی را عمدا بکشد خداوند متعال تمام گناهان مقتول را در نامه اعمال قاتل می نویسد، و مقتول را از (کیفر) گناهانی که کرده است معاف می دارد، و این مفاد همان کلام خداوند است که (در سوره مائده آیه ۲۹) می فرماید: «من اراده کرده ام که تو (آنقدر) بار گناهان من و خود را بر دوش بکشی، که در شمار دوزخیان باشی». (و این آیه، گفتار فرزندان حضرت آدم علیه السلام را بازگو می کند).

کیفر کسی که در قتل مسلمانی شرکت کند یا به آن راضی باشد

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۰۴

(۱) ۱- ابو حمزه از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: گروهی به محضر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم شرفیاب شدند و عرض کردند: یک جنازه مقتولی در مسجد «جهینه» افتاده

است! رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم از جای خود برخاستند و به جانب مسجد به راه افتادند. چون این خبر به گوش مردم رسید همگی در آنجا گرد آمدند، حضرت از آنان پرسیدند: چه کسی او را کشته است؟! عرض کردند: یا رسول اللَّه! نمی دانیم، حضرت فرمود: یکتن از مسلمانان در میان آنان کشته شود و هیچ کس نداند که چه کسی او را کشته است؟! بآن خدایی که مرا به حق مبعوث فرمود اگر اهل آسمانها و زمین (با هم) در ریختن خون مسلمانی شرکت داشته و یا به ریختن خون او راضی و خشنود باشند، خداوند همه آنان را با صورت در آتش خواهد افکند.

(۲) ۲- ابو عبیده از امام محمد باقر علیه السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم فرمود:

(هرگز) اظهار شگفتی مکن در مورد کسی که به ریختن خون مردم دست می یازد و خداوند به او مهلت می دهد، چرا که او در نزد خداوند قاتلی دارد که هرگز نمی میرد. «۱»

---

(۱) بر اساس مفاد روایاتی که در این باب گذشت، مسلما قاتل، به کیفر عمل ننگین خود می رسد، یا در دنیا کیفر خود را می بیند و او را می کشند، یا در روز قیامت مقتول به همان طرزی که کشته شده است او را خواهد کشت، و یا خداوند هزار بار او را با شکنجه در آتش دوزخ می کشد (طبق حدیث)، و یا آتش دوزخ این حکم الهی را اجرا می کند و بهر حال خون بیگناه پایمال نمی گردد و قاتل به کیفر خواهد رسید.

کیفر کسی که مرتکب قتل شود، یا به قاتلی پناه دهد

(۱) ۱- حسن بن علی- دخترزاده الیاس- نقل کرده است که از امام رضا علیه السّلام شنیدم که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: خداوند لعنت کند کسی را که مرتکب قتل و یا محدثی را پناه دهد. راوی می گوید: پرسیدم: مراد از محدث کیست؟ فرمود: کسی که مرتکب قتل گردد.

کیفر کسی که قرآن را وسیله کسب روزی خود قرار دهد

(۲) ۱- سکونی از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیهم السّلام روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسی که تلاوت قرآن را وسیله کسب روزی خود قرار دهد (مردم را بدوشد) در روز قیامت با چهره ای استخوانی- بدون گوشت- محشور می گردد.

کیفر کسی که به ناروا بعضی از آیات قرآنی را با آیات دیگر تفسیر کند

(۱) ۱- قاسم بن سلیمان از امام صادق علیه السّلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش روایت کرده است که فرمود: هیچ کس قسمتی از قرآن را (به ناروا) به قسمت دیگری از آن نزد (تفسیر و معنی نکرد) مگر آنکه کافر شود (و از دین اسلام بیرون رفت).

کیفر کسی که به هنگام سفر، بطور عمدی نماز چهار رکعتی بخواند

(۲) ۱- محمد بن احمد بن یحیی- بی آنکه از راویان پیش از خود نام ببرد- از امام صادق علیه السّلام روایت کرده است که فرمود: کسی که در سفر نماز خود را عمدا تمام بخواند (نمازهای چهار رکعتی را به همان صورت بخواند) من در پیشگاه خداوند از او بیزاری می جویم.

این باب کیفر اعمال را در خود جا داده است

(۱) ۱- ابو هریره و عبد اللَّه بن عباس گفتند: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم چندی پیش از رحلتش برای مردم خطبه یی ایراد فرمود که آخرین خطبه آن حضرت در مدینه بود «۱» و پس از آن دیری نپائید که به دیدار خداوند متعال شتافت. آن حضرت در این خطبه، چنان موعظه ای کرد که چشمها را به گریه واداشت، و دلها طپیدن گرفت، و قلبها خاشع و بدنها به لرزه در آمد، و حاضران را بیقرار ساخت. اول به بلال دستور داد تا مردم را به مسجد فرا خواند هنگامی که مردم گرد آمدند، رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم (از خانه) بیرون آمد و به منبر رفت و فرمود: ای مردم! هر چه می توانید پیشتر بیائید و

برای کسانی که پس از شما در مسجد حضور می یابند جا باز کنید! مردم به دستور حضرت تا

---

(۱) در این خطبه شیوا، رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم از حوادثی که در آینده (و پس از او) رخ خواهد داد، سخن می گوید و از مغیبات، خبر می دهد تا پیروان خود را بیشتر از پیش به حقانیت دینی که برگزیده اند، و درستی راهی که انتخاب کرده اند، آگاه

سازد.

توانستند پیش آمدند (و صفوف خود را فشرده فشرده تر کردند)، و چون به پشت سر خود نظر کردند کسی را ندیدند (که به علت نبودن جای خالی، ایستاده باشد): باز حضرت فرمود: (۱) نزدیکتر بیایید و برای دیگران جا باز کنید! مردی پرسید: یا رسول اللَّه! برای چه کسی جا باز کنیم؟ (ما که کسی را نمی بینیم!) حضرت فرمود: برای فرشتگان. پس فرمود: آنان اگر با شما باشند در پیش روی و یا در پشت سر شما قرار نمی گیرند، بلکه در سمت راست و چپ شما قرار خواهند گرفت. مردی عرض کرد: یا رسول اللَّه! چرا فرشتگان در پیش رو یا در پشت سر ما قرار نمی گیرند؟! آیا به خاطر برتری ما به آنان است یا برتری آنان به ما؟! حضرت فرمود: شما از فرشتگان برترید. و به آن مرد دستور داد بنشین! و آن مرد نشست. آنگاه رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم خطبه خود را آغاز کرده فرمود:

حمد و سپاس از آن خداوند است، او را سپاس می گوئیم و به او ایمان می آوریم و بر او توکل می کنیم، و شهادت می دهیم که خدایی جز او نیست، یکتا و بی انباز است، و شهادت می دهیم که محمد صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم بنده و فرستاده اوست، و از شرّ خود و کردارهای بد خود به خدا پناه می بریم. کسی را که خداوند هدایت کند، هیچ کس نمی تواند او را گمراه سازد، و کسی را که خداوند به خود واگذارد (و

هدایتش نکند)، راهنما و هدایت کننده ای نخواهد داشت.

(۱) ای مردم! در این امت، سی تن دروغزن گزافه گو (که به گمراهی امت همّت خواهند گماشت)، که طلیعه دار آنان صاحب صنعا و صاحب یمامه اند «۱».

(۲) ای مردم! کسی که از روی اخلاص، به یگانگی خداوند اقرار کند و کلمه «لا اله الّا

---

(۱) منظور از صاحب صنعا، اسود بن کعب عنسی است که بعد از رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم مدعی نبوت شد؛ و مراد از صاحب یمامه، مسیلمه کذّاب (دروغگو) است که او هم ادعای پیغمبری کرد و به دست وحشی غلام جبیر بن مطعم و قاتل حمزه عموی رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم- کشته شد.

اللَّه» را (از روی اعتقاد قلبی) بر زبان آرد، و چیز دیگری را با آن درنیامیزد، به لقای خداوند شتافته و به بهشت خواهد رفت. علیّ بن ابی طالب علیه السّلام از جای برخاست و عرض کرد: یا رسول اللَّه! پدر و مادرم به قربان تو باد! چگونه با اخلاص شهادت دهد و چیز دیگری را با آن نیامیزد؟! این مطلب را برای ما بیشتر بشکاف و در باره آن توضیح بیشتری بیان کن تا به مفهوم آن پی ببریم. حضرت فرمود: آری! (شهادت او باید) برای آز و به منظور گرد آوری مال و منال دنیا از راه حرام و راضی شدن به آن نباشد. و مردمی هستند که گفتارشان، گفتار نیکان است ولی کردارشان، کردار ستمگران، پس اگر کسی خدا را در حالی دیدار کند که هیچ یک از این صفتها (را که

برشمردم) در او نباشد و لا اله الّا اللّه را بگوید، بهشت برای اوست. و اگر دنیا را بگیرد و آخرت را رها سازد، در آتش (دوزخ) جای می گیرد.

(۱) و اگر کسی در محکمه ای از ستمکاری دفاع کند (وکیل مدافع او باشد و یا به نفع او شهادت دهد) و یا او را (به نحوی) یاری کند، (هنگامی که) فرشته مرگ او را دریابد به لعنت خدا و جایگاه همیشگی او در آتش دوزخ، بشارت دهد، و این چه سرنوشت بدی برای اوست! (۲) و کسی که- به خاطر خواسته ای که دارد- در نزد پادشاهی ستمگر و حاکمی بیدادگر خود را خوار و بیمقدار سازد، با همو در آتش (دوزخ) همنشین خواهد بود.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۱۱

(۱) و کسی که صاحبان قدرت را به بیدادگری بر مردم رهنمون گردد، (در روز قیامت) با همو محشور، و عذاب این دو از تمامی اهل جهنم دشوارتر خواهد بود.

(۲) و کسی که دنیا داری را به خاطر مال و منالی که دارد بزرگ داشته و او را دوست بدارد، خداوند نسبت به او (و رفتاری که دارد) خشمگین می گردد و (در روز قیامت) با قارون در تابوت زیرین آتش در یک درجه قرار گیرد.

(۳) و کسی که ریاکارانه و به منظور شهرت، ساختمانی را بسازد، در روز قیامت آن ساختمان را تا طبقه هفتم زمین (آن مقدار که در زیر بنای او قرار دارد) با خود بکشد، و سپس به صورت حلقه آتشینی درآمده و برگردن او قرار می گیرد، و او را در آتش (دوزخ) سرنگون می سازد. راوی می گوید: گفتم: یا رسول

اللَّه! چگونه ساختمانی از روی ریا و خودخواهی بنا کنـد؟! فرمود: ساختمانی بسازد که از حـد نیازش فراتر باشد، یا برای آنکه بر خود ببالد و بر رخ دیگران بکشد.

(۱) و کسـی که در دسـتمزد کسـی که برای او کار می کند ظلم نماید، خداوند عمل او را تباه، و عطر بهشت را بر او حرام می سازد. با اینکه بوی بهشت از فاصله پانصد سال راه به مشام می رسد.

(۲) و کسـی که زمین همسایه خود را به ناحق- و اگر چه یک وجب باشد- تصـرّف کند، خداوند در روز قیامت تا طبقه هفتم زمینی را که غصب کرده است، بسان حلقه ای آتشین به دور گردن او می پیچد و او را رهسپار دوزخ می سازد.

(۳) و کسی که قرآن را فرا گیرد ولی از روی عمد آن را فراموش کند، در حالی که مبتلا به جذام و او را غل کرده باشد، خدا را در روز قیامت ملاقات نمایـد، و در غل و زنجیر گرفتار باشد، و خداوند به ازای هر آیه ای که فراموش کرده است، ماری را بر او مسلط می سازد که همیشه با او خواهد بود.

(۴) و کسـی که قرآن را بیـاموزد ولی بر اسـاس اوامر و نواهی آن رفتـار نکنـد، و دوستی دنیا و جاذبه های آن را بر (نعمتهای) آخرت ترجیح دهد، سـزاوار خشم خداوند است، و در مرتبه یهودیان و مسـیحیانی قرار می گیرد که (دسـتورات) کتاب خدا را پشت سر

انداختند و به آن عمل نکردند.

(۱) و کسی که با زنی نامحرم- از پشت- و

با مرد یا پسری نزدیکی کند، خداوند در روز قیامت او را با بوی گندی که از بوی مردار هم ناخوشایندتر است محشور می سازد به گونه ای که اهل محشر از بوی گند او در آزارند تا زمانی که رهسپار دوزخ گردد، و خداوند هیچ توبه و یا فدیه ای «۱» را از او قبول نمی کند و همه اعمال او را تباه ساخته، و او را در تابوتی که با میخهای آهنین کوبیده و محکم شده است قرار می دهند، و آنقدر ضربه شمشیر بر او فرود آورند که اندام او با آن میخها درهم آمیزد، و عذاب و شکنجه آنقدر دشوار و طاقت فرساست که اگر عذاب تنها یک رگ عصب او را بر چهار صد امّت فرود آرند در دم، بمیرند، و عذابش از همه مردم شدیدتر است.

---

(۱) فدیه، مشتق از فداء، به معنی بدل است که انسان با دادن آن از امر ناخوشایندی رهایی یابد. و در اصطلاح فقهی به عوض دم «خونبها» گویند که با گرفتن مالی از اسیران غیر مسلمان، از کشتن آنان صرف نظر می شود، و نیز به مدّ طعامی گفته می شود که در قبال ترک روزه (در بعضی موارد) یا به تأخیر انداختن آن تا رمضان آینده، به نیازمندان می دهند.

(۱) و کسی که با زنی یهودی یا نصرانی یا مجوسی یا مسلمان- خواه آزاد باشد و خواه برده- و یا با هر زنی دیگر از راه حرام، نزدیکی کند، خداوند سیصد هزار درب از دربهای آتش دوزخ را در قبر او می گشاید که از آن دربها، مارها و عقربها و گدازه های

آتش به قبر او روی آورنـد، و تا روز قیامت در آتش خواهـد سوخت، و مردم از بوی گنـد شـرمگاه او در رنـج و عذابند، و او (در هر کجا) و به این بوی بـد شـناخته می شود، تا اینکه در روز قیامت فرمان رسد که او را در آتش در افکنند، و دوزخیان با همه شـکنجه ها و عذابی که بر آنان مقرر است، از (بوی بد او) در رنج و عذابند، چرا که خداوند کارهای ناپسند را حرام کرد و هیچ کس غیورتر از خدا نیست، و از غیرت اوست که کارهای زشت را حرام کرده و حدود الهی را مقرر فرموده است.

(۲) و کسـی که به خانه همسایه خود نگاه کنـد و به شـرمگاه مردی یا موی زنی و یا به قسـمتی از بدن او نگاه کند، بر خداوند است که او را بـا منافقـانی که در دنیـا به دنبـال عیبجویی از مردم بودنـد وارد جهنّم سـازد، و تـا رسوا نگردد از دنیا نرود، و در قیامت شرمگاه او را برای مردم آشکار سازد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۱۵

(۱) و کسـی که به خـاطر تنگـدستی و انـدک روزی بـودن خود ناراضـی باشـد و بردبـاری را پیشه خود نسـازد، هیـچ یـک از کارهای نیک وی به جانب بالا (خـدا) نمی رود و در روز قیامت خداوند را- در حالی که نسـبت به او خشـمگین است- دیدار کند.

(۲) و کسـی که لباسـی بپوشـد و به خاطر آن بر خود ببالـد و آن را به رخ دیگران بکشد، خداوند او را با قبری که در آن قرار دارد از لبه پرتگاه جهنم فرو

برد. و (تردیدی در این نیست) که- قارون (به خاطر) جامه (زربفتی) که پوشید و از سر نخوت و خودخواهی بر دیگران بالید در (ژرفای) زمین فرو رفت و تا روز قیامت همچنان در زمین فرو خواهد رفت.

(۳) و کسی که همسری از راه مشروع (حلال) برگزیند ولی هدف او از این ازدواج، برخورد بالیدن و خودنمایی باشد، خداوند عزّ و جل بجز خواری و سرافکندگی بر او نیفزاید، و به اندازه ای که از آن لذّت برده باشد او را پس از مرگ در کناره ای از دوزخ نگاه دارند و سپس در ژرفای دوزخ که به اندازه هفتاد سال راه، زمان می برد،

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۱۶

سرنگونش سازد.

(۱) و کسی که کابین (مهریّه) همسر خود را، حکم او (شوی) در نزد خداوند (حکم) زناکار است، و در روز قیامت از جانب خداوند به او خطاب می گردد که: ای بنده من! کنیز خود را همسر تو کردم و از تو پیمان گرفتم، ولی تو به پیمانی که بسته بودی وفا نکردی. پس خداوند متعال، خود عهده دار گرفتن حقّ آن زن می گردد و تمام حسنات آن مرد را از او می گیرد، ولی چون برای ادای دینی که به همسر خود دارد وفا نکند، به ناچار او را رهسپار دوزخ سازند.

(۲) و کسی که از شهادتی که داده است باز گردد و آن را کتمان کند، خداوند در روز قیامت او را وادار سازد که گوشت بدن خود را بخورد؛ و در حالی رهسپار دوزخ می شود که زبان خود را می جود.

(۳) و کسی که دو همسر داشته باشد، ولی در میان آن

دو- از نظر هزینه معاش زندگی و روابط زناشوئی و تعهداتی که شرعا بر عهده دارد- با عدالت رفتار نکند، و در میان

آن دو فرق بگذارد، در روز قیامت در حالی که به زنجیر کشیده شده است و با اندامی کج محشور می گردد تا آنکه رهسپار دوزخ شود.

(۱) و کسی که بی جهت، همسایه آزاری کند، خداوند او را از نسیم خوشبوی بهشتی محروم سازد و جایگاه او در آتش خواهد بود. آگاه باشید که خداوند متعال در روز واپسین (از مردم) در مورد رعایت حق همسایه جویا می شود، و کسی که حقّ همسایه خود را رعایت نکرده باشد از ما (خاندان) نخواهد بود.

(۲) و کسی که مسلمان مستمندی را به خاطر فقر و تنگدستی مورد اهانت قرار داده و با چشم حقارت به او بنگرد، بدون تردید حق خداوندی را ناچیز قلمداد کرده است (و چنین شخصی) همواره مورد خشم و نفرت الهی خواهد بود، تا زمانی که آن مسلمان مستمند را از خود راضی و خشنود سازد. و کسی که مسلمان تهیدستی را محترم بشمارد، در روز قیامت خداوند را (از عمل خویش) خشنود خواهد یافت.

(۳) و کسی که در انتخاب دنیا و یا آخرت- در رابطه با انجام یا عدم انجام کاری- آزاد

باشد و دنیا را بر آخرت بگزیند، در روز قیامت خداوند را در حالی ملاقات کند که هیچ حسنه ای در نامه اعمال او نباشد تا با آن خود را از آتش دوزخ در امان دارد.

و کسی که آخرت را بر دنیا

بر گزینند، در روز قیامت، خداوند را دیدار خواهد کرد در حالی که از او خشنود باشد.

(۱) و کسی که به زنی یا کنیزی از راه حرام دسترسی پیدا کند، ولی او از این حرام خداوندی دوری گزیند و آن زن را رها سازد، خداوند آتش (دوزخ) را بر او حرام کند و او را از ترس و هراس بزرگ قیامت باز دارد و در بهشت جای دهد. ولی اگر به این عمل حرام، تن در دهد خداوند او را از بهشت محروم ساخته و رهسپار دوزخ نماید.

(۲) و کسی که مالی را از راه حرام به دست آورد، خداوند صدقه و آزاد کردن بنده و حج و عمره او را نمی پذیرد، و به اندازه ثواب این کارهای خیر در نامه اعمال او گناه نوشته می شود، و پس از مرگ هر چه از آن مال باقی بماند، به منزله توشه و زاد راه او در سفر دوزخ است. و کسی که بر مال حرامی دست یابد، ولی آن را به خاطر ترس از

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۱۹

خدا نگیرد و از آن بگذرد، (مدام) در (سایه) محبّت و رحمت بی منتهای الهی بسر برد، و در روز قیامت فرمان می رسد که او را رهسپار بهشت سازند.

(۱) و کسی که با زن نامحرمی دست دهد، در روز قیامت در حالی که به زنجیر کشیده شده است محشور می شود و سپس فرمان می رسد که او را راهی دوزخ سازند.

(۲) و کسی که با زنی نامحرم از سر شهوت شوخی و مزاح کند، به ازای هر کلمه ای که بر زبان آورده باشد هزار سال او

را نگـاه دارنـد. و اگر بـا تمایل آن زن نامحرم با او همآغوش گردد، یا او را ببوسـد، و یا از او کام بگیرد، بر آن زن همان گناه نوشته می شود که بر مرد مقرر شـده است؛ ولی اگر بـدون تمایـل آن زن نـامحرم او را وادار به گنـاه کنـد، گناه آن زن نیز بر عهده مرد است و در روز قیامت دو کیفر خواهد دید.

(۳) و کسـی که در کـار خریـد و فروش بـا مسـلمانی، دغل بکار بنـدد و غش ورزد، از ما (امّت اسـلام) نخواهـد بود و در روز قیامت با یهودیان محشور می گردد، زیرا کسی که با مردم از سر دغل و نیرنگ، غش ورزد، مسلمان نیست.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۲۰

(۱) و کسـی که از همسـایه خود لوازم خانگی را- که بـدان نیازمنـد است- مضایقه کنـد، در روز قیامت خداونـد (نیز) فضل و برکت خـود را از او دریـغ کرده و او را به خـود وامی گـذارد، و کسـی را که خداونـد به خود واگـذارد، نـابود خواهـد شـد و خداوند هیچ بهانه ای را از او نمی پذیرد.

و زنی که شوهرش را آزار دهـد، خداونـد نمـاز هیـچ یک از عبادات و کارهای پسـندیده او را نمی پـذیرد حتی اگر همه عمر خود را به روزه داری و شب زنـده داری و عبـادت سـپری کنـد، و بنـدگانی را از قیـد بنـدگی برهانـد، و ثروت خود را در راه خداونـد به نیازمنـدان ببخشـد، مگر آنکه بـا سازگـاری موجبـات رضـایت شوی خود را فراهم سازد، در غیر این صورت اولین نفری خواهد بود که رهسپار دوزخ گردد. آنگاه رسول خدا صلّی اللَّه علیه

و آله و سلّم فرمود: و بر مرد (نیز) همین کیفر و مکافات خواهد بود اگر همسر خود را مورد ستم و آزار قرار دهد.

(۲) و کسـی که به صورت مسـلمانی سیلی بزند، خداوند در روز قیامت استخوانهای او را درهم خرد می کند، و آتش (دوزخ) را بر او مسلط سازد، و در حالی که به زنجیر

کشیده شده است به محشر درآید تا رهسپار دوزخ گردد.

(۱) و کسـی که شب را به صـبح برساند در حالی که در دل نسبت به برادر دینی خود، کینه و احساس دشمنی داشته باشد شب را با خشم خداونـد بسـر برده، و در طول روز نیز مورد خشم پروردگار است تا آنکه (از این کار زشت) توبه کنـد و از اندیشـه اهرمنی خود بازگردد؛ و اگر بر همین حال بمیرد، به دینی غیر از دین اسـلام از دنیا رفته است. سـپس رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: کسـی که بـا مسـلمانی، به دغل و نیرنگ رفتار نمایـد، از ما نخواهـد بود؛ و این گفته خود را سه بار تکرار فرمود.

(۲) و کسی که تازیانه ای در اختیار حاکم ستمگری قرار دهد (تا مردم را مورد ضرب و شتم قرار دهد) خداوند در روز قیامت آن تازیـانه را به صورت ماری درآورده که ازای آن به شـصت هزار ذراع برسـد، و تا زمانی که در دوزخ- اقامتگاه همیشـگی خود-، باشد مار بر او چیرگی خواهد کرد.

(۳) و کسی که غیبت برادر مسلمان خود، کند، روزه اش باطل و وضویش به هدر می رود،

ثواب الأعمال، ص: ۷۲۲

و اگر بر این حال از دنیا برود، در حالی بدرود حیات گفته که (گویی) حرام خدا را، حلال دانسته است. «۱» (۱) و کسی که در میان دو تن، به سخن چینی بپردازد، خداوند در گور، آتشی را بر او مسلّط کند که تا روز قیامت او را بسوزاند، و چون از گور برانگیخته شود، خداوند تا زمانی که وارد دوزخ گردد، اژدهایی را بر او چیره سازد تا گوشت بدن او را بگزد.

(۲) و کسی که خشم خود را فرو برد، و از (تقصیر) برادر مسلمان خود بگذرد، و نسبت به (رفتار او) بردبار باشد، خداوند پاداش شهید (در راه خود را) به او خواهد داد.

(۳) و کسی که بر فقیری ستم و یا درشتی کرده و او را خوار بشمارد، خداوند در روز قیامت، او را به اندازه موری کوچک و با شکل آدمی محشور خواهد کرد تا زمانی که رهسپار دوزخ گردد.

---

(۱) ظاهرا مراد آن است که از ثوابی که برای روزه و وضو مقرر شده است، محروم می گردد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۲۳

(۱) و کسی که در مجلسی، غیبتی را که در مورد برادر ایمانیش شنیده است، رد کرده و از او دفاع کند، خداوند هزار درب (از دربهای) شر و شرارت را- در دنیا و آخرت- بر روی او ببندد؛ ولی اگر چنین نکند و از غیبت برادر ایمانی خود لذّت برد، همان گناهی که در مورد غیبت کننده مقرر است برای او نیز خواهد بود.

(۲) و کسی که به مرد یا زن پاکدامنی تهمت بزند، خداوند اعمال خوب او را نابود

می سازد، و در روز قیامت هفتاد هزار فرشته از پیش رو و از پشت سر به او تازیانه می زنند، و مارها و عقربها بدنش را می گزند، و بعد او را رهسپار جهنّم می سازند.

(۳) و کسی که در این دنیا شراب بخورد، خداوند جامی از زهر افعیها، مارها و عقربها برای او مهیّا می سازد، و پیش از آنکه از آن بیاشامد (از شدّت زهر آگینی) گوشت

صورتش در جام می ریزد، و پس از آشامیدن گوشت و پوست او بسان مردار از هم پاشیده و متلاشی می گردد، و همه اهل محشر از (همنشینی با) او در عذابند تا زمانی که او را رهسپار دوزخ سازند؛ و خورنده، سازنده، گیرنده شراب، و نیز فروشنده و خریدار شراب و کسی که آن را حمل می کند، و آن که شراب برای او برده می شود، و کسی که از بهای شرب زندگی خود را اداره می کند، همه در ننگ و گناه به طور یکسان شریکند. آگاه باشید که هر کس شراب در اختیار یهودی، نصرانی، صابئی و یا هر کس دیگر قرار دهد، گناهی مانند گناه نوشنده شراب در نامه اعمال او ثبت خواهد شد. آگاه باشید که هر کس آن را برای دیگری خریداری کند یا بفروشد، خداوند نماز و روزه و حجّ و عمره او را نمی پذیرد مگر آنکه توبه کند، و اگر پیش از آنکه توبه نماید، از دنیا برود، بر خداوند است که به ازای هر جرعه یی که در دنیا از آن نوشیده است، از صدید- که آب گند و بد بوی جهنّم است- به او بنوشاند. سپس

رسول خدا صلّى اللَّه عليه و آله و سلّم فرمود: آگاه باشيد كه خداوند (نوشيدن) شراب را به خصوص، و هر مست كننده ديگرى را حرام كرده است، و بدانيد كه هر مست كننده اى حرام است.

(۱) و كسى كه رباخوارى كند، خداوند شكم او را به همان اندازه اى كه ربا خورده است، از آتش جهنّم پر مى سازد. و چنانچه از اين راه، ثروتى به دست آورده باشد، خداوند هيچ عملى را از او نمى پذيرد، و تا زمانى كه يك قيراط از آن مال در نزد اوست، مورد

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۲۵

لعنت خداوند و فرشتگان خدا خواهد بود.

(۱) و كسى كه در اين دنيا نسبت به امانتى (كه در نزد اوست) خيانت كند و آن را به صاحب آن باز نگرداند، بر دينى غير از دين اسلام خواهد مرد، و خداوند را (در حالى) ملاقات مى كند كه نسبت به او خشمگين است، و او را به جانب آتش مى كشند و او را تا ابد در قسمتى از جهنّم نگاه دارند.

(۲) و كسى كه به زيان مرد مسلمانى يا كافرى از اهل ذمّه يا هر كس ديگرى به دروغ شهادت دهد، او را در روز قيامت از زبانش آويزان كنند و با منافقان در درك زيرين آتش جهنّم همنشين خواهد بود.

(۳) و كسى كه به خدمتگزار و يا غلام خود: «تو را به حضور نمى پذيرم، و سعادتمند نباشى» بگويد، خداوند هم در روز قيامت به او خواهد گفت: «تو را به حضور نمى پذيرم، و سعادتمند نباشى، و بدبخت شود در جهنّم».

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۲۶

(۱) و كسى

که همسر خود را آنقدر شکنجه و آزار دهد که حاضر شود با دادن مالی، خود را رها سازد، خداوند برای شوی او کیفری کمتر از جهنّم راضی نخواهد شد، زیرا خداوند تعالی برای زنی که مورد ستم قرار گرفته است (چنان) خشمگین می گردد که در مورد یتیم (و پایمال شدن حقوق او) خشمگین می شود.

(۲) و کسی که در نزد حاکمی نسبت به برادر دینی خود بدگویی کند، اگر از جانب آن حاکم، گزندی به او نرسد خداوند متعال تمام اعمال آن شخص بدگو را تباه می سازد، ولی اگر در اثر بدگوئی او آسیبی از جانب حاکم به آن شخص برسد، خداوند او را با هامان (وزیر فرعون) در یک طبقه از جهنّم قرار خواهد داد.

(۳) و کسی که قرآن را برای آوازه و کسب شهرت و یا به طمع مال اندوزی، تلاوت کند، در روز قیامت با صورتی استخوانی و آن گوشت را نپوشانده باشد خدا را دیدار خواهد کرد. و قرآن آنقدر بر قفای او می زند تا قدم در جهنّم گذارده، و با کسانی که در دوزخ سقوط می کنند همراه خواهد شد.

(۴) و کسی که قرآن را تلاوت نماید ولی به مفاهیم آن عمل نکند خداوند او را در روز

قیامت به صورت کور محشور سازد، و او به درگاه خدا می نالد که: «پروردگارا! چرا مرا کور برانگیختی، در حالی که من بینا بودم؟! و خداوند به او خطاب می کند که:

همان گونه که تو آیات ما را دریافتی و به آنها عمل نکردی، ما نیز امروز تو را فراموش کردیم» آنگاه دستور می رسد که

به دوزخ برده شود.

(۱) و کسی که مال را بخرد و بداند که این از راه خیانت به دست آمده است، با شخص جنایت کار از نظر ننگ این کردار و کیفر گناه آن، مساوی خواهد بود.

(۲) و کسی که موجبات آمیزش زن و مردی را از راه حرام، فراهم سازد و آن دو را بهم برساند، خداوند بهشت را بر او حرام و جایگاه او را در جهنّم قرار خواهد داد، و این سرانجام و فرجام بدی است، و تا لحظه ای که جان بسپارد مورد خشم پروردگار خواهد بود.

(۳) و کسی که نسبت به برادر مسلمانی خود دغل کند و در معامله با او غش ورزد، خداوند برکت خود را از روزی او برمی گیرد، و زندگانی او را سیاه و تباه ساخته، و او را به خود وامی گذارد.

(۴) و کسی که مال دزدی را با آگاهی از دزدی بودن آن، خریداری نماید، با دزد آن مال

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۲۸

در ننگ و گناه سهیم و شریک است.

(۱) و کسی که نسبت به مسلمانی خیانت ورزد، او از ما نیست، و ما هم از او نیستیم چه در دنیا و چه در آخرت.

(۲) و کسی که عمل زشتی را که شنیده است، فاش کند، همانند کسی است که آن کار زشت را انجام داده است و کسی که از عمل نیکی با خبر شود و آن را افشا کند، همانند کسی است که آن کار نیک را انجام داده است.

(۳) و کسی که مشخصات ظاهری و زیبایی زنی را برای مرد بیگانه ای وصف کند، و او را چنان بستاید

که فریفته آن زن شود تا به حرام از او کام بگیرد، از دنیا نخواهد رفت مگر آنکه مورد خشم خداوندی قرار گیرد؛ و کسی که مورد خشم الهی قرار گیرد، آسمانهای هفت گانه و زمینهای هفتگانه نیز بر او خشم می گیرند، و گناهش همانند کسی است که با آن زن مرتکب زنا شده باشد. پرسیدند: یا رسول اللّٰه! اگر آن دو، توبه کرده و خود را اصلاح نمایند، چطور؟! حضرت فرمود: خداوند توبه آنان را می پذیرد ولی توبه کسی که با ستودن آن زن موجب چنین فتنه و فسادی شده است

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۲۹

(هرگز) نمی پذیرد.

(۱) و کسی که چشمان (شهوت آلوده) خود را با نگاه کردن به ناموس دیگران و از راه حرام پر کند (ارضاء نماید)، چشمهای او را (آنقدر) با میخهای آتشین دوزخ پر می کند (و به این کار ادامه می دهد) تا در باره (اعمال) مردم داوری نماید، آنگاه فرمان می رسد که او را به جانب جهنّم رهسپار سازند.

(۲) و کسی که با ترتیب دادن میهمانی، جمعی از مردم را از روی خودخواهی و ریا دعوت کند، پروردگار بزرگ از گنداب چرکین دوزخ به اندازه طعام آن میهمانی به خورد او داده و شکم او را با آتش پر کند، و سپس از جانب حق فرمان می رسد که او را به جانب دوزخ بکشید.

(۳) و کسی که با زن شوهر داری زنا کند و از او کام بگیرد، در روز قیامت از شرمگاه آن دو آب گند و چرکین و بدبویی بیرون می ریزد که مسافت پانصد سال راه را به گند کشد، و دوزخیان از گندی

و بدبویی و عفونت آنان در آزار و عذاب باشند، و آن دو عذابشان از همه مردم دشوارتر است.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۳۰

(۱) و خشم و غضب خداوند بسیار شدید است نسبت به زن شوهر داری که چشم خویش را به مردان نامحرم بدوزد و پر سازد، و اگر چنین کند خداوند تمام اعمال نیک او را تباه می سازد، و اگر با مرد نامحرم همبستر شود، بر خداوند است که او را (در روز قیامت) در آتش (قهر خود) بسوزاند، پس از آنکه در گور عذابش کرده باشد.

(۲) و هر زنی که (بیجهت و یا برای بی بند و باری) از شوی خود، طلاق خلع «۱» بگیرد، پیوسته مورد لعنت خدا و فرشتگان و پیامبران خدا و همه مردم خواهد بود، هنگامی

---

(۱) طلاق خلع، به طلاقی گفته می شود که همسر مردی به خاطر مسائل اخلاقی و اختلاف در تربیت خانوادگی، و طرز تفکر و مسائلی از این دست، با دادن مال و یا بخشیدن کابین (مهریه) رضایت شوی خود را برای طلاق به دست می آورد، و مرد نیز با رضایت کامل و بدون اکراه، همسر خود را طلاق می دهد، به این نوع طلاق با کیفیتی که ذکر شد «طلاق خلع» گفته می شود. ولی اگر زنی به خاطر بی بند و باری و آزاد بودن در معاشرت و تماس با مردان بیگانه با این نوع از طلاق، از شوی خود جدا شود، بر اساس فرازی از همین خطبه، که بزودی از مفاد آن اطلاع حاصل خواهید کرد، مورد نفرت و بیزاری خدا و رسول خدا صلّى اللَّه علیه و آله و سلّم

قرار خواهد گرفت و در روز قیامت از دوزخیان بشمار خواهد رفت، و اگر مردی هم در اثر شکنجه و آزار و از روی هوی و هوس، همسر خود را به انتخاب چنین طلاقی تشویق کند، همین کیفر را خواهد داشت.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۳۱

که فرشته مرگ (عزرائیل) او را دریابد به او می گوید: تو را به دوزخ بشارت باد! و چون روز قیامت فرا رسد به او خطاب می شود که: به همراه دوزخیان رهسپار دوزخ شو! زنهار که خدای متعال و پیامبر خدا از زنانی که به ناروا (و از سر هوس) طلاق خلع می گیرند، بیزار و متنفرند؛ و خداوند متعال و پیامبر خدا از مردی که همسر خود را مورد اذیّت و آزار و شکنجه قرار می دهد تا از او طلاق خلع بگیرد، نفرت دارند.

(۱) و کسی که با اجازه و رضایت جمعی، مسئولیّت امامت نماز جماعت آنان را بر عهده بگیرد و از نظر حضور در مسجد رعایت حال آنان را بنماید و در قرائت و رکوع و سجود و قیام خود میانه روی را پیشه خود سازد (نماز را بیش از حد طولانی نکند تا مأمومین احساس خستگی کنند)، پاداش او برابر پاداش تمام نماز کسانی است که با او به جماعت خوانده اند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۳۲

(۱) و کسی که امام جماعت شود ولی در موارد حضور مردم، و قرائت، و رکوع، و سجود، و قعود و قیام خود رعایت حال آنان را نکند و نماز را بیش از حدّ متعارف طولانی نماید، نمازش را به او بازگردانند (نمازش

پذیرفته نمی شود) چرا که نمازش از استخوانهای سینه او فراتر نخواهد رفت و جایگاه وی در نزد خدای متعال همانند جایگاه حاکم ستم پیشه متجاوزی است که مصلحت افراد زیر دست خود را در نظر نمی گیرد و صلاحیّت امر و نهی آنان را ندارد و بر اساس احکام الهی اجازه امامت بر آنان را ندارد. در این هنگام امیر مؤمنان علی علیه السّلام از جای خود برخاست و عرض کرد: یا رسول اللَّه! پدر و مادرم به فدایت باد! جایگاه حاکم ستمگر و متجاوزی که صلاحیّت رهبری و امامت بر افراد زیر دست خود را ندارد و بدون اذن خداوندی، این منصب را به دست آورده است، چیست؟! حضرت رسول صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: او چهارمین آن چهارتن است که عذاب و کیفر آنان در روز قیامت از همه مردم شدیدتر و دشوارتر است: ابلیس و فرعون، و آن که کسی را (بیگناه و عمدا) به قتل برساند، و چهارمین آنها همان حاکم ستم پیشه متجاوز است.

(۲) و کسی که برادر نیازمند مسلمانش برای گرفتن وام به او مراجعه کند و او از دادن وام (با داشتن توانایی) سر باز زند، خداوند در روزی که به نیکوکاران پاداش کار خیر عنایت می فرماید، بهشت را بر او حرام خواهد کرد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۳۳

(۱) و کسی که بدرفتاری و اخلاق زشت و ناسازگاریهای زن خود را تحمّل کند، خداوند در برابر هر روزی که با بی مهریهای او ساخته است به اندازه پاداش حضرت ایّوب علیه السّلام به خاطر بلایی که گریبانگیر او بوده، و در رویارویی

با آن، بردباری و شکیبائی ورزیده است به او اجر و پاداش خواهد داد؛ و برای همسر ناسازگار او، به ازای هر روز، به اندازه شنهای درهم فشرده بیابانهای عالج گناه خواهد نوشت. و اگر پیش از آنکه رضایت شوی خود را به دست آورد و با او سازگاری پیشه کند، از دنیا برود، در روز قیامت همراه با منافقان به درک زیرین دوزخ سرنگون خواهد شد.

(۲) و کسی که زنی ناسازگار داشته باشد و با تنگدستیهای او نسازد و بیش از توان مرد از او طلب کند و بر او سخت بگیرد، خداوند هیچ یک از اعمال نیک او را- که مانع از حرارت آتش دوزخ باشد- نخواهد پذیرفت، و تا زمانی که چنین رفتاری با شوی خود داشته باشد، مورد خشم خداوندی قرار خواهد داشت.

(۳) و کسی که به برادر (دینی) خود احترام بگذارد، بدون تردید خدا را گرامی و محترم داشته است، و شما در مورد کسی که خدا را گرامی داشته چه می اندیشید؟!

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۳۴

(۱) و کسی که، مسئولیت سرپرستی گروهی را بر عهده بگیرد ولی با آنان به نیکی رفتار نکند، (در روز قیامت) در برابر هر روزی که بر آنان فرمان رانده است، به مدت هزار سال در گوشه ای از جهنم زندانی می شود، و در حالی محشور می شود که دستهایش به گردنش غل شده باشد. و اگر به فرمان خداوند متعال چنین مسئولیتی را بر عهده گرفته باشد، سرانجام خداوند او را (از عذاب خود) نجات دهد، ولی اگر به ناروا و به ناحق بر آنان، فرمان رانده باشد، خداوند (در

روز قیامت) او را هفتاد سال در دوزخ سرنگون خواهد کرد.

(۲) و کسی که (در میان جمعی) بر اساس قوانین و احکام الهی داوری نکند، همانند کسی است که به دروغ شهادت داده باشد، و (در روز قیامت) او را در آتش دوزخ افکنند تا به عذاب کسی که به ناروا شهادت داده است گرفتار شود.

(۳) و کسی که در این دنیا دو رو و دو زبان (منافق و چند چهره) باشد، در روز قیامت نیز به همان صورت محشور خواهد شد (و کیفر منافقان را خواهد چشید).

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۳۵

(۱) و کسی که برای آشتی دادن دو (یا چند) نفر گام بردارد، فرشتگان خدا پیوسته درود و صلوات خود را بر او نثار کنند تا باز گردد، و پاداش شب قدر را به او خواهند داد.

(۲) و کسی که برای گسیختن رشته دوستی میان دو (یا چند) نفر گام بردارد، میزان گناه او به اندازه پاداش کسی است برای آشتی دادن آنان اقدام می کند، و مدام لعنت خداوندی را در نامه اعمال او می نویسند تا وارد جهنّم شود، و عذابش در آنجا چند برابر خواهد شد.

(۳) و کسی که برای کمک یا سود رساندن به برادر (دینی) خود گام بردارد، ثواب مجاهدان در راه خدا را خواهد داشت.

(۴) و کسی که برای عیبجوئی یا رسوایی برادر (ایمانی) خود قدم بردارد، با اولین گام در جهنم خواهد بود، و خداوند عیبهای او را در نزد مردم آشکار ساخته و او را رسوا می سازد.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۳۶

(۱) و کسی که برای دیدار

و دلجوئی خویشاوندان و نزدیکان خود گام بردارد خداوند پاداش صد شهید را به او خواهد داد؛ و اگر به پرسش احوال او بپردازد و با جان و مال یاریش کند، در برابر هر قدمی که در این راه خداپسندانه بر می دارد، چهل میلیون حسنه برای او ثبت می شود، و چهل میلیون درجه به مقام و منزلت او در پیشگاه خداوند افزوده می گردد و به منزله آن است که یک صد سال خدا را عبادت کرده باشد.

(۲) و کسی که برای جدایی و گسیختن رابطه خویشاوندی، گام بردارد مورد خشم و لعنت الهی در دنیا و آخرت قرار خواهد گرفت و سنگینی بار گناه او به اندازه کسی است که قطع رحم کرده باشد. «۱»

---

(۱) مراد از گام برداشتن در امور اخیر، اقدام کردن و به نتیجه رساندن کار است، ممکن است کسی از جای خود حرکت نکند و مشکل کسی را بر طرف سازد، و در این گونه روایات که پاداش انسان نیکوکار به تعداد گامهای او بستگی دارد، واقعا مراد قدم برداشتن و راه رفتن نیست، و محاسبه پاداش او برای خداوند بسیار آسان است، و شاید مراد آن باشد که اگر کسی بخواهد واقعا به دنبال کار کسی برود تا مشکل او را حل کند محاسبه مقدار مسافتی که طبیعتا بایستی طی کرده و یا زمانی که باید صرف این کار خداپسندانه نماید، چندان دشوار نیست.

در موارد کارهای خلاف شرع و حرام نیز، همین نکته وجود دارد، و نبایستی از این گونه روایات چنین استفاده شود که اگر کسی بی آنکه قدمی بردارد و از جای خود حرکت کند و با اشاره و

یا با یک کلمه اسباب گرفتاری انسانی را فراهم سازد، مشمول این کیفر الهی نخواهد شد!! چرا که سر و کار آدمیان با خدای عالمیان است و سریعا به حساب بندگان خود می رسد و پاداش و یا کیفر آنان را مشخص می سازد.

(۱) و کسی که بکوشد تا دو مسلمان را به همسری یک دیگر درآورد، خداوند (در آخرت) هزار حور بهشتی را که هر یک در قصری از در و یاقوت آرمیده اند، به ازدواج او در می آورد، و در برابر هر قدمی که در این رابطه بر می دارد یا هر کلمه ای که بر زبان جاری می سازد پاداش عمل یک سال تمام را که شبها سرگرم نماز و عبادت و روزها را به روزه داری سپری سازد، به او خواهند داد.

(۲) و کسی که برای جدایی در میان زن و مرد اقدام نماید، در دنیا و آخرت مورد خشم و لعنت خداوندی قرار می گیرد، و بر خداست که او را با هزار سنگ آتشین سنگسار کند؛ و اگر کسی برای گسیختن رابطه زناشویی آن دو، گام بردارد- در دنیا و آخرت- مورد خشم و ناخشنودی خداوند قرار خواهد گرفت و خداوند او را از نظر به روی خود محروم خواهد ساخت- اگر چه کار آن زن و شوهر به جدایی و طلاق نکشد-.

(۳) و کسی که نابینائی را به مسجد یا به خانه و یا به هر جایی که او در نظر دارد، برساند، خداوند در برابر هر قدمی که در این راه بر می دارد، پاداش آزاد کردن یک بنده را (در

ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۳۸

راه خدا) در نامه اعمال او می نویسد، و فرشتگان درود و سلام خود را بر او نثار می کنند، تا زمانی که از او جدا شود.

و کسی که انجام نیاز نابینایی را بر عهده بگیرد و تلاش کند تا آن را انجام دهد، خداوند متعال دو برات آزادی به او عنایت می فرماید: یکی برات آزادی از آتش، و دیگری برات دوری از نفاق و چند چهرگی؛ و در این دنیا هفتاد هزار حاجت او را برآورده می سازد، و تا وقتی که (به خانه و یا محل کار خود) باز گردد غرقه دریای رحمت بی منتهای الهی خواهد بود.

(۱) و کسی که یک شب و روز، پرستاری بیماری را بر عهده بگیرد، خداوند متعال او را با حضرت ابراهیم خلیل علیه السّلام محشور می سازد و از پل صراط به سرعت برق خواهد گذشت.

(۲) و کسی که تلاش کند تا حاجت بیماری را برآورده سازد، از آلودگی تمام گناهانی که تا

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۳۹

آن روز انجام داده است (بجز حقّ النّاس) مانند روزی که از مادر زاده شده، (پاک و پاکیزه) بیرون می آید. در این هنگام مردی از انصار، پرسید: یا رسول اللّه! اگر بیمار، از بستگان او باشد چطور؟ رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: بزرگترین اجر و پاداش الهی از آن کسی است که در برآورده کردن نیازهای خویشاوندان خود کوشش کند.

(۱) و کسی که به افراد خانواده و تحت تکفّل خود نرسد و رابطه خود را با فامیلهای خود قطع کند (قطع رحم نماید)، خداوند در روزی که به نیکوکاران پاداش

می دهـد، او را از آن محروم سـاخته و او را به خـود واگـذارد. و کسـی را که خداونـد متعـال در آخرت رهـا کرده و به خـود واگذارد او مانند هلاک شدگان سرگردان است تا بلکه راه گریزی پیدا کند، ولی توفیق نجات نخواهد یافت.

(۲) و کسـی که به حاجتمنـدی وام بدهد و در مطالبه آن بر او سـخت نگیرد، تمام گناهان گذشـته او از نامه اعمالش پاک می گردد، و خداوند به ازای هر درهمی که وام داده است یک هزار قنطار «۱» در بهشت به او خواهد داد.

---

(۱) در مورد معنی قنطـار در میـان اهـل لغت اختلاـف است: بعضـی آن را معـادل چهار هزار دینار، و برخی آن را برابر با یک هزار و دویست اوقیه دانسـته اند، و جمعی دیگر برآنند که معادل چهل اوقیه طلا یا هزار و دویست دینار، یا هشـتاد هزار درهم، یا صد رطل زر و سیم، و یا به اندازه یک پوست گاو پر از طلا و نقره. رک: فرهنگ نفیس، ج ۴/ ۲۷۱۵.

(۱) و کسـی کـه یـک گرفتـاری از گرفتاریهـای دنیـوی برادر دینی خـود را برطرف کنـد، خداونـد نظر رحمـت خـود را بـه او معطوف می دارد و با همان نظر رحمت، از اهل بهشت گردد، و خداوند گرفتاریهای او را در دنیا و آخرت برطرف سازد.

(۲) و کسـی که برای آشتی دادن زن و شوهری قدم بردارد، خداوند به او اجر هزار شـهید را که در راه خدا به شـهادت رسیده باشند، به او کرامت فرماید، و به ازای هر قدمی که در این رابطه برمی دارد و یا هر کلمه ای

که بر زبان می آورد، عبادت یک سال را- که شبهای آن به عبادت و شب زنده داری و روزهای آن به روزه داری سپری شده باشد- به او عنایت کند.

(۳) و کسی که به برادر مسلمان خود وام دهد، خداوند به ازای هر درهمی به وزن کوه احد و کوههای رضوی و طور سیناء، برای او حسنه می نویسد؛ و چنانچه پس از سرآمدن مهلت باز پرداخت وام بر او سخت نگیرد و با او مدارا نماید، (در روز قیامت) به سرعت برق و بدون هیچ حساب و کتاب و عذابی از پل صراط خواهد

گذشت.

(۱) و کسی که از وام دادن به برادر مسلمانش که در نزد او از تنگدستی شکایت می کند خود داری نماید، خداوند در آن روزی که به نیکوکاران پاداش خیر عنایت می فرماید، بهشت را بر او حرام خواهد کرد.

(۲) و کسی که نیازمندی را جواب کند در صورتی که می تواند خواسته او را برآورده سازد، مرتکب گناهی همانند گناه عشّار «۱» شده است. راوی می گوید: عوف بن مالك از جای برخاست و پرسید: یا رسول اللّه! گناه عشّار چقدر است؟! فرمود: بر او هر شب و روز لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم است، و کسی که خداوند او را لعنت کند، یار و یاوری برای او نخواهی یافت (و همه او را به حال خود واخواهند گذارد).

(۳) و کسی که در حق برادر ایمانیش کار نیکی انجام دهد و به خاطر آن، به گردن او منّت

---

(۱) مأمور گمرك، که به ناحق اموال مسلمانان را ثبت و ضبط می کند.

/ ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۴۲

بگذارد، عمل نیک او تباه می گردد و کوششی که در این راه از خود نشان داده است، بی نتیجه خواهد بود. سپس فرمود: آگاه باشید که خداوند متعال بهشت خود را بر منّت گذار، خود خواه، سخن چین، میگسار، آزمند، ممسک، و بد خلق زنازاده، حرام کرده است.

(۱) و کسی که مال صدقه را به نیازمندی برساند همان پاداش صدقه دهنده را خواهد داشت؛ و اگر صدقه چهل هزار دست بگردد تا به مستمند برسد، همه آنان (که در این کار خیر شرکت داشته اند) پاداش کامل صدقه را خواهند برد، و آنچه در نزد خداست بهتر و ماندگارتر است برای پرهیزکاران و نیکوکاران اگر پی برده باشید.

(۲) و کسی که در این دنیا مسجدی بسازد، خداوند به ازای هر وجب یا هر ذرع از آن،

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۴۳

شهری از طلا- و نقره و زبرجد و زمرّد و مروارید در بهشت برای او خواهد ساخت که (تصوّر) بزرگی آن (تجسّم) مسافت چهل هزار سال راه را می طلبد، و در هر شهری چهل میلیون قصر، و در هر قصری چهل میلیون سرا، و در هر سرایی چهل میلیون خانه، و در هر خانه ای چهل میلیون تخت و بر هر تختی حوری از حوران بهشت آرمیده است (تا به همسری او درآیند)، و (باز) در هر خانه ای چهل میلیون غلام و چهل میلیون کنیز، و چهل میلیون سفره رنگارنگ و بر روی هر سفره ای چهل میلیون ظرف، و در هر ظرفی چهل میلیون نوع از انواع خوراکیها قرار دارد، و خداوند به دوست خود آنچنان قدرت و

توانی کرامت فرماید که بتواند از همه همسران خود کام بگیرد و از همه خوراکیها در یک روز استفاده نماید.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۴۴

(۱) و کسی که مؤذّن مسجدی از مساجد خدا گردد، و در آن مسجد اذان بگوید و فقط رضایت خدا را در نظر داشته باشد، خداوند ثواب چهل میلیون پیغمبر، و چهل میلیون صدّیق، و چهل میلیون شهید را به او عنایت فرماید، و شفاعت او شامل چهل میلیون امت می شود که هر امّتی چهل میلیون نفر مرد باشد، و برای او در هر بهشتی (از بهشتهای هفتگانه) چهل میلیون شهر، و در هر شهری چهل میلیون قصر، و در هر قصری چهل میلیون سرا، و در هر سرایی چهل میلیون خانه، و در هر خانه ای چهل میلیون تخت، و بر هر تختی یک حور از حوریان بهشتی آرمیده است (تا به همسری او درآید)، و نیز (وسعت) هر خانه ای از آن خانه ها چهل میلیون برابر دنیا است، و در اختیار هر همسری چهل میلیون غلام و چهل میلیون کنیز قرار دارند، و در هر اطاقی چهل میلیون سفره، و بر روی هر سفره ای چهل میلیون ظرف، و در هر ظرفی چهل میلیون نوع از انواع خوراکیها می باشد که اگر همه جن و انس میهمان او گردند، همه را در کوچکترین خانه از آن خانه ها جای خواهد داد، و هر چه بخواهند- از خوراکی و نوشیدنی گرفته- تا عطر و جامه و میوه و انواع تحفه ها شامل لباس و زیور آلات گوناگون- در آن وجود دارد؛ و هر خانه یی به اندازه کافی از این اشیاء مورد

نیـاز، هست. و چون مؤذن «اشـهد ان لا اله الّا اللّه» بگویـد چهل میلیون فرشـته اطراف او را فرا می گیرنـد و همه بر او درود می فرستند و تا وقتی که از اذان فارغ شود برای او

طلب آمرزش می کننـد، و در سـایه رحمت حضـرت حق قرار خواهـد داشت، و چهـل میلیـون فرشـته ثواب اذان او را در نـامه اعمالش می نویسند و به محضر خداوند متعال تقدیم می کنند «۱».

(۱) و کسـی که به سوی مسجدی از مساجد خدا قدم بردارد، به ازای هر قدمی که بر می دارد (از لحظه بیرون آمدن از خانه تا به هنگام بازگشت) پاداش ده حسـنه خواهد داشت و ده گناه (نیز) از نامه اعمال او پاک می شود و مقام و منزلت او را (در نزد حضرت حق) ده درجه بالا می برند.

(۲) و کسـی که بر آن باشـد که در هر جـا و در هر موقعیت و فرصتی، نمـاز خود را به جماعت بخوانـد، (در روز قیامت) جزو اولین گروهی با سبقت گیرندگان، با چهره ای

---

(۱) در مورد برخی از فرازهای این خطبه بایستی به دقت اندیشـید، زیرا کسانی که این خطبه را شنیده اند امکان ندارد به خاطر طولانی بودن آن، تمامی آن را به درستی روایت کنند و امکان اینکه چیزی از آن کاسـته و یا بر آن افزوده باشند، وجود دارد، خصوصـا که تنی چنـد از راویـان این خطبه، مورد اعتمـاد علمـای رجـال نیسـتند. و مرحوم صـدوق (ره) بـا ذکر اسـامی راویان احادیث، تأیید صحّت و یا سقم آن را بر عهده کارشناسان فن قرار داده است. و خواننده نباید به صرف قرائت

یک حدیث، آن را وحی منزل بداند و ملاک عمل قرار دهد بلکه نیاز به تأیید دانشمندان دینی دارد تا پس از بررسی راویان هر حدیث و در صورت معارض نبودن مفاد آن با محکمات قرآنی، مورد عمل قرار گیرد.

روشنتر از ماه شب چهاردهم (بدر) به سرعت برق از پل صراط خواهد گذشت، و به ازای هر روز و یا شبی که توفیق شرکت در نماز جماعت را داشته است ثواب یک شهید را به او خواهند داد.

(۱) و کسی که همیشه در صف اول نماز جماعت قرار گیرد و به اولین تکبیره الاحرام برسد، و با این کار خود موجبات آزار مؤمنی را فراهم نسازد، خداوند به اندازه پاداش مؤذّن (که بر شمرده شد) به او در بهشت، پاداش خواهد داد.

(۲) و کسی که در کنار جاده ها، سر پناهی برای مسافران و رهگذران بسازد، خداوند در روز قیامت او را با مرکبی از درّ در حالی که پرتو رخسارش بر اهل محشر می تابد، برخواهد انگیخت، تا در مقام ابراهیم خلیل الرحمن علیه السّلام با او همنشین گردد، و اهل محشر گمان کنند که او یکی از فرشتگان خدا است، که همانند او دیده نشده است، و با شفاعت وی چهل میلیون نفر به بهشت خواهند رفت.

(۳) و کسی که به درخواست برادر ایمانیش، در کاری که مورد نظر اوست، وساطت کند،

خداوند نظر خود را به او معطوف می دارد، و بر خداوند است که او را هرگز نیازارد.

و اگر بدون درخواست برادر دینی خود (در

کاری که به او مربوط است) میانجیگری کند، پاداش هفتاد شهید را به او کرامت کنند.

(۱) و کسی که ماه رمضان را روزه بگیرد و برای تقرّب به خداوند متعال زبان خود را از یاوه گویی باز داشته و خاموشی را اختیار کند، و گوش و چشم و شرمگاه و تمام اعضای بدن خود را از دروغ و حرام و غیبت، باز دارد، خداوند متعال او را از مقرّبان درگاه خود قرار دهد تا آنجا که دو زانوی ابراهیم خلیل علیه السّلام را لمس کند (کنایه از نزدیک بودن به حضرت ابراهیم علیه السّلام است).

(۲) و کسی که چاه آبی را حفر کند و پس از به آب رسیدن، در اختیار مسلمانان قرار دهد، پاداش او مانند پاداش کسی است که از آن وضو بگیرد و نماز بخواند، و به شماره هر مویی از بدن انسان یا چهارپا، یا درنده، یا پرنده ای که از آن آب بنوشد، ثواب آزاد کردن هزار بنده در راه خدا را در نامه اعمال او خواهند نوشت، و در روز قیامت به شماره ستارگان آسمان از مردم در اثر شفاعت او، حوض قدس را دریابند.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۴۸

راوی می گوید: پرسیدیم: یا رسول اللّه! حوض قدس کدام است؟ حضرت سه بار تکرار فرمود: حوض من، حوض من، حوض من.

(۱) و کسی که برای مسلمانی، گوری حفر کند و آن را به حساب خداوند بگذارد، خداوند متعال بدن او را بر آتش (دوزخ) حرام سازد، و در بهشت خانه ای به او ارزانی دارد و او را وارد حوضی می کند که به شماره ستارگان در اطراف

آن جام قرار دارد، و گستره آن به اندازه فاصله میان ایله و صنعاء «۱» خواهد بود.

(۲) و کسی که جنازه مسلمانی را غسل دهد و امانت را در حق او ادا نماید، به ازای هر مویی از بدن او ثواب آزاد کردن یک بنده را به او کرامت خواهند کرد و مقام و منزلتش (در نزد حضرت حق) یک صد درجه افزون می گردد. در این هنگام عمر بن خطاب عرض کرد: یا رسول اللَّه! چگونه امانت را ادا کند؟! فرمود: شرمگاه و زشتیهای او را بپوشاند، و اگر چنین نکند پاداشش تباه ساخته معایبش را در دنیا و آخرت آشکار نموده است.

---

(۱) نام دو سرزمین است که در کناره دریای سرخ و یمن قرار دارند.

(۱) و کسی که بر جنازه مسلمانی نماز بگزارد، جبرئیل با هفتاد ملیون فرشته درود خود را نثار سازند، و تمام گناهان گذشته او (بجز حقّ النّاس) آمرزیده می شود. و اگر آنقدر در کنار او بماند تا دفن شود و خاک بر او بریزد سپس از تشییع جنازه بازگردد، به ازای هر قدمی که برداشته است- از لحظه تشییع تا لحظه ای که به خانه خود بازگردد- یک قیراط پاداش خواهد داشت، و هر قیراط هم وزن کوه احد است که در کفه ترازوی اعمال او قرار می دهند و برابر آن به او پاداش کرامت می کنند.

(۲) و کسی که از ترس خدا بگرید، به شماره هر قطره اشک، وزنه پاداشی به وزن کوه احد در کفّه ترازوی اعمال او قرار می دهند، و نیز به ازای هر قطره اشک، چشمه ای در بهشت

به وی عنایت کنند، که در کناره آن چشمه شهرها و قصرهایی قرار دارند که (همانند آنها) هیچ چشم و گوشی ندیده و نشنیده و در خاطر هیچ کس خطور نکرده است.

(۱) و کسی که به عیادت بیماری برود، به شماره هر قدمی که در این رابطه برمی دارد تا (لحظه ای که) به خانه باز گردد، هفتاد میلیون حسنه به او کرامت شود و هفتاد میلیون گناه از نامه اعمال او پاک گردد، و مقام منزلتش هفتاد میلیون درجه بالا برده شود، و هفتاد میلیون فرشته در قبر از او دیدار کرده و برای او تا روز قیامت طلب آمرزش می کنند.

(۲) و کسی که جنازه (مسلمانی) را تشییع کند، به شماره هر قدمی که بر می دارد تا (لحظه ای که) به منزل خود بازگردد یک صد میلیون حسنه در نامه اعمال او نوشته و یک صد میلیون از گناهان او پاک می گردد و مقام منزلتش را (در نزد پروردگار) یک صد میلیون درجه بالا خواهند برد؛ و اگر بر جنازه او نماز بگزارد، (پس از درگذشت او) یک صد هزار فرشته جنازه او را تشییع کرده و برای او طلب آمرزش کنند تا جنازه او به خاک سپرده شود، و اگر آنقدر در آنجا بماند تا آن جنازه دفن گردد خداوند هزار فرشته را بر او می گمارد تا همه آنها برای او طلب آمرزش کنند، تا زمانی که از قبر خود برانگیخته گردد.

(۱) و کسی که با نیّت انجام حج یا عمره از خانه خود بیرون آید،

به تعـداد گامهایی که از لحظه خروج تا بازگشت بر می دارد، یک میلیون حسـنه در نامه اعمال او ثبت می شود، و یک میلیون گنـاه او از آن نـامه پـاک می گردد، و یک میلیون درجه به مقام او افزوده می گردد، و در برابر هر درهم یا دیناری که در این سفر به همراه بردارد تا هزینه راه کنـد، یک میلیون برابر آن در نزد حضـرت حق عوض خواهد داشت. و برای هر حسـنه ای که در طول این راه انجـام دهـد (ثواب) یک میلیون حسـنه برای او خواهـد داشت تا زمانی که (به خاک خود) بازگردد و در امان خداونـد خواهـد بـود. و اگر در ایـن سـفر بمیرد، خداونـد او را رهسـپار بهشت خواهـد کرد در حـالی که کامیـاب و آمرزیـده گردیـده و دعای او مسـتجاب خواهد بود، پس دعای او را مغتنم بشـمارید (و به او التماس دعا بگوئید)، زیرا که خداوند دعای او را رد نمی کند، و در روز قیامت اختیار شفاعت برای یک صد هزار نفر را دارد.

(۲) و کسـی که خانواده کسـی را که به سـفر حج یا عمره رفته است سرپرستی کند، پاداشی کامل، بسان پاداش همان شخصی که به حج یا عمره رفته است خواهد داشت، بی آنکه

از پاداش حج گزار یا عمره گزار چیزی کم شود.

(۱) و کسـی که به منظور نگاهبانی از مرز (کشور اسـلامی) یا جهاد در راه خـدا از خانه خود بیرون آید، با هر گامی که برمی دارد هفتصد هزار حسنه در نامه اعمال او ثبت و هفتصد هزار گناه از نامه او پاک می شود و هفتصد هزار درجه به

مقام و منزلت او افزوده می گردد، و خداوند متعال کفیل و ضامن اوست تا آنکه بدرود حیات گوید، و به هر نحوی که بمیرد، شهید به حساب خواهد آمد، و اگر (سلامت به خانه خود) بازگردد، آمرزیده و دعایش مستجاب خواهد بود.

(۲) و کسی که برای زیارت برادر خود قدم بردارد، با هر گامی- از لحظه بیرون آمدن از خانه تا لحظه بازگشت- ثواب آزاد کردن یک صد هزار بنده را (در راه خدا) در نامه اعمال او ثبت می کنند، و یک صد هزار درجه بر مقام و منزلت او افزوده و یک صد هزار گناه از نامه اعمال او پاک می گردد.

از ابو هریره پرسیدند: آیا رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم نفرموده است: کسی که بنده ای را (در

راه خدا) آزاد کند پس همان قربانی (فدای) او از آتش خواهد بود (یعنی این عمل، او را از آتش دوزخ دور می دارد)؟ گفت: آری! ما چنین سخنی را با رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم در میان نهادیم، رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: آری! ولی در کنوز عرش درجاتی را برای این شخص در نزد خدا بالا می برند.

(۱) و کسی که قرآن را برای رضای خدا و برای کسب معرفت دینی بیاموزد، به اندازه پاداش فرشتگان و انبیاء و پیامبران برای او ثواب خواهد بود.

(۲) و کسی که قرآن را برای ریا و آوازه و شهرت بیاموزد، و هدف او از یادگیری قرآن به مجادله کردن با نادانان و کم خردان و اظهار فخر به دانشمندان

باشد، و بوسیله قرآن دنیا را طلب کند، خداوند عز و جل در روز قیامت استخوانهای او را از هم متلاشی و پراکنده می سازد و عذاب هیچ کس شدیدتر از عذاب او نخواهد بود. و به انواع عذابهایی که برای دوزخیان مقرر شده است، گرفتار خواهد شد چرا که خداوند نسبت به او خشمگین و از او ناخشنود است.

(۱) و کسی که قرآن را بیاموزد، و در آن آموختن فروتنی را پیشه خود سازد، و آن را به بندگان خدا بیاموزد و هدفش رضای خدا باشد، کسی را در بهشت نخواهید یافت که پاداشش بیشتر و گرانقدرتر از او و مقام و منزلتش از او بالاتر باشد، و در بهشت هیچ مقام و منزلت والایی وجود ندارد که او سهم چشمگیری از آن نداشته باشد و شریفترین منازل بهشت از آن اوست.

(۲) آگاه باشید که علم از عمل (بی علم) بهتر است، و ملاک دین خدا ترسی و پرهیز از گناه است، براستی که عالم کسی است که به علم خود عمل نماید اگر چه اندک باشد.

(۳) آگاه باشید هیچ گاه چیزی را- اگر چه در نظرتان کوچک آید- ناچیز مشمارید، زیرا هیچ گناه صغیره ای در صورت اصرار بر آن صغیره نیست، و هیچ گناه کبیره ای با طلب آمرزش، دیگر کبیره نیست. آگاه باشید که خداوند از شما در رابطه با کارهایی

که کرده اید، خواهد پرسید، حتّی اگر یکی از شما انگشت خود را به روی لباس برادرش بگذارد. ای بندگان خدا! بدانید که بنده در روز

قیامت بر آن عقیـده و مذهبی که مرده است محشور خواهد شد؛ و تردیدی در این نیست که خداوند بهشت و دوزخ آفرید، تا هر کس دوزخ را بر بهشت بگزینـد، شـکست و ناکامی را به ره آورد سـفر با خود ببرد، و آن که بهشت را انتخاب کند، بدون تردیـد رسـتگار گردد و رسـتگاری را به ارمغان با خود خواهـد داشت، زیرا خداوند متعال (در سوره آل عمران، آیه ۱۸۵) می فرماید: «آن که را از آتش (دوزخ) دور کرده و در بهشت جایش دهند، بدون تردید رستگار و کامیاب شده است».

(۱) آگـاه باشـید که پروردگـارم به من فرمـان داده است تا با مردم مبارزه کنم تا کلمه «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» را بر زبان جاری سازنـد، اگر آنان این کلمه را بر زبان آورنـد، جان و اموال آنان از جانب من در امان خواهـد بود مگر آنکه گناهی مرتکب گردند که کیفر آن در جان و اموالشان باشد، و کار حسابشان با خدا خواهد بود.

(۲) آگاه باشـید! که خداوندی که نام او بزرگ است هر چیزی را که دوست داشته است، بیان آن را از بندگان خود فرو گذار نکرده؛ و هر چیزی را که ناخوش داشته، آن را برای بندگان خود بیان فرموده و آنان را از آن بر حذر داشته است، تا هر که

نابودشـدنی است پس از اتمام حجت، نابود گردد، و هر که شایسـته زنـدگی و حیات ابـدی است بر اساس دلیل و حجت زنده بماند.

(۱) آگاه باشید که خداوند عزیز و جلیل، ستم نمی کند، و از ستم (نیز) در نمی گذرد

و او همواره در کمین است «تـا (خداونـد) کسـانی را که مرتکب کارهـای زشت شـده انـد به کیفر برسانـد، و کسانی را که به کارهای شایسـته و نیک دست زده انـد، به نیکی پاداش دهد». و هر کس نیکی کند، به سود خود نیکی کرده، و هر کس بدی کند به زیان خود بدی کرد، و خداوندگار تو هرگز بر بندگان ستم روا ندارد.

(۲) ای مردم! من پیر شده ام (توان) و اسـتخوانهایم به سستی گراییده، و بدنم را ضعف فرا گرفته است، و خبر رحلتم من به من رسیده، و اجلم نزدیک است، و اشتیاق لقای خداوندی در من فزونی یافته، و جز این گمان ندارم که این آخرین دیدارم با شما است، بس مادامی که زنـده ام مرا خواهیـد دیـد، و چون به دیدار خدا بشـتابم خداوند نگاهدارنده هر مرد و زن مؤمنی خواهد بود، و السلام علیکم و رحمه اللّٰه و برکاته.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۵۷

(۱) در این هنگام، گروهی از انصار، پیش از آنکه حضرت از منبر فرود آید، به استقبال او رفتند و همه عرض کردند: یا رسول اللّٰه! خـدا مـا را فـدای تو گرداناد و پـدر و مادر و جان ما به فـدای تو باد! کیست که پس از تو تاب این سـختیها و دشواریها را داشـته باشـد؟! و زنـدگی پس از امروز (و بـدون تو) چگونه (برای مـا) گوارا باشـد؟! رسول خـدا صـلّی اللّٰه علیه و آله و سـلّم فرمود: من بـا پروردگـارم در بـاره امتم سـخن گفتم، و او به من فرمود: درب توبه تا زمانی که در صور دمیـده شود (برای امّت تو) گشوده

خواهد ماند «۱».

(۲) سپس رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم به ما رو کرد و فرمود: براستی که اگر کسی یک سال پیش از

---

(۱) ظاهرا این از اختصاصات امّت اسلامی است که تا لحظه دمیدن در صور اجازه توبه و بازگشت به آنان کرامت شده است و در امتهای پیشین چنین نبوده است، و اگر کسی در حال احتضار پرده های نادیدنی را می دید و بعد سلامت خود را باز می یافت دیگر توبه او پذیرفته نمی شد چرا که ارزش فرمانبرداری در اطاعت بیچون و چراست و نادیده باید خریدار بود، ولی حضرت حق به برکت وجود ذیجود رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم امّت اسلامی را به این نعمت سرافراز فرمود و آنان را از امتهای پیشین مستثنی کرد.

مرگ خود توبه کند، خداوند توبه او را می پذیرد، سپس فرمود: یک سال، بسیار است! هر کس یک ماه پیش از مرگش توبه کند خداوند توبه او را می پذیرد؛ باز فرمود: یک ماه، بسیار است! هر کس یک هفته پیش از مرگ خود توبه نماید خداوند توبه اش را می پذیرد؛ باز فرمود: یک هفته بسیار است! هر کس یک ساعت پیش از مرگش توبه کند، خداوند توبه اش را خواهد پذیرفت؛ باز فرمود: یک ساعت هم بسیار است! هر کس توبه کند در حالی که جانش به اینجا رسیده باشد- و به گلوی مقدس خود اشاره فرمود- خداوند توبه او را می پذیرد.

(۱) راوی گفت: سپس حضرت از منبر پائین آمد، و این آخرین خطبه رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم بود

تا آنكه به جوار رحمت حضرت حق پيوست.

تمّ كتاب عقاب الأعمال بعون الملك الوهّاب و صلّى اللَّه على محمّد و آله الطّاهرين

اسناد روايات

[۱] محمد بن على بن الحسين بن موسى بن بابويه القمّىّ الفقيه مصنّف هذا الكتاب قال: حدثنى أبى رحمه اللَّه قال: حدثنى سعد بن عبد اللَّه قال: حدثنى أحمد بن هلال، عن أحمد بن صالح، عن عيسى بن عبد اللَّه- من ولد عمر بن على- عن آبائه.

[۲] أبى رحمه اللَّه قال: حدثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سيف، عن أخيه على، عن أبيه قال: حدّثنى الحجّاج بن أرطاه قال: حدّثنى أبو الزبير.

[۳] و بهذا الإسناد، عن الحسين بن سيف، عن أبيه، عن عمرو بن شمر.

[۴] و بهذا الإسناد، عن الحسين بن سيف، عن أبيه.

[۵] أبى رحمه اللَّه قال: حدثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن هلال، عن الفضيل بن عبد الوهاب، عن اسحاق بن عبد اللَّه.

[۶] أبى رحمه اللَّه قال: حدثنى سعد بن عبد اللَّه قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن عيسى؛ و إبراهيم بن هاشم؛ و الحسن بن على الكوفى، عن عمرو بن شمر.

[۷] و بهذا الإسناد، عن جابر.

[۸] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن هلال، عن ابن فضال.

[۹] أبى رحمه اللَّه قال: حدثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه قال: حدثنى أبو عمران العجلىّ قال: حدّثنا محمد بن سنان قال: حدّثنا أبو العلاء الخفّاف قال: حدّثنا عطيّه العوفىّ.

[۱۰] حدثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللَّه عنه، عن على

بن إبراهيم، عن أبيه، عن النّوفلىّ.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۶۰

[۱۱] حدثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدثنى على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن أبى عبد اللّه قال:

[۱۲] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن البرقىّ، عن الحسين بن سيف، عن أخيه علىّ، عن المفضل بن صالح.

[۱۳] و بهذا الإسناد، عن أحمد، عن الحسن بن على بن يقطين، عن محمد بن سنان، عن حماد بن عثمان؛ و خلف بن حمّاد، جميعا عن ربعىّ.

[۱۴] أبى رحمه اللّه قال: حدثنى سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن أبيه، عن محمد بن أبى عمير.

[۱۵] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سيف.

[۱۶] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن محمد و إبراهيم بن هاشم و الحسن بن على الكوفىّ، عن الحسين بن سيف، عن أخيه على، عن أبيه، عن عمرو بن شمر.

[۱۷] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّه، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد ابن أبى عمير.

[۱۸] حدثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدثنى على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن الحسن بن محبوب، عن أبى جميله.

[۱۹] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن محمد و الحسن بن على الكوفىّ و إبراهيم بن هاشم، كلهم عن الحسين بن سيف، عن سليمان بن عمرو، عن مهاجر أبى الحسن.

[۲۰] و بهذا الإسناد، عن سليمان بن عمرو قال:

حدثنى زيد بن رافع قال:

[۲۱] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا عبد اللَّه بن جعفر الحميرىّ قال: حدثنى أحمد بن محمد، عن الحسين بن سيف، عن أخيه على.

[۲۲] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سيف، عن سليمان بن عمرو قال: حدثنى عمران بن أبى عطاء قال: حدّثنى عطاء.

[۲۳] و بهذا الإسناد، عن الحسين بن سيف، عن أخيه على، عن أبيه.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۶۱

[۲۴] حدثنى محمد بن موسى بن المتوكل رضى اللَّه عنه قال: حدثنى أبو الحسين الأسدى قال: حدثنى محمد بن الحسين الصوفى، عن يوسف بن عقيل.

[۲۵] أبى رحمه اللَّه قال: حدثنى عبد اللَّه بن الحسن المؤدّب، عن أحمد بن على الأصبهانىّ، عن إبراهيم بن محمد الثّقفىّ، عن محمد بن إسحاق، عن أبى هارون العبدىّ.

[۲۶] أبى رحمه اللَّه قال: حدثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن أبى يوسف، عن محمد بن أبى عمير.

[۲۷] حدثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدثنى محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن السّرىّ، عن على بن الحكم، عن أبى المغرا.

[۲۸] أبى رحمه اللَّه قال: حدثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد، عن عبد الرحمن بن أبى نجران، عن عبد العزيز العبدىّ.

[۲۹] أبى رحمه اللَّه قال: حدثنى أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن أحمد بن هلال، عن محمد بن عيسى الأرمنىّ، عن أبى عمران الخرّاط.

[۳۰] حدثنى الحسين بن أحمد رضى اللَّه عنه قال: حدثنى أبى، عن محمد بن أحمد، عن إبراهيم بن إسحاق، عن عبد اللَّه بن حماد.

[۳۱] أبى

رحمه اللَّه قال: حدثنى سعد بن عبد اللَّه، عن سلمه بن الخطّاب، عن محمد بن عيسى الأرمنىّ، عن أبى عمران الخرّاط، عن بشر.

[۳۲] أبى رحمه اللَّه قال: حدثنى سعد بن عبد اللَّه، عن سلمه بن الخطّاب، عن إبراهيم بن محمد.

[۳۳] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن أبى عمير، عن محمد بن عمر بن يزيد.

[۳۴] أبى رحمه اللَّه قال: حدثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن هلال، عن محمد بن عيسى الأرمنىّ، عن أبى عمران الخرّاط، عن بشر.

[۳۵] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد بن عيسى و إبراهيم بن هاشم و الحسن

بن على الكوفىّ، عن الحسين بن سيف، عن أبيه، عن أبى حازم المدينىّ.

[۳۶] حدثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه عنه قال: حدثنى على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه البرقىّ قال: حدّثنا أبى، عن محمد بن أبى عمير.

[۳۷] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن علىّ بن فضّال، عن أبى داود المسترقّ، عن ثعلبه بن ميمون، [عن بعض أصحابنا].

[۳۸] أبى رحمه اللَّه، عن عبد اللَّه بن جعفر الحميرىّ، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن منصور بن يونس.

[۳۹] حدثنى محمد بن علىّ ماجيلويه رضى اللَّه عنه، عن عمه محمد بن أبى القاسم، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه قال: حدّثنا أبى، عن محمد بن سنان.

[۴۰] و بهذا الإسناد، عن أحمد،

عن أبيه و محمد بن عيسى، عن صفوان بن يحيى، عن أبى أيّوب الخزّاز.

[۴۱] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد قال: حدّثنا أبى، عن محمد بن أبى عمير.

[۴۲] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن محمد، عن أبيه و الحسن بن الحسين اللّؤلؤىّ، عن محمد بن سنان.

[۴۳] حدثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدثنى على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن ابن فضّال.

[۴۴] حدثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدثنى على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن على بن الحكم، عن سيف بن عميره.

[۴۵] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه، عن محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن منصور بن العبّاس، عن سعيد بن جناح قال:

[۴۶] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا عبد اللَّه بن جعفر الحميرىّ، عن أحمد بن محمد، عن أبيه، عن فضاله بن

أيّوب، عن سيف بن عميره، عن محمد بن مروان.

[۴۷] أبى رضى اللَّه عنه قال: حدثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضّال، عن عبد اللَّه بن بكير.

[۴۸] أبى قال: حدثنى أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن حسّان، عن أبى محمد الرّازىّ، عن الحسين بن يزيد، عن إبراهيم أبى بكر بن أبى سمّال.

[۴۹] و بهذا الإسناد، عن سيف بن عميره.

[۵۰] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن العبّاس بن معروف،

عن سعدان بن مسلم و اسمه عبد الرحمن بن مسلم.

[۵۱] حدثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدثنى محمد بن جعفر الأسدىّ قال: حدثنى موسى بن عمران، عن الحسين بن يزيد، عن محمد بن سنان.

[۵۲] أبى رحمه اللَّه قال: حدثنى على بن إبراهيم، عن النّوفلىّ.

[۵۳] حدثنى جعفر بن محمد بن مسرور رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى الحسين بن محمد بن عامر، عن عمّه عبد اللَّه بن عامر، عن محمد بن إسماعيل، عن على بن الحكم، عن داود العجلىّ.

[۵۴] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن معاويه بن حكيم، عن عبد اللَّه بن المغيره.

[۵۵] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن على بن حسّان الواسطى.

[۵۶] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللَّه، عن سلمه بن الخطّاب، عن إبراهيم بن محمد الثّقفىّ، عن على بن معلّى.

[۵۷] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن إبراهيم بن هاشم، عن عمرو بن عثمان، عن صباح الحذّاء.

[۵۸] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن العباس بن معروف، عن أبى همّام، عن محمد بن سعيد بن غزوان، عن السّكونىّ، عن ابن جريج، عن عطاء.

[۵۹] حدثنى محمد بن علىّ ما جيلويه رضى اللَّه عنه، عن محمد بن يحيى العطار، عن محمد بن أحمد بن يحيى، عن على بن أبى الصّقر.

[۶۰] حدثنى محمد بن موسى رضى اللَّه عنه قال: حدثنى على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه البرقىّ،

عن أبيه، عن محمد بن سنان.

[۶۱] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا أحمد بن إدريس قال: حدثنى محمد بن أحمد قال: حدثنى إبراهيم بن اسحاق، عن محمد بن عيسى، عن عبيد اللّه الدّهقان، عن درست بن أبى منصور.

[۶۲] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدثنى محمد بن الحسن الصّفار، عن أحمد بن الحسن بن على بن فضّال، عن عمرو بن سعيد المدائنىّ، عن مصدّق بن صدقه.

[۶۳] أبى رحمه اللّه عن عبد اللّه بن جعفر، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن صفوان بن يحيى.

[۶۴] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا عبد اللّه بن جعفر الحميرى، عن السّندىّ بن محمد، عن محمد بن سنان.

[۶۵] أبى رحمه اللّه عن عبد اللّه بن جعفر، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن حسّان، عن أبيه.

[۶۶] أبى رحمه اللّه قال: حدثنى محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن السّندى بن الرّبيع.

[۶۷] حدثنى محمد بن على ما جيلويه رضى اللّه عنه قال: حدثنى على بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن النّوفلىّ.

[۶۸] حدثنى على بن أحمد رضى اللّه عنه، عن أبيه، عن جدّه أحمد بن بى عبد اللّه، عن أبيه محمد بن خالد، [و] عن محمد بن سنان.

[۶۹] حدثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّه عنه قال: حدثنى محمد بن أبى القاسم، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن محمد بن على الأنصارىّ، عن عبد اللّه بن محمد.

[۷۰] حدثنى أحمد بن محمد بن يحيى العطّار رضى اللّه عنه، عن أبيه، عن محمد بن أحمد، عن موسى بن عمر، عن محمد بن سنان، عن أبى سعيد القمّاط.

[۷۱] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدثنى محمد بن الحسن الصّفّار،

عن محمد بن عيسى، عن أبى أيوب المدنى، عن ابن أبى عمير.

[٧٢] و بهذا الإسناد، عن محمد بن عيسى، عن محمد بن إسماعيل.

[٧٣] أبى رحمه اللَّه قال: حدثنى على بن إبراهيم، عن أبيه، عن محمد بن أبى عمير.

[٧۴] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللَّه، عن محمد بن عيسى، عن النّوفلىّ.

[٧۵] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدثنى محمد بن الحسن الصّفّار قال: حدثنى إبراهيم بن هاشم، عن محمد بن على الأنصارى.

[٧۶] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللَّه قال: حدثنى أحمد بن الحسين، عن أبيه، عن ظريف بن ناصح، عن عمرو بن خليفه العبدىّ.

[٧٧] حدثنى أحمد بن محمد بن يحيى رضى اللَّه عنه، عن أبيه، عن محمد بن أحمد، عن إبراهيم بن إسحاق، عن محمد بن على البغدادىّ، عن عبد اللَّه بن المبارک.

[٧٨] و بهذا الإسناد، عن إبراهيم بن إسحاق، عن إسحاق بن إسماعيل الصّوفىّ، عن العباس بن أبى العباس.

[٧٩] حدثنى محمد بن على ما جيلويه رضى اللَّه عنه، عن عمّه محمد بن أبى القاسم، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن منصور بن العباس، عن سعيد بن جناح.

[٨٠] أبى رحمه اللَّه قال: حدثنى سعد بن عبد اللَّه قال: حدثنى أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن أبيه.

[٨١] أبى رحمه اللَّه قال: حدثنى عبد اللَّه بن جعفر، عن محمد بن عيسى، عن القاسم بن يحيى، عن جدّه الحسن بن راشد.

[٨٢] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن محمد، عن نضر بن إسحاق.

[٨٣] حدثنى الحسين بن أحمد، عن أبيه، عن محمد

بن أحمد، عن سهل بن زياد، عن إبراهيم، عن عبد الرحمن بن الحجاج، عن محمد بن عمر الهمدانىّ، عن الحسن بن عطيّه.

[۸۴] أبى رحمه اللّٰه قال: حدثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن يعقوب بن يزيد، عن الحسن بن على بن فضّال، عن على بن عقبه.

[۸۵] حدثنى أحمد بن على، عن أبيه، عن على بن معبد.

[۸۶] حدثنى أحمد بن محمد رضى اللّٰه عنه، عن أبيه، عن محمد بن أحمد، عن موسى بن جعفر، عن موسى بن عمر، عن حمزه بن بزيع.

[۸۷] حدثنى الحسين بن أحمد، عن أبيه، عن محمد بن أحمد، عن سهل بن زياد، عن ابن سنان.

[۸۸] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدثنى محمد بن الحسن الصّفار، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن ابن أبى عمير، عن محمد بن أبى حمزه.

[۸۹] أبى رحمه اللّٰه قال: حدثنى على بن إبراهيم، عن أبيه، عن الحسين بن يزيد.

[۹۱] حدثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّٰه عنه قال: حدثنى محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد، عن أبى عبد اللّٰه الرّازىّ، [عن محمد] عن محمد بن عبد اللّٰه، عن إبراهيم بن عقبه، عن زكريا، عن أبيه.

[۹۲] أبى رحمه اللّٰه قال: حدثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن محمد بن عيسى، عن القاسم بن يحيى، عن جده الحسن بن راشد.

[۹۳] و بهذا الإسناد، عن محمد بن عيسى، عن أيوب المدنى، عن ابن أبى عمير.

[۹۵] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن محمد بن الحسين، عن صالح بن عقبه.

[۹۶] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدثنى

محمد بن يحيى العطّار قال: حدثنى محمد بن أحمد، عن السّيّاريّ، عن أبى سليمان الخوّاص، عن أبى نعيم الفضل بن دكين.

[۹۷] أبى رحمه اللَّه قال: حدثنى محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن موسى بن عمر، عن عبد اللَّه بن جبله.

[۹۸] حدثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدثنى أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن الحسين، عن عبد اللَّه بن جبله.

[۹۹] و بهذا الإسناد، عن محمد بن أحمد، عن موسى بن عمر، عن ابن محبوب.

[۱۰۰] حدثنى أحمد بن محمد رضى اللَّه عنه، عن أبيه، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن الحسين.

[۱۰۱] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى عبد اللَّه بن جعفر، عن هارون بن مسلم.

[۱۰۲] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى عبد اللَّه بن جعفر، عن هارون بن مسلم.

[۱۰۳] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار قال: حدّثنى العمركىّ البوفكىّ.

[۱۰۶] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطاب، عن صفوان بن يحيى.

[۱۰۷] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن يعقوب بن يزيد، عن ابن أبى عمير، عن إبراهيم بن عبد الحميد، عن سعد الإسكاف، عن زياد بن عيسى، عن أبى الجارود.

[۱۰۸] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللَّه عنه قال: حدثنى محمد بن يحيى العطار، عن محمد بن أحمد، عن يعلى بن حمزه، [عن عبد اللَّه بن محمد] الحجّال، عن على بن الحكم.

[۱۰۹] حدّثنى حمزه بن محمد العلوى رضى اللَّه عنه قال: أخبرنى على بن إبراهيم، عن أبيه، عن النّوفلىّ.

[۱۱۰] أبى رحمه اللَّه

قال: حدّثنى عبد اللَّه بن جعفر، عن محمد بن الحسين، عن صفوان.

[۱۱۱] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن محمد بن عيسى، عن الحسين بن خالد، عن حماد بن سليمان.

[۱۱۲] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى محمد بن أحمد بن هشام، عن محمد بن إسماعيل، عن على بن الحكم، عن سيف بن عميره، عن سعد بن طريف.

[۱۱۳] أبى رحمه اللَّه قال: حدثنا سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن ابن أبى عمير، عن عبد الرحمن بن الحجّاج.

[۱۱۴] و بهذا الإسناد، عن الحسين بن سعيد، عن ابن أبى عمير، عن إسماعيل البصرىّ.

[۱۱۵] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن الحسن بن محبوب، عن أبى الحسن الواسطى النّخّاس.

[۱۱۶] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللَّه عنه، عن عمه محمد بن أبى القاسم، عن محمد بن على

الصّيرفىّ، عن إسحاق بن بشر الكاهلى عن الحكم.

[۱۱۷] أبى رحمه اللَّه، عن سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد، عن على بن حسّان.

[۱۱۸] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى على بن إبراهيم، عن أبيه، عن على بن معبد.

[۱۱۹] أبى رحمه اللَّه، عن عبد اللَّه بن جعفر، عن هارون بن مسلم.

[۱۲۰] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن يعقوب بن يزيد.

[۱۲۱] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن أبى عبد اللَّه الرّازىّ، عن الحسن بن على بن أبى حمزه.

[۱۲۲] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه،

عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد.

[۱۲۳] حدّثنى محمد بن على ما جيلويه رضى اللّه عنه قال: حدّثنى عمى محمد بن أبى القاسم، عن أحمد بن أبى عبد اللّه البرقى، عن أبيه، عن محمد بن سنان.

[۱۲۴] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن حسّان الرازى، عن أبى محمد الرازى، عن النّوفلىّ.

[۱۲۵] حدّثنى محمد بن موسى رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطار، عن محمد بن أحمد، عن سهل بن زياد، عن جعفر بن محمد بن بشّار، عن عبيد اللّه الدهقان.

[۱۲۶] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطاب، عن جعفر بن بشير.

[۱۲۷] أبى رحمه اللّه قال: حدثنى أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن على، عن مصعب بن سلّام التّميمىّ.

[۱۲۸] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن يعقوب بن يزيد، عن ابن أبى عمير.

[۱۲۹] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى عبد اللّه بن جعفر الحميرى، عن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن جميل بن صالح.

[۱۳۰] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكل رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطار، عن محمد بن

أحمد، عن محمد بن ناجيه، عن محمد بن على، عن مصعب بن سلّام التّميمىّ.

[۱۳۱] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّه عنه قال: حدّثنى عمى محمد بن أبى القاسم، عن محمد بن على.

[۱۳۲] أبى رحمه اللّه، عن سعد بن عبد اللّه، عن سلمه بن الخطاب، عن إبراهيم بن محمد الثقفى، عن إبراهيم بن

ميمون، عن عبد المطلب بن زياد، عن أبان بن تغلب.

[۱۳۳] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى عمى محمد بن أبى القاسم، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن أبيه، عن محمد بن سنان.

[۱۳۴] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه، عن محمد بن يحيى العطار، عن محمد بن أحمد، عن سهل بن الحسن، عن محمد بن على، عن على بن أسباط، عن عمّه يعقوب بن سالم.

[۱۳۵] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن على بن إسماعيل، عن صفوان بن يحيى عن أبى أيوب.

[۱۳۶] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه، عن محمد بن يحيى العطار، عن محمد بن أحمد، عن السّندىّ بن الربيع.

[۱۳۷] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفار، عن العباس بن معروف، عن موسى بن القاسم، عن صفوان بن يحيى.

[۱۳۸] أبى رحمه اللَّه قال: حدثنا على بن إبراهيم، عن أبيه، عن النوفلى.

[۱۳۹] أبى رحمه اللَّه، عن سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن أبى عمير.

[۱۴۰] أبى رحمه اللَّه، عن سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن فضاله، عن العلاء بن رزين.

[۱۴۱] حدّثنى محمد بن على ما جيلويه رضى اللَّه عنه، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن عيسى، عن أبيه عيسى بن عبد اللَّه.

[۱۴۲] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن جميل

بن صالح.

[۱۴۳] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنا محمد بن يحيی، عن محمد بن أحمد، عن موسی بن جعفر، عن عبيد اللّٰه بن عبد اللّٰه، عن واصل بن سليمان.

[۱۴۴] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصفّار، عن محمد بن الحسين بن أبی الخطاب، عن الحسن بن محبوب، عن عبد العزيز.

[۱۴۵] حدّثنی محمد بن موسی بن المتوكّل رضی اللّٰه عنه قال: حدثنی علی بن الحسين السعدآبادیّ، عن أحمد بن أبی عبد اللّٰه البرقی، عن أبيه، عن محمد بن أبی عمير.

[۱۴۶] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن الحسن بن موسی الخشّاب، عن عبد اللّٰه بن جبله، عن غياث بن كلّوب.

[۱۴۷] حدّثنی محمد بن موسی رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی عبد اللّٰه بن جعفر الحميری، عن أحمد بن محمد، عن العباس بن معروف.

[۱۴۹] أبی رحمه اللّٰه، عن سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب.

[۱۵۰] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن أحمد بن هلال.

[۱۵۱] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی عبد اللّٰه بن جعفر، عن أحمد بن أبی عبد اللّٰه، عن أبيه، عن زرعه.

[۱۵۲] أبی رحمه اللّٰه، عن سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبی عبد اللّٰه، عن ابن أبی نجران.

[۱۵۳] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی علی بن إبراهيم، عن أبيه، عن النّوفلیّ.

[۱۵۴] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن يحيی العطار، عن محمد بن أحمد، عن إبراهيم بن إسحاق، عن عبد اللّٰه بن حمّاد الأنصاری.

[۱۵۵] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه، عن الحسين بن الحسن

بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن الحسن بن محبوب، عن محمد بن الفضيل.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ٧٧١

[١٥۶] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّٰه، عن محمد بن عيسى اليقطينى، عن زكريا المؤمن، عن ابن ناجيه، عن داود بن النعمان، عن عبد الرحمن بن سيابه.

[١٥٧] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن أبيه، عن ابن المغيره.

[١٥٨] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى على بن إبراهيم، عن أبيه، عن النوفلى.

[١٥٩] أبى رحمه اللّٰه، عن أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن السّندىّ، عن على بن الحكم، عن سيف بن عميره، عن سعد بن طريف.

[١۶٠] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى على بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن عمرو بن عثمان، عن محمد بن عذافر الصيرفى، عن أبيه.

[١۶٢] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن فضاله، عن معاويه بن عمار.

[١۶٣] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن أبيه، عن أحمد بن النضر الخزّاز، عن عمرو بن شمر.

[١۶۴] حدّثنى على بن أحمد، عن أبيه، عن جدّه أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن أبيه محمد بن خالد.

[١۶۵] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن على، عن جعفر بن محمد بن حكيم، عن إبراهيم بن عبد الحميد.

[١۶۶] حدّثنى محمد بن الحسين رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن العباس بن معروف، عن سعدان بن مسلم.

[١۶٧] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى

سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن أبيه، عن على بن أسباط.

[١٦٨] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن العباس بن معروف، عن سعدان بن مسلم.

[١٦٩] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار قال: حدّثنى محمد بن أحمد قال: حدّثنى أبو زهير النّهدىّ، عن آدم بن إسحاق.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ٧٧٢

[١٧١] حدّثنى أحمد بن محمد، عن أبيه، عن محمد بن أحمد.

[١٧٣] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن محمد بن عيسى، عن القاسم بن يحيى، عن جدّه الحسن بن راشد.

[١٧٤] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن موسى بن جعفر البغدادى عن، محمد بن الحسن بن شمّون.

[١٧٥] حدّثنى الحسن بن أحمد، عن أبيه قال: حدثنى محمد بن أحمد قال: حدّثنى محمد بن عبد اللَّه بن أحمد، عن الحسن بن على بن أبى عثمان؛ و أبو عثمان اسمه عبد الواحد بن حبيب قال:

زعم لنا محمد بن أبى حمزه الثمالى.

[١٧٦] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن سهل بن زياد، عن هارون بن مسلم، عن على بن الحكم.

[١٧٧] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى عبد اللَّه بن جعفر الحميرى، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن محبوب، عن جميل.

[١٧٨] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن حماد بن عيسى.

[١٧٩] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن سلمه بن الخطاب، عن محمد بن الليث.

[١٨٠] أبى رحمه اللَّه، عن سعد

بن عبد اللّه، عن سلمه بن الخطّاب.

[۱۸۱] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن أبيه، عن الحسين بن علوان، عن عمرو بن خالد.

[۱۸۲] أبى رحمه اللّه، عن سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن أبيه.

[۱۸۳] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن حسّان الرازى، عن أبى محمد الرازى.

[۱۸۴] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار، عن العمركىّ الخراسانى.

[۱۸۵] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن أبى الجوزاء، عن الحسين بن علوان، عن عمرو بن خالد، عن عاصم بن أبى النّجود الأسدى.

[۱۸۶] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن الحكم بن مسكين.

[۱۸۷] أبى رحمه اللّه، عن على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن أبيه، عن أحمد بن النضر، عن عمرو بن شمر.

[۱۸۸] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى قال: حدّثنى محمد بن أحمد قال:

حدّثنى أبو إسحاق إبراهيم بن هاشم.

[۱۸۹] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى على بن إبراهيم، عن أبيه، عن النّوفلىّ.

[۱۹۰] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدّثنى على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن النضر.

[۱۹۱] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا على بن إبراهيم، عن أبيه، عن النّوفلىّ.

[۱۹۲] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا على بن إبراهيم، عن سهل بن زياد الآدمىّ،

عن أبى الحسن على بن أبى حمزه، عن أبيه.

[۱۹۳] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار قال: حدثنى محمد بن الحسين بن ابى الخطاب.

[۱۹۴] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه، عن محمد بن الحسن الصفار، عن العباس بن معروف، عن على بن مهزيار، عن حمّاد بن عيسى، عن يحيى بن عمرو.

[۱۹۵] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه البرقى، عن أبيه، عن محمد بن أبى عمير.

[۱۹۶] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن محمد، عن ابن عمير، عن حمّاد بن عثمان.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۷۴

[۱۹۷] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّٰه عنه، عن عمّه محمد بن أبى القاسم، عن أحمد بن محمد، عن ابن أبى عمير، عن أبى أيوب.

[۱۹۸] حدّثنى حمزه بن محمد رضى اللّٰه عنه قال: أخبرنى على بن إبراهيم، عن أبيه، عن صفوان بن يحيى و محمد بن أبى عمير.

[۲۰۰] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى عبد اللّٰه بن جعفر الحميرى، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن الحسن عن عبد اللّٰه بن عمرو بن الأشعث.

[۲۰۱] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه البرقى، عن ابن أبى عمير.

[۲۰۲] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن ابن أبى بشير، عن منصور، عن إسحاق بن عمار.

[۲۰۳] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن جعفر قال: حدّثنى سهل بن زياد، عن

محمد بن إسماعيل، عن سعدان بن مسلم.

[۲۰۴] حدّثنی محمد بن موسی بن المتوكّل رضی اللَّه عنه قال: حدّثنی موسی بن عمران، عن الحسین بن یزید.

[۲۰۵] و بهذا الإسناد، عن الحسین بن یزید، عن سیف بن عمیره.

[۲۰۶] و بهذا الإسناد، عن الحسین بن یزید، عن مندل الخادم.

[۲۰۷] و بهذا الإسناد، عن الحسین بن یزید، عن عبد اللَّه بن وضّاح.

[۲۰۸] حدّثنی محمد بن موسی بن المتوكّل رضی اللَّه عنه قال: حدّثنی محمد بن جعفر، عن سهل بن زیاد، عن یعقوب بن یزید.

[۲۰۹] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللَّه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن أبی عبد اللَّه البرقی.

[۲۱۰] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللَّه، عن محمد بن الحسین، عن علی بن النعمان.

[۲۱۱] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللَّه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسین الصفّار، قال: حدّثنی العباس بن

معروف، عن النوفلیّ، عن الیعقوبی موسی بن عیسی.

[۲۱۲] حدّثنی محمد بن موسی بن المتوكّل رضی اللَّه عنه قال: حدّثنا محمد بن یحیی، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن حسّان الرازی، عن أبی محمد الرازی، عن إبراهیم أبی بكر بن أبی سمال.

[۲۱۳] حدّثنی محمد بن علی ما جیلویه رضی اللَّه عنه قال: حدّثنی عمی محمد بن أبی القاسم، عن أحمد بن أبی عبد اللَّه، عن الحسین بن سعید، عن فضاله.

[۲۱۴] حدّثنی أحمد بن محمد رضی اللَّه عنه، عن أبیه، عن محمد بن أحمد قال: حدّثنی أبو عبد اللَّه الرازی، عن منصور بن العباس، عن عمرو بن سعید.

[۲۱۵] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی عبد اللَّه بن جعفر، عن بنان بن محمد، عن أبیه،

عن ابن المغيره.

[۲۱۶] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصفّار قال: حدّثنی أحمد بن أبی عبد اللّٰه، عن أبی الجوزاء المنبّه بن عبد اللّٰه، عن الحسین بن علوان، عن عمرو بن خالد، عن أبی هاشم، عن ابن جبیر.

[۲۱۷] حدّثنی محمد بن علی ماجیلویه رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن یحیی، عن محمد بن أحمد قال:

حدّثنی محمد بن حسّان الرازیّ، عن سهل بن زیاد، عن بکر بن صالح، عن محمد بن سنان، عن منذر بن یزید.

[۲۱۸] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصفّار قال: حدّثنی العباس بن معروف، عن محمد بن سنان.

[۲۱۹] حدّثنی محمد بن علی ماجیلویه رضی اللّٰه عنه، عن محمد بن أبی القاسم، عن أحمد بن أبی عبد اللّٰه، عن أبیه، عن أحمد بن النضر الخزّاز، عن عمرو بن شمر.

[۲۲۰] أبی و محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه عنهما قالا: حدّثنا محمد بن یحیی؛ و أحمد بن إدریس، جمیعا عن محمد بن أحمد بن یحیی بن عمران، عن السّیّاریّ [عن] أبی عبد اللّٰه محمد بن أحمد.

[۲۲۱] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن النّوفلیّ.

[۲۲۲] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن أحمد بن محمد بن أبی

نصر البزنطیّ، عن أبان بن عثمان.

[۲۲۳] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی الحسن بن الحسین بن عبد العزیز المهتدی.

[۲۲۵] حدّثنا محمد بن إسحاق قال: حدّثنا محمد بن الحسن الرازیّ قال: حدّثنا أبو الحسن علی بن محمد بن علی المفتی قال:

حدّثنا الحسن بن محمد المروزى، عن أبيه، عن يحيى بن عيّاش قال: حدّثنا على بن عاصم قال: حدّثنا أبو هارون العبدىّ.

[۲۲۶] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه قال: حدثنى أحمد بن الحسين الصقر، عن أبى طاهر محمد بن حمزه بن اليسع.

[۲۲۷] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه قال: حدّثنى يعقوب بن يزيد، عن الحصين بن المخارق الكوفى ابن جناده السّلولىّ.

ابن بابويه، محمد بن على - مجاهدى، محمد على، پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ۱جلد، انتشارات سرور - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۱ش. پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال ؛ ؛ ص۷۷۶

۲۲۸] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه قال: حدّثنى محمد بن عبد الجبّار، عن أبى الصّخر.

[۲۲۹] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللَّه عنه، عن عمّه محمد بن أبى القاسم، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن أبيه، عن محمد بن سنان.

[۲۳۰] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه قال: حدّثنى على بن سليمان بن داود الزّربىّ قال: حدّثنى الحسن بن محبوب.

[۲۳۱] حدّثنا محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصّفّار، عن العباس بن معروف، عن على بن مهزيار، عن الحسين بن سعيد، عن فضاله.

[۲۳۲] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه قال: حدّثنى أحمد بن محمد بن عيسى قال: حدّثنا الحسين بن سعيد، عن ابن أبى عمير، عن سلمه صاحب السّابرىّ.

[۲۳۳] حدّثنا محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنا الحسين بن الحسن بن أبان قال: حدّثنا الحسين بن سعيد، عن أخيه الحسن، عن زرعه بن محمد.

[۲۳۴]

حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللَّه عنه، عن عمّه محمد بن أبى القاسم، عن أحمد بن أبى

عبد اللَّه، عن الحسين بن سعيد، عن الحسين بن علوان.

[٢٣٥] و بهذا الإسناد، عن الحسين بن سعيد، عن ابن أبى عمير.

[٢٣٦] و بهذا الإسناد، عن الحسين بن سعيد، عن ابن أبى عمير، عن عثمان بن عيسى.

[٢٣٧] و بهذا الإسناد، عن الحسين بن سعيد، عن عبد الرحمن بن أبى نجران.

[٢٣٨] حدّثنا محمد بن إبراهيم قال: حدّثنا حامد بن شعيب قال: حدّثنا شريح بن يونس قال: حدثنا وكيع، عن سفيان.

[٢٣٩] حدّثنا حمزه بن محمد العلوى رضى اللَّه عنه قال: حدّثنا أبو محمد عبد الرحمن بن أبى حاتم قال: حدّثنا يزيد بن سنان البصرى نزيل مصر قال: حدّثنا عبد الرحمن بن مهدى قال: حدّثنا ثابت بن قيس المدنى قال: أخبرنى أبو سعيد المقبرىّ قال:

[٢٤٠] حدّثنا أحمد بن الحسن القطّان قال: حدّثنا عبد الرحمن بن أبى حاتم قال: حدّثنا الحجّاج بن حمزه قال: حدّثنا يزيد قال: أخبرنى صدقه الدّقيقىّ قال: حدّثنا ثابت.

[٢٤١] حدّثنا أحمد بن الحسن قال: حدّثنا عبد الرحمن قال: حدّثنا العباس بن يزيد العبدى قال:

حدّثنا غندر قال: حدّثنا شعبه، عن توبه العنبرىّ، عن محمد بن إبراهيم، عن أبى سلمه.

[٢٤٢] حدّثنا محمد بن إبراهيم قال: حدّثنا محمد بن الحسين قال: حدّثنا أبو الحسن على بن محمد بن على قال: حدّثنا الحسن بن محمد المروزىّ، عن أبيه، عن يحيى بن عيّاش، عن على بن عاصم الواسطىّ قال: أخبرنى عطاء بن السّائب، عن سعيد بن جبير.

[٢٤٣] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللَّه قال: حدّثنا أحمد بن محمد، عن الحسين بن

سعيد، عن ابن أبى عمير قال: حدّثنى أحمد بن النضر الخزّاز، عن عمرو بن شمر.

[۲۴۴] حدّثنا محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنا الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن الحسين بن علوان، عن عمرو بن شمر.

[۲۴۵] حدّثنى محمد بن على ما جيلويه رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد، عن أحمد بن هلال، عن أحمد بن محمد بن أبى نصر، عن أبان.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۷۸

[۲۴۶] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن فضاله، عن سيف بن عميره، عن عبد اللَّه بن عبيد اللَّه.

[۲۴۷] و بهذا الإسناد، عن الحسين بن سعيد، عن الحسين بن علوان، عن عمرو بن خالد.

[۲۴۸] و بهذا الإسناد، عن الحسين بن سعيد، عن ابن أبى عمير، عن جميل بن صالح.

[۲۴۹] و حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى عبد اللَّه بن جعفر الحميرىّ قال:

حدّثنى أحمد بن محمد بن عيسى قال: حدّثنا الحسن بن محبوب الزرّاد قال: حدّثنا أبو أيوب.

[۲۵۰] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه قال: حدّثنى أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن فضاله، عن سيف بن عميره.

[۲۵۱] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه قال: حدّثنى إبراهيم بن مهزيار، عن أخيه على، عن الحسين بن سعيد، عن القاسم بن محمد.

[۲۵۲] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللَّه قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن أبى عمير، عن

محمد بن الحكم أخى هشام.

[۲۵۳] و بهذا الإسناد، عن الحسين بن سعيد، عن ابن أبى عمير، عن عمر بن أذينه، عن الفضيل و زراره، عن محمد بن مسلم.

[۲۵۴] حدّثنا محمد بن إبراهيم قال: حدّثنا أحمد بن متّويه الجرجانىّ المذكّر قال: حدّثنا أبو إسحاق إبراهيم بن بلال قال: حدّثنا أبو محمد قال: حدّثنا أبو عبد اللّه محمد بن كرّام قال: حدّثنا أحمد بن عبد اللّه قال: حدّثنا سفيان بن عيينه قال: حدّثنا معاويه بن أبى إسحاق.

[۲۵۵] حدّثنى محمد بن إبراهيم قال: حدّثنا على بن سعيد العسكرى قال: حدّثنا الحسين بن على بن الأسود العجلىّ قال: حدّثنا عبد الحميد أبو يحيى الحمّانىّ قال: حدّثنا أبو بكر الهذلىّ، عن الزبيرى، عن عبيد اللّه بن عبد اللّه.

[۲۵۶] حدّثنا محمد بن إبراهيم قال: حدّثنا محمد بن الحسين بن الخليل بن عبد الكريم قال: حدّثنا

أبو القاسم عبيد اللّه بن يعقوب بن يوسف نزيل أصبهان قال: حدّثنا أبو العباس أحمد بن إبراهيم المقرىّ المعروف بأبى دبيس قال: حدّثنا محمد بن غالب قال: حدّثنا محمد بن عبد اللّه الأنصارى.

[۲۵۷] حدّثنا محمد بن إبراهيم قال: حدّثنا أبو القاسم عثمان بن حمّاد قال: حدّثنا الحسن بن محمد الدّقّاق قال: حدّثنا إسحاق بن وهب العلّاف قال: حدّثنا منصور بن المهاجر قال:

[۲۵۸] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس قال: حدّثنى محمد بن أحمد قال: حدّثنا موسى بن عمر، عن على بن الحكم.

[۲۵۹] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدّثنى على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن أبيه.

[۲۶۰] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّه قال:

حدّثنا إبراهيم بن هاشم.

[۲۶۱] حدّثنا محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصفّار قال: حدّثنا محمد بن عيسى اليقطينىّ، عن على بن سليمان، عن يوسف البزّاز.

[۲۶۲] حدّثنا محمد بن الحسن رحمه اللّٰه قال: حدّثنا محمد بن أبى القاسم قال: حدّثنا محمد بن على الكوفىّ، عن محمد بن سنان.

[۲۶۳] حدّثنا محمد بن إبراهيم قال: حدّثنا أبو سهل هارون بن محمد زنجله قال: حدّثنا ابو العباس أحمد بن حميد قال: حدّثنا أبو صالح، عن سعد بن سعيد، عن أبى طيبه، عن كرز بن وبره، عن الربيع بن خثيم.

[۲۶۴] حدّثنا محمد بن إبراهيم قال: حدّثنا أحمد بن جعفر بن محمد الهمدانى قال: حدّثنا إسماعيل بن الفضل قال: حدّثنا سختويه بن شبيب الباهلى قال: حدّثنا عاصم، عن إسماعيل، عن سليمان التّيمىّ، عن أبى عثمان النّهدىّ.

[۲۶۵] حدّثنا محمد بن إبراهيم قال: حدّثنا إسماعيل بن محمد قال: حدّثنا محمد بن سليمان قال:

حدّثنا أحمد بن بكر الفارسىّ قال: حدّثنا محمد بن مصعب، عن حماد، عن ثابت.

[۲۶۶] حدّثنا محمد بن إبراهيم قال: حدّثنا محمد بن عبد اللّٰه البغدادى قال: حدّثنا يحيى بن عثمان المصرى بمصر قال: حدّثنا ابن بكير قال: حدّثنا المفضّل بن فضاله، عن عيسى بن إبراهيم، عن سلمه بن سليمان الخدرىّ، عن مروان بن سالم.

[۲۶۷] حدّثنا محمد بن إبراهيم قال: حدّثنا عثمان بن محمد قال: حدّثنا على بن الحسين قال: حدّثنا محمد بن أحمد الطّوسىّ قال: حدّثنا محمد بن أسلم قال: حدّثنا الحكم، عن سعيد بن بشير، عن قتاده.

[۲۶۸] حدّثنا محمد بن إبراهيم قال: حدّثنا عثمان بن محمد و أبو يعقوب القزّاز قالا: حدّثنا محمد بن يوسف

إملاء قال: حدّثنا محمد بن شبيب قال: حدّثنا عاصم بن عبد اللّه النّخعىّ، عن إسماعيل بن أبى زياد، عن سليمان التّيمىّ، عن أبى عثمان النّهدىّ.

[۲۶۹] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا أحمد بن إدريس قال: حدّثنا محمد بن أحمد قال: حدّثنا أحمد بن الحسين، عن أبى طاهر بن حمزه.

[۲۷۰] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن أحمد بن محمد، عن صالح السّندىّ.

[۲۷۱] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدّثنا عبد اللّه بن جعفر الحميرىّ قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن جميل بن صالح.

[۲۷۲] حدّثنا محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنا الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن أبى عمير، عن حمّاد.

[۲۷۳] و بهذا الإسناد، عن الحسين بن سعيد.

[۲۷۴] و بهذا الإسناد، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن هشام بن سالم.

[۲۷۵] و بهذا الإسناد، عن الحسين بن سعيد، عن حماد بن عيسى.

[۲۷۶] و بهذا الإسناد، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن يحيى- أخى مغلّس الصّيرفىّ.

[۲۷۷] و بهذا الإسناد عن الحسين بن سعيد، عن فضاله، عن أبان، عن أبى جعفر الأحول.

[۲۷۸] و بهذا الإسناد، عن الحسين بن سعيد، عن الحسن بن على، عن ابن بكير.

[۲۷۹] حدّثنا محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدّثنا عبد اللّه بن جعفر الحميرى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب.

[۲۸۰] حدّثنا محمد بن على ماجيلويه رضى اللّه عنه قال: حدّثنى عمّى محمد بن أبى القاسم، عن أحمد بن أبى عبد

اللّه البرقىّ، عن أبيه محمد بن خالد، عن عبد اللّه بن المغيره.

[۲۸۱] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّه قال: حدّثنا أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن فضاله بن أيوب، عن الحسين بن عثمان.

[۲۸۲] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّه، عن محمد بن عيسى، عن الحسين بن إبراهيم بن سفيان.

[۲۸۳] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّه، عن محمد بن الحسين، عن صالح بن عقبه.

[۲۸۴] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّه قال: حدّثنا محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب قال: حدّثنى عثمان بن عيسى.

[۲۸۵] حدّثنى حمزه بن محمد العلوى رضى اللّه عنه قال: حدّثنى أحمد بن محمد الهمدانى قال: حدّثنى على بن حمدون الرّوّاس قال: حدّثنا محمد بن الحسين القواريرىّ قرابه يعلى بن عبيد قال: حدّثنا جعفر بن أمين الثّغرىّ قال: حدّثنا عثمان بن عيسى الرّواسىّ.

[۲۸۶] حدّثنا محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدّثنا عبد اللّه بن جعفر الحميرىّ، عن أحمد و عبد اللّه ابنى محمد بن عيسى، عن الحسين بن محبوب، عن العلاء بن رزين.

[۲۸۷] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّه، عن محمد بن الحسين بن الخطاب عن محمد بن إسماعيل، عن صالح بن عقبه.

[۲۸۸] حدّثنا محمد بن على ماجيلويه رضى اللّه عنه، عن محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن الحسين، عن الحسن بن على بن أبى عثمان، عن الحسن بن على بن أبى المغيره.

[۲۸۹] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدّثنا محمد بن يحيى عن محمد بن أحمد، عن محمد بن الحسين، عن محمد

بن إسماعيل.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۸۲

[۲۹۰] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّٰه، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن محمد بن إسماعيل، عن الخيبرىّ.

[۲۹۱] حدّثنا حمزه بن محمد العلوى رحمه اللّٰه، عن على بن إبراهيم، عن أبيه إبراهيم بن هاشم، عن محمد بن أبى عمير.

[۲۹۲] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصّفّار، عن محمد بن الحسين، عن أبى داود المسترقّ.

[۲۹۳] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنا أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن على بن إسماعيل، عن محمد بن عمرو الزّيّات.

[۲۹۴] حدّثنى الحسين بن أحمد، عن أبيه، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن الحسين، عن الحسن بن على بن فضّال، عن محمد بن الحسين بن كثير.

[۲۹۵] حدّثنا أحمد بن محمد رضى اللّٰه عنه، عن أبيه، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل، عن الخيبرىّ.

[۲۹۶] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصّفّار، عن يعقوب بن يزيد، عن صفوان بن يحيى.

[۲۹۷] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنا على بن إبراهيم، عن أبيه.

[۲۹۸] أبى رحمه اللّٰه عن محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن الحسين، عن الحسن بن على بن أبى عثمان، عن إسماعيل بن عبّاد، عن الحسن بن على.

[۳۰۰] حدّثنا محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصّفّار، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب.

[۳۰۱] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن موسى بن القاسم.

[۳۰۲] حدّثنا محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنا الحسين بن

الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن القاسم بن محمد، عن إسحاق بن إبراهيم.

[۳۰۳] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللَّه، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن سنان، عن محمد بن صدقه.

[۳۰۴] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا عبد اللَّه بن جعفر الحميرىّ، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل، عن صالح بن عقبه.

[۳۰۵] و بهذا الإسناد، عن محمد بن الحسين، عن موسى بن سعدان، عن عبد اللَّه بن القاسم، عن عمر بن أبان الكلبى.

[۳۰۶] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن محمد، عن على بن الحكم قال: حدّثنا على بن أبى حمزه.

[۳۰۷] حدّثنى محمد بن الحسن رحمه اللَّه قال: حدّثنى الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن القاسم بن محمد، عن إسحاق بن إبراهيم.

[۳۰۸] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا عبد اللَّه بن جعفر الحميرىّ قال: حدّثنا محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن أبى إسماعيل السّرّاج، عن يحيى بن معمّر العطّار.

[۳۰۹] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن ناجيه قال: حدّثنا محمد بن على، عن عامر بن كثير السّرّاج النّهدىّ.

[۳۱۰] و بهذا الإسناد، عن عامر بن كثير.

[۳۱۱] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن محمد.

[۳۱۲] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد، عن موسى بن عمر، عن صالح بن السّندىّ الجمّال.

[۳۱۳] حدّثنا محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن

الحسن الصّفّار، عن أحمد بن محمد بن عيسى.

[۳۱۴] أبی رحمه اللّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّه، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل، عن صالح بن عقبه.

[۳۱۶] أبی رحمه اللّه قال: حدّثنا محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن على بن إسماعيل، عن محمد بن عمرو الزّيّات.

[۳۱۷] أبی رحمه اللّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّه، عن الهيثم بن أبی مسروق النّهدیّ.

[۳۱۸] حدّثنی محمد بن على ماجيلويه رضى اللّه عنه قال: حدّثنا محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن موسى بن عمر، عن على بن النعمان.

[۳۱۹] أبی رحمه اللّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّه، عن محمد بن الحسين بن أبی الخطّاب، عن محمد بن صالح.

[۳۲۰] حدّثنا محمد بن الحسن رضی اللّه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصّفّار.

[۳۲۱] حدّثنی محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدّثنا محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن الحسين بن عبيد اللّه، عن الحسن بن على بن أبی عثمان، عن عبد الجبار النّهاوندیّ، عن أبی سعيد.

[۳۲۲] أبی رحمه اللّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّه، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل، عن صالح بن عقبه.

[۳۲۳] و بهذا الإسناد، عن صالح.

[۳۲۴] حدّثنی محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن سنان، عن الحسين بن المختار.

[۳۲۵] أبی رحمه اللّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّه، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبه.

[۳۲۶] و بهذا الإسناد، عن محمد بن الحسين، عن أحمد بن النضر

الخثعمی، عن شهاب بن عبد ربّه أو عن رجل.

[۳۲۷] حدّثنی محمد بن علی ماجیلویه رضی اللّه عنه، عن عمّه محمد بن أبی القاسم، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن سنان.

[۳۲۸] أبی رحمه اللّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّه، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن سنان، عن محمد بن صدقه.

[۳۲۹] و بهذا الإسناد، عن محمد بن صدقه.

[۳۳۰] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّه عنه قال: حدّثنی أحمد بن إدریس، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن إسماعیل، عن الخیبریّ.

[۳۳۱] أبی رحمه اللّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّه، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن إسماعیل، عن صالح بن عقبه.

[۳۳۲] حدّثنی محمد بن موسی بن المتوکّل رضی اللّه عنه قال: حدّثنا عبد اللّه بن جعفر الحمیریّ، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب.

[۳۳۳] و بهذا الإسناد، عن الحسن بن محبوب.

[۳۳۴] أبی رحمه اللّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّه، عن یعقوب بن یزید، عن محمد بن أبی عمیر.

[۳۳۵] حدّثنی محمد بن موسی بن المتوکّل رضی اللّه عنه قال: حدّثنی عبد اللّه بن جعفر الحمیریّ، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن الحسن بن محبوب.

[۳۳۶] و بهذا الإسناد، عن الحسن بن محبوب.

[۳۳۷] أبی رحمه اللّه قال: حدّثنی أحمد بن إدریس، عن محمد بن أحمد، عن الحسین بن عبید اللّه، عن الحسن بن علی بن أبی عثمان، عن محمد بن فضیل.

[۳۳۸] أبی رحمه اللّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّه، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن إسماعیل.

[۳۳۹] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن

الصّفّار، عن العباس بن معروف، عن حمّاد بن عيسى.

[۳۴۰] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّه، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن أبى داود المسترق.

[۳۴۱] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّه، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن الحكم بن

مسكين.

[۳۴۲] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدّثنا على بن الحسين السعدآباديّ، عن أحمد بن أبى عبد اللّه البرقيّ، عن أبيه، عن ابن مسكان.

[۳۴۳] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن أبى عبد اللّه البرقيّ.

[۳۴۴] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن العباس بن معروف.

[۳۴۵] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن محمد بن عيسى.

[۳۴۶] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا على بن إبراهيم، عن أبيه.

[۳۴۷] حدّثنا على بن أحمد قال: حدّثنا حمزه بن القاسم العلوى رحمه اللّه قال:

[۳۴۸] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصّفّار.

[۳۴۹] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا أحمد بن إدريس، عن عمران بن موسى، عن يعقوب بن يزيد، عن أحمد بن محمد بن أبى نصر، عن حمّاد بن عثمان.

* أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا محمد بن أحمد، عن علىّ بن الفضل، عن أبى طالب عبد اللّه بن الصلت، عن يونس بن عبد الرّحمن، عن إسحاق بن عمّار، عن أبى عبد اللّه عليه السّلام بمثله.

[۳۵۰] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس قال: حدّثنى محمد بن أحمد قال: حدّثنى أبو إسحاق إبراهيم بن هاشم،

عن الحسن بن أبى الحسن الفارسى، عن سليمان بن جعفر الجعفرى.

[۳۵۱] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن النضر بن شعيب، عن خالد بن ماد القلانسىّ.

[۳۵۲] حدّثنى أحمد بن محمد رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن الحسين، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن أبى عمير، عن منصور بن يونس.

[۳۵۳] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدّثنا عبد اللَّه بن جعفر الحميرىّ، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن مالك بن عطيه.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۸۷

[۳۵۴] حدّثنى جعفر بن محمد بن مسرور رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى الحسين بن محمد بن عامر، عن عمّه عبد اللَّه بن عامر، عن الحسن بن محبوب، عن عبد اللَّه بن سنان، عن معاذ بن مسلم.

[۳۵۵] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللَّه عنه، عن عمّه محمد بن أبى القاسم، عن محمد بن عيسى، عن الحسن بن على.

[۳۵۶] حدّثنى الحسين بن أحمد رضى اللَّه عنه، عن أبيه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن جميل بن صالح.

[۳۵۷] حدّثنى على بن الحسين المكتّب قال: حدّثنى محمد بن عبد اللَّه، عن أبيه عبد اللَّه بن جعفر الحميرىّ، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن جميل بن صالح.

[۳۵۸] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه البرقىّ قال: حدّثنى الحسين بن يزيد النّوفلىّ.

[۳۵۹] حدّثنا محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى على بن الحسين السعدآبادىّ،

عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن محمد بن عيسى بن عبيد، عن سليمان بن راشد، عن أبيه.

[۳۶۰] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن أبى عبد اللّه.

[۳۶۲] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن أبى عبد اللّه البرقىّ، عن على بن الحسين الضّرير.

[۳۶۳] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّيفّار، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن يحيى الحلبى، عن محمد بن مروان.

[۳۶۴] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن أبى عبد اللّه البرقىّ، عن محمد بن سالم، عن أحمد بن النضر، عن عمرو بن شمر.

[۳۶۵] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّه عنه، عن عمّه محمد بن أبى القاسم عن أحمد بن أبى عبد اللّه.

[۳۶۶] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن حسّان، عن

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۸۸

إسماعيل بن مهران قال:

[۳۶۷] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن حسّان، عن إسماعيل بن مهران، عن الحسن بن على، عن أبيه، عن الحسين بن أبى العلاء.

[۳۶۸] حدّثنى محمد بن على ما جيلويه رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد، عن الحسن بن الحسين اللّؤلؤىّ، عن رجل، عن معاذ.

[۳۶۹] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن على،

عن الحسن بن الجهم.

[۳۷۰] حدّثنا محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدّثنا محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن حسّان، عن إسماعيل بن مهران، عن الحسن بن على، عن على بن عابس، عن أبى مريم، عن المنهال بن عمرو.

[۳۷۱] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن حسّان، عن إسماعيل بن مهران، عن الحسن بن على، عن أبى مسعود المدائنى.

[۳۷۲] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى محمد بن أبى القاسم، عن محمد بن علىّ الكوفىّ، عن إسماعيل بن مهران، عن الحسن بن على، عن الحسين بن محمد بن فرقد، عن الحكم بن ظهير.

[۳۷۳] بهذا الإسناد، عن الحسن بن على، عن أبيه.

[۳۷۴] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبيه.

[۳۷۵] بهذا الإسناد، عن الحسن بن على، عن الحسين بن محمد بن فرقد.

[۳۷۶] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن مندل، عن كثير بن كاروند.

[۳۷۷] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبيه.

[۳۷۸] و بهذا الإسناد، عن الحسن.

[۳۷۹] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبى المغرا.

[۳۸۰] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن عاصم الحنّاط.

[۳۸۱] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[۳۸۲] حدّثنى أحمد بن محمد رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى أبى، عن أحمد بن هلال.

[۳۸۳] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى قال: حدّثنى محمد بن أحمد، عن محمد بن حسّان، عن إسماعيل بن مهران قال: حدّثنى الحسن بن على، عن أبيه.

[۳۸۴] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[٣٨٥] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن صباح الحذّاء.

[٣٨٦] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن يحيى بن مساور.

[٣٨٧] بهذا الإسناد، عن الحسن بن علي.

[٣٨٨] بهذا الإسناد،

عن الحسن.

[٣٨٩] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبى عبد اللّٰه المؤمن.

[٣٩٠] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن سيف بن عميره.

[٣٩١] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن الحسين بن أبى العلاء.

[٣٩٢] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبيه.

[٣٩٣] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[٣٩٤] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[٣٩٥] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[٣٩٦] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أحمد بن عائذ.

[٣٩٧] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن الحسين بن أبى العلاء.

[٣٩٨] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسين الصّفّار، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطاب، عن على بن أسباط، عن يعقوب بن سالم، عن أبى الحسن العبدىّ.

[٣٩٩] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس قال: حدّثنى محمد بن أحمد، عن محمد بن حسّان، عن إسماعيل بن مهران، عن الحسن بن على.

[٤٠٠] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[٤٠١] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن مندل.

[٤٠٢] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن الحسين بن أبى العلاء.

[٤٠٣] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبى المغرا.

[٤٠٤] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[٤٠٥] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبى المغرا.

[۴۰۶] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن عاصم الحناط.

[۴۰۷] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن عاصم.

[۴۰۸] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن سيف بن عميره.

[۴۰۹] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبى المغرا.

[۴۱۰] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبى المغرا.

[۴۱۱] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[۴۱۲] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[۴۱۳] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبى المغرا.

[۴۱۴] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن مندل.

[۴۱۵] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبى أيّوب الخزّاز.

[۴۱۶] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن مندل.

[۴۱۷] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن مندل.

[۴۱۸] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبيه.

[۴۱۹] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد

بن عبد اللّه، عن يعقوب بن يزيد، عن ابن أبى عمير.

[۴۲۰] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس قال: حدّثنى محمد بن أحمد قال: حدّثنى محمد بن حسّان، عن إسماعيل بن مهران، عن الحسن بن على، عن أبيه.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۹۱

[۴۲۱] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى قال: حدّثنى أحمد بن معروف.

[۴۲۲] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن العباس، عن حمّاد بن عمرو.

[۴۲۳] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن حسّان، عن إسماعيل بن مهران، عن الحسن بن على.

[۴۲۴] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن على بن أبى القاسم الكندى، عن محمد بن عبد الواحد، عن أبى الحلبا يرفع الحديث عن على بن زيد بن جدعان، عن زرّ بن حبيش.

[۴۲۵] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن عاصم الحنّاط.

[۴۲۶] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبيه.

[۴۲۷] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن سيف بن عميره.

[۴۲۸] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن الحسين بن أبى العلاء.

[۴۲۹] و بهذا الإسناد، عن الحسن بن على، عن محمد بن مسكين، عن عمرو بن شمر.

[۴۳۰] بهذا الإسناد، عن الحسن بن على.

[۴۳۱] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبيه.

[۴۳۲] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[۴۳۳] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن محمد بن مسكين، عن عمرو بن شمر.

[۴۳۴] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن محمد بن مسكين، عن عمرو بن شمر.

[۴۳۵] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[۴۳۶] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[۴۳۷] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن سيف بن عميره.

[۴۳۸] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن عاصم الحنّاط.

[۴۳۹] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن الحسين بن أبى

العلاء.

[۴۴۰] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[۴۴۱] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[۴۴۲] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[۴۴۳] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[۴۴۴] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[۴۴۵] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن الحسين بن أحمد المقرىّ.

[۴۴۶] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبيه.

[۴۴۷] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبيه.

[۴۴۸] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبى المغرا.

[۴۴۹] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن مندل.

[۴۵۰] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبيه؛ و الحسين بن أبى العلاء.

[۴۵۱] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[۴۵۲] و بهذا الإسناد، عن الحسن.

[۴۵۳] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن ابن مسكان.

[۴۵۴] أبى رحمه اللّٰه، عن سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب.

[۴۵۵] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبيه.

[۴۵۶] أبى رحمه اللّٰه، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن حسّان، عن إسماعيل بن مهران، عن الحسن، عن سيف بن عميره.

[۴۵۷] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[۴۵۸] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبى عبد اللّٰه المؤمن، عن ابن مسكان.

[۴۵۹] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن إسماعيل بن الزبير.

[۴۶۰] بهذا الإسناد، عن الحسن.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۹۳

[۴۶۱] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار قال: حدّثنى محمد بن أحمد، عن سهل بن زياد، عن جعفر بن محمد بن يسار، عن عبيد اللّٰه الدّهقان.

[۴۶۲] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن حسّان، عن إسماعيل بن مهران، عن الحسن.

[۴۶۳] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن الحسين بن أبى العلاء.

[۴۶۴] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن الحسين بن أبى العلاء.

[۴۶۵] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبى المغرا.

[۴۶۶] بهذا الإسناد، عن

الحسن، عن إسماعيل بن الزبير.

[۴۶۷] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن الحسين بن أبى العلاء.

[۴۶۸] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[۴۶۹] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبان بن عبد الملك.

[۴۷۰] بهذا الإسناد، عن الحسن.

[۴۷۱] بهذا الإسناد، عن الحسن، عن سيف بن عميره.

[۴۷۲] و بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبى عبد اللَّه.

[۴۷۳] و بهذا الإسناد، عن الحسن، عن مندل.

[۴۷۴] و بهذا الإسناد، عن الحسن، عن سيف بن عميره.

[۴۷۵] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا محمد بن يحيى قال: حدّثنى محمد بن أحمد، عن أحمد بن هلال.

[۴۷۶] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن إبراهيم بن هاشم، عن النّوفلىّ.

[۴۷۷] و بهذا الإسناد، عن الحسن، عن أبان بن عثمان.

[۴۷۸] حدّثنى أحمد بن محمد، عن أبيه قال: حدّثنى محمد بن أحمد، عن أبى الحسن النّهدىّ، عن رجل، عن فضيل بن عثمان قال: أخبرنى رجل، عن عمّار بن جهم الزيّات.

[۴۷۹] أبى رحمه اللَّه عن سعد بن عبد اللَّه، عن احمد بن محمد، عن الحسن بن على، عن الحسن بن جهم.

[۴۸۰] أبى رحمه اللَّه، عن محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد، عن الحسن بن على بن أبى عثمان، عن رجل.

[۴۸۱] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن حسّان، عن إسماعيل بن مهران، عن الحسن، عن الحسين بن أبى العلاء.

[۴۸۲] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن موسى بن جعفر بن وهب البغدادى، عن الحسن بن على الوشّاء.

[۴۸۳] أبى رحمه اللَّه، عن سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد.

حدّثنی محمد بن موسی بن المتوكّل رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن جعفر قال: حدّثنی موسی بن عمران قال: حدّثنا الحسین بن یزید، عن علی بن أبی حمزه.

[۴۸۵] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّٰه قال: حدّثنا إبراهیم بن هاشم، عن علی بن معبد، عن درست.

[۴۸۶] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد بن عیسی و إبراهیم بن هاشم، عن الحسین بن سیف، عن أبیه سیف بن عمیره، عن عمرو بن شمر.

[۴۸۷] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن محمد.

[۴۸۸] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی علی بن إبراهیم، عن أبیه.

[۴۸۹] حدّثنی محمد بن علی ماجیلویه رضی اللّٰه عنه، عن عمّه محمد بن أبی القاسم، عن محمد بن علی الكوفی، عن الحسن بن علی بن یوسف، عن مقاتل بن مقاتل، عن الربیع بن محمد المسلیّ.

[۴۹۰] حدّثنی محمد بن موسی بن المتوكل رضی اللّٰه عنه، عن علی بن الحسین السعدآبادیّ، عن أحمد بن أبی عبد اللّٰه قال: حدّثنا أبو عبد اللّٰه الجامورانیّ، عن الحسن بن علی بن أبی حمزه، عن سیف بن عمیره.

[۴۹۱] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی علی بن موسی، عن أحمد بن محمد، عن علی بن الحكم، عن هشام.

پاداش نیكیها و كیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۷۹۵

[۴۹۲] حدّثنی أحمد بن محمد، عن أبیه، عن أحمد بن محمد، عن أبی عبد اللّٰه البرقیّ عمّن رواه عن أبان.

[۴۹۳] حدّثنی محمد بن موسی بن المتوكّل رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی عبد اللّٰه بن جعفر الحمیری، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن معاویه بن وهب.

[۴۹۴] أبی

رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن القاسم بن محمد، عن سليمان بن داود.

[۴۹۵] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن على، عن على بن عقبه، عن عبد اللّٰه بن سنان.

[۴۹۶] أبى رحمه اللّٰه، عن سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سيف، عن أخيه، عن أبيه، عن عاصم.

[۴۹۷] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى محمد بن أحمد، عن على بن الصلت، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن إسماعيل بن مهران.

[۴۹۸] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى عبد اللّٰه بن جعفر الحميرىّ، عن إبراهيم بن مهزيار، عن أخيه على بن مهزيار، عن فضاله بن أيوب، عن سليمان بن درستويه.

[۴۹۹] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى محمد بن يحيى، عن الحسين بن إسحاق التاجر، عن على بن مهزيار، عمّن رواه عن الحارث الأحوال صاحب الطاق.

[۵۰۰] حدّثنى أحمد بن محمد، عن أبيه، عن أحمد بن محمد، عن على بن إسماعيل.

[۵۰۱] أبى رحمه اللّٰه، عن محمد بن يحيى، عن الحسين بن إسحاق، عن على بن مهزيار، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن خالد، عن ابن المغيره.

[۵۰۲] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن الهيثم بن أبى مسروق النّهدىّ، عن الحسن بن محبوب.

[۵۰۳] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب.

[۵۰۴] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن جميل بن صالح.

[۵۰۵] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه

عنه قال: حدّثنى على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن الحسن بن محبوب، عن هشام بن سالم.

[۵۰۶] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن أبيه، عن حمّاد، عن إبراهيم بن عمر.

[۵۰۷] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن أبيه، عن حمّاد.

[۵۰۸] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن أبى محمد عبد اللّه الغفارى.

[۵۰۹] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار قال: حدّثنى جعفر بن محمد بن عبيد اللّه.

[۵۱۰] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى عبد اللّه بن جعفر الحميرىّ، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن محمد بن أحمد، عن أبان بن عثمان.

[۵۱۱] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّه عنه قال: حدّثنى عمّى محمد بن أبى القاسم، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عبد محمد بن يوسف.

[۵۱۲] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن أبيه، عن حمّاد بن عيسى، عن ربعى.

[۵۱۳] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن أبيه، عن محمد بن سنان.

[۵۱۴] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن أبيه.

[۵۱۵] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن أبيه، عن أحمد بن النضر، عن عمرو بن شمر.

[۵۱۶] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبى

عبد اللَّه، عن أبيه، عن ابن سنان.

[۵۱۷] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى على بن إبراهيم، عن أبيه، عن محمد بن أبى عمير.

[۵۱۸] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه قال: حدّثنى الهيثم بن أبى مسروق النّهدىّ.

[۵۱۹] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن إبراهيم بن هاشم، عن على بن معبد، عن عبد اللَّه بن القاسم.

[۵۲۰] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد، عن الحسن بن الحسين اللّؤلؤىّ، رفعه عن عمرو بن شمر.

[۵۲۱] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصفّار، عن العباس بن معروف، عن ابن سنان.

[۵۲۲] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللَّه عنه، عن محمد بن أحمد، عن الحسن بن الحسين.

[۵۲۳] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه، عن على بن إبراهيم، عن أبيه.

[۵۲۴] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد.

[۵۲۵] حدّثنى الحسين بن أحمد، عن أبيه، عن محمد بن أحمد، عن إبراهيم بن هاشم.

[۵۲۶] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللَّه قال: حدّثنا أحمد بن الخزرج.

[۵۲۷] أبى رحمه اللَّه عن على بن إبراهيم، عن أبيه، عن النّوفلى.

[۵۲۸] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن محمد بن على، عن محمد بن الفضيل.

[۵۲۹] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه.

[۵۳۰] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن أبيه، عن صفوان بن يحيى.

[۵۳۱] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا

سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد، عن عبد الرحمن بن أبى نجران، عن أبى جميله.

[۵۳۲] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن أبيه، عن خلف بن حمّاد، عن إسماعيل الجوهرى.

[۵۳۳] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن أبيه.

[۵۳۴] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدّثنا عبد اللَّه بن جعفر الحميرى، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن معاويه بن وهب.

[۵۳۵] أبى رحمه اللَّه عن سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد بن أبى نصر، عن محمد بن سماعه بن مهران، عن أبيه.

[۵۳۶] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن أبيه، عن ابن أبى عمير.

[۵۳۷] أبى رحمه اللَّه، عن على بن إبراهيم، عن أبيه، عن النّوفلى.

[۵۳۸] أبى رحمه اللَّه عن سعد بن عبد اللَّه، عن محمد بن عيسى اليقطينى، عن عمرو بن إبراهيم.

[۵۳۹] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن محمد بن عذافر.

[۵۴۰] حدّثنا محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن محمد، عن أبيه، عن صفوان، عن عبد اللَّه بن مسكان.

[۵۴۱] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدّثنا على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن أبيه، عن أحمد بن النضر، عن عمرو بن شمر.

[۵۴۲] و

بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن أبيه، عن سعدان بن مسلم.

[۵۴۳] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن أبيه، عن الحسين بن مخلّد، عن أبان الأحمر.

[۵۴۴] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، عن محمد بن عذافر.

[۵۴۵] حدّثنى حمزه بن محمد رضى اللَّه عنه قال: حدّثنا على بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن فضّال.

[۵۴۶] أبى رحمه اللَّه عن سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن أبيه، عن الحسين بن مخلد، عن أبان الأحمر.

[۵۴۷] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن على بن فضّال، عن أبى جميله.

[۵۴۸] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا على بن الحسين السعدآباديّ، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن أبيه، عن سعدان بن مسلم.

[۵۴۹] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن على بن فضّال، عن مثنّى الحنّاط.

[۵۵۰] أبى أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا عبد اللَّه بن جعفر الحميرى، عن يعقوب بن يزيد، عن الحسن بن محبوب، عن حمّاد.

[۵۵۱] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن يعقوب بن يزيد، عن ابن أبى عمير.

[۵۵۲] أبى رحمه اللَّه عن على بن إبراهيم، عن أبيه، عن الحسين بن يزيد النّوفليّ.

[۵۵۳] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه قال حدّثنى عبّاد بن سليمان، عن محمد بن سليمان الدّيلميّ، عن أبيه سليمان، عن

مخلّد بن يزيد النّيسابوريّ.

[۵۵۴] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن عبّاد بن سليمان، عن محمد بن سليمان الدّيلميّ، عن أبيه.

[۵۵۵] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن أبيه، عن حمّاد بن عيسى.

[۵۵۶] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى عبد اللّٰه بن جعفر الحميريّ، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن الحسن بن محبوب، عن على بن رئاب.

[۵۵۷] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى عبد اللّٰه بن جعفر الحميريّ، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن الحسن بن محبوب.

[۵۵۸] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن على بن الحكم، عن سيف بن عميره، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن شرحبيل بن سعد الأنصارى.

[۵۵۹] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن أبى محمد الغفارى.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۰۰

[۵۶۰] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى على بن الحسين السعدآباديّ، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب.

[۵۶۱] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنا على بن إبراهيم، عن أبيه، عن محمد بن أبى عمير، عن الحسين بن نعيم.

[۵۶۲] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى على بن الحسين السعدآباديّ، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه البرقيّ، عن الحسن بن على.

[۵۶۳] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه قال: حدّثنى أبو محمد

الغفارى.

[۵۶۴] حدّثنى محمد بن موسى المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدّثنى عبد اللّه بن جعفر الحميرى، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن الحسن بن محبوب.

[۵۶۵] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن جعفر قال: حدّثنى موسى بن عمران.

[۵۶۶] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد، عن أبى عبد اللّه الرازى، عن الحسن بن على بن أبى عثمان، عن محمد بن سليمان البصرى.

[۵۶۷] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنا أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن السّيّاريّ.

[۵۶۸] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن محمد بن عيسى، عن الحسن بن على بن بنت إلياس.

[۵۶۹] أبى رحمه اللّه، عن أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن أحمد بن محمد، عن نصر بن إسحاق، عن الحارث بن النعمان، عن الهيثم بن حماد.

[۵۷۰] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن أحمد بن محمد، عن محفوظ بن خالد.

[۵۷۱] و بهذا الإسناد، عن محمد بن أحمد، عن أحمد بن محمد، عن نصر، عن وكيع.

[۵۷۲] أبى رحمه اللّه، عن أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد.

[۵۷۳] أبى رحمه اللّه، عن سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن محمد.

[۵۷۴] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن بنان بن محمد، عن أبيه، عن عبد اللّه بن المغيره.

[۵۷۵] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن محمد

بن عیسی.

[۵۷۶] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه قال: حدّثنی محمد بن عیسی.

[۵۷۷] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن یحیی، عن محمد بن أحمد، عن بعض أصحابنا، عن محمد بن بکر، عن زکریا، عن أبی سیّار.

[۵۷۸] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصفّار، عن العباس بن معروف.

[۵۷۹] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی عبد اللّٰه بن جعفر الحمیریّ، عن محمد بن الحسین، عن الطّیالسانیّ، عن فضیل.

[۵۸۰] حدّثنی محمد بن علی ماجیلویه رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن یحیی العطّار قال: حدّثنی محمد بن أحمد، عن محمد بن حسّان، عن جعفر بن عیسی الحسنی قال: حدّثنی رشدین بن سعد، عن معاویه بن صالح، عن أبی إسحاق، عن عباس.

[۵۸۱] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه قال: حدّثنی سلمه بن الخطّاب، عن إسماعیل بن جعفر، عن الحسن بن علی، عن أبیه.

[۵۸۲] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصفّار، عن الحسن بن علی، عن العباس بن عامر، عن أحمد بن رزق، عن یحیی بن العلاء.

[۵۸۳] حدّثنی أحمد بن محمد رضی اللّٰه عنه، عن أبیه، عن محمد بن أحمد، عن السّندی بن محمد.

[۵۸۴] أبی رحمه اللّٰه، عن سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبی عبد اللّٰه قال: حدّثنی محسن بن أحمد، عن أبان الأحمر.

[۵۸۵] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبی عبد اللّٰه، عن أبیه، عن عبد اللّٰه بن المغیره، عن عبد الکریم الخزّاز، عن أبی إسحاق السّبیعی.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۰۲

[۵۸۶] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد

اللَّه، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن محمد بن أبى عمير، عن أبى أيوب.

[۵۸۷] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه.

[۵۸۸] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن الحسن بن على.

[۵۸۹] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد قال: حدّثنا أبى.

[۵۹۰] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه البرقىّ قال: حدّثنا أبى، عن محمد بن أبى عمير.

[۵۹۱] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا على بن إبراهيم، عن أبيه، عن على بن معبد، عن واصل بن عبد اللَّه.

[۵۹۲] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه البرقىّ قال: حدّثنا ابن أبى عمير.

[۵۹۳] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه البرقىّ، عن أبيه، عن عمرو بن سعيد، عن مصدّق بن صدقه.

[۵۹۴] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن جعفر قال: حدّثنى موسى بن عمران، عن الحسين بن يزيد.

[۵۹۵] و بهذا الإسناد، عن الحسين بن يزيد.

[۵۹۶] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن ابن أبى عمير، عن معاويه بن وهب، عن عمر بن يزيد.

[۵۹۷] حدّثنى أحمد بن محمد رضى اللَّه عنه، عن سعد بن عبد اللَّه، عن محمد بن عيسى، عن الحسن بن على بن فضّال، عن غالب بن عثمان.

[۵۹۸] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه

قال: حدّثنی محمد بن یحیی العطار، عن محمد بن أحمد.

[۵۹۹] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصفّار، عن محمد بن عیسی بن

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۰۳

عبید، عن المؤمّل المستهلّ.

[۶۰۰] حدّثنی محمد بن علی ما جیلویه رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی عمی محمد بن أبی القاسم، عن أحمد بن أبی عبد اللّٰه البرقیّ، عن محمد بن علی، عن یونس بن یعقوب.

[۶۰۱] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن محمد.

[۶۰۲] حدّثنی محمد بن موسی بن المتوکّل رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی علی بن الحسین السعدآبادیّ، عن أحمد بن أبی عبد اللّٰه البرقیّ قال: حدّثنی أبو عبد اللّٰه الجامورانیّ، عن الحسن بن علی بن أبی حمزه البطائنی، عن مندل بن علی.

[۶۰۳] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّٰه، عن یعقوب بن یزید.

[۶۰۵] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن أبی عبد اللّٰه قال: حدّثنی أبی، عن علی بن النعمان، عن فضل بن یوسف.

[۶۰۶] حدّثنی محمد بن علی ماجیلویه رضی اللّٰه عنه، عن عمّه محمد بن أبی القاسم، عن محمد بن علی الکوفی، عن محمد بن الحسن.

[۶۰۷] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی علی بن إبراهیم، عن أبیه.

[۶۰۸] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن محمد، عن علی بن الحکم، عن الحسین بن سیف بن عمیره.

[۶۰۹] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن إبراهیم بن هاشم، عن عمرو بن عثمان، عن محمد بن عذافر.

[۶۱۰] حدّثنی محمد بن

الحسن رضـى اللَّه عنه قال: حـدّثنى محمـد بن الحسن الصـفّار، عن معاويه بن حكيم، عن ابن أبى عمير، عن أبان بن عثمان، عن محمد بن سعيد، عن عطيّه العوفى.

[۶۱۱] أبى رحمه اللَّه قال: حـدّثنى محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن الحسن بن الحسـين اللّؤلؤىّ، عن على بن النعمان، عن يحيى بن زكريا، عن محمد بن عبد اللَّه بن رباط.

[۶۱۲] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن محمد بن الحسين،

عن محمد بن إسماعيل، عن صالح بن عقبه.

[۶۱۳] أبى رحمه اللَّه قال: حـدّثنى محمـد بن يحيى، عن محمـد بن أحمد، عن أبى محمد جعفر بن أحمد بن سـعيد البجلى ابن أخى صفوان بن يحيى، عن على بن أسباط، عن سيف بن عميره، عن أبى الصباح بن نعيم العبدى.

[۶۱۴] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن إسماعيل.

[۶۱۵] حدّثنى محمد بن الحسن رضـى اللَّه عنه قال: حدّثنى الحسـين بن الحسن بن أبان، عن الحسـين بن سـعيد، عن فضاله، عن ابن أبى نجران.

[۶۱۶] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن موسى بن عمر.

[۶۱۷] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن العباس بن معروف، عن النّوفلىّ.

[۶۱۸] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن الحسن بن على، عن عبيس بن هشام.

[۶۱۹] حـدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضـى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن موسـى بن جعفر، عن الحسن بن

على بن بقّاح، عن صالح بن عقبه.

[۶۲۰] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن الهيثم بن أبى مسروق النّهدىّ.

[۶۲۱] أبى رحمه اللَّه، عن عبد اللَّه بن جعفر، عن هارون بن مسلم.

[۶۲۲] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه قال: حدّثنى موسى بن جعفر البغدادى، عن محمد بن جمهور، عن عبد اللَّه بن عبد الرحمن.

[۶۲۳] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن على بن السّندى، عن محمد بن عمرو بن سعيد، عن عمرو بن سهل، عن هارون بن خارجه.

[۶۲۴] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى على بن موسى، عن أحمد بن محمد، عن بكر بن صالح، عن الحسن بن على، عن عبد اللَّه بن على.

[۶۲۵] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى على بن موسى، عن أحمد بن محمد، عن بكر بن صالح، عن الحسن بن على بن فضّال، عن عبد اللَّه بن إبراهيم.

[۶۲۶] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى على بن موسى، عن أحمد بن محمد، عن على بن الحكم، عن سيف، عن عبد الرحمن بن سيابه، عن أبى إسحاق.

[۶۲۷] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن العباس بن معروف، عن على بن مهزيار، عن جعفر بن بشير.

[۶۲۸] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى عبد اللَّه بن جعفر الحميرى، عن إبراهيم بن مهزيار، عن أخيه على بن مهزيار، عن عمرو بن عثمان، عن المفضّل.

[۶۲۹] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى عبد اللَّه بن جعفر، عن إبراهيم بن مهزيار، عن أخيه على، عن ابن أبى عمير، عن منصور بن

يونس.

[۶۳۰] حدّثنى الحسين بن أحمد، عن عبد اللَّه بن محمد بن عيسى، عن أبيه، عن عبد اللَّه بن المغيره.

[۶۳۱] حدّثنى أحمد بن محمد رضى اللَّه عنه، عن أبيه، عن الحسين بن إسحاق، عن على بن مهزيار، عن محمد بن أبى عمير، عن منصور بن يونس.

[۶۳۲] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن عبد اللَّه بن سنان؛ و عبد العزيز.

[۶۳۳] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب قال:

[۶۳۴] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن مالك بن عطيه.

[۶۳۵] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى عبد اللَّه بن جعفر الحميرى، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب.

[۶۳۶] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللَّه عنه، عن عمّه محمد بن أبى القاسم، عن أحمد بن أبى

عبد اللَّه، عن الحسن بن محبوب.

[۶۳۷] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه قال: حدّثنى الهيثم بن أبى مسروق النّهدى، عن الحسن بن محبوب.

[۶۳۸] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن جميل.

[۶۳۹] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللَّه عنه، عن عمّه محمد بن أبى القاسم، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن الحسن بن محبوب.

[۶۴۰] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن

عبد اللّٰه بن مرحوم.

[۶۴۱] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب.

[۶۴۲] حدّثنی أحمد بن محمد رضی اللّٰه عنه، عن أبیه، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن الحسن بن محبوب.

[۶۴۳] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن أبی جمیله.

[۶۴۴] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی أحمد بن إدریس، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب.

[۶۴۵] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن محمد بن الحسین بن أبی الخطّاب، عن العباس بن معروف، عن سعدان بن مسلم.

[۶۴۶] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب قال:

حدّثنی أبو أیوب.

[۶۴۷] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن أبی ولّاد.

[۶۴۸] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن یعقوب بن یزید، عن محمد بن أبی عمیر.

[۶۴۹] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۰۷

[۶۵۰] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصفّار، عن إبراهیم بن هاشم، عن علی بن معبد.

[۶۵۱] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن یعقوب بن یزید، عن إبراهیم بن عقبه، عن سیابه بن أیوب، عن محمد بن الفضیل.

[۶۵۲] حدّثنی محمد بن علی ماجیلویه رضی اللّٰه عنه، عن عمّه محمد بن أبی القاسم، عن أحمد بن أبی عبد اللّٰه، عن أبی حیون، عن أبیه.

[۶۵۴] حدّثنی

على بن أحمد بن عبد اللّه، عن أبيه، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن الحسن بن موسى، عن الحسن بن يحيى.

[۶۵۷] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه قال: حدّثنى الحسن بن موسى الخشّاب.

[۶۵۸] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار قال: حدّثنى محمد بن أحمد، عن على بن الرّيّان.

[۶۵۹] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار عن محمد بن عيسى.

[۶۶۰] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى الحسن بن على القاقولىّ، عن أحمد بن هارون العطّار.

[۶۶۱] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس قال: حدّثنى محمد بن أحمد قال: حدّثنى إسحاق بن إبراهيم، عن محمد بن على، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن سعيد.

[۶۶۲] و بهذا الإسناد، عن محمد بن أحمد قال: حدّثنى أبو يعقوب يوسف بن السّخت، عن الحسن بن سهل البصرى.

[۶۶۳] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّه عنه، عن عمّه محمد بن أبى القاسم، عن محمد بن على، عن عبيد بن يحيى.

[۶۶۴] حدّثنى الحسين بن أحمد، عن أبيه، عن محمد بن أحمد، عن سهل بن زياد، عن هارون بن مسلم، عن رجل من أصحابنا يلقّب سكباج.

[۶۶۵] حدّثنى أحمد بن محمد رضى اللّه عنه قال: حدّثنى أبى، عن محمد بن أحمد، عن إبراهيم بن هاشم، عن

على بن معبد.

[۶۶۶] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن على بن الريّان.

[۶۶۷] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّه عنه، عن عمّه محمد بن أبى القاسم، عن هارون بن

مسلم.

[۶۶۸] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصفّار، عن إبراهیم بن هاشم، عن عبد اللّٰه بن المغیره.

[۶۶۹] حدّثنی جعفر بن علی بن الحسن الکوفی رضی اللّٰه عنه، عن جدّه الحسن بن علی بن عبد اللّٰه، عن جدّه عبد اللّٰه بن المغیره.

[۶۷۱] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی علی بن الحسن الکوفی، عن أبیه، عن عبد اللّٰه بن المغیره.

[۶۷۲] حدّثنی محمد بن موسی بن المتوکّل رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی علی بن إبراهیم، عن محمد بن عیسی، عن یونس بن عبد الرحمن، عن أبی أیوب الخزّاز.

[۶۷۳] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن أیوب بن نوح.

[۶۷۴] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه، عن محمد بن یحیی، عن محمد بن أحمد، عن العباس بن معروف.

[۶۷۵] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنا محمد بن یحیی، عن محمد بن أحمد، عن موسی بن عمر.

[۶۷۶] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی أحمد بن إدریس، عن محمد بن أحمد، عن یعقوب بن یزید.

[۶۷۷] حدّثنی محمد بن علی ماجیلویه رضی اللّٰه عنه، عن محمد بن یحیی العطّار، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن عیسی، عن عثمان بن عیسی.

[۶۷۸] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصفّار، عن محمد بن عیسی.

[۶۷۹] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبی عبد اللّٰه، عن محمد بن بکر، عن زکریا بن محمد، عن محمد بن عبد العزیز.

[۶۷۰] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصفّار، عن محمد بن الحسین

بن أبی الخطّاب، عن علی

بن أسباط، عن يحيى بن بشير.

[٦٨١] أبى رحمه اللّٰه، عن سعد بن عبد اللّٰه، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن أبى عمير.

[٦٨٢] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّٰه عنه، عن على بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن النّوفلىّ.

[٦٨٣] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس قال: حدّثنى محمد بن أحمد قال: حدّثنى عمر بن على.

[٦٨٤] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى.

[٦٨٥] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس.

[٦٨٦] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن أبى عبيده، عن عبد الرحمن بن محمد، عن الحارث بن بهرام.

[٦٨٧] حدّثنى حمزه بن محمد قال: أخبرنى على بن إبراهيم، عن أبيه إبراهيم بن هاشم.

[٦٨٨] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى على بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن محمد بن عمر.

[٦٨٩] أبى رحمه اللّٰه، عن على بن إبراهيم، عن أبيه، عن النّوفلىّ.

[٦٩٠] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه، عن أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد بن يحيى، عن حمزه بن يعلى.

[٦٩١] أبى رحمه اللّٰه، عن سعد بن عبد اللّٰه، عن الفضل بن عامر، عن موسى بن القاسم، عن صفوان بن يحيى.

[٦٩٢] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى عن محمد بن أحمد، عن العباس بن معروف، عن موسى بن القاسم.

[٦٩٣] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه.

[٦٩٤] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد، عن أبى سعيد الآدمى.

[٦٩٥] أبى رحمه اللّٰه، عن سعد بن عبد اللّٰه،

عن معاويه بن حكيم.

[۶۹۶] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد بن يحيى، عن يعقوب بن يزيد.

[۶۹۷] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار.

[۶۹۸] حدّثنى حمزه بن محمد العلوى قال: أخبرنى على بن إبراهيم، عن أبيه، عن النّوفلى.

[۶۹۹] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللَّه عنه، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن أبى عبد اللَّه الرّازى، عن الحسن بن على.

[۷۰۰] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن محمد بن على، عن محمد بن الفضل.

[۷۰۱] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن يحيى الخزّاز.

[۷۰۲] حدّثنى محمد بن موسى رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن إبراهيم بن إسحاق، عن محمد بن الأصبغ، عن إسماعيل بن مهران.

[۷۰۳] و بهذا الإسناد، عن إبراهيم بن إسحاق، عن محمد بن خالد، عن عثمان بن عيسى.

[۷۰۴] أبى رحمه اللَّه، عن سعد بن عبد اللَّه، عن يعقوب بن يزيد.

[۷۰۵] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى عبد اللَّه بن جعفر، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب قال:

[۷۰۶] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب.

[۷۰۷] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى محمد بن أحمد بن خالد، عن محمد بن على، عن عمر بن عبد العزيز.

[۷۰۸] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى محمد بن يحيى، عن الحسين بن إسحاق التاجر، عن على بن مهزيار،

عن فضاله بن أيوب.

[۷۰۹] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن إسحاق بن سعد.

[۷۱۰] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى على بن إبراهيم، عن أبيه، عن النّوفلىّ.

[۷۱۱] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: أخبرنى عبد اللّٰه بن جعفر، عن هارون بن مسلم.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۱۱

[۷۱۲] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّٰه عنه، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن الحسين، عن جعفر بن بشير.

[۷۱۳] حدّثنى الحسين بن أحمد رضى اللّٰه عنه، عن أبيه، عن محمد بن أحمد، عن إبراهيم بن هاشم، عن عبد الجبار و إسماعيل و الرّيّان.

[۷۱۴] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن العباس بن معروف، عن الحسن بن محبوب.

[۷۱۵] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى عبد اللّٰه بن جعفر، عن محمد بن عيسى، عن عبيد اللّٰه الدّهقان، عن درست.

[۷۱۶] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه، عن محمد بن الحسن الصفّار، قال: حدّثنى أحمد بن إسحاق بن سعد.

[۷۱۹] و بهذا الإسناد، عن بكر بن محمد.

[۷۲۱] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن العباس بن معروف، عن ابن أبى نجران، عن محمد بن القاسم.

[۷۲۲] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّٰه، عن سلمه بن الخطّاب، عن أحمد بن عبد الرحمن، عن إسماعيل بن عبد الخالق.

[۷۲۳] و بهذا الإسناد، عن سلمه، عن على بن الحسن، عن أحمد بن محمد المؤدّب، عن عاصم بن حميد.

[۷۲۴] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّٰه قال: حدّثنا سلمه بن الخطّاب، عن

على بن الحسان، عن محمد بن حمّاد، عن أبيه.

ابن بابويه، محمد بن على - مجاهدى، محمد على، پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ۱جلد، انتشارات سرور - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۱ش. پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال ؛ ؛ ص۸۱۱

[۷۲۵] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه البرقى، عن أبيه.

[۷۲۸] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن العباس بن معروف، عن أبى همام، عن محمد بن غزوان.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۱۲

[۷۲۹] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنا محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن إسماعيل، عن على بن الحكم.

[۷۳۰] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن القاسم بن يحيى، عن جده الحسن بن راشد.

[۷۳۱] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنا على بن الحسين السّعد آبادى، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه البرقى، عن على بن الحكم.

[۷۳۲] حدّثنى محمد بن على ما جيلويه رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى عمّى محمد بن أبى القاسم، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه البرقى، عن أبيه، عن ابن أبى عمير.

[۷۳۳] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنا على بن الحسين السّعد آبادى، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن بكر بن صالح.

[۷۳۴] و بهذا الإسناد، عن سليمان بن جعفر الجعفرى.

[۷۳۵] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن محمد بن عيسى اليقطينى، عن الدّهقان، عن

درست.

[۷۳۶] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّه عنه، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن يعقوب بن يزيد.

[۷۳۷] أبی رحمه اللّه قال: حدّثنی أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد.

[۷۳۸] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّه عنه، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن علی بن محمد القاشانی، عن القاسم بن محمد، عن سليمان بن داود، عن سفيان بن عيينه.

[۷۳۹] حدّثنی الحسين بن أحمد رحمه اللّه، عن أبيه، عن محمد بن أحمد قال:

[۷۴۰] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّه عنه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّه، عن القاسم بن محمد، عن سليمان بن داود، عن سفيان بن عيينه.

[۷۴۱] أبی رحمه اللّه قال: حدّثنا عبد اللّه بن جعفر الحميری، عن محمد بن الحسين بن أبی الخطاب، عن الحكم بن مسكين.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۱۳

[۷۴۲] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّه عنه، عن محمد بن الحسن الصّفّار، عن العباس بن معروف، عن الحسن بن علی بن فضّال، عن ظريف بن ناصح.

[۷۴۳] حدّثنی أحمد بن محمد رضی اللّه عنه، عن أبيه، عن محمد بن أحمد، عن إبراهيم بن إسحاق، عن عبد اللّه بن أحمد.

[۷۴۴] أبی رحمه اللّه قال: حدّثنی أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن الأصبغ، عن إسماعيل بن مهران.

[۷۴۵] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّه عنه قال: حدّثنی محمد بن يحيی، عن محمد بن أحمد، عن سهل بن زياد، عن جعفر بن محمد بن بشّار، عن عبيد اللّه، عن درست.

[۷۴۶] أبی رحمه اللّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سيف، عن أخيه، عن أبيه، عن داود بن سليمان، عن كثير بن سليم.

[۷۴۷]

و بهذا الإسناد، عن أحمد بن محمد، عن منصور، عن فضيل أبى محمد.

[۷۴۸] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس و محمد بن يحيى العطّار جميعا عن محمد بن أحمد، عن محمد بن حسّان، عن الحسين بن محمد النّوفلى- من ولد نوفل بن عبد المطّلب- قال: أخبرنى جعفر بن محمد، عن محمد بن على.

[۷۴۹] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن سنان.

[۷۵۰] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن على بن إسماعيل، عن حمّاد بن عيسى، عن حريز بن عبد اللّه.

[۷۵۱] حدّثنى محمد بن موسى رضى اللّه عنه قال: حدّثنى عبد اللّه بن جعفر قال: حدّثنى أحمد بن أبى عبد اللّه، عن أبى الجوزاء المنبّه بن عبد اللّه، عن الحسين بن، علوان عن عمرو بن خالد.

[۷۵۲] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّه عنه، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن الحسن بن موسى الخشّاب، عن غياث بن كلوب.

[۷۵۳] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن الهيثم بن أبى مسروق النّهدى، عن الحسن بن محبوب، عن عبد اللّه بن غالب.

[۷۵۴] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّه عنه، عن على بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن إسماعيل بن مرّار، عن يونس بن عبد الرحمن.

[۷۵۵] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى عبد اللّه بن جعفر الحميرى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن على بن سيف، عن أخيه الحسين، عن أبيه سيف بن عميره، عن عمرو بن شمر.

[۷۵۶] و

بهذا الإسناد، عن سيف بن عميره، عن عبد الحميد بن بهرام، عن شهر بن حوشب.

[۷۵۷] و بهذا الإسناد، عن سيف بن عميره، عن أشعث بن سوّار، عن الأحنف بن قيس.

[۷۵۸] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن الحسين بن سعيد.

[۷۵۹] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه، عن محمد بن الحسن الصّفّار، عن العباس بن معروف، عن سعدان بن مسلم.

[۷۶۰] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی محمد بن يحيی، عن محمد بن أحمد.

[۷۶۱] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصفّار، عن إبراهيم بن هاشم، عن النّوفلی.

[۷۶۲] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّٰه قال: حدّثنا إبراهيم بن هاشم، عن عمرو بن عثمان، عن محمد بن عذافر الصّيرفیّ.

[۷۶۴] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن علی، عن عبد اللّٰه بن سنان.

[۷۶۵] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن محمد.

[۷۶۶] حدّثنی محمد بن علی ماجيلويه رضی اللّٰه عنه، عن محمد بن يحيی العطّار، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن حسان الرازی، عن أبی محمد الرّازی، عن أبی المغرا.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۱۵

[۷۶۷] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن أبی القاسم، عن أحمد بن أبی عبد اللّٰه، عن الحسن بن الحسين بن يزيد، عن إبراهيم بن أبی بكر، عن عاصم.

[۷۶۸] حدّثنی حمزه بن محمد العلوی، عن علی بن إبراهيم، عن أبيه، عن عبد اللّٰه بن المغيره.

[۷۷۰] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه

عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن على بن الحكم.

[۷۷۱] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه البرقى، عن أبيه.

[۷۷۲] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار.

[۷۷۳] أبى رحمه اللَّه، عن سعد بن عبد اللَّه، عن سلمه بن الخطّاب، عن إسماعيل بن إسحاق، عن إسماعيل بن أبان.

[۷۷۴] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن سلمه بن الخطّاب، عن على بن الحسن، عن محسن بن أحمد، عن أبان بن عثمان.

[۷۷۵] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدّثنا على بن الحسين السّعد آبادى، عن أحمد بن أبى عبد اللَّه البرقى، عن أبيه، عن أحمد بن النضر الخزّاز، عن عمرو بن شمر.

[۷۷۶] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن أيوب بن نوح، عن محمد بن أبى عمير، عن ابن سنان قال: حدّثنى رجل من همدان يقال له عبيد اللَّه بن الضحاك، عن أبى خالد الأحمر.

[۷۷۷] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى عبد اللَّه بن جعفر الحميرى، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب.

[۷۷۸] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد، عن العبيدى.

[۷۷۹] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصفّار، عن سلمه بن الخطّاب، عن أيوب بن سليم العطّار، عن إسحاق بن بشر الكاهلى، عن سالم الأفطس، عن سعيد بن جبير.

[۷۸۰] حدّثنى

محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصفّار، عن موسى بن عمر، عن أبى عبد اللَّه، عن يحيى بن خاقان، عن رجل.

[۷۸۱] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد، عن إبراهيم بن هاشم.

[۷۸۲] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصفّار عن محمد بن عيسى، عن عباس الزّيّات.

[۷۸۳] أبى و محمد بن الحسن رضى اللَّه عنهما قالا: حدّثنا أحمد بن إدريس و محمد بن يحيى العطّار، جميعا عن محمد بن أحمد.

[۷۸۴] حدّثنى أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن صفوان بن يحيى.

[۷۸۵] أبى رحمه اللَّه قال حدّثنى سعد بن عبد اللَّه، عن جعفر بن محمد بن عبيد اللَّه.

[۷۸۶] حدّثنى محمد بن على ما جيلويه رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى عمّى محمد بن أبى القاسم قال: حدّثنى محمد بن على الكوفى، عن المفضّل بن صالح الأسدى.

[۷۸۷] حدّثنى محمد بن الحسن بن الوليد رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن المثنّى.

[۷۸۸] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى على بن موسى، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن على الوشّاء، عن كرّام الخثعمى، عن أبى الصامت.

[۷۸۹] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن على، عن عبد الرحمن بن أبى نجران، عن عاصم.

[۷۹۰] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضّال، عن على بن عقبه بن خالد.

[۷۹۱] أبى رحمه اللَّه

قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن أبى عبد اللّه البرقىّ قال: حدّثنى عبد العظيم بن عبد اللّه الحسنى- و كان مرضيا- عن محمد بن عمر، عن حمّاد بن عثمان.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ٨١٧

[٧٩٢] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن إسماعيل بن مهران، عن رجل، عن أبى المغرا، عن ذريح.

[٧٩٣] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل قال: حدّثنى عبد اللّه بن جعفر الحميرى، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن هشام بن سالم.

[٧٩۴] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن خالد، عن القاسم بن محمد الجوهرى، عن الحسين بن أبى العلاء.

[٧٩۵] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّه عنه قال: حدّثنى عمّى محمد بن أبى القاسم، عن محمد بن على الكوفى، عن المفضل بن صالح الأسدى.

[٧٩۶] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن جعفر قال: حدّثنى موسى بن عمران، عن الحسين بن يزيد، عن على بن أبى حمزه.

[٧٩٧] و بهذا الإسناد، عن الحسين بن يزيد.

[٧٩٨] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد قال: حدّثنى أبو عبد اللّه الرّازى، عن أحمد بن محمد بن أبى نصر، عن صالح بن سعيد، عن أبى سعيد القمّاط.

[٧٩٩] و بهذا الإسناد، عن محمد بن أحمد، عن إبراهيم بن إسحاق، عن عبد اللّه بن حمّاد.

[٨٠٠] و بهذا الإسناد، عن عبد اللّه بن حمّاد، عن عبد اللّه بن بكير.

[٨٠١] و بهذا الإسناد، عن عبد اللّه بن حماد، عن عمرو بن شمر.

[٨٠٢] حدّثنى محمد بن الحسن رضى

اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن أحمد قال حدّثنى أبو عبد اللّٰه الرازى.

[٨٠٣] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن محمد بن عيسى، عن الفضل بن كثير المدائنى.

[٨٠۴] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن على الوشّاء، عن أحمد بن عائذ.

[٨٠۵] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، قال: حدّثنى عبّاد بن سليمان.

[٨٠۶] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه قال: حدّثنى أحمد بن أبى عبد اللّٰه عن على بن عبد اللّٰه، عن موسى بن سعدان، عن عبد اللّٰه بن القاسم الحضرمى.

[٨٠٧] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه.

[٨٠٨] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه قال: حدّثنى أبو عمران الأرمنى، عن الحسن بن على بن أبى حمزه البطائنى.

[٨٠٩] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن إسماعيل بن مهران قال: أخبرنى أبى.

[٨١٠] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه.

[٨١١] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد قال: حدّثنى إبراهيم بن إسحاق، عن محمد بن سليمان الدّيلمى، عن أبيه سليمان.

[٨١٢] و بهذا الإسناد، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن على الهمدانى.

[٨١٣] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن على بن الحكم.

[٨١۴] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن الحكم بن مسكين.

[٨١۵] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد

بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن خالد، عن النضر، عن يحيى الحلبى، عن أبى المغرا، عن أبى بصير.

[۸۱۶] و بهذا الإسناد، عن محمد بن خالد، عن حمزه بن عبد اللَّه، عن هاشم بن أبى سعيد.

[۸۱۷] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضّال، عن على بن عقبه، عن عمر بن أبان.

[۸۱۸] حدّثنى على بن أحمد رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن جعفر الأسدى قال: حدّثنى محمد بن أبى القاسم قال: حدّثنى إسحاق بن إبراهيم العطّار قال: حدّثنى على بن موسى البصرى قال:

حدّثنا سليمان بن عيسى السجزى قال: حدّثنا إسرائيل، عن أبى إسحاق.

[۸۱۹] حدّثنى على بن أحمد رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن جعفر قال: حدّثنى محمد بن أبى بشر قال:

حدّثنى محمد بن عيسى الدّامغانى قال: حدّثنى محمد بن خالد البرقى.

[۸۲۰] حدّثنى على بن أحمد رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن جعفر قال: حدّثنى مسلمه بن عبد الملك قال:

[۸۲۱] حدّثنى أحمد بن محمد رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللَّه قال: حدّثنى أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن صفوان بن يحيى.

[۸۲۲] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى عبد اللَّه بن جعفر الحميرى، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن الحسن بن محبوب، عن هشام بن سالم.

[۸۲۳] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن جعفر قال: حدّثنا موسى بن عمران النّخعى قال: حدّثنى الحسين بن يزيد النّوفلى.

[۸۲۴] و بهذا الإسناد، عن إسماعيل

بن مسلم، عن مروان بن شجاع، عن سالم الأفطس.

[۸۲۵] و حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن جعفر قال: حدّثنى أحمد بن محمد العاصمى قال: حدّثنى على بن عاصم الهمدانى، عن محمد بن عبد الرحمن العرزمىّ، عن يحيى بن سالم.

[۸۲۶] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن جعفر قال: حدّثنى موسى بن عمران قال: حدّثنى الحسين بن يزيد.

[۸۲۷] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن محمد بن الحسين، عن ابن فضّال، عن معاويه بن وهب، عن أبى سلّام.

[۸۲۸] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدّثنى عبد اللّه بن جعفر، عن محمد بن الحسين، عن الحسن بن محبوب، عن أبان.

[۸۲۹] أبى رحمه اللّه، عن سعد بن عبد اللّه، عن محمد بن الحسين، عن عبد الرحمن بن أبى هاشم البزّاز الأسدى.

[۸۳۰] و بهذا الإسناد، عن محمد بن الحسين، عن ابن سنان، عن يحيى أخى أديم.

[۸۳۱] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن العباس بن معروف،

عن الحسن بن محبوب.

[۸۳۲] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن محمد بن عيسى، عن محمد بن عبد الرحمن و محمد بن سنان.

[۸۳۳] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، قال: حدّثنى عبّاد بن سليمان، عن محمد بن سليمان الديلمى.

[۸۳۴] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن يعقوب بن يزيد، عن زياد القندى، عن محمد بن أبى حمزه.

[۸۳۵] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه

قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن إبراهيم بن هاشم، عن عثمان بن عيسى، عن عمرو بن شمر.

[۸۳۶] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن الحسين.

[۸۳۷] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن سنان.

[۸۳۸] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن منصور، عن رجل.

[۸۳۹] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد، عن أحمد بن محمد، عن أبيه.

[۸۴۰] و بهذا الإسناد، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن الحسين، عن نصر بن مزاحم، عن عمر بن سعد، عن محمد بن يحيى الحجازى، عن إسماعيل بن داود أبى العباس الأسدى، عن سعيد بن الخليل.

[۸۴۱] و بهذا الإسناد، عن عمر بن سعد.

[۸۴۲] و بهذا الإسناد، عن عمر بن سعد قال: حدّثنى أبو معاويه، عن الأعمش.

[۸۴۳] حدّثنى على بن أحمد بن عبد اللَّه، عن أبيه، عن جدّه أحمد بن أبى عبد اللَّه، عن أبيه محمد بن خالد بإسناده يرفعه إلى عنبسه الطائى.

[۸۴۴] أبى رحمه اللَّه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار قال: حدّثنى محمد بن أحمد قال: حدّثنى عبد اللَّه بن محمد، عن على بن زياد.

[۸۴۵] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللَّه عنه قال: حدّثنى عبد اللَّه بن جعفر الحميرى، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن مالك بن عطيه.

[۸۴۶]

أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن بعض أصحابنا، عن على بن إسماعيل الميثمى، عن بشير الدهّان.

[۸۴۷] حدّثنى محمد بن على ما جيلويه رضى اللّه عنه قال: حدّثنى عمّى محمد بن أبى القاسم، عن محمد بن على الكوفى.

[۸۴۸] حدّثنى محمد بن على ما جيلويه رضى اللّه عنه قال: حدّثنى عمّى محمد بن أبى القاسم، عن محمد بن على الكوفى، عن عثمان بن عفان السّدوسى.

[۸۴۹] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس قال: حدّثنى أحمد بن أبى عبد اللّه قال: حدّثنى عثمان بن عيسى، عن عمرو بن خالد.

[۸۵۰] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن أبى عبد اللّه قال: حدّثنى عده من أصحابنا، عن على بن أسباط.

[۸۵۱] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن القاسم بن محمد، عن سليمان بن داود.

[۸۵۲] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى على بن إبراهيم، عن أبيه، عن محمد بن أبى عمير.

[۸۵۳] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن يعقوب بن يزيد، عن صفوان، عن عبد اللّه بن الوليد النّخعى.

[۸۵۴] و بهذا الإسناد، عن صفوان، عن حفص.

[۸۵۵] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، قال: حدّثنى يعقوب بن

يزيد.

[۸۵۶] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل قال: حدّثنى على بن إبراهيم، عن أبيه، عن النّوفلى.

[۸۵۷] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن عثمان بن عيسى.

[۸۵۸] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه

رضى اللّٰه عنه، عن عمّه محمد بن أبى القاسم، عن محمد بن على الكوفى.

[۸۵۹] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه، قال حدّثنى على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن منصور بن العباس، عن سعيد بن جناح.

[۸۶۰] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن أبيه، عن القاسم بن عروه، عن عبد اللّٰه بن بكير.

[۸۶۱] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن محمد بن على الكوفى، عن على بن النعمان.

[۸۶۲] و بهذا الإسناد، عن محمد بن على الكوفى، عن أبى جميله.

[۸۶۳] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن أبى عمير.

[۸۶۴] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن أبيه.

[۸۶۵] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن أبيه، عن محمد بن سنان.

[۸۶۶] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن محمد بن على الكوفى.

[۸۶۷] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن محمد بن عبد الحميد العطّار، عن عاصم بن حميد.

[۸۶۸] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّٰه، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن عبد اللّٰه بن جبله، عن أبى عبد اللّٰه الخراسانى.

[۸۶۹] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن الحسن الميثمى، عن هشام بن أحمر و عبد اللّٰه بن مسكان.

[۸۷۰] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنا عبد اللّٰه بن جعفر الحميرى، عن أحمد بن محمد، عن أبيه، عن بكر بن

صالح، عن الحسن بن على.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ٨٢٣

[٨٧١] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار، عن العمركى الخراسانى.

[٨٧٢] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى على بن إبراهيم، عن أبيه، عن النّوفلى.

[٨٧٣] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّيفّار، عن السّندى بن محمد، عن صفوان بن يحيى.

[٨٧٤] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن أبى الجوزاء، عن الحسين بن علوان.

[٨٧٥] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد ابن أبى عمير.

[٨٧٦] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن محمد، عن على بن الحكم، عن أبان الأحمر، عن رجل.

[٨٧٧] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن محمد، عن عبد الرحمن بن أبى نجران، عن أبى جميله.

[٨٧٨] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى عبد اللّٰه بن جعفر الحميرى، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن الحسن بن محبوب، عن أبى أيوب.

[٨٧٩] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن أبيه، عن صفوان، عن العلاء.

[٨٨٠] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضّال، عن ثعلبه بن ميمون.

[٨٨١] حدّثنى محمد بن على ما جيلويه رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى على بن إبراهيم، عن أبيه، عن محمد بن أبى عمير.

[٨٨٢] حدّثنى محمد بن على ما جيلويه رضى اللّٰه عنه، عن محمد بن أبى القاسم، عن محمد بن على القرشى، عن على

بن عثمان بن رزين، عن محمد بن فرات خال بنى عمّار الصّيرفى.

[۸۸۳] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن جعفر بن محمد بن عبيد اللّٰه، عن عبد اللّٰه بن ميمون.

[۸۸۴] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن يعقوب بن يزيد، عن عبد الرحمن بن حمّاد، عن حنان بن سدير.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۲۴

[۸۸۵] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن محمد بن على الكوفى، عن على بن حمّاد.

[۸۸۶] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن أبيه، عن محمد بن يحيى الخزّاز و محمد بن سنان و عبد اللّٰه بن المغيره.

[۸۸۷] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى عبد اللّٰه بن جعفر الحميرى، عن أحمد بن محمد، عن الحسن محبوب، عن مالك بن عطيه.

[۸۸۸] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى على بن الحسين السّعد آبادى، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن البزنطى، عن على.

[۸۸۹] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن أبى عمير، عن إبراهيم بن عبد الحميد.

[۸۹۰] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى محمد بن يحيى قال: حدّثنى أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن أبيه، عن محمد بن سنان.

[۸۹۱] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن حمّاد بن عيسى.

[۸۹۲] أبى رحمه

اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن محمد، عن عثمان بن عيسى.

[۸۹۳] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّه عنه، عن عمّه، عن محمد بن على القرشى، عن ابن فضّال، عن المثنّى.

[۸۹۴] حدّثنى أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّه قال: حدّثنا محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن جعفر بن بشير.

[۸۹۵] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّيفّار، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضّال، عن عبد اللّه بن بكير.

[۸۹۶] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن الحكم بن

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۲۵

مسكين.

[۸۹۷] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدّثنى على بن الحسين السعدآبادىّ، عن أحمد بن أبى عبد اللّه، عن أبى عمران الأرمنى، عن عبد اللّه بن عبد الرحمن الأنصارى.

[۸۹۸] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّيفّار، عن يعقوب بن يزيد، عن صفوان بن يحيى، عن هارون بن خارجه.

[۸۹۹] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّه عنه، عن عمّه، عن محمد بن على الكوفى، عن ابن فضّال، عن سعيد بن غزوان.

[۹۰۰] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن يعقوب بن يزيد، عن حمّاد بن عيسى، عن حريز.

[۹۰۱] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن وهيب بن حفص.

[۹۰۲] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّه عنه قال: حدّثنى عبد اللّه بن جعفر الحميرى، عن محمد بن الحسين

بن أبى الخطّاب، عن الحسن بن محبوب، عن جميل بن صالح.

[۹۰۳] حدّثنى محمد بن على ما جيلويه رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى على بن إبراهيم، عن أبيه.

[۹۰۴] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن أبى عبد اللّٰه البرقى، عن ابن فضّال، عن عبد اللّٰه بن بكير.

[۹۰۵] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن أبى القاسم، عن محمد بن على الكوفى، عن حنان بن سدير.

[۹۰۶] و بهذا الإسناد، عن محمد بن على الكوفى، عن على بن النعمان، عن ابن مسكان.

[۹۰۷] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن موسى بن بكر.

[۹۰۸] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن على الوشّاء.

[۹۰۹] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى على بن إبراهيم، عن أبيه.

[۹۱۰] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن محمد بن عيسى بن عبيد، عن النضر بن سويد، عن عاصم بن حميد.

[۹۱۱] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن يعقوب بن يزيد، عن حمّاد بن عيسى، عن حريز و فضيل.

[۹۱۲] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن على، عن عبد العزيز العبدى.

[۹۱۳] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن على بن إسماعيل، عن أحمد بن النضر.

[۹۱۴] أبى رحمه اللّٰه

قال: حدّثنی عبد اللَّه بن جعفر الحمیری، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن الحسن بن محبوب، عن علی بن رئاب.

[٩١٥] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن الحسین بن سعید، عن أخیه الحسن، عن زرعه بن محمد الحضرمی.

[٩١٦] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللَّه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن عبد الرحمن بن أبی نجران، عن عامر بن حکیم.

[٩١٧] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللَّه، عن یعقوب بن یزید، عن محمد بن أبی عمیر، عن عبد اللَّه بن مسکان.

[٩١٨] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللَّه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصّفّار، عن أیوب بن نوح، عن ابن سنان.

[٩١٩] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن أبی عبد اللَّه، عن أبیه، عن خلف بن حمّاد.

[٩٢٠] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبی عبد اللَّه، عن أبیه، عن صفوان بن یحیی.

[٩٢١] حدّثنی محمد بن علی ماجیلویه رضی اللَّه عنه، عن عمّه، عن محمد بن علی الکوفی، عن موسی بن

سعدان، عن عبد اللَّه بن القاسم، عن مالک بن عطیّه.

[٩٢٢] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللَّه قال:

[٩٢٣] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن خالد، عن عبد العظیم بن عبد اللَّه العلوی.

[٩٢٤] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی محمد بن یحیی العطّار، عن محمد بن أحمد، عن إبراهیم بن هاشم، عن یحیی بن أبی عمران الهمدانی.

[٩٢٥] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی علی بن إبراهیم، عن

أبيه.

[۹۲۶] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّٰه عنه، عن عمّه، عن محمد بن على الكوفى، عن موسى بن سعدان، عن الحسين بن أبى العلاء.

[۹۲۷] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار، قال: حدّثنى محمد بن أحمد قال: حدّثنى محمد بن السندى، عن على بن الحكم، عن إبراهيم بن مهزم الأسدى.

[۹۲۸] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن إسماعيل بن مهران، عن الحسن بن على البطائنى، عن أبى عبد اللّٰه المؤمن، عن ابن مسكان.

[۹۲۹] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار.

[۹۳۰] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن إسماعيل بن مهران، عن الحسن بن على البطائنى، عن مندل.

[۹۳۱] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن على بن سيف بن عميره، عن أخيه الحسين، عن أبيه سيف بن عميره.

[۹۳۲] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضّال، عن أبى المغرا.

[۹۳۳] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى عبد اللّٰه بن جعفر الحميرى، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن هشام بن سالم.

[۹۳۴] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضّال، عن حمّاد بن عيسى.

[۹۳۵] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّٰه عنه، عن عمّه، عن محمد بن على الكوفى، عن محمد بن

سنان.

[۹۳۶] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد

بن عبد اللّٰه، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن حمّاد بن عيسى، عن ربعى.

[٩٣٧] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن محمد بن على الكوفى، عن محمد بن سنان.

[٩٣٨] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى محمد بن أبى القاسم، عن محمد بن على الكوفى.

[٩٣٩] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن يعقوب بن يزيد.

[٩٤٠] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن سنان.

[٩٤١] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه، عن محمد بن أبى القاسم، عن محمد بن على الكوفى، عن محمد بن سنان، عن المفضل.

[٩٤٢] و بهذا الإسناد، عن محمد بن سنان.

[٩٤٣] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى عبد اللّٰه بن جعفر الحميرى، عن محمد بن الحسين، عن الحسن بن محبوب، عن مالك بن عطيه.

[٩٤٤] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن فضاله، عن عبد اللّٰه بن بكير.

[٩٤٥] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى محمد بن أبى القاسم، عن محمد بن على الكوفى، عن محمد بن سنان.

[٩٤٦] بهذا الإسناد، عن محمد بن سنان، عن أبى الجارود.

[٩٤٧] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن محمد بن الحسين، عن ابن أبى عمير.

[٩٤٨] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن جعفر بن محمد بن عبيد اللّٰه.

[٩٤٩] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن على بن فضّال.

[٩٥٠] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى

محمد بن أبى القاسم، عن محمد بن على الكوفى، عن المفضّل بن صالح،

عن محمد بن على الحلبى.

[٩٥١] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنا على بن إبراهيم، عن أبيه، عن النّوفلى.

[٩٥٢] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى عبد اللّه بن جعفر، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن أبى عمير، عن هشام بن سالم.

[٩٥٣] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن ابن أبى عمير.

[٩٥٤] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى محمد بن أبى القاسم، عن هارون بن مسلم.

[٩٥٥] أبى رحمه اللّه، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد، عن يعقوب بن يزيد.

[٩٥٦] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن معاويه بن الحكيم، عن ابن أبى عمير، عن أبان بن عثمان.

[٩٥٧] حدّثنى جعفر بن على، عن أبيه على، عن أبيه الحسن بن على بن عبد اللّه بن المغيره، عن العباس بن عامر.

[٩٥٨] و بهذا الإسناد، عن الحسن بن على، عن عثمان بن عيسى.

[٩٥٩] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن محمد بن عيسى العبيدى، عن النضر بن سويد.

[٩٦٠] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّه قال: حدّثنى محمد بن عبد الجبار، عن سيف بن عميره، عن منصور.

[٩٦١] حدّثنى الحسين بن أحمد، عن أبيه، عن محمد بن أحمد، عن على بن إسماعيل، عن أحمد بن النضر، عن عمرو بن شمر.

[٩٦٢] و بهذا الإسناد، عن محمد بن أحمد.

[٩٦٣] أبى رحمه اللّه قال: حدّثنى الحميرى، عن هارون بن مسلم.

[٩٦٤] حدّثنى محمد بن

الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن الحسن بن

على بن فضّال، عن عمرو بن سعيد المدائنى، عن مصدّق بن صدقه.

[٩٦٥] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه قال: حدّثنى إبراهيم بن هاشم، عن عمرو بن سعيد المدائنى.

[٩٦٦] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى محمد بن يحيى، عن محمد بن أحمد.

[٩٦٧] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه قال: حدّثنى يعقوب بن يزيد.

[٩٦٨] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن على بن الحكم.

[٩٦٩] و بهذا الإسناد، عن على بن الحكم.

[٩٧٠] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى عبد اللّٰه بن جعفر الحميرى، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب.

[٩٧١] حدّثنى على بن أحمد قال: حدّثنى محمد بن جعفر الأسدى قال: حدّثنى موسى بن عمران النخعى قال: حدّثنى الحسين بن يزيد النّوفلى، عن محمد بن سنان.

[٩٧٢] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل قال: حدّثنى محمد بن يحيى قال: حدّثنى سهل بن زياد الآدمى، عن يحيى بن المبارك، عن عبد اللّٰه بن جبله.

[٩٧٣] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصفّار، عن يعقوب بن يزيد، عن على بن إسماعيل بن عمّار.

[٩٧٤] حدّثنى على بن أحمد قال: حدّثنى محمد بن جعفر قال: حدّثنى موسى بن عمران قال: حدّثنى الحسين بن يزيد قال:

[٩٧٥] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّٰه عنه، عن عمّه، عن محمد بن على الكوفى، عن محمد بن سنان.

[٩٧٦] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه قال: حدّثنى عبّاد

بن سليمان، عن أبيه، عن هارون بن الجهم.

[٩٧٧] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن محمد بن الحسين بن أبی الخطّاب.

[٩٧٨] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصفّار، عن أحمد بن أبی عبد اللّٰه البرقی قال: حدّثنی إدريس بن الحسن، عن مصبح بن هلقام.

[٩٧٩] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی علی بن إبراهيم، عن أبيه، عن إسماعيل بن مرّار، عن يونس بن عبد الرحمن، عن ابن مسكان.

[٩٨٠] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصّفّار، عن العباس بن معروف، عن سعدان بن مسلم.

[٩٨١] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی محمد بن أبی القاسم، عن محمد بن علی الكوفی، عن محمد بن سنان.

[٩٨٢] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبی عبد اللّٰه البرقی، عن محمد بن علی الكوفی، عن محمد بن سنان.

[٩٨٣] حدّثنی محمد بن موسى بن المتوكّل رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی عبد اللّٰه بن جعفر الحميری، عن محمد بن الحسين بن أبی الخطّاب، عن الحسن بن محبوب، عن المثنى.

[٩٨٤] حدّثنی محمد بن موسى بن المتوكّل رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی عبد اللّٰه بن جعفر الحميری، عن محمد بن الحسين، عن الحسن بن محبوب.

[٩٨٥] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبی عبد اللّٰه، عن أبيه، عن محمد بن سنان، عن العلاء.

[٩٨٦] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبی عبد اللّٰه.

[٩٨٧] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی علی بن إبراهيم، عن أبيه، عن النّوفلی.

[٩٨٨] حدّثنی محمد بن

موسی بن المتوکّل رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی عبد اللّٰه بن جعفر الحمیری، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن مالك بن عطیه.

[۹۸۹] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن أحمد بن محمد بن أبی نصر البزنطی.

[۹۹۰] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن النّوفلی.

پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ۸۳۲

[۹۹۱] حدّثنی محمد بن علی ماجیلویه رضی اللّٰه عنه، عن عمّه محمد بن أبی القاسم، عن محمد بن علی الکوفی، عن محمد بن سنان، عن حمّاد بن عثمان، عن خلف بن حمّاد، عن ربعی.

[۹۹۲] حدّثنی محمد بن موسی بن التوکّل رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی عبد اللّٰه بن جعفر الحمیری، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب.

[۹۹۳] حدّثنی محمد بن علی ماجیلویه رضی اللّٰه عنه، عن عمّه، عن هارون بن مسلم.

[۹۹۴] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی محمد بن یحیی العطّار قال: حدّثنی محمد بن أحمد، عن یعقوب بن یزید، عن محمد بن عمرو.

[۹۹۵] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی عبد اللّٰه بن جعفر، عن هارون بن مسلم.

[۹۹۶] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن یعقوب بن یزید، عن محمد بن إبراهیم النّوفلی.

[۹۹۷] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن محمد بن عیسی.

[۹۹۸] أبی رحمه اللّٰه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن العباس بن معروف، عن رجل، عن مندل بن علی العنزی، عن محمد بن مطرف، عن مسمع.

[۹۹۹] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللّٰه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصّفّار، عن إبراهیم بن هاشم، عن

يحيى بن أبى عمران، عن يونس.

[۱۰۰۰] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن إبراهيم بن هاشم، عن النّوفلى.

[۱۰۰۱] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس، عن محمد بن أحمد، عن إبراهيم بن هاشم.

[۱۰۰۲] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار، عن محمد بن أحمد، عن موسى بن عمران، عن ابن محبوب.

[۱۰۰۳] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد ابن أبى عمير.

[۱۰۰۴] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن يعقوب بن يزيد، عن حمّاد بن عيسى.

[۱۰۰۵] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن أبيه، عن محمد بن سنان، عن

أبى خالد.

[۱۰۰۶] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى عبد اللّٰه بن جعفر الحميرى، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن الحسن بن محبوب، عن عبد اللّٰه بن سنان.

[۱۰۰۷] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه، عن محمد بن الحسن الصّفّار، عن يعقوب بن يزيد.

[۱۰۰۸] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن أبيه، عن هارون بن الجهم.

[۱۰۰۹] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه قال: حدّثنى أحمد بن الحسين بن سعيد.

[۱۰۱۰] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن أبيه.

[۱۰۱۱] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن أبى عمير، عن إبراهيم

بن عبد الحميد.

[۱۰۱۲] حدّثنی الحسین بن أحمد قال: حدّثنی أبی، عن محمد بن أحمد، عن محمد بن إسماعیل، عن علی بن الحکم، عن أبیه، عن أبی الجارود.

[۱۰۱۳] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللَّه قال: حدّثنی محمد بن الحسین بن أبی الخطّاب، عن عبد اللَّه بن جبله، عن أبی طالب، عن هدیّه.

[۱۰۱۴] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی محمد بن یحیی العطّار قال: حدّثنی محمد بن أحمد، عن محمد بن حسان، عن أبی عمران الأرمنی، عن عبد اللَّه بن الحکم، عن معاویه بن عمّار.

[۱۰۱۵] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللَّه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصّفّار، عن العباس بن معروف، عن ابن المغیره.

[۱۰۱۶] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللَّه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصّفّار، عن یعقوب بن یزید.

[۱۰۱۷] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی أحمد بن إدریس، عن محمد بن أحمد، عن موسی بن عمران، عن ابن سنان، عن أبی الجارود، عن سعد الإسکاف.

[۱۰۱۸] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد.

[۱۰۱۹] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللَّه عنه قال: حدّثنی محمد بن أبی القاسم، عن هارون بن مسلم.

[۱۰۲۰] حدّثنی محمد بن علی ما جیلویه رضی اللَّه عنه، عن عمّه، عن محمد بن علی الکوفی، عن ابن فضّال.

[۱۰۲۱] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللَّه عنه قال: حدّثنی الحسن بن متّیل، عن أحمد بن أبی عبد اللَّه، عن یحیی بن المغیره.

[۱۰۲۲] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن محمد بن أبی عمیر، عن معاویه بن عمار.

[۱۰۲۳] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی محمد بن یحیی

العطّار، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضّال، عن عبيد بن زراره.

[۱۰۲۴] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن عثمان بن عيسى، عن ابن مسكان.

[۱۰۲۵] حدّثنى محمد بن على ما جيلويه رضى اللّٰه عنه، عن على بن إبراهيم، عن أبيه، عن محمد بن أبى عمير.

[۱۰۲۶] حدّثنى على بن أحمد بن عبد اللّٰه، عن أبيه، عن جدّه أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن أبيه، عن عثمان بن عيسى.

[۱۰۲۷] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن ابن فضّال.

[۱۰۲۸] و بهذا الإسناد، عن ابن فضّال، عن عبد اللّٰه بن بكير.

[۱۰۲۹] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن على الوشاء، عن أحمد بن عائذ.

[۱۰۳۰] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضّال.

[۱۰۳۱] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن سعيد بن غزوان.

[۱۰۳۲] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى الحسن بن متّيل، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن محمد بن سعيد قال: أخبرنى زكريا بن محمد، عن أبيه.

[۱۰۳۳] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن جعفر بن محمد بن عبيد اللّٰه.

[۱۰۳۴] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن يحيى الخزّاز.

[۱۰۳۵] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه، عن محمد بن الحسن الصفّار، عن محمد بن الحسين بن أبى

الخطّاب.

[۱۰۳۶] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد

بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن على بن عبد اللّٰه، عن عبد الرحمن بن محمد.

[١٠٣٧] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن يحيى الخزّاز.

[١٠٣٨] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن على بن الحكم.

[١٠٣٩] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن على الوشاء، عن أحمد بن عائذ.

[١٠٤٠] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى على بن إبراهيم، عن أبيه، عن محمد بن أبى عمير.

[١٠٤١] حدّثنى محمد بن على ماجيلويه رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى عمّى، عن محمد بن على القرشى، عن عبد الرحمن بن محمد الأسدى.

[١٠٤٢] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن محمد بن سنان، عن عون القلانسى.

[١٠٤٣] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّيفّار، عن المنبّه بن عبد اللّٰه، عن الحسين بن علوان، عن عمرو بن خالد.

[١٠٤٤] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن عثمان بن عيسى، عن عبد اللّٰه بن مسكان.

[١٠٤٥] و بهذا الإسناد، عن عبد اللّٰه بن مسكان، عن داود بن فرقد.

[١٠٤٦] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى على بن الحسين السّعد آبادى، عن أحمد بن أبى عبد اللّٰه، قال: حدّثنى عده من أصحابنا، عن على بن أسباط.

[١٠٤٧] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن الوشّاء.

[١٠٤٨] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى أحمد بن إدريس، عن

أحمد بن أبى عبد اللّٰه، عن أبيه، عن أحمد بن النضر، عن عمرو بن شمر.

پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ص: ٨٣۶

[١٠۴٩] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى على بن إبراهيم، عن أبيه، عن النّوفلى.

[١٠۵٠] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّيفّار، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن أبى عمير.

[١٠۵١] حدّثنى أحمد بن محمد قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن سنان، عن أبى الجارود قال: حدّثنى حبيب بن سنان.

[١٠۵٢] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن على بن فضّال، عن على بن عقبه، عن سماعه بن مهران.

[١٠۵٣] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن محمد، عن عبد اللّٰه بن محمد الحجّال.

[١٠۵۴] و بهذا الإسناد، عن أحمد بن محمد، عن على بن عيسى.

[١٠۵۵] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى عبد اللّٰه بن جعفر، عن محمد بن الحسين، عن الحسن بن محبوب.

[١٠۵۶] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّيفّار، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطّاب، عن على بن أسباط، عن ابن سنان، عن أبى خالد القمّاط الواسطى.

[١٠۵٧] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى على بن إبراهيم، عن أبيه، عن محمد بن أبى عمير، عن عمر بن اذينه.

[١٠۵٨] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن على بن الحكم، عن أبى القاسم، عن عثمان بن عبد اللّٰه.

[١٠۵٩] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن الحسن الصّفّار، عن يعقوب بن يزيد، عن حماد بن

عیسی، عن ربعی بن عبد اللَّه.

[۱۰۶۰] حدّثنی محمد بن موسی بن المتوکّل رضی اللَّه عنه قال: حدّثنی عبد اللَّه بن جعفر، عن محمد بن الحسین بن أبی الخطّاب، عن الحسن بن محبوب، عن هشام بن سالم.

[۱۰۶۱] حدّثنی محمد بن علی ماجیلویه رضی اللَّه عنه قال: حدّثنی علی بن إبراهیم عن أبیه، عن النّوفلی.

[۱۰۶۲] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن أبی عبد اللَّه، عن أبیه، عن هارون بن الجهم.

[۱۰۶۳] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن محمد بن أبی عمیر.

[۱۰۶۴] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد، عن علی بن الحکم.

[۱۰۶۵] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی محمد بن یحیی العطّار، عن أحمد بن أبی عبد اللَّه، عن أبیه، عن أبی نهشل.

[۱۰۶۶] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن النّوفلی.

[۱۰۶۷] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللَّه، عن محمد بن عیسی الیقطینی، عن إبراهیم بن عبد الحمید، عن علی بن أبی حمزه.

[۱۰۶۸] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللَّه قال: حدّثنی محمد بن عیسی، عن الحسن بن محبوب.

[۱۰۶۹] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللَّه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصّفّار، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن عبد اللَّه بن هلال، عن عقبه بن خالد.

[۱۰۷۰] حدّثنی محمد بن موسی بن المتوکّل رضی اللَّه عنه قال: حدّثنی محمد بن یحیی العطّار قال: حدّثنی محمد بن أحمد، عن موسی بن عمر.

[۱۰۷۱] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللَّه.

[۱۰۷۲] أبی رحمه اللَّه قال:

حدّثنی علی بن موسی، عن أحمد بن محمد، عن بکر بن صالح، عن الحسن بن علی بن فضّال، عن عبد اللَّه بن إبراهیم.

[۱۰۷۳] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللَّه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصّفّار، عن أحمد بن أبی عبد اللَّه، عن أبیه رفعه إلی عمر بن أبان.

[۱۰۷۴] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن النّوفلی.

[۱۰۷۵] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی علی بن إبراهیم، عن أبیه.

[۱۰۷۶] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللَّه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصّیفّار، عن یعقوب بن یزید، عن ابن أبی عمیر، عن أبی المغرا.

[۱۰۷۷] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن یعقوب بن یزید، عن ابن سنان.

[۱۰۷۸] حدّثنی محمد بن موسی بن المتوکّل رضی اللَّه عنه قال: حدّثنی عبد اللَّه بن جعفر الحمیری، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب.

[۱۰۷۹] حدّثنی محمد بن الحسن رضی اللَّه عنه قال: حدّثنی محمد بن الحسن الصّیفّار، عن أحمد بن محمد، عن الحسین بن سعید.

[۱۰۸۰] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی سعد بن عبد اللَّه، عن أحمد بن محمد، عن الحسین بن سعید، عن محمد بن أبی عمیر.

[۱۰۸۱] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی عبد اللَّه بن جعفر الحمیری، عن أحمد بن محمد، عن الحسین بن سعید، عن فضاله.

[۱۰۸۲] و بهذا الإسناد، عن الحسین بن سعید، عن محمد بن أبی عمیر، عن علی بن عقبه، عن أبی خالد القمّاط.

[۱۰۸۳] أبی رحمه اللَّه قال: حدّثنی محمد بن أبی القاسم، عن محمد بن علی الکوفی، عن المفضّل بن صالح.

[۱۰۸۴] حدّثنی محمد بن

على ماجيلويه رضى اللّٰه عنه، عن عمّه محمد بن أبى القاسم، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن ابن أبى عمير.

[۱۰۸۵] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن عبد الرحمن بن أبى نجران، عن محمد بن سنان.

[۱۰۸۶] حدّثنى جعفر بن محمد بن مسرور رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى الحسين بن محمد بن عامر، عن عمه عبد اللّٰه بن عامر، عن ابن أبى عمير.

[۱۰۸۷] و بهذا الإسناد، عن ابن أبى عمير، عن حمّاد.

[۱۰۸۸] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن على بن الحكم، عن هشام.

[۱۰۸۹] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى محمد بن أبى القاسم، عن محمد بن على الكوفى، عن محمد بن أسلم الجبلى.

[۱۰۹۰] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن

أبى عمير، عن منصور بن يونس.

[۱۰۹۱] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن محمد بن الحسين، عن صفوان بن يحيى، عن عاصم بن حميد.

[۱۰۹۲] أبى رحمه اللّٰه قال: حدّثنى سعد بن عبد اللّٰه، عن أحمد بن محمد.

[۱۰۹۳] حدّثنى حمزه بن محمد العلوى قال: أخبرنى على بن إبراهيم، عن أبيه، عن النّوفلى.

[۱۰۹۴] حدّثنى محمد بن الحسن رضى اللّٰه عنه، عن الحسن بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد.

[۱۰۹۵] حدّثنى محمد بن الحسين رضى اللّٰه عنه قال: حدّثنى محمد بن يحيى العطّار.

[۱۰۹۶] حدّثنى محمد بن موسى بن المتوكّل رضى اللّٰه عنه قال:

حدّثنى محمد بن جعفر قال: حدّثنى موسى بن عمران قال: حدّثنى عمّى الحسين بن يزيد، عن حماد بن عمرو النّصيبى، عن أبى الحسن الخراسانى، عن ميسره بن عبد اللّه، عن أبى عائشه السّعدى، عن يزيد بن عمر بن عبد العزيز، عن أبى سلمه بن عبد الرحمن.

ابن بابويه، محمد بن على - مجاهدى، محمد على، پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ۱جلد، انتشارات سرور - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۱ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹